

گلچینی از ریاض الصالحین

تألیف:

امام ابوزکریا یحیی بن شرف نووی

(۶۷۶-۶۳۱ هـ ق)

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

زندگینامه‌ی مؤلف.....	۳۶
مقدمه‌ی مؤلف (امام نووی).....	۳۸
بخش اول.....	۴۱
۱- باب الإخلاص وإحضار النيّة في جميع الأعمال والأقوال والأحوال البارزة والخفيّة: باب اخلاص و داشتن نیت در همه‌ی کردارها و گفتارها و حالات پنهان و آشکار.....	۴۲
۲- باب التوبة: باب توبه.....	۴۷
۳- باب الصبر: باب صبر.....	۵۲
۴- باب الصدق: باب راستی و راستگویی.....	۶۳
۵- باب المراقبة: باب توجه به خدا و تفکر در قدرت او.....	۶۵
۶- باب في تقوى: باب در تقوا.....	۶۹
۷- باب اليقين: باب یقین و توکل.....	۷۱
۸- باب الإستقامة: باب استقامت و پایداری.....	۷۷
۹- باب في التفكير في عظيم مخلوقات الله تعالى وفناء الدنيا وأهوال الآخرة وسائر أمورهما وتقصير النفس وتهذيبها وحملها على الإستقامة: باب تفکر در عظمت آفریده‌های خدا و فناى دنیا و ترس‌های آخرت و سایر امور دنیا و قیامت و تقصیر نفس و تهذیب آن و وادار کردنش به استقامت.....	۷۹
۱۰- باب المبادرة إلى الخيرات وحثّ من توجّه لخیر على الإقبال عليه بالجدّ من غير تردّد: باب مبادرت به انجام خیرات و صدقات و تشویق بر روی کردن به آن با جدیت و بدون تردید.....	۸۱
۱۱- باب المجاهدة: باب سعی و کوشش در راه خدا.....	۸۳
۱۲- باب الحث على الإزدياد من الخیر في أواخر العمر: باب ترغیب به ازدیاد خیرات در اواخر عمر.....	۸۹

- ۱۳- باب بیان کثرت طرق الخیر: باب بیان زیاده بودن راه‌های خیر و نیکوکاری ۹۱
- ۱۴- باب الأقتصاد فی الطاعة: باب میانه روی در عبادت ۹۹
- ۱۵- باب فی المحافظة علی الأعمال: باب مداومت بر اعمال ۱۰۳
- ۱۶- باب الأمر بالمحافظة علی السنة وآدابها: باب امر به مداومت بر سنت و آداب آن ۱۰۵
- ۱۷- باب وجوب الإنقیاد لحکم الله وما یقولہ من دعی إلى ذلك وأمر بمعروف أو نهي عن منکر: باب وجوب اطاعت و تسلیم در برابر حکم خدا و نیز آنچه که شخص دعوت شده به این کار و امر شده به معروف و نهی شده از منکر، باید بگوید ۱۱۲
- ۱۸- باب فی النهی عن البدع ومحدثات الأمور: باب در نهی از بدعت‌ها و امور تازه وارد (در دین) ۱۱۵
- ۱۹- باب فیمن سن سنة حسنة أو سيئة: باب در مورد کسی که سنت خوب یا بد بگذارد ۱۱۷
- ۲۰- باب فی الدلالة علی خیر والدعاء إلى هدی أو ضلالة: باب دلالت بر خیر و دعوت به هدایت یا ضلالت ۱۲۰
- ۲۱- باب فی التعاون علی البر والتقوی: باب همکاری در نیکوکاری و پرهیزگاری ۱۲۲
- ۲۲- باب فی النصيحة: باب نصیحت و اندرز و خیرخواهی ۱۲۴
- ۲۳- باب فی الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر: باب در امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۶
- ۲۴- باب تغلیظ عقوبة من أمر بمعروف أو نهي عن منکر وخالف قوله فعله: باب سختی مجازات کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی گفتارش مخالف رفتارش باشد ۱۳۲
- ۲۵- باب الأمر بأداء الأمانة: باب امر به ادای امانت ۱۳۴
- ۲۶- باب تحريم الظلم والأمر برد المظالم: باب تحریم ظلم و امر به رد مظالم و ستم‌هایی که روا داشته شده است ۱۳۵
- ۲۷- باب تعظیم حرمت المسلمین و بیان حقوقهم والشفقة علیهم ورحمتهم: باب احترام به حریم مسلمانان و بیان حقوق آن‌ها و رحم و مهربانی نسبت به آنان ۱۴۱

- ۲۸- باب ستر عورات المسلمین والنهی عن إشاعتها لغير ضرورة: باب پوشاندن عیوب مسلمانان و نهی از اشاعه‌ی آن بدون ضرورت..... ۱۴۶
- ۲۹- باب فی قضاء حوائج المسلمین: باب دربر آوردن نیازهای مسلمانان..... ۱۴۸
- ۳۰- باب الشفاعة: باب شفاعت و میانجیگری..... ۱۴۹
- ۳۱- باب الإصلاح بین الناس: باب اصلاح بین مردم..... ۱۵۰
- ۳۲- باب فضل ضفعة المسلمین والفقراء والخاملین: باب برتری ضعفای مسلمین و فقرا و اشخاص گمنام..... ۱۵۳
- ۳۳- باب ملاطفة الیتیم والبنات وسائر الضعفة والمساکین والمنکسرین والإحسان إلیهم والشفقة علیهم والتواضع معهم وخفض الجناح لهم: باب مهربانی با یتیمان و دختران و سایر ضعیفان و بیچارگان و نیکویی و دلسوزی و تواضع نسبت به آنها و نهایت فروتنی با آنها..... ۱۵۵
- ۳۴- باب الوصیة بالنساء: باب توصیه به رعایت حال زنان..... ۱۵۹
- ۳۵- باب حق الزوج علی المرأة: باب حق مرد بر زن..... ۱۶۳
- ۳۶- باب النفقة علی العیال: باب نفقه زن و فرزند و خادم..... ۱۶۵
- ۳۷- باب الإنفاق مما یجب ومن الجید: باب انفاق از مالی که شخص، آن را دوست دارد و نیک و پاک است..... ۱۶۸
- ۳۸- بیان وجوب أمر أهله وأولاده الممیزین وسائر من فی رعیته بطاعة الله تعالى ونهیهم عن المخالفة، وتأدیهم، ومنعهم من ارتکاب منهی عنه: باب واجب بودن امر انسان به خانواده و فرزندان به سن تمیز رسیده‌ی خود و کسانی که تحت سرپرستی او هستند به طاعت خدا و نهی از سرپیچی از آن، و تأدیب و منع آنان از منهیات..... ۱۷۰
- ۳۹- باب حق الجار والوصیة به: باب حق همسایه و توصیه به مراعات آن..... ۱۷۲
- ۴۰- باب بر الوالدین وصلة الأرحام: باب نیکویی با پدر و مادر و صله‌ی رحم..... ۱۷۴
- ۴۱- باب تحريم العقوق وقطیعة الحرم: باب تحریم نافرمانی و آزار پدر و مادر و قطع صله‌ی رحم..... ۱۷۹

- ۴۲- باب فضل بر أصدقاء الأب والأم والأقارب والزوجة وسائر من يندب إكرامه: باب فضیلت نیکوکاری به دوستان پدر و مادر و نزدیکان و همسر و دیگر کسانی که احترامشان سفارش شده و پسندیده ست ۱۸۲
- ۴۳- باب إكرام أهل بیت رسول الله صلى الله عليه وسلم و بیان فضلهم: باب احترام اهل بیت پیامبر ﷺ و بیان فضیلت ایشان ۱۸۴
- ۴۴- باب توقیر العلماء والكابر وأهل الفضل وتقديمهم علی غیرهم، ورفع مجالسهم، وإظهار مرتبتهم: ۱۸۶
- باب بزرگداشت علما و بزرگان اهل دین و برترشمردن آنان بر دیگران و بالا بردن جایگاه و اظهار رتبه‌ی ایشان ۱۸۶
- ۴۵- باب زیارة أهل الخیر ومجالستهم وصحبتهم ومحبتهم وطلب زیارتهم والدعاء منهم و زیارة المواضع الفاضلة: باب زیارت اهل خیر و همنشینی و معاشرت و دوستی آنان و درخواست دیدار و ملاقات و دعای خیر از آنها و دیدار از جاهای خوب ۱۸۹
- ۴۶- فضل الحب فی الله والحث علیه وإعلام الرجل من یحبه، أنه یحبه، وما ذا یقول له إذا أعلمه: باب فضیلت محبت در راه خدا و تشویق مردم به آن و آگاه نمودن کسی را که دوست دارد از دوستی خود و آنچه مخاطب بعد از خبر دادن او به وی می گوید ۱۹۳
- ۴۷- باب علامات حب الله تعالی للعبد والحث علی التخلق بما والعسی فی تحصیلها: باب نشانه‌های محبت خدا نسبت به بنده و تشویق به خو گرفتن به آن علامت‌ها و تلاش و کوشش در به دست آوردن آنها ۱۹۷
- ۴۸- باب التحذیر من إیذاء الصالحین والضعفة والمساکین: باب بیم دادن از آزار صلحا و ضعفا و فقرا ۱۹۹
- ۴۹- باب إجراء أحكام الناس علی الظاهر وسرائرهم إلی الله تعالی: باب قضاوت در باره‌ی مردم بر حسب ظاهر و (ارجاع) نهاد و درون آنها به خداوند متعال ۲۰۰
- ۵۰- باب الخوف: باب خوف از خدا ۲۰۲
- ۵۱- باب الرجاء: باب رجاء (امید به رحمت خدا) ۲۰۷

- ۵۲- باب فضل الرجاء: باب فضیلت رجا (امید به رحمت خداوند)..... ۲۱۴
- ۵۳- باب الجمع بین الخوف والرجاء: باب جمع میان خوف و رجا ۲۱۶
- ۵۴- باب فضل البكاء خشية الله تعالى وشوقاً إليه: باب فضیلت گریه از خوف خدا و شوق وصال او..... ۲۱۸
- ۵۵- باب فضل الزهد في الدنيا والحث على التقلل منها وفضل الفقر: باب فضیلت زهد در دنیا و تشویق به کم داشتن از دنیا و فضیلت کفر..... ۲۲۱
- ۵۶- باب فضل الجوع وحشونة العيش والإقتصار على القليل من المأكل والمشروب والملبوس وغيرها من حظوظ النفس وترك الشهوات: باب فضیلت گرسنگی و زندگی سخت داشتن و به کم بسنده کردن در خوردن و آشامیدن و لباس و غیر آن از بهره های نفس و ترک نمودن شهوات و آرزوها..... ۲۳۰
- ۵۷- باب القناعة والعفاف والإقتصاد في المعيشة والإنفاق ودم السؤال من غير ضرورة: باب قناعت و عزت نفس و میانه روی در زندگی و بخشش، و نکوهش گدایی بدون ضرورت ۲۳۶
- ۵۸- باب جواز الأخذ من غير مسألة ولا تطلع إليه: باب جواز قبول (چیزی از کسی) بدون خواستن و چشمداشت آن ۲۴۲
- ۵۹- باب الحث على الأكل من عمل يده والتعفف به من السؤال والتعرض للإعطاء: باب تشویق بر خوردن از دسترنج خود و خودداری از گدایی به وسیله ی آن و خود را در معرض بخشش قرار دادن ۲۴۳
- ۶۰- باب الكرم والجود والإنفاق في وجوه الخير ثقة بالله تعالى: باب بخشش و سخاوت و خرج کردن در کارهای خیر به امید خدا و توکل بر او ۲۴۴
- ۶۱- باب النهي عن البخل والشح: باب نهی از بخل و خست ۲۵۰
- ۶۲- باب الإيثار والمواساة: باب ایثار و کمک به یکدیگر ۲۵۱
- ۶۳- باب التنافس في أمور الآخرة والاستكثار مما يُتبرَّكُ به: باب رقابت در امور آخرت و زیاد بهره بردن از چیزهایی که به آنها تبرک جسته می شود ۲۵۴

- ۶۴- باب فضل الغني الشاكر وهو من أخذ المال من وجهه و صرفه في وجوهه المأمور بها: باب فضيلت ثروتمند شاكر و او کسی است که ثروت خود را از راه (صحيح) آن به دست آورَد و در مصارف مشروع آن هزینه کند ۲۵۵
- ۶۵۰- باب ذكر الموت وقصر الأمل: باب یاد مرگ و کوتاه کردن آرزو ۲۵۷
- ۶۶- باب الورع وترك الشبهات: باب ورع و ترك شبهات ۲۶۱
- ۶۷- باب استحباب العزلة عند فساد الناس والزمان أو الخوف من فتنة في الدين أو وقوع في حرام وشبهات ونحوها: باب فضيلت کناره گیری در هنگام فساد مردم و زمانه و خوف از فتنه در دين يا وقوع در محرمات و شبههها و مانند آنها ۲۶۳
- ۶۸- باب فضل الإختلاط بالناس وحضور جمعهم وجماعاتهم ومشاهد الخیر ومجالس الذکر معهم وعیادة مريضهم وحضور جنازتهم ومواساة محتاجهم وإرشاد جاهلهم وغير ذلك من مصالحهم لمن قدر على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وقمع نفسه عن الإيذاء وصبر على الأذى: باب فضيلت اختلاط با مردم و حضور یافتن در جمعهها و جماعات و اجتماعات و جاهای خیر و مجلس ذکر با ایشان و عیادت بیمار و حاضر شدن در تشیع جنازه و دستگیری نیازمندان و ارشاد نادانان و غیر اینها از مصالح مردم برای کسانی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر و خودداری از آزار مردم و تحمل و صبر و بردباری بر آزار و اذیتها هستند ۲۶۴
- ۶۹- باب التواضع وخفض الجناح للمؤمنين: باب تواضع و فروتنی در برابر مؤمنان ۲۶۶
- ۷۰- باب تحريم الكِبَر والإعجاب: باب تحريم تكبر و خودپسندی ۲۷۰
- ۷۱- باب حسن الخلق: باب حسن خلق (نيكوفتاری) ۲۷۳
- ۷۲- باب الحلم والأناة والرفق: باب بردباری و درنگ کردن و شكیایی و سازگاری ۲۷۵
- ۷۳- باب العفو والإعراض عن الجاهلین: باب عفو و گذشت و چشم پوشی از جاهلان ۲۷۹
- ۷۴- باب احتمال الأذى: باب تحمل کردن آزارها ۲۸۱
- ۷۵- باب الغضب إذا انتهكت حرمت الشرع: باب خشم و غضب هنگام هتك حرمت احكام شریعت و یاری کردن دين خدا ۲۸۲
- ۷۶- باب أمر ولاة الأمور بالرفق برعايهم ونصيحتهم والشفقة عليهم والنهي عن غشهم والتشديد عليهم وإهمال مصالحهم والغفلة عنهم وعن حوائجهم: باب امر به والیان و کارفرمایان به مدارا با

- زیردستان و خیرخواهی نسبت به آنها و مهربانی با ایشان و نهی از خیانت با ایشان و سختگیری بر آنان و سهل‌انگاری در مصالح آنها و غفلت از آنان و احتیاجات ایشان... ۲۸۴
- ۷۷- باب الوالی العادل: باب فرمانروای عادل..... ۲۸۶
- ۷۸- باب وجوب طاعة ولاة الأمور في غير معصية وتحريم طاعتهم في المعصية: باب وجوب اطاعت از والیان و فرمانروایان در امور شرع و تحریم اطاعت آنان در غیر مشروع..... ۲۸۸
- ۷۹- باب النهي عن سؤال الإمارة واختيار ترك الولايات إذا لم يتعين عليه أو تدع حاجة إليه: باب نهی از طلب مقام و حکم‌داری و بهتر بودن ترک مسؤولیت‌ها (برای انسان) اگر او را انتخاب نکرده باشند، یا نیازی به او نباشد..... ۲۹۰
- ۸۰- باب حث السلطان والقاضي وغيرهما من ولاة الأمور على اتخاذ وزير صالح وتحذيرهم من قرناء السوء والقبول منهم: باب تشویق فرمانروایان و قاضی و غیر ایشان از والیان بر انتخاب وزیر صالح و تحذیر آنها از همنشینان بد و از قبول انتخاب آنان به همکاری..... ۲۹۲
- ۸۱- باب النهي عن تولية الإمارة والقضاء وغيرهما من الولايات لمن سألها أو حرص عليها فعرض بما: باب نهی از تحویل دادن امارت و قضاوت و غیر آن از ریاست‌ها به کسی که خود آن را خواستار شود یا بر آن حرص بورزد و به کنایه آن را بخواهد..... ۲۹۳
- بخش دوم: کتاب ادب..... ۲۹۴**
- ۸۲- باب الحياء وفضله والحث على التخلق به: باب حیا و فضیلت آن و تشویق بر تخلق بدان..... ۲۹۵
- ۸۳- باب حفظ السر: باب حفظ سر..... ۲۹۶
- ۸۴- باب الوفاء بالعهد وإنجاز الوعد: باب وفا به وعده و بر آوردن آن..... ۲۹۷
- ۸۵- باب المحافظة على ما أعتاده من الخير: باب امر به محافظت بر عادات و روش‌های نیکوی خود..... ۲۹۹
- ۸۶- باب استحباب طيب الكلام وطلاقة الوجه عند اللقاء: باب مستحب بودن خوشزبانی و خوشرویی در هنگام برخورد..... ۳۰۰

- ۸۷- باب استحباب بیان الکلام وایضاحه للمخاطب وتکریره لیفهم إذا لم يفهم إلا بذلك: باب استحباب روشنی کلام و واضح ساختن آن برای مخاطب و تکرار آن تا او بفهمد، اگر جز به تکرار نفهمد..... ۳۰۱
- ۸۸- الوعظ والأقتصاد فيه: باب موعظه و میانه روی در آن..... ۳۰۲
- ۸۹- باب الوقار والسکينة: باب در فضیلت وقار و سکینه (متانت و آرامش)..... ۳۰۴
- ۹۰- باب الندب إلى إتيان الصلاة والعلم ونحوهما من العبادات بالسکينة والوقار: باب تشویق به آرامش و متانت در رفتن به نماز و آموختن و نیز عبادت‌های مانند آنها..... ۳۰۵
- ۹۱- باب إكرام الضيف: باب احترام مهمان..... ۳۰۶
- ۹۲- باب استحباب التبشیر والتهنئة بالخیر: باب استحباب مژده دادن و تبریک گفتن مسائل خیر و نیک..... ۳۰۸
- ۹۳- باب وداع الصاحب ووصيته عند فراقه للسفر وغيره والدعاء له وطلب الدعاء منه: باب خداحافظی با دوست و سفارش او هنگام رفتن به مسافرت و غیر آن و دعای خیر برای او و طلب دعای خیر از او..... ۳۱۲
- ۹۴- باب الإستخارة والمشاورة: باب استخاره و مشورت..... ۳۱۴
- ۹۵- باب استحباب الذهاب إلى العيد وعیادة المريض والحج والغزو والجنابة ونحوها من طریق الرجوع من طریق آخر لتکثیر مواضع العبادة: باب استحباب رفتن به جلسات عید و عیادت بیمار و حج و جهاد و تشییع جنازه و مانند آنها، از یک راه و برگشتن از راه دیگر برای زیاد کردن جاهای عبادت..... ۳۱۶
- ۹۶- باب استحباب تقديم اليمين في كل ما هو من باب التكریم كالأضوء والغسل والتيمم، ولبس الثوب والنعل والخف والسراويل ودخول المسجد، والسواك، والاحتیاح، وتقليم الأظفار، وقص الشارب، وننف الإبط، وحلق الرأس، والسلام من الصلاة، والأكل، والشرب، والمصافحة، واستلام الحجر الأسود، والخروج من الخلاء، والأخذ والعطاء وغير ذلك مما هو في معناه ويستحب تقديم اليسار في ضد ذلك، كالامتخاط والبصاق عن اليسار، ودخول الخلاء، والخروج من المسجد، وخلع الخف والنعل والسراويل والثوب، والاستنجاء وفعل المستنذرات وأشباه ذلك: باب استحباب جلو انداختن راست در تمام کارهای محترم مانند وضو، غسل، تیمم، پوشیدن لباس و کفش و موزه و

شلوار، دخول مسجد، مسواک زدن، چشم سرمه کشیدن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن سیل، زدودن موی زیر بغل، تراشیدن سر، سلام دادن در نماز، خوردن و نوشیدن، مصافحه، بوسیدن و دست کشیدن بر حجرالاسود، خروج از توالت، چیزی از کسی گرفتن، چیزی به کسی دادن و غیر آنها در هر چه مانند آن است و پیش انداختن چپ در ضد آن موارد، مستحب است مانند آب بینی گرفتن، آب دهان انداختن، دخول به توالت، خروج از مسجد، درآوردن خف و کفش و شلوار و لباس، و استنجا و دفع و انجام کارهایی که آلوده به چرک یا کثافت هستند ۳۱۷

بخش سوم: کتاب آداب طعام ۳۱۹

۹۷- باب التسمية في أوله والحمد في آخره: باب تسميه (بسم الله گفتن) در اول طعام و حمد

گفتن در آخر آن ۳۲۰

۹۸- باب لا يعيب الطعام واستحباب مدحه: باب این که از غذا عیب جویی نکند و سنت بودن

تعریف آن ۳۲۲

۹۹- باب ما يقوله من حضر الطعام وهو صائم إذا لم يفطر: باب بیان آن که اگر کسی که بر

سر غذا حاضر شده و روزه است، اگر افطار نکرد، چه باید بگوید ۳۲۳

۱۰۰- باب ما يقوله من دعى إلى طعام فتبعه غيره: باب آنچه که شخص دعوت شده به غذا،

آنگاه که شخص دیگری (بدون دعوت) همراه او رفته است، می گوید ۳۲۴

۱۰۱- باب الأكل مما يليه ووعظه وتأديبه من يُسيء أكله: باب بیان خوردن غذا از جلو دست

خود و وعظ و تأدیب به کسی که بد غذا می خورد ۳۲۵

۱۰۲- باب النهي عن القرآن بين تمرتين ونحوهما إذا أكل جماعة إلا بإذن رفقة: باب نهی از خوردن

دو خرما باهم و امثال آن هنگامی که جمعی باهم بخورند؛ مگر این که دوستانش به او

اجازه دهند ۳۲۶

۱۰۳- باب ما يقوله ويفعله من يأكل ولا يشبع: باب بیان آنچه که شخصی می خورد و سیر

نمی شود، باید بگوید و انجام دهد ۳۲۷

- ۱۰۴- باب الأمر بالأكل من جانب القصعة والنهي عن الأكل من وسطها: باب امر به خوردن از کنار ظرف غذا و نهی از خوردن از وسط آن..... ۳۲۸
- ۱۰۵- باب كراهية الأكل مُتَّكِئًا: باب كراهت خوردن در حال تکیه زدن بر چیزی..... ۳۲۹
- ۱۰۶- باب استحباب الأكل بثلاث أصابع واستحباب لعق الأصابع وكراهة مسحها قبل لعقها واستحباب لعق القصعة أخذ اللقمة التي تسقط منه وأكلها وجواز مسحها بعد اللعق بالساعد والقدم وغيرها: باب استحباب خوردن با سه انگشت و استحباب لیسیدن انگشت‌ها و کاسه و کراهت داشتن پاک کردن انگشتان قبل از لیسیدن و استحباب برداشتن لقمه‌ای که از دست می‌افتد و خوردن آن و جواز پاک کردن انگشتان با ساعد و پا و غیر آن‌ها بعد از لیسیدن..... ۳۳۰
- ۱۰۷- باب تكثير الأيدي على الطعام: باب استحباب تكثير دستها بر طعام و خوردن دسته جمعی..... ۳۳۱
- ۱۰۸- باب أدب الشراب واستحباب التنفس ثلاثاً خارج الإناء وكراهة التنفس في الإناء واستحباب إدارة الإناء على الأيمن فالأيمن بعد المبتدئ: باب روش نوشیدن و استحباب سه بار تنفس در بیرون ظرف و کراهت نفس کشیدن در ظروف و استحباب دور دادن کاسه‌ی آب از راست (از نفر سمت راست شروع کردن)..... ۳۳۲
- ۱۰۹- باب كراهة الشرب من فم القربة ونحوها وبيان أنه كراهة تنزيه لا تحريم: باب كراهت نوشیدن از دهانه‌ی مشک و مانند آن و بیان آن که این عمل کراهت تنزیه‌ی است نه تحریمی. ۳۳۴
- ۱۱۰- باب كراهة النفخ في الشراب: باب كراهت دمیدن در نوشیدنی..... ۳۳۵
- ۱۱۱- باب بيان جواز الشرب قائماً وبيان أن الأكمل والأفضل الشرب قاعداً: باب بیان روا بودن نوشیدن در حال ایستادن و این که نوشیدن به صورت نشسته بهتر است..... ۳۳۶
- ۱۱۲- باب استحباب كون ساقى القوم آخرهم شرباً: باب استحباب نوشیدن ساقی گروه، در آخر..... ۳۳۷
- ۱۱۳- باب جواز الشرب من جميع الأواني الطاهرة غير الذهب والفضة وجواز الكرع - وهو الشرب بالفهم من النهر وغيره - بغير إناء ولا يد وتحريم استعمال إناء الذهب والفضة في الشرب والأكل والطهارة وسائر وجوه الإستعمال: باب جواز نوشیدن از تمام ظروف پاک، غیر از طلا و نقره؛

- و جواز خوردن با دهان از رود یا جوی بدون ظرف و بدون دست؛ و تحریم به کاربردن ظروف طلا و نقره در نوشیدن و خوردن و طهارت و سایر وجوه به کار بردن..... ۳۳۸
- بخش چهارم: کتاب لباس** ۳۴۰
- ۱۱۴- باب استحباب الثوب الأبيض وجواز الأحمر والأخضر والأصفر والأسود وجوازه من قطن وكتان وشعر وصوف وغيرها إلا الحرير: باب استحباب (پوشیدن) لباس سفید و جواز پوشش لباس قرمز و سبز و زرد و سیاه و جواز بودن لباس از پنبه و کتان و موی بز و پشم و غیر آنها به جز ابریشم..... ۳۴۱
- ۱۱۵- باب صفة طول القیمص والکم والإزار وطرف العمامة وتحريم إسمال شيء من ذلك على سبيل الخيلاء وكراهته من غير خيلاء: باب چگونگی طول پیراهن و آستین و شلوار و دنباله‌ی عمامه و تحریم دراز نمودن هر یک از آنها به خاطر تکبر و کراهت آن در غیر قصد تکبر..... ۳۴۴
- ۱۱۶- باب استحباب ترك الترفع في اللباس تواضعاً: باب استحباب ترك خوشپوشی، از روی تواضع..... ۳۴۶
- ۱۱۷- باب استحباب التوسط في اللباس ولا يقتصر على ما يزرى به لغير حاجة ولا مقصود شرعي: باب استحباب میانه روی در لباس و عدم قناعت به لباسی که پوشیدن آن در غیر نیاز و منظور شرعی، موجب عیبجویی می شود..... ۳۴۷
- ۱۱۸- باب تحريم لباس الحرير على الرجال وتحريم جلوسهم عليه واستنادهم إليه وجواز لبسه للنساء: باب تحریم لباس حریر برای مردان و تحریم نشستن و تکیه زدن آنان بر آنان و جواز پوشیدن آن برای زنان ۳۴۸
- ۱۱۹- باب جواز لبس الحرير لمن به حكمة: باب جواز پوشیدن حریر برای کسی که بدن او خارش دارد ۳۴۹
- ۱۲۰- باب النهي عن افتراس جلود النمر والركوب عليها: باب نهی از زیر انداختن پوست پلنگ (و درنده‌ها) و سوار شدن بر آنها ۳۵۰
- ۱۲۱- باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً: باب بیان آنچه که انسان هنگام پوشیدن لباس تازه می گوید ۳۵۱

- بخش پنجم: کتاب آداب خواب..... ۳۵۲**
- ۱۲۲- باب ما يقوله عند النوم: باب آنچه که هنگام خواب بگوید..... ۳۵۳
- ۱۲۳- باب جواز الاستلقاء على القفا ووضع إحدى الرجلين على الأخرى إذا لم يخف انكشاف العورة وجواز القعود متربعاً ومختبئاً: باب جواز خوابیدن بر پشت و نهادن یک پا روی پای دیگر اگر ترس نمایان شدن عورت نداشته باشد و نیز جواز چهار زانو نشستن و چمباتمه زدن..... ۳۵۵
- ۱۲۴- باب في آداب المجلس والجلس: باب آداب مجلس و همنشین..... ۳۵۷
- ۱۲۵- باب الرؤيا وما يتعلق بها: باب بیان رؤیا و آنچه به آن تعلق دارد..... ۳۶۱
- بخش ششم: کتاب سلام..... ۳۶۳**
- ۱۲۶- باب فضل السلام والأمر بإفشائه: باب فضیلت سلام و امر به اشاعه‌ی آن..... ۳۶۴
- ۱۲۷- باب كيفية السلام: باب چگونه‌ی سلام..... ۳۶۶
- ۱۲۸- باب آداب السلام: باب آداب سلام..... ۳۶۸
- ۱۲۹- باب استحباب إعادة السلام على من تكرر لقاءه على قرب بأن دخل ثم خرج ثم دخل في الحال، أو حال بينهما شجرة ونحوها: باب استحباب اعاده‌ی سلام بر کسی که دیدارش تکرار شود به این صورت که داخل و سپس خارج و آنگاه زود داخل گردد یا درختی و چیزی مانند آن، در میان آن دو حایل شود..... ۳۶۹
- ۱۳۰- باب استحباب السلام إذا دخل بيته: باب استحباب سلام در وقتی که انسان به خانه‌ی خوی داخل می‌شود..... ۳۷۰
- ۱۳۱- باب السلام على الصبيان: باب سلام بر کودکان..... ۳۷۱
- ۱۳۲- باب سلام الرجل على زوجته والمرأة من محارمه وعلى أجنبية وأجنبيات لا يخاف الفتنة بمن وسلامهن بهذا الشرط: باب سلام مرد بر زن خود و زنان محرم دیگرش و بر زن یا زنان بیگانه‌ی که از سلام بر آنان، خوف فتنه ندارد و سلام زنان به مردان بیگانه بر همین شرط..... ۳۷۲

- ۱۳۳- استحباب السلام إذا قام من المجلس وفارق جلساءه أو جلسه: باب استحباب سلام وقتی که شخص از مجلس بلنی شوی و همنشینان و همنشینش را ترک کند..... ۳۷۳
- ۱۳۴- باب الاستئذان وآدابه: باب اجازه گرفتن و آداب آن ۳۷۴
- ۱۳۵- باب بیان أن السنة إذا قيل للمستأذن: من أنت؟ يقول: فلان فيمسي نفسه بما يعرف به من اسم أو كنية وكراهة قوله «أنا» ونحوها: باب بیان آن که سنت، آن است که وقتی به اجازه گیرنده گفته شد: تو کیستی؟ بگوید: فلانم و خود را به چیزی که بدان شناخته می شود، از نام یا کنیه (شهرت) نام ببرد و کراهت آن که در جواب بگوید: «منم» و یا کلماتی از این قبیل ۳۷۶
- ۱۴۲- باب استحباب تشمیت العاطس إذا حمد الله تعالى وكراهة تشميته إذا لم يحمد الله تعالى و بیان آداب التشمیت والعطاس والتثاؤب: باب استحباب دعا برای عطسه کننده، اگر الحمد لله بگوید و کراهت دعا برای او اگر حمد خدای را به جای نیآورد و بیان آداب دعا برای عطسه زننده و آداب عطسه و خمیازه ۳۷۷
- ۱۳۷- باب استحباب المصافحة عند اللقاء وبشاشة الوجه وتقبييل يد الرجل الصالح وتقبييل ولده شفقة ومعانقة القادم من سفر وكراهية الانحناء: باب بیان استحباب مصافحه و خوشرویی هنگام دیدار و بوسیدن دست مرد صالح و بوسیدن فرزند از روی مهر و معانقه با کسی که از سفر می آید و مکروه بودن خم شدن ۳۷۹
- بخش هفتم: کتاب عیادت مریض ۳۸۱**
- ۱۳۸- باب الأمر بالعیادة وتشیيع الميت: باب امر به عیادت مریض و تشیيع جنازه میت ۳۸۲
- ۱۳۹- باب ما يدعي به للمريض: باب آنچه که با آن برای مریض دعا می شود ۳۸۴
- ۱۴۰- باب استحباب سؤال أهل المريض عن حاله: باب استحباب سؤال از کسان مریض از حال او ۳۸۷
- ۱۴۱- باب ما يقوله من أيس من حياته: باب آنچه که شخص مأیوس از جان خود می گوید ۳۸۸

- ۱۴۲- باب استحباب وصیة أهل المریض ومن یخدمه بالإحسان إلیه واحتماله والصبر علی ما یشق من أمره وكذا الوصیة بمن قرب سبب موته بحد أو قصاص ونحوهما: باب استحباب وصیت خویشاوندان مریض و کسانی که او را خدمت می کنند به احسان و مهربانی نسبت به او و بردباری بر سختی های مربوط به او، و هم چنین سفارش نسبت به کسی که مرگش به سبب حد شرعی یا قصاص یا ... نزدیک شده است ۳۸۹
- ۱۴۳- باب جواز قول المریض: أنا وجع، أو شدید الوجع أو مؤعوك أو وأرأساه ونحو ذلك، و بیان أنه لا كراهة فی ذلك إذا لم یكن علی التسخط وإظهار الجزع: باب جایز بودن گفته بیمار که: من دردمندم، یا: درد سختی دارم، یا: بیمارم و تب دارم، یا: آه سرم درد می کند! و مانند آن؛ و بیان آن که کراهتی در اینها نیست، به شرطی که بر وجه خشم و بی قراری و اظهار شکایت نباشد ۳۹۰
- ۱۴۴- باب تلقین المحتضر: لا إله إلا الله: باب تلقین کردن: لا اله الا الله، به کسی که در حال مرگ است ۳۹۱
- ۱۴۵- باب ما یقوله بعد تغمیض المیت: باب آنچه بعد از برهم نهادن چشم مرده باید گفت ۳۹۲
- ۱۴۶- باب ما یقال عند المیت وما یقوله من مات له میت: باب آنچه نزد میت گفته می شود و آنچه که صاحب مرده می گوید ۳۹۳
- ۱۵۳- باب جواز البكاء علی المیت بغير ندب ولا نیاحة: باب جایز بودن گریه بر میت بدون تعریف و یا نوحه بر او ۳۹۴
- ۱۴۸- باب الكف عما یری فی المیت من مکروه: باب خودداری از افشای عیب یا مکروهی که از مرده (در وقت غسل او) دیده می شود ۳۹۶
- ۱۴۹- باب الصلاة علی المیت وتشییعه وحضور دفنه وكراهة اتباع النساء الجنائز: باب نماز بر مرده و تشییع جنازه ی او و حضور در دفن او و کراهت تشییع جنازه توسط زنان ۳۹۷
- ۱۵۰- باب استحباب تكثیر المصلین علی الجنائز وجعل صفوفهم ثلاثة فأكثر: باب استحباب افزودن تعداد نمازگزاران بر جنازه و صف هایشان را سه صف یا بیشتر کردن ۳۹۸

- ۳۹۹- باب ما یقرأ فی صلاة الجنائزۃ: باب آن چه در نماز جنازه خوانده می شود.....
- ۴۰۲- ۱۵۲- باب الإسراع بالجنائزۃ: باب تسریع در تشییع و دفن جنازه.....
- ۴۰۳- ۱۵۳- باب تعجیل قضاء الدین عن المیت والمبادرۃ إلى تجهیزه إلا أن يموت فجأة فیترك حتى یتیقن موتہ:.....
- باب تعجیل در پرداخت قرض مرده و اقدام به تجهیز او، جز کسی که به مرگ ناگهانی
بمیرد که هم چنان گذاشته می شود تا از مرگش یقین حاصل شود..... ۴۰۳
- ۴۰۴- ۱۵۴- باب الموعظة عند القبر: باب موعظه در کنار قبر.....
- ۴۰۵- ۱۵۵- باب الدعاء للمیت بعد دفنه والقعود عند قبره ساعة للدعاء له والاستغفار والقراءة: باب دعا برای مرده بعد از دفن و نشستن کنار قبرش جهت دعا برای او و استغفار و قرائت..... ۴۰۵
- ۴۰۶- ۱۵۶- باب الصدقة عن المیت والدعاء له: باب صدقه و دعا برای مرده.....
- ۴۰۷- ۱۵۷- باب ثناء الناس علی المیت: باب ستایش مردم از مرده.....
- ۴۰۸- ۱۵۸- باب فضل من مات له أولاد صغار: باب فضیلت کسی که چند فرزند کوچکش مرده باشند.....
- ۴۰۹- ۱۵۹- باب البكاء والخوف عند المرور بقبور الظالمین ومصارعهم وإظهار الافتقار إلى الله تعالى والتحذیر من الغفلة عن ذلك: باب گریه کردن و ترس در هنگام عبور از کنار قبر ظالمان و جایگاه هلاکت ایشان و اظهار عجز و نیاز به خدای بزرگ و پرهیز از غفلت از آن (صفات).....
- بخش هشتم: کتاب آداب سفر..... ۴۱۰**
- ۴۱۰- ۱۶۰- باب استحباب الخروج يوم الخميس أول النهار: باب استحباب بیرون رفتن در پنجشنبه و استحباب خروج در اول روز..... ۴۱۱
- ۴۱۱- ۱۶۱- باب استحباب طلب الرفقة وتأمیرهم علی أنفسهم واحداً یطیعونه: باب استحباب جستجوی رفقا و همراهان (در سفر) و امیر گردانیدن یکی از آنها بر خود که همه از او اطاعت کنند..... ۴۱۲

- ۱۶۲- باب آداب السیر والنزول والمبیت فی السفر والنوم فی السفر واستحباب السُرى والرفق بالدواب ومراعاة مصلحتها وأمر من قصر فی حقها بالقیام بحقها وجواز الإرداف علی الدابة إذا كانت تطیق ذلك: باب آداب حرکت و توقف و شب ماندن و خوابیدن در سفر و استحباب رفتن در شب و ملایمت با چهارپایان و رعایت مصلحت آنها و جواز دو نفر دونفر سوار شدن بر حیوان اگر تحمل آن را داشته باشد و امر به رعایت حق حیوانات به کسی که کوتاهی کرده باشد ۴۱۳
- ۱۶۳- باب إعانة الرفیق: باب کمک به همسفر ۴۱۵
- ۱۶۴- باب ما یقوله إذا ركب الدابة للسفر: باب آنچه که شخص هنگام سوار شدن می گوید ۴۱۶
- ۱۶۵- باب تكبير المسافر إذا صعد الثنایا وشبهها وتسبیحه إذا هبط الأودية ونحوها والنهي عن المبالغة برفع الصوت بالتكبير ونحوه: باب تكبير مسافر در وقتی که از گردنه‌ی تند و مانند آن بالا می رود و تسبیح او در وقتی که به دره یا شبه دره‌ای پایین می آید و منع از مبالغه در بلند نمودن صدای تكبير و مانند آن ۴۱۸
- ۱۶۶- باب استحباب الدعاء فی السفر: باب استحباب دعا در سفر ۴۲۰
- ۱۶۷- باب ما یدعو به إذا خاف ناساً أو غیرهم: باب دعایی که انسان هنگام ترس از گروهی از مردم یا غیر آنان می خواند ۴۲۱
- ۱۶۸- باب ما یقول إذا نزل منزلاً: باب آنچه که انسان هنگام پیاده شدن یا توقف در مکانی می گوید ۴۲۲
- ۱۶۹- باب استحباب تعجیل المسافر الرجوع إلى أهله إذا قضی حاجته: باب استحباب تعجیل مسافر در بازگشتن به سوی خانواده‌اش وقتی که کارش تمام شد ۴۲۳
- ۱۷۰- باب استحباب القدوم علی أهله نهاراً وکراهته فی اللیل لغیر حاجة: باب استحباب رفتن به خانه و نزد خانواده در هنگام روز وقتی که از سفر بازمی گردد و کراهت آن در شب بدون ضرورت ۴۲۴

- ۱۷۱- باب ما يقوله إذا رجع وإذا رأى بلدته: باب آنچه که انسان در حین بازگشتن و وقتی که شهر خود را دید، آن را می گوید ۴۲۵
- ۱۷۲- باب استحباب ابتداء القادِم بالمسجد الذي في جواره وصلاته فيه ركعتين: باب استحباب این که شخص در هنگام بازگشتن از سفر، ابتدا به مسجد نزدیک منزل خود برود و در آن دو رکعت نماز بگذارد (و سپس به خانه برود) ۴۲۶
- ۱۷۳- باب تحريم سفر المرأة وحدها: باب تحريم مسافرت زن به تنهایی ۴۲۷
- بخش نهم: کتاب فضایل ۴۲۸**
- ۱۷۴- باب فضل قراءة القرآن: باب فضیلت قرائت قرآن ۴۲۹
- ۱۷۵- باب الأمر بتعهد القرآن والتحذير من تعريضه للنسيان: باب امر به ملازمت و مداومت در (تلاوت) قرآن و پرهیز از در معرض فراموشی قرار دادن آن ۴۳۲
- ۱۷۴- باب استحباب تحسين الصوت بالقرآن و طلب القراءة من حسن الصوت والاستماع لها: باب استحباب زیبا کردن صوت در حین قرائت قرآن و درخواست قرائت از انسان خوش صدا و گوش دادن به آن ۴۳۳
- ۱۷۷- باب الحثّ علی سور و آیات مخصوصة: باب تشویق به قرائت بعضی سوره‌ها و آیات مخصوص ۴۳۴
- ۱۷۸- باب استحباب الاجتماع علی القراءة: باب استحباب جمع شدن برای تلاوت قرآن ۴۳۷
- ۱۷۹- باب فضل الوضوء باب فضیلت وضو ۴۳۸
- ۱۸۰- باب فضل الأذان: باب فضیلت اذان ۴۴۰
- ۱۸۱- باب فضل الصلوات: باب فضیلت نمازها ۴۴۳
- ۱۸۲- باب فضل صلاة الصبح والعصر: باب فضیلت نماز صبح و عصر ۴۴۴
- ۱۸۳- باب فضل المشي إلى المساجد: باب فضیلت رفتن به مساجد ۴۴۵
- ۱۸۴- باب فضل انتظار الصلاة: باب فضیلت انتظار نماز ۴۴۷
- ۱۸۵- باب فضل الصلاة الجماعة: باب فضیلت نماز جماعت ۴۴۸

- ۱۸۶- باب الحثُّ علی حضور الجماعة فی الصبح والعشاء: باب تشویق بر حضور در جماعت
صبح و عشا..... ۴۵۰
- ۱۸۷- باب الأمر بالمحافظة علی الصلوات المكتوبات والنهی الأكید والوعید الشدید فی ترکهنَّ: باب
امر به محافظت بر نمازهای فرض شده و نهی اکید و تهدید سخت در ترک آنها..... ۴۵۱
- ۱۸۸- باب فضل الصفِّ الأوَّل والأمر بِاتِّمَامِ الصفوفِ الأوَّل، وتسویتها، والترصُّ فیها: باب فضیلت
(حضور) در صف اول نماز و امر به تمام کردن صف‌های مقدم و یکنواخت و راست
کردن آنها و اتصال مأمومان به یکدیگر در □ صف‌ها..... ۴۵۳
- ۱۸۹- بابُ فَضْلِ السَّنَنِ الرَّاتِبَةِ مَعَ الْفَرَائِضِ وَبَيَانِ أَقْلَلِهَا وَأَكْمَلِهَا وَمَا بَيْنَهُمَا: باب فضیلت
سنت‌های راتبه همراه فرایض و بیان کم‌ترین و بیشترین آنها و مابین آنها..... ۴۵۶
- ۱۹۰- باب تأکید رکعتی سنَّة الصبح: باب تأکید دو رکعت سنت صبح..... ۴۵۷
- ۱۹۱- باب تخفیف رکعتی الفجر و بیان ما یقرأ فیهما، و بیان وقتها: باب کوتاه و سبک خواندن
دو رکعت فجر و بیان آنچه که در این نماز خوانده می‌شود و بیان وقت آن..... ۴۵۸
- ۱۹۲- باب استحباب الاضطجاع بعد رکعتی الفجر علی جنبه الأيمن والحث علیہ سواء کان تحمداً
باللیل أم لا: باب استحباب بر پهلوئی راست خوابیدن بعد از ۲ رکعت نماز صبح و تشویق بر
آن چه برای نماز تهجد بیدار شده باشد و چه نشده باشد..... ۴۵۹
- ۱۹۳- باب سنة الظهر: باب سنت ظهر..... ۴۶۰
- ۱۹۴- باب سنة العصر: باب سنت عصر..... ۴۶۱
- ۱۹۵- باب سنة المغرب بعدها وقبلها: باب سنت قبل و بعد از مغرب..... ۴۶۲
- ۱۹۶- باب سنَّة العشاء بعدها وقبلها: باب سنت قبل و بعد از نماز عشا..... ۴۶۳
- ۱۹۷- باب سنَّة الجمعة: باب سنت جمعه..... ۴۶۴
- ۱۹۸- باب استحباب جعل النوافل فی البيت سواء الراتبه وغيرها والأمر بالتحوُّل للنافلة من موضع
الفريضة أو الفصل بينهما بكلام: باب استحباب انجام دادن نماز سنت در منزل، چه راتبه باشد
و چه غیر آن و امر به تغییر جا در نماز سنت از جای نماز فرض یا فاصله انداختن بین آنها
با سخن گفتن..... ۴۶۵

- ۱۹۹- باب الحثُّ على صلاة الوتر وبيان أنه سنة مؤكدة وبيان وقته: باب تشويق بر ادای نماز وتر و بیان آن که وتر، سنت مؤکد است و بیان وقت آن ۴۶۷
- ۲۰۰- باب فضل صلاة الضحی وبيان أقلها وأكثرها وأوسطها، والحثُّ على المحافظة عليها: باب فضیلت نماز چاشت و حداقل و وسط و حداکثر آن و تشویق و محافظت بر مداومت آن ۴۶۹
- ۲۰۱- باب تجویز صلاة الضحی من ارتفاع الشمس الى زوالها والأفضل أن تُصلَّى عند اشتداد الحرِّ وارتفاع الضحی: باب جایز بودن نماز چاشت از هنگام بالا گرفتن خورشید تا موقع زوال آن و بهتر آن است که در وقت شدت یافتن گرما و ارتفاع روز، نماز ضحی خوانده شود. ۴۷۰
- ۲۰۲- باب الحثُّ على صلاة تحية المسجد وكراهية الجلوس قبل أن يصلي ركعتين في أي وقت دخل وسواء صلَّى ركعتين بنية التحية أو صلاة فريضة أو سنة راتبة أو غيرها: ۴۷۱
- باب تأکید بر انجام دادن تحیت مسجد و کراهت نشستن قبل از خواندن دو رکعت، هر وقت که شخص به مسجد داخل شود، خواه آن دو رکعت به نیت تحیه المسجد باشد یا فرض یا سنت راتبه یا غیر آن ۴۷۱
- ۲۰۳- باب استحباب ركعتين بعد الوضوء: باب استحباب دو رکعت بعد از وضو ۴۷۲
- ۲۰۴- باب فضل يوم الجمعة ووجوبها والاغتسال لها والتطيب والتبكير إليها والدعاء يوم الجمعة والصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم فيه وبيان ساعة الإجابة واستحباب إكثار ذكر الله بعد الجمعة: باب فضیلت روز جمعه و وجوب نماز آن و غسل و استعمال عطر و زود رفتن به (نماز) جمعه و دعا در جمعه و صلوات بر پیامبرص در آن و بیان ساعت اجابت دعا و استحباب ذکر زیاد خدا بعد از جمعه ۴۷۳
- ۲۰۵- باب فضل قيام الليل: باب فضیلت قیام شب ۴۷۶
- ۲۰۶- باب استحباب قيام رمضان وهو التراويح: باب استحباب قیام رمضان که تراویح است ۴۸۰
- ۲۰۷- باب فضل قيام ليلة القدر وبيان أرجى ليلها: باب فضیلت قیام ليله القدر و بیان امیدوار کننده ترین شب های آن ۴۸۱

- ۲۰۸- باب فضل السَّوَاكِ وَحِصَالِ الْفِطْرَةِ: باب فضیلت سواک و انجام رفتارها و نظافت‌های طبیعی و فطری ۴۸۳
- ۲۰۹- باب تأکید و جُوب الزَّكَاةِ وَبَيَانِ فَضْلِهَا وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهَا: باب بیان تأکید و جوب زکات و بیان فضیلت آن و آنچه به زکات تعلق دارد..... ۴۸۴
- ۲۱۰- باب وجوب صوم رمضان وَبَيَانِ فَضْلِ الصَّيَامِ وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهِ: باب بیان وجوب روزهی رمضان و بیان فضیلت روزه‌داری و آنچه بدان مربوط است ۴۸۷
- ۲۱۱- باب الجود وفعل المعروف والإكثار من الخير في شهر رمضان والزيادة من ذلك في العشر الأواخر منه: باب بیان سخاوت‌مندی و بخشش و انجام کار نیک و افزودن بر حسنات در ماه رمضان و زیاد کردن اعمال خیر در دهه‌ی آخر رمضان..... ۴۹۰
- ۲۱۲- باب النَّهْيِ عَنِ تَقَدُّمِ رَمَضَانَ بِصَوْمِ بَعْدِ نِصْفِ شَعْبَانَ إِلَّا مَنْ وَصَلَهُ بِمَا قَبْلَهُ، أَوْ وَافَقَ عَادَةً لَهُ بِأَنْ كَانَ عَادَتَهُ صَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَوَافَقَهُ: باب نهی از استقبال رمضان با روزه‌ای بعد از نیمه‌ی شعبان، جز برای کسی که روزه را به روزه‌ی پیش از نیمه‌ی دوم شعبان وصل کند یا نیمه‌ی دوم شعبان با عادت او به روزه‌ی روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه همزمان شود..... ۴۹۱
- ۲۱۳- باب مَا يُقَالُ عِنْدَ رُؤْيِيهِ الْهَلَالِ: باب بیان آنچه که هنگام رؤیت هلال گفته می‌شود ۴۹۲
- ۲۱۴- باب فَضْلِ السُّحُورِ وَتَأْخِيرِهِ مَا لَمْ يَخْشَ طُلُوعَ الْفَجْرِ: باب فضیلت سحری خوردن و تأخیر آن، مادامی که خوف طلوع شفق نباشد..... ۴۹۳
- ۲۱۵- باب فَضْلِ تَعْجِيلِ الْفِطْرِ وَمَا يُفْطَرُ عَلَيْهِ وَمَا يَقُولُهُ بَعْدَ الْإِفْطَارِ: باب فضیلت تعجیل افطار و آنچه که بدان افطار می‌شود و آنچه که بعد از افطار می‌گوید ۴۹۴
- ۲۱۶- بابُ أَمْرِ الصَّائِمِ بِحِفْظِ لِسَانِهِ وَجَوَارِحِهِ عَنِ الْمَخَالَفَاتِ وَالْمِشَامَةِ وَخَوَّهَا: باب امر به روزه‌دار به نگه‌داری زبان و سایر اعضایش از گناهان و دشنام دادن به دیگران و ۴۹۵
- ۲۱۷- باب فِي مَسْأَلِ مِنَ الصَّوْمِ: باب مسایلی از روزه ۴۹۶
- ۲۱۸- باب فَضْلِ صَوْمِ الْمُحَرَّمِ وَشَعْبَانَ وَالْأَشْهُرِ الْحَرَّمَ: باب بیان فضیلت روزه‌ی محرم و شعبان و ماه‌های حرام ۴۹۷

- ۲۱۹- باب فضل الصوم وغيره في العشر الأوّل من ذي الحجة: باب فضيلت روزه و غير آن در دهه‌ی اول ذی الحجه ۴۹۸
- ۲۲۰- باب فضل صوم يوم عرفة وعاشوراء وتاسوعاء: باب فضيلت روزه‌ی عرفه و عاشورا و تاسوعا ۴۹۹
- ۲۲۱- باب استحباب صوم ستة أيام من شوال: باب استحباب روزه‌ی شش روز از شوال... ۵۰۰
- ۲۲۲- باب استحباب صوم الاثنين والخميس: باب استحباب روزه‌ی دوشنبه و پنجشنبه..... ۵۰۱
- ۲۲۳- باب استحباب صوم ثلاثة أيام من كل شهر: باب استحباب سه روز، روزه از هر ماه ۵۰۲
- ۲۲۴- باب فضل مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا وَفَضِلَ الصَّائِمُ الَّذِي يُؤَكَّلُ عِنْدَهُ، ودعاء الأكل للمأكول عنده: باب فضيلت کسی که به روزه‌داری افطار دهد و فضل روزه‌داری که پیش او غذا خورده شود و دعای غذا خورنده برای کسی که پیش او طعام خورده می‌شود ۵۰۳
- بخش دهم: کتاب اعتكاف ۵۰۴**
- ۲۳۲- باب الاعتكاف في رمضان: باب اعتكاف (ماه) رمضان ۵۰۵
- بخش یازدهم: کتاب حج ۵۰۶**
- ۲۲۶- باب وجوب الحج وفضله: باب وجوب حج و فضيلت آن ۵۰۷
- بخش دوازدهم: کتاب جهاد ۵۱۰**
- ۲۲۷- باب وجوب الجهاد وفضل الغدوة والروحة: باب وجوب جهاد و فضيلت صبح کردن و شب کردن در حال جهاد ۵۱۱
- ۲۲۸- باب بيان جماعة من الشهداء في ثواب الآخرة ويغسلون ويُصلَّى عليهم بخلاف القتيل في حرب الكفار: باب بيان گروهی از مردگان و کشتگان که در آخرت، ثواب شهيد را دارند ولی بايد شسته شوند و بر جنازه‌ی آنها نماز خوانده شود، برخلاف شهيد در جنگ با کفار ۵۲۰
- ۲۲۹- باب فضل العتق: باب فضيلت آزاد کردن برده ۵۲۱
- ۲۳۰- باب فضل الإحسان إلى المملوك: باب فضيلت احسان با بردگان و خادمان ۵۲۲

- ۲۳۱- باب فضل العبادۃ فی المرح وهو الاختلاط والفتن ونحوها: باب فضیلت عبادت در هنگام
 هرج و مرج و آن، آشفستگی و ظهور فتنه‌ها و مانند آنهاست ۵۲۳
- ۲۳۲- باب فضل السّماحۃ فی البیع والشراء والأخذ والعطاء، وحسن القضاء والتقاضي، وإرجاح
 المکیال والمیزان، والنّهی عن التطفیف، وفضل إنظار الموسر والمعسر والوضع عنه: باب فضیلت
 بخشش و آسانگیری در معامله و داد و ستد و خوب ادا نمودن و خوب طلب مال کردن و
 سنگین وزن کردن و پیمانانه نمودن و نهی از کم‌فروشی و فضیلت مهلت دادن ثروتمند به
 تنگدست در پرداختن قرض و گذشت از قرض او ۵۲۴
- بخش سیزدهم: کتاب علم ۵۲۷**
- ۲۳۳- باب فضل العلم تعلّمًا وتعلیمًا لله: باب فضیلت تعلیم و تعلم برای خدا ۵۲۸
- بخش چهاردهم: کتاب سپاس و ستایش و شکر خداوند متعال ۵۳۲**
- ۲۴۲- باب وجوب الشکر: باب در لازم بودن شکر ۵۳۳
- بخش پانزدهم: کتاب صلوات بر پیامبر خدا ﷺ ۵۳۵**
- ۲۳۵- باب الأمر بالصلاة علیه وفضلها وبعض صیغها: باب امر به درود فرستادن بر رسول الله و
 فضیلت آن و بعضی از صیغه‌های آن ۵۳۶
- بخش شانزدهم: کتاب انکار ۵۳۹**
- ۲۳۶- باب فضل الذکر والحثّ علیه: باب فضیلت ذکر و تشویق بر آن ۵۴۰
- ۲۳۷- باب ذکر الله تعالی قائماً وقاعداً ومضطجعاً ومحدثاً وجنباً وحائضاً إلا القرآن فلا یجل لجنب ولا
 حائض: باب ذکر خدا در حال ایستادن، نشستن، دراز کشیدن، بدون وضو و در حال
 جنابت و حیض جز تلاوت قرآن که برای جنب و حایض حلال نیست ۵۴۹
- ۲۳۸- باب ما یقوله عند نومه واستيقاظه: باب دعاهایی که موقع خوابیدن و بیدار شدن
 خوانده می‌شود ۵۵۰
- ۲۳۹- باب فضل جَلَقِ الذُّكْرِ والنَّدبِ إلى ملازمتها والنّهی عن مفارقتها لغير عذر: باب بیان فضیلت
 حلقه‌های ذکر و استحباب ملازمت آنها و نهی از دوری از آنها بدون عذر ۵۵۱

- ۲۴۰- باب الذکر عند الصباح والمساء: باب ذکر در هنگام صبح و غروب ۵۵۳
- ۲۴۱- باب ما یقوله عند النوم: باب آن چه که هنگام خواب گفته می شود ۵۵۷
- بخش هفدهم: کتاب دعاها** ۵۶۰
- ۲۴۲- باب الأمر بالدعاء وفضله: باب امر به دعا و فضیلت آن ۵۶۱
- ۲۴۳- باب فضل الدعاء بظهر الغیب: باب فضیلت دعا در غیاب انسان ۵۶۹
- ۲۴۴- باب فی مسائل من الدعاء: باب در بیان مسایلی از دعا ۵۷۰
- ۲۴۵- باب کرامات الأولیاء وفضلهم: باب کرامات اولیا و فضیلت آنها ۵۷۳
- بخش هجدهم: کتاب کارهای نهی شده** ۵۷۶
- ۲۴۶- باب تحريم الغيبة والأمر بحفظ اللسان: باب تحريم غیبت و امر به حفظ زبان ۵۷۷
- ۲۴۷- باب تحريم سماع الغيبة وأمر من سمع غيبة محرمة بردها، والإنكار على قائلها فإن عجز أو لم يقبل منه فارق ذلك المجلس إن أمكنه: باب تحريم گوش دادن به غیبت و امر به رد کردن غیبت حرام از طرف شنونده و انکار او بر گویندهی غیبت و اینکه اگر نتوانست یا سخن او را قبول نکردند، اگر ممکن بود، از آن مجلس برخیزد و جدا شود ۵۸۳
- ۲۴۸- باب بیان ما یباح من الغيبة: باب بیان غیبتی که مباح است ۵۸۵
- ۲۴۹- باب تحريم النميمة وهي نقل الكلام بين الناس على جهة الإفساد: باب تحريم سخن چینی و آن نقل سخن بین مردم به قصد برهم زدن آنان است ۵۸۷
- ۲۵۰- باب ذم ذي الوجهين: باب مذمت دورو ۵۸۹
- ۲۵۱- باب تحريم الكذب: باب تحريم دروغگویی ۵۹۰
- ۲۵۲- باب الحث على التثبت فيما يقوله ويحكيه: باب تشويق به باور داشتن و اطمینان شخص در آن چه می گوید یا از دیگران باز گو می کند ۵۹۵
- ۲۵۳- باب بیان غلط تحريم شهاده الزور: باب بیان شدت تحريم شهادت دروغ ۵۹۷
- ۲۵۴- باب تحريم لعن إنسان بعينه أو دابة: باب تحريم لعن انسان مشخص یا حیوان ۵۹۸
- ۲۵۵- باب جواز لعن بعض أصحاب المعاصي غير المعينين: باب جواز لعن گناهکاران بدون تعیین اشخاص ۶۰۱

- ۲۶۶- باب تحريم سب المسلم بغير حق: باب تحريم ناسزاگویی به مسلمان به ناحق ۶۰۳
- ۲۵۷- باب تحريم سب الأموات بغير حق ومصلحة شرعية: باب تحريم بدگویی به مردگان به ناحق و بدون مصلحت شرعی ۶۰۴
- ۲۵۸- باب النهي عن الإيذاء: باب نهی از اذیت دیگران ۶۰۵
- ۲۵۹- باب النهي عن التباغض والتقاطع والتدابير: باب نهی از کینه‌توزی و از هم بریدن و پشت کردن به مردم ۶۰۶
- ۲۶۰- باب تحريم الحسد: باب تحريم حسد ۶۰۸
- ۲۶۱- باب النهي عن التجسس والتسمع لكلام من يكره استماعه: باب نهی از تجسس و گوش دادن به سخن کسی که دوست ندارد به سخنش گوش داده شود ۶۰۹
- ۲۶۲- باب النهي عن سوء الظنّ بالمسلمين من غير ضرورة: باب نهی از گمان بردن بد به مسلمانان بدون ضرورت ۶۱۱
- ۲۶۳- باب تحريم احتقار المسلمين: باب تحريم کوچک شمردن و تحقیر مسلمانان ۶۱۲
- ۲۶۴- باب النهي عن إظهار الشماتة بالمسلم: باب نهی از اظهار خوشحالی در بلاها و مشکلات برادر مسلمان ۶۱۳
- ۲۶۵- باب تحريم الطعن في الأنساب الثابتة في ظاهر الشرع: باب تحريم طعنه در انساب ثابت شده به ظاهر شرع ۶۱۴
- ۲۶۶- باب النهي عن الغش و الخداع: باب نهی از فریب و نیرنگ ۶۱۵
- ۲۶۷- باب تحريم العَدْر: باب تحريم بی‌وفایی و عهدشکنی ۶۱۷
- ۲۶۸- باب النهي عن المنّ بالعطية ونحوها: باب نهی از منت گذاشتن برای بخشش و مانند آن ۶۱۸
- ۲۶۹- باب النهي عن الإفتخار والبغي: باب نهی از فخر فروشی و ظلم و سرکشی ۶۱۹
- ۲۷۰- باب تحريم المجران بين المسلمين فوق ثلاثة أيام إلا لبدعة في المهجور أو تظاهر بفسق أو نحو ذلك: باب تحريم حرف نزدن مسلمانان با همدیگر بیشتر از سه روز، مگر به علت مشاهده‌ی بدعت از شخصی که با او قطع صحبت شده یا تظاهر به فسق و مانند آن ۶۲۱

- ۲۷۱- باب النهي عن تناحي اثنين دون الثالث بغير إذنه إلا للحاجة وهو أن يتحدثا بلسان لا يفهمه:
باب نهی از نجوای دو نفر در حضور سومى بدون اجازہى او جز برای ضرورت؛ و نجوا
چنين است که دو نفر پنهانی حرفی بزنند که سومى نشنود و یا با زبانی صحبت کنند که
سومى آن را نفهمد- ۶۲۳
- ۲۷۲- باب النهي عن تعذيب العبد والدابة والمرأة والولد بغير سبب شرعي أو زائد على قدر الأدب:
باب نهی از شکنجهی برده و حیوان و زن و فرزند بدون جهت شرعی یا زدن خارج از حد
تأديب..... ۶۲۴
- ۲۷۳- باب تحريم التعذيب بالنار في كل حيوان حتى النملة ونحوها: باب تحريم شکنجهی حیوان
با آتش و حتی مورچه و مانند آن ۶۲۷
- ۲۷۴- باب تحريم مظل الغني بحق طلبه صاحبه: باب تحريم تأخير ثروتمند در بازپرداخت حقى
که (وقت ادای آن رسیده است و) صاحبش آن را طلب می کند ۶۲۸
- ۲۷۵- باب كراهية عود الإنسان في هبة لم يسلمها إلى الموهوب له وفي هبة وهبها لولده وسلمها أو
يسلمها وكراهية شرائه شيئاً تصدق به من الذي تصدق عليه أو أخرجه عن زكاة أو كفارة ونحوها ولا
بأس بشرائه من شخص آخر قد انتقل إليه: باب كراهت پشیمان شدن انسان از بخششی که
هنوز تسلیم طرف نکرده و از بخششی که به فرزندش بخشیده و آن را تسلیم کرده یا
نکرده باشد و کراهت خریدن چیزی که به احسان به کسی داده است از آن شخص و
کراهت خریدن چیزی که به عنوان زکات یا کفاره یا مانند آن پرداخت کرده است (از
شخص فقیری که به وی پرداخته است)، ولی اگر آن را از شخص دیگری که به او انتقال
یافته، بخرد، مانعی ندارد..... ۶۲۹
- ۲۷۶- باب تأكيد تحريم مال اليتيم: باب تأكيد بر حرام بودن مال یتيم..... ۶۳۱
- ۲۷۷- باب تغليظ تحريم الربا: باب شديد بودن تحريم ربا..... ۶۳۲
- ۲۷۸- باب تحريم الرباء: باب تحريم ربا..... ۶۳۴
- ۲۷۹- باب تحريم النظر إلى المرأة الأجنبية والأمرد الحسن لغیر حاجة شرعية: باب تحريم نگاه کردن
به زن بیگانه و پسر بی موی زیبا بدون ضرورت شرعی..... ۶۳۷
- ۲۸۰- باب تحريم الخلوة بالأجنبية: باب تحريم خلوت با زن بیگانه ۶۳۹

- ۲۸۱- باب تحريم تشبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال في لباس وحركة وغير ذلك: باب تحريم خود را شبیه ساختن مردان به زنان و زنان به مردان در لباس، حرکت و غیر آن ۶۴۰
- ۲۸۲- باب النهي عن التشبه بالشيطان والكفار: باب نهی از شبیه کردن خود به شیطان و کافران ۶۴۱
- ۲۸۳- باب نهی الرجل والمرأة عن خضاب شعرهما بسواد: باب نهی مرد و زن از رنگ کردن مو با رنگ سیاه ۶۴۲
- ۲۸۴- باب النهي عن القزع وهو حلق بعض الرأس دون بعض، وإباحة حلقه كله للرجل دون المرأة: باب نهی از قزع که عبارت از تراشیدن قسمتی از سر و گذاشتن بعضی از آن است، و مباح بودن تراشیدن تمام سر برای مرد نه زن ۶۴۳
- ۲۸۵- باب تحريم وصل الشعر والوشم: باب تحريم وصل مو و خالكوبی ۶۴۴
- ۲۸۶- باب كراهية الاستنجاء باليمين ومس الفرج باليمين من غير عذر: باب كراهت استنجا و لمس آلت تناسلی با دست راست بدون عذر ۶۴۶
- ۲۸۷- باب كراهية المشي في نعلٍ واحدٍ، أو خفٍّ واحدٍ لغير عذر وكراهية لبس النعل والخف قائماً لغير عذر: باب كراهت راه رفتن در يك كفش يا يك خف (موزه) بدون عذر و كراهت پوشیدن كفش و موزه در حال ايستادن بدون عذر ۶۴۷
- ۲۸۸- باب النهي عن ترك النار في البيت عند النوم ونحوه سواء كانت في سراج أو غيره: باب نهی از گذشتن آتش در خانه هنگام خواب و مانند آن، خواه چراغ باشد یا غیر آن ۶۴۸
- ۲۸۹- باب النهي عن التكلف وهو فعلٌ وقولٌ ما لا مصلحة فيه بمشقة: باب نهی از تكلف، و آن، كار و سخنی است که در آن مصلحتی نیست و با دشواری انجام داده می شود ۶۴۹
- ۲۹۰- باب تحريم النياحة على الميت، ولطم الخدّ وشقّ الجيب وبتف الشعر وحلقه، والدعاء بالويل والثبور: باب تحريم نوحه خوانی بر مرده و زدن و خراشیدن صورت و پاره کردن گریبان و کندن و تراشیدن مو و دعا کردن به ويل و هلاك شدن ۶۵۰
- ۲۹۱- باب النهي عن إتيان الكهّان والمنجّمين والعُزّاف وأصحاب الرمل، والطوارق بالحصى وبالشعير ونحو ذلك: باب نهی از مراجعه به پیشگویان و ستاره شناسان و فالگیران و رمالان با ریگ و جو و مانند آنها ۶۵۲

- ۲۹۲- باب النهي عن التطيّر: باب نهی از شوم دانستن چیزی ۶۵۴
- ۲۹۳- باب تحريم تصوير الحيوان في بساط أو حجر أو ثوب أو درهم أو مَخْدَة أو دينار أو وسادة وغير ذلك وتحريم اتخاذ الصورة في حائط وستر وعمامة وثوب ونحوها والأمر بإتلاف الصور: باب تحريم تصوير حيوان در فرش، سنگ، لباس، سکه، پول، بالش و یا غیر آنها و تحريم به کار بردن تصوير بر دیوار، پرده، دستار، لباس و مانند آنها و امر به از بین بردن چنین تصویرهایی ۶۵۵
- ۲۹۴- باب تحريم اتخاذ الكلب إلا لصيّد أو ماشية أو زرع: باب تحريم نگهداری سگ جز برای شکار یا نگهداری گله و یا زراعت ۶۵۷
- ۲۹۵- باب كراهية تعليق الجرس في البعير وغيره من الدواب وكراهية استصحاب الكلب والجرس في السفر: باب كراهت آویزان کردن زنگ در گردن شتر و غیر آن از چهارپایان، و كراهت همراه داشتن سگ و زنگ در مسافرت ۶۵۸
- ۲۹۶- باب النهي عن البصاق في المسجد والأمر بإزالته منه إذا وجد فيه والأمر بتزيه المسجد عن الأقدار: باب نهی از انداختن آب دهن در مسجد و امر به بر داشتن آن از مسجد اگر باشد و پاک کردن مسجد از پلیدیها ۶۵۹
- ۲۹۷- باب كراهية الخصومة في المسجد ورفع الصوت فيه، ونشد الضالة والبيع والشراء والإجارة ونحوها من المعاملات: باب كراهت دعوا در مسجد و بلند کردن صدا در آن و نشانی دادن گمشده و خرید و فروش و اجاره و سایر معاملات ۶۶۰
- ۲۹۸- باب نهي من أكل ثوماً أو بصلاً أو كُرْثاً أو غيره مما له رائحة كريهة عن دخول المسجد قبل زوال رائحته إلا لضرورة: باب نهی از دخول به مسجد بعد از خوردن سیر، پیاز، تره و چیزهای بدبو و قبل از اتمام بوی آنها مگر به خاطر ضرورت ۶۶۱
- ۲۹۹- باب كراهية الاحتباء يوم الجمعة والإمام يخطب لأنه يجلب النوم فيفوت استماع الخطبة ويخاف انتقاض الوضوء: باب كراهت نشستن به حال چمباتمه نشستن (به طوری که زانوها به سینه بچسبند) در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند؛ زیرا چنین حالتی خواب آور است و گوش دادن خطبه فوت می شود و خوف باطل شدن و نقض وضو نیز هست ۶۶۲

- ۳۰۰- باب نهي مَنْ دخل عليه عشر ذي الحجة وأراد أن يضجّي، عن أخذ شيء من شعره أو أظفاره حتى يضجّي: باب نهي کسی که وارد دهه‌ی ذی‌الحجه شده و می‌خواهد قربانی کند از آرایش مو یا گرفتن ناخن‌هایش تا وقتی که قربانی را انجام می‌دهد ۶۶۳
- ۳۰۱- باب النَّهْيِ عَنِ الحَلْفِ بِمَخْلُوقِ كَالنَّبِيِّ وَالْكَعْبَةِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالسَّمَاءِ وَالْآبَاءِ وَالْحَيَاةِ وَالرُّوحِ وَالرَّأْسِ وَنِعْمَةِ السُّلْطَانِ وَثُرَيْتَةِ فُلَانٍ وَالْأَمَانَةِ، وَهِيَ مِنْ أَشْدَّهَا نَهْيًا: باب نهي از سوگند خوردن به مخلوق مانند پیامبر، کعبه، ملائکه، آسمان، پدران، زندگی، روح، سر، نعمت سلطان و قبر فلان و امانت، و نهي از سوگند به امانت از همه‌ی آنها بیشتر است ۶۶۴
- ۳۰۲- باب تغليظ اليمين الكاذبة عمداً: باب تغليظ در تحریم سوگند دروغ به صورت عمد ۶۶۶
- ۳۰۳- باب ندب مَنْ حلف على يمينٍ، فرأى غيرها خيراً منها أن يفعل ذلك الخلوف عليه، ثم يكفر عن يمينه: باب مندوب بودن عمل کسی که به چیزی سوگند خورده و بعد می‌بیند که کار دیگر بهتر است، در این که آن کار دیگر را انجام دهد و بعد کفاره‌ی سوگندش را بپردازد ۶۶۸
- ۳۰۴- باب العفو عن لغو اليمين وأنه لا كفارة فيه، وهو ما يجري على اللسان بغير قصد اليمين كقوله على العادة: لا والله، وبلى والله، ونحو ذلك: باب عفو از سوگند لغو و این که کفاره‌ای ندارد و آن سوگندی است که بدون قصد سوگند بر زبان جاری می‌شود مانند آن که عادتاً می‌گوید: نه والله، آری والله و ۶۶۹
- ۳۰۵- باب كراهة الحلف في البيع وإن كان صادقاً: باب کراهت سوگند خوردن در معاملات هرچند که راست باشد ۶۷۰
- ۳۰۶- باب تحريم قوله شاهنشاه للسلطان وغيره لأن معناه ملك الملوك، ولا يوصف بذلك غير الله سبحانه وتعالى: باب تحریم گفتن: شاهنشاه به سلطان یا شخصی دیگر، زیرا معنایش ملك الملوك است و غیر از الله سبحانه و تعالی هیچ کس با آن وصف نمی‌شود ۶۷۱
- ۳۰۷- باب النهي عن مخاطبة الفاسق و المبتدع و نحوهما بسيد و نحوه: باب نهي از خطاب افراد فاسق و بدعتگزار و امثال آن دو به سيد (آقا) و امثال آن ۶۷۲
- ۳۰۸- باب كراهة سب الحمي: باب کراهت دشنام دادن به تب ۶۷۳

- ۳۰۹- باب النهي عن سبِّ الریح ، وبيان ما يقال عند هبوبها: باب نهی از بدگویی به باد و بیان آنچه که موقع وزش باد گفته می شود ۶۷۴
- ۳۱۰- باب كراهة سبِّ الدَّيِّك: باب کراهت بد گفتن به خروس ۶۷۵
- ۳۱۱- باب النهي عن قول الإنسان: مُطْرِنًا بِنَوْءٍ كَذَا: باب نهی از گفتن: به سبب فلان تقابل ستارگان بر ما باران بارید..... ۶۷۶
- ۳۱۲- باب تحريم قوله لمسلم: يا كافر: باب تحريم گفتن به مسلمان: ای کافر..... ۶۷۷
- ۳۱۳- باب النهي عن الفحش وبذاء اللسان: باب نهی از بد زبانی و بدگویی و دشنام..... ۶۷۸
- ۳۱۴- باب كراهة التعجير في الكلام بالتشذُّق وتكُلْف الفصاحة واستعمال وَحْشِيّ اللُّغَةِ ودقائق الإعراب في مخاطبة العوام ونحوهم: باب کراهت زیاد فرو رفتن در نحوه‌ی سخن، پیچاندن سخن در دهان، تکلف به فصاحت، به کار بردن لغات غیر مأنوس و ریزه کاری‌های دستوری در سخن گفتن با عوام و مانند آنها ۶۷۹
- ۳۱۵- باب النهي عن وصف محاسن المرأة لرجل إلا أن يحتاج إلى ذلك لغرض شرعي كنهاجها ونحوه: باب نهی از وصف زیبایی‌های زن برای یک مرد، مگر آن که برای هدفی شرعی مانند ازدواج و ... نیاز باشد ۶۸۰
- ۳۱۶- باب كراهة قول الإنسان في الدعاء : اللهم اغفر لي إن شئت بل يجزم بالطلب: باب کراهت این که انسان (در دعا) بگوید: خدایا! اگر خواستی مرا بیامرزد، بلکه باید قطعی و جدی آمرزش بطلبد..... ۶۸۱
- ۳۳۳- باب كراهة قول: ما شاء الله و شاء فلان: باب کراهت گفتن آنچه خدا بخواهد و فلانی بخواهد..... ۶۸۲
- ۳۱۸- باب كراهة الحديث بعد العشاء الآخرة: باب کراهت سخن گفتن بعد از نماز عشا (آخرین نماز) ۶۸۳
- ۳۱۹- باب تحريم امتناع المرأة من فراش زوجها إذا دعاها ولم يكن لها عذر شرعي: باب تحريم خودداری کردن زن از خوابیدن با شوهرش هرگاه مرد او را صدا کند و وی عذر شرعی نداشته باشد ۶۸۴

- ۳۲۰- باب تحریم صوم المرأة تطوعاً وزوجها حاضر إلا بإذنه: باب تحریم روزهی (مستحب) زن با حضور شوهر مگر به اجازهی او ۶۸۵
- ۳۲۱- باب تحریم رفع المأموم رأسه من الركوع أو السجود قبل الإمام: باب تحریم این که مأموم قبل از امام سرش را از رکوع یا سجود بلند کند ۶۸۶
- ۳۲۲- باب كراهة وضع اليد على الخاصرة في الصلاة: باب کراهت گذاشتن دست بر کمر در نماز ۶۸۷
- ۳۲۳- باب كراهة الصلاة بحضرة الطعام ونفسه تتوق إليه أو مع مدافعة الأخبثين: وهما البول والغائط: باب کراهت نماز در حالی که غذا حاضر باشد و نفس آرزوی آن را بکند یا هنگام احساس نیاز به دفع پلیدیها، یعنی ادرار و مدفوع ۶۸۸
- ۳۲۴- باب النهي عن رفع البصر إلى السماء في الصلاة: باب نهی از بلند نمودن چشم به سوی آسمان، در نماز ۶۸۹
- ۳۲۵- باب كراهة الالتفات في الصلاة لغير عذر: باب کراهت رو برگرداندن در نماز بدون عذر ۶۹۰
- ۳۲۶- باب النهي عن الصلاة إلى القبور: باب نهی از رو کردن به قبرها در نماز ۶۹۱
- ۳۲۷- باب تحریم المرور بين يدي المصلّي: باب تحریم عبور از جلو نمازگزار ۶۹۲
- ۳۲۸- باب كراهة شروع المأموم في نافلة بعد شروع المؤذن في إقامة الصلاة سواء كانت النافلة سُنة تلك الصلاة أو غيرها: باب کراهت شروع مأموم به نماز سنت بعد از شروع مؤذن به اقامه‌ی نماز چه سنت (راتبه‌ی) آن نماز باشد؛ چه غیر آن ۶۹۳
- ۳۲۹- باب كراهة تخصيص يوم الجمعة بصيام أو ليلته بصلاة: باب کراهت اختصاص روز جمعه به روزه یا شب جمعه به نماز ۶۹۴
- ۳۳۰- باب تحریم الوصال في الصوم هو أن يصوم يومين أو أكثر، ولا يأكل ولا يشرب بينهما: باب تحریم وصال در روزه و آن عبارت است از این که دو روز یا بیشتر روزه باشد و در میان آنها اصلاً افطار نکند (شب را نیز بدون خوردن و آشامیدن به روز آورد) ۶۹۵
- ۳۳۱- باب تحریم الجلوس على قبر: باب تحریم نشستن بر قبر ۶۹۶

- ۳۳۲- باب النهي عن تخصيص القبر والبناء عليها: باب نهی از محکم کردن قبر و ساختن بنا بر روی آن (با گچ و سیمان و ...)..... ۶۹۷
- ۳۳۳- باب التغلیظ فی النهی عن اتخاذ المساجد علی قبور الصالحین واتخاذها أعياداً: باب نهی بسیار شدید در ساختن مساجد بر قبرهای صالحین و اینکه مانند عید همیشه تجلیل شوند..... ۶۹۸
- ۳۳۴- باب تحريم الشفاعة في الحدود: باب تحریم میانجیگری در حدود شرعی..... ۷۰۰
- ۳۳۵- باب النهي عن التغوط في طريق النَّاس وظلهم وموارد الماء ونحوها: باب نهی از دفع نجاست در راه مردم یا در سایه‌ای که مردم در آن می‌نشینند و یا در مجرای آب و مانند این‌ها..... ۷۰۱
- ۳۳۶- باب النهي عن البول ونحوه في الماء الراكد: باب نهی از دفع ادرار و مانند آن در آب راکد..... ۷۰۲
- ۳۳۷- باب كراهة تفضيل الوالد بعض أولاده على بعض في الهبة: باب کراهت این که پدر، بعضی از فرزندان را در بخشش بر بعضی دیگر برتری دهد..... ۷۰۳
- ۳۳۸- باب تحريم إحداد المرأة على ميت فوق ثلاثة أيام إلا على زوجها أربعة أشهر وعشرة أيام: باب تحریم عزاداری (ترک نمودن زینت) زن بر مرده بیشتر از سه روز جز برای شوهرش که چهارماه و ده روز است..... ۷۰۴
- ۳۳۹- باب تحريم بيع الحاضر للبادي وتلقي الركبان والبيع على بيع أخيه والخطبة على خطبته إلا أن يأذن أو يرد: باب تحریم فروختن یک شهرنشین چیزی را برای بیابان (ده) نشین (قبل از آن که آنان قیمت جنسشان را در بازار بدانند) و ملاقات با کاروانیان و بیع بر بیع برادر و خواستگاری بر خواستگاری او مگر با اجازه‌ی وی یا بعد از رد او..... ۷۰۵
- ۳۴۰- باب النهي عن إضاعة المال في غير وجوهه التي أذن الشرع فيها: باب نهی از اضعای مال در غیر راه‌هایی که شرع به آن اجازه داده است..... ۷۰۶
- ۳۴۱- باب النهي عن الإشارة إلى مسلم بسلاح سواء كان جاداً أو مازحاً، والنهي عن تعاطي السيف مسلولاً: باب نهی از اشاره به مسلمان با اسلحه و مانند آن، چه جدی باشد و چه شوخی، و نهی کردن از دست به دست کردن شمشیر برهنه..... ۷۰۸

- ۳۴۲- باب کراهة الخروج من المسجد بعد الأذان إلا لعذر حتى يصلي المكتوبة: باب کراهیت بیرون آمدن از مسجد بعد از اذان تا نماز فریضه را ادا نماید مگر آنکه عذری داشته باشد
۷۰۹.....
- ۳۴۳- باب کراهة ردّ الريحان لغير عذر: باب کراهت رد کردن ریحان بدون عذر..... ۷۱۰
- ۳۴۴- باب کراهة المدح في الوجه لمن خيف عليه مفسدة من إعجاب ونحوه، وجوازه لمن أمن ذلك في حقه: باب کراهت مدح روبه روی کسی که خوف فتنه‌ای بر او مانند غرور به نفس و ... هست، و جایز بودن آن برای کسی که از چنان فتنه‌ای در امان است ۷۱۱
- ۳۴۵- باب کراهة الخروج من بلد وقع فيها الوباء فراراً منه وكراهة القدوم عليه: باب کراهت خارج شدن از شهری که وبا در آن شیوع پیدا کرده است به قصد فرار از آن و نیز کراهت وارد شدن (افراد بیرون از آن جا) به آن جا..... ۷۱۲
- ۳۴۶- باب التغليظ في تحريم السحر: باب شدت تحریم سحر..... ۷۱۳
- ۳۴۷- باب النهي عن المسافرة بالمصحف إلى بلاد الكفار إذا خيف وقوعه بأيدي العدو: باب نهی از مسافرت با قرآن به شهر کافران هرگاه خوف افتادنش به دست دشمن باشد ۷۱۴
- ۳۴۸- باب تحريم استعمال إناء الذهب وإناء الفضة في الأكل والشرب والطهارة وسائر وجوه الاستعمال: باب تحریم به کار بردن ظروف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن و وضو گرفتن و سایر موارد استعمال..... ۷۱۵
- ۳۴۹- باب النهي عن صمت يوم إلى الليل: باب نهی از سکوت روز تا شب..... ۷۱۶
- ۳۵۰- باب تحريم انتساب الإنسان إلى غير أبيه وتوليّه إلى غير موالیه: باب تحریم نسبت دادن انسان به غیر پدرش و سر سپردگیش به غیر سرپرستان..... ۷۱۷
- بخش نوزدهم: کتاب احادیث متفرقه و لطایف** ۷۱۸
- ۳۵۱- باب أحاديث الدجال وأشراط الساعة وغيرها: باب احادیث در باره دجال و نشانه‌های قیامت و غیره ۷۱۹
- بخش بیستم: کتاب استغفار** ۷۳۶
- ۳۵۲- باب الأمر بالاستغفار وفضله: باب امر به استغفار و فضیلت آن ۷۳۷

۳۵۳- باب بیان ما أعدّ الله تعالى للمؤمنين في الجنة: باب بیان آنچه خداوند برای مؤمنان در بهشت آماده کرده است.....	۷۴۰
--	-----

زندگینامه‌ی مؤلف

شیخ محیی‌الدین النووی ابوزکریا بن شرف بن مُری بن حسن بن حسین بن جمعه بن حزام حزامی حورانی شافعی، شیخ مذهب، صاحب تألیفات پر بار و یکی از دانشمندان کم‌نظیر است. در سال ۶۳۱ هجری، در روستای «نوی» تولد شد، و «نوی» قریه‌ی از قریه‌های دمشق است.

در سال ۶۴۹ هجری به دمشق رو آورده و پس از آن قرآن را حفظ نمود، و به خواندن کتاب «التنبیه» شروع کرد و گفته می‌شود در مدت چهار و نیم ماه این کتاب را خواند و در بقیه‌ی همان سال ربع عبادات از کتاب «المهذب» را به اتمام رساند، از آن پس نزد مشایخ زانوی تلمذ گذاشت و هر روز دوازده درس در نزد آنها میخواند.

و بعد از اتمام دوران تحصیل به تصنیف پرداخت، کتابهای زیادی تصنیف نمود که بعضی از آنها را به پایه‌ی اکمال رسانید.

از جمله کتابهایی که تکمیل نمود می‌توان از (شرح صحیح مسلم) و (الروضة) و (المنهاج) و (الریاض) و (الأذکار) و (التیان) و (تحریر التنبیه و تصحیحه) و (تهذیب الأسماء واللغات) و (طبقات الفقهاء) نام برد.

و از جمله کتابهایی که نتوانست آنها را به پایه‌ی اکمال برساند - و اگر آنها را تکمیل می‌کرد نظیر این کتابها کمتر یافته می‌شد - (شرح مهذب) می‌باشد که آنرا (المجموع) نامید، و تا کتاب ربا آنرا ادامه داد، فقه مذهب شافعی و مذاهب دیگر را به اسلوب ناب در آن تحریر نمود، احادیث را طوری که شایسته‌ی آن است ذکر نمود، علم غریب لغت را به طرز جالب بیان داشت، خلاصه اینکه در این کتاب مسایل مهمی را آورد که در سایر کتابها مثل آن کمتر دیده می‌شود، و من در کتابهای فقهی بهتر از این کتاب سراغ ندارم، و با وجود این میتوان بر این کتاب چیزهای اضافه نمود.

نووی شخصی نهایت پرهیزگار و متقی بود تا جائیکه کمتر فقیهی در زهد و تقوا به پایه‌ی او دیده می‌شد، بیشتر روزه می‌گرفت و هرگز دو نوع طعام در یک وقت تناول نمی‌کرد، بیشتر مصارف او را پدرش از «نوی» برای او می‌فرستاد، در «إقبالیه» به نیابت از ابن خلکان درس می‌گفت، و ریاست مدرّسین «دار الحدیث اشرفیه» را به عهده داشت. پادشاهان و غیر ایشان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد.

در شب بیست و چهارم ماه رجب سال ۶۷۶ هجری در «نوی» وفات یافت و هم در آنجا دفن شد. (رحمت و عفو خداوند شامل حال او باد).^۱

و پس از آن که جوانی و آغاز پیریش را در آنجا، در «دارالحدیث» دمشق گذراند، در رجب سال ۶۷۶ هجری، در همان جا وفات یافت؛ بنابراین مدت عمر او، ۴۵ سال و هفت ماه بوده است. آرامگاه او در نوی می‌باشد.

۱- البدایة والنهایة ۱۷ / ۵۳۹ - ۵۴۱ (دار هجر للطبع والإعلان).

مقدمه‌ی مؤلف (امام نووی)

سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که یکتا و سخت‌گیر و بزرگواری و آمرزنده‌ی گناهان است؛ خدایی که برای عبرت صاحب‌دلان آگاه و بینش کامل و روشنی چشم عاقلان پندپذیر، شب را به روز و روز را به شب می‌آورد. خداوندی که آنان را که از آفریدگانش برگزید، بینش و بیداری داد و آنان را از جهان دور داشت و به مراقبه‌ی خود و فکر در صفات خویش و ادامه‌ی پندپذیری و یادآوری برگماشت در مداومت و کوشش در طاعت خویش و آمادگی رفتن به سرای جاوید و پرهیز از موجبات غضبش که به هلاک و دوزخ منجر می‌شود، توفیق داد و آنها را به حفظ این صفات عالی، با وجود تغییر و تحول اوضاع، موفق کرد. او را به رساترین و پاک‌ترین و شامل‌ترین و کامل‌ترین سپاس‌ها، سپاس می‌گزارم.

و شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خداوند بزرگواری و نیکوکاری و بسیار دل‌سوز و مهربان وجود ندارد. و شهادت می‌دهم که سرور ما حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بنده و فرستاده و دوست پسندیده‌ی او و راهنمای راه راست و دعوت‌کننده به دین محکم اسلام است. درود و سلام خدا بر ایشان و سایر پیامبران و آل و یاران هر کدام و سایر شایستگان باد.

اما بعد؛ خداوند متعال فرموده است:

﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿٥٧﴾ ﴾
(الذاریات / ۵۶-۵۷)

«من جن و انسان‌ها را جز برای پرستش نیافریدم و از آنان توقع رزقی ندارم و نمی‌خواهم مرا خوراک دهند».

و این تصریح است بر این که آنان برای پرستش خدا آفریده شده‌اند، پس توجه به آنچه برایش آفریده شده‌اند و کناره‌گیری از لذات دنیا به وسیله‌ی زهد بر همه‌ی آنان لازم و رواست؛ زیرا که دنیا سرای نیستی است و در حقیقت، وسیله‌ی عبور است نه جایگاه نعمت و شادمانی؛ و مسیر پایان‌یابنده است نه منزلگاه همیشگی؛ به همین علت است که اشخاص بیدار دل از اهل دنیا، عابدان، و عاقل‌ترین مردم در آن، زاهدانند. خداوند می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ

عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْرَبْ بِاللَّامِسِ كَذَلِكَ نُنْصِلُ
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿يونس / ۲۴﴾

«مثال زندگی این دنیا، مانند بارانی است که آن را از آسمان نازل کردیم و گیاهان زمین را که خوراک انسانها و چهارپایان است با آن مخلوط و ممزوج و آبیاری نمودیم تا این که زمین زیبایی و زینت خود را (به سبب رویش گیاهان فراوان) یافت، و اهل زمین گمان بردند که بر دست یابی به آن محصولات، قادرند، ناگاه فرمان ما، شب یا روز وارد می‌شود و آن را [مانند] محصولی درو شده می‌کنیم، چنان که گویی: دیروز، اصلاً وجود نداشته است و ما نشانه‌های خود را برای متفکران تبیین و تشریح می‌کنیم.»

در این معنی، آیات فراوان است و نیز، شاعر، خوب گفته است:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فُطِنًا،	طَلَّقُوا الدُّنْيَا وَخَافُوا الْفِتْنَا
نَظَرُوا فِيهَا فَلَمَّا عَلِمُوا	أَنَّهَا لَيْسَتْ لِحَيٍّ وَطَنًا،
جَعَلُوهَا جُبَّةً وَاتَّخَذُوا	صَالِحَ الْأَعْمَالِ فِيهَا سُمْنًا

خداوند بندگان زیرکی دارد که دنیا را طلاق دادند و از فتنه‌ها [ی آن] ترسیدند. در آن اندیشه کردند و وقتی که فهمیدند آنجا جایگاه [دایمی] هیچ زنده‌ای نیست، آن را مانند دریایی فرض کردند و اعمال شایسته را در آن، کشتی نجات گرفتند.

پس وقتی که حال دنیا چنین است و حال ما و آنچه که برای آن آفریده شده‌ایم، آن چنان است که در پیش گفتیم، بر شخص مکلف واجب است که خود را به طریق پاکان و نیکوکاران بیاندازد و راه عاقلان و با بصیرتان را طی کند و خود را برای آنچه بدان اشاره کردم، آماده سازد و در انجام دادن اعمالی که یادآوری کردیم، کوشش کند. و درست‌ترین راه برای رسیدن انسان و استوارترین مسلکی که باید پیماید، اتصاف و تخلق به دستورات پیامبر ما، سرور متقدمان و متأخران و بزرگ‌ترین گذشتگان و آیندگان، حضرت محمد مصطفی است - درود و سلام خدا بر او و سایر پیامبران خدا باد.

و خداوند بزرگ فرمود:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة / ۲)

«و بر نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید.»

و نیز روایت صحیح از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله منقول است که فرمودند: «وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَحِيهِ»^۱. و باز فرمودند: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ»^۲. همچنین فرمودند: «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئاً»^۳. و نیز به علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمودند: «فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ»^۴.

به دلایل بالا تصمیم گرفتیم که مختصری از احادیث صحیحه را فراهم آوریم که مشتمل بر مطالبی باشد که راهی به آخرت باشد و فراهم کننده‌ی آداب باطنی و ظاهری او و جامع تشویق و ترساندن و سایر آداب سالکان، از احادیث زهد، ریاضت نفس، پاکیزگی اخلاق، پاکی و معالجه‌ی دل‌ها، محافظت اعضا و برطرف نمودن کجی‌ها و کج‌روی‌های آنها و غیر آن، از مقاصد عارفان، باشد، و خود را ملتزم کرده‌ام که در آن، جز احادیث صحیح روشن را - که منبع آن کتاب‌های مشهور صحیح حدیث باشد - ذکر نکنم، و آغاز باب‌های کتاب را به آیاتی مبارک از قرآن آغاز نمایم و در قسمت‌هایی که نیازمند ضبط یا شرح است، ابواب را با نکات سودمند بیاریم، و هرگاه در آخر حدیثی «متفق علیه» آوردم، مقصود آن است که «بخاری و مسلم» آن را روایت کرده‌اند. و امیدوارم که اگر این کتاب تمام شود، راهبر توجه‌کنندگان به آن، به‌سوی خیر، و مانع آنها از انواع زشتی‌ها و موجبات فساد و هلاک باشد. و از برادری که از این کتاب بهره‌ای می‌گیرد، توقع دارم که برای من و پدر و مادر و استادان و سایر دوستانم و تمام مسلمانان، دعای خیر کند. و برای انجام دادن این مهم بر خدا تکیه کردم و کار خود را به او واگذار نمودم و پشت و پناهم اوست؛ و او برای من کافی و بهترین و کیل است. **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.**

۱- قسمتی از یک حدیث است که مسلم، آن را به شماره‌ی [۲۶۹۹] از ابوه‌ریره رضی الله عنه روایت کرده است: «خداوند در یاری بنده است، مادامی که او در یاری برادر خود باشد».

۲- مسلم، آن را به شماره‌ی [۱۸۹۲] از ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت کرده است: «کسی که بر کار خیر دلالت دارد، به اندازه‌ی پاداش انجام‌دهنده‌ی خیر را می‌برد».

۳- مسلم آن را به شماره‌ی [۲۶۷۴] از ابی‌هریره رضی الله عنه روایت کرده است: «کسی که مردم را به‌سوی راه راست و هدایت به حق دعوت کند، مانند آنهایی که از او پیروی و به ارشادش عمل کرده‌اند، بدون نقص پاداش می‌گیرد».

۴- بخاری به شماره‌ی [۳۷۰۱] و مسلم به شماره‌ی [۲۴۰۶] آن را روایت کرده‌اند: «به‌خدا سوگند که اگر خداوند، فقط یک نفر را به وسیله‌ی تو به راه حق هدایت کند، برای تو از شتران سرخ‌موی - که نفیس‌ترین اموال عرب است - بهتر است».

بخش اول

۱- باب الإخلاص وإحضر النية في جميع الأعمال والأقوال والأحوال البارزة والخفية:

باب اخلاص و داشتن نیت در همه‌ی کردارها و گفتارها و حالات

پنهان و آشکار

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ

دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ (البينه / ۵)

«و (امت‌های پیشین) فرمان نیافتند جز آنکه خدا را- در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی) پرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین».

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ حُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ﴾ (الحج / ۳۷)

«گوشت و خون‌های آن (قربانی‌های شما) به خدا نمی‌رسد، ولی تقوا و پرهیزگاریتان به او می‌رسد».

﴿إِنْ تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللهُ﴾ (آل عمران / ۲۹)

«ای پیامبرص بگو: اگر آنچه در دل‌هایتان است، پنهان و یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند».

۱- وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا، أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» مَتَّفَقٌ عَلَى صِحَّتِهِ.

رواهُ إماما المحدثين؛ أَبُو عَبْدِ اللهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُغِيرَةَ بْنِ بَرْدِزْبَةَ الْجُعْفِيُّ الْبُخَارِيُّ، وَأَبُو الْحُسَيْنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمِ الْقَشِيرِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ -رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا- فِي صَحِيحَيْهِمَا اللَّذَيْنِ هُمَا أَصْحُ الْكُتُبِ الْمُصَنَّفَةِ.

۱. و از امیرالمؤمنین ابو حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله

شنیدم که می‌فرمودند: «تمام کارها به نیت (شخص) بستگی دارد و مکافات و مجازات هر کس، طبق نیتش است، پس هر کس به خاطر خدا و پیامبرش هجرت کرده باشد، هجرتش به سوی خدا

ورسولش می باشد (و مقبول و مأجور است) و هر کس هجرتش به خاطر رسیدن به مال دنیا یا ازدواج با زن مورد نظرش باشد، به سوی آنها هجرت کرده است (و در آخرت پاداشی ندارد).^۱

صحت این دو حدیث مورد اتفاق است، و دو امام محدثان «ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه جعفی بخاری» و «ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری» در دو کتاب خودشان - که صحیح ترین تصنیفات در حدیث می باشند - روایت کرده اند.

۲- وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَغْزُو جَيْشُ الْكُفَّةِ فَإِذَا كَانُوا بَيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَأَخْرِهِمْ». قَالَتْ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَأَخْرِهِمْ وَفِيهِمْ أَسْوَاقُهُمْ وَمَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ؟! قَالَ: «يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَأَخْرِهِمْ، ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَى نِيَابَتِهِمْ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۲. از مادر مؤمنان، عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «لشکری به جنگ کعبه می آید و موقعی که در صحرای از زمین هستند، همه ی آنها در زمین فرو می روند؛ حضرت عایشه (رضی الله عنها) می فرماید: گفتیم: ای رسول خدا! چگونه زمین همه ی آنها را می بلعد در حالی که بازاریان و کسانی غیر از افراد آن لشکر، در میان آنها وجود دارند؟ فرمودند: «همه ی آنها در زمین فرو می روند، سپس روز قیامت، هر کدام بر نیت خودشان برانگیخته می شوند (با هر کدام مطابق نیت خود رفتار می شود)».^۲

۳- وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزَاةٍ فَقَالَ: «إِنَّ بِالْمَدِينَةِ لَرِجَالًا مَا سَرْتُمْ مَسِيرًا، وَلَا قَطَعْتُمْ وَاذِيًّا إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ حَسَبُهُمُ الْمَرَضُ». وَفِي رَوَايَةٍ: «إِلَّا شَرَكُوكُمْ فِي الْأَجْرِ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۳. از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: ما با پیامبر ﷺ در جنگی حضور داشتیم، فرمودند: «در مدینه مردانی هستند که با ما در (ثواب جهاد) و پیمودن جاده ها و قطع بیابان ها شریکند، اما بیماری آنها را در مدینه نگه داشته است (منظور آن است که این اشخاص بیمار که قلباً آرزوی شرکت در جهاد برای توسعه ی اسلام و دفاع در برابر مشرکان را دارند، با این که شرکت نکرده اند، به نیت خود مأجورند و ثواب می برند)».^۳

۱- [بخاری، حدیث شماره ی (۱)، مسلم، حدیث شماره ی (۱۹۰۷)].

۲- متفق علیه است؛ [بخ (۲۱۱۸)، م (۲۸۸۴)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۱].

و در روایتی آمده است: «مگر اینکه در پاداش با شما شریک می شدند» به روایت صحیح مسلم.

۴- وَعَنْ مَعْنِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ الْأَخْنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، قَالَ: كَانَ أَبِي يَزِيدُ أَخْرَجَ ذَنَابِيرَ يَتَصَدَّقُ بِهَا فَوَضَعَهَا عِنْدَ رَجُلٍ فِي الْمَسْجِدِ فَجِئْتُ فَأَخَذْتُهَا فَأَتَيْتُهُ بِهَا. فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا إِيَّاكَ أَرَدْتُ، فَخَاصَمْتُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «لَكَ مَا نَوَيْتَ يَا يَزِيدُ، وَلَكَ مَا أَخَذْتَ يَا مَعْنُ». رواه البخاري.

۴. از معن بن یزید بن اخنس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پدرم، یزید، چند دینار خود را برای صدقه بیرون آورد و نزد مردی در مسجد گذاشت که آن را ببخشد، من رفتم و آن را برداشته، پیش پدرم آوردم، فرمود: به خدا سوگند، آنها را برای تو نگذاشته بودم و اختلافمان را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساندم، فرمودند: «ای یزید! ثواب آنچه نیت کرده‌ای به تو می‌رسد، و ای معن (ابویزید)! آنچه برداشته‌ای مال توست»^۱.

۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَامِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» رواه مسلم.

۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال به اجسام و صورت‌های شما نگاه نمی‌کند؛ بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد»^۲.

۶- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ شَجَاعَةً، وَيُقَاتِلُ حَمِيَّةً وَيُقَاتِلُ رِيَاءً، أَيُّ ذَلِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۶. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره‌ی مردی که از روی شجاعت یا تعصب قومی یا تظاهر و ریا می‌جنگد، سؤال شد که: کدام‌یک در راه خداست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس که به قصد اعلای نام (و دین) خدا بجنگد، آن در راه خدا (و مقبول) است»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۴۲۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶۴)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۱۰)، م (۱۹۰۴)].

۷- وعن أبي بكره - رضي الله عنه - أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ: «إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ» متفقٌ عليه.

۷. از ابی بکره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه دو مسلمان، به روی یکدیگر شمشیر کشیدند، قاتل و مقتول، هر دو در آتش هستند!»؛ گفتم: ای رسول خدا، قاتل که معلوم است، مقتول چه گناهی دارد؟ فرمودند: «او نیز بر قتل طرفش حریص بوده است»^۱.

۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي سُوقِهِ وَبَيْتِهِ بضعاً وَعِشْرِينَ دَرَجَةً، وَذَلِكَ أَنْ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَا يَنْهَازُهُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا رَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، وَخَطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةً حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ، فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتْ الصَّلَاةُ هِيَ الَّتِي تَحْسِبُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ، يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ، مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ، مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيهِ». متفقٌ عليه.

۸ و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز جماعت مرد مسلمان بر نماز او در بازار یا در خانه اش، بیش از بیست و چند درجه برتری دارد، به دلیل این که هر گاه مسلمان، وضوی کاملی گرفت و با نیت نماز خواندن به مسجد آمد، و نماز، تنها دلیل بلند شدن و بیرون آمدن او از خانه باشد، تا هنگام ورود به مسجد، در برابر هر قدمش، یک درجه ثواب او بیشتر و یک مورد از گناهان او کمتر می شود و با ورود به مسجد، ثواب و اجر نمازخوان را دارد، به شرطی که فقط به خاطر نماز در مسجد نشسته باشد و فرشتگان تا مادامیکه یکی از شما در جای نماز خواندنش نشسته باشد بر او درود می فرستند و می گویند: خداوندا! بر او رحم کن و او را بیمارز، و توبه‌ی او را بپذیر! به شرطی که اذیت یا نقض وضوی، از او صادر نشود»^۲.

۹- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِيمَا يَرْوِي عَنْ رَبِّهِ، تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ: فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۱)، م (۲۸۸۸)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۴۷۷۷)، م (۶۴۹)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

سَبْعَمَائَةِ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هُمْ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هُمْ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً». متفقٌ عليه.

۹. از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند متعال روایت می کند که: «خداوند نیکی ها و بدی ها را نوشت و آنها را روشن کرد، پس هر کس قصد یک کار خوب و ثواب کند و انجام ندهد، خداوند یک حسنه ی کامل برای او می نویسد، و اگر نیت کرد و کار نیک را انجام داد، ده حسنه برای او می نویسد و گاهی تا هفتصد حسنه و بیشتر، و اگر قصد گناهی نمود و آن را انجام نداد، خداوند آن را یک حسنه کامل می نویسد؛ اما اگر قصد آن معصیت را کرد و آن را انجام داد، خداوند آن را تنها یک گناه ثبت می فرماید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۹۰)، م (۱۳۱)].

۲- باب التوبة:

باب توبه

قَالَ الْعُلَمَاءُ: التَّوْبَةُ وَاجِبَةٌ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، فَإِنْ كَانَتْ الْمَعْصِيَةُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى لَا تَتَعَلَّقُ بِحَقِّ آدَمِيِّ فَلَهَا ثَلَاثَةٌ شُرُوطٌ:

أَحَدُهَا: أَنْ يُقْلَعَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ .

وَالثَّانِي: أَنْ يَنْدَمَ عَلَى فِعْلِهَا.

وَالثَّلَاثُ: أَنْ يَعْرِمَ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا.

فَإِنْ فُقِدَ أَحَدُ الثَّلَاثَةِ لَمْ تَصِحَّ تَوْبَتُهُ.

وَإِنْ كَانَتْ الْمَعْصِيَةُ تَتَعَلَّقُ بِآدَمِيِّ فَشُرُوطُهَا أَرْبَعَةٌ: هَذِهِ الثَّلَاثَةُ، وَأَنْ يَبْرَأَ مِنْ حَقِّ صَاحِبِهَا، فَإِنْ كَانَتْ مَالًا أَوْ نَحْوَهُ رَدَّهُ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَتْ حَدًّا قَذْفٍ وَنَحْوَهُ مَكَّنَهُ مِنْهُ أَوْ طَلَبَ عَفْوَهُ، وَإِنْ كَانَتْ غِيْبَةً اسْتَحْلَهُ مِنْهَا.

وَيَجِبُ أَنْ يُتُوبَ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ، فَإِنْ تَابَ مِنْ بَعْضِهَا صَحَّتْ تَوْبَتُهُ عِنْدَ أَهْلِ الْحَقِّ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَبَقِيَ عَلَيْهِ الْبَاقِي. وَقَدْ تَظَاهَرَتْ دَلَائِلُ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَاجْتِمَاعِ الْأُمَّةِ عَلَى وُجُوبِ التَّوْبَةِ.

علما گفته‌اند: توبه از هر گناهی واجب است؛ اگر گناه بین بنده و خداوند متعال باشد و به

حق الناس تعلق نداشته باشد، دارای سه شرط است:

اول، بریدن از گناه و ترک آن؛

دوم، پشیمانی از انجام دادن آن؛

سوم، عزم بر برنگشتن همیشگی به گناه.

و اگر یکی از شروط سه گانه انجام نشود، توبه اش صحیح نیست.

و اگر گناه به انسانی تعلق داشت، (در حق یک انسان بود) دارای چهار شرط است:

سه شرط بالا، و چهارم، این که از حق آن شخص، بری و پاک شود و شخص، او را حلال کند؛

بدین معنی که اگر آن حق، مال یا مانند آن باشد، آن را به او پس دهد، و اگر حد قذف و بهتان یا

مانند آن است، تمکین او را به دست آورد (خود را برای حد آماده کند و بپذیرد) یا طلب عفو کند؛

و اگر پشت سر، از او بدی گفته و غیبت کرده است، از او طلب حلال کردن کند.

و بر شخص مسلمان واجب است که از همه‌ی گناهان توبه کند، اگر از بعضی از گناهان توبه

کرد، از آن رسته، و گناهی که از آنها توبه نکرده است بر ذمه اش باقی می ماند. و دلایلی از کتاب

و سنت و اجماع علما بر وجوب توبه در دست است:

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور / ۳۱)

«ای مؤمنان! از تمام گناهان به درگاه خدا توبه کنید؛ شاید رستگار شوید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ﴾ (هود / ۳)

«از خدا آمرزش بخواهید و سپس پیش او (از تمام گناهان) توبه کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ (التحریم / ۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و به درگاه او توبه‌ی نصوح کنید (توبه‌ای قطعی که دیگر به گناه بازنگردد).»

۱۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، فِي الْيَوْمِ، أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً» رواه البخاري.

۱۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «به خدا سوگند من هر روز بیش از هفتاد مرتبه به درگاه خدا طلب آمرزش و توبه می‌کنم»^۱.

۱۱- وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ الْأَنْصَارِيِّ خَادِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ أَحَدِكُمْ كَانَ عَلَى رَاحِلَتِهِ بِأَرْضِ فَلَاةٍ، فَاذْهَبَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَأَيْسَ مِنْهَا، فَأَتَى شَجَرَةً فَاضْطَجَعَ فِي ظِلِّهَا، وَقَدْ أَيْسَ مِنْ رَاحِلَتِهِ، فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هُوَ بِهَا قَائِمَةٌ عِنْدَهُ، فَاخَذَ بِحِطَامِهَا ثُمَّ قَالَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، أَخْطَأَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ». رواه مسلم.

۱۱. و از انس بن مالک انصاری رضی الله عنه - خادم پیامبر صلی الله علیه و آله - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند از توبه‌ی بنده‌اش، خوشحال‌تر از یکی از شما که در بیابانی، بر شتر خود سوار باشد و شتر - که آب و غذایش را هم بر پشت دارد - از او برمد و فرار کند و او، از یافتن آن مایوس شود و (برای رفع خستگی) به زیر درختی برود و در سایه‌ی آن، ناامید از شتر (و توشه) اش، دراز بکشد و در چنین حالی ناگهان شتر خود را پیش خود، ایستاده ببیند و مهار شتر را بگیرد و از شدت

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۳۰۷].

خوشحالی و شادی زیاد، به اشتباه بگوید: خدایا! تو، بنده‌ی منی و من، خدای تو هستم! خداوند از توبه بنده‌اش - وقتی که به درگاه او توبه می‌کند - خوشحال‌تر از چنین کسی است.^۱

۱۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ» رواه مسلم.

۱۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که پیش از طلوع خورشید از مغرب توبه کند، خداوند توبه‌ی او را می‌پذیرد».^۲

۱۳- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يُعْرِغْ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۱۳. از عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند توبه‌ی بنده‌اش را تا وقتی که جانش به لب نرسیده و به سگرات موت نیفتاده است، می‌پذیرد».^۳

۱۴- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ قَتَلَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَفْسًا، فَسَأَلَ عَنْ أَعْلَمِ أَهْلِ الْأَرْضِ فُدُلَّ عَلَى رَاهِبٍ، فَأَتَاهُ فَقَالَ: إِنَّهُ قَتَلَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَفْسًا، فَهَلْ لَهُ مِنْ تَوْبَةٍ؟ فَقَالَ: لَا، فَقَتَلَهُ فَكَمَلَ بِهِ مِائَةً ثُمَّ سَأَلَ عَنْ أَعْلَمِ أَهْلِ الْأَرْضِ، فُدُلَّ عَلَى رَجُلٍ عَالِمٍ فَقَالَ: إِنَّهُ قَتَلَ مِائَةَ نَفْسٍ فَهَلْ لَهُ مِنْ تَوْبَةٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَمَنْ يَحُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ التَّوْبَةِ؟ انْطَلِقْ إِلَى أَرْضِ كَذَا وَكَذَا، فَإِنَّ بِهَا أَنْاسًا يَعْبُدُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَأَعْبُدِ اللَّهَ مَعَهُمْ، وَلَا تَرْجِعْ إِلَى أَرْضِكَ فَإِنَّهَا أَرْضٌ سُوءٌ، فَانْطَلِقْ حَتَّى إِذَا نَصَفَ الطَّرِيقَ أَتَاهُ الْمَوْتُ فَاخْتَصَمَتْ فِيهِ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ. فَقَالَتْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ: جَاءَ تَائِبًا مُقْبِلًا بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَقَالَتْ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ: إِنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ خَيْرًا قَطُّ، فَأَتَاهُمْ مَلَكٌ فِي صُورَةِ آدَمِيٍّ فَجَعَلُوهُ بَيْنَهُمْ أَيْ حَكَمًا. فَقَالَ: قَيْسُوا مَا بَيْنَ الْأَرْضَيْنِ فَإِلَى أَيِّهِمَا كَانَ أَدْنَى فَهُوَ لَهُ، فَقَاسُوا فَوَجَدُوهُ أَدْنَى إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي أَرَادَ، فَقَبَضَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ» متفقٌ عليه.

۱- [۶۸۹۵].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۳].

۳- ترمذی روایت کرده [۳۵۳۷] و گفته است: حدیثی «حسن» است.

۴- این حدیث، با آیه‌ی «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْفَنِّ» برای

کسانی که کارهای بد را انجام می‌دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد می‌گوید: الان توبه کردم! توبه نیست،

مخالف نیست؛ زیرا آیه، بر نفس‌های آخر محتضر دلالت دارد - که آن را حالت غرغره می‌گویند - در صورتی که حدیث،

صراحت دارد که مادام انسان، به چنین حالتی نرسیده است، توبه‌اش قبول است. مترجم

وفي رواية في الصحيح: «فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذِهِ أَنْ تَبَاعِدِي، وَإِلَى هَذِهِ أَنْ تَقْرَبِي وَقَالَ: قَيْسُوا مَا بَيْنَهُمَا، فَوَجَدُوهُ إِلَى هَذِهِ أَقْرَبَ بِشِيرٍ، فَغَفَرَ لَهُ».

۱۴. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در میان مردمان پیش از شما، کسی بود که نود و نه نفر را کشته بود، پس (از آن به فکر توبه افتاد و) به جستجوی عالم‌ترین شخص زمین می‌گشت، او را به سوی راهبی راهنمایی نمودند، نزد او رفت و گفت: نود و نه نفر را کشته است، آیا اگر توبه کند، قبول است؟ گفت: خیر، پس او را هم کشت و صد نفر را با او کامل کرد؛ باز، به جستجوی عالم‌ترین فرد زمین گشت، او را به سوی مرد دانشمندی راهنمایی کردند، پیش او رفت و گفت: صد نفر را کشته است، آیا اگر توبه کند، قبول است؟ گفت: بله، چه کسی می‌تواند بین او و بین توبه مانعی ایجاد کند؛ به فلان سرزمین برو که در آنجا مردمانی خداپرست هستند و با آنها عبادت خداوند را انجام بده و به سرزمین خودت باز نگرد که آنجا زمین بدی است. آن شخص رفت و در نیمه‌ی راه، مرگ او فرا رسید و فرشتگان رحمت و عذاب، بر سر او به مجادله پرداختند؛ فرشتگان رحمت گفتند: او در حال توبه و هنگامی که قلبش متوجه خدا بود، به درگاه خدا روی نهاد و فرشتگان عذاب گفتند: او هرگز عمل خوبی انجام نداده است؛ سپس فرشته‌ای به شکل و لباس انسان، پیش آنها آمد و (هر دو گروه) فرشتگان، او را قاضی بین خود قرار دادند؛ وی گفت: از اینجا فاصله‌ی دو زمین (زمین مبدأ و زمین مقصد) را اندازه بگیرید، به هر کدام نزدیک‌تر بود، از اهل آنجا محسوب می‌شود؛ اندازه گرفتند، جایی که خواسته بود برود، (شهر خداپرستان) نزدیک‌تر بود و آن‌گاه فرشتگان رحمت، جان او را قبض کردند».

و در روایتی در صحیح، آمده است: «خداوند به زمین مبدأ، وحی کرد که: از او دور، و به زمین مقصد امر فرمود: به او نزدیک شود و آن‌گاه فرمود: فاصله‌ی آن محل را با زمین محل فوت اندازه بگیرید، سپس وی را به مقدار یک وجب به مقصد نزدیک‌تر یافتند و آمرزیده شد».

۱۵- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَنْسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ أَنَّ لَابْنَ آدَمَ وَادِيًا مِنْ ذَهَبٍ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَادِيَانِ، وَلَنْ يَمْلَأَ فَاهُ إِلَّا التُّرَابُ، وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۵. از ابن عباس رضی الله عنهما و انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر انسان، صاحب یک دره‌ی پر از طلا باشد، باز می‌خواهد که مالک دو برابر آن باشد، و به جز خاک، هیچ چیز دهان انسان را پر نمی‌کند و خداوند، توبه‌ی هر توبه‌کننده‌ای را می‌پذیرد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [بخ (۶۴۳۶)، م (۱۰۴۹)].

۳- باب الصبر:

باب صبر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا﴾ (آل عمران / ۲۰۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبایی ورزید و استقامت و پایداری کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَدَشِيرِ

الصَّابِرِينَ﴾ (البقره / ۱۵۵)

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود ثمرات و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم، و به صابران مژده و بشارت بده.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (الزمر / ۱۰)

«قطعاً اجر و پاداش شکیبایان به تمام و کمال و بدون حساب داده می‌شود.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ عَظَمِ الْأُمُورِ﴾ (الشوری / ۴۳)

«کسی که شکیبایی کند و (از گناه دیگران) درگذرد، از زمره‌ی کارهای مطلوب

است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ماندگار شد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (البقره / ۱۵۳)

«از بردباری و نماز یاری بجوئید، که قطعاً، خداوند با صابران است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجْتَهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾ (محمد / ۳۱)

«قطعاً ما همه‌ی شما را آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود مجاهدان و صابران شما چه کسانی هستند.»

آیات در امر به صبر و فضیلت آن، فراوان و مشهور هستند.

۱۶- وعن أبي مالك الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الطهورُ شَطْرُ الإِيْمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ أَوْ تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ. كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَبِأَنْفُسِهِمْ فَمُتِّعْتُمُوهَا، أَوْ مُؤَبِّقْتُمُوهَا» رواه مسلم.

۱۶. از ابومالک اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پاکیزگی (طهارت) نصف ایمان است و «الحمد لله»، کفهی ترازوی حسنات را پر می کند و «سبحان الله والحمد لله» فضای بین آسمانها و زمین را پر می کنند، نماز نور است و زکات حجت، و صبر روشنی، و قرآن دلیلی است به نفع یا ضرر تو، همه ی مردم شب را به روز می آورند در حالی که با نفس خودشان معامله می کنند؛ یا آن را از هر بدی آزاد می کنند؛ یا آن را به هلاک و نابودی می کشانند!».

۱۷- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ نَاسًا مِنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ، ثُمَّ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ، حَتَّى نَفِدَ مَا عِنْدَهُ، فَقَالَ لَهُمْ حِينَ أَنْفَقَ كُلَّ شَيْءٍ بِيَدِهِ: «مَا يَكُنُّ مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدْخِرَهُ عَنْكُمْ، وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللَّهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ، وَمَنْ يَتَصَبَّرْ يُصْبِرْهُ اللَّهُ. وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً خَيْرًا وَأَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۷. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: گروهی از انصار از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواستند، به آنها عطا فرمودند، دوباره توقع احسان از او کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها عطا فرمودند، در نتیجه آنچه داشت، تمام شد و هنگامی که تمام آنچه پیش خود داشت، با دست خود بخشید، فرمودند: «هر چه (مال) نزد من باشد، از شما دریغ نخواهم کرد و هر کس اهل بزرگ منشی و بی توقعی از دیگران باشد، خداوند او را پاداش می دهد (آبرویش را - در فقر - محفوظ می نماید) و هر کس اظهار بی نیازی بورزد و عزت نفس داشته باشد، خداوند او را بی نیاز می کند و هر کس خود را به شکیبایی عادت دهد، خداوند او را صبور می کند و به هیچ کس بخششی بهتر و بیشتر از صبر، داده نشده است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۹۶)، م (۱۰۵۳)].

۱۸- وَعَنْ صُهَيْبِ بْنِ سَنَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ سَرَّاءُ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ». رواه مسلم.

۱۸. و از صهیب بن سنان رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: حال مسلمان تعجب برانگیز است که همه‌ی کارهایش برای او خیر است و این وضع تنها برای مؤمن است که اگر چیزی که مایه‌ی شادی و سود است، برای او پیش آید، شکر می‌کند و خیر او در آن است و اگر ضرر (و سختی) برای او پیش آید، صبر می‌کند و خیر او در آن است.

۱۹- وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (وَحِبِّهِ وَابْنِ حَبِّهِ) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: أَرْسَلَتْ بِنْتُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ ابْنِي قَدِ احْتَضَرَ فَأَشْهَدُنَا، فَأَرْسَلَ يُفْرئُ السَّلَامَ وَيَقُولُ: «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمًّى، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ» فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ تُقْسِمُ عَلَيْهِ لِيَأْتِيَنَهَا. فَقَامَ وَمَعَهُ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ، وَمُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ، وَأُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ، وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ، وَرَجُلٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، فَرَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّبِيَّ، فَأَقْعَدَهُ فِي حَجْرِهِ وَنَفْسُهُ تَقَعَّقُ، فَفَاصَتْ عَيْنَاهُ، فَقَالَ سَعْدٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا هَذَا؟ فَقَالَ: «هَذِهِ رَحْمَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ».

وفي رواية: «في قُلُوبِ مَنْ شَاءَ مِنْ عِبَادِهِ، وَإِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الرُّحَمَاءَ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۹. و از «اسامه بن زید بن حارثه» غلام آزاد کرده پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم و دوست و پسر دوست او، حِبِّهِ روایت شده است که دختر^۱ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به ایشان سفارش فرستاد که فرزندم در حال مرگ است؛ تشریف بیاورید؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به او سلام فرستادند و فرمودند: «خداوند، هر چه را که می‌گیرد یا عطا می‌کند، از آن او و ملک اوست و هر چیز نزد او، وقت معینی دارد؛ (بگویید): صبر کند و به امید پاداش خداوند باشد؛ باز سفارش فرستاد و سوگند داد که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم تشریف ببرد، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم برخاست و «سعد بن عباد و معاذ بن جبل و ابی بن کعب و زید بن ثابت» و مردانی دیگر رضی اللہ عنہم در خدمت وی بودند؛ کودک را در حالی که تند نفس می‌زد و سینه‌اش بالا و پایین می‌رفت، به پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم دادند، او را در آغوش گرفت، چشمان مبارک پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم پر از اشک شد، سعد رضی اللہ عنہ فرمود: ای رسول خدا! این چیست؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «این رحم است که خداوند متعال، در دل بندگانش

۱- این دختر، حضرت زینب رضی اللہ عنہا بوده است - ویراستاران.

قرار می‌دهد». و در روایتی دیگر آمده است: «خداوند متعال آن را در دل هر بنده‌ای که بخواهد، قرار می‌دهد و خداوند، تنها به بندگانی رحم می‌کند که به دیگران رحم می‌کنند».

۲۰- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِامْرَأَةٍ تَبْكِي عِنْدَ قَبْرِ فَقَالَ: «اتَّقِي اللَّهَ وَاصْبِرِي» فَقَالَتْ: إِلَيْكَ عَنِّي، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَبِّ بِمُصِيبَتِي، وَلَمْ تَعْرِفْهُ، فَقِيلَ لَهَا: إِنَّهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَتَتْ بَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمْ تَجِدْ عِنْدَهُ بَوَائِبِينَ، فَقَالَتْ: لَمْ أَعْرِفْكَ، فَقَالَ: «إِنَّمَا الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى» متفقٌ عليه.

۲۰. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر زنی که نزدیک قبری گریه می‌کرد، گذشت و فرمودند: «ای زن! پرهیزگار و صبور باش»، زن گفت: از من دور شو؛ زیرا تو به مصیبت من دچار نشده‌ای و پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را نشناخت. به او گفتند: این، رسول خداست، زن (برای عذرخواهی) به خانه‌ی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آمد و در آنجا حاجب و دربان‌ی نیافت، (دلیل آن که آن زن، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را نشناخت، همین رفتار عادی و ساده‌ای ایشان به نسبت حاکمان و قدرتمندان بود) گفت: تو را نشناختم، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «صبر، تنها در آغاز مصیبت است (زمانی که شخص از وقوع آن باخبر می‌شود)».

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم زنی را دید که بر کودک خود گریه می‌کرد.

۲۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَا لِعِبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبِضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا الْجَنَّةَ» رواه البخاري.

۲۱. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: «من برای بنده‌ی مؤمن خود - وقتی که فرد دل‌بند و برگزیده‌اش از اهل دنیا را از او می‌گیرم و او برای رضا و به امید جزای من، صبر می‌کند - پاداشی جز بهشت در نزد من ندارم».

۲۲- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الطَّاعُونَ، فَأَخْبَرَهَا أَنَّهُ كَانَ عَذَابًا يَبْعَثُهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى مَنْ يَشَاءُ، فَجَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، فَلَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَفْعُ فِي الطَّاعُونَ فَيَمُوتُ فِي بَلَدِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ» رواه البخاري.

۲۲. و از ام‌المؤمنین حضرت عایشه رضی اللہ عنہا روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در باره‌ی طاعون پرسیدم، فرمودند: «طاعون عذابی بوده که خداوند آنرا بر کسی که می‌خواست نازل

می‌نمود؛ اما خداوند آن را برای مؤمنان (موجب) رحمت قرار داده، و هیچ بنده‌ای نیست که به طاعون مبتلا شود و با آن حال در شهر خود بماند و صبر کند و چنان معتقد باشد که جز آنچه پروردگار برایش تقدیر کرده است، چیزی بر سر او نمی‌آید، مگر آن که (پاداش) بیماری او، برایش مانند اجر و پاداش شهید است»^۱.

۲۳- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتَيْهِ فَصَبَرَ عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ» يُرِيدُ عَيْنَيْهِ، رواه البخاري.

۲۳. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: «هر کس را به بلای کوری دو چشم دچار کنم و صبر کند، در عوض دو چشمش، بهشت را به او عطا می‌کنم»^۲.

۲۴- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَنِي أَنْظُرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْكِي نَبِيًّا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، ضَرَبَهُ قَوْمُهُ فَأَدَمَوْهُ وَهُوَ يَمْسُخُ الدَّمَ عَن وَجْهِهِ، يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» متفقٌ عليه.

۲۴. و از عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: (چنان خوب به یاد دارم که) گویی به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نگاه می‌کنم که حکایت یکی از پیامبران صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را بازگو می‌فرماید که: قومش او را زدند و خون آلودش کردند و او خون صورتش را پاک می‌کرد و می‌فرمود: پروردگارا! قوم مرا هدایت کن، چون که آنها نمی‌فهمند»^۳.

۲۵- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا حَزَنٍ وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةُ يُشَاكُّهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ» متفقٌ عليه.

۲۵. و از ابوسعید و ابوهریره رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «هیچ رنج و بیماری و غم و اندوه و آزار و اذیتی به شخص مسلمان نمی‌رسد و یا حتی خاری در پای او فرو نمی‌رود، جز آن که خداوند آن را کفاره‌ی گناهانش قرار می‌دهد»^۴.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۷۳۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۵۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۷۷)، م (۱۷۹۲)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۴۱)، م (۲۵۷۳)].

۲۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ»: رواه البخاري.

۲۶. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که خداوند، خیر و نیکی او را بخواهد، او را به بلایی دچار (و با سختی‌ها، امتحان) می‌کند»^۱.

۲۷- وَعَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِيُضْرَّ أَصَابُهُ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيُقِلْ: اللَّهُمَّ أَحْبِبْنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي» متفق عليه.

۲۷. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ‌یک از شما هرگز به خاطر ضرر و مصیبتی که به او رسیده است، تمنای مرگ نکند و اگر ناچار شد چنین کند، (از روی ناچاری چیزی می‌گوید)، باید بگوید: خدایا! اگر زندگی برای من خوب است، مرا زنده نگاهدار و اگر مرگ به خیر و صلاح من است، مرا بمیران»^۲.

۲۸- وَعَنْ خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: شَكَوْنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُتَوَسِّدٌ بُرْدَةً لَهُ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ، فَقُلْنَا: أَلَا تَسْتَنْصِرُ لَنَا أَلَا تَدْعُو لَنَا؟ فَقَالَ: قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُخْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَيُجْعَلُ فِيهَا، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نِصْفَيْنِ، وَيُمَشَّطُ بِأَمْشَاطِ الْخَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، مَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهُ لِيَتِمَّنَّ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَسِيرَ الرَّكْبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ وَالذُّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ» رواه البخاري.

۲۸. و از خباب بن ارت رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بُرده‌ی (لباس راه‌راه) خویش را بالش ساخته و در سایه‌ی کعبه تکیه کرده بود، شکایت بردیم و گفتیم: آیا برای ما طلب فتح و نصرت نمی‌کنی؟! آیا برای ما دعای خیر نمی‌فرمایی؟! فرمودند: «در زمان‌های گذشته، شخصی را می‌گرفتند و برای او گودالی در زمین می‌کنند و او را زنده در آن قرار داده، اره بر سرش نهاده، او را دو نیم می‌کردند و شانه‌ی آهنی را بر تمام گوشت و استخوان بدن او می‌کشیدند و این (شکنجه‌های طاقت‌فرسا)، او را از دینش باز نمی‌داشت؛ به خدا سوگند، خداوند، این امر (اسلام) را به اتمام و انجام می‌رساند تا جایی که مسافر از «صنعا» به «حضر موت» می‌رود و جز از

۱- متفق روایت کرده است؛ [خ (۵۶۴۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۷۱)، م (۲۶۸۰)].

خداوند، از هیچ چیز دیگری نمی‌ترسد (مگر آن که) از گرگی که به گوسفندانش زده است، بترسد! ولی شما عجله می‌کنید».

۲۹- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدِهِ خَيْرًا عَجَّلَ لَهُ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدِهِ الشَّرَّ أَمْسَكَ عَنْهُ بِذَنْبِهِ حَتَّى يُؤَافِيَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ عِظْمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظْمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السُّخْطُ» رواه الترمذي وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۲۹. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر گاه خداوند، خیر و نیکی بنده‌ای را بخواهد، عقوبت او را به تعجیل می‌اندازد و در این جهان عقاب می‌بیند، و اگر نسبت به بنده‌ای ازاده‌ی شر نماید، او را در گناهش به حال خود وا می‌گذارد تا در روز قیامت، به حساب او برسد».

پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بزرگی اجر، منوط به بزرگی مصیبت است و خداوند متعال هر گاه طایفه‌ای را دوست بدارد، آنها را به مصائب و سختی‌ها دچار می‌کند؛ آن‌گاه کسی که راضی و شاکر باشد، رضای خدا را به دست آورده است و کسی که ناراضی و ناسپاس باشد، غضب و ناراضیتی خدا را برای خود خریده است»^۲.

۳۰- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ ابْنُ أَبِي طَلْحَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَشْتَكِي، فَخَرَجَ أَبُو طَلْحَةَ، فَقَبِضَ الصَّبِيَّ، فَلَمَّا رَجَعَ أَبُو طَلْحَةَ قَالَ: مَا فَعَلَ ابْنِي؟ قَالَتْ أُمُّ سَلِيمٍ وَهِيَ أُمُّ الصَّبِيِّ: هُوَ أَسْكَنَ مَا كَانَ، فَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ الْعِشَاءَ فَتَعَشَّى، ثُمَّ أَصَابَ مِنْهَا، فَلَمَّا فَرِغَ قَالَتْ: وَارْؤَا الصَّبِيَّ، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو طَلْحَةَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ، فَقَالَ: «أَعْرَسْتُمُ اللَّيْلَةَ؟» قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمَا» فَوَلَدَتْ غُلَامًا فَقَالَ لِي أَبُو طَلْحَةَ: احْمِلْهُ حَتَّى تَأْتِيَ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَبِعْثْ مَعَهُ بِتَمْرَاتٍ، فَقَالَ: «أَمَعَهُ شَيْءٌ؟» قَالَ: نَعَمْ، تَمْرَاتٍ فَأَخَذَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَضَغَهَا، ثُمَّ أَخَذَهَا مِنْ فِيهِ فَجَعَلَهَا فِي فِي الصَّبِيِّ ثُمَّ حَنَكَهُ وَسَمَّاهُ عَبْدَ اللَّهِ. متفقٌ عليه.

وفي روايةٍ للبخاري: قال ابنُ عيينة: فقال رجلٌ من الأنصار: فرأيتُ تسعةَ أولادٍ كلُّهم قد قرؤوا القرآنَ، يعني من أولادِ عبدِ الله المولود.

۱- می‌فرمایند: شخص چون در «دارالسلام» و در تحت قدرت و گستره‌ی اسلام است، هیچ «انسانی» به او ودینش کاری نخواهد داشت - ویراستاران.

۲- ترمذی روایت کرده [۲۳۹۸] و گفته است: حدیثی حسن است.

وفي رواية لمسلم: مات ابنُ لأبي طلحة من أم سليم، فقالت لأهلها: لا تُحدِّثوا أبا طلحةَ بابنه حتى أكون أنا أحدثُهُ، فجاء فقربتُ إليه عشاءً فأكلَ وشرب، ثم تصنعتُ له أحسنَ ما كانت تصنعُ قبلَ ذلك، فوقعَ بها، فلما أن رأتُ أنه قد شبع وأصابَ منها قالت: يا أبا طلحة، أرايتَ لو أن قومًا أعاروا عاريتهم أهل بيتٍ فطلبوا عاريتهم، ألهم أن يمنعوها؟ قال: لا، فقالت: فاحتسبِ ابنتك. قال: فعضب، ثم قال: تركتني حتى إذا تلطختُ ثم أخبرني بابني، فانطلقَ حتى أتى رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فأخبره بما كان، فقال رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بارك اللهُ لكما في ليلتكما». قال: فحملتُ، قال: وكان رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ في سفرٍ وهي معه وكان رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إذا أتى المدينة من سفرٍ لا يطرقها طروقاً فدنوا من المدينة، فصرَبها المخاض، فاحتبسَ عليها أبو طلحة، وانطلقَ رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قال: يقولُ أبو طلحة: إنك لتعلم يا ربُّ أنه يُعجِبني أن أخرجَ مع رسولِ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إذا خرجَ، وأدخلَ معه إذا دخلَ، وقد احتبستُ بما ترى. تقولُ أم سليم: يا أبا طلحة ما أجدُ الذي كنتُ أجدُ، انطلقَ، فانطلقنا، وصرَبها المخاضُ حينَ قدما فولدتُ غلاماً. فقالتُ لي أُمِّي: يا أنسُ لا يُرضعه أحدٌ تغدو به علي رسولِ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فلما أصبحَ احتملته فانطلقتُ به إلى رسولِ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. وذكرَ تمامُ الحديثِ.

۳۰. از انس رضي الله عنه روایت شده است که یک پسر ابوطلحه، بیمار شد و از درد می‌نالید؛ ابوطلحه از منزل خارج شد و کودک فوت کرد، وقتی بازگشت، حال فرزندش را جویا شد، ام‌سلیم مادر کودک گفت: او از هر وقت آرام‌تر است و غذای شام را حاضر کرد و ابوطلحه غذا را خورد و با او نزدیکی کرد؛ پس از فراغت ام‌سلیم به او گفت: کودک را دفن کردند؛ وقتی که صبح شد ابوطلحه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ایشان را از جریان باخبر ساخت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شب با هم نزدیکی کردید؟» گفت: بله، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدا یا! بر هر دو مبارک گردان؛ (چندی بعد) ام‌سلیم پسری به دنیا آورد، ابوطلحه به من (انس) گفت: کودک را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ببر و همراه با او چند خرما فرستاد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا همراه او چیزی هست؟» گفتند: بله، چند خرما همراه اوست، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و یک خرما را در دهان خود گذاشت و جوید، سپس از دهان مبارک خود بیرون آورد و در دهان کودک گذاشت و او را تحنک کرد (با انگشت، خرما را در داخل دهان و کام کودک مالید) و نام او را عبدالله نهاد!

در روایتی دیگر از بخاری آمده است: ابن عیینه می گوید: مردی از انصار گفت: از فرزندان همان عبدالله (بن ابوظلحه)، نه فرزند قرآن خوان را دیدم.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: یکی از پسران ابوظلحه که از زنش، ام سلیم بود، فوت کرد، ام سلیم به اهل خانه گفت: از این قضیه چیزی به او ابوظلحه نگوئید تا خودم به او بگویم. ابوظلحه به خانه آمد، ام سلیم غذای شام را برای او حاضر کرد و بعد از خوردن غذا، بهتر از همیشه خود را برای او آماده و آراسته کرد و ابوظلحه با او نزدیکی کرد؛ وقتی ام سلیم دید که شوهرش از طعام سیر شده و نزدیکی کرده است، گفت: ای ابوظلحه! اگر گروهی چیزی را به امانت به خانواده‌ای بدهند و سپس آن را مطالبه کنند، آیا آن خانواده حق دارند آن چیز را به صاحبانش پس ندهند؟! ابوظلحه جواب داد: نه؛ زن گفت: پست را هم، چنین به حساب آور (و در غم او صبر پیشه کن و از خدا پاداش بخواه!) ابوظلحه عصبانی شد و گفت: گذاشتی تا من (به جماع) آلوده شوم، آن گاه مرا از مرگ فرزندم مطلع می کنی؟! بیرون رفت تا به خدمت پیامبر ﷺ رسید و جریان را در خدمت ایشان، بازگو کرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند، شب شما را با برکت کند». ابوظلحه می گوید: زخم حامله شد و من و او در سفری، در خدمت پیامبر ﷺ بودیم و پیامبر ﷺ وقتی که از سفری به مدینه بازمی گشتند هنگام شب وارد شهر نمی شد، چون به مدینه نزدیک شدیم درد زایمان به ام سلیم دست داد و ابوظلحه نزد او ماند و پیامبر ﷺ تشریف بردند؛ ابوظلحه فرمود: پروردگارا! تو می دانی که من دوست دارم در حین خروج و ورود پیامبر ﷺ از مدینه در خدمت ایشان باشم و اکنون به علت این وضع در اینجا گرفتار مانده‌ام، ام سلیم فرمود: ای ابوظلحه! دردی که داشتی نماند، برویم و رفتند و وقتی که به شهر رسیدند، باز درد زایمان به سراغ او آمد و پسری به دنیا آورد. مادرم به من (انس) گفت: ای انس! هیچ کس نباید او را شیر بدهد تا صبح او را پیش پیامبر ﷺ ببری، وقتی صبح شد، او را برداشتم و نزد پیامبر بردم؛... و باقی حدیث را همانند بالا ذکر کرد.

۳۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ» متفق عليه.

۳۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: پر زور و پهلوان کسی نیست که شخصی را به زمین بزند، بلکه پر زور کسی است که هنگام خشم، بر خود مسلط و خویشتندار باشد!

۳۲- وعن سُلَيْمَانَ بْنِ صُرَدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَرَجُلَانِ يَسْتَبَانِ، وَأَخَذَهُمَا قَدِ احْمَرَّ وَجْهُهُ. وَانْتَفَحَتْ أُوْدَاجُهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا لَذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ، لَوْ قَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ. فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». متفقٌ عليه.

۳۲. و از سلیمان بن صرد رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم، دو مرد همدیگر را دشنام می دادند و یکی از آنها چهره اش سرخ شده و رگ های گردنش باد کرده بود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کلمه ای میدانم که اگر آن مرد آن را بگوید، آن حالت او از بین می رود، اگر بگوید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم (پناه می برم به خدا از شر شیطان رانده شده) خشم او برطرف می شود» اصحاب رضی الله عنهم به او گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «از شر شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر!»^۱.

۳۳- وعن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوْصِنِي، قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» فَرَدَّدَ مَرَارًا قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» رواه البخاري.

۳۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مرا وصیتی بفرما! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خشمگین و عصبانی نشو»؛ مرد، چندین بار این سخن خود را تکرار کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله باز فرمودند: «عصبانی و خشمگین نشو»^۲.

۳۴- وعن ابن مسعودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّهَا سَتَكُونُ بَعْدِي أَثَرَةً وَأُمُورٌ تُنْكِرُونَهَا، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: تُؤَدُّونَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْكُمْ وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ» متفقٌ عليه.

۳۴. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعد از من، اثره (خودخواهی و تملک چیزی که دیگران هم در آن حقی دارند، تنها برای خود) و اموری که آنها را زشت می پندارید، واقع می شود»؛ اصحاب گفتند: ای رسول خدا! در این مورد، به ما چه دستوری می دهید؟ فرمودند: «حقی که بر شماست، ادا کنید و حق خود را از خداوند درخواست نمایید»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۸۸۲)، م (۲۶۱۰)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۱۱۶)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۷۰۵۲)، م (۱۸۴۳)].

۳۵- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا- أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ أَيَّامِهِ الَّتِي لَقِيَ فِيهَا الْعَدُوَّ، انْتَضَرَ حَتَّى إِذَا مَالَتِ الشَّمْسُ قَامَ فِيهِمْ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ، فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا، وَعَلِّمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلِّ الشُّيُوفِ» ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَمُجْرِيَ السَّحَابِ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ، اهْزِمْهُمْ وَانصُرْنَا عَلَيْهِمْ». متفقٌ عليه وبالله التوفيقُ.

۳۵. و از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از روزهایی که با دشمن رو به رو شدند، منتظر ماندند تا خورشید از وسط آسمان گذشت، آن گاه در میان اصحاب بلند شدند و فرمودند: «ای مردم! رو به رو شدن با دشمن را آرزو نکنید و در پناه بودن و نجات از دشمن و سلامتی را از خدا بخواهید و چون با دشمن رو به رو شدید، صبور و بردبار باشید و بدانید که بهشت، زیر سایه شمشیرها می باشد؛ سپس فرمودند: «بار خدایا! ای نازل کننده کتاب! ای گرداننده ابرها! ای شکست دهنده گروه های دشمن! آنها را شکست ده و ما را بر آنان پیروز فرما!»^۱.

موفقیت از (جانب) خداست.

۱- متفق علیه است؛ [خ(۲۸۱۸)، م (۱۷۴۲)].

۴- باب الصدق:

باب راستی و راستگویی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (التوبه / ۱۱۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند بترسید و با راستان و راستگویان باشید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ﴾ ... (الأحزاب / ۳۵)

«... و مردان راستگو و زنان راستگو... [خداوند، مغفرت و اجر بزرگی برایشان آماده کرده است]».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ (محمد / ۲۱)

«اگر با خدا راست بگویند، برای آنان بهتر است».

۳۶- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الصَّادِقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَصْدُقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدْقًا، وَإِنَّ الْكَاذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَكْذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا» متفقٌ عليه.

۳۶. از ابن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: راستی، به سوی نیکی و نیکی، به سوی بهشت هدایت می‌کند و شخص همچنان راستی می‌گزیند و راست می‌گوید تا این که نزد خداوند به عنوان شخص بسیار راستگو، نوشته می‌شود و دروغ انسان را به کار بد می‌کشاند و کار بد، او را به آتش سوق می‌دهد و شخص همچنان دروغ می‌گوید تا این که نزد خداوند به عنوان شخص بسیار دروغگو نوشته می‌شود.^۱

۳۷- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دَعُ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ، فَإِنَّ الصَّادِقَ طُمَأْنِينَةٌ، وَالْكَاذِبَ رِيَّةٌ» رواه الترمذی وقال: حديثٌ صحيحٌ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷)، م (۱۷۷۳)].

۳۷. از حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله به یاد دارم که فرمودند: «آنچه را که تو را به شک می‌اندازد، برای کاری که تو را به شک نمی‌اندازد ترک کن؛ زیرا راستی (موجب) اطمینان و آرامش، و دروغ (موجب) تزلزل و شک است»^۱.

۳۸- عَنْ سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ» رواه مسلم.

۳۸. از سهل بن حنیف رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که صادقانه شهادت را از خدا بخواهد، خداوند او را به درجه‌ی شهدا می‌رساند؛ اگر چه در رختخواب خود بمیرد»^۲.

۳۹- عَنْ حَكِيمِ بْنِ حَزَامٍ. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، فَإِنْ صَدَقَا وَبَيْنَا بُرُكٌ لَهُمَا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا مُحِطَّتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا» متفقٌ عليه.

۳۹. از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو طرف معامله (خریدار و فروشنده)، تا قبل از جدا شدن از هم؛ در مجلس بیع، حق خیار (به هم زدن و فسخ معامله) را دارند، اگر راست گفتند و معامله‌ی ایشان برای همدیگر روشن و آشکار بود، معامله‌ی آنها مبارک (و پر منفعت است) و اگر پنهان کاری و کتمان کردند و به هم دروغ گفتند، برکت (و منفعت) آن از بین می‌رود».

۱- ترمذی روایت کرده [(۲۵۲۰)] و گفته است: حدیثی صحیح است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۰۹)].

۳- حکیم و پدرش در سال فتح مکه ایمان آوردند و هر دو، در زمان جاهلیت و اسلام، از بزرگان قریش بودند. مترجم.

۵- باب المراقبة:

باب توجه به خدا و تفکر در قدرت او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الَّذِي يَرَبُّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقْلُبُكَ فِي السَّجْدَيْنِ﴾ (الشعراء / ٢١٨-٢١٩)

«خداوند، تو را در هنگام قیام برای عبادت می‌بیند و حرکت تو را در میان سجده کنندگان مشاهده می‌نماید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (الحديد / ٤)

«هرجا باشید، خدا با شماست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ (آل عمران / ٦)

«به راستی هیچ چیز در زمین و آسمان از خدا پنهان نیست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (الفجر / ١٤)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ (غافر / ١٩)

«نگاه‌های خائنانه (و حرام) و هرچه را که در دل‌های خود پنهان می‌کنید، بر خدا پوشیده نیست و خداوند بر همه‌ی آنها آگاه است.»

آیات در این مورد، فراوان و معلوم هستند.

۴۰- عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: «بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَىٰ عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّىٰ جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَىٰ فَحْدَيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

الإسلام أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتُصُومَ رَمَضَانَ، وَتُحَجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.

قال: صدقت. فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيَصَدِّقُهُ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ. قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ. قال: صدقت قال: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قال: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ. فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا. قَالَ أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُقَاتَةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّيْءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ، ثُمَّ انْطَلَقَ، فَلَبِثْتُ مِائِيًا، ثُمَّ قَالَ: يَا عُمَرُ، أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟ قلتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ: فَإِنَّهُ جَبْرِيْلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ» رواه مسلم.

۴۰. از عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: روزی، نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نشسته بودیم، ناگهان مردی با لباس سفید شفاف و موی سیاه و براق، بدون این که اثر خستگی یا گرد و غبار سفر بر او دیده شود در مجلس ما پیدا شد؛ هیچ یک از ما او را نمی شناختیم، جلو رفت و چنان نزدیک پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نشست که زانوهاش را بر دو زانوی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم تکیه داد و هر دو دست را بر دو ران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نهاده و گفت: ای محمد! مرا از اسلام آگاه کن؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «اسلام، آن است که شهادت دهی معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی او است و نماز را به پای داری و زکات مال را بدهی و روزه‌ی ماه رمضان را بگیری و اگر توانستی حج کعبه را انجام دهی»؛ گفت: راست گفتمی! (درست است) ما از او تعجب کردیم که سؤال می کند و خود تصدیق می نماید. دوباره پرسید: مرا از ایمان مطلع نما؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «ایمان آن است که به خداوند، ملائکه، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر - خیر و شرش - ایمان داشته باشی»؛ دوباره گفت: راست گفتمی! بعد پرسید: احسان چیست؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «احسان آن است که به گونه‌ای خدا را پرستی، مثل آن که او را عیناً می بینی و اگر دیدن او برای تو ممکن نیست، بدانی که او حتماً تو را می بیند»؛ باز تصدیق کرد و پرسید: قیامت، کی خواهد بود؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «در این مورد، من از تو عالم تر نیستم»؛ پس گفت: نشانه‌های آن چیست؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «نشانه‌های قیامت، آن است که زن، رئیس و فرمانروای خود را بزاید (فرزندان، بر مادرانشان فرمانروایی کنند)، دیگر این که برهنگان، پابرنه‌ها، گمنام‌ها و چوپان‌ها را می بینی که دارای ثروت، و مال فراوان می شوند و در ساختمان‌های بزرگ و در تجملات دنیوی افراط می کنند»؛ سپس برخاست و رفت و من پس از او، زمان زیادی در مجلس پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم ماندم، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «ای عمر! آیا می دانی او، چه کسی

بود؟» گفتیم: خدا و رسول او آگاه ترند، فرمودند: «او، جبرئیل بود، نزد شما آمد که دینتان را به شما بیاموزد»^۱.

۴۱- عن أبي ذرٍّ ومُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتَّبِعِ السَّبِيَّةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ» رواه التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۴۱. از ابوذر و معاذ بن جبل رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کجا که بودی، از خدا بترس و بعد از هر بدی، نیکی کن تا آن را محو کند و با مردم، با اخلاق نیکو معاشرت و برخورد کن»^۲.

۴۲- عن ابن عباسٍ -رضي الله عنهما- قال: «كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فَقَالَ: «يَا غُلَامُ إِنِّي أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ: «أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنِ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ: أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ، وَجَفَّتِ الصُّحُفُ»» رواه التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

و فی روایة غیر التِّرْمِذِيِّ: «أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ، تَعَرَّفْ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّحَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُحْطِطَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

۴۲. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: من روزی در پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بر مرکب شان سوار بودم، فرمودند: «ای پسر! چند کلمه را به تو می آموزم: خدا را به یاد داشته باش تا او نیز حافظ و نگهدار تو باشد؛ مراقب اوامر خداوند باش تا در مقابل خود او را بیابی. هر گاه چیزی می خواهی، از خدا بخواه و هر گاه یاری می جویی، از خدا بجوی و بدان که اگر همه ی مردم جمع شوند که نفعی به تو برسانند نمی توانند، مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است و اگر همه ی مردم جمع شوند که ضرری به تو برسانند نمی توانند، مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است؛ (زیرا که) قلم ها از نوشتن باز ایستاده اند و نامه ها خشک شده اند. (همه چیز و هر سرنوشت و حالی،

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸)].

۲- ترمذی روایت کرده؛ [(۱۹۸۸)] و گفته است: حدیثی حسن است.

به تقدیر خدا و به قلم ملائکه در کتاب‌های سرنوشت آدمیان نوشته و معلوم شده است و کسی توان تغییر آن را ندارد»^۱.

در روایت غیر ترمذی آمده است: «خداوند را به یاد داشته باش تا در برابر خود، او را بیایی، در هنگام آسایش و آسودگی، خدا را به یاد داشته باش تا در موقع سختی و دشواری، حافظ و نگهدار تو باشد و بدان که آنچه که برای تو مقدر نشده است، مطمئناً به تو نمی‌رسد و آنچه که برای تو مقدر شده است، ممکن نیست که از تو بگذرد و حتماً به تو می‌رسد. همانا فتح و پیروزی با صبر، و موفقیت با زحمت و مشقت همراه است و با هر سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است».

۴۳- عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا، وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِيَّ» رواه التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۴۳. از شداد بن اوس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «عاقل و زیرک (واقعی)، کسی است که حساب اعمال خود را همیشه نگه دارد و برای بعد از مرگ، کار کند. و ناتوان و نادان، کسی است که از آرزوهای نفس پیروی و از خداوند عفو و رحمت را آرزو نماید»^۲.

۴۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حُسِنَ إِسْلَامُ الْمَرْءِ تَرَكَهُ مَا لَا يَعْينُهُ» حَدِيثٌ حَسَنٌ، رواه التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ.

۴۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «از علایم خوبی اسلام شخص آن است که آن چه را که مربوط به او نیست ترک نماید».

۱- ترمذی روایت کرده [۲۵۱۸] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ترمذی روایت کرده [۲۴۶۱] و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- یعنی: کسی که هیچ کار خیری نداشته و انتظار داشته باشد که به نعمت‌های آخرت هم برسد، ناتوان و نادان است - ویراستاران.

۶- باب في تقوى:

باب در تقوا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَّيِبُهَا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾ (آل عمران / ۱۰۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا را پیشه کنید، آن گونه که سزاوار تقوی اوست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ (التغابن / ۱۶)

«به اندازه‌ای که می‌توانید از خدا بترسید».

و هذه الآية مبنية للمراد من الأولى.

و این آیه تعیین کننده‌ی مقصود آیه‌ی اولی است.

قَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَّيِبُهَا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب / ۷۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا را پیشه کنید و سخن حق و درست بگویید».

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢٩﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (الطلاق / ۲-۳)

«کسی که تقوای الهی را پیشه کرد، همواره خداوند راه نجات را برای او فراهم می‌سازد، و از محلی

که خود نمی‌داند و تصورش را نمی‌کند، روزی او را می‌رساند».

قَالَ تَعَالَى:

﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

الْعَظِيمِ﴾ (الانفال / ۲۹)

«اگر از خدا بترسید، او برای شما حق و باطل را جدا می‌کند و بدی‌های شما را پاک می‌گرداند و

گناهان شما را می‌آمرزد و خداوند دارای فضل و بخشش فراوان است».

۴۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ أَكْرَمُ النَّاسِ؟ قَالَ: «أَتْقَاهُمْ» فَقَالُوا: لَيْسَ عَنْ هَذَا نَسْأَلُكَ، قَالَ: «فِيُوسُفُ نَبِيِّ اللَّهِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ ابْنِ خَلِيلِ اللَّهِ». قَالُوا: لَيْسَ عَنْ هَذَا نَسْأَلُكَ، قَالَ: فَعَنْ مَعَادِنِ الْعَرَبِ تَسْأَلُونِي؟ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَقَّهُوْا». متفق عليه..

۴۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد که بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین مردم کیست؟ فرمودند: «پرهیزگارترین آنان»، گفتند: در این باره سؤال نکردیم، فرمودند: «پس یوسف؛ پیامبر خدا، فرزند پیامبر خدا، فرزند دوست خدا (ابراهیم) است»، گفتند: ما از این هم نپرسیدیم، فرمودند: «پس آیا از گرامی‌ترین طوایف و بزرگان عرب از من می‌پرسید؟ بهترین آنان در جاهلیت، بهترین آنان در اسلام هم هست، به شرطی که به احکام شریعت آشنا و دارای علم و فهم دینی باشند»^۱.

۴۶- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى» رواه مسلم.

۴۶. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «خدایا! من هدایت و پرهیزگاری و پاکدامنی و بی‌نیازی را از تو مسألت می‌نمایم»^۲.

۴۷- عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ الطَّائِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَلَفَ عَلَىٰ يَمِينٍ ثُمَّ رَأَىٰ أَتَقَىٰ لِلَّهِ مِنْهَا فَلْيَأْتِ التَّقْوَىٰ» رواه مسلم.

۴۷. از عدی بن حاتم طایی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر کس سوگندی یاد کرد و کاری نزدیک‌تر به تقوا و بهتر از آن را دید، پس (کفاره‌ی سوگند را پردازد و) کار بهتر را انجام دهد»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۳۵۳)، م (۲۵۲۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۱)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۵۱)].

۷- باب الیقین:

باب یقین و توکل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ^ج

وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب / ۲۲)

«وقتی که مؤمنان گروه‌های کافران را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند، و این چیز بر ایمان و تسلیم آنان افزود.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿۷۳﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا

رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (آل عمران / ۱۷۳-۱۷۴)

«آنان که مردم به ایشان گفتند: مردم همه بر ضد شما جمع شده‌اند، پس از آنان بترسید، (به جای ترس) ایمانشان بیشتر گردید و گفتند: خداوند یکتا برای ما بس است و او بهترین حامی و سرپرست است. پس همراه نعمت و فضل خدا و در حالی که هیچ‌گونه ضرر و آسیبی به آنها نرسیده بود، (از جنگ بدر) برگشتند و به دنبال رضایت خدا رفتند و خداوند دارای بخشش بزرگ و فراوانی است.»

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ (الفرقان / ۵۸)

«بر خدای زنده و یکتا و جاوید، تکیه و توکل کن که همیشه زنده است و نمی‌میرد.»

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران / ۱۲۲)

«مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.»

قَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«هرگاه برای انجام دادن کاری تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن.»

والآیات فی الأمر بالتوکل كثيرة معلومة.

آیات در امر به توکل فراوان و معلوم هستند.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴾ (الطلاق / ۳)

«و هر کس بر الله توکل کند پس او برایش کافی است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ

إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴾ (الانفال / ۲)

«مؤمنان واقعی هستند که چون نام خدا را بشنوند، دل‌هایشان می‌ترسد و هرگاه آیات خدا

بر آنها قرائت گردد، بر ایمان آنها بیفزاید و همواره، بر خدا توکل می‌کنند.»

والآیات فی فضل التوکل كثيرة معروفة.

آیات در فضیلت توکل فراوان و مشهور هستند.

۴۸ - عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأُمَمُ، فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ وَمَعَهُ الرَّهِيْطُ وَالنَّبِيَّ وَمَعَهُ الرَّجُلُ وَالرَّجُلَانِ، وَالنَّبِيَّ وَلَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ إِذْ رُفِعَ لِي سَوَادٌ عَظِيمٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُمْ أُمَّتِي، فَقِيلَ لِي: هَذَا مُوسَى وَقَوْمُهُ وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى الْأَفْقِ فَإِذَا سَوَادٌ عَظِيمٌ، فَقِيلَ لِي: انْظُرْ إِلَى الْأَفْقِ الْآخِرِ فَإِذَا سَوَادٌ عَظِيمٌ فَقِيلَ لِي: هَذِهِ أُمَّتُكَ، وَمَعَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ» ثُمَّ نَهَضَ فَدَخَلَ مَنْزِلَهُ، فَخَاصَ النَّاسُ فِي أَوْلِيَّتِكَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: فَلَعَلَّهُمُ الَّذِينَ صَحَبُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: فَلَعَلَّهُمُ الَّذِينَ وُلِدُوا فِي الْإِسْلَامِ، فَلَمْ يُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا - وَذَكَرُوا أَشْيَاءَ - فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «مَا الَّذِي تَخُوضُونَ فِيهِ؟» فَأَخْبَرُوهُ فَقَالَ: «هُمْ الَّذِينَ لَا يَرْفُونَ، وَلَا يَسْتَرْفُونَ، وَلَا يَتَطَيَّرُونَ، وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» فَقَامَ عُنَاكُشُ بْنُ مُحْصِنٍ فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ أَنْ

يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ، فَقَالَ: «أَنْتَ مِنْهُمْ» ثُمَّ قَامَ رَجُلٌ آخَرُ فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ فَقَالَ: «سَبَقَكَ بِهَا عُكَّاشَةُ» متفقٌ عليه^۱.

«الرُّهَيْطُ بِضَمِّ الرَّاءِ: تَصْغِيرُ رَهْطٍ، وَهُمْ دُونَ عَشْرَةِ أَنْفُسٍ. «وَالْأَفْقُ»: النَّاحِيَةُ وَالْجَانِبُ. «وَعُكَّاشَةُ» بِضَمِّ الْعَيْنِ وَتَشْدِيدِ الْكَافِ وَتَخْفِيفِهَا، وَالتَّشْدِيدُ أَفْضَحُ.

۴۸. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «امت‌های گذشته به من نشان داده شدند؛ در میان آنها پیامبری را دیدم که با او عده‌ای کمتر از ده نفر بود و پیامبری را دیدم که با او مردی یا دو مرد بودند و پیامبری را مشاهده کردم که حتی یک نفر امت نداشت؛ عده‌ی انبوهی را دیدم، گمان کردم که امت من هستند، اما به من گفتند: این موسی و قوم اوست؛ و لکن به افق نگاه کن، ناگهان جمعیتی عظیم ظاهر شد و باز گفتند: افق دیگر را بنگر، جمعیت انبوه دیگری را دیدم، به من گفته شد: این‌ها امت تو هستند و همراه با آنها هفتاد هزار نفرند که بدون حساب و عذاب داخل بهشت می‌شوند؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله بلند شدند و به منزل خود تشریف بردند و اصحاب رضی الله عنهم در باره‌ی آن جماعت که بدون حساب داخل بهشت می‌شوند، به بحث پرداختند. بعضی از آنها گفتند: شاید آنها صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله باشند، بعضی دیگر گفتند: ممکن است آنان کسانی باشند که در زمان اسلام مسلمان متولد شده و شریکی برای خدا قایل نشده‌اند. و چیزهای دیگری نیز گفتند؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف آوردند و فرمودند: «در باره‌ی چه موضوعی بحث می‌کنید؟» مسأله را عرض کردند، فرمودند: «آنان کسانی هستند که افسون نمی‌کنند و افسون نمی‌خواهند و با پرندگان فال نمی‌گیرند و همیشه بر پروردگار خود توکل می‌کنند». عکاشه بن محصن رضی الله عنه بلند شد و فرمود: از خدا بخواه که مرا جزو آنان قرار دهد! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تو جزو آنان هستی»؛ مردی دیگر بلند شد و گفت: از خدا بخواه که مرا نیز جزو آنان محسوب دارد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عکاشه بر تو پیشی گرفت»^۲.

۱- آلبانی رحمه الله گفته است: شایسته بود که می‌گفت که لفظ حدیث از مسلم روایت شده زیرا در روایت بخاری کلمه (لایرفون) وجود ندارد و به جای آن کلمه (لایکتون) ذکر شده است و از لحاظ سندی حدیث روایت بخاری «محموظ» است، و لفظ روایت شده از مسلم از لحاظ متن و سند شاذ است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۰۵)، م (۲۲۰)].

۴۹- عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبِّتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ. اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَضِلَّنِي أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ، وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ» متفقٌ عليه.

۴۹. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: «خداوند! برای تو اسلام آوردم و تسلیم امر تو هستم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل نمودم و به درگاه تو توبه کردم و به سوی تو برگشتم و برای تو (با دشمنان دین) دشمنی ورزیدم. پروردگارا! پناه می برم به عزت تو - که هیچ خدایی جز تو نیست - که مرا گمراه نگردانی، تو زنده و پایدار هستی و نمی میری، در حالی که جن و انس، می میرند»^۱.

۵۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَقْوَامٌ أَفِيدَتْهُمْ مِثْلُ أَفْنَدَةِ الطَّيْرِ» رواه مسلم.

۵۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اقوامی داخل بهشت می شوند که دل های آنان مانند دل های پرندگان باشد».

در معنی آن گفته شده است: یعنی متوکل هستند یا دل هایشان نازک و اثرپذیر است، (مهربان هستند)^۲.

۵۱- عَنْ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ اللَّهِ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَوْ أَنْكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ، تَغْدُو خِمَاصاً وَتَرُوحُ بِطَاناً» رواه الترمذي، وقال: حديثٌ حسنٌ.

۵۱. از عمر فاروق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «اگر شما آن گونه که سزاوار توکل بر خداست بر خدا توکل کنید، حتماً روزی شما را مانند پرندگان می دهد، آنها صبح گرسنه از لانه بیرون می آیند و شب، سیر برمی گردند»^۳.

۵۲- عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا فُلَانُ، إِذَا أُوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَقَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ. رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۷۰۵)، م (۲۲۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۴۰)].

۳- ترمذی روایت کرده [(۲۳۴۵)] و گفته است: حدیثی حسن است.

أَنْزَلَتْ، وَبَيَّنَّاكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ مِتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَإِنْ أَصْبَحْتَ أَصَبْتَ خَيْرًا» متفق عليه.

وفي رواية في الصحيحين عن البراء قال: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجِعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَقُلْ... وَذَكَرْ نَحْوَهُ ثُمَّ قَالَ: وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ».

۵۲. از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای فلانی (براء) چون به رختخواب خود رفتی و در آن قرار گرفتی، بگو: خداوندا! خود را تسلیم تو نمودم و روی خود را به تو کردم و کار خود را به تو واگذاشتم و پشت خود را به تو تکیه زدم و این کار من به خاطر بیم و رجا از توست. درگاه رحمت تو، تنها وسیله‌ی نجات از غضبت می‌باشد، ایمان دارم به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادی»، پس اگر تو آن شب مُردی، بر فطرت دین اسلام مرده‌ای و اگر صبح کردی (تا صبح زنده ماندی) به نیکی و منفعت زیادی رسیده‌ای».

در روایتی دیگر در صحیحین از براء بن عازب رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی به رختخواب خود رفتی، چنان که برای نماز وضو می‌گیری وضو بگیر، سپس بر پهلوئی راست بخواب و این دعا را بخوان - همان که در روایت قبلی ذکر شد - و بعد از آن فرمودند: آن را آخرین حرف خودت بگردان». (یعنی بعد از خواندن دعا، بخواب و دیگر حرف نزن)!

۵۳- عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَظَرْتُ إِلَى أَقْدَامِ الْمُشْرِكِينَ وَنَحْنُ فِي الْغَارِ وَهُمْ عَلَى رُؤُوسِنَا فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ نَظَرَ تَحْتَ قَدَمَيْهِ لَأَبْصَرَنَا فَقَالَ: «مَا ظَنُّكَ يَا أبا بَكْرٍ بَاتْنَيْنِ اللَّهُ تَالِئُهُمَا» متفق عليه.

۵۳. از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هنگامی که با پیامبر صلی الله علیه و آله در غار بودیم، به پایهای مشرکان که بالای سر ما ایستاده بودند، نگاه کرده، گفتم: ای رسول خدا! اگر یکی از مشرکان زیر پای خود را بنگرد ما را می‌بیند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای ابوبکر! نسبت به دو نفر که خداوند سومین آنهاست، چه گمانی داری؟»!

۵۴- عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ سَلَمَةَ-رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَ، أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ، أَوْ

۱- این روایت، از بخاری است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۶۶۳)، م (۲۳۸۱)].

أَظْلَمَ أَوْ أَظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ» حديثٌ صحيحٌ رواه أبو داود والترمذي وغيرهما بأسانيدٍ صحيحةٍ. قَالَ الترمذي: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ، وهذا لفظُ أبي داود.

۵۴. از ام‌المؤمنین ام‌سلمه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حین بیرون رفتن از خانه می‌فرمودند: به نام خداوند یکتا، بر خدا توکل می‌کنم؛ خدایا! به تو پناه می‌برم از این که گمراه شوم یا مرا گمراه کنند و از این که به خطا دچار شوم یا مرا به خطا دچار کنند و از این که ظلم کنم یا بر من ظلم شود و از این که کار جاهلان‌های انجام بدهم یا در حقم انجام شود.^۱

۵۵ - وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ أَخَوَانِ عَلِيَّ عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَ أَحَدُهُمَا يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْآخَرُ يَحْتَرِفُ، فَشَكَا الْمُحْتَرِفُ أَخَاهُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «لَعَلَّكَ تُرَزَّقُ بِهِ». رواه الترمذي بإسناد صحيح على شرط مسلم.

۵۵. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دو برادر بودند که یکی از آنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد و دیگری کار می‌کرد و صنعتگر بود، صنعتگر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از برادرش شکایت کرد (که کار نمی‌کند)، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شاید تو هم به واسطه‌ی او روزی داده میشوی».^۲

۱- حدیث صحیحی است که ترمذی [۳۴۲۳] و ابوداود و غیر ایشان، با سندهای صحیح، روایت کرده‌اند و ترمذی می‌گوید: حدیث حسن صحیح است؛ آنچه در متن آمده، لفظ روایت ابوداود است.

۲- ترمذی [۲۳۴۶] با اسناد صحیح بنا بر شرط مسلم، روایت کرده است.

۸- باب الإستقامة:

باب استقامت و پایداری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ ﴾ (هود / ۱۱۲)

«استقامت کن همچنان که به تو فرمان داده شده است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۳۰﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿۳۱﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴾ (فصلت / ۳۰-۳۲)

« هر آینه کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست و سپس بر این سخن خود پایدار ماندند، فرشتگان پیش آنها می آیند و به آنان می گویند: نرسید و غمگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده داده شده بودید بشارت باد! ما در دنیا و آخرت، دوستان و همراهان شما هستیم و هر چه را که دلتان بخواهد، برایتان در بهشت فراهم است و این مهمانی از جانب خداوند آمرزنده و بخشاینده است».

﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۳﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾ (الأحقاف / ۱۳-۱۴)

« کسانی که می گویند: پروردگار ما الله است و سپس بر این سخن خویش پایدار بمانند، ترسی برایشان نیست و غمگین نخواهند شد. آنان ساکنان بهشت هستند و برای همیشه در آنجا می مانند، به پاداش کارهای شایسته ای که (در دنیا) انجام می دادند».

۵۶- وَعَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ. قَالَ: «قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ: ثُمَّ اسْتَقَمْتُ» رواه مسلم.

۵۶. و از سفیان بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: (به پیامبر صلی الله علیه و آله) گفتیم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! در مورد اسلام چیزی به من بگو که در آن مورد غیر از تو، از کسی دیگر سؤال نکنم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بگو: به خداوند ایمان دارم و بر این سخن پایدار باش و استقامت کن»^۱.

۵۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَارِبُوا وَسَدُّوا، وَاَعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يَنْجُو أَحَدٌ مِنْكُمْ بِعَمَلِهِ» قَالُوا: وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَّعَمِدَنِي اللَّهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ» رواه مسلم.

قَالَ الْعُلَمَاءُ: مَعْنَى الْإِسْتِقَامَةِ: لُزُومُ طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى..

۵۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در کارهای دین و دنیای خود) میانه‌رو و درستکار باشید و بدانید که هیچ کدام از شما با عمل خود نجات نمی‌یابد». حاضرین گفتند: ای رسول خدا! شما نیز نجات نمی‌یابید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ومن هم نه، مگر این که فضل و رحمت خداوند شامل حالم شود».

علمای اسلامی گفته‌اند: استقامت، ملازمت و پیوستگی در عبادت خداوند متعال است^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۱۶)].

۹- باب في التفكير في عظيم مخلوقات الله تعالى وفناء الدنيا وأهوال الآخرة وسائر أمورهما وتقصير النفس وتهذيبها وحملها على الإستقامة:

باب تفکر در عظمت آفریده‌های خدا و فناى دنیا و ترس‌های آخرت و سایر امور دنیا و قیامت و تقصیر نفس و تهذیب آن و وادار کردنش به استقامت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا أُعْطِمْكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَتَّىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ﴾ (سبأ / ۴۶)

«بگو: من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید سپس بیندیشید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتَلَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَأَيَّتِ لَأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿۱۸﴾
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴾ (آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱)

«قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه‌هایی (بر وجود و قدرت خداوند) برای خردمندان هست؛ آنان که هنگام برخاستن و نشستن و بر پهلو خوابیدن خدا را یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند: ای پروردگار ما! این (دستگاه عظیم) را بیهوده نیافریده‌ای و تو پاک و منزّه هستی، پس ما را از عذاب دوزخ محفوظ فرما.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿۱۷﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿۱۸﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ
كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿۱۹﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿۲۰﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿الغاشية / ۱۷-۲۰﴾

(۲۱)

«آیا به شتر نگاه نمی‌کنند که چگونه آفریده شده است، و به آسمان که چگونه برافراشته شده است و به کوه‌ها که چگونه استوار بر زمین نصب شده است و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ پس (به مردم) پند و اندرز بده که تو فقط تذکر دهنده‌ای.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا...﴾ (محمد / ۱۰)

«آیا (مردم) در زمین گردش نمی کنند تا به آثار گذشتگان بنگرند (و عبرت بگیرند)؟».

آیات در این مورد فراوان هستند.

وَمِنُ الْأَحَادِيثِ، الْحَدِيثُ السَّابِقُ: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ».

و از جمله احادیث در این مورد، حدیث سابق (شماره ۴۳): «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ» است

«زیرک آن است که خود را در برابر خداوند مسؤول بداند».

۱۰- باب المبادرة إلى الخيرات وحث من توجه لخير على الإقبال عليه بالجد من غير

تردد:

باب مبادرت به انجام خيرات و صدقات و تشويق بر روی کردن به آن

با جدیت و بدون تردید

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ﴾ (البقره / ۱۳۳)

«در خیرات و نیکوکاری بر همدیگر سبقت بجوید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾

(آل عمران / ۱۲۳)

«به سوی آمرزش و بخشایش پروردگارتان و نیز به سوی بهشتی بشتابید که پهنای آن، به اندازه‌ی مساحت آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران و صاحبان تقوا آماده شده است».

۵۸- عن عقبه بن الحارث رضي الله عنه قال: صَلَّيْتُ وَرَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ الْعَصْرَ، فَسَلَّمْتُ ثُمَّ قَامَ مُسْرِعًا فَتَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ إِلَى بَعْضِ حُجَرِ نِسَائِهِ، فَفَزِعَ النَّاسُ مِنْ سُرْعَتِهِ، فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ، فَرَأَى أَنَّهُمْ قَدْ عَجِبُوا مِنْ سُرْعَتِهِ، قَالَ: «ذَكَرْتُ شَيْئًا مِنْ تَبْرِ عِنْدَنَا، فَكِرِهْتُ أَنْ يَحْسِبَنِي، فَأَمَرْتُ بِقِسْمَتِهِ» رواه البخاري.

۵۸. از «عقبه بن حارث»رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: در مدینه نماز عصر را پشت سر پیامبرصلى الله عليه وآله وسلم به جای آوردم؛ پیامبرصلى الله عليه وآله وسلم چون سلام نماز را داد، به سرعت بلند شد و بر روی شانه و گردن مردم قدم نهاد و به طرف یکی از حجره‌های زنانش رفت، مردم از سرعت و تعجیل او نگران شدند، (بالآخره) پیش آنها برگشت و متوجه شد که اصحاب از سرعت او تعجب کرده‌اند، فرمودند: «(در نماز) به یاد مقداری طلا (ی ناخالص و ضرب نشده) که در خانه داشتم افتادم و دوست نداشتم که مرا به خود مشغول کند و از حضور خدا و عبادت باز دارد، (این بود که با عجله رفتم) و دستور به تقسیم آن (بین نیازمندان) دادم»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۸۵۱].

۵۹- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رجل للنبي صلى الله عليه وسلم يوم أُخِذ: أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ فَأَيُّنَ أَنَا؟ قال: «فِي الْجَنَّةِ» فَأَلْقَى تَمْرَاتٍ كُنَّ فِي يَدِهِ، ثُمَّ قَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ. متفق عليه.

۵۹. از جابر رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی روز جنگ احد به پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: اگر من کشته شوم، کجا خواهم بود؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «در بهشت»، و مرد چند دانه‌ی خرما را که در دست داشت، به زمین انداخت و به جنگ پرداخت تا به شهادت رسید.^۱

۶۰- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم، فقال: يا رسول الله، أي الصدقة أعظم أجراً؟ قال: «أن تصدق وأنت صحيح شحيح تخشى الفقر وتأمل الغنى، ولا ثمهل حتى إذا بلغت الخلقوم، قلت: لفلان كذا ولفلان كذا، وقد كان لفلان» متفق عليه.

۶۰. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که مردی نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم آمد و سؤال کرد: ای رسول خدا! چه صدقه‌ای از لحاظ اجر، بزرگ‌تر است؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «صدقه‌ای که تو، در حالی که خود سالم و تندرست و علاقه‌مند به آن باشی و از فقر بترسی و آرزوی ثروت داشته باشی، آن را ببخشی. و صدقه دادن را تا هنگام مرگ، به تأخیر نیندازی و آن وقت بگویی: فلان مال من برای فلان کس و فلان قسمت دیگر برای آن دیگری باشد؛ (در حالی که آن مال دیگر از آن ورثه‌ی تو می‌باشد و مال تو نیست)».^۲

۶۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «بادرُوا بالأعمالِ سبعا، هل تنتظرون إلا فقراً منسياً، أو غنى مطغياً، أو مرضاً مفسداً، أو هرمًا مُفنداً أو موتاً مُجهزاً أو الدجال فشر غائب ينتظر، أو الساعة فالساعة أدهى وأمر!» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۶۱. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «از پیش آمدن هفت چیز با کارهای نیکو سبقت بجوئید و پیشی بگیرید، مگر منتظر چیز دیگری به جز آنها هستید؟! فقری فراموش کننده، یا بی‌نیازی طغیان‌آور، یا یک مرض نابود کننده‌ی بدن، یا پیری تباه کننده‌ی عقل، یا مرگی سریع و ناگهانی، یا دجال که بدترین غایب مورد انتظار است یا قیامت که سخت‌ترین و تلخ‌ترین وقت است».^۳

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۰۴۶)، م (۱۸۹۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۱۹)، م (۱۰۳۲)].

۳- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۰۷)] و گفته است: حدیثی حسن است.

۱۱ - باب المجاهدة:

باب سعی و کوشش در راه خدا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (العنكبوت / ۶۹)

«ما کسانی را که در به دست آوردن رضایت ما و در راه ما تلاش و کوشش و مجاهده کردند، حتماً به راه خود هدایت می کنیم و قطعاً خداوند با نیکوکاران است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (الحجر / ۹۹)

«تا وقتی که مرگت فرا می رسد، پروردگارت را عبادت کن.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا﴾ (المزمل / ۸)

«ای پیامبر! نام خدایت را یاد کن و از همه چیز برای او بُبَر و جدا شو و به او بپیوند و به درگاه او روی بیاور.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (الزلزله / ۷)

«کسی که به مقدار یک ذره نیکی کند، پاداش آن را می بیند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا﴾ (المزمل / ۲۰)

«آنچه را که از احسان و صدقه و اعمال نیک برای خود جلو می اندازید (با دست خود و در زمان حیات خویش انجام می دهید) نزد خداوند پاداش آن را می یابید و این بهتر و دارای اجر بزرگ تر است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَفْقَهُوا مِنْ خَيْرٍ فَارِبِّ اللَّهِ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۷۳)

«هر چیز (خوب و نیکی را) که انفاق می‌نمایید، خداوند از آن آگاه است».

آیات در این مورد فراوان و معلوم هستند.

۶۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه. قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ» رواه البخاري.

۶۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: هر کس با یک دوست من دشمنی کند (او را بیازارد)، من با او اعلان جنگ می‌کنم، و محبوب‌ترین چیز نزد من که بنده ام به وسیله‌ی آن به من نزدیک می‌شود اعمالی است که بر او فرض کرده‌ام و بنده‌ی من همیشه با انجام دادن سنت‌ها به من نزدیک می‌شود تا آن که او را دوست می‌دارم و چون او را دوست داشتم، گوش او خواهم شد که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند و دست او خواهم شد که با آن حمله و دفاع می‌کند و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود و اگر از من چیزی بخواهد، به او عطا می‌کنم، و اگر از شر چیزی به من پناه جوید، او را پناه می‌دهم»^۱.

۶۳- عَنْ أَنَسٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِيَمَا يَرْوِيهِ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ قَالَ: «إِذَا تَقَرَّبَ الْعَبْدُ إِلَيَّ شِبْرًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِذَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا، وَإِذَا أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرَوَلَةً». رواه البخاري.

۶۳. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آنچه از خداوند نقل می‌کند، فرمودند که خداوند متعال می‌فرماید: «اگر بنده، به مقدار یکک و جب به من نزدیک شود، من یک ذراع به او نزدیک می‌شوم و اگر به مقدار یک ذراع به من نزدیک شود من یک باع^۲ به او نزدیک می‌شوم و اگر پیاده به سوی من بیاید، من با قدم‌های بلندتر به سوی او می‌روم»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۵۰۲)].

۲- [ذراع و باع واحد طول هستند، ذراع از آرنج تا سر انگشت دست است و باع از سر انگشت دست راست تا سر انگشت دست چپ است وقتی که دست‌ها به طرفین باز شود].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۵۳۶)].

۶۴- عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفِرَاقُ» رواه مسلم.

۶۴. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو نعمت هستند که بیشتر مردم در آنها به اشتباه می‌افتند و زیان می‌بینند (قدر و ارزش آنها را نمی‌دانند تا زمانی که از دست می‌روند): تندرستی و فراغت»^۱.

۶۵- عن عائشة رضي الله عنها أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُقَوْمُ مِنَ اللَّيْلِ حَتَّى تَتَفَطَّرَ قَدَمَاهُ، فَقُلْتُ لَهُ: لِمَ تَصْنَعُ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ قَالَ: «أَفَلَا أُحِبُّ أَنْ أَكُونَ عَبْدًا شَكُورًا؟» متفقٌ عليه. هذا لفظ البخاري، ونحوه في الصحيحين من رواية المغيرة بن شعبه.

۶۵. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شب را به عبادت می‌ایستاد تا اندازه‌ای که پاهایش ورم می‌کرد، گفتم: ای رسول خدا! چرا چنین کاری می‌کنی در صورتی که خداوند گناهان قبل و بعدی تو را بخشیده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا بنده‌ای شکرگزار نباشم؟»^۲.

۶۶- عن أبي هريرة -رضي الله عنه- أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «حُجِبَتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ، وَحُجِبَتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ» متفقٌ عليه. أي: بينه وبينها هذا الحجاب، فإذا فعله دخلها.

۶۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آتش دوزخ در پس پرده‌ی شهوات و لذایذ و هواهای نفسانی است، و بهشت در پس پرده‌ی سختی‌ها و کارهای رنج‌آور (عبادات و دوری از گناهان و لذایذ)»^۳.

یعنی: بین او و دوزخ یا بهشت، این حجاب‌ها و پرچین‌هاست و راه دخول به جهنم یا بهشت، از آن دو می‌گذرد.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۴۱۲)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۳۰)، م (۲۸۱۹) و (۲۸۲۰)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است و مانند آن در صحیحین، به روایت مغیره بن شعبه آمده است.

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۸۷)، م (۲۸۲۲)].

۶۷- عن أنس رضي الله عنه عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَتَّبِعُ الْمَيِّتَ ثَلَاثَةٌ: أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَعَمَلُهُ؛ فَيَرْجِعُ اثْنَانِ، وَيَبْقَى وَاحِدٌ: يَرْجِعُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ، وَيَبْقَى عَمَلُهُ». متفق عليه.

۶۷. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «سه چیز مرده را همراهی می کند: خانواده و مال و عمل او، سپس دوتای آنها برمی گردند و یکی با او می ماند؛ خانواده و مالش او را ترک می کنند و عملش با او می ماند»^۱.

۶۸- عن عبد الله بن بسر الأسلمی، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ» رواه الترمذي، وقال: حديث حسن.

۶۸. از عبدالله بن بسر اسلمی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «بهترین مردمان کسی است که عمرش طولانی و عملش نیکو باشد»^۲.

۶۹- عن أبي مسعود عُقْبَةَ بن عمرو الأنصاريّ البدری رضي الله عنه قال: لَمَّا نَزَلَتْ آيَةُ الصَّدَقَةِ كُنَّا نُحَامِلُ عَلَى ظُهُورِنَا. فَجَاءَ رَجُلٌ فَتَصَدَّقَ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ فَقَالُوا: مُرَاءٍ، وَجَاءَ رَجُلٌ آخَرَ فَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ فَقَالُوا: إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَن صَاعِ هَذَا، فَتَزَلَّتْ ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ...﴾ [التوبة: ۷۹] الآية. متفق عليه.

۶۹. از ابومسعود عقبه بن عمرو انصاری بدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: وقتی آیه صدقه نازل شد، ما با دوش خود بار می کشیدیم و اجرت آن را صدقه می دادیم، مردی آمد و مال زیادی صدقه داد، گفتند: این ریاکار است، شخص دیگری آمد و یک صاع گندم صدقه داد، گفتند: خدا از این صاع صدقه بی نیاز است. پس این آیه نازل شد:^۳

﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (التوبة / ۷۹)

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۵۱۴)، م (۲۹۶۰)].

۲- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۳۶)] و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- متفق عليه است؛ [خ (۴۱۵)]، م (۱۰۱۸)].

«کسانی که از نیکوکاران مؤمن (- که مال دارند و از آن زیاد صدقه می کنند -) و از آن گروه از مؤمنان - که چیزی جز (حاصل) زحمت خود برای صدقه ندارند - عیب جویی و آنان را مسخره می کنند، (بدانند که) خداوند، خود آنان را مسخره خواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت».

۷۰- عن أبي ذرِّ جندبِ بنِ جنادَةَ -رضي اللهُ عنه- عن النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فيما يَرُوى عنِ اللهِ تبارك وتعالى أنه قال: «يا عِبَادِي، إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَلَمُوا، يا عِبَادِي، كَلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ، فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ، يا عِبَادِي، كَلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعَمُونِي أَطْعَمِكُمْ، يا عِبَادِي، كَلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي أَكْسِكُمْ، يا عِبَادِي، إِنَّكُمْ لَن تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي، يا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ، وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ ما زاد ذلك في مُلكي شيئاً، يا عِبَادِي، لو أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ ما نَقَصَ ذلك مِنْ مُلكي شيئاً، يا عِبَادِي، لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ، قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ، ما نَقَصَ ذلك مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ المِخِيطُ إِذَا أُذِحِلَ البَحْرُ، يا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصَيْهَا لَكُمْ، ثُمَّ أَوْفَيْكُمْ بِهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمِدِ اللهُ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذلكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ». رواه مسلم.

۷۰. از «ابوذر جندب بن جناده رضي الله عنه از پیامبر صلى الله عليه وسلم روایت کرده که ایشان از خداوند متعال روایت می کند که خداوند می فرماید: «ای بندگان من! من ظلم را بر خود حرام کرده ام و آن را بر شما نیز حرام گردانیده ام، پس به همدیگر ظلم نکنید؛ ای بندگان من! همه ی شما گمراهید جز کسی که من او را هدایت کرده باشم؛ پس طلب هدایت کنید تا شما را هدایت فرمایم، ای بندگان من! همه ی شما گرسنه اید، مگر کسی که من او را اطعام داده باشم؛ بنابراین از من طلب طعام کنید تا شما را اطعام نمایم، ای بندگان من! همه ی شما لخت و برهنه اید، جز کسی که من او را پوشانیده باشم، پس از من طلب پوشش کنید تا شما را بپوشانم، ای بندگان من! شما شب و روز، خطا می کنید و فقط من تمام گناهان را می آمرزم، پس از من طلب آمرزش کنید تا شما را ببامرزم، ای بندگان من! شما نمی توانید به من ضرری برسانید و نمی توانید نفعی را متوجه من نمائید؛ ای بندگان من! اگر از اولین نفر تا آخرین نفر شما، از انس و جن، به روش بهترین مردمان خودتان که دارای پرهیزگارترین قلب است عمل نمایید، آن رفتار نیکوی شما چیزی بر ملک من نمی افزاید. ای بندگان من! اگر از اولین نفر تا آخرین نفر شما از انس و جن به روش بدترین مردمان خودتان که دارای گناهکارترین قلب است

عمل نمایید، از ملک من چیزی نمی‌کاهد، ای بندگان من! اگر از اولین نفر تا آخرین نفر شما؛ از انس و جن، در یک زمین بایستند و همه، آرزوهای خود را یک‌جا از من بخواهند و من به هر کس آرزویش را عطا کنم، این عمل از آنچه که در نزد من است، چیزی نمی‌کاهد، مگر به اندازه‌ی آبی که یک سوزن، هنگام انداختن و بیرون آوردن آن در آب دریا از آن کم می‌کند. ای بندگان من! هرچه که هست، اعمال و کارهای شماست که من برایتان ذخیره و احصا می‌کنم، آن‌گاه (پاداش و نتیجه‌ی) آن را به‌طور کامل و تمام به شما باز می‌گردانم؛ پس اگر کسی به (پاداش) خیر رسید، خدا را سپاس و ستایش گوید و اگر کسی غیر آن را یافت، جز خود، کسی را ملامت و سرزنش نکند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۷۷)].

۱۲ - باب الحث على الإزدياد من الخير في أواخر العمر:

باب ترغيب به ازدياد خيرات در اواخر عمر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَوْلَمْ نُنْعِمْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ﴾ (فاطر / ۳۷)

«آیا به شما آن اندازه عمر ندادیم که اگر کسی بخواهد بیدار و هوشیار شود و تذکر گیرد کافی باشد، و (آیا) بیم دهنده‌ای (پیامبرص و به تبعیت از او علمای دین) به پیش شما نیامد؟!».

قال ابن عباس والمحققون: معناه: أو لم نعمركم ستين سنة؟ و يؤيده الحديث الذي سنذكره إن شاء الله تعالى.

ابن عباس و محققان گفته‌اند: معنی آن، این است که آیا به شما شصت سال عمر ندادیم؟ و حدیثی که - ان شاء الله - به زودی آن را ذکر می‌کنیم، این قول را تأیید می‌کند.

۷۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «أَعْدَرَ اللهُ إلى امرئٍ آخرَ أَجَلَهُ حَتَّى بَلَغَ سِتِّينَ سَنَةً». رواه البخارى.

۷۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند وقتی مرگ کسی را تا شصت سالگیش به تأخیر اندازد، فرصت زیادی برای عذرخواهی و توبه به او داده است.».

۷۲- عن عائشة رضي الله عنها قالت: ما صَلَّى رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلاةً بعد أن نَزَلَتْ عَلَيْهِ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾، إِلَّا يَقُولُ فِيهَا: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»^۱. متفقٌ عليه.

وفي رواية في الصحيحين عنها: كان رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: كان رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». قالت عائشة: قلتُ: يا رسولَ الله! ما هذه الكلماتُ التي أراك أخذتها تقولها؟ قال: «جَعَلْتُ لِي علامةً في أمّتي إذا رأيتها قُلْتُهَا ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ

وَالْفَتْحُ﴾، إلى آخر السورة».

۱- «ای پروردگار ما، تو پاک و منزّه هستی و ما به سپاس و ستایش تو مشغولیم، خدایا ما را ببامرز!».

باب ترغیب به ازدیاد خیرات در اواخر عمر

۷۲. از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ بعد از نزول: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾، در هر نماز می فرمودند: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»^۱.

در روایتی دیگر در صحیحین از حضرت عایشه رضی الله عنها آمده است: پیامبر ﷺ در رکوع و سجود زیاد می فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

در روایتی دیگر از صحیح مسلم آمده است: پیامبر ﷺ قبل از رحلت خود، زیاد می فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»^۲ عایشه رضی الله عنها می فرماید: گفتم: ای رسول خدا! این کلمات چیست که به تازگی می گویی؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «من در مورد امتم، نشانه‌ای برایم قرار داده شده که چون آن را دیدم، این کلمات را بگویم و آن نشانه، در سوره‌ی ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ تا آخر آن است».

۷۳- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ» رواه مسلم.

۷۳. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «بنده به همان حالتی برانگیخته می شود که مرده است»^۳.

۱- «خدایا! تو پاک و منزهی و به سپاس و ستایش تو می پردازم و از تو آمرزش می طلبم و (از گناهانم به درگاه تو توبه می کنم».

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۴۹۷۰)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۷۸)].

۱۳- باب بیان کثرت طرق الخیر:

باب بیان زیاده بودن راه‌های خیر و نیکوکاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَالِمٌ ﴾ (البقره / ۲۱۵)

«هر کار نیکی که انجام دهید، خدا از آن آگاه است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ ﴾ (البقره / ۱۹۷)

«هر کار نیکی که انجام دهید، خدا آن را می‌داند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴾ (الزلزله / ۷)

«کسی که یک ذره کار خیر انجام دهد، پاداش آن را می‌بیند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ﴾ (الجاثیه / ۱۵)

«کسی که کار نیکو و شایسته انجام دهد، به نفع خود اوست.»

وَالآيَاتُ فِي الْبَابِ كَثِيرَةٌ.

آیات در این مورد، فراوان است.

۷۴- عن أبي ذر رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سَلَامٍ مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ. وَبُجْرَى مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الصُّحَى» رواه مسلم.

۷۴. از ابوذر رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «با آمدن صبح، به تعداد هر مفصل از مفاصل بدنتان، صدقه‌ای بر شما لازم است؛ هر یک بار «سبحان الله» گفتن، هر یک بار «الحمد لله» گفتن، هر یک بار «لا اله الا الله» گفتن و هر یک بار «الله اكبر» گفتن صدقه‌ای است. هر امر به

معروف و هر نهی از منکری صدقه است، و دو رکعت نماز ضحی (چاشت) که فرد می خواند جایگزین (تمام) آن (صدقات) می شود^۱.

۷۵- وَعَنْهُ قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنُهَا وَسَيِّئُهَا فَوَجَدْتُ فِي مَحَاسِنِ أَعْمَالِهَا الْأَذَى يُمَاطُ عَنِ الطَّرِيقِ، وَوَجَدْتُ فِي مَسَاوِيءِ أَعْمَالِهَا التُّخَاعَةُ تَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ لَا تُدْفَنُ» رواه مسلم.

۷۵- و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اعمال خوب و بد امتم بر من عرض شد، دیدم از جملهی اعمال نیک امتم، برداشتن خار و خاشاک (و سایر چیزهای موجب اذیت و آزار عابران) از سر راه بود و از جملهی اعمال بد امتم، انداختن اخلاط سینه در مسجد بود که پوشانده نشده بود»^۲.

۷۶- وَعَنْهُ: أَنَّ نَاسًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجُورِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ قَالِ: «أَوْ لَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ بِهِ: إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَفِي بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيَأْتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ، وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ قَالَ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وِزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ» رواه مسلم.

۷۶. و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که عده‌ای از مردم (تنگدست) عرض کردند: ای رسول خدا! صاحبان ثروت همه‌ی پاداش‌ها را با خود می‌برند! نماز می‌خوانند آن طور که ما می‌خوانیم، روزه می‌گیرند چنان که ما می‌گیریم، و از ثروت خود صدقه و زکات نیز می‌دهند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مگر خداوند برای شما چیزهایی فراهم نیاورده است که به وسیله‌ی انجام دادن آنها صدقه و احسان کنید؟ در هر یک بار «سبحان الله»، هر یک بار «الله اکبر»، هر یک بار «الحمد لله» و هر یک بار «لا إله إلا الله» گفتن، و هر امر به معروف و هر نهی از منکر، و نیز در همبستری با زنانان یک صدقه است!» گفتند: ای رسول خدا! آیا اگر یکی از ما شهوت خود را برآورده سازد، برای او اجر و پاداش دارد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا کسی آن را از راه حرام (از طریق زنا) برآورده کند، برایش

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۵۳)] .

۲- در این حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خوبی گستره‌ی وسعت اعمال خوب و بد را ترسیم فرموده است، از کوچک‌ترین کار خوب تا کوچک‌ترین کار بد و روشن است که در این میان چه اعمال زیادی می‌گنجد - ویراستاران.

گناهی است؟ همچنان هم اگر آن را در راه حلال (راه مشروع زناشویی) به کار گیرد، دارای اجر و پاداش برای اوست»^۱.

۷۷- وعنه قال: قال لي النبي صلى الله عليه وآله وسلم: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِيقٍ» رواه مسلم.

۷۷. و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: «هیچ کاری از کارهای نیک را کوچک نشمار؛ حتی این را که برادر (نسبی یا دینی و سببی) خود را با خوشرویی ملاقات کنی»^۲.

۷۸- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ، أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نُزُلًا كَلَّمَا عَدَا أَوْ رَاحَ» متفق عليه.

۷۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خداوند برای کسی که ابتدای روز یا شب به مسجد می‌رود، به تعداد رفت و آمدهایش در روز یا شب، پذیرایی‌ها و نعمت‌هایی برای او در بهشت آماده می‌کند»^۳.

۷۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا نِسَاءَ الْمُسْلِمَاتِ، لَا تَحْقِرَنَّ جَارَةً لِحَارَتِهَا وَلَوْ فَرَسَنَ شَاةٍ» متفق عليه.

۷۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ای زنان مسلمان! نباید زن همسایه‌ای (هدیه‌ی خود به) زن همسایه‌اش را کوچک بشمارد، اگر چه استخوان کف پای گوسفندی باشد»^۴.

۸۰- وعنه رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الإيمانُ بضْعٌ وَسَبْعُونَ، أَوْ بَضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً: فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ» متفق عليه.

۸۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ایمان هفتاد و چند جزء یا شصت و چند جزء و قسمت است؛ و بالاترین آنها گفتن لا اله الا الله و پایین‌ترین آنها برطرف

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۰۰۶].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۲۶].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۲)، م (۶۶۹)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۶۶)، م (۱۰۳۰)].

نمودن موجبات آزار و اذیت (خار و خاشاک و چیزهای دیگر) از سر راه است و حیا و شرم نیز جزئی از ایمان است»^۱.

۸۱- وعنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ، فَوَجَدَ بئْرًا فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ، ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ التُّرَى مِنَ الْعَطَشِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ قَدْ بَلَغَ مِنِّي، فَنَزَلَ الْبئْرَ فَمَلَأَ حُفَّهُ مَاءً ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِيَدِهِ، حَتَّى رَفِيَ فَسَقَى الْكَلْبَ، فَشَكَرَ اللهُ لَهُ فَعَفَرَ لَهُ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا؟ فَقَالَ: «فِي كُلِّ كَيْدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ» متفقٌ عليه.

۸۱. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی از راهی می گذشت و تشنگی سختی به او دست داده بود، آنجا چاهی یافت، به داخل چاه رفت و آب نوشید و بیرون آمد، ناگهان متوجه سگی شد که از شدت تشنگی زبان از دهان بیرون آورده و خاک می خورد، (با خود) گفت: این سگ به حد تشنگی من رسیده است و دوباره در چاه رفت و موزه اش (کفش یا جوراب سفر) را از آب پر کرد و با دهان گرفت و از چاه بالا آمد و سگ را سیراب کرد، خدا از او خشنود شد و او را آمرزید»، اصحاب رضی الله عنهم گفتند: ای رسول خدا! آیا در نیکی با حیوانات اجر و پاداشی وجود دارد؟ فرمودند: «در سیراب کردن هر موجود زنده ای، اجر و پاداشی می باشد»^۲.

۸۲- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَقَدْ رَأَيْتُ رَجُلًا يَتَّقِلُبُ فِي الْجَنَّةِ فِي شَجَرَةٍ قَطَعَهَا مِنْ ظَهْرِ الطَّرِيقِ كَأَنَّهُ تُؤْذِي الْمُسْلِمِينَ». رواه مسلم

۸۲. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی را دیدم که به خاطر آن که درختی را که سبب آزار مسلمانان بود، از میان راه برداشت، در (نعمت های) بهشت (سرگرم بود و) گردش می نمود»^۳.

۸۳- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ، فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ، غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمَنْ مَسَّ الْحَصَا فَقَدْ لَعَا» رواه مسلم.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۹)، م (۳۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۳۶۳)، م (۲۲۴۴)، و (۲۲۴۵)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۱۴)].

۸۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که وضو بگیرد و آن را زیبا و کامل بگیرد و بعد به جمعه برود و (خطبه) را گوش دهد و ساکت باشد، گناهان (صغیره‌ی) او، تا ده روز آینده، آمرزیده می‌شود و هر کس (در هنگام خطبه و نماز) سنگریزه‌ای بردارد (و با آن بازی کند) کاری بیهوده در پیش گرفته (و جمعه‌اش کامل نیست).^۱

۸۴- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ أَوْ الْمُؤْمِنُ، فَغَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلِّ خَطِيئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بِعَيْنِهِ مَعَ الْمَاءِ، أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ، فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلِّ خَطِيئَةٍ كَانَ بَطَشَتْهَا يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ، فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتْ كُلُّ خَطِيئَةٍ مَشَتْهَا رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ نَقِيًّا مِنَ الدُّنُوبِ» رواه مسلم.

۸۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه بنده‌ی مسلمان یا مؤمن وضو گرفت و صورتش را شست، هر گناهی که با نظر چشمانش مرتکب شده با شستن آب و یا با آخرین قطره‌ی آن، پاک می‌شود و چون دستانش را شست، هر گناهی که با آنها مرتکب شده، با آب و یا با آخرین قطره‌ی آب، خارج و محو می‌گردد، تا آن که در حالی از وضو فارغ می‌شود که از گناهان، پاک و پاکیزه گشته است»^۲.

۸۵- وَعَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الصَّلَاةُ الْخَمْسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ مُكْفَرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنَبْتَ الْكِبَائِرَ» رواه مسلم

۸۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نمازهای پنج‌گانه و جمعه تا جمعه‌ی دیگر و رمضان تا رمضان دیگر، پاک‌کننده‌ی گناهان ما بین آنهاست به شرطی که از گناهان کبیره اجتناب شده باشد»^۳.

۸۶- عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى الْبُرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» متفقٌ عليه.

۸۶. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آنکه بر دین (نمازهای صبح و عصر) را اداء نماید به بهشت داخل می‌شود»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۵۷)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۴۴)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۳۳)].

۸۷- وعنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا» رواه البخاري.

۸۷ و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که شخصی بیمار شد یا مسافرت کرد، برای او برابر هر عمل خیری که در زمان تندرستی و اقامت انجام می‌داده، نوشته می‌شود»^۲.

۸۸- عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» رواه البخاري، ورواه مسلم من رواية حذيفة رضي الله عنه.

۸۸ از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کار نیکی، صدقه است»^۳.

۸۹- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَانَ مَا أَكَلَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ، وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ، وَلَا يَزْرَعُ زَرْعًا إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ». رواه مسلم.

و فی روایة له: «لَا يَغْرِسُ مُسْلِمٌ غَرْسًا، وَلَا يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ وَلَا دَابَّةٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ».

۸۹ از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مسلمانی درختی بکارد، در برابر هر میوه‌ای که از آن خورده می‌شود، برای او صدقه‌ای محسوب می‌شود و آنچه که از آن دزدیده شود و مردم از آن کم کنند، برای او صدقه خواهد بود»^۴.

و در روایتی دیگر از او (مسلم) آمده است: «مسلمان نهالی نمی‌کارد و چیزی زراعتی نمی‌رویانند مگر آنکه هر انسان و جانور و موجودی که از آن بخورد برایش صدقه‌ای خواهد بود».

۹۰- عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَعْلَاهَا مَنِيحَةُ الْعَنْزِ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءَ ثَوَابِهَا وَتَصَدِيقَ مَوْعُودِهَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللهُ بِهَا الْجَنَّةَ» رواه البخاري.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [خ (۲۵۱)، م (۶۳۵)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۹۹۶)].

۳- بخاری [(۶۰۲۱)] روایت کرده است و مسلم [(۱۰۰۵)] نیز از حذیفه رضی الله عنه روایت کرده است.

۴- هر دوی آنها [خ (۲۳۲۰)، م (۱۵۵۳)] از انس رضی الله عنه روایت کرده است.

۹۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهل خصلت وجود دارد که بهترین آنها، به امانت دادن میش (برای استفاده از شیر و پشم آن است) و هر کس که به امید ثواب و با ایمان کامل به وعده‌ی پادشاه یک خصلت از آنها را انجام دهد، خداوند به خاطر آن او را به بهشت می‌برد»^۱.

۹۱- عَنْ عَبْدِ بْنِ حَاتِمٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا سَيَكَلِّمُهُ رَبُّهُ، لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ تَرْجُمَانٌ، فَيَنْظُرُ أَيْمَنَ مِنْهُ فَلَا يَرَى إِلَّا مَا قَدَّمَ، وَيَنْظُرُ أَشْأَمَ مِنْهُ فَلَا يَرَى إِلَّا مَا قَدَّمَ، وَيَنْظُرُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَرَى إِلَّا النَّارَ تَلْقَاءَ وَجْهِهِ، فَاتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِي كَلِمَةٍ طَبِيبَةً. متفق عليه.

۹۱. از عدی بن حاتم رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا فرمودند: «پروردگار با تک‌تک افراد شما بدون واسطه صحبت خواهد کرد؛ و انسان چون به طرف راست خود بنگرد، جز اعمالی که قبلاً فرستاده است، چیزی نمی‌بیند و چون به طرف چپ نگاه کند، جز اعمالی که قبلاً فرستاده است، چیزی مشاهده نمی‌کند و در برابر خود تنها آتش دوزخ را می‌یابد؛ پس در بین خود و آتش دوزخ، حجاب و مانع بسازید، اگر چه به وسیله‌ی (بخشیدن) نصف خرمایی باشد و کسی که آن را نیز نیافت، با سخنی نیکو (و کلمه‌ای شیرین)، خود را از آتش حفظ نماید».

۹۲- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا» رواه مسلم.

۹۲. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند حتماً از آن بنده که وقتی غذایی خورد، خدا را بر آن شکر می‌گوید، یا وقتی که جرعه‌ای آب می‌نوشد، خدا را بر آن سپاس می‌کند، راضی و خشنود می‌شود»^۲.

۹۳- عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ صَدَقَةٌ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: «يَعْمَلُ بِيَدَيْهِ فَيَنْفَعُ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ». قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ؟ قَالَ: يُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفَ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ قَالَ: «يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ الْخَيْرِ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: «يُمْسِكُ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ». متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۵۰) م (۱۰۱۶)].

۲- مسلم روایت کرده است. [(۲۷۳۴)].

۹۳. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بر هر مسلمانی صدقه واجب است»، ابوموسی رضی الله عنه فرمود: اگر نیافت؟ فرمودند: «با دست خود کار کند، هم به خود نفع برساند و هم با آن صدقه بدهد»، فرمود: اگر قادر به کار نبود؟ فرمودند: «نیازمند دردمندی را یاری کند» فرمود: اگر قادر به آن نبود؟ فرمودند: «امر به کار نیک کند» فرمود: اگر این کار را نیز انجام نداد؟ فرمودند: «از بدی‌ها پرهیزد که آن نیز صدقه است».

۱۴- باب الاقتصاد في الطاعة:

باب میانه روی در عبادت

قال الله تعالى:

﴿ طه ﴿١﴾ مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾ ﴾ (طه / ۱-۲)

«ای پیامبر ﷺ! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا در سختی و مشقت بیفتی.»

قال تعالى:

﴿ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ﴾ (البقره / ۱۸۵)

«خداوند آسایش و راحتی شما را می خواهد و خواهان سختی و مشقت شما نیست.»

۹۴- وَعَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ ثَلَاثَةٌ زَهْطٍ إِلَى بُيُوتِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ ﷺ يَسْأَلُونَ عَنْ عِبَادَةِ النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا أُخْبِرُوا كَانَهُمْ تَقَالُوهَا وَقَالُوا: أَيْنَ نَحْنُ مِنَ النَّبِيِّ ﷺ قَدْ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ. قَالَ أَحَدُهُمْ: أَمَا أَنَا فَإِنِّي أَصَلَّى اللَّيْلَ أَبَدًا. وَقَالَ الْآخَرُ: وَأَنَا أَصُومُ الدَّهْرَ أَبَدًا وَلَا أَفْطِرُ. وَقَالَ الْآخَرُ: وَأَنَا أَعْتَزِلُ النِّسَاءَ فَلَا أَتَزَوَّجُ أَبَدًا. فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: «أَنْتُمْ الَّذِينَ قُلْتُمْ كَذَا وَكَذَا؟ أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَتْقَاكُمْ لَهُ، لَكِنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ، وَأُصَلِّي وَأَرْقُدُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيسَ مِنِّي». متفق عليه.

۹۴. از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: سه نفر به خانه‌ی زنان پیامبر ﷺ آمدند و از عبادت پیامبر ﷺ سؤال نمودند و وقتی که از آن خبر یافتند، مثل این که آن را کم دانستند و گفتند: ما کجا و پیامبر ﷺ کجا، حال آن که او، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شده است؟! یکی از آنها گفت: من همیشه تمام شب را نماز خواهم خواند؛ دیگری گفت: من تمام روزهای عمرم را روزه خواهم گرفت و هرگز افطار نمی‌کنم، و آن یکی گفت: من از زنان دوری می‌کنم و هرگز ازدواج نمی‌کنم؛ سپس پیامبر ﷺ تشریف آوردند و فرمودند: «شما بودید که چنین و چنان گفتید؟ (خیر، چنین نیست!) به خدا سوگند من از همه‌ی شما بیشتر از خدا می‌ترسم و پرهیزگارترم؛ با این حال روزه می‌گیرم و افطار هم می‌کنم؛ نماز می‌خوانم و می‌خوابم؛ با زنان هم ازدواج می‌کنم؛ کسی که از سنت من رو بگرداند، از من نیست!».

۹۵- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ» قَالَهَا ثَلَاثًا، رواه مسلم.

«الْمُتَنَطِّعُونَ»: الْمُتَعَمِّقُونَ الْمُشَدِّدُونَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ التَّشْدِيدِ.

۹۵. از ابن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «مُتَنَطِّعُونَ هَلَكَ شَدْنَدًا» و این جمله را سه بار تکرار فرمودند.^۱

مُتَنَطِّعُونَ کسانی هستند که در (اعمال خود، مانند عبادت، سخن گفتن و...) و جاهایی که جای سخت گیری نیست، بی مورد سخت گیری می کنند و بر خود فشار می آورند.

۹۶- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ إِلَّا غَلَبَةً، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدْوَةِ وَالرُّوحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدُّلْجَةِ» رواه البخاري.

وفي رواية له «سَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَاغْدُوا وَرُوحُوا، وَشَيْءٌ مِنَ الدُّلْجَةِ، الْقَصْدَ الْقَصْدَ تَبَلُّغُوا».

ومعناه: اسْتَعِينُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْأَعْمَالِ فِي وَقْتِ نِشَاطِكُمْ، وَفَرَاغِ قُلُوبِكُمْ بِحَيْثُ تَسْتَلِدُونَ الْعِبَادَةَ وَلَا تَسْأَمُونَ مَقْصُودَكُمْ، كَمَا أَنَّ الْمُسَافِرَ الْحَادِقَ يَسِيرُ فِي هَذِهِ الْأَوْقَاتِ وَيَسْتَرِيحُ هُوَ وَدَابَّتُهُ فِي غَيْرِهَا، فَيَصِلُ الْمَقْصُودَ بِغَيْرِ تَعَبٍ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

۹۶. از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «همانا دین، آسانی است، نه سخت گیری و در تنگنا قرار دادن. و هر کسی که در دین سخت گیری نماید، در آن شکست می خورد؛ پس دین را آن قدر سخت نگیرید که از انجام دادن آن ناتوان گردید (و اگر توانایی رعایت کامل دین را ندارید)، حد متوسط را رعایت کنید و در امور دین محکم و ثابت باشید و به مردم بشارت دهید (نه این که آنها را مأیوس کنید) و برای عبادت از صبح و غروب و مقداری از آخر شب کمک بگیرید (از آسایش و آرامشی که در آنهاست، برای عبادت استفاده کنید، زیرا که این اوقات هنگام آسایش و فراغت هستند).^۲

و معنایش این است که: برای طاعت و عبادت خداوند عز و جل، از زمانهای نشاط و شادابی خود و آسایش دل هایتان کمک بگیرید تا آن که از عبادت لذت ببرید و خسته نشوید و به مقصود

۱- مسلم روایت کرده است. [(۲۶۷۰)]

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۵۰)؛ م (۷۸۴)]

خود نائل گردید، همچنان که مسافر زیرک، برای آن که آسان به مقصد برسد، زمانی استراحت می‌کند و زمانی به راه خود ادامه می‌دهد.

۹۷- وعن أنس رضي الله عنه قال: دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا حَبِلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّارِيَتَيْنِ فَقَالَ: «مَا هَذَا الْحَبْلُ؟ قَالُوا، هَذَا حَبْلٌ لَزَيْنَبَ فَإِذَا فَتَرَتْ تَعَلَّقَتْ بِهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حُلُوهُ، لِيُصَلَّ أَحَدُكُمْ نَشَاطَهُ، فَإِذَا فَتَرَ فَلْيُرْقُدْ» متفق عليه.

۹۷. از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به مسجد وارد شد، ناگهان در بین دو ستون، طنابی کشیده یافت، فرمودند: «این طناب چیست؟» گفتند: این طناب زینب است که وقتی از عبادت سست و خسته شود، به آن پهلو می‌زند. پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «طناب را بگشایید و بردارید؛ هر کدام از شما تا وقتی که با نشاط است، نماز بخواند و هر گاه خسته شد، بخوابد»^۱.

۹۸- وعن جابر بن سمرة رضي الله عنهما قال: كُنْتُ أَصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّلَاةَ، فَكَانَتْ صَلَاتُهُ قَصْدًا وَخُطْبَتُهُ قَصْدًا» رواه مسلم.

قوله: قَصْدًا: أَي بَيْنَ الطُّوْلِ وَالْقَصْرِ.

۹۸. از جابر بن سمره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: نمازها را با پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم می‌خواندم، نماز و خطبه‌ای او در حد اعتدال بود^۲.

۹۹- وعن أبي جحيفة وهب بن عبد الله رضي الله عنه قال: آخَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ سَلْمَانَ وَأَبِي الدَّرْدَاءِ، فَرَارَ سَلْمَانُ أَبَا الدَّرْدَاءِ، فَرَأَى أُمَّ الدَّرْدَاءِ مُتَبَدِّلَةً فَقَالَ: مَا شَأْنُكَ؟ قَالَتْ: أَخَوْكَ أَبُو الدَّرْدَاءِ لَيْسَ لَهُ حَاجَةٌ فِي الدُّنْيَا. فَجَاءَ أَبُو الدَّرْدَاءِ فَصَنَعَ لَهُ طَعَامًا، فَقَالَ لَهُ: كُلْ فَإِنِّي صَائِمٌ، قَالَ: مَا أَنَا بِأَكْلٍ حَتَّى تَأْكُلَ، فَأَكَلَ، فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ ذَهَبَ أَبُو الدَّرْدَاءِ يَقُومُ فَقَالَ لَهُ: نَمْ فَنَامَ، ثُمَّ ذَهَبَ يَقُومُ فَقَالَ لَهُ: نَمْ، فَلَمَّا كَانَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ قَالَ سَلْمَانُ: فَمَ الْآنَ، فَصَلَّيَا جَمِيعًا، فَقَالَ لَهُ سَلْمَانُ: إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، فَأَعْطِ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ، فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَدَقَ سَلْمَانُ». رواه البخاري.

۹۹. از ابو جحیفه وهب بن عبد الله رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم بین «سلمان و ابودرداء» برادری قرار داد، سپس سلمان رضي الله عنه به ملاقات ابودرداء رضي الله عنه رفت و ام‌درداء را در لباسی کهنه دید،

۱- بخاری روایت کرده است. [(۶۴۶۳)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۶۶)].

گفت: چرا این گونه هستی؟ گفت: برادرت احتیاجی به دنیا ندارد، سپس ابودرداء رضی الله عنه برگشت و طعامی برای سلمان رضی الله عنه مهیا کرد و به سلمان گفت: تو بخور، من روزه هستم، سلمان رضی الله عنه گفت: نمی‌خورم تا تو نخوری، و ابودرداء رضی الله عنه روزه‌اش را شکست. وقتی شب فرا رسید، ابودرداء رضی الله عنه میخواست نماز شب بخواند، سلمان رضی الله عنه گفت: بخواب و ابودرداء رضی الله عنه خوابید، سپس دوباره برای عبادت برخاست، سلمان رضی الله عنه گفت: بخواب و وقتی آخر شب شد، سلمان رضی الله عنه گفت: اکنون بلند شو؛ و با هم شروع به نماز خواندن کردند. پس از نماز سلمان رضی الله عنه به او گفت: پروردگارت حقی بر تو دارد و نفس خودت نیز حقی و خانواده‌ات حقی، پس حق هر صاحب حقی را ادا کن؛ ابودرداء رضی الله عنه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و جریان را بازگو کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سلمان راست گفته است»^۱.

۱۰۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: بينما النبي صلى الله عليه وسلم يخطف إذا هو برجل قائم، فسأل عنه فقالوا: أبو إسرائيل نذر أن يقوم في الشمس ولا يقعد، ولا يستظل ولا يتكلم، ويصوم، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «مروه فليتكلم وليستظل وليتم صومه». رواه البخاري.

۱۰۰. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام خطبه خواندن، ناگهان متوجه مردی شد که سرپا ایستاده بود، در باره‌ی وی سؤال کردند: گفتند: او ابواسرائیل است، نذر کرده است که جلوی آفتاب بایستد، ننشیند، زیر سایه نرود، حرف نزند و روزه بگیرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به او بگویند: سخن بگویند، زیر سایه برود، بنشیند و روزه‌اش را تمام کند».

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۹۶۸)] .

۱۵ - باب في المحافظة على الأعمال:

باب مداومت بر اعمال

قال الله تعالى:

﴿ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ﴾ (الحديد / ۱۶)

«آیا برای مومنان آن هنگام نرسیده است که دل‌هایشان به [هنگام] یاد خدا و [هنگام] به یاد آوردن آنچه از حق که نازل شده است، خشوع یابد و مانند کسانی نباشند که پیش از این به آنان کتاب داده شد و روزگار بر آنان دراز آمد آن گاه سنگدل شدند».

و قال تعالى:

﴿ وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ﴾ (الحديد / ۲۷)

«به دنبال پیامبران گذشته، عیسی پسر مریم را فرستادیم و انجیل را بر او نازل کردیم، و در قلوب پیروان او مهر و عطوفت قرار دادیم؛ و رهبانیتی که ما بر آنها واجب نکرده بودیم، لیکن خودشان آن را برای به دست آوردن خشنودی خدا پدید آورده بودند، اما آن‌چنان که باید، آن را رعایت نکردند».

وقال تعالى:

﴿ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَنَتْ ﴾ (النحل / ۹۲)

«مانند آن زن نباشید که ریسمان خود را بعد از تافتن، از هم جدا می‌کرد».

وقال تعالى:

﴿ وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴾ (الحجر / ۹۹)

«تا وقتی که مرگت فرا می‌رسد، پروردگارت را عبادت کن».

۱۰۱- عن عائشة رضي الله عنها قالت: «وَكَانَ أَحَبُّ الدِّينِ إِلَيْهِ مَا دَاوَمَ صَاحِبُهُ عَلَيْهِ». متفق

عليه

۱۰۱- از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «دوست داشتنی‌ترین اعمال دینی نزد پیامبر ﷺ آن اعمالی بود که صاحبش بر آن مداومت می‌کرد»^۱.

۱۰۲- وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ مِنَ اللَّيْلِ، أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ، كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». رواه مسلم.

۱۰۲. و از عمر بن خطاب رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که خواب بر او غلبه کند و نتواند حزب خود (مقدار معین از قرآن که برای تلاوت شبانه در نظر گرفته) را بخواند یا تمام کند، و مابین نماز صبح و ظهر آن را جبران کند، ثواب آن را مانند این که در شب انجام داده باشد، در می‌یابد»^۲.

۱۰۳- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قال لي رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَبْدَ اللَّهِ! لَا تَكُنْ مِثْلَ فُلَانٍ، كَانَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَتَرَكَ قِيَامَ اللَّيْلِ» متفق عليه

۱۰۳. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ به من فرمودند: «ای عبدالله! مانند فلان کس نباش که نماز شب را می‌خواند، اما بعد از مدتی آن را ترک کرد (بر آن مداومت داشته باش)»^۳.

۱۰۴- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَاتَتْهُ الصَّلَاةُ مِنَ اللَّيْلِ مِنْ وَجَعٍ أَوْ غَيْرِهِ، صَلَّى مِنَ النَّهَارِ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً» رواه مسلم.

۱۰۴. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ هر گاه به علت درد یا غیر آن، نماز شبش فوت می‌شد، در روز به جای آن دوازده رکعت نماز می‌خواند.^۴

۱- [حدیث شماره‌ی: ۱۴۲].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۴۷)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۵۲)، م (۱۱۵۹)].

۴- مسلم روایت کرده است [(۷۴۷)].

۱۶- باب الأمر بالمحافظة على السنة وآدابها:

باب امر به مداومت بر سنت و آداب آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾ (الحشر / ۷)

«آنچه را پیامبرص برای شما می آورد، بگیرید و از هر چه شما را منع کرد، دوری کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴾ (النجم / ۳-۴)

«پیامبرص از روی هوا و هوس صحبت نمی کند؛ بلکه هر چه می گوید به او وحی می شود.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ﴾ (آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبرص، بگو: اگر شما خداوند را دوست دارید، مرا پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببامزد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ﴾

(الأحزاب / ۳۱)

«به راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می دارد، در رسول خدا سرمشقی نیکوست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا

مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾ (النساء / ۶۵)

«نه، چنین نیست، به خدای تو سوگند، ایمان نخواهند داشت تا این که در مورد مشاجرات و اختلافات میان خود، تو را قاضی و داور قرار دهند و نسبت به حکم تو در درون خود، هیچ گونه ناراحتی و ملالی نداشته باشند و کاملاً تسلیم (قضاوت و حکم تو) باشند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (النساء / ۵۹)

«اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبرش بازگردانید.»

قَالَ الْعُلَمَاءُ: مَعْنَاهُ: إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.

علماء گفته‌اند: «معنی آن این است که در موارد اختلاف، به قرآن و سنت مراجعه کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (النساء / ۸۰)

«کسی که پیامبر را اطاعت کند، قطعاً خدا را اطاعت کرده است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (الشوری / ۵۲)

«قطعاً تو مردم را به راه راست هدایت می‌کنی.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (النور / ۶۳)

«کسانی که با فرمان او (پیامبرص) مخالفت می‌کنند، باید بترسند که بلایی بر آنان فرود آید یا این که به عذابی دردناک دچار شوند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ﴾ (الأحزاب / ۳۴)

«(خطاب به زنان پیامبرص) آنچه را که در خانه‌های شما از آیات خدا و دستورات پندآموز (پیامبرص) تلاوت می‌شود (بیاموزید و برای دیگران) یادآوری کنید.»

والآیات فی الباب کثیرة.

آیات در این مورد فراوان است.

۱۰۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «دَعُونِي مَا تَرَكَتُكُمْ: إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةَ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَىٰ أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ» متفقٌ عليه.

۱۰۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مرا با همان دستورات و وظایفی که برای شما گذاشته‌ام بگذارید، به حقیقت آنچه که امت‌های پیش از شما را هلاک و نابود گردانید، زیاد سؤال کردن و مخالفت آنان با پیامبران خود بود؛ پس هر گاه شما را از چیزی نهی کردم از آن دوری کنید، و چون فرمان انجام دادن کاری را به شما دادم، هر قدر از آن را که می‌توانید، انجام دهید»^۱.

۱۰۶- عَنْ الْعُرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَوْعِظَةً بَلِيغَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَأَنَّهَا مَوْعِظَةٌ مُودَعٌ فَأَوْصِنَا. قَالَ: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، وَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسِيرَى اخْتِلافاً كَثِيراً. فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّدِينَ، عَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ بَدْعَةٍ ضَالَّةٌ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱۰۶. از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله موعظه‌ای (بلیغ) برای ما ایراد فرمودند که به سبب آن، دل‌ها را ترس فرا گرفت و اشک در چشم‌ها حلقه زد؛ گفتیم: ای رسول خدا! این موعظه مانند موعظه‌ی کسی بود که می‌خواهد وداع کند، پس برای ما وصیتی نمایید، فرمودند: شما را وصیت می‌کنم که تقوای خدا را رعایت کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید؛ حتی اگر هم بنده‌ای سیاه، امام و حاکم شما باشد؛ و اگر کسی از شما زنده بماند شاهد اختلافات زیادی می‌شود، در این صورت، همواره بر شما لازم است که روش من و روش خلفای برحق و هدایت شده‌ی مرا رعایت کنید و بر انجام دادن این اعمال و ادامه‌ی این روش‌ها سخت پافشاری و اصرار داشته باشید و از بدعت‌ها و امور تازه وارد شده در دین پرهیزید؛ زیرا هر بدعت و امر تازه‌ای در دین (که از طرف شارع دلیلی بر جواز آن نباشد)، گمراهی است^۲.

۱۰۷- عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَجُلًا أَكَلَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشِمَالِهِ فَقَالَ: «كُلْ بِيَمِينِكَ» قَالَ: لَا أَسْتَطِيعُ. قَالَ: «لَا اسْتَطَعْتَ» مَا مَنَعَهُ إِلَّا الْكِبَرُ فَمَا رَفَعَهَا إِلَيَّ فِيهِ، رواه مسلم.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۲۸۸)، م (۱۳۳۷)].

۲- ابوداود [(۴۶۰۷)] و ترمذی [(۲۶۷۸)] روایت کرده‌اند؛ ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۵۹. از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله با دست چپ غذا می خورد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با دست راست بخور»، گفت: نمی توانم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(خدا کند که) نتوانی!»، و چیزی جز تکبر مانع اطاعت آن مرد از پیامبر صلی الله علیه و آله نبود؛ بعد از آن، دست راستش به سوی دهانش بلند نمی شد!

۱۰۸ - عَنْ التُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَتَسُونَنَّ صُفُوفَكُمْ أَوْ لِيُخَالَفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوْهِكُمْ». متفق عليه

۱۰۸. از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «صف های نمازتان را مساوی و راست کنید و گرنه خداوند در بین شما کینه و دشمنی می اندازد»^۱.

۱۰۹ - عَنْ أَبِي مُوسَى - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مَثَلَ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَصَابَ أَرْضًا فَكَانَتْ طَائِفَةٌ طَيِّبَةً، قِيلَتِ الْمَاءَ فَأَنْبَتَتِ الْكَلَاءُ وَالْعُشْبَ الْكَثِيرَ، وَكَانَ مِنْهَا أَجَادِبٌ أَمْسَكَتِ الْمَاءَ، فَنَفَعَ اللَّهُ بِهَا النَّاسَ فَشَرَبُوا مِنْهَا وَسَقَوْا وَزَرَعُوا. وَأَصَابَ طَائِفَةٌ أُخْرَى، إِنَّمَا هِيَ قَيْعَانٌ لَا تُمَسِّكُ مَاءً وَلَا تُنْبِتُ كَلَاءً. فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ فُقِدَ فِي دِينِ اللَّهِ، وَنَفَعَهُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ، فَعَلِمَ وَعَلَّمَ، وَمَثَلُ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ بِذَلِكَ رَأْسًا وَلَمْ يَقْبَلْ هُدَى اللَّهِ الَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ». متفق عليه.

۱۰۹. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هدایت و علمی که خداوند مرا بدان مبعوث فرموده است، مانند بارانی است که بر زمینی می بارد؛ قسمتی از زمین که پاک و حاصلخیز است، آب را فرو می گیرد و چراگاه و گیاه بسیاری را می رویاند، و قسمتی از آن که سخت است، آب را بر روی خود نگه می دارد و فرو نمی برد، اما خداوند مردم را با آن بهره مند می سازد که می آشامند و در زمین با آن آبیاری و کشاورزی می کنند و همین باران به قسمت دیگری از زمین می رسد که جز بیابانی خشک نیست و آن را در خود نگاه نمی دارد و کشت و زرعی به بار نمی آورد. (نه در خود فرو می برد، نه نگه می دارد) همچنین است مثل کسی که در دین خدا فقیه شود و خداوند با رسالت من به او نفع برساند، خود بیاموزد و به مردم بیاموزاند و مثال کسی که بدین

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۲۱)] .

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۷)، م (۴۳۶)] .

نعمت (علم و هدایت دین) سرافراز نشود و هدایت خدا را که من برای آن مبعوث شده‌ام، قبول نکند»^۱.

۱۱۰- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مِثْلِي وَمِثْلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَوْقَدَ نَارًا فَجَعَلَ الْجِنَادِبُ وَالْفَرَاشُ يَقَعْنَ فِيهَا وَهُوَ يُدْبِهُنَّ عَنْهَا وَأَنَا آخِذٌ بِحُجْرِكُمْ عَنِ النَّارِ، وَأَنْتُمْ تَفْلُتُونَ مِنْ يَدِي». رواه مسلم.

۱۱۰. از جابر رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «مثال من و شما مانند مردی است که آتشی برافروخته باشد و ملخ‌ها و پروانه‌ها در آن بیفتند و او مانع آنها شود، من نیز دامن لباس شما را گرفته‌ام که از آتش محفوظ دارم ولی شما خود را از چنگ من بیرون می‌کشید تا به آتش درآید»^۲.

۱۱۱- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِلِغَقِ الْأَصَابِعِ وَالصَّحْفَةِ وَقَالَ: «إِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ فِي أَيِّهَا الْبِرْكَةُ» رواه مسلم.

و فی روایة له: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ حَتَّى يَحْضُرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمْ اللَّفْمَةُ فَلْيَمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَدَى، فَلْيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ».

۱۱۱. از جابر رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم به لیسیدن انگشتان و کاسه امر نمود و فرمودند: «شما نمی‌دانید در کدام قسمت غذایتان برکت وجود دارد»^۳.

در روایتی دیگر از جابر رضي الله عنه آمده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «همانا شیطان در هر حال از احوال شما، پیشتان حاضر است، حتی در هنگام غذا خوردن نیز نزد شخص حاضر می‌شود؛ پس هر گاه لقمه‌ی یکی از شما به زمین افتاد، آن را از خاک و خاشاک پاک کند و بعد بخورد و برای شیطان نگذارد».

۱۱۲- عن ابن عباس، رضي الله عنهما، قال: قام فينا رسول الله صلى الله عليه وسلم بموعظة فقال: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى خُفَاةَ عَرَاةٍ غُرْلًا» ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۳] أَلَا وَإِنَّ أَوَّلَ الْخَلَائِقِ يُكْسَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَلَا وَإِنَّهُ سَيُجَاءُ بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي، فَيُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ: يَا رَبِّ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۹)، م (۲۲۸۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۴۸۵)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۳۳)].

أَصْحَابِي، فَيُقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ: {وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ...} إِلَى قَوْلِهِ: «الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» [المائدة: ۱۱۷، ۱۱۸] فَيُقَالُ لِي: إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتُهُمْ». متفقٌ عليه.

۱۱۲. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر موعظه‌ای در میان مردم ایراد کردند و فرمودند: «ای مردم! شما نزد خداوند، پا برهنه، لخت و ختنه نشده حشر می‌شوید، همچنان که خداوند می‌فرماید:

﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُمْ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ﴾ (الأنبياء / ۱۰۴)

«همان گونه که در اول، آفرینش را آغاز کردیم، آن را مجدداً باز می‌گردانیم و این بر ما وعده است که قطعاً آن را انجام می‌دهیم».

و بدانید نخستین کسی که در قیامت پوشیده می‌شود، ابراهیم علیه السلام است، آگاه باشید! مردانی از امت من آورده می‌شوند و به طرف دوزخ سوق داده خواهند شد، آن گاه من می‌گویم: بار خدایا! آنان یاران من هستند! گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که آنها بعد از تو چه کردند! و من همان قولی را که بنده‌ی شایسته‌ی خدا، عیسی علیه السلام فرمود، عرض می‌کنم:

﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

(المائدة/۱۱۷-۱۱۸)

«و من تا آن زمان که در میان آنان بودم، از وضع آنان اطلاعی داشتم و شاهد آنان بودم و هنگامی که مرا میراندی، تنها تو ناظر و مراقب آنها بودی و تو بر هر چیزی آگاه و مطلع هستی. اگر آنان را مجازات نمایی، بندگان تو هستند و اگر از آنها درگذری، قطعاً تو توانا و حکیم هستی».

سپس به من گفته می‌شود: آنان، از روزی که تو از آنها جدا شدی، به عقب برگشته و مرتد

شدند».

۱۱۳- وعن عابِسِ بْنِ رَبِيعَةَ قَالَ: رَأَيْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يُقْبَلُ الْحَجَرَ، يَعْنِي الْأَسْوَدَ وَيَقُولُ: إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَرٌ مَا تَنْفَعُ وَلَا تَضُرُّ، وَلَوْلَا أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يُقْبَلُكَ مَا قَبَّلْتُكَ.. (متفقٌ عليه).

۱۱۳. و از عابس بن ربیعہ روایت شده است کہ فرمود: عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ را دیدم کہ حجر الاسود را می بوسید و می فرمود: می دانم کہ تو سنگی هستی و نفع و ضرر نمی رسانی و اگر پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را ندیده بودم کہ تو را می بوسید، هرگز تو را نمی بوسیدم!

۱- منظور از نقل و معنای این دو حدیث، سعی در پیروی از سنت و رفتار پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در هر کاری است. مترجم.

۱۷- باب وجوب الإنقياد لحكم الله وما يقوله من دعى إلى ذلك وأمر بمعروف أو

نهي عن منكر:

باب وجوب اطاعت و تسليم در برابر حكم خدا و نيز آنچه كه شخص دعوت شده به اين كار و امر شده به معروف و نهي شده از منكر، بايد

بگويد

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا

مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (النساء / ۶۵)

«نه چنین نیست، به خدای تو سوگند، ایمان نخواهند داشت تا این که در مورد مشاجرات و اختلافات میان خود، تو را قاضی و داور قرار دهند و نسبت به حکم تو در درون خود، هیچ گونه ناراحتی و ملالی نداشته باشند و کاملاً تسلیم (قضاوت و حکم تو) باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا

وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (النور / ۵۱)

«مؤمنان وقتی که به سوی خدا و پیامبرش فرا خوانده شوند تا پیامبر در میان آنها حکم کند، سخنشان تنها این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم! آنها رستگاران هستند».

وفيه من الأحاديث، حديث أبي هريرة المذكور في أول الباب قبله، وغيره

من الأحاديث فيه.

واحاديثي همانند حديث ابوهريره كه در اول باب قبل ذكر شد و احاديث ديگر نيز در اين باره

اند.

۱۱۴- عن أبي هريرة رضي الله عنه، قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿اللَّهُ

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ

﴿الآية [البقرة: ۲۸۳] اشْتَدَّ ذَلِكَ عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ بَرَكُوا عَلَى الرَّكْبِ فَقَالُوا: أَيُّ رَسُولَ اللَّهِ، كُلفْنَا مِنَ الْأَعْمَالِ مَا نَطِيقُ:

الصَّلَاةَ وَالْجِهَادَ وَالصِّيَامَ وَالصَّدَقَةَ، وَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَيْكَ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَا نُطِيقُهَا. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتُرِيدُونَ أَنْ تَقُولُوا كَمَا قَالَ أَهْلُ الْكِتَابِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ: سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا؟ بَلْ قُولُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» فَلَمَّا اقْتَرَأَهَا الْقَوْمُ، وَذَلَّتْ بِهَا أَلْسِنَتُهُمْ، أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي إِثْرِهَا: ﴿ءَامِنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنَ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامِنَ بِاللَّهِ وَمَلَيْكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ نَسَخَهَا اللَّهُ تَعَالَى، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ قَالَ: نَعَمْ ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا﴾ قَالَ: نَعَمْ. ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ قَالَ: نَعَمْ ﴿وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ قَالَ: نَعَمْ. رواه مسلم.

۱۱۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «وقتی این آیه نازل شد:

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ﴾ (البقره / ۲۸۴)

«آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست و اگر آنچه را که در درون دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را بر آن محاسبه می کند.»

بر اصحاب رسول گران آمد؛ پس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و بر زانو نشسته، گفتند: ای رسول خدا! اعمالی بر ما تکلیف شده که طاقت انجام آن را نداریم: نماز، جهاد، روزه و زکات؛ و اینک آیه ای بر تو نازل شده است که ما تاب آن را نداریم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما هم می خواهید همان سخنی را بگویید که اهل تورات و انجیل گفتند: «شنیدیم و در انجام دادن آن سرپیچی کردیم»، بلکه شما بگویید: «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»: «شنیدیم و اطاعت کردیم و مغفرت تو را انتظار داریم و بازگشت به سوی توست.» وقتی که اصحاب آن را قرائت کردند و زبانشان خاشعانه بدان گویا شد، خداوند در پی آن، این آیه را نازل فرمود:

﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (البقره / ۲۸۵)

«پیامبر به آنچه از طرف پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده است و مؤمنان (نیز) به آن ایمان آورده‌اند؛ همه‌ی (آنها) به خداوند، فرشتگان او، کتاب‌های او و پیامبرانش ایمان آورده‌اند و (می‌گویند): میان هیچ‌یک از پیامبران او، فرقی نمی‌گذاریم و می‌گویند: «پروردگارا! شنیدیم و اطاعت کردیم و مغفرت تو را انتظار داریم و بازگشت به سوی توست».

وقتی که چنین کردند، خداوند آیه‌ی قبل را نسخ نمود و این آیه را نازل فرمود:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا

إِن نُّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ «خداوند بر هیچ کس جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند، هر کسی هر کار (نیکی) انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) انجام دهد، به زیان خود اوست؛ پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مؤاخذه و بازخواست نکن!» خداوند فرمود:

﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا﴾ «پروردگارا! بار سنگین (وظایف طاقت‌فرسا) را بر ما نگذار، چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر امت‌های قبل از ما گذاشتی». خداوند فرمود: بلی، اجابت کردم. ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ

لَنَا بِهِ﴾ «پروردگارا! آنچه را که توان آن را نداریم بر ما تحمیل مکن». خداوند فرمود: بلی.

(وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) «از ما درگذر و عفو کن و بیامرز، بر ما رحم کن؛ تو یاور و سرور ما هستی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان». خداوند فرمود: بلی، اجابت کردم».

۱۸- باب في النهي عن البدع ومحدثات الأمور:

باب در نهی از بدعتها و امور تازه وارد (در دین)

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾ (يونس / ۳۲)

«آیا بعد از حق، جز گمراهی چه چیزی وجود دارد؟».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (الأنعام / ۳۸)

«در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را (کم یا ناقص نگفتیم و از بیان حق) فروگذار نکردیم.».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (الأنعام / ۳۸)

«اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبرش برگردانید.» یعنی به کتاب و سنت مراجعه کنید.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ (الأنعام / ۱۵۳)

«همانا این راه راست (و روشن) من است، پس از آن پیروی کنید و از راهها (ی باطل) پیروی نکنید که از راه او دور و گمراه (می) شوید.».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ (آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبرص) بگو: اگر شما خداوند را دوست دارید، مرا پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد، و گناهان شما را ببامزد.».

والآيات في الباب كثيرة معلومة.

۱۱۵- عن عائشة -رضي الله عنها- قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو ردٌّ» متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو ردٌّ».

۱۱۵. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که در این امر ما (اسلام و دستورات آن)، چیز تازه‌ای ایجاد کند که از آن نباشد، مردود است»^۱.
در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «کسی که رفتاری انجام دهد که امر (دین) ما بر آن نباشد، مردود است».

۱۱۶- وعن جابر، رضي الله عنه، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم، إذا خطب أحمَرَّت عيناها، وعلا صوتها، واشتد غضبها، حتى كأنه مُنذرٌ جيش يقول: «صَبَحَكُمْ وَمَسَاكُمْ» ويقول: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ» وَيَقْرُنُ بَيْنَ أُصْبُعَيْهِ، السَّبَابَةَ، وَالْوُسْطَى، وَيَقُولُ: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرَ الْهُدْيِ هُدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَالَّةٌ». رواه مسلم.

(اقرأ: ۱۰۶)

۱۱۶. و از جابر رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ در حین خطبه خواندن، چشمانش سرخ می‌شد و صدایش بالا می‌گرفت و خشمش شدید می‌شد، چنان که گویی ترساننده‌ی (دیده‌بان) لشکر است و آنها را از نزدیک شدن لشکر دشمن می‌ترساند و می‌گوید: «مواظب باشید! دشمن صبح بر شما حمله می‌آورد یا بر شما شبیخون می‌زند» و (در چنین حالی) می‌فرمودند: من مبعوث شدم در حالی که فاصله‌ام با قیامت، مثل این دو تاست»، و دو انگشت سبابه و وسطی را در کنار هم، با هم نشان می‌داد و می‌فرمودند: «بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین راه، راه محمد ﷺ است و بدترین کارها، امور تازه وارد (در دین) است و هر بدعتی گمراهی است»^۲.
و از عرباض بن ساریه، حدیثی در این مورد روایت شده است که در باب محافظت بر سنت و آداب آن، گذشت^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۷۹)، م (۱۷۱۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۶۷)].

۳- [حدیث شماره‌ی: ۱۰۶]

باب در مورد کسی که سنت خوب یا بد بگذارد

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

إِمَامًا﴾ (الفرقان / ۷۴)

«(و بندگان خدا) آن کسانی هستند که می گویند: پروردگارا! از همسران ما و نوادگان ما، کسانی را به ما عطا فرما که موجب روشنایی چشمانمان گردند و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (الانبیاء / ۷۳)

«ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که (مردم را) به دین ما هدایت می کردند».

۱۱۷- عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كُنَّا فِي صَدْرِ النَّهَارِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَهُ قَوْمٌ عَرَاةٌ مُجْتَابِي النَّمَارِ أَوْ الْعَبَاءِ، مُتَقَلِّدِي السُّيُوفِ، عَامَّتُهُمْ، بَلَّ كُلُّهُمْ مِنْ مُضَرٍّ، فَتَمَعَّرَ وَجْهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لِمَا رَأَى بِهِمْ مِنَ الْفَاقَةِ، فَدَخَلَ ثُمَّ خَرَجَ، فَأَمَرَ بِإِلَاءٍ فَأَذَّنَ وَأَقَامَ، فَصَلَّى ثُمَّ خَطَبَ، فَقَالَ: ﴿يَتَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ﴿ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾، وَالْآيَةُ الْأُخْرَى الَّتِي فِي آخِرِ الْحَشْرِ: ﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾. تَصَدَّقَ رَجُلٌ مِنْ دِينَارِهِ، مِنْ دِرْهَمِهِ، مِنْ ثَوْبِهِ، مِنْ صَاعِ بُرِّهِ، مِنْ صَاعِ تَمْرِهِ، حَتَّى قَالَ: وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بِصُرَّةٍ كَادَتْ كُفَّهُ تَعَجُّزُ عَنْهَا، بَلَّ قَدْ عَجَزَتْ، ثُمَّ تَتَابَعَ النَّاسُ حَتَّى رَأَيْتُ كَوْمِينَ مِنْ طَعَامِ وَثْيَابٍ، حَتَّى رَأَيْتُ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَتَهَلَّلُ كَأَنَّهُ مُذْهَبَةٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا، وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ، وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ». رواه مسلم.

۱۱۷. از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: یک بار، اول روز بود و ما، در خدمت

پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که گروهی نیمه برهنه که لباس پشمین یا پارچه‌ای راه راهی - که آن را از وسط سوراخ کرده و از سر، پوشیده بودند - به تن و شمشیرهایی آویزان بر گردن داشتند و بیشتر - بلکه

همه‌ی - آنها، از «قبیله‌ی مضر» بودند، به نزد ایشان آمدند؛ چهره‌ی پیامبر ﷺ از دیدن فقر آنها تغییر کرد و به منزل رفت و سپس برگشت و به بلال فرمان داد که اذان (ظهر) و اقامه بگوید. سپس نماز خواند و خطبه‌ای ایراد کردند و این آیه را خواندند:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾

(النساء / ۱)

«ای مردم! از پروردگارتان بترسید، (پروردگاری) که شما را از یک نفس واحد بیافرید و از آن نفس، همسرش را آفرید و از آن دو نفر، مردان و زنان فراوانی (خلق کرد و) منتشر ساخت. و از خدایی تقوا کنید و بترسید که همدیگر را به او سوگند می‌دهید و پرهیزید از این که پیوندهای خویشاوندی را پاره نمایید، (زیرا که) بی‌گمان خداوند مراقب (اعمال و کارهای) شماست».

سپس آیه‌ی دیگر را که در اواخر سوره‌ی حشر است، قرائت کردند:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾ (الحشر / ۱۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر کس باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (قیامت) پیشاپیش فرستاده است».

سپس فرمودند: «هر کس باید از دینار و درهم و لباس و پیمانه‌ی گندم و خرمایش صدقه دهد».

حتی فرمودند: «اگرچه نصف خرمایی باشد»، بعد مردی از انصار، کیسه‌ای آورد که دستش (از

سنگینی آن) توانایی حمل آن را نداشت - بلکه نمی‌توانست حمل کند - سپس مردم به دنبال او

آمدند و دو توده طعام و لباس جمع شد، چنان که صورت پیامبر ﷺ را دیدم که از شادی همچون طلا می‌درخشید و فرمودند: «هر کس در اسلام روشی نیکو بگذارد، پاداش آن و پاداش هر کس که بعد از او به آن سنت عمل کند، برای اوست، بدون این که پاداش انجام دهندگان آن، ناقص و کم گردد و هر کس در اسلام، سنت بدی را معمول سازد و بنیان گذارد، گناه آن و گناه عمل‌کنندگان به آن، بر اوست، بدون این که ذره‌ای از گناهان آنها کم شود».

۱۱۸ - وعن ابن مسعود رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «لَيْسَ مِنْ نَفْسٍ تُقْتَلُ ظُلْمًا إِلَّا كَانَ عَلَى ابْنِ آدَمَ الْأَوَّلِ كِفْلٌ مِنْ دِمِهَا لِأَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ سَنَّ الْقَتْلَ» متفق عليه.

۱۱۸. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ انسانی نیست که به ظلم کشته شود، مگر آن که سهمی از گناه ریختن خون او، بر پسر اول آدم (قابیل) است، زیرا که او، اولین کسی است که قتل را معمول گردانید».

۲۰- باب في الدلالة على خير والدعاء إلى هدى أو ضلالة:

باب دلالت بر خير و دعوت به هدايت يا ضلالت

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾ (القصص / ۸۷)

«(مردم را) به سوی پروردگارت دعوت کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (النحل / ۱۲۵)

«(مردم را) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾ (المائدة / ۲)

«در کارهای نیک و پرهیزگاری، همدیگر را یاری نمایند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَىٰ الْخَيْرِ﴾ (آل عمران / ۱۰۴)

«باید از میان شما گروهی باشد که مردم را به کار نیک دعوت کنند».

۱۱۹- وعن أبي مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ دَعَا إِلَىٰ خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ». رواه مسلم.

۱۱۹. از ابو مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «کسی که مردم را بر (کار) خیری دلالت کند، اجری همانند اجر انجام دهنده‌ی آن (کار) خیر خواهد داشت»^۱.

۱۲۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ دَعَا إِلَىٰ هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئاً، وَمَنْ دَعَا إِلَىٰ ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئاً» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۹۳)] .

۱۲۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که به کار نیکی دعوت کند، برای او اجری همانند اجر پیروانش در آن کار نیک وجود دارد و از اجر آنها نیز چیزی کم نمی‌شود، و کسی که به گمراهی و گناه دعوت کند، گناهِش مثل گناهان پیروانش در آن گناه است و از گناه آنها نیز چیزی کم نمی‌شود»^۱.

۱۲۱- وعن سهل بن سعد الساعدي رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ لِعَلِيِّ: «انْفُذْ عَلَيَّ رَسُولَكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ مِنْ حَقِّ اللَّهِ تَعَالَى فِيهِ، فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ». متفقٌ عليه.

۱۲۱. از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز «خیبر» برای علی فرمودند: «مأموریت خود را آرام به انجام برسان تا وارد میدان آنها می‌شوی، آن‌گاه آنان را به اسلام دعوت کن و آنچه از حق خدا را که بر ایشان واجب است، به آنان اعلام نما (تا آگاه شوند) که به خدا سوگند! اگر خداوند تنها یک نفر را به وسیله‌ی (ارشاد و آرامش و مهربانی) تو هدایت کند، برای تو از شتران سرخ موی بهتر است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۷۴)] .

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۰۱)، م (۲۴۰۶)] .

۲۱- باب في التعاون على البر والتقوى:

باب همکاری در نیکوکاری و پرهیزگاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة / ۲)

«در نیکوکاری و پرهیزگاری، به همدیگر کمک کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالْعَصْرَ ﴿۱﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا

بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾﴾ (العصر / ۱-۳)

«سوگند به زمان که به حقیقت، انسان در زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته می‌کنند و همدیگر را به حق سفارش می‌کنند و به صبر توصیه می‌نمایند.»

قَالَ الْإِمَامُ الشَّافِعِيُّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - كَلَامًا مَعْنَاهُ: «إِنَّ النَّاسَ أَوْ أَكْثَرَهُمْ فِي غَفْلَةٍ عَنِ تَدْبِيرِ هَذِهِ

السُّورَةِ».

«امام شافعی - رحمه الله - در باره‌ی این سوره، سخنی فرموده است که معنای آن چنین است: به

حقیقت تمام مردم یا بیشتر آنها از تدبیر و سعی در پی بردن به عمق این سوره، غافل هستند.

۱۲۲- وعن زيد بن خالد الجهني رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: مَنْ

جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَمَنْ خَلَّفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا». متفق عليه.

۱۲۲. و از زید بن خالد جهنی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس یک

رزمنده‌ی راه خدا را مسلح و آماده‌ی جهاد کند، و هر کس در غیاب یک جهاد کننده و زمانی که

وی در جهاد است، سرپرستی و مواظبت خانواده‌ی او را بر عهده بگیرد و به خانواده‌اش نیکی کند،

(مانند آن است که) خود به جهاد رفته است»^۱.

۱۲۳- وعن ابن عباس - رضي الله عنهما - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِيَ رَكْبًا بِالرُّوحَاءِ

فَقَالَ: «مَنْ الْقَوْمُ؟» قَالُوا: الْمُسْلِمُونَ، فَقَالُوا: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: «رَسُولُ اللَّهِ» فَرَفَعَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ صَبِيًّا

فَقَالَتْ: أَلِهَذَا حَجٌّ؟ قَالَ: «نَعَمْ وَلَكِ أَجْرٌ». رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۸۴۳)، م (۱۸۹۵)].

۱۲۳. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به کاروانی در «روحاء» (جایی نزدیک مدینه) برخورد کرد و پرسید: «این طایفه کیستند؟» گفتند: مسلمانان هستند، آنها (پیامبر صلی الله علیه و آله را شناختند و) گفتند: تو کیستی؟ فرمودند: «فرستاده‌ی خدایم»؛ پس زنی کودکش را به نزدش آورد و پرسید: آیا این کودک حج دارد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بله، و تو اجری خواهی داشت»^۱.

۱۲۴ - عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «الْحَازِنُ الْمُسْلِمُ الْأَمِينُ الَّذِي يُنْفِدُ مَا أُمِرَ بِهِ، فَيُعْطِيهِ كَامِلًا مُؤَفَّرًا طَيِّبَةً بِهِ نَفْسُهُ فَيَدْفَعُهُ إِلَى الَّذِي أُمِرَ لَهُ بِهِ أَحَدُ الْمُتَصَدِّقِينَ». متفق عليه.

۱۲۴. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خزانه‌دار مسلمان امینی که آنچه را به او امر و حواله شده است، انجام و مبلغ حواله شده را کامل و تمام و با رضایت خاطر (نه با اجبار و حسادت)، به شخص معلوم شده تحویل می‌دهد، یکی از صدقه‌دهندگان است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۳۳۶].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۳۸)، م (۱۰۲۳)].

۲۲- باب في النصحية:

باب نصیحت و اندرز و خیر خواهی

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران همدیگرند».

و قال تعالى إخباراً عن نوح عليه السلام:

﴿ وَأَنْصَحُ لَكُمْ ﴾ (الأعراف / ۶۲)

و خداوند تبارک و تعالی از قول نوح علیه السلام می فرماید:

«من شما را پند و اندرز می دهم».

و از قول هود عليه السلام می فرماید:

﴿ وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴾ (الأعراف / ۶۸)

«من برای شما، اندرزگوی امینی هستم».

۱۲۵- عن تميم بن أوس الداري رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الدين النصيحة» قلنا: لمن؟ قال: «لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم» رواه مسلم.

۱۲۵. از تمیم بن اوس داری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «دین، نصیحت و خیرخواهی است»، گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: «برای خدا و کتابش و پیامبرش و پیشوایان مسلمان و عموم آنها برای همدیگر»^۱.

۱۲۶- عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى: إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ. متفق عليه.

۱۲۶. از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و سلم بر اقامه نماز و دادن زکات و نصیحت و خیرخواهی برای هر فرد مسلمان، بیعت کردم^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۵)].

۲- متفق علیه است؛ [بخ (۵۷)، م (۵۶)].

۱۲۷- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ». متفقٌ عليه.

۱۲۷. از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هیچ کدام از شما ایمان کامل ندارد، تا آن گاه که هر چه را برای خود دوست دارد، برای برادر(ان) دینی خود نیز دوست بدارد».

۲۳- باب في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر:

باب در امر به معروف و نهی از منکر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُقْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۴)

«باید از میان شما گروهی باشد که مردم را به سوی خیر راهنمایی کنند؛ امر به نیکی نمایند و از بدی بازدارند، چنین کسانی رستگارند.»

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران / ۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که از میان مردم برانگیخته شده‌اید (زیرا) که به کار نیک امر و از کار بد نهی می‌کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿حُذِرَ الْعَفْوَ وَأُمِرَ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (الأعراف / ۱۹۹)

«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم‌پوشی کن.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

﴾ (الأعراف / ۱۹۹)

«مردان و زنان مؤمن، یک یک دوستان و یاوران همدیگر هستند. یکدیگر را به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد منع می‌نمایند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۷۸﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (المائدة / ۷۸-۷۹)

«کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی فرزند مریم لعنت شدند و این بدان خاطر بود که نافرمانی کردند و از حد می گذشتند * همدیگر را از آن کار زشتی که مرتکبش شدند، باز نمی داشتند، به راستی که عمل آنان بسیار بد بود.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ﴾ (الکهف / ۲۹)

«بگو: حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس که می خواهد، ایمان بیاورد و هر کس که می خواهد، کافر شود.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ (الحجر / ۹۴)

«آنچه را که به تو امر شده است (دعوت به حق)، آشکار کن.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوْءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (الاعراف / ۱۶۵)

«ما کسانی را که از بدی نهی می کردند، نجات دادیم و کسانی را که ستم می کردند، به خاطر استمرار فسق و معاصی آنها، به عذاب سختی گرفتار کردیم.»

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۱۲۸- عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» رواه مسلم.

۱۲۸. از ابوسعید خدری رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می فرمودند: «اگر کسی از شما کار زشتی را دید، باید با دست خود آنرا تغییر دهد و اگر نتوانست، با موعظه و

نصیحت در رفع آن اقدام کند و اگر بر این کار نیز توانا نبود، در دل خود آن عمل ناروا را مکروه و زشت بشمارد (و از عامل آن دوری گزیند) و این (مخالفت تنها در دل و عدم دفع عمل منکر با دست یا زبان) نشانه ضعیف‌ترین ایمان است^۱.

۱۲۹- عن ابن مسعود رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «ما من نبي بعثه الله في أمة قبلي إلا كان له من أمته حواريون وأصحاب يأخذون بسنته ويقتدون بأمره، ثم إنها تخلف من بعدهم خلوف يقولون ما لا يفعلون، ويفعلون ما لا يؤمرون، فمن جاهدكم بيده فهو مؤمن، ومن جاهدكم بقلبه فهو مؤمن، ومن جاهدكم بلسانه فهو مؤمن، وليس وراء ذلك من الإيمان حبة خردل» رواه مسلم.

۱۲۹. از ابن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر پیامبری که خداوند قبل از من برای امتی مبعوث کرده است، در بین امتش، دوستان و یارانی نزدیک و مخلص داشته است که سنت و رفتار او را در پیش می‌گرفتند و به اوامر و سنت‌های او اقتدا می‌کردند، و سپس کسانی بعد از آنان جانشینان می‌شدند که به گفته‌ی خود عمل نمی‌کردند و کاری می‌کردند که به آن امر نشده بودند، (چنین کسانی در امت من هم خواهند بود) هر کس با دست (عملی) با آنها جهاد و مبارزه کند، مؤمن و هر کس با زبانش (قولی) با آنها مبارزه کند، مؤمن و هر کس در دل خود (قلبی) با آنها مخالفت کند، مؤمن است و بعد از مخالفت سوم (قلبی) حتی به اندازه‌ی دانه خردلی (ذره‌ای) ایمان وجود ندارد»^۲.

۱۳۰- عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه قال: «بأيعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم على السمع والطاعة في العسر واليسر والمنشط والمكره، وعلى أثرة علينا، وعلى أن لا ننازع الأمر أهله إلا أن تروا كفراً بواحاً عندكم من الله تعالى فيه برهان، وعلى أن نقول بالحق أينما كنا لا نخاف في الله لومة لائم» متفق عليه.

۱۳۰. از عباده بن صامت رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: ما، بر شنیدن و اطاعت کردن در سختی و راحتی و شادی و ناگواری و هنگام ترجیح داده شدن دیگران بر ما در امر مشترک و نیز بر عدم نزاع و جنگ با امیران وقت - مگر آن که کفری آشکار از آنان مشاهده کنیم و دلیلی دینی و روشن

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۹)].

بر آن داشته باشیم - و بر این که در هر جا باشیم، حق بگوییم و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نترسیم، با پیامبر ﷺ بیعت کردیم و پیمان بستیم».

۱۳۱- عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّهُ يُسْتَعْمَلُ عَلَيْكُمْ أُمَرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُكْرَمُونَ فَمِنْ كَرِهٍ فَقَدْ بَرِيءٌ وَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ» قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ» رواه مسلم.

مَعْنَاهُ: مَنْ كَرِهَ بِقَلْبِهِ وَلَمْ يَسْتَطِعْ انْكَارًا بِيَدٍ وَلَا لِسَانٍ فَقَدْ بَرِيءٌ مِنَ الْإِثْمِ وَأَدَّى وَظِيفَتَهُ، وَمَنْ أَنْكَرَ بِحَسَبِ طَاقَتِهِ فَقَدْ سَلِمَ مِنْ هَذِهِ الْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ وَتَابَعَهُمْ، فَهُوَ الْعَاصِي.

۱۳۱. از ام‌المؤمنین ام‌سلمه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «همانا امرایی بر شما حاکم خواهند شد که بعضی از کارهای آنها را نیک و موافق شرع و برخی را مخالف آن می‌بینید، و هر کس که آن را (در دل) ناپسند دانست (ولی توانایی عملی یا قولی برای مبارزه نداشت، تنها با همین ناپسند دانستن، وظیفه‌اش را ادا کرده و) از گناه بری می‌شود، و هر کس با آن مخالفت و به قدر توانایی خود مبارزه کند، (از گناه تأیید ظلم و منکر) سالم می‌ماند، ولی کسی که به عمل آنان راضی باشد و از آنها پیروی کند، (عاصی و نافرمان و گناهکار است)». گفتند: «ای رسول خدا، آیا با آنها نجنگیم؟ فرمودند: «تا هنگامی که در میان شما نماز را اقامه کنند، نه»^۱.

معنایش این است که هر کس کار آنها را با قلبش بد بداند و توانایی انکار آن را با دست و زبان نداشته باشد از گناه دوری جسته و وظیفه‌ی خود را انجام داده است و هر کس بر حسب توان خود آنان را انکار کند نیز از این گناه خود را سالم نگه داشته است اما هر کس که به کار آنها راضی شده و از آنان پیروی کند گناهکار است.

۱۳۲- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الطَّرِيقَاتِ» فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا لَنَا مِنْ جَالِسِنَا بُدٌّ، نَتَحَدَّثُ فِيهَا! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ» قالوا: وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «غَضُّ الْبَصَرِ، وَكَفُّ الْأَدَى، وَرُدُّ السَّلَامِ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ». متفقٌ عليه.

۱۳۲. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «از نشستن در سر راه‌ها بپرهیزید»، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! از نشستن در مجالس چاره‌ای نداریم، زیرا که در آنجا صحبت می‌کنیم! پیامبر ﷺ فرمودند: «پس اگر چاره‌ای جز با هم نشستن در آنجاها ندارید،

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۵۴)].

حق راه را رعایت نمایید»، گفتند: ای رسول خدا! حق راه چیست؟ فرمودند: «پوشیدن چشم از نظر حرام، خودداری از اذیت و آزار دیگران، جواب سلام، امر به معروف و نهی از منکر»^۱.

۱۳۳- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ أَنَّ عَائِدَ بْنَ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلَ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ فَقَالَ: أَيُّ بُنْيٍّ، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ شَرَّ الرَّعَاءِ الْحُطْمَةُ» فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ. فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ فَإِنَّمَا أَنْتَ مِنْ نُخَالَةَ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: وَهَلْ كَانَتْ لَهُمْ نُخَالَةٌ، إِنَّمَا كَانَتْ النُّخَالَةُ بَعْدَهُمْ وَفِي غَيْرِهِمْ! رواه مسلم.

۱۳۳. از ابو سعید، حسن بصری روایت شده است که فرمود: عائد بن عمرو رضی الله عنه نزد عبیدالله بن زیاد رفت و فرمود: ای فرزندم! از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «همانا بدترین چوپان‌ها، آنهایی هستند که به حیوان‌های تحت مراقبت خود، ظلم می کنند». مواظب باش که از آنان نباشی! ابن زیاد به او گفت: بنشین! تو از فرومایگان و افراد دست پایین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله هستی! عائد گفت: مگر در اصحاب محمد صلی الله علیه و آله افراد فرومایه و پست وجود داشت؟ (خیر)، فرومایگان و پستان بعد از ایشان و در میان غیر ایشان بودند^۲.

۱۳۴- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدْلٌ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۱۳۴. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بزرگترین و برترین جهاد، سخن حقی است که نزد پادشاهی ستمکار گفته شود»^۳.

۱۳۵- عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ تَقْرءُونَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ﴾ [المائدة: ۱۰۵] وَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ». رواه أبو داود، والترمذي والنسائي بأسانيد صحيحة.

۱۳۵. از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: ای مردم! شما این آیه را می خوانید:

۱- متفق علیه است؛ [خ(۲۴۶۵)، م(۲۱۲۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۳۰)].

۳- ابوداود [(۴۳۴۴)] و ترمذی [(۲۱۷۵)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ﴾. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند.»

(و گمان می‌کنید که نیازی به امر به معروف و نهی از منکر نیست) در حالی که من از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «مردم، اگر ظالمی را دیدند و دست او را نگرفتند و مانع ظلم او نشدند، انتظار می‌رود که خداوند، همه‌ی آنها را به عقاب خود گرفتار کند.»

۲۴ - باب تغلیظ عقوبه من أمر بمعروف أو نهي عن منکر وخالف قوله فعله:

باب سختی مجازات کسی که امر به معروف و نهي از منکر کند، ولی گفتارش مخالف رفتارش باشد

قال الله تعالى:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (البقره / ۴۴)

«آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خود را فراموش می‌نمایید؛ در صورتی که کتاب (آسمانی را هم) می‌خوانید؟ چرا (درست) نمی‌اندیشید؟».

وقال تعالى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ﴾ (الصف / ۲-۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سختی را می‌گویید که خود به آن عمل نمی‌کنید؟ اگر سختی را بگویید و خود به آن عمل نکنید، موجب خشم عظیم خداوند می‌گردد.».

وقال تعالى إخباراً عن شعيب الطيبي:

﴿وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَيْتُمْ عَنْهُ﴾ (هود / ۲۸۸)

و خداوند متعال از قول «حضرت شعيب ÷ می‌فرماید: «من نمی‌خواهم شما را از چیزی باز دارم و خودم آن را انجام دهم.».

۱۳۶ - وعن أسامة بن زيد - رضي الله عنهما - قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يُؤْتَى بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ، فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُ بَطْنِهِ، فَيَدُورُ بِهَا كَمَا يَدُورُ الْحِمَارُ فِي الرَّحَا، فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَهْلُ النَّارِ فَيَقُولُونَ: يَا فُلَانُ، مَا لَكَ؟ أَلَمْ تَكُنْ تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَيَقُولُ: بَلَى، كُنْتُ أَمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ، وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتَيْتُهُ» متفق عليه.

۱۳۶. از اسامه بن زيد بن حارثه رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «روز قیامت مردی احضار شده و در آتش انداخته می‌شود آن‌گاه روده‌های او از شکمش بیرون می‌ریزد و او به دور آن می‌چرخد مانند خری که به دور آسیاب می‌گردد، اهل دوزخ بر او جمع می‌شوند و می‌گویند: ای فلانی! این چه حالی است که تو داری؟ (چه گناهی انجام

داده‌ای؟! مگر تو امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کردی؟ جواب می‌دهد: بله، من امر به معروف می‌کردم ولی خود انجام نمی‌دادم و نهی از منکر می‌نمودم اما خود آن را انجام می‌دادم»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ(۳۲۶۷)، م(۲۹۸۹)].

۲۵- باب الأمر بأداء الأمانة:

باب امر به ادای امانت

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (النساء / ۵۸)

«خداوند امر می کند که امانت‌ها را به صاحبان آنها برگردانید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ تَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (الأحزاب / ۷۲)

«ما (بار سنگین) امانت (اختیار و اراده و عبادت) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها، عرضه کردیم، آنها از پذیرش و برداشتن آن خودداری کردند ولی انسان، آن را پذیرفت، زیرا که او بسیار ظالم (به نفس خود) و (نسبت به آن بار) بسیار نادان بود.»

۱۳۷- عن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ». متفق عليه.

وفي رواية: «وإن صام وصلى وزعم أنه مسلم».

۱۳۷. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «نشانه‌ی منافق (و نفاق) سه چیز است: ۱- هنگامی که صحبت کند، دروغ می‌گوید؛ ۲- هنگامی که وعده‌ای دهد، به آن وفا نمی‌کند؛ ۳- هنگامی که چیزی را به عنوان امانت به او بسپارند، در آن خیانت می‌کند»^۱.
در روایتی دیگر (حدیث این را هم اضافه دارد): «هر کس این سه صفت را داشته باشد، منافق است»، هر چند که روزه بگیرد و نماز بخواند یا گمان کند که مسلمان است.»

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۳)، م (۵۹)].

۲۶- باب تحریم الظلم والأمر برد المظالم:

باب تحریم ظلم و امر به رد مظالم و ستم‌هایی که روا داشته شده است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴾ (غافر / ۱۸)

«ظالمان، دوست و خویشاوند و یاری‌دهنده و حامی یا شفاعت‌کننده‌ای که شفاعت او مورد قبول واقع شود، ندارند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴾ (حج / ۷۱)

«و برای ظالمان یاری‌دهنده ای نیست»

۱۳۸- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحْلَوْا مَحَارِمَهُمْ». رواه مسلم.

۱۳۸. و از جابر رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: از ظلم پرهیزید؛ زیرا که ظلم در روز قیامت، تاریکی است و از بخل و آز دوری کنید؛ زیرا بخل، امت‌های پیش از شما را هلاک کرد و آنها را واداشت که خون یکدیگر را بریزند و حرام‌ها را حلال کنند^۱.

۱۳۹- عن عائشة رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ ظَلَمَ قَيْدَ شِبْرٍ مِنَ الْأَرْضِ طَوْفَهُ مِنْ سَبْعِ أَرْضِينَ». متفقٌ عليه.

۱۳۹. از حضرت عایشه رضي الله عنها روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کس در زمینی به اندازه‌ی یک و جب ظلم کند، همان ظلم در هفت طبقه‌ی زمین، طوق گردن او می‌شود»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۷۸].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۵۲)، م (۱۶۱۲)].

۱۴۰- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لِيُمْلِي لِلظَّالِمِ إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾».

۱۴۰. و از ابو موسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند به ظالم مهلت می‌دهد، اما وقتی که او را گرفت، وی را رها نمی‌کند»، سپس این آیه را قرائت فرمودند:
(وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ) (هود / ۱۰۲)
«عذاب پروردگار تو چنین است؛ هر گاه که شهرها و آبادی‌ها را (در حالی که ستمکارند) به عذاب خود بگیرد؛ به‌راستی که عذاب خداوند بسیار دردناک و سخت است».

۱۴۱- وعن معاذ رضي الله عنه قال: بعثني رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَأَدْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدَلِّكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدَلِّكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ فَتُرَدُّ عَلَىٰ فُقَرَائِهِمْ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدَلِّكَ، فَإِيَّاكَ وَكِرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ. وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ». متفق عليه.

۱۴۱. و از معاذ رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به مأموریتی فرستادند و فرمودند: تو به سوی قومی از اهل کتاب می‌روی، پس آنان را دعوت کن به این که شهادت بدهند که خدایی جز الله نیست و من پیامبر او هستم؛ اگر این دعوت را اطاعت کردند، به آنان اعلام کن که خداوند هر شبانه‌روز پنج بار نماز را بر آنان فرض کرده است؛ اگر اطاعت نمودند، آن‌گاه به آنها خبر بده که خداوند زکات را بر آنان واجب گردانیده است که از ثروتمندانشان گرفته و به فقرای آنان داده شود؛ اگر به این واجب نیز گردن نهاده‌اند، از تصرف در اموال قیمتی آنها پرهیز و از دعای مظلوم حذر کن، زیرا بین خدا و دعای مظلوم، حجابی نیست»^۱.

۱۴۲- وعن عبد الرحمن بن سعد الساعدي رضي الله عنه قال: استعمل النبي صلى الله عليه وسلم رجلاً من الأزد يقال له: ابن اللثبية على الصدقة، فلما قدم قال: هَذَا لَكُمْ، وَهَذَا أُهْدِي إِلَيَّ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمَنِيرِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۶۸۶)، م (۲۵۸۳)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۹۵)، م (۱۹)].

أَسْتَعْمِلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ مِمَّا وَلَا يَبِي اللَّهَ، فَيَأْتِي فَيَقُولُ: هَذَا لَكُمْ، وَهَذَا هَدِيَّةٌ أُهْدِيَتْ إِلَيَّ، أَفَلَا جَلَسَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ أَوْ أُمِّهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ إِنْ كَانَ صَادِقًا، وَاللَّهِ لَا يَأْخُذُ أَحَدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا بِغَيْرِ حَقِّهِ إِلَّا لِقَيِّ اللَّهِ تَعَالَى، يَحْمِلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا أَعْرِفَنَّ أَحَدًا مِنْكُمْ لِقَيِّ اللَّهِ يَحْمِلُ بَعِيرًا لَهُ رِغَاءٌ، أَوْ بَقْرَةً لَهَا خُورًا، أَوْ شَاةً تَيْعُرُ» ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى رُؤِيَ بَيَاضُ إِبْطِيهِ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ» ثلاثاً، متفق عليه.

۱۴۲. و از عبدالرحمن بن سعد ساعدی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم یک نفر از طایفه‌ی «آزد» به نام «ابن التَّبِيَّة» را مأمور گرفتن و جمع آوری زکات نمود؛ وقتی که برگشت، به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم گفت: این مال شماست و این هم هدیه‌ای است که به من داده شده است؛ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم بالای منبر رفت و سپاس و ستایش خدا را به جای آورد و فرمودند: «بعد از سپاس و ستایش خدا، من مردی از شما را بر کاری که خداوند به من سپرده است می‌گمارم، و او (می‌رود و وقتی که) برمی‌گردد، می‌گوید: این برای شما و این نیز هدیه‌ای است که به من داده شده است؛ اگر راست می‌گویند، چرا در خانه‌ی پدر یا مادرش نمی‌نشست تا هدیه‌اش به او برسد؟ به‌خدا سوگند، هر کسی از شما، به جز حفش، چیزی بگیرد، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که آن چیز را بر دوشش حمل می‌کند و من قطعاً نباید هیچ‌یک از شما را ببینم که در حالی خدا را ملاقات کرده که شتری را که شیهه می‌کشد یا گاوی را که بانگ برمی‌آورد یا گوسفندی را که فریاد می‌زند (از مال دیگران برعهده داشته و ادا نکرده)، بر دوشش حمل کند». سپس دست‌هایش را تا اندازه‌ای که سفیدی زیر بغلش دیده شد، بلند کرد و سه بار فرمودند: «خداوندا! آیا رساندم، آیا تبلیغ کردم؟»^۱.

۱۴۳. وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ، مِنْ عَرَضِهِ أَوْ مِنْ شَيْءٍ، فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ، إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَحَدٌ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَحَدٌ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحَمِلَ عَلَيْهِ». رواه البخاري.

۱۴۳. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: «هر کس حقی از برادرش بر او هست و نسبت به آبروی او یا در موردی دیگر، بر او ستمی روا داشته است، همین امروز و پیش از آن که (روزی بیاید که) دینار و درهمی وجود ندارد، از او حلالیت بخواهد و ذمه‌ی خود را از آن بری کند؛ زیرا (در قیامت برای جبران ظلمی که کرده است) اگر عمل صالح داشته باشد، به اندازه‌ی

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۹۷)، م (۱۸۳۲)].

ظلمی که نموده است، از آن گرفته و به اعمال صالح افراد مظلوم اضافه می‌شود، و اگر عمل صالح و حسناتی نداشته باشد، از گناهان شخص مظلوم کم و به گناه ظالم افزوده می‌گردد»^۱.

۱۴۴- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «المُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ» متفق عليه.

۱۴۴. و از عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله عنهما) روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر، از زبان و دست او سالم و در امان باشند و مهاجر کسی است که از هر چه خدا نهی کرده است، هجرت و دوری نماید»^۲.

۱۴۵- وعنه رضي الله عنه قال: كَانَ عَلَى تَقَلِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: كِرْكِرَةٌ، فَمَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هُوَ فِي النَّارِ» فَذَهَبُوا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ فَوَجَدُوا عَبَاءَةً قَدْ غَلَّهَا. رواه البخاري.

۱۴۵. و از عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله عنهما) روایت شده است که فرمود: حمال کوله‌بار پیامبر ﷺ مردی بود که او را «کرکره» می‌نامیدند؛ آن مرد فوت کرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «او در آتش (عذاب) است؛ مردم رفتند و او را جستجو کردند، دیدند که عبایی را دزدیده است»^۳.

۱۴۶- وعن أبي بكر رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: [يوم النحر في مكة]: «فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، وَسَتَلْقَوْنَ رَبَّكُمْ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ، أَلَا فَلَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، أَلَا لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، فَلَعَلَّ بَعْضٌ مَنْ يَبْلُغُهُ أَنْ يَكُونَ أَوْعَى لَهُ مِنْ بَعْضٍ مَنْ سَمِعَهُ» ثُمَّ قَالَ: «أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟» قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ» متفق عليه.

۱۴۶. از ابی بکره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ [روز عید قربان در مکه] فرمودند: «پس بدانید که خون‌ها و مال‌ها و آبرو و ناموس‌های شما (مسلمانان) بر شما (سایر مسلمانان) حرام است، مانند حرمت امروز و این شهر و این ماه‌تان؛ و شما به‌زودی خدا را ملاقات خواهید کرد و او از اعمال شما سؤال می‌کند، مراقب باشید که بعد از من کافرانی نشوید (عملتان مانند کافران نشود) که بعضی از شما گردن بعضی دیگر را بزنند! آگاه باشید! باید حاضران این اخبار و دستورات را به

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۴۴۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ(۱۰)، م(۴۰)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۰۷۴)].

اشخاص غایب برسانند که شاید بعضی از آنهایی که این سخنان به آنها می‌رسد، از کسانی که آن را شنیده‌اند، بهتر این فرموده‌ها را به‌خاطر بسپارند» سپس فرمودند: «آیا تبلیغ کردم؟ آیا تبلیغ کردم؟» گفتیم: بله، فرمودند: «خدا یا! شاهد باش!»^۱.

۱۴۷- وعن عدي بن عميرة رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله يقولُ: «من استعملناه منكم على عملٍ، فكتمنا مخيطاً فما فوقه، كان غلواً يأتي به يومَ القيامةِ» فقالَ إليه رجلٌ أسودٌ من الأنصارِ، كأنِّي أنظرُ إليه، فقالَ: يا رسولَ الله! إقبل عني عمَلَك، قال: «ومالك؟» قال: سمعتُك تقول كذاً وكذا، قال: «وأنا أقولُه الآن: من استعملناه على عملٍ فليجيء بقليله وكثيره، فما أوتي منه أخذ وما نهى عنه انتهى». رواه مسلم.

۱۴۷. از عدی بن عمیره رضی الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «اگر ما کسی را بر کاری (مانند جمع‌آوری زکات و غیر آن) بگماریم و او به اندازه‌ی یک سوزن یا بیشتر از آن را از ما بپوشاند، خیانت به‌شمار آمده و روز قیامت آن را همراه خود می‌آورد»، مرد سیاهی از انصار برخاست - که گویی او را می‌بینم - و گفت: ای رسول خدا! کاری که به من سپرده‌ای، از من بگیر! فرمودند: «تو را چه شده است؟!» گفت: از شما شنیدم که چنین و چنان فرمودی! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همین حالا هم آن را می‌گویم: هر کس که ما او را بر کاری می‌گماریم، باید کم یا زیاد آن را به اطلاع ما برساند و بیاورد و آن‌گاه هر چه از آن به او داده شد، بردارد و از هر چه نهی شد، دست بردارد»^۲.

۱۴۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، أن رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَتَدْرُونَ مِنَ الْمُفْلِسِ؟» قَالُوا: الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ. فَقَالَ: «إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي وَقَدْ شَتَمَ هَذَا، وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَا عَلَيْهِ، أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ». رواه مسلم.

۱۴۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا می‌دانید مفلس کیست؟» اصحاب (رضی الله عنهم) گفتند: مفلس در اصطلاح ما کسی است که پول نقد و مال دنیا ندارد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مفلس در امت من، کسی است که در روز قیامت، نماز و روزه و زکات با خود

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۱۹۷)، م (۱۶۷۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۳۳)].

می‌آورد ولی در کارنامه‌اش این را هم دارد که به این یکی، دشنام داده و به آن یکی، تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون آن دیگری را ریخته و دیگری را کتک زده است، پس حسنات او به جای بدی‌هایی که در حق دیگران کرده، به آنها داده می‌شود و اگر پیش از تسویه شدن حقوق دیگران، حسنات او تمام شد، از خطای کسانی که به آنها ظلم کرده است به خطاهای او اضافه می‌گردد و سپس در آتش افکنده می‌شود.^۱

۱۴۹- وعن خَوْلَةَ بِنْتِ عَامِرِ الْأَنْصَارِيِّ، وَهِيَ امْرَأَةٌ حَمْرَةٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعِنهَا، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ رَجُلًا يَتَخَوَّضُونَ فِي مَالِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقِّ فَلَهُمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه البخاري.

۱۴۹. از خوله بنت عامر انصاری (رضی الله عنها) که زن حضرت حمزه رضی الله عنه بود روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «کسانی که در مال خدا (اموال مسلمین و حقوق مردم) به ناحق تصرف می‌کنند، روز قیامت، برای آنان آتش (عذاب) خواهد بود».^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۸۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۱۱۸)].

۲۷- باب تعظیم حرمت‌المسلمین و بیان حقوقهم و الشفقة علیهم ورحمتهم:

باب احترام به حریم مسلمانان و بیان حقوق آنها و رحم و مهربانی نسبت به آنان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ (الحج / ۳۰)

«و هر کس اوامر و نواهی خداوند را (در مراسم و امور مربوط به حج و جاهای دیگر) بزرگ و محترم دارد، نزد خدا چنین کاری برای او بهتر است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج / ۳۲)

«هر کس شعائر و برنامه‌های الهی را بزرگ و محترم دارد، یقیناً (بزرگداشت) آنها از پرهیزگاری دل‌هاست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (حجر / ۸۸)

«برای مؤمنان بال (تواضع و مهربانی) خود را بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا

فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (المائدة / ۳۲)

«هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین، بکشد، مانند این است که همه‌ی انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، مانند این است که همه‌ی مردم را زنده کرده است.»

۱۵۰- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً» وشبك بين أصابعه. متفق عليه.

۱۵۰. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن نسبت به مؤمن دیگر مثل یک بنا و ساختمان است که هر قسمت از اجزاء آن موجب استحکام قسمت‌های دیگر است» این را فرمود و انگشتان دو دست خود را (برای نشان دادن این معنی) در بین همدیگر فرو کرد^۱.

۱۵۱- وعنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَرَّ فِي شَيْءٍ مِنْ مَسَاجِدِنَا، أَوْ أَسْوَاقِنَا، وَمَعَهُ نَبَلٌ فَلْيُمْسِكْ، أَوْ لِيَقْبِضْ عَلَيَّ نِصَالَهَا بِكَفِّهِ أَنْ يُصِيبَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِنْهَا بِشَيْءٍ» متفق عليه.

۱۵۱. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس که در مساجد یا بازارهای ما عبور کند و همراه او تیرهایی باشد (یا چیزی مانند آن که سبب آزار مردم می‌شود)، باید نوک آن را با کف دستش بگیرد که مبادا به یکی از مسلمانان برخورد کند و به او آسیبی برساند»^۲.

۱۵۲- وعن النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ، مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» متفق عليه.

۱۵۲. از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال مؤمنان در دوستی و مهربانی و دلسوزی و رحم و توجه کردن به همدیگر، مثل بدن است که هر گاه عضوی از آن، از درد بنالد، سایر اعضا در بیداری و تب و حرارت، با او همدرد می‌شوند»^۳.

۱۵۳- وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ» متفق عليه.

۱۵۳. از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که نسبت به مردم رحم نکند و مهر و شفقت نرزد، خداوند به او رحم نمی‌کند»^۴.

۱۵۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ فليُخَفِّفْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَالْكَبِيرَ. وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيَطْوِلْ مَا شَاءَ» متفق عليه. وفي رواية: «وَذَا الْحَاجَةِ».

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۲۶)، م (۲۵۸۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۴۵۲)، م (۱۶۱۵)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۱۱)، م (۲۵۸۶)].

۴- متفق عليه است؛ [خ (۷۳۷۶)، م (۲۳۱۹)].

۱۵۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هنگامی که یکی از شما برای مردم، نماز جماعت خواند (امام شد)، نماز را سبک و کوتاه بخواند، زیرا در میان جماعت، اشخاص ضعیف و بیمار و پیر و مسن وجود دارد، و هر گاه کسی منفرد و برای خود نماز خواند، هر اندازه که می خواهد، طول بدهد»^۱.

در روایتی دیگر بعد کلمه‌ی صاحب حاجت، «کسی که کاری دارد» نیز ذکر شده است.

۱۵۵- وعن أبي قتادة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إني لأقوم إلى الصلاة، وأريد أن أطول فيها، فأسمع بكاء الصبي، فأتجوّز في صلاتي كراهية أن أشق على أمه» رواه البخاري.

۱۵۵. و از ابوقتاده رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من نماز (جماعت) را شروع می کنم و می خواهم آن را طول دهم که ناگهان گریه‌ی کودکی را می شنوم و نماز را سبک و کوتاه می کنم، مبادا که بر مادرش زحمت و سختی تحمیل کنم»^۲.

۱۵۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «المسلم أخو المسلم، لا يظلمه، ولا يُسلمه، من كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته، ومن فرّج عن مسلم كربةً فرّج الله عنه بها كربةً من كرب يوم القيامة، ومن ستر مسلماً ستره الله يوم القيامة». متفق عليه.

۱۵۶. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است، بر او ظلم نمی کند و او را تسلیم (ظالم و دشمن) نمی کند. کسی که به برآوردن نیاز برادر مسلمانش مشغول باشد، خداوند نیازهای او را برآورده می سازد، و هر کس یک مشکل و سختی برادر مسلمانش را حل کند، خداوند به سبب آن، مشکلی از مشکلات قیامت او را رفع می کند و کسی که (عیب) مسلمانی را بپوشاند، خداوند در قیامت (گناهان و عیوب) او را می پوشاند»^۳.

۱۵۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تحاسدوا ولا تناجسوا ولا تباغضوا ولا تدابروا ولا يبع بعضكم على بيع بعض، وكونوا عباد الله إخواناً. المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يحقره ولا يخذله. الثقوى هاهنا - ويُسبِرُ إلى صدره ثلاث مرّات -

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۰۳)، م (۴۶۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۰۷)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۲۴۴۲)، م (۲۵۸۰)].

بِحَسْبِ امْرِيٍّ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرْضُهُ». رواه مسلم.

۱۵۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به یکدیگر حسد نورزید؛ در معامله‌ی یکدیگر نجش نکنید (نجش، یعنی اظهار خرید یک جنس به قیمت بالاتر بدون خرید آن برای فریب دادن مشتری و تحریک او به خرید آن جنس)، نسبت به هم کینه نداشته باشید، به همدیگر پشت و با یکدیگر قطع رابطه نکنید و بر معامله‌ی دیگران معامله ننمایید (با پرداخت مبلغی بیشتر یا قول فروش ارزان‌تر، مانع معامله‌ی دیگری شود و خود، معامله را انجام دهد). بندگان خدا و برادران همدیگر باشید؛ مسلمان برادر مسلمان است. به او ستم نمی‌کند و یاری او را ترک نمی‌کند؛ تقوا اینجاست - با دست سه بار به سینه‌ی (قلب) خود اشاره فرمود - برای شخص مسلمان، همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند. تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونش، مالش و ناموسش»^۱.

۱۵۸- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «انصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجُزُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ». رواه البخاري.

۱۵۸. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برادر دینی (دینی یا سببی) خود را یاری کنید، ظالم باشد یا مظلوم!» مردی از حاضرین گفت: ای رسول خدا! وقتی مظلوم باشد، او را کمک می‌کنم، اما اگر ظالم باشد، چگونه کمکش کنم؟! فرمودند: «او را از ظلم منع کن، که یاری ظالمان این است»^۲.

۱۵۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ». متفق عليه.

وفي روايةٍ لمسلمٍ: «حَقُّ الْمُسْلِمِ سِتٌّ: إِذَا لَقِيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ، وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَأَنْصَحْ لَهُ، وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدِ اللَّهَ فَشَمِّتْهُ. وَإِذَا مَرَضَ فَعُدَّهُ، وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۴].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۲۴۴۳].

۱۵۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: (۱) جواب سلام؛ (۲) عیادت مریض؛ (۳) تشییع جنازه؛ (۴) قبول دعوت او؛ (۵) دعای خیر در هنگام عطسه کردن»!

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «حق مسلمان بر مسلمان، شش چیز است: (۱) وقتی او را ملاقات کردی، سلام کن؛ (۲) وقتی از تو دعوت کرد، دعوت او را قبول کن؛ (۳) هر گاه از تو نصیحت خواست، او را نصیحت کن؛ (۴) هر گاه پس از عطسه کردن، «الحمد لله» گفت، (با گفتن: یرحمک الله) برای او دعای خیر کن؛ (۵) وقتی بیمار شد به عیادتش برو؛ (۶) وقتی فوت کرد، جنازه‌ی او را تشییع کن».

(به حدیث شماره ۱۲۷ مراجعه کنید).

۲۸- باب ستر عورات المسلمین والنهی عن إشاعتها لغير ضرورة:

باب پوشاندن عیوب مسلمانان و نهی از اشاعه‌ی آن بدون ضرورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ﴾ (النور / ۱۹)

«همانا کسانی که دوست دارند کارهای بد در میان مؤمنان اشاعه یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود.»

۱۶۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه مسلم.

۱۶۰. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر بنده‌ای، (عیوب) بنده‌ای دیگر را در دنیا بپوشاند، خداوند عیوب او را در قیامت می‌پوشاند»^۱.

۱۶۱- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحُ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: يَا فَلَانُ، عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ». متفق عليه.

۱۶۱. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «تمام امت من مورد عفو خداوند قرار می‌گیرند مگر مجاهرت‌کنندگان؛ و مجاهرت (آشکار و اعلان کردن گناهان)، این است که شخصی در شب، عملی مرتکب شود و چون صبح می‌شود، در حالی که خداوند عمل او را پوشانده است، خود او می‌گوید: ای فلانی! دیشب من چنین و چنان کردم؛ و در حالی شب را سپری می‌کند که خداوند عمل او را پنهان نموده است و او صبح می‌کند و پرده‌ی ستر خداوند را از روی خود برمی‌دارد (و عملی را که خدوند پنهان نموده است، آشکار می‌نماید)»^۲.

۱۶۲- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا زَنَتِ الْأُمَةُ فَتَبَيَّنَ زَنَاهَا فَلْيَجْلِدْهَا الْحَدَّ، وَلَا يُثْرَبْ عَلَيْهَا، ثُمَّ إِنْ زَنَتِ الثَّانِيَةَ فَلْيَجْلِدْهَا الْحَدَّ وَلَا يُثْرَبْ عَلَيْهَا، ثُمَّ إِنْ زَنَتِ الثَّلَاثَةَ فَلْيَجْلِدْهَا وَلَا يُحْبَلْ مِنْ شَعْرٍ» متفق عليه. «التَّثْرِبُ»: التَّوْبِيخُ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ خ (۲۵۹۰).

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۰].

۱۶۲. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کنیزی زنا کرد و زنایش آشکار شد، صاحبش حد را بر او اجرا کند و او را توبیخ نکند؛ و اگر برای بار دوم زنا کرد، باز او را حد بزند، ولی او را توبیخ ننماید، و اگر برای بار سوم زنا کرد، او را بفروشد، اگرچه به ریسمانی از مو باشد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۵۵)، م (۱۷۰۳)].

۲۹- باب في قضاء حوائج المسلمين:

باب دربر آوردن نیازهای مسلمانان

قال الله تعالى:

﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الحج / ۷۷)

«و عمل خیر انجام دهید، شاید که رستگار شوید».

۱۶۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَحِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ. وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ». رواه مسلم.

۱۶۳. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کس تنگی و غمی از تنگی‌ها و غم‌های دنیا را از مؤمنی برطرف کند، خداوند تنگی و غمی از تنگی‌ها و غم‌های قیامت را از او برطرف می‌کند و هر کس با بدهکار تنگدستی، آسان‌گیری کند، خداوند در دنیا و آخرت با او آسان‌گیری می‌کند و کسی که (عیب) مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت (عیوب و گناهان) او را می‌پوشاند؛ خداوند یار بنده است تا وقتی که بنده یار برادر خود باشد. و هر کس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، خداوند با آن، راهی به سوی بهشت برای او هموار می‌نماید؛ و هر گاه عده‌ای در یکی از خانه‌های خدا (مساجد) جمع شدند که کتاب خدا را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد می‌شود و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و ملائکه به دور آنها حلقه می‌زنند و خداوند آنها را در نزد کسانی که نزد اویند یاد می‌کند؛ و کسی که عمل خیرش نتواند به او کمک کند، (عملی نداشته باشد)، یا عملش خالصانه و مقبول نباشد، نسب او هیچ فایده‌ای برای او ندارد و به دادش نمی‌رسد»^۱.

(به حدیث شماره ۱۵۶ مراجعه کنید).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۹۹].

۳۰- باب الشفاعة:

باب شفاعت و میانجیگری

قال الله تعالى:

﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفَعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا﴾ (النساء / ۸۵)

«هر کس که شفاعت زیبا و پسندیده‌ای بکند (موافق شرع باشد)، نصیبی از آن خواهد داشت.»

۱۶۴- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَاهُ طَالِبُ حَاجَةٍ أَقْبَلَ عَلَى جُلْسَائِهِ فَقَالَ: «اشْفَعُوا تُوجَرُوا، وَيَقْضِي اللهُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ مَا أَحَبَّ» متفق عليه. ۱۶۴. و از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هر وقت، یک نیازمند به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد، ایشان به حاضران در جلسه رو می کردند و می فرمودند: «شفاعت کنید (در حل مشکل این فرد واسطه شوید) تا پاداش یابید و خداوند هر چه را که دوست داشته باشد - یا در روایتی دیگر: «بخواهد» - بر زبان پیامبرش جاری می کند»^۱.

۱۶۵- وعن ابن عباس رضي الله عنهما في قصة بريدة وزوجها. قال: قال لها النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ رَاجَعْتِهِ؟» قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللهِ، تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: «إِنَّمَا أَشْفَعُ» قَالَتْ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ. رواه البخاري.

۱۶۵. و از ابن عباس رضی الله عنهما در داستان بریره^۲ و شوهرش روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به بریره فرمودند: کاش پیش او بر می گشتی؛ بریره گفت: ای رسول خدا! آیا به من امر می کنید (تا اجرا نمایم)؟ فرمودند: «(نه) فقط (بین شما) میانجیگری می کنم». گفت: من احتیاجی به او ندارم.^۳

۱- متفق علیه است؛ [خ(۱۴۳۲)، م(۲۶۲۷)].

۲- بریره، کنیز حضرت ام المؤمنین عایشه (رضی الله عنها) بوده است - ویراستاران.

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۲۸۳)].

۳۱- باب الإصلاح بين الناس:

باب اصلاح بين مردم

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ (النساء / ۱۲۸)

«صلح بهتر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ﴾

(النساء / ۱۱۴)

«در بسیاری از نجواهای مردم، فایده‌ای نیست، مگر (نجواهای) کسی که به صدقه و احسان یا کاری نیک و پسندیده یا به اصلاح بین مردم امر کند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾ (الانفال / ۱)

«از خداوند بترسید و میانه‌ی خود را اصلاح کنید (و در میان خود صلح و صفا برقرار کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران همدیگرند، پس بین برادران خود اصلاح کنید».

۱۶۶- وعن أمِّ كلثوم بنتِ عُقْبَةَ بنِ أَبِي مُعَيْطٍ رضي اللهُ عنها قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَيْسَ الْكُذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ فَيَنْمِي خَيْرًا، أَوْ يَقُولُ خَيْرًا» متفق عليه.

وفي رواية مسلمٍ زيادة، قالت: وَلَمْ أَسْمَعْهُ يُرَخِّصُ فِي شَيْءٍ مِّمَّا يَقُولُهُ النَّاسُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ، تَعْنِي: الْحَرْبَ، وَالْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ، وَحَدِيثَ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ، وَحَدِيثَ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا.

۱۶۶. و از ام‌کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: از پیامبر

ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «کذاب و دروغگو، کسی نیست که بین مردم صلح برقرار می‌کند و

خیری را آشکار می‌نماید (عمل یا حرف خوب کسی را به دیگران می‌گوید) یا سخن خوبی بر زبان می‌راند^۱.

در روایت مسلم اضافه‌ای است و آن این است که ام‌کلثوم گفت: شنیدم که پیامبر ﷺ در آنچه که مردم می‌گویند، جز در سه مورد (به دروغ گفتن) رخصتی داده باشد: جنگ، اصلاح بین مردم و سخن مرد با زنش و زن با شوهرش.

۱۶۷- وعن أبي هريرة -رضي الله عنه- قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كُلُّ سَلَامِي مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ تَعْدِلُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خَطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَتُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ». متفق عليه.

۱۶۷- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بر هر مفصل و بند از مردم در هر روزی که آفتاب بر وی می‌تابد، صدقه لازم است. میان دو کس عدالت می‌کنی صدقه است. مردی را در ستورش یاری می‌کنی و خودش را بر آن سوار می‌کنی یا بارش را بر روی آن می‌گذاری صدقه است. سخن نیکو صدقه است، و به هر گامی که بسوی نماز می‌نهی صدقه است. دور کردن پلیدی از راه صدقه است».

۱۶۸- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم صوت خضوم بالباب عالية أصواتهما، وإذا أحدهما يستوضع الآخر ويسترفقه في شيء، وهو يقول: واللّه لأفعلن، فخرج عليهما رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: «أين المتألي على الله لا يفعل المعروف؟» فقال: أنا يا رسول الله، فله أي ذلك أحب. متفق عليه.

۱۶۸. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ یکبار صدای بلند بگومگویی دو نفر در جلوی در را شنید که یکی از آنان از دیگری التماس می‌کرد که یا قسمتی از طلبش را ببخشد یا این که در بازپرداخت آن، با او مدارا کند و طرف می‌گفت: به خدا سوگند، این کار را نمی‌کنم، پیامبر ﷺ پیش آنها بیرون رفت و فرمودند: «کجاست کسی که به خدا سوگند خورد که کار خوبی نکند؟» طلبکار گفت: منم، ای رسول خدا! و اینک می‌گویم: طرف من حق

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۹۲)، م (۲۶۰۵)].

دارد که هر طور دوست دارد، آن گونه رفتار کند (یعنی: مقداری از طلبش را کم نمایم و یا اینکه بر او نرمش کنم و مهلتش دهم).^۱

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۷۰۵)، م (۱۵۵۷)].

۳۲- باب فضل ضفعا المسلمین والفقراء والخالین:

باب برتری ضفعا مسلمین و فقرا و اشخاص گننام

قال الله تعالى:

﴿ وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ^ط وَلَا تَعْدُ

عَيْنَاكَ عَنْهُمْ ﴾ (الكهف / ۲۸)

«ای پیامبر ﷺ! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای خود را می خوانند و عبادت می کنند (و تنها رضای) ذات او را می طلبند و چشمانت را از ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان متکبر، برای خواستن زینت زندگی دنیوی) برمگردان.»

۱۶۹- وعن سهل بن سعد الساعدي رضي الله عنه قال: مرَّ رجلٌ على النبي ﷺ، فقال لرجلٍ عنده جالسٌ: «ما رأيتُك في هذا؟»، فقال: رجلٌ من أشرفِ الناسِ، هذا والله حريٌّ إن خطبَ أن يُنكحَ، وإن شفعَ أن يُشفعَ. فسكتَ رسولُ الله ﷺ، ثم مرَّ رجلٌ آخرٌ، فقال له رسولُ الله ﷺ: «ما رأيتُك في هذا؟» فقال: يا رسولَ الله، هذا رجلٌ من فقراءِ المسلمينَ، هذا حريٌّ إن خطبَ أن لا يُنكحَ، وإن شفعَ أن لا يُشفعَ، وإن قال أن لا يُسمعَ لِقوله. فقال رسولُ الله ﷺ: «هذا خيرٌ من ملءِ الأرضِ مثلَ هذا». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۶۹. از سهل بن سعد ساعدي رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی از کنار پیامبر ﷺ گذشت، پیامبر ﷺ خطاب به مردی که نزد او نشسته بود فرمودند: «نظر تو راجع به این مرد چیست؟» گفت: مردی از اشراف مردم است، به خدا سوگند این سزاوار است که اگر زنی را خواستگاری کرد، برای او نکاح شود و اگر شفاعتی کند مورد قبول واقع شود، و پیامبر ﷺ سکوت فرمود؛ سپس مردی دیگر عبور کرد، پیامبر ﷺ دوباره از او پرسید: «نظر تو در مورد این شخص چیست؟» گفت: ای رسول خدا! این مردی است از فقرای مسلمین و سزاوار این است که اگر خواستگار زنی شود برای او نکاح نگردد و اگر شفاعتی کند قبول نشود، و اگر چیزی گفت، به سخن او گوش ندهند، آن گاه پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر به ظرفیت گسترده‌ی زمین، مثل آن مرد دیگر وجود داشته باشد، این مرد از همه‌ی آنان بهتر است!»^۱

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۹۱)] [مسلم، این حدیث را روایت نکرده است].

۱۷۰- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اِحْتَجَّتِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فَقَالَتِ النَّارُ: فِيَّ الْجَبَّارُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ، وَقَالَتِ الْجَنَّةُ: فِيَّ ضِعْفَاءُ النَّاسِ وَمَسَاكِينُهُمْ فَقَضَى اللهُ بَيْنَهُمَا: إِنَّكَ الْجَنَّةُ رَحِمْتِي أَرْحَمُ بِكَ مَنْ أَسَاءَ، وَإِنَّكَ النَّارُ عَذَابِي أُعَذِّبُ بِكَ مَنْ أَسَاءَ، وَلِكُلِّيْكُمْ عَلَيَّ مَلُؤُهَا» رواه مسلم.

۱۷۰. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «بهشت و دوزخ با هم بگومگو کردند و دوزخ گفت: قدرتمندان و متکبران در من جای دارند و بهشت گفت: بیچارگان و مسکینان در من جای دارند؛ آن گاه خداوند میان آنها قضاوت نمود و فرمود: تو بهشتی، رحمت من هستی و به وسیله‌ی تو، به هر کس که بخوام، رحم می‌کنم و تو دوزخی، عذاب من هستی و به وسیله‌ی تو، هر کس را که بخوام، عذاب می‌دهم و پر شدن هر دوی شما بر عهده‌ی من است»^۱.

۱۷۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رُبَّ أَسْعَثَ أُعْبِرَ مَدْفُوعٍ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَهُ» رواه مسلم.

۱۷۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «چه بسا شخص ژولیده موی و غبارآلود و طرد شده بر درِ منازل هست که اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند سوگندش را اجرا می‌فرماید»^۲. (یعنی: هر گاه از روی طمع در کرم خداوندی سوگندی یاد کند، خداوند مطلوبش را به وی می‌دهد).

۱- متفق علیه است؛ [(۲۸۴۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۲۲)].

۳۳- باب ملاطفة الیتیم والبنات وسائر الضعفة والمساکین والمنکسرین والإحسان

إلیهم والشفقة علیهم والتواضع معهم وخفض الجناح لهم:

باب مهربانی با یتیمان و دختران و سایر ضعیفان و بیچارگان و نیکویی و دلسوزی و تواضع نسبت به آنها و نهایت فروتنی با آنها

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الحجر / ۸۸)

«برای مؤمنان بال (تواضع و مهربانی) خود را بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ^ط وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (الكهف / ۲۸)

«ای پیامبرص! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای خود را می‌خوانند و عبادت می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند و چشمانت را از ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان متکبر) برای خواستن زینت زندگی دنیوی، برمگردان.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿۹﴾﴾ (الضحی / ۹-۱۰)

«پس اما به یتیم ستم مکن * و اما بر گدا بانگ مزین (و او را از خود مران)».

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿۱۱﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿۱۲﴾ وَلَا تَحْضُ عَلَىٰ

طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿۱۳﴾﴾ (الماعون / ۱-۳)

«آیا دیده‌ای آن کسی که روز جزا را تکذیب می‌کند؟! وی همان کسی است که یتیم را از خود می‌راند و (دیگران را) به طعام و خوراک دادن به بینوایان و مستمندان، تشویق و ترغیب نمی‌کند.»

۱۷۲- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا» وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى، وَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا». رواه البخاري.

۱۷۲. و از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من و کفیل (عهده‌دار) یتیم، در بهشت، این چنین هستیم» و به دو انگشت سبابه و میانه اشاره نمود و آنها را از هم جدا کرد.^۱

۱۷۳- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ليس المسكين الذي يطوف على الناس ترضه اللقمة واللقمات والتمرتان، ولكن المسكين الذي لا يجد غنى يغنيه، ولا يفطن به فيتصدق عليه، ولا يقوم فيسأل الناس». متفق عليه.

۱۷۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مسکین کسی نیست که دوره گردی کند و نزد مردم به گدایی برود و لقمه‌ای یا دو لقمه و خرما یا دو خرما نیاز او را برآورد، بلکه مسکین کسی است که ثروتی ندارد که او را بی‌نیاز کند و او را نمی‌شناسند و نمی‌دانند تا به او صدقه بدهند و از مردم گدایی نمی‌کند».^۲

۱۷۴- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الساعي على الأرملة والمسكين كالمجاهد في سبيل الله» وأحسبه قال: «وكالقائم الذي لا يفتر، وكالصائم لا يفطر». متفق عليه.

۱۷۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که در کار بیوگان و فقرا، کوشا باشد (به آنها کمک و از آنها نگهداری کند)، مانند شخص مجاهد در راه خداست؛ و گمان می‌کنم که فرمودند: «مانند نماز شب‌خوانی است که خسته و سست نمی‌شود و مانند روزه‌داری است که افطار نمی‌کند».^۳

۱۷۵- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «شرُّ الطعام طعامُ الوليمة، يُمنعها من يأتيتها، ويُدعى إليها من يابأها، ومن لم يجب الدعوة فقد عصى الله ورسوله» رواه مسلم.

و فی روایة فی الصحیحین عن أبي هريرة من قوله: «بئس الطعام طعامُ الوليمة يُدعى إليها الأغنياء ويُترك الفقراء».

۱۷۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بدترین طعام، غذای ولیمه (جشن عروسی) ای است که کسی که (به سبب گرسنگی و نیاز به آن غذا بدون دعوت، در آن) حاضر می‌شود، منع می‌گردد (و غذایی به او داده نمی‌شود) و کسی که (به دلیل بی‌نیازی به آن)، از

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۳۰۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۹)، م (۱۰۳۹)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۵۳)، م (۲۹۸۲)].

آن امتناع می‌کند، به آن دعوت می‌شود و کسی که دعوت (ولیمه) را اجابت نکند، خدا و رسول او را عصیان کرده است»^۱.

در روایتی دیگر در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: «بدترین غذا، غذای ولیمه ای است که ثروتمندان به آن دعوت و فقرا فراموش می‌شوند».

۱۷۶- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ عَالَ جَارَيْتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ» وَضَمَّ أَصَابِعَهُ. رواه مسلم.

۱۷۶. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس سرپرستی و مخارج زندگی دو دختر را متعهد شود تا به حد بلوغ برسند، روز قیامت در حالی که من و او با همدیگر مثل این دو تا هستیم، حاضر می‌شود». (این را فرمودند) و انگشتانشان (سیابه و میانه) را در کنار هم یکجا نموده نشان دادند.^۲

۱۷۷- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ ابْتَلَى مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ». متفقٌ عليه.

۱۷۷. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس با بعضی از این دختران امتحان شود (صاحب دختر شود) و با ایشان به نیکویی رفتار کند، (دخترانش موجب) حجاب و مانع از آتش (برای او) می‌شوند»^۳.

۱۷۸- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: جَاءَتْنِي مِسْكِينَةٌ تَحْمِلُ ابْنَتَيْنِ لَهَا، فَأَطْعَمْتُهَا ثَلَاثَ تَمْرَاتٍ، فَأَعْطَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا تَمْرَةً وَرَفَعَتْ إِلَيَّ فِيهَا تَمْرَةً لِتَأْكُلَهَا، فَاسْتَطَعَمْتُهَا ابْنَتَاهَا، فَشَقَّتِ التَّمْرَةَ الَّتِي كَانَتْ تُرِيدُ أَنْ تَأْكُلَهَا بَيْنَهُمَا، فَأَعْجَبَنِي شَأْنُهَا فَذَكَرْتُ الَّذِي صَنَعَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْجَبَ لَهَا بِهَا الْجَنَّةَ، أَوْ أَعْتَقَهَا بِهَا مِنَ النَّارِ». رواه مسلم.

۱۷۸. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: زنی فقیر نزد من آمد که دو دخترش را همراه خود داشت، سه خرما به او دادم، او نیز به هر یک از دو دخترش یک خرما داد و یک خرما را به سوی دهان خود بلند کرد تا بخورد، دختران، باز از او غذا خواستند، زن، خرمایی را که خود می‌خواست بخورد، دو نیمه و بینشان تقسیم کرد. از حال او تعجب و کارش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- مسلم روایت کرده است: [(۱۴۳۲)].

۲- مسلم روایت کرده است: [(۲۶۳۱)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۱۸)، م (۲۶۲۹)].

بازگو کردم، فرمودند: «خداوند با این کار بهشت را برای او واجب کرد، یا: با این عملش او را از آتش دوزخ نجات داد»^۱.

۱۷۹- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يقول: «ابْعُونِي فِي الضُّعَفَاءِ، فَإِنَّمَا تُنصِرُونَ، وَتُرزِقُونَ بِضَعْفَائِكُمْ» رواه أبو داود بإسناد جيد.

۱۷۹. از ابودرداء رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: شنیدم که پیامبر صلى الله عليه وسلم می فرمودند: «ضعیفان و ناتوان‌ها را برایم بطلبید (پیش من بیاورید)؛ زیرا شما تنها به خاطر ضعفایاری می شوید و روزی می یابید»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۳۰)].

۲- ابوداود [(۲۵۹۴)]. با اسناد جيد (نیکو) روایت کرده است.

۳۴- باب الوصية بالنساء:

باب توصیه به رعایت حال زنان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (النساء / ۱۹)

«با زنان به خوبی معاشرت کنید».

و قال تعالى:

﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا

كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (النساء / ۱۲۹)

«شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی یا برخورد) میان زنان خود عدالت (کامل) برقرار کنید، اگرچه بر آن حریص باشید، ولی تمام توجه خود را به آن زنان که بیشتر دوست دارید، معطوف نکنید، چنان که دیگری را به صورت زن معلقه‌ای (که نه دارای شوهر است و نه بیوه است) درآوردید. و اگر با عدل و برابری با آنان رفتار و پرهیزگاری کنید، خداوند آمرزنده و مهربان است».

۱۸۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضَلَعٍ، وَإِنَّ أَعْوَجَ مَا فِي الضَّلَعِ أَعْلَاهُ، فَإِنْ ذَهَبَتْ تُقِيمُهُ كَسَرْتَهُ، وَإِنْ تَرَكْتَهُ، لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ، فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ» متفق عليه.

۱۸۰. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «خواهان رفتار نیک با زنان شوید، زیرا زن از دنده‌ی کج آفریده شده است و کج‌ترین محل دنده، بلندترین نقطه‌ی آن است، اگر بخواهی آن را راست کنی، می‌شکند و اگر آن را به‌خود واگذاری و ترک کنی همچنان کج می‌ماند؛ پس توصیه‌ی من (پیشه کردن خوشحویی و صبر) در مورد زنان را قبول و رعایت کنید!».

۱۸۱- وعن عبد الله بن زَمْعَةَ رضي الله عنه، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ، ثُمَّ ذَكَرَ النِّسَاءَ، فَوَعِظَ فِيهِنَّ، فَقَالَ: «يَعْمِدُ أَحَدُكُمْ فَيَجْلِدُ امْرَأَتَهُ جَلْدَ الْعَبْدِ فَلَعَلَّهُ يُصَاحِبُهَا مِنْ آخِرِ يَوْمِهِ» ثُمَّ وَعَظَهُمْ فِي ضَحِكِهِمْ مِنَ الضَّرْطَةِ وَقَالَ: «لَمْ يَضْحَكْ أَحَدُكُمْ مِمَّا يَفْعَلُ؟» متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۳۳۱)، م (۱۴۶۸)].

۱۸۱. از عبدالله بن زعمه رضی الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که خطبه می فرمود سپس به ذکر زنان پرداخت و در مورد آنها موعظه فرمود و ادامه داد: «یکی از شما بلند می شود و زنش را مانند بنده‌ی زرخرید کتک می زند (حال آن که) شاید در آخر همان روز، با او همخوابگی کند؛ آن گاه مردم را در مورد خندیدنشان به شرطه (بادی که با صدا از شکم خارج می شود) اندرز دادند و فرمودند: «چرا یکی از شما عملی را که از خود او نیز سر می زند، (تمسخر می کند) و به آن می خندد؟»^۱.

۱۸۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يفرك مؤمن مؤمنةً، إن كره منها خلقاً رضي منها آخر» أو قال: «غيره» رواه مسلم.

۱۸۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نباید مؤمن از زن مؤمنه اش متنفر باشد، چرا که اگر از یکی از رفتارهایش بدش بیاید، به یک رفتار دیگرش (یا فرمودند: غیر آن رفتار) خشنود خواهد بود»^۲.

۱۸۳- وعن عمرو بن الأخص الحشمي رضي الله عنه أنه سمع النبي صلى الله عليه وسلم في حجة الوداع يقول بعد أن حمد الله تعالى، وأثنى عليه وذكر ووعد، ثم قال: «ألا واستوصوا بالنساء خيراً، فإنما هن عوان عندكم ليس تملكون منهن شيئاً غير ذلك إلا أن يأتين بفاحشة مبينة، فإن فعلن فاهجروهن في المصاجع، واضربوهن ضرباً غير مبرح، فإن أطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلاً، ألا إن لكم على نساءكم حقاً، ولنساءكم عليكم حقاً، فحقوقكم عليهن أن لا يوطئن فرشكم من تكرهون، ولا يأذن في بيوتكم لمن تكرهون، ألا وحقهن عليكم أن تحسنوا إليهن في كسوتهن وطعامهن». رواه الترمذی وقال: حديث حسن صحيح^۳.

۱۸۳. از عمرو بن احوص جشمی رضی الله عنه روایت شده است که او در حجة الوداع از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که بعد از آن که حمد و ثنا فرمود و تذکر داد و پند و موعظه کرد، فرمودند: «آگاه باشید، و رفتار نیک با زنان داشته باشید؛ زیرا آنان اسیرانی^۴ در دست شما هستند و شما مالک هیچ چیز از آنها جز آن (بیوند زناشویی و حفظ مال و ناموسشان) نیستید، مگر این که کار آشکاری (مانند نشوز و

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۹۴۲)]، م (۲۸۵۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۶۹)].

۳- ترمذی روایت کرده [(۱۱۶۳)] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله زن را در این که تحت حکم مرد در می آید، به اسیر تشبیه فرموده است.

نافرمانی و سوء معاشرت) انجام دهند، که اگر چنین کردند، از همبستری با آنها دوری کنید و (اگر مطمئن بودید که تأثیری دارد) آرام و غیر شدید آنان را بزنید، اگر مطیع شدند، دیگر به ضرر ایشان راهی (برای ایراد و اشکال تراشی و آزار و زدنشان) در پیش نگیرید و اقدامی نکنید؛ آگاه باشید! شما بر زنان خود حقی دارید و زناتان نیز بر شما حقی دارند؛ حق شما بر ایشان این است که فرش شما را برای کسانی که نمی‌خواهید پهن نکنند و کسانی را که دوست ندارید، به خانه‌ی شما راه ندهند و حق ایشان بر شما آن است که در فراهم آوردن لباس و غذا (و نیازهای دیگر زندگی آنها و معاشرت) از آنها دریغ نکنید.

۱۸۴- وعن معاوية بن حيدة رضي الله عنه قال: قلت: يا رسول الله! ما حق زوجة أهدنا عليه؟ قال: «أن تطعمها إذا طعمت، وتكسوها إذا اكتسبت ولا تضرب الوجه، ولا تقبح، ولا تهجر إلا في البيت». حديث حسن رواه أبو داود وقال: معنى «لا تقبح» أي: لا تفلن قبحك الله.

۱۸۴. از معاویه بن حیده رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: ای رسول خدا! حق زن یکی از ما بر شوهرش چیست؟ فرمودند: «این است که اگر غذایی خوردی، او را نیز سهیم کنی و اگر خود لباسی پوشیدی، برای او هم لباس تهیه کنی و به (سر و) صورت او نزن و او را زشت شمار و به او حرف زشت مزین و دشنام مده و جز در خانه، (از او) دوری نگیر»^۱.

۱۸۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً، وخياركم خياركم لنسائهم». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱۸۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کامل‌ترین مؤمنان از جهت ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنان و بهترین شما، بهترین شما در رفتار و برخورد با همسرانتان است»^۲.

۱۸۶- وعن إياس بن عبد الله بن أبي ذباب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لأ تضربوا إماء الله» فجاء عمر رضي الله عنه إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقال: «ذيرن النساء على أزواجهن، فرخص في ضربهن، فأطاف بالرسول صلى الله عليه وسلم نساء كثير يشكون أزواجهن، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لقد أطاف بالبيت محمد نساء كثير يشكون أزواجهن ليس أولئك بخياركم». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۱- حدیثی حسن است که ابوداود روایت کرده است: [۲۱۴۲].

۲- ترمذی روایت کرده [۱۱۶۳] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۸۶. از ایاس بن عبدالله بن ابی ذباب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کنیزان خدا (یعنی زنان خود) را نزنید، سپس حضرت عمر رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: زنان بر شوهران خود جرأت یافته‌اند و پیامبر صلی الله علیه و آله برای تنبیه آنان، زدنشان را اجازه داد؛ پس از آن، زنان زیادی در نزد خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله گرد می‌آمدند که از دست شوهران خود می‌نالیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله (به مردم) فرمودند: «زنان زیادی، اهل بیت محمد را احاطه کرده‌اند و از همسران خود می‌نالند؛ چنین شوهرانی از نیکان شما نیستند»^۱.

۱۸۷- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ». رواه مسلم.

۱۸۷. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنیا (مانند) کالا و توشه‌ای «اندک» است و بهترین کالا و متاع دنیا، زن شایسته و نیکوکار است»^۲.

۱- ابوداود [۲۱۴۶] با اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۴۶۷].

۳۵- باب حق الزوج على المرأة:

باب حق مرد بر زن

قال الله تعالى:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ

أَمْوَالِهِمْ فَأَلْصَلِحَتْ قَنِينَتٌ حَفِظَتْ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾ (النساء / ۳۴)

«مردان بر زنان قیام و سرپرست اند، بدین خاطر که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده و مردان از مال و دارایی خود (برای آنان) خرج می‌کنند؛ پس زنان صالح، مطیع (شوهران) و حافظ آبرو و نفس خود و فرزندان و مال شوهرانشان در غیاب (و همراه) ایشان هستند».

۱۸۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمْ تَأْتِهِ فَبَاتَ غَضَبَانَ عَلَيْهِمَا لَعْنَتُهُمَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ». متفق عليه.

وفي رواية لهما: «إِذَا بَاتَتِ الْمَرْأَةُ هَاجِرَةً فِرَاشَ زَوْجِهَا لَعْنَتُهُمَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ».

۱۸۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه مرد، زنش را به بستر خود فرا خواند و زن نیاید و مرد، شب را در حال خشم و نارضایتی از او سپری کند، فرشتگان تا هنگام صبح، او را لعنت می‌کنند».

در روایتی دیگر از بخاری و مسلم آمده است: «هر گاه زن، در حالی که بستر شوهرش را ترک گفته است، شب را سپری کند، فرشتگان او را تا صبح نفرین می‌کنند».

۱۸۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أيضاً أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا يحل لامرأة أن تصوم وزوجها شاهد إلا بإذنه، ولا تأذن في بيته إلا بإذنه». متفق عليه، وهذا لفظ البخاري.

۱۸۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای زن حلال نیست که با حضور شوهرش، بدون اجازه‌ی وی، روزه (سنت) بگیرد و این که بدون اجازه‌ی شوهرش، اجازه‌ی ورود کسی را به خانه‌ی شوهرش بدهد».

۱۹۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْأَمِيرُ رَاعٍ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهِ، فَكُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ(۵۱۹۳)، م(۱۰۲۶)].

۱۹۰. از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کدام از شما (مانند) چوپان هستید و مسئول افراد تحت فرمان خویش هستید؛ فرمانده و حاکم، چوپان (مردم)، مرد، چوپان خانواده‌ی خود و زن، چوپان خانه و فرزند شوهر خود است؛ پس همه‌ی شما (مثل) چوپان و مسئول هستید و از هر یک از شما، از چیزی که به دست او سپرده شده است، سؤال می‌شود»^۱.

۱۹۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ كُنْتُ آمِراً أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لِأَمْرَتِ الْمَرْأَةِ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱۹۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر من به کسی فرمان می‌دادم که کسی را سجده کند (اگر می‌شد برای غیر خدا سجده کنند) به زن امر می‌کردم که به شوهرش سجده کند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۶۳)، م (۱۸۲۹)].

۲- ترمذی [۱۱۵۹] روایت کرده و گفته است؛ حدیث حسن صحیح است.

۳۶- باب النفقة على العيال:

باب نفقه زن و فرزند و خادم

قال الله تعالى:

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (البقره / ۲۳۳)

«و بر صاحب فرزند، لازم است که خوراک و پوشاک مادر را به گونه‌ای شایسته و عرفی بپردازد.»

وقال تعالى:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ^ط وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا

إِلَّا مَاءً آتَاهَا﴾ (الطلاق / ۷)

«آن که ثروتمند است، از ثروت خود خرج کند و آن که تنگدست است، از چیزی که خداوند به او داده است خرج کند، خداوند بر هیچ کس جز به اندازه‌ای که به او داده است، تکلیف نمی‌کند.»

وقال تعالى:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (سبا / ۳۹)

«و هر چه (در راه خدا) انفاق کنید، خداوند بدل آن را (در دنیا یا آخرت) به شما خواهد داد.»

۱۹۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ، وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ، وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ، أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ» رواه مسلم.

۱۹۲. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «دیناری که در راه خدا انفاق کنی، دیناری که به فقیری صدقه دهی، دیناری که در راه آزاد کردن بنده‌ای ببخشی و دیناری که نفقه‌ی زن و فرزندت کنی، بزرگ‌ترین آنها از حیث پاداش، آن است که برای خانواده‌ات خرج کرده‌ای!»^۱

۱۹۳- وعن أم سلمة رضي الله عنها قالت: قلت يا رسول الله، هل لي أجر في بني أبي سلمة أن أنفق عليهم، ولست بتاركهم هكذا وهكذا، إنما هم بني؟ فقال: «نعم لك أجر ما أنفقت عليهم». متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۹۵)].

۱۹۳. از ام‌المؤمنین ام سلمه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: گفتم: ای رسول خدا! در مورد فرزندان ابوسلمه، اگر برای آنها خرج کنم، آیا اجری خواهم داشت؟ و من چنین و چنان و اینجا و آنجا، آنها را ترک نخواهم کرد، آنان فرزندان من هستند، پیامبر ﷺ فرمودند: «بله، پاداش آنچه که برایشان انفاق می‌کنی، برای توست»^۱.

۱۹۴ - وعن أبي مسعود رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَيَّ أَهْلِهِ نَفَقَةً يَحْتَسِبُهَا فِيَّ لَهْ صَدَقَةٌ» متفق عليه.

۱۹۴. از ابومسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر گاه مرد، در رضای خدا و به امید پاداش او، برای زن و فرزندش خرج کند، این عمل برای او صدقه خواهد بود»^۲.

۱۹۵ - وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كفى بالمرء إثماً أن يضيع من يقوت». حديث صحيح رواه أبو داود وغيره.

۱۹۵. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «برای گناه مرد همین کافی است که در پرداخت هزینه‌های کسی که مخارجش بر عهده‌ی اوست، کوتاهی کند و از او دریغ نماید»^۳.

۱۹۶ - وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ، فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا، وَيَقُولُ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْسِكًا تَلَفًا». متفق عليه.

۱۹۶. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر روز که بندگان صبح می‌کنند دو فرشته پایین می‌آیند؛ یکی از آنها می‌گوید: خداوندا! به بخشنده و خرج کننده، عوض عطا کن و دیگری می‌گوید: خداوندا! به بخیل و خودداری کننده از خرج، تلف و ضرری برسان»^۴.

۱۹۷ - وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ، وَخَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى، وَمَنْ يَسْتَغْفِرْ، يُعْفَهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَعْنِ يُعْنِهِ اللَّهُ» رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۴۶۷)، م (۱۰۰۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۵)، م (۱۰۰۲)].

۳- حدیث صحیحی است که ابوداود روایت کرده است. [۱۶۹۲].

۴- متفق عليه است؛ [خ (۱۴۴۲)، م (۱۰۱۰)].

۱۹۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دست بالاتر (بخشنده) از دست پایین تر (طلب کننده و گیرنده‌ی بخشش) بهتر است و (انفاق را) از خانواده‌ات شروع کن و بهترین صدقه آن است که شخص بعد از برآوردن نیازهای خود و خانواده‌اش پرداخت کند و کسی که از گدایی و طلب کردن مال از مردم حیا کند، خداوند او را عقیف و بی‌نیاز می‌سازد و هر کس استغنا بورزد و دارای عزت نفس باشد، خداوند او را بی‌نیاز می‌گرداند».

۳۷- باب الإنفاق مما يحب ومن الجيد:

باب انفاق از مالی که شخص، آن را دوست دارد و نیک و پاک است

قال الله تعالى:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران / ۹۲)

«به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.»

وقال تعالى:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا

تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ﴾ (البقره / ۲۶۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از مال‌های پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم، ببخشید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا آن را ببخشید.»

۱۹۸- عن أنس رضي الله عنه قال: كَانَ أَبُو طَلْحَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرَ الْأَنْصَارِ بِالْمَدِينَةِ مَالًا مِنْ نَخْلٍ، وَكَانَ أَحَبُّ أَمْوَالِهِ إِلَيْهِ بَيْرِحَاءَ، وَكَانَتْ مُسْتَقْبَلَةَ الْمَسْجِدِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْخُلُهَا وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءٍ فِيهَا طَيِّبٍ قَالَ أَنَسٌ: فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ قَامَ أَبُو طَلْحَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيْكَ: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ وَإِنَّ أَحَبَّ مَالِي إِلَيَّ بَيْرِحَاءَ، وَإِنَّهَا صَدَقَةٌ لِلَّهِ تَعَالَى أَرْجُو بَرِّهَا وَدُخْرَهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى، فَضَعَهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، حَيْثُ أَرَاكَ اللَّهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بِخْ، ذَلِكَ مَالٌ رَابِحٌ، ذَلِكَ مَالٌ رَابِحٌ، وَقَدْ سَمِعْتُ مَا قُلْتَ، وَإِنِّي أَرَى أَنْ تَجْعَلَهَا فِي الْأَقْرَبِينَ» فَقَالَ أَبُو طَلْحَةَ: أَفْعَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَفَسَمَّهَا أَبُو طَلْحَةَ فِي أَقَارِبِهِ، وَبَنِي عَمِّهِ. متفقٌ عليه.

۱۹۸. از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: ابوطلحه رضي الله عنه در میان انصار مدینه از لحاظ داشتن نخلستان، ثروتمندترین شخص بود و محبوب‌ترین اموالش نزد او «بیرحاء» بود که (باغ خرمایی) در مقابل مسجد بود و پیامبر صلی الله علیه و آله داخل آن می‌شد و از آب گوارایی که در آن جاری بود، می‌نوشید؛ انس رضي الله عنه می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران / ۹۲)

«به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) ببخشید.»

ابوطلحه به نزد پیامبر ﷺ رفت و گفت: ای رسول خدا! خداوند متعال این آیه را بر تو نازل کرده که می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ و محبوب‌ترین و پر ارزش‌ترین مال من، بیرحاء است، اینک آن را در راه خدا صدقه کردم به امید آن که نزد خدا ذخیره و سبب پاداش باشد؛ ای رسول خدا! آن را در هر موردی که مصلحت می‌بینی، قرار ده؛ پیامبر ﷺ فرمودند: به به! آن مال نیک و ثروت سودمند و پاکی است و آنچه گفתי، شنیدم و من چنین صلاح می‌بینم که آن را صدقه‌ی نزدیکان (مستحق) خود کنی». ابوطلحه گفت: ای رسول خدا! چنین می‌کنم؛ بعد آن را در میان نزدیکان و پسرعموهای خود تقسیم نمود^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۶۱)، م (۹۹۸)].

۳۸- بیان وجوب امر أهله وأولاده المميزين وسائر من في رعيته بطاعة الله تعالى ونهيهم عن المخالفة، وتأديبهم، ومنعهم من ارتكاب منهي عنه:

باب واجب بودن امر انسان به خانواده و فرزندان به سن تمییز رسیده‌ی خود و کسانی که تحت سرپرستی او هستند به طاعت خدا و نهی از سرپیچی از آن، و تأدیب و منع آنان از منهیات

قال الله تعالى:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ (طه / ۱۳۲)

«خانواده‌ات را به (بر پا داشتن) نماز فرمان ده و بر آن محکم و ثابت قدم باش.»
وقال تعالى:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (التحریم / ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش، حفظ کنید.»

۱۹۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أخذ الحسن بن علي رضي الله عنهما ثمرة من تمر الصدقة فجعلها في فيه فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كخ كخ، إرم بها، أما علمت أنا لا نأكل الصدقة؟»

وفي رواية: «إنا لا نحل لنا الصدقة». متفق عليه.

۱۹۹. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: حسن بن علی رضي الله عنه (- که در آن وقت، کودکی چند ساله بود) خرمایی از خرماهای صدقه (زکات) را برگرفت و به دهان گذاشت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کخ، کخ! آن را دور بینداز! مگر نمی‌دانی که ما (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او) صدقه (زکات) نمی‌خوریم؟!»

در روایتی دیگر آمده است: «همانا صدقه (زکات) برای ما حلال نیست.»

۱- این کلمه را در زبان عربی، برای دور کردن بچه از چیزهای آلوده و کثیف به‌کار می‌برند. و کخ، کخ و کخ هم تلفظ می‌شود.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۹۱)، م (۱۰۶۹)].

۲۰۰- وعن عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ رَيْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّخْفَةِ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا غُلَامُ، سَمَّ اللَّهُ تَعَالَى، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ. متفقٌ عليه.

۲۰۰. از عمر بن ابی سلمه، ریب (ناپسری) پیامبر ﷺ (پسر ام‌المؤمنین ام‌سلمه) روایت شده است که فرمود: من پسری نوجوان و تحت تربیت و پناه پیامبر ﷺ بودم و هنگام خوردن غذا دستم در اطراف کاسه دور می‌زد (از هر طرف لقمه بر می‌داشتم)، پیامبر ﷺ به من فرمودند: «ای پسر! نام خدا را ببر و با دست راست بخور و از جلو دست خودت بخور»؛ از آن به بعد همیشه این رسم غذا خوردن من بوده است!

۲۰۱- وعن عمرو بن شعيب، عن أبيه، عن جده رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ». حديثٌ حسن رواه أبو داود بإسنادٍ حسنٍ.

۲۰۱. از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «فرزندان خود را در هفت‌سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی (به‌خاطر عدم انجام دادن آن)، تنبیه کنید و بستر خواب فرزندانتان را از هم جدا نمایید»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۷۶)، م (۲۰۲۲)].

۲- حدیثی حسن است که از ابوداود [(۴۹۵)] با اسناد حسن (خوب) روایت کرده است.

باب حق همسايه و توصيه به مراعات آن

قال الله تعالى:

﴿ وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا^ط وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ﴾ (النساء / ۳۶)

«(تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید.»

۲۰۲- وعن ابن عمر وعائشة رضي الله عنهما قالا: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما زال جبريل يوصيني بالجار حتى ظننت أنه سيورثه» متفق عليه.

۲۰۲. و از ابن عمر و عایشه رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جبرئیل پیوسته در مورد همسایه به من توصیه می فرمود تا اندازه ای که گمان بردم که او، به زودی همسایه را وارث همسایه اعلام خواهد کرد!».

۲۰۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «والله لا يؤمن، والله لا يؤمن» قيل: من يا رسول الله؟ قال: «الذي لا يأمن جاره بوائقه» متفق عليه.

۲۰۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خدا سوگند ایمان ندارد، به خدا سوگند ایمان ندارد، به خدا سوگند ایمان ندارد!»، سؤال شد: ای رسول خدا! چه کسی ایمان ندارد؟ فرمودند: «کسی که همسایه اش از خطر شرارت و فتنه ای او ایمن نباشد»^۲.

۲۰۴- وعن أبي شريح الخزازي رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر، فليحسن إلى جاره، ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه، ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو ليسكت» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۱۴) و (۶۰۱۵)، م (۲۶۲۴) و (۲۶۲۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۱۶)، م (۴۶)].

۲۰۴. از ابو شریح خزاعی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه اش نیکی کند، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را گرامی بدارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد یا سخن نیک بگوید، یا ساکت باشد»^۱.

۳۱۰- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي جَارَيْنِ، فإِلَى أَيِّهِمَا أُهْدِي؟ قَالَ: «إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكَ بَاباً» رواه البخاري.

۳۱۰. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم: ای رسول خدا! من دو همسایه دارم، به کدامشان (غذا یا مانند آن) هدیه کنم؟ فرمودند: «به آن که در خانه اش به تو نزدیک تر است»^۲.

(به حدیث شماره: ۷۹ مراجعه شود).

۱- مسلم [۴۸] با این لفظ و بخاری [۶۰۱۹] نیز بعضی از آن روایت کرده اند.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۰۲۰].

۴۰ - باب بر الوالدین وصلة الأرحام:

باب نیکویی با پدر و مادر و صلهی رحم

قال الله تعالى:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا^ط وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ (النساء / ۳۶)

«(تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه ماندگان، بندگان و کنیزان خود، نیکی کنید».

وقال تعالى:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾ (النساء / ۱)

«از خداوندی که یکدیگر را به او سوگند می‌دهید، و از این که پیوندهای خویشاوندی را قطع نمایید، پرهیزید».

وقال تعالى:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ (الرعد / ۲۱)

«و کسانی که پیوندهایی را که خداوند به حفظ آنها دستور داده، برقرار می‌نمایند».

وقال تعالى:

﴿وَصَيِّبًا وَآلِئِنَّ بُولَدِيهِ حُسْنًا﴾ (العنكبوت / ۸)

«انسان را به نیکی نسبت به پدر و مادرش توصیه کردیم».

وقال تعالى:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا^ع إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَهَرَّهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا^ح وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (الإسراء / ۲۳-۲۴)

«پروردگارتان فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری رسیدند، (کوچک امانتی به آنان نکن و حتی کمترین تعبیر نامؤدبانه همچون) اُف را به آنان نگو! و بر سرشان فریاد نزن (و آنان را از پیش خود مران) و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو. و بال تواضع و فروتنی را از روی مهربانی بر ایشان فرود آور و بگو: پروردگارا! به ایشان رحم فرما همان گونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ کردند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَتَا عَلَىٰ وَهَنٍ وَفَصَّلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي

وَلِوَالِدَيْكَ﴾ (لقمان / ۱۴)

«انسان را به نیکی و احترام به پدر و مادرش توصیه کردیم؛ مادرش او را با ضعف‌ها و سختی‌های متوالی در شکم خود حمل کرد و از شیر بریدن او در دو سال است؛ پس به او (سفارش کردیم) که شکر نعمت من (خدا) و پدر و مادرت را به جای آور».

۲۰۶- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: سألت النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَىٰ وَفِيهَا» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» متفقٌ عليه.

۲۰۶. و از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم سؤال کردم: چه کاری نزد خدا محبوب‌تر است؟ فرمودند: نمازی که در (آغاز) وقت خود انجام گیرد، گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: نیکی به پدر و مادر؛ گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا»^۱.

۲۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أيضاً رضي الله عنه أن رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكْرِمْ صَبِيَّهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ» متفقٌ عليه.

۲۰۷. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را گرامی بدارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، صله‌ی رحم را به جای آورد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن نیک بگوید، یا ساکت باشد»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۲۷)، م (۸۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۳۸)، م (۴۷)].

۲۰۸- وعنه رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» متفق عليه.

۲۰۸. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! چه کسی برای همنشینی خوب (من با او) صاحب حق ترین و سزاوارترین مردم است؟ فرمودند: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمودند: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمودند: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمودند: «مادرت»^۱.

۲۰۹- وعنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رَغِمَ أَنْفٌ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ مَن أَدْرَكَ أَبْوِيهِ عِنْدَ الْكَبِيرِ، أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ» رواه مسلم.

۲۰۹. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خاک مالیده شود، به خاک مالیده شود، و باز به خاک مالیده شود، بینی کسی که پدر و مادرش - یکی یا هر دو نفرشان - را (زنده و به ویژه) در حال پیری آنها ببیند و (با خدمت آنها) داخل بهشت نشود»^۲.

۲۱۰- وعن أنس رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ، فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ» متفق عليه.

۲۱۰. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس دوست دارد که روزی او زیاد و پر برکت و در اجلس تأخیر واقع و عمرش طولانی شود، صله‌ی رحم را انجام دهد و پیوندهای خویش را نگه دارد»^۳.

۲۱۱- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: أَبَايَعُكَ عَلَى الْهَجْرَةِ وَالْجِهَادِ أَتَبِعِي الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: «فَهَلْ مِنَ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ؟» قَالَ: نَعَمْ بَلْ كِلَاهُمَا قَالَ: «فَتَبِعِي الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؟» قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: «فَارْجِعِي إِلَى وَالِدَيْكَ، فَأَحْسِنِ صُحْبَتَهُمَا». متفق عليه.

وفي رواية: «فَفِيهِمَا فَجَاهِدْ».

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۷۱)، م (۲۵۴۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۵۱)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۸۶)، م (۲۵۵۷)].

۲۱۱. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: بر هجرت و جهاد با تو بیعت می‌کنم و (برای این کار) اجر خود را از خداوند متعال می‌طلبم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آیا از پدر یا مادرت یکیشان زنده است؟» گفت: بله، هر دو زنده‌اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «و از خدا اجر می‌طلبی؟» گفت: بله، فرمودند: «پس برگرد پیش پدر و مادرت و با آنها به نیکی مصاحبت و معاشرت کن»^۱.

و در روایتی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «پس (در خدمت به) ایشان بکوش و جهاد کن».

۲۱۲- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِي وَلَكِنَّ الْوَاصِلَ الَّذِي إِذَا قَطَعَتْ رَحْمَتَهُ وَصَلَّتْهَا» رواه البخاري.

۲۱۲. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «واصل (انجام دهنده‌ی صله‌ی رحم) آن نیست که با شخصی که با وی صله‌ی رحم انجام داده است، صله‌ی رحم به جای آورد و تلافی کند؛ بلکه واصل کسی است که با شخصی که پیوند و صله‌ی او را قطع کرده و با او صله‌ی رحم انجام نمی‌دهد، صله‌ی رحم، به جای آورد»^۲.

۲۱۳- وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الرَّحِمُ مَعْلَقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ: مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَطَعَنِي، قَطَعَهُ اللَّهُ» متفق عليه.

۲۱۳. و از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «رحم، بر عرش معلق و آویزان است و می‌گوید: هر کس صله‌ی مرا به جای آورد، خداوند صله‌ی او را به جای می‌آورد و هر کس من را قطع کند، خداوند از او قطع صله و پیوند می‌کند»^۳.

۲۱۴- وعن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَهَاراً غَيْرَ سِرٍّ يَقُولُ: «إِنَّ آلَ بَنِي فُلَانٍ لَيَسُؤُوا بِأَوْلِيَائِي، إِنَّمَا وَلِيُّ اللَّهِ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ. وَلَكِنْ لَهُمْ رَحِمٌ أَبْلُهَا بِبِلَالِهَا» متفق عليه.

۲۱۴. و از عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آشکارا، نه مخفیانه شنیدم که می‌فرمودند: «طایفه‌ی بنی فلان، از دوستان و یاری دهندگان من نیستند و دوست و یاریگر من،

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۰۰۴)، م (۲۵۴۹)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۹۹۱)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۸۹)، م (۲۵۵۵)].

فقط خدا و بندگان شایسته‌ی او هستند؛ ولی آنها رحمی (و نسبی با من) دارند که من آن را شاد و تازه نگه می‌دارم»^۱.

۲۱۵- وعن أبي أيوب خالد بن زيد الأنصاري رضي الله عنه أن رجلاً قال: يا رسول الله، أخيرني بعملٍ يُدخلني الجنة، ويُبعِدني من النار. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «تَعْبُدُ اللَّهَ، وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصِلُ الرَّحِمَ» متفقٌ عليه.

۲۱۵. و از ابویوب خالد بن زید انصاری رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: مردی به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گفت: ای رسول خدا! مرا از عملی آگاه کن که مرا وارد بهشت کند و از آتش دوزخ دور گرداند، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «خدا را عبادت کن و برای او شریکی قرار نده و نماز را به پای دار و زکات را ادا کن و صله‌ی رحم را انجام بده»^۲.

۲۱۶- وعن سلمان بن عامر رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ، فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ تَمْرًا، فَالْمَاءُ، فَإِنَّهُ طَهُورٌ» وقال: «الصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ، وَعَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ: صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۲۱۶. از سلمان بن عامر رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «هر گاه یکی از شما افطار کرد، با خرما افطار کند؛ زیرا در آن برکت موجود است و اگر خرما نیافت، با آب؛ زیرا آب پاک (و پاک کننده) است». و نیز فرمودند: «صدقه به مسکین، یک صدقه است (یک اجر دارد) و صدقه به خویشاوند، دو صدقه (دو اجر): یکی (اجر) صدقه و دیگری (اجر) صله‌ی رحم»^۳.

۲۱۷- وعن البراء بن عازب رضي الله عنهما، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الْحَالَةُ بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ» رواه الترمذي. وقال حديث صحيح.

۲۱۷. از براء بن عازب رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «خاله به منزله‌ی مادر است»^۴.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۹۰)، م (۲۱۵)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۹۶)، م (۱۳)].

۳- ترمذی روایت کرده [۶۵۸] و گفته است: حدیثی حسن است.

۴- ترمذی روایت کرده [۱۹۰۵] و گفته است: حدیث صحیح است.

۴۱ - باب تحریم العقوق و قطیعة الحرم:

باب تحریم نافرمانی و آزار پدر و مادر و قطع صلهی رحم

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴾ (٢٢-٢٣) أُولَئِكَ الَّذِينَ

لَعَنَهُمُ اللهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ﴿ (محمد / ٢٢-٢٣)

«آیا اگر (از قرآن و برنامه‌ی اسلام) رویگردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟ آنان (که چنین می‌کنند) کسانی هستند که خداوند آنان را نفرین کرده و از رحمت خویش به دور داشته و آن‌گاه گوش‌هایشان را (از شنیدن حق) و چشمانشان را (از دیدن راه هدایت و سعادت) کور کرده است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴾ (الرعد / ٢٥)

«و آنان که پیمان الهی را بعد از بستن و محکم کردن آن می‌شکنند و آنچه (صله‌ی رحم و ایمان) را که خداوند در باره‌اش امر کرده که وصل (و نگهداری و به جا آورده) شود، قطع می‌کنند و از هم می‌گسلند و بر روی زمین (با کفر و گناه) فساد می‌کنند، آنان را لعنت (دوری از رحمت خدا) و عاقبت و سرانجام بد (جهنم) است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ

كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أْفٍ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴾ (٢٣) وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ

الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿ (الإسراء / ٢٣-٢٤)

«و پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری رسیدند، (کوچک اهانتی به آنها نکن و حتی کمترین تعبیر نامؤدبانه همچون) اُف را به آنان نگوی! و بر سرشان فریاد نزن (و آنان را از پیش خود مران) و با

سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو. و بال تواضع و فروتنی را از روی مهربانی بر ایشان فرود آور و بگو: پروردگارا! به ایشان رحم فرما همان گونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ کردند».

۲۱۸- وعن أبي بكرة - رضي الله عنه- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أُنبئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكِبَائِرِ؟» ثَلَاثًا قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» وَكَانَ مُتَكِنًا فَجَلَسَ، فَقَالَ: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ وَشَهَادَةُ الزُّورِ» فَمَا زَالَ يَكْرُرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ. متفق عليه.

۲۱۸. و از ابوبکر رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سه بار فرمودند: «آیا شما را از بزرگترین گناه کبیره آگاه کنم؟» گفتیم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «شُرک به خدا و نافرمانی و آزار پدر و مادر»، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم (وقتی این را فرمودند) تکیه زده بودند، آن گاه نشست و فرمودند: «آگاه باشید! (دیگری) سخن دروغ و شهادت باطل است»، و این جمله را همچنان تکرار می فرمود تا این که با خود گفتیم: کاش سکوت می فرمود!»

۲۱۹- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْكِبَائِرُ: الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ، وَالْيَمِينُ الْعُمُوسُ» رواه البخاري.

۲۱۹. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «گناهان کبیره عبارتند از: شریک قرار دادن برای خدا، سرپیچی از دستورات پدر و مادر و آزارشان، قتل نفس و سوگند غموس (فرو برنده در سختی)»^۱.

سوگند غموس: سوگندی که عمداً به دروغ [برای تصاحب ناحق مال دیگری] یاد شود، به آن غموس [فرو برنده در سختی] گفته می شود، زیرا فاعلش را در گناه [و عذاب] فرو می برد.

۲۲۰- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مِنَ الْكِبَائِرِ شَتْمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ!» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهَلْ يَشْتُمُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟ قَالَ: «نَعَمْ، يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ أَبَاهُ، وَيَسُبُّ أُمَّهُ، فَيَسُبُّ أُمَّهُ» متفق عليه.

۲۲۰. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «از گناهان کبیره، بدگویی و دشنام دادن شخص به پدر و مادرش است»؛ گفتند: ای رسول خدا! مگر شخص به

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۵۴)، م (۸۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۶۷۵)].

پدر و مادر خودش دشنام می‌دهد؟! فرمودند: «بله، به پدر و مادر شخصی دشنام می‌دهد و او نیز (در مقابل) به پدر و مادر این دشنام می‌دهد»^۱.

۲۲۱- وعن جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ» قال سفیان فی روایتہ: یَعْنِي: قَاطِعٌ رَحِمٍ. متفقٌ علیہ.

۲۲۱. و از جبیر بن مطعم رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «قاطع، داخل بهشت نمی‌شود».

«سفیان» در روایت خود گفته است: منظورش، قاطع (صله‌ی) رحم است»^۲.

۲۲۰- وعن الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الْأُمَّهَاتِ، وَمَنْعًا وَهَاتِ، وَوَادَّ الْبَنَاتِ، وَكَرِهَ لَكُمْ قَيْلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ» متفقٌ علیہ.

۲۲۰. از مغیره بن شعبه رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «خداوند بر شما حرام کرده است آزار پدر و مادر و ندادن آنچه را که دادن آن بر شما واجب است و طلب آنچه را که از شما نیست و زنده به گور کردن دختران را و نمی‌پسندد برای شما قیل و قال (گفتگوی زیاد) و کثرت سؤال و ضایع کردن مال را، و زیاد سؤال کردن (در چیزی که فایده‌ای ندارد)، ضایع کردن مال و صرف آن در مصارف غیر مشروع را از شما مکروه و ناپسند دانسته است»^۳.

۱- متفق علیہ است؛ [خ (۵۹۷۳)، م (۹۰)].

۲- متفق علیہ است؛ [خ (۵۹۸۷)، م (۲۵۵۶)].

۳- متفق علیہ است؛ [خ (۱۴۷۷)، م (۱۷۱۵)].

۴۲ - باب فضل بر أصدقاء الأب والأم والأقارب والزوجة وسائر من يندب إكرامه:

باب فضیلت نیکوکاری به دوستان پدر و مادر و نزدیکان و همسر و

دیگر کسانی که احترامشان سفارش شده و پسندیده ست

۲۲۳- وعن مالك بن ربيعة الساعدي رضي الله عنه قال: بينا نحن جلوس عند رسول الله صلى الله عليه وسلم إذ جاءه رجل من بني سلمة فقال: يا رسول الله، هل بقي من بر أبي شيء أبرهما به بعد موتهما؟ فقال: «نعم، الصلاة عليهما، والاستغفار لهما، وإنفاذ عهدهما، وصله الرحم التي لا توصل إلا بهما، وإكرام صديقيهما» رواه أبو داود.

۲۲۳. از مالک بن ربیعہ ساعدی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: یکبار وقتی که ما نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نشسته بودیم، مردی از بنی سلمه پیش ایشان آمد و گفت: ای رسول خدا! آیا از نیکوکاری و احسان نسبت به پدر و مادرم چیزی مانده است که به وسیلهی آن، بعد از مرگشان، به ایشان نیکی کنم؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بله، دعای خیر کردن برای آنها، طلب مغفرت برای آنان، اجرای پیمانها و وصیتهای ایشان بعد از مرگشان، صلهی رحمی که جز به وسیلهی آنان امکانپذیر نیست و بزرگداشت دوستان آنان!».

۲۲۴- عن ابن عمر -رضي الله عنهما- أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إن أبر البر أن يصل الرجلُ وُدَّ أبيه». متفق عليه.

۲۲۴- از عبدالله بن عمر -رضی اللہ عنہما- روایت شده است که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بهترین نیکی اینست که شخص صلهی رحم با دوستان پدرش را ادامه دهد».

۲۲۵- وَعَنْ عَائِشَةَ رضي الله عنها قَالَتْ: مَا غُرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا غُرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ رضي الله عنها. وَمَا رَأَيْتُهَا قَطُّ، وَلَكِنْ كَانَ يُكْتَرُ ذِكْرُهَا، وَرَبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ، ثُمَّ يُقَطُّهَا أَغْضَاءً، ثُمَّ يَبْعُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ، فَرَبَّمَا قُلْتُ لَهُ: كَأَنْ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا خَدِيجَةُ! فَيَقُولُ: «إِنَّهَا كَانَتْ وَكَانَتْ وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ» متفق عليه.

۲۲۵. از حضرت عایشه (رضی اللہ عنہا) روایت شده است که فرمود: بر هیچ یک از همسران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به اندازهی رشکی که به حضرت خدیجه بردم، رشک نبردم، گرچه هرگز او را ندیده بودم، اما پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از او بسیار نام می بردند و یاد می کردند و چه بسا گوسفندی را سر می برید و گوشت آن را قطعه قطعه می نمود و آن را برای دوستان خدیجه می فرستاد، گاهی به او می گفتم:

گویی در دنیا زنی به جز خدیجه نبوده است! و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: «او (در خوبی) چنین و چنان بود و (به علاوه) من از او اولاد دارم»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۸۱۶)، م (۲۴۳۵) و (۲۴۳۷)].

۴۳- باب إكرام أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم وبيان فضلهم:

باب احترام اهل بيت پیامبر ﷺ و بیان فضیلت ایشان

قال الله تعالى:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾ (الأحزاب / ۳۳)

«خداوند فقط می خواهد (که به این وسیله) پلیدی و گناه را از شما اهل بیت (زنان و فرزندان و نزدیکان پیامبر ص) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد».

وقال تعالى:

﴿ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعْبِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴾ (الحج / ۳۳)

«هر کس شعائر و برنامه های الهی را بزرگ و محترم دارد، یقیناً (بزرگداشت) آنها از پرهیزگاری دل هاست».

۲۲۶- وعن يزيد بن حيان قال: انطلقت أنا وحصين بن سبرة، وعمرو بن مسلم إلى زيد بن أرقم رضي الله عنهم، فلما جلسنا إليه قال له حصين: لقد لقيت يا زيد خيراً كثيراً، رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم، وسمعت حديثه، وغزوت معه، وصليت خلفه: لقد لقيت يا زيد خيراً كثيراً، حدثنا يا زيد ما سمعت من رسول الله صلى الله عليه وسلم. قال: يا ابن أخي والله لقد كبرت سني، وقدم عهدي، ونسيت بعض الذي كنت أعي من رسول الله صلى الله عليه وسلم، فما حدثتكم، فاقبلوا، ومالا فلا تكلفوني ثم قال: قام رسول الله صلى الله عليه وسلم يوماً فينا خطيباً بماءٍ يدعى خمماً بين مكة والمدية، فحمد الله، وأثنى عليه، ووعظ، وذكر، ثم قال: «أما بعد: ألا أيها الناس، فإنما أنا بشرٌ يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، وأنا تاركٌ فيكم ثقلين: أولهما كتاب الله، فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله، واستمسكوا به» فحث على كتاب الله، ورغب فيه. ثم قال «وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي» فقال له حصين: ومن أهل بيتي يا زيد؟ أليس نساؤه من أهل بيتي؟ قال: نساؤه من أهل بيتي ولكن أهل بيتي من حرم الصدقة بعده، قال: ومن هم؟ قال: هم آل علي، وآل عقيل، وآل جعفر، وآل عباس، قال: كل هؤلاء حرم الصدقة؟ قال: نعم. رواه مسلم.

۲۲۶. و از یزید بن حیان روایت شده است که فرمود: من و «حصین بن سبره» و «عمر و بن مسلم» نزد «یزید بن ارقم» (رضی الله عنهم) رفتیم؛ وقتی پیش او نشستیم، حصین به او گفت: ای زید! خیر و برکت زیادی به تو رسیده است؛ پیامبر ﷺ را دیده ای و فرموده های او را شنیده ای و با او به جهاد رفته ای و پشت سرش نماز خوانده ای، یقیناً به خیرات و برکات زیادی دست یافته ای؛ ای زید! آنچه

را از پیامبر ﷺ شنیده‌ای، برای ما بیان کن، زید گفت: ای برادرزاده! به خدا سوگند، من پیر شده‌ام و زمان از من گذشته است و بعضی از مطالبی را که از پیامبر ﷺ حفظ کرده بودم، فراموش کرده‌ام، پس هر چه را برایتان گفتم، قبول کنید و آنچه را که نگفتم، مرا به گفتن آن مکلف نکنید. سپس گفت: روزی پیامبر ﷺ بر سر آبی که «خُم» می‌نامیدند و در بین مکه و مدینه واقع است، برای ما خطبه‌ای خواند؛ ابتدا ستایش و نیایش خدا را به جای آوردند و سپس پند و تذکر دادند و آن‌گاه فرمودند: «آگاه باشید ای مردم! من بشری هستم و نزدیک است که فرستاده‌ی خدایم (ملک الموت) نزد من بیاید و به ندای او لبیک گویم و بعد از خود، در میان شما، دو بار سنگین و دو چیز ارزنده باقی می‌گذارم: اول، کتاب خدا که در آن هدایت و نور موجود است، پس آن را محکم بگیرید و به آن تمسک و توسل بجوئید (و آن را پیشوای خود قرار دهید)» و در مورد قرآن، مردم را زیاد تشویق و ترغیب نمودند و سپس فرمودند: «و (دوم)، اهل بیت من است، خدا را در مورد اهل بیت به یادتان می‌آورم! خدا را در مورد اهل بیت به یادتان می‌آورم!» سپس حصین به زید گفت: ای زید! اهل بیت رسول خدا چه کسانی هستند؟ آیا مگر همسران پیامبر ﷺ نیز جزو اهل بیت ایشان نیستند؟ زید گفت: بله، زنان او نیز از اهل بیتش می‌باشند، اما اهل بیت او کسانی هستند که بعد از پیامبر ﷺ صدقه (زکات) بر ایشان حرام شده است، حصین گفت: آنان چه کسانی هستند؟ زید جواب داد: «آل علی»، «آل عباس»، «آل عقیل»، و «آل جعفر»؛ گفت: آیا بر تمام این‌ها صدقه حرام است؟ زید گفت: بله^۱.

۲۲۷- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَوْفُوقاً عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: ارْتَبُوا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۲۲۷. و از ابن عمر رضی اللہ عنہما از حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ به صورت حدیث موقوف، روایت شده است که فرمودند: «حق حضرت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را در اهل بیتش نگه دارید و رعایت کنید (به اهل بیت، احترام بگذارید)»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [خ (۲۴۰۸)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۳۷۵۱)].

۴۴ - باب توقیر العلماء والکابر وأهل الفضل وتقديمتهم على غیرهم، ورفع مجالسهم، وإظهار مرتبتهم:

باب بزرگداشت علما و بزرگان اهل دین و برتر شمردن آنان بر دیگران و بالابردن جایگاه و اظهار رتبه‌ی ایشان

قال الله تعالى:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (الزمر / ۹)
«ای پیامبرص) بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی‌بهره از معرفت و دانش‌اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می‌شوند.»

۲۲۸- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ليني منكم أولوا الأحلام والنهي، ثم الذين يلونهم» ثلاثاً «وإياكم وهيشات الأسواق» رواه مسلم.
۲۲۸. و از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: «بالغان و کامل مردان و عالمان و خردمندان پشت سر من بایستند، سپس کسانی که از لحاظ رتبه، پشت سر آنها هستند و سپس کسانی دیگر قرار گیرند» و سه بار این را تکرار کرد و بعد فرمودند: «(در مسجد و نماز جماعت) از بی‌نظمی و های و هوی بازارها پرهیزید»^۱.

۲۲۹- وعن جابر رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم كان يجمع بين الرجلين من قتلى أحدٍ يعني في القبر، ثم يقول: «أيهما أكثر أخذاً للقرآن؟» فإذا أشير له إلى أحدهما قدمه في اللحد. رواه البخاري.

۳۵۲. و از جابر رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله دو نفر از شهدای «احد» را در یک قبر جمع و دفن می‌کرد و سپس می‌فرمودند: «کدام یک از آن دو بیشتر از قرآن بهره گرفته و عالم‌تر به آن بود؟» و هنگامی که به یکی از آنها اشاره می‌شد، او را در لحد در جلو قبر قرار می‌داد^۲.

۲۳۰- وعن سهل بن أبي حنمة الأنصاري رضي الله عنه قال: انطلق عبد الله بن سهل ومحيصة ابن مسعود إلى خيبر وهي يومئذ صلح، فتفرقا. فأتى محيصة إلى عبد الله بن سهل وهو يتشخط

۱- مسلم روایت کرده است؛ [خ (۴۳۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۳۱۴۳)].

فِي دَمِهِ قَيْلًا، فَدَفَنَهُ، ثُمَّ قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَانْطَلَقَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَهْلٍ وَمُحَيِّصَةُ وَخُوَيْصَةُ ابْنَا مَسْعُودٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَهَبَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ يَتَكَلَّمُ فَقَالَ: «كَبُرَ كَبْرٌ» وَهُوَ أَخَذْتُ الْقَوْمَ، فَسَكَتَ، فَتَكَلَّمَا فَقَالَ: «أَتَحْلِفُونَ وَتَسْتَحِقُّونَ قَاتِلَكُمْ؟» وَذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ. متفق عليه.

۲۳۰. و از سهل بن ابی حثمه انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «عبدالله بن سهل» و «محیصه بن مسعود» به «خیبر» رفتند و خیبر در آن روز در صلح بود، سپس از هم جدا شدند؛ (پس از مدتی) محیصه نزد عبدالله بن سهل آمد در حالی که او کشته شده و در خون خود غوطه‌ور بود، او را دفن کرد، و سپس به مدینه آمد و عبدالرحمن بن سهل و محیصه و خویصه پسران مسعود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند؛ و عبدالرحمن خواست صحبت کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بزرگ تر صحبت کند» - و عبدالرحمن جوان ترین آنها بود - ساکت شد و آن دو نفر دیگر صحبت کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا سوگند یاد می کنید تا حق شما بر قاتل ثابت شود؟» و بقیه‌ی حدیث را نقل کرد^۱.

۲۳۱- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَرَأَيْتَ فِي الْمَنَامِ أَسْوَكَ بِسَوَاكِ، فَجَاءَنِي رَجُلَانِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، فَتَاوَلْتُ السَّوَاكَ الْأَصْغَرَ، فَقِيلَ لِي: كَبُرَ، فَدَفَعْتُهُ إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْهُمَا» رواه مسلم مُسْنَدًا وَابْنُ أَبِي حَتْمَةَ تَعْلِيْقًا.

۲۳۱. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خود را در خواب دیدم که با سواکی مسواک می زدم؛ دو مرد پیش من آمدند که یکی از آنها بزرگ تر از دیگری بود، مسواک را به کوچک تر دادم، به من گفته شد: بزرگ تر را در نظر بگیر، پس آن را به بزرگ تر دادم»^۲.

۲۳۲- وعن أبي موسى رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَعَالَى إِكْرَامَ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ، وَحَامِلِ الْقُرْآنِ غَيْرِ الْعَالِي فِيهِ، وَالْجَافِي عَنْهُ وَإِكْرَامَ ذِي السُّلْطَانِ الْمُفْسِطِ» حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ.

۲۳۲. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از (نشانه‌های) بزرگداشت و تعظیم خداوند، احترام و اکرام پیرمرد سفیدموی مسلمان، و قاری قرآن است که در آن مبالغه ننماید و خواندن و عمل به آن را نیز ترک نکند و (نیز احترام و اکرام شخص) صاحب قدرت عادل است»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۸۹۸)، م (۱۶۹۷)].

۲- مسلم [(۲۲۷۱)] به عنوان حدیث مسند و بخاری [(۲۴۶)] به تعلیق روایت کرده‌اند.

۳- حدیثی حسن است که ابوداود روایت کرده است؛ [(۴۸۴۳)].

۲۳۳- وعن عمرو بن شعيب، عن أبيه، عن جده رضي الله عنهم قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ليس منا من لم يرحم صغيرنا، ويعرف شرف كبيرنا» حديث صحيح رواه أبو داود والترمذي، وقال الترمذي: حديث حسن صحيح.

۲۳۳. و از عمرو بن شعيب از پدرش از جدش رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «کسی که به کوچک تر ما رحم نکند (و نسبت به او دلسوز نباشد) و شرف و بزرگواری بزرگ تر ما را نشناسد (و او را احترام نکند)، از ما نیست»^۱.

۱- حدیثی حسن است که ابوداود [(۴۹۴۳)] و ترمذی [(۱۹۲۱)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی صحیح است.

۴۵ - باب زیارة اهل الخیر و مجالستهم و صحبتهم و محبتهم و طلب زیارتهم و الدعاء
منهم و زیارة المواضع الفاضلة:

باب زیارت اهل خیر و همنشینی و معاشرت و دوستی آنان و درخواست دیدار و ملاقات و دعای خیر از آنها و دیدار از جاهای خوب

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتْنِهِ لَآ أَبْرُحَ حَتَّىٰ أَتْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾ إِلَى قَوْلِهِ
تَعَالَى: ﴿قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾ (الكهف / ۶۰-۶۶)
«به یاد آور) زمانی را که موسی به جوان (خدمتگزار و شاگرد) خود گفت: من هرگز از پای
نمی‌نشینم و همچنان می‌روم تا این که به محل برخورد دو دریا برسم و یا این که روزگاران زیادی
را در رفتن بگذرانم (تا او را بیابم)» تا آنجا که می‌فرماید: «موسی به او گفت: آیا (می‌پذیری که من
همراه تو شوم و از تو) پیروی کنم، به این شرط که از آنچه به تو آموخته شده است، مایه‌ی رشد و
صلاح مرا، به من بیاموزی؟»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ (الكهف/ ۲۸)
«ای پیامبرص! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای خود را می‌خوانند و عبادت
می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند».

۲۳۴ - وعن أنس رضي الله عنه قال: قال أبو بكر لعمر رضي الله عنهما بعد وفاة رسول الله صلى
الله عليه وسلم: انطلق بنا إلى أم أيمن رضي الله عنها نرورها كما كان رسول الله صلى الله عليه
وسلم يزورها، فلما انتهيا إليها، بكت، فقالا لها: ما يبكيك أما تعلمين أن ما عند الله خير لرسول
الله صلى الله عليه وسلم؟ فقالت: إنني لا أبكي أنني لأعلم أن ما عند الله تعالى خير لرسول الله
صلى الله عليه وسلم، ولكن أبكي أن الوحي قد انقطع من السماء. فهيجنهما على البكاء، فجعلاً
يبكيان معها. رواه مسلم.

۲۳۴. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: حضرت ابوبکر رضی الله عنه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت عمر رضی الله عنه گفت: به دیدار ام‌ایمن^۱ برویم همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن او می‌رفت، چون پیش او رفتند، گریه کرد، به او گفتند: چه چیز تو را به گریه واداشت؟ چرا گریه می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی که آنچه نزد خداست، برای پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر (از زندگی دنیا) است؟ ام‌ایمن جواب داد: برای این گریه نمی‌کنم که ندانم آنچه پیش خداست، برای پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر است، بلکه گریه‌ام برای آن است که وحی از آسمان قطع شده است؛ این سخن ام‌ایمن، آنها را نیز به گریه واداشت و هر دو با او به گریه افتادند.^۲

۲۳۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم: «أَنَّ رَجُلًا زَارَ أَخًا لَهُ فِي قَرْيَةٍ أُخْرَى، فَأَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى مَدْرَجَتِهِ مَلَكًا، فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ قَالَ: أَتَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ: أُرِيدُ أَخًا لِي فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ. قَالَ: هَلْ لَكَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَةٍ تَرْتُئِبُهَا عَلَيْهِ؟ قَالَ: لَا، غَيْرَ أَنِّي أَحْبَبْتُهُ فِي اللَّهِ تَعَالَى، قَالَ: فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ بَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَبَّكَ كَمَا أَحْبَبْتُهُ فِيهِ» رواه مسلم.

۲۳۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی به دیدار برادر دینی خود، در دهی دیگر رفت؛ خداوند بر سر راه او فرشته‌ای را منتظر گماشت و وقتی که او به فرشته رسید، فرشته به وی گفت: می‌خواهی کجا بروی؟ گفت: به دیدن برادر دینیم در این دهکده؛ گفت: آیا تو نزد او مال و نعمتی داری که به واسطه‌ی او، آن را افزایش دهی (یا کاری به او داری)؟ گفت: نه، فقط برای رضای خدا او را دوست دارم، فرشته گفت: پس من از طرف خدا به سوی تو فرستاده شده‌ام و مأمورم که (به تو بگویم): خداوند تو را دوست دارد، همچنان که تو او را به خاطر وی دوست داری»^۳.

۲۳۶- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَجَلِيسِ السُّوءِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ، إِمَّا أَنْ يُحْدِثَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً. وَنَافِخُ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يَحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا مُنْتَنِةً» متفق عليه.

۱- «ام‌ایمن بَرکه دختر ثعلبه»، حضانت و مراقبت‌کننده از پیامبر صلی الله علیه و آله در کودکی ایشان و کنیز آزاد شده‌ی آن حضرت و همسر «زید بن حارثه» و مادر «اسامه بن زید» رضی الله عنه - ویراستاران.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۴۵۴].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۷].

۲۳۶. و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال همنشین صالح و همنشین بد، مانند دارنده‌ی مشک و دمنده‌ی کوره‌ی آهنگر است؛ دارنده‌ی مشک، یا از آن به تو می‌بخشد، یا آن را از او می‌خرد، یا از او بوی خوشی را استشمام می‌کند؛ اما دمنده‌ی کوره، یا لباس را می‌سوزاند، یا از او بوی ناخوشی استشمام می‌کند»^۱.

۲۳۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ». رواه أبو داود والترمذي بإسنادٍ صحيح.

۲۳۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مرد بر دین دوست و همنشینش می‌باشد (دوست و همنشین در عقیده و دین دوستش تأثیر فراوان دارد) پس باید هر کدام از شما دقت کند که با چه کسی دوست و همنشین است»^۲.

۲۳۸- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ». متفق عليه

وفي رواية: قال: قيل للنبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الرجل يحبُّ القومَ ولَمَّا يَلْحَقُ بِهِمْ؟ قَالَ: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

۲۳۸. و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص با کسی (محشور) است که او را دوست دارد»^۳.

در روایتی دیگر آمده است: ابوموسی رضی الله عنه گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: انسان، گروهی را دوست دارد و هنوز (در عمل) به آن گروه نپیوسته است (حال او چگونه است؟)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص (در روز قیامت)، با کسی (محشور) است که او را دوست دارد».

۲۳۹- وعن أنس رضي الله عنه أن أعرابياً قال لرسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: متى الساعة؟ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ما أعددت لها؟» قال: حُبُّ اللهِ وَرَسُولِهِ قَالَ: «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ». متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [(۵۵۳۴)، م (۲۶۲۸)].

۲- ابوداود [(۴۸۳۳)] و ترمذی [(۲۳۷۸)] با اسناد صحیح روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۷۰)، م (۲۶۴۰)].

۲۳۹. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: شخصی اعرابی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: قیامت چه زمانی فرا می‌رسد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چه چیزی برای آن آماده کرده‌ای؟» مرد گفت: محبت خدا و پیامبر او؛ پیامبر فرمودند: «تو با کسی خواهی بود که او را دوست داری»^۱.

۲۴۰- وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: استأذنتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْعُمْرَةِ، فَأَذِنَ لِي، وَقَالَ: «لَا تَنْسَنَا يَا أُخَيَّ مِنْ دُعَائِكَ» فَقَالَ كَلِمَةً مَا يَسُرُّنِي أَنَّ لِي بِهَا الدُّنْيَا.

و فی روایة قال: «أَشْرَكُنَا يَا أُخَيَّ فِي دُعَائِكَ». حدیث صحیح رواه أبو داود، والترمذی وقال: حدیث حسن صحیح.

۲۴۰. و از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه‌ی انجام عمره خواستم، به من اجازه دادند و فرمودند: «برادرم! ما را از دعای خیر فراموش نکن»، حضرت عمر رضی الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله جمله‌ای فرمود که دوست ندارم آن را با تمام دنیا عوض کنم.^۲
در روایتی دیگر آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برادرم! ما را در دعای خود شریک کن».

۲۴۱- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزُورُ قُبَاءَ رَاكِبًا وَمَاشِيًا، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ. متفقٌ عليه.

۲۴۱- و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله سواره و پیاده به زیارت «مسجد قبا» می‌رفت و در آنجا دو رکعت نماز می‌خواند.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۶۸۸)، م (۲۶۳۹)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۱۴۹۸)] و ترمذی [(۳۵۵۷)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

٤٦- فضل الحب في الله والحث عليه وإعلام الرجل من يحبه، أنه يحبه، وما ذا يقول له إذا أعلمه:

باب فضیلت محبت در راه خدا و تشویق مردم به آن و آگاه نمودن کسی را که دوست دارد از دوستی خود و آنچه مخاطب بعد از خبر دادن او به وی می گوید

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح / ٢٩)

إلى آخر السورة.

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کافران، تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز می‌باشند.»

تا آخر سوره.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾ (الحشر / ٩)

«و [نیز] کسانی راست که پیش از آنان در دار الإسلام جای گرفتند و ایمان [نیز] در دلشان جای گرفت. کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می‌دارند.»

٢٤٢- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ، كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْدَفَ فِي النَّارِ» متفق عليه.

٢٤٢. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «سه خصلت وجود دارد که در هر کس باشد، حلاوت ایمان را با آنها درمی‌یابد: (١) خدا و رسول را از همه کس بیشتر دوست بدارد؛ (٢) کسی را که دوست دارد، تنها برای خدا دوست بدارد؛ (٣) پس از آن که خداوند او را از کفر نجات داده است، از بازگشتن به آن، همان‌گونه که از انداخته شدن به درون آتش بدش می‌آید، نفرت داشته باشد!»^١.

١- متفق عليه است؛ [خ (١٦)، م (٤٣)].

۲۴۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سِعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَشَابٌ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مَعْلَقٌ بِالْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ، وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ، فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ اللهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ، فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللهُ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ» متفقٌ عليه.

۲۴۳. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هفت نفر هستند که خداوند در روزی که جز سایه‌ای او سایه‌ای نیست، ایشان را در سایه‌ی خود پناه می‌دهد: (۱) حاکم عادل؛ (۲) جوانی که در عبادت خداوند متعال رشد و نشأت یافته باشد؛ (۳) مردی که دلش به مسجد وابسته است؛ (۴) دو مرد که برای رضای خدا همدیگر را دوست دارند و با آن محبت، با هم جمع و از هم جدا می‌شوند؛ (۵) مردی که زنی صاحب‌مقام و زیبا، او را پیش خودش (برای زناکردن) بخواند و او در جواب بگوید: من از خدا می‌ترسم؛ (۶) مردی که صدقه دهد و آن را چنان پنهان کند، که دست چپ او از انفاق دست راستش بی‌خبر باشد؛ (۷) مردی که در حالت تنهایی و خلوت، خدا را یاد کند و چشمانش پر از اشک گردد»^۱.

۲۴۴- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيُّنَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي؟ الْيَوْمَ أُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلِّي» رواه مسلم.

۲۴۴. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خداوند متعال در روز قیامت می‌گوید: کجایند آنانی که در راه جلال من یکدیگر را دوست داشته‌اند؟ من امروز آنان را در سایه‌ی خود خواهم گرفت؛ روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی من وجود ندارد»^۲.

۲۴۵- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» رواه مسلم.

۲۴۵. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «سوگند به کسی که جان من در دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید تا این که ایمان داشته باشید و ایمان نخواهید داشت تا

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۰)، م (۱۰۳۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶۶)].

آن که همدیگر را دوست داشته باشید؛ آیا شما را راهنمایی کنم به چیزی که اگر آن را انجام دهید، همدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام را در میان خودتان پراکنده و عمومی کنید»^۱.

۲۴۶- وعن البراءِ بنِ عازبٍ رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال في الأنصار: «لا يُحِبُّهُمُ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ، مَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ» متفقٌ عليه.

۲۴۶. و از براء بن عازب (رضی الله عنهما) روایت شده است که پیامبر ﷺ درباره‌ی «انصار» فرمودند: «تنها شخص مؤمن، ایشان را دوست دارد و تنها شخص منافق، از ایشان نفرت دارد و کسی که انصار را دوست بدارد، خداوند نیز او را دوست می‌دارد و هر کس از انصار تنفر داشته باشد، خداوند نیز از او منتفر است»^۲.

۲۴۷- وعن مُعَاذِ رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الْمُتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي، لَهُمْ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ يَعْطِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ». رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۲۴۷. و از معاذ رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند - عز و جل - می‌فرماید: «برای کسانی که همدیگر را به خاطر عظمت من دوست دارند، برایشان منبرهایی از نور آماده است که (به سبب آن) پیامبران و شهیدان به منزلت آنها غبطه می‌خورند»^۳.

۲۴۸- وعن أنس، رضي الله عنه، أَنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَمَرَّ رَجُلٌ بِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي لِأُحِبُّ هَذَا، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَأَعْلَمْتَهُ؟» قَالَ: لَا قَالَ: «أَعْلَمُهُ» فَلَحِقَهُ، فَقَالَ: إِنِّي أُحِبُّكَ فِي اللَّهِ، فَقَالَ: أَحَبَّكَ الَّذِي أَحْبَبْتَنِي لَهُ. رواه أبو داود بإسنادٍ صحيحٍ.

۲۴۸. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر ﷺ بود، مردی دیگر از آنجا عبور کرد، مرد گفت: ای رسول خدا! من این شخص را دوست دارم، پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا او را از این محبت آگاه کرده‌ای؟» گفت: خیر، پیامبر ﷺ فرمودند: «او را از آن آگاه کن» و مرد، نزد

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۸۳)، م (۷۵)].

۳- ترمذی روایت کرده است [(۲۳۹۱)] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

دیگری رفت و گفت: من تو را به خاطر خدا دوست دارم، او هم گفت: آن کسی که تو مرا به خاطر او دوست داری، تو را دوست بدارد!'.
(حدیث شماره: ۲۳۵ را نیز بخوانید)

۴۷- باب علامات حب الله تعالى للعبد والحث على التخلق بها والعسي في

تحصيلها:

باب نشانه‌های محبت خدا نسبت به بنده و تشویق به خو گرفتن به آن

علامت‌ها و تلاش و کوشش در به دست آوردن آنها

قال الله تعالى:

﴿ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾

(آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبرص) بگو: اگر شما خداوند یکتا را دوست دارید، پس از من پیروی کنید که در این صورت خداوند نیز شما را دوست خواهد داشت و گناهان شما را خواهد آمرزید و خدا، آمرزنده و مهربان است».

وقال تعالى:

﴿ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ

فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ إِشْرَاءٍ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾ (المائدة / ۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود باز گردد (کوچک‌ترین زیانی به خداوند نمی‌رساند و) در آینده خداوند جمعیتی را (به جای آنان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند آنان را دوست دارد و آنها هم خداوند را دوست دارند و ایشان نسبت به مؤمنان نرمخو و فروتن بوده و در برابر کافران سرسخت و با عزت می‌باشند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌گری، هراسی به خود راه نمی‌دهند، این هم فضل خداست و خداوند آن را به هر کس که بخواهد، عطا می‌کند و خداوند دارای فضل فراوان و (از مستحقان آن) آگاه است».

۲۴۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قال: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ تَعَالَى الْعَبْدَ، نَادَى جِبْرِيْلَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ فُلَانًا، فَأَحْبِبْهُ، فَيَحِبُّهُ جِبْرِيْلُ، فَيُنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا، فَأَحْبِبُوهُ، فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ» متفق عليه.

۲۴۹. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که خداوند بنده‌ای را

دوست بدارد، به جبرئیل اعلام می‌کند که خداوند فلانی را دوست دارد، پس تو هم او را دوست

بدار، پس جبرئیل هم او را دوست می‌دارد و در میان اهل آسمان ندا می‌دهد که خداوند فلان را دوست دارد، شما هم او را دوست بدانید، پس ساکنان آسمان نیز او را دوست خواهند داشت، آن‌گاه مقبولیت (و محبت) او در زمین هم بنا گذاشته می‌شود.^۱

۲۵۰- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَعَثَ رَجُلًا عَلَى سَرِيَّةٍ، فَكَانَ يَقْرَأُ لِأَصْحَابِهِ فِي صَلَاتِهِمْ، فَيَخْتِمُ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿١﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا، ذَكَرُوا ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «سَلُوهُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ؟» فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لِأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ أُقْرَأَ بِهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّهُ» متفقٌ عليه.

۲۵۰. و از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ مردی را رئیس یک سریه (گروهی از لشکر که مخفیانه به جنگ می‌رود) کرد و او در نماز جماعت برای دوستانش، قرآن می‌خواند و پس از آن سوره‌ی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿١﴾ را قرائت و رکعت را بدان ختم می‌کرد، وقتی بازگشتند، همراهان وی موضوع را به اطلاع پیامبر ﷺ رسانیدند، ایشان فرمودند: «از او بپرسید که به چه منظور این کار را می‌کرده است»، از او پرسیدند، جواب داد: زیرا که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿١﴾ صفت خدای بخشنده است و من دوست دارم که همیشه [به قصد ذکر خدا]، آن را قرائت کنم؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «به او خبر دهید که خداوند او را دوست دارد».

(به حدیث شماره: ۶۲ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۰۹)، م (۲۶۳۷)].

۴۸ - باب التحذیر من إیذاء الصالحین والضعفة والمساکین:

باب بیم‌دادن از آزار صلحا و ضعفا و فقرا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا

وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۖ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۖ ﴾ (الضحی / ۹-۱۰)

«ای پیامبرص) یتیمان را مورد قهر و خشم قرار مده و گدا را از خود مران.»

۲۵۱- وعن جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ، فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ، فَلَا يُطَلَبُكُمُ اللَّهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَطْلُبُهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ، يُدْرِكُهُ، ثُمَّ يَكْبُهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» رواه مسلم.

۲۵۱. و از جندب بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که نماز صبح را (بموقع) بخواند، در پناه و ضمانت خداست، مواظب باشید که خداوند، شما را به خاطر آنچه در ذمه اش است (که از آن چنین انسانی باشد) بازخواست نکند، (یعنی هشیار باشید که کمترین بی ادبی یا تعرضی در حق او از شما سر نزنند)، زیرا که خداوند هر کس را به خاطر بنده‌ی مورد ضمانت خود مطالبه کند، می گیرد و آن گاه، او را به آتش جهنم می اندازد!»^۱
(به حدیث شماره: ۶۲ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۵۷)].

۴۹- باب إجراء أحكام الناس على الظاهر وسرائرهم إلى الله تعالى:

باب قضاوت در باره‌ی مردم بر حسب ظاهر و (ارجاع) نهاد و درون آنها به خداوند متعال

قال الله تعالى:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ﴾ (التوبة / ۵)

«اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر آنها را به حال خود بگذارید.»

۲۵۲- وعن طارق بن أشيم -رضي الله عنه- قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللهِ، حُرِّمَ مَالُهُ وَدَمُهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللهِ تَعَالَى» رواه مسلم.

۳۹۱. و از طارق بن اشیم رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «هر کس بگوید: لا اله الا الله (جز الله، هیچ معبودی نیست) و همه‌ی آنچه را که عبادت می شود - جز خدا - انکار کرد و به آن کافر شد، مال و خون او حرام و حساب (اعمال پنهان و درون) او با خداست»^۱.

۲۵۳- وعن المقداد بن الأسود، رضي الله عنه، قال: قلت لرسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَقِيتُ رَجُلًا مِنَ الْكُفَّارِ، فَاسْتَلَّنَا، فَضَرَبَ إِحْدَى يَدَيْيَ بِالسَّيْفِ، فَقَطَعَهَا ثُمَّ لَادَ مِنِّي بِشَجَرَةٍ، فَقَالَ: أَسَلَّمْتُ لِلَّهِ، أَفَقُلُّهُ يَا رَسُولَ اللهِ بَعْدَ أَنْ قَالَهَا؟ فَقَالَ: «لَا تَقْتُلُهُ»، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ قَطَعَ إِحْدَى يَدَيْيَ، ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ بَعْدَمَا قَطَعَهَا؟ فَقَالَ: «لَا تَقْتُلُهُ، فَإِنْ قَتَلْتَهُ، فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَقْتُلَهُ. وَإِنَّكَ بِمَنْزِلَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَقُولَ كَلِمَتَهُ الَّتِي قَالَ» متفق عليه.

و معنی «إِنَّهُ بِمَنْزِلَتِكَ» أي: مَعْصُومُ الدِّمِّ مَحْكُومٌ بِإِسْلَامِهِ، ومعنى «إِنَّكَ بِمَنْزِلَتِهِ» أي: مُبَاحُ الدِّمِّ بِالْقِصَاصِ لَوْرَتَيْهِ، لَا أَنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ فِي الْكُفْرِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

۲۵۳. و از مقداد بن اسود رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم گفتم: اگر با مردی از کافران برخورد کنم و در بین ما جنگ واقع شود و او یک دست مرا با شمشیر قطع کند، و سپس (از ترس) من به درختی پناه ببرد و بگوید: به خدا تسلیم شدم و اسلام آوردم، آیا بعد از آن که این را گفت (کلمه‌ی طیه را بر زبان آورد)، او را بکشم؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: نه، او را نکش؛ گفتم: ای

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۳)].

رسول خدا! یک دست مرا قطع کرده و بعد از قطع آن، این کلمه را گفته است! فرمودند: او را نکش که اگر او را بکشی، او به منزله‌ی تو در قبل از وقتی است که او را بکشی (مسلمان است) و تو به منزله‌ی او هستی در پیش از زمانی که آن حرفش را بزندی.^۱

معنی این که می‌فرماید: «او به منزله‌ی توست» این است که خونس محفوظ و حرام است و مسلمان به حساب می‌آید و این که: «تو به منزله‌ی او هستی»، یعنی: خونت برای قصاص از طرف ورثه‌ی او مباح است و می‌تواند تو را [چون مسلمانی را کشته‌ای]، قصاص کنند و بکشند و به این معنی نیست که: «تو در کافر بودن به منزله‌ی او هستی» - و خداوند آگاه‌تر است.

۲۵۴- وعن عبد الله بن عتبة بن مسعود قال: سمعتُ عمر بن الخطاب، رضي الله عنه يقول: «إِنَّ نَاسًا كَانُوا يُؤْخَذُونَ بِالْوَحْيِ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ الْوَحْيَ قَدْ انْقَطَعَ، وَإِنَّمَا نَأْخُذُكُمْ الْآنَ بِمَا ظَهَرَ لَنَا مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا خَيْرًا، أَمَّنَّا، وَقَرَّبَنَا، وَلَيْسَ لَنَا مِنْ سِرِّيَّتِهِ شَيْءٌ، اللَّهُ يُحَاسِبُهُ فِي سِرِّيَّتِهِ، وَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا سُوءًا، لَمْ نَأْمَنْهُ، وَلَمْ نُصَدِّقْهُ وَإِنْ قَالَ: إِنَّ سِرِّيَّتَهُ حَسَنَةٌ» رواه البخاري.

۲۵۴. و از عبدالله بن عتبه بن مسعود روایت شده است که فرمود: از عمر بن خطاب رضي الله عنه شنیدم که می‌فرمودند: بعضی از مردم در زمان پیامبر صلى الله عليه وسلم با وحی مؤاخذه می‌شدند، اما اکنون وحی قطع شده است و ما شما را با اعمالتان مؤاخذه می‌کنیم، هر کس کار نیک انجام دهد و از او ظاهر شود، ما او را امان می‌دهیم و به خود نزدیک می‌کنیم و به اعمال پنهان و نهاد او اطلاعی و کاری نداریم، و خداوند خود، او را در مورد آن محاسبه می‌کند و هر کس کار بد انجام دهد و از او ظاهر شود، او را امان نمی‌دهیم و رفتار او را تصدیق نمی‌کنیم، هر چند که بگوید: اعمال پنهان و نهاد و درون او خوب است.^۲

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۰۱۹)، م (۹۵)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۶۴۱)].

۵۰- باب الخوف

باب خوف از خدا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَيُّنِي فَأَرْهَبُونَ﴾ (البقره / ۴۰)

«فقط از من بترسید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ (البروج / ۱۲)

«همانا گرفت ناگهانی خدای تو بسیار سخت است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ (۱۲)

﴿لَأَيَّةَ لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۚ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ﴾ (۱۳)

﴿تُؤَخَّرُهُ ۚ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ﴾ (۱۴) ﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ﴾ (هود / ۱۰۲-۱۰۶)

«عقاب پروردگار تو این چنین است، هر گاه که شهرها و آبادی‌هایی را - که ستمکار باشند - عقاب کند و بگیرد، به راستی عقاب خدا، دردناک و سخت است. به حقیقت در این (معجزات و نابودی ملت‌های ستمگر) عبرت بزرگی است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد، آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند و روزی است که مشاهده می‌گردد. ما چنین روزی را فقط تا زمان اندکی به تأخیر می‌اندازیم. روزی که آن (قیامت) فرا می‌رسد، کسی یارای سخن گفتن ندارد، مگر با اجازه‌ی خدا و دسته‌ای از مردم بدبختند و دسته‌ای خوشبختند. اما آنان که اهل شقاوت هستند، در آتش دوزخ جای دارند و در آنجا، ناله و فریاد سر می‌دهند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ﴾ (آل عمران / ۲۸)

«خداوند شما را از (نافرمانی) خود بر حذر می‌دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَحْبَتِهِ وَنَبِيِّهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ

يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ (عبس / ۳۴-۳۷)

«روزی که انسان از برادر و مادر و پدرش و همسر و فرزندان، فرار می‌کند. در آن روز، هر کدام از آنان وضعی و گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می‌کند و از هر چیز دیگری باز می‌دارد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تَدْهَلُ

كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا

هُم بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ (الحج / ۱-۲)

«ای مردم! (از عقاب و عذاب) پروردگارتان بترسید، زلزله‌ی رستاخیر، واقعاً چیز بزرگی (و حادثه‌ی هراس‌انگیزی) است. روزی که زلزله‌ی رستاخیر را می‌بینید، (می‌بینید که) هر زن شیرده‌ی، کودک شیرخوار خود را رها و فراموش می‌کند و هر زن بارداری، سقط جنین می‌نماید و مردمان را مست می‌بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند سخت است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (الرحمن / ۴۶)

«و برای آن کس که از ایستادن خود در برابر پروردگارش می‌ترسد (و گناهی مرتکب نمی‌شود) دو باغ در بهشت مهیاست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

فَمَنْ لِلَّهِ عَلَيْنَا وَقَدْنَا عَذَابَ السَّمُورِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ

الرَّحِيمُ﴾ (الطور / ۲۵-۲۸)

«بهشتیان) پرسش کنان روی به همدیگر می‌کنند، می‌گویند: ما پیش از این (در دنیا) در میان خانواده و فرزندانمان (از خشم خدا و حساب و کتاب و جزاء و سزای قیامت) بیمناک بودیم. سرانجام خداوند بر ما (منت نهاد) و مرحمت فرمود و ما را از عذاب سراپا شعله‌ی دوزخ، به دور داشت. ما پیش از این (هم) فقط او را عبادت می‌کردیم، او واقعا نیکوکار و مهربان است».

وَالآيَات فِي الْبَابِ كَثِيرَةٌ جَدًّا.

آیات در این مورد بسیار زیاد است.

۲۵۵- وعن النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «إِنَّ أَهْوَنَ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِرَجُلٍ يُوضَعُ فِي أَحْمَصِ قَدَمَيْهِ جَمْرَتَانِ يَغْلِي مِنْهُمَا دِمَاعُهُ مَا يَرَى أَنَّ أَحَدًا أَشَدُّ مِنْهُ عَذَابًا، وَإِنَّهُ لَأَهْوَنُهُمْ عَذَابًا» متفق عليه.

۲۵۵. و از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «سبک‌ترین عذاب اهل دوزخ، عذاب مردی است که زیر فرو رفتگی دو پای او، دو اخگر آتش گرفته می‌شود که مغزش از شدت حرارت آنها جوش می‌زند و تصور نمی‌کند که عذابی سخت‌تر از آن باشد، در حالی که او دارای خفیف‌ترین عذاب دوزخیان است»^۱.

۲۵۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ حَتَّى يَغِيبَ أَحَدُهُمْ فِي رَشْحِهِ إِلَى أَنْصَافِ أُذُنَيْهِ» متفق عليه.

۲۵۶. و از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «مردم در پیشگاه خدای جهانیان می‌ایستند، تا جایی که بعضی از آنها تا نیمه‌ی گوشش در عرق خودش غرق می‌شود»^۲.

۲۵۷- وعن أنس، رضي الله عنه، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خُطْبَةً مَا سَمِعْتُ مِثْلَهَا قَطُّ، فَقَالَ: «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمَ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا» فَعَطَى أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجُوهَهُمْ، وَلَهُمْ حَنِينٌ. متفق عليه.

۲۵۷. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: یک بار، پیامبر ﷺ خطبه‌ای برای ما ایراد فرمود که هرگز مانند آن را نشنیده بودم، فرمودند: «اگر آنچه من می‌دانم، شما می‌دانستید، کمتر

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۵۶۱)، م (۲۱۳)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۵۳۱)، م (۲۸۶۲)].

می خندیدند و بیشتر گریه می کردید»، آن گاه اصحاب پیامبر ﷺ صورت های خود را پوشیدند و در گلو می گریستند!.

۲۵۸- وعن أبي بَرْزَةَ الْأَسْلَمِيِّ -رضي الله عنه- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمُرِهِ فِيْمَ أَفْنَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ فِيْمَ فَعَلَ فِيهِ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيْمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ فِيْمَ أَبْلَاهُ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۲۵۸. و از ابوبرزه اسلمی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در قیامت) هیچ بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد، مگر این که مورد سؤال قرار می گیرد؛ از عمرش: آن را در چه چیزی سپری کرده؟ از علمش: آن را در چه چیزی به کار گرفته؟ ثروتش: آن را چگونه جمع و در چه چیزی انفاق کرده؟ و از بدنش: آن را در چه چیزی به کار گرفته است؟»^۱.

۲۵۹- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَافَ أَدْلَجَ، وَمَنْ أَدْلَجَ، بَلَغَ الْمَنْزِلَ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ غَالِيَةٌ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ الْجَنَّةُ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۲۵۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس بترسد، از اول شب حرکت می کند و می رود و هر کس اول شب حرکت کند، به منزل خواهد رسید (منظور سرعت و سبقت و آمادگی همیشه در طاعت و عبادت خداست)، آگاه باشید که کالای خدا گران بهاست! آگاه باشید که کالای خدا بهشت است!»^۲.

۲۶۰- وعن عائشة، رضي الله عنها، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خُفَاءَ عُرَاءَ غُرْلًا» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الرَّجَالُ وَالنِّسَاءُ جَمِيعًا يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، قَالَ: «يَا عَائِشَةُ! الْأَمْرُ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يُهَمَّهُمْ ذَلِكَ».

و فی روایة: «الْأَمْرُ أَهْمٌ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ» متفق عليه.

۲۶۰. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «روز قیامت مردم در حالی حشر می شوند که پابرهنه و لخت و ختنه نشده هستند، (مانند روزی که از مادر به دنیا آمده اند)، گفتم: ای رسول خدا! مردان و زنان با هم، همدیگر را نگاه می کنند؟ پیامبر

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۶۲۱)، م (۲۳۹۵)].

۲- ترمذی روایت کرده [(۲۴۱۹)] و گفته است: حدیثی حسن صحیح است.

۳- ترمذی روایت کرده [(۲۴۵۲)] و گفته است: حدیثی حسن است.

فرمودند: «ای عایشه! وضعیت سخت‌تر از آن است که چنان قصدی داشته باشند». [- و در روایتی دیگر -] مسأله مهم‌تر از آن است که اهل محشر به همدیگر نگاه کنند! (به حدیث شماره: ۹۱ مراجعه شود)

باب رجا (امید به رحمت خدا)

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿قُلْ يَنْعِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (الزمر / ۵۳)

«ای پیامبرص! از قول خدا به مردمان) بگو: ای بندگانم! ای کسانی که در معاصی و گناهان زیاده‌روی کرده‌اید، از لطف و مرحمت خدا، مأیوس و ناامید نگردید، قطعاً خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَهَلْ نُجْزِي إِلَّا الْكَافِرَ﴾ (سبا / ۱۷)

«آیا مگر ما جز کافر و ناسپاس را مجازات می‌کنیم؟!»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ﴾ (طه / ۴۸)

«(از قول موسی عليه السلام خطاب به فرعون:) به ما وحی شده است که عذاب (شدید الهی) دامنگیر کسی می‌گردد که (آیات آسمانی و معجزات) را تکذیب نماید و (از دعوت ما و ایمان به خدا) روی بگرداند.»

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (الاعراف / ۱۵۶)

«رحمت من همه چیز را فرا گرفته است.»

۲۶۱- وعن عبادة بن الصامت، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ شَهِدَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَوُوحٍ مِنْهُ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَىٰ مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ». متفقٌ عليه.

۲۶۱. و از عباده بن صامت رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «کسی که شهادت دهد که: جز الله معبودی نیست و او تنها و بی‌شریک است و محمد صلى الله عليه وسلم بنده و فرستاده‌ی اوست، و

«عیسی» بنده و رسول او و کلمه‌ی اوست که به «مریم» القا کرد و روح خداست، و بهشت و دوزخ حق و راست است، هر عملی که داشته باشد، او را به بهشت داخل خواهد کرد».

۲۶۲- وعن أبي ذرٍّ، رضي الله عنه، قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «يقول الله عز وجل: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ، فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا أَوْ أَرْبَعٌ، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ، فَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِثْلُهَا أَوْ أَغْفَرُ. وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي شِبْرًا، تَقَرَّبْتُ مِنْهُ ذِرَاعًا، وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي ذِرَاعًا، تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا، وَمَنْ أَتَانِي يَمْشِي، أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً، وَمَنْ لَقِينِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ حَطِيبَةً لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لَقَيْتُهُ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً» رواه مسلم.

۲۶۲. و از ابوذر رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خدای عزوجل می فرماید: هر کس کار نیکی بکند، ده برابر آن پاداش نیک می یابد یا پاداشش را بیشتر می کنم و هر کس عمل بدی انجام دهد، جزای آن یک بدی مانند آن است یا این که او را می بخشم، و هر کس یک وجب به من نزدیک شود، من یک ذراع (نیم متر) به او نزدیک می شوم و کسی که به اندازه‌ی ذراعی به من نزدیک گردد، من به اندازه‌ی فاصله‌ی دو دست باز و کشیده به او نزدیک می شوم، و کسی که پیاده به سوی من بیاید، دوان دوان به سوی او می روم و هر کس با داشتن گناہانی به وسعت زمین با من ملاقات کند در حالی که به من شرکی نورزیده، من به همان میزان مغفرت (به اندازه‌ی ظرفیت زمین)، او را ملاقات می کنم»^۱.

۲۶۳- وعن أنسٍ، رضي الله عنه، أن النبي صلى الله عليه وسلم، ومُعَاذُ رَدِيفُهُ عَلَى الرَّحْلِ قَالَ: «يَا مُعَاذُ» قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، قَالَ: «يَا مُعَاذُ» قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ. قَالَ: «يَا مُعَاذُ» قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ ثَلَاثًا، قَالَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفَلَا أُخْبِرُ بِهَا النَّاسَ فَيَسْتَبْشِرُوا؟ قَالَ: «إِذَا يَتَكَلَّمُوا» فَأَخْبِرْ بِهَا مُعَاذٌ عِنْدَ مَوْتِهِ تَأْتُمًا. متفقٌ عليه.

۲۶۳. از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به معاذ - در حالی که بر ترک راحله‌ی او سوار بود - فرمودند: «ای معاذ!» گفت: بله، ای رسول خدا! در خدمت و گوش به فرمانم؛ آن گاه پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر بنده‌ای که از روی صداقت قلب، شهادت بدهد که تنها الله معبود است و محمد صلی اللہ علیہ وسلم بنده و فرستاده‌ی اوست، خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند»، معاذ رضی اللہ عنہ گفت: ای رسول خدا! آیا این خبر را به مردم نرسانم تا خوشحال شوند؟ فرمودند: «آن گاه بر آن تکیه و

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۸۷].

توکل می کنند (و از عبادت باز می ایستند)»، و معاذ رضی الله عنه تنها هنگام مرگش آن را به مردم گفت که مبدا به علت پنهان کردن آن گناهکار شود^۱.

۲۶۴- وَعَنْ عَثْبَانَ بْنِ مَالِكٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَهُوَ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا، قَالَ: كُنْتُ أَصَلِّي لِقَوْمِي بَنِي سَالِمٍ، وَكَانَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ وادٍ، إِذَا جَاءَتِ الْأَمْطَارُ، فَيَشُقُّ عَلَيَّ اجْتِيَازُهُ قَبْلَ مَسْجِدِهِمْ، فَجِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَنْكَرْتُ بَصْرِي، وَإِنَّ الْوَادِيَ الَّذِي بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمِي يَسِيلُ إِذَا جَاءَتِ الْأَمْطَارُ، فَيَشُقُّ عَلَيَّ اجْتِيَازُهُ، فَوَدِدْتُ أَنَّكَ تَأْتِي، فَتُصَلِّيَ فِي بَيْتِي مَكَانًا أَتَّخِذُهُ مُصَلًّى، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَأَفْعَلُ» فَعَدَا عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَبُو بَكْرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، بَعْدَ مَا اشْتَدَّ النَّهَارُ، وَاسْتَأْذَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَذْنَتْ لَهُ، فَلَمْ يَجْلِسْ حَتَّى قَالَ: «أَيُّنَ تُحِبُّ أَنْ أَصَلِّيَ مِنْ بَيْتِكَ؟» فَأَشْرَفْتُ لَهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَكَبَّرَ وَصَفَّفْنَا وَرَاءَهُ، فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ وَسَلَّمْنَا حِينَ سَلَّمَ، فَحَبَسْتُهُ عَلَى خَزِيرَةٍ تُصْنَعُ لَهُ، فَسَمِعَ أَهْلَ الدَّارِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِي، فَتَابَ رَجُلٌ مِنْهُمْ حَتَّى كَثُرَ الرَّجَالُ فِي الْبَيْتِ، فَقَالَ رَجُلٌ: مَا فَعَلَ مَالِكٌ لَا أَرَاهُ، فَقَالَ رَجُلٌ: ذَلِكَ مُنَافِقٌ لَا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «لَا تَقُلْ ذَلِكَ أَلَا تَرَاهُ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجَهَ اللَّهِ تَعَالَى؟». فَقَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، أَمَا نَحْنُ فَوَاللَّهِ مَا نَرَى وُدَّهُ، وَلَا حَدِيثَهُ إِلَّا إِلَى الْمُنَافِقِينَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَيَّ النَّارَ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجَهَ اللَّهِ» متفق عليه.

۲۶۴. از عثبان بن مالک رضی الله عنه - که از شرکت کنندگان غزوه بدر بود - روایت شده است که فرمود: من برای قوم خود «بنی سالم» امامت می کردم و در وقتی که باران می آمد (سیلاب) دره ای در بین من و ایشان حائل و گذشتن من از آن به طرف مسجد ایشان سخت می شد، پس به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و گفتم: من چشمم ضعیف است و دره ای را که میان من و طایفه ام حائل است هنگام باران، سیل فرا می گیرد و عبور از آن برای من دشوار می شود؛ دوست دارم که تشریف بیاوری و در یک جای منزل من نماز بخوانی، تا آن را جای نماز قرار دهم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به زودی چنان می کنم»؛ ظهر فردای آن روز، پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر رضی الله عنه تشریف آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه ی ورود خواست، به او اجازه ی ورود دادم و قبل از نشستن فرمودند: «دوست داری در کجای خانه ات نماز بخوانم؟» و من به جایی که دوست داشتم در آن نماز بخواند، اشاره کردم و پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد و الله اکبر گفت و ما پشت سر او به صف ایستادیم و دو رکعت نماز خواند و سلام داد

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۸)، م (۳۲)].

و ما نیز در وقت سلام ایشان، سلام دادیم و آن گاه ایشان را برای صرف خزیره^۱ که برایشان پخته شود، نگه داشتم، اهل محل شنیدند که پیامبر ﷺ در **خانه ی** من است و عده‌ی زیادی از مردانشان در آنجا گرد آمدند و مردی گفت: چرا مالک را در این جمع نمی‌بینم؟ و دیگری گفت: او منافق است و خدا و رسول او را دوست ندارد؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «چنین مگو! مگر نمی‌دانی که او لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفته و از گفتن آن کلمه تنها رضای خدا را خواسته است؟!» آن مرد گفت: خدا و رسول او داناترند، ولی به خدا سوگند، ما محبت و سخن او را تنها نسبت به منافقان مشاهده کرده‌ایم، پیامبر ﷺ فرمودند: «اما خداوند دوزخ را بر کسی که بگوید لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و منظورش از آن رضای خدا باشد، حرام کرده است»^۲.

۲۶۵- وعن عمر بن الخطاب، رضي الله عنه، قال: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَبْيِ فَاذًا امْرَأَةً مِنَ السَّبْيِ تَسْعَى، إِذْ وَجَدْتُ صَبِيًّا فِي السَّبْيِ أَخَذْتُهُ فَأَلْزَقْتُهُ بِبَطْنِهَا، فَأَرْضَعْتُهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتُرَوْنَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ طَارِحَةً وَلَدَهَا فِي النَّارِ؟ فُلْنَا: لَا وَاللَّهِ. فَقَالَ: «لِلَّهِ أَرْحَمُ بِعِبَادِهِ مِنْ هَذِهِ بَوْلِدِهَا» متفقٌ عليه.

۲۶۵. و از عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ بر عده‌ای اسیر زن و کودک گذشتند، ناگهان زنی از اسرا به سبب آن که کودکی را در میان اسیران دید، (به سوی او) دوید، او را گرفت و به سینه‌اش چسباند و به او شیر داد؛ پیامبر ﷺ خطاب به حاضران فرمودند: «آیا فکر می‌کنید که این زن فرزند خود را در آتش بیندازد؟! گفتیم: خیر، به خدا سوگند. پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند نسبت به بندگان خود، از این زن نسبت به کودکش هم مهربان‌تر است»^۳.

۲۶۶- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ، كَتَبَ فِي كِتَابٍ، فَهُوَ عِنْدَهُ فَوْقَ الْعَرْشِ: إِنَّ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي». وفي رواية: «غَلَبَتْ غَضَبِي» وفي رواية: «سَبَقَتْ غَضَبِي» متفقٌ عليه.

۱- نوعی خوردنی که با آرد و گوشت و پیه درست می‌کردند.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۲۵)، م (۳۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۹۹)، م (۲۷۵۴)].

۲۶۶. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که خداوند دستگاه آفرینش را آفرید، در کتابی که بر عرش و نزد خود او بود نوشت: «رحمت من بر خشم من غالب است»^۱.

در روایتی دیگر آمده است: «رحمتم بر خشمم غلبه کرد و سبقت گرفت».

۲۶۷- وعنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُدْنِبُوا، لَدَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ، وَجَاءَ بِقَوْمٍ يُدْنِبُونَ، فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ تَعَالَى، فَيَغْفِرُ لَهُمْ» رواه مسلم.

۲۶۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر شما گناه نمی کردید، خداوند شما را از میان بر می داشت و مردمی دیگر می آورد که گناه کنند و از خداوند طلب آمرزش نمایند تا آن گاه، خداوند آنها را بیامزد»^۲.

۲۶۸- وعن جابر، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ غَمْرٍ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يُغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ» رواه مسلم.

۲۶۸. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال نمازهای پنجگانه، مانند رودخانه‌ی جاری پر آب و بزرگی است که در جلوی خانه‌ی یکی از شماست و او هر روز، پنج مرتبه خود را در آن می شوید»^۳.

۲۶۹- وعن ابن عباس، رضي الله عنهما، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَيَّ جَنَازَتُهُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَعْتُهُمُ اللَّهُ فِيهِ» رواه مسلم.

۲۶۹. و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هیچ مرد مسلمانی نیست که بمیرد و چهل مرد - که به خدا شرک نمی ورزند - بر جنازه‌ی او حاضر شوند، مگر آن که خداوند آنان را شفیع او قرار می دهد»^۴.

۲۷۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يُدْنِي الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ رَبِّهِ حَتَّى يَضَعَ كَنَفَهُ عَلَيْهِ، فَيُقَرَّرُهُ بِدُنُوبِهِ، فَيَقُولُ: أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ أَتَعْرِفُ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۴۰۴)، م (۲۷۵۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۴۹].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۶۶۸].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۹۴۸].

ذَنْبٌ كَذَا؟ فَيَقُولُ: رَبِّ أَعْرِفُ، قَالَ: فَإِنِّي قَدْ سَتَرْتُهَا عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا أَعْفِرُهَا لَكَ الْيَوْمَ، فَيُعْطَى صَحِيفَةً حَسَنَاتِهِ» متفقٌ عليه.

۲۷۰. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «شخص مؤمن در روز قیامت به پروردگارش نزدیک می شود تا آنجا که خداوند، پوشش (رحمت و حمایت) خود را بر او می گسترد و او را به اقرار به گناهانش وادار می کند و می فرماید: «آیا فلان گناه و فلان گناه را به یاد داری؟» می گوید: خداوند! می دانم و خداوند می فرماید: «من در دنیا آنها را برای تو پوشاندم و امروز نیز آنها را برای تو می آمرزم» و بعد از آن، نامه ای اعمال نیکویش به او عطا می شود»^۱.

۲۷۱- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أن رجلاً أصاب من امرأة قبلة، فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فأخبره، فأنزل الله تعالى: ﴿ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ﴾ [هود: ۱۱۴] فَقَالَ الرَّجُلُ: أَلَيْ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «لِجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ» متفقٌ عليه.

۲۷۱. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی، زنی را بوسید و آن گاه به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را به او خبر داد، خداوند متعال این آیه را نازل کرد^۲:

﴿ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ﴾ (هود / ۱۱۴)

«در دو طرف روز (صبح و ظهر و عصر) و در قسمتی از شب (مغرب و عشا)، (چنان که باید)، نماز را به جای آور (ید)؛ بی گمان نیکی ها، بدی ها را از میان می برد».

آن مرد گفت: آیا این آیه تنها برای من است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(به طور کلی و) برای عموم امت من است».

۲۷۲- وعن أبي موسى، رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى، يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيُتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيُتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۴۶۸۵)، م (۲۷۶۸)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۴۶۸۷)، م (۲۷۶۳)].

۲۷۲. و از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال شبانه دستش را می‌گشاید تا بنده‌ای که در روز گناه کرده است، توبه کند و در روز، دستش را می‌گشاید، تا گناهکار از گناه شبش توبه کند، و این وضع، تا وقت طلوع خورشید از مغرب، (روز قیامت) ادامه دارد!».

(به حدیث شماره: ۹۲ مراجعه نمایید).

باب فضیلت رجا (امید به رحمت خداوند)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ:

﴿ وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴾ ۱ فَوَقَدَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا

(غافر / ۴۴-۴۵)

خداوند از زبان عبد صالح (مؤمن خانواده‌ی فرعون) می‌گوید: «... و کار خود را به خدا واگذار می‌نمایم، (چرا که) خداوند بر بندگان بینا و آگاه است. خداوند نیز (چنین بنده‌ی مؤمنی را تنها نگذاشت و) او را از بدی‌های توطئه‌ها و نیرنگ‌های آنان، محفوظ و مصون داشت».

۲۷۴- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ حَيْثُ يَذْكُرُنِي» متفقٌ عليه.

۲۷۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خداوند عزوجل می‌فرماید:

من با گمان بنده‌ام نسبت به من، همراهم (با او چنان رفتار می‌کنم که او گمان می‌برد) و در هر جا مرا یاد کند، (با توفیق و هدایت خود) با او خواهم بود»^۱.

۲۷۵- وعن جابر بن عبد الله، رضي الله عنهما، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يَقُولُ: «لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» رواه مسلم.

۲۷۵. و از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: او سه روز قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلم از

ایشان شنیدند که می‌فرمودند: «هر یک از شما باید قبل از وفات، گمان و ظنش را به خداوند متعال نیکو کند»^۲.

۲۷۵- وعن أنس، رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ، ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ، يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ حِطَايَا، ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لِأَتَيْتَكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۴۰۵)، م (۲۶۷۵)]. آنچه در متن آمده، لفظ یکی از روایت‌های مسلم است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۷۷)].

۲۷۵. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم! تا وقتی که مرا بخوانی و به من امیدوار باشی، همه ی آنچه از تو صادر شده (گناهان گذشته ی تو) را می بخشم و (به چگونگی گناه) توجه نمی کنم، ای فرزند آدم! اگر گناهان تو از کثرت و بزرگی به ابرهای آسمان برسد و سپس از من آمرزش خواهی، تو را می آمرزم، ای فرزند آدم! اگر به اندازه ی گنجایش زمین، گناه به سوی من بیاوری و سپس در حالی به من برسی که چیزی را شریک من قرار نمی دهی، با گنجایش زمین مغفرت و آمرزش به استقبال تو می آیم»^۱.

۱- ترمذی روایت کرده [۳۱۵۵] گفته است: حدیثی حسن است.

۵۳- باب الجمع بین الخوف والرجاء

باب جمع میان خوف و رجا

بدان که برای بنده در هنگام سلامتی‌اش، بهتر آن است که ترسان و امیدوار، و بیم و امید او یکسان باشد. و در حال بیماری، فقط امید و رجا داشته باشد و پایه‌های شرع از نصوص کتاب و سنت و... بر تأیید این مدعا، پشتیبان همدیگرند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (الأعراف / ۹۹)

«از مجازات ناگهانی خداوند، جز زیان‌کاران، کسی ایمن و غافل نمی‌گردد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكَ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (يوسف / ۸۷)

«جز کافران، کسی از رحمت و گشایش خدا، مأیوس نمی‌شود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ (آل عمران / ۱۰۶)

«روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شوند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (الأعراف / ۱۶۷)

«بی‌گمان پروردگار تو در عذاب و عقاب (نسبت به عاصیان و طاغیان) سریع و شتابنده و (نسبت به مطیعان و توبه‌کاران)، آمرزنده و مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿۱۳﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ (الانفطار / ۱۳-۱۴)

«قطعاً نیکان در میان نعمت‌های فراوان بهشتی به سر خواهند برد و قطعاً بدکاران در میان آتش سوزان دوزخ به سر خواهند برد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿۷۰﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿۷۱﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿۷۲﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴾ (القارعه / ۶-۹)

«پس آن کس که (در ترازوی حساب) کفه (ی نیکی‌ها) یش سنگین باشد، او در زندگی خوشایندی (بهشت) خواهد بود، اما کسی که کفه (ی نیکی‌ها) یش سبک باشد، مادر و جایگاه او، پرتگاه (ژرف دوزخ) است.»

آیات در این مورد فراوان هستند، چنان که خوف و رجا، در دو آیه‌ی پشت سر هم، یا چند آیه، یا یک آیه، جمع شده‌اند.

۲۷۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ. مَا طَمَعَ بِجَنَّتِهِ أَحَدٌ، وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ، مَا قَنَطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ» رواه مسلم.

۲۷۶. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر مؤمن آن شکنجه و عقوبت را که نزد خداوند است می‌دانست، هیچ کس در بهشت طمع نمی‌کرد و امید نمی‌بست و اگر شخص کافر آن رحمتی را که نزد خداوند است، می‌دانست، هیچ کس از رحمت و بهشت خدا مأیوس نمی‌شد»^۱.

۲۷۷- وعن ابن مسعود، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ» رواه البخاري.

۲۷۷. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهشت از بند کفش هر یک از شما، به او نزدیک‌تر می‌باشد و دوزخ نیز چنین است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۵۵].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۸۸].

۵۴ - باب فضل البكاء خشية الله تعالى وشوقاً إليه

باب فضیلت گریه از خوف خدا و شوق وصال او

قال الله تعالى:

﴿وَيُحَرِّضُونَ لِلذَّقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ (الإسراء / ۱۰۹)

«و گریه کنان به رو در می افتند و [شنیدن قرآن] بر فروتنی و خشوعشان می افزاید.»

وقال تعالى:

﴿أَمِنَ﴾ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجُّبُونَ ﴿٤٠﴾ وَتَضَحَّكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٤١﴾ (النجم / ۵۹-۶۰)

«آیا از این سخن تعجب می کنید؟ و آیا می خندید و گریه نمی کنید.»

۲۷۸- وعن ابن مسعود، رضي الله عنه، قال: قال لي النبي صلى الله عليه وسلم: «اقرأ عليّ القرآن» قلت: يا رسول الله، أقرأ عليك، وعليك أنزل؟ قال: «إني أحب أن أسمعك من غيري» فقرأت عليه سورة النساء، حتى جئت إلى هذه الآية: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [الآية: ۴۱] قال: «حسبك الآن» فالتفت إليه. فإذا عيناه تدرفان. متفق عليه.

۲۷۸. و از ابن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم به من فرمودند: «برای من قرآن بخوان»، گفتم: ای رسول خدا! من برای شما قرآن بخوانم، در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمودند: «من دوست دارم که آن را از غیر خود بشنوم» و من، سوره‌ی نساء را برای پیامبر صلى الله عليه وسلم تلاوت کردم تا به این آیه رسیدم:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (النساء / ۴۱)

«(ای پیامبرص) حال اینان چگونه خواهد بود، آن گاه که از هر ملتی گواهی بیاوریم و تو را نیز شاهدهی بر اینان بیاوریم؟!».

آن گاه فرمودند: «کافی است!»، به طرف ایشان متوجه شدم، از چشم‌های مبارکش اشک می بارید.»

۲۷۹- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يُلج النَّارَ رجلٌ بكي من خشية الله حتى يعود اللبن في الضرع ولا يجتمع غبارٌ في سبيل الله ودخان جهنم» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۲۷۹- و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی که از خوف خدا گریه کند، داخل دوزخ نمی‌شود، مگر وقتی که شیر به پستان برگردد! و غبار در راه خدا (جهاد و تحمل مشقات و زحمات در راه اجرای فرمان خدا) با دود جهنم جمع نمی‌شود»^۱.

۲۸۰- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّخِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُصَلِّي وَلِجَوْفِهِ أَزِيْزٌ كَأَزِيْزِ الْمَرْجَلِ مِنَ الْبُكَاءِ. حَدِيثٌ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ. وَالتِّرْمِذِيُّ فِي الشَّمَائِلِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

۲۸۰. از عبدالله بن الشخیر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، ایشان نماز می‌خواند و درون وی، از شدت گریه، صدایی همانند صدای جوشش دیگ داشت^۲.

۲۸۱- وَعَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لِأَبِي بِنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكَ: لَمْ يَكُنْ الَّذِينَ كَفَرُوا» قَالَ: وَسَمَّانِي؟ قَالَ: «نَعَمْ» فَبَكَى أَبِي. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ. وَفِي رِوَايَةٍ: فَجَعَلَ أَبِي يَبْكِي.

۲۸۱. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به «ابی بن کعب» رضی الله عنه فرمودند: «خداوند - عز و جل - به من امر کرده است که این سوره را بر تو قرائت کنم: ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (البینة / ۱)

«کافران، از اهل کتاب و مشرکین، از کفر و دین خود دست برنمی‌دارند و برنمی‌گردند تا دلیلی روشن و بزرگ پیش آنان نیاید».

ابی گفت: خداوند نامم را هم ذکر کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بله»، و ابی، به گریه درآمد^۳.
در روایتی دیگر آمده است: پس ابی شروع به گریه کرد.

۲۸۲- وَعَنْ ابْنِ عَمَرَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «لَمَّا اشْتَدَّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَعُهُ قِيلَ لَهُ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: «مُرُوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ» فَقَالَتْ عَائِشَةُ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: إِنَّ أَبَا بَكْرٍ رَجُلٌ رَقِيْقٌ إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ غَلَبَهُ الْبُكَاءُ» فَقَالَ: «مُرُوهُ فَلْيُصَلِّ».

۱- ترمذی [(۱۶۳۳)] روایت کرده و گفته است «حدیث حسن صحیح است».

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۹۰۴)] و ترمذی در کتاب شمائل پیامبر صلی الله علیه و آله [(۳۱۵)] به اسناد صحیح، روایت کرده است.

۳- متفق علیه است؛ [خ (۳۸۰۹)، م (۷۹۹)].

وفي رواية عن عائشة، رضي الله عنها، قالت: قلت: إن أبا بكرٍ إذا قام مقامك لم يسمع الناس من البكاء. متفق عليه.

۲۸۲. و از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده است که فرمود: هنگامی که بیماری پیامبر صلى الله عليه وآله بیشتر و شدیدتر شد، به او گفتند: در مورد نماز چکار کنیم؟ فرمودند: «به ابوبکر امر کنید که برای مردم نماز بخواند»، حضرت عایشه رضي الله عنها می گوید: گفتم: حضرت ابوبکر رضي الله عنه مردی رقیق القلب است و وقتی قرآن بخواند، گریه بر او غالب می شود، باز فرمودند: «او را امر کنید که، (برای مردم) نماز بخواند»^۱. در روایتی دیگر آمده است: حضرت عایشه رضي الله عنها گفت: گفتم: هر گاه حضرت ابوبکر رضي الله عنه به جای شما برای نماز بایستد، از گریه نمی تواند (قرآن و نماز را) به گوش مردم برساند.

۳۸۳- وعن أبي أمامة الباهلي، رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ليس شيء أحب إلى الله تعالى من فطرتين وأثرين: فطرة دموع من خشية الله وقطرة دم نهرأق في سبيل الله تعالى، وأما الأثران: فأثر في سبيل الله تعالى وأثر في فريضة من فرائض الله تعالى» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

(اقرأ: ۱۰۶ و ۲۴۳ و ۲۵۷).

۲۸۳. از ابو امامه باهلی رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله فرموده اند: «نزد خداوند متعال، چیزی محبوب تر از دو قطره و دو قدم نیست: قطره‌ی اشکی که از خوف خدا و قطره‌ی خونی که در راه خدا ریخته می شود و اما دو قدم: قدمی که در راه خدا و قدمی که در به جای آوردن فريضه‌ای از فرائض خداوند متعال برداشته شود»^۲.

در این مورد احادیث زیاد روایت شده است، از جمله حدیث شماره: (۱۰۶ و ۲۴۳ و ۲۵۷).

۱- متفق علیه است؛ [خ(۶۶۴)، م(۴۱۸)].

۲- ترمذی روایت کرده [۱۶۶۹] و گفته است: حدیثی حسن است.

۵۵- باب فضل الزهد في الدنيا والحث على التقلل منها وفضل الفقر

باب فضیلت زهد در دنیا و تشویق به کم‌داشتن از دنیا و فضیلت کفر

قال الله تعالى:

﴿ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْرَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴾ (يونس / ۲۴)

«مثال دنیا مانند آبی است که از آسمان می‌بارانیم و بر اثر آن گیاهان زمین که انسان‌ها و حیوانات از آنها می‌خورند، به هم می‌آمیزند تا آنجا که زمین کاملاً آراسته و زیبا می‌گردد و اهل زمین یقین پیدا می‌کنند که بر (بهره‌وری از) زمین تسلط دارند؛ (در این هنگام)، فرمان ما (مبنی بر ویران کردن آن) در شب یا روز در می‌رسد و گیاهانش را از ریشه درآورده و درویده و نابود می‌کنیم. انگار که دیروز (در آنجا) نبوده است. ما این چنین، نشانه‌های خویش را برای قومی که می‌اندیشند، تشریح و تبیین می‌کنیم.»

وقال تعالى:

﴿ وَأَصْرَبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَنِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴾ (الكهف / ۴۵-۴۶)

«ای پیامبرص! برای آنان (مردم) مثال زندگی (این) دنیا را بیان کن که همچون آبی است که از آسمان فرو می‌فرستیم؛ سپس گیاهان زمین از آن به هم می‌آمیزند و در هم می‌پیچند و سپس (گیاهی) خشک و پریز می‌شوند که باد آنها را پخش و پراکنده می‌سازد و خداوند بر هر چیزی تواناست. دارایی و فرزندان، زینت زندگی دنیا (و زوال‌پذیر و گذرا هستند) ولی اعمال شایسته‌ای که (نتایج آنها) جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد و بهترین امید و آرزو است.»

وقال تعالى:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ^ط كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا^ط وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (الحديد / ۲۰)

«بدانید که زندگی دنیا، تنها بازی و سرگرمی و زینت و فخرفروشی در میان شما بر همدیگر و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس؛ همچون بارانی است که گیاهان آن (در رشد و سرسبزی)، کشاورزان را به شگفت می آورد، سپس گیاهان خشک می شوند، پس از مدتی، آنها را زرد و پژمرده می بینی و آن گاه خرد و پریز می گردند و در آخرت، عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان) و آمرزش و خشنودی خدا (برای خداپرستان) است و زندگی دنیا، چیزی جز کالای فریب نیست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿زِينٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ^ط ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَقَابِ﴾ (آل عمران / ۱۴)

«برای انسان، محبت شهوات (و دل بستگی به امور مادی) آراسته شده است، از قبیل: عشق به زنان و فرزندان و ثروت و مالهای انباشته شده از طلا و نقره و اسبهای نشاندار و چهارپایان و کشت و زرع، اینها کالای زندگی پست دنیاست و سرانجام نیک (برای کسانی که در راه حق تلاش می کنند) در پیشگاه خداست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا^ط فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ (فاطر / ۵)

«ای مردم! بی تردید وعده خدا [درباره قیامت] حق است، پس این زندگی دنیا [ی زودگذر،] شما را نفریبد و شیطان فریبنده، شما را [به کرم] خدا مغرور نکند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَلْهَنَكُمْ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴾ (النكاثر / ۱-۵)

«مسابقه ی افزون طلبی و نازش به بسیاری مال، شما را به خود مشغول و سرگرم می‌دارد؛ تا آن‌گاه که به گورستان‌ها می‌روید! نه، هرگز چنین نیست (که شما می‌پندارید)، هرگز چنین نیست (و) به زودی (این را) خواهید دانست؛ به‌طور حتم، اگر (شما عاقبت تفاخر و زیاده‌طلبی را به علم یقینی بدانید) از آن دست برمی‌دارید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴾ (العنكبوت / ۶۴)

«این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند!».

آیات در این مورد فراوان و مشهور است.

احادیث هم در این باره، بیشتر از آن است که شمارش شوند و ما به ذکر بعضی از آنها، بسنده می‌کنیم.

۲۸۴- عن عمرو بن عوفٍ الأنصاري رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْأَنْصَارِ: «أَبْشِرُوا وَأَمَلُوا مَا يَسْرُكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا الْفَقْرَ أَخْشَىٰ عَلَيْكُمْ. وَلَكِنِّي أَخْشَىٰ أَنْ تُبْسَطَ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ كَمَا بُسِطَتْ عَلَىٰ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا، فَتُهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ» متفقٌ عليه.

۲۸۴. از عمرو بن عوف انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله برای انصار فرمودند: «مژده دهید و منتظر چیزی باشید که شما را خوشحال می‌کند! به‌خدا سوگند، من بر شما از فقر نمی‌ترسم، بلکه از آن می‌ترسم که دنیا بر شما وسعت یابد، چنان‌که برای مردمان پیش از شما وسعت یافت و در آن با همدیگر رقابت کنید، آن‌چنان‌که رقابت کردند، و شما را نابود کند، چنان‌که ایشان را نابود کرد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۱۵۸)، م (۲۹۶۱)].

۲۸۵- وعن أبي سعيدٍ الخدرِيِّ، رضيَ اللهُ عنه قال: جَلَسَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمَنْبَرِ، وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ فَقَالَ: «إِنَّ مِمَّا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا» متفقٌ عليه.

۲۸۵. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر نشستند و ما هم گرد او نشستیم، آن گاه فرمودند: «از جمله‌ی آنچه که برای بعد از خودم، از آن بر شما می‌ترسم، آن چیزی از نعمت و زیبایی و جاذبه‌ی دنیا است که (درهای) آن بر شما گشوده شود»^۱.

۲۸۶- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوةٌ خَصْرَةٌ وَإِنَّ اللهَ تَعَالَى مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ» رواه مسلم.

۲۸۶. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنیا، شیرین و سبز است و خداوند شما را در آن جانشین و وارث خود قرار داده است و به رفتارتان نگاه می‌کند که چگونه است و چگونه عمل می‌کنید، بنابراین از دنیا و (فتنه‌ی) زنان پرهیزید»^۲.

۲۸۷- وعن أنس رضي الله عنه قال قال: «يَتَّبِعُ الْمَيِّتَ ثَلَاثَةٌ: أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَعَمَلُهُ: فَيَرْجِعُ اثْنَانِ وَيَبْقَى وَاحِدٌ: يَرْجِعُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَيَبْقَى عَمَلُهُ» متفقٌ عليه.

۲۸۷. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه چیز مرده را همراهی می‌کند، خانواده و مال و عمل او، سپس دو تای آنها برمی‌گردند و یکی با او می‌ماند؛ خانواده و مالش او را ترک می‌کنند و عملش با او می‌ماند»^۳.

۲۸۸- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً ثُمَّ يُقَالُ: يَا ابْنَ آدَمَ! هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا وَاللَّهِ يَارَبِّ. وَيُؤْتَى بِأَشَدِّ النَّاسِ بُؤْسًا فِي الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيُصْبَغُ صَبْغَةً فِي الْجَنَّةِ، فَيُقَالُ لَهُ: يَا ابْنَ آدَمَ! هَلْ رَأَيْتَ بُؤْسًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ شِدَّةٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا، وَاللَّهِ، مَا مَرَّ بِي بُؤْسٌ قَطُّ، وَلَا رَأَيْتُ شِدَّةً قَطُّ» رواه مسلم.

۲۸۸. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «روز قیامت، خوشگذراننده‌ترین و پرنعمت‌ترین اهل دنیا از دوزخیان آورده و یک مرتبه در آتش فرو برده می‌شود، آن گاه به او گفته

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۴۶۵)، م (۱۰۵۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۴۲)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۶۵۱۴)، م (۲۹۶۰)].

می‌شود: ای پسر آدم! آیا هرگز خوشی و خیری دیده‌ای؟ آیا هرگز نعمتی به تو رسیده است؟ و او می‌گوید: به خدا سوگند، خیر، ای پروردگار من! آن‌گاه، بلازده‌ترین و فقیرترین مردمان دنیا از بهشتیان آورده و یک مرتبه به بهشت برده می‌شود، آن‌گاه به او گفته می‌شود: ای پسر آدم! آیا هرگز ناراحتی و فقری دیده‌ای؟ آیا هرگز بر تو سختی‌ای گذشته است؟ و او جواب می‌دهد: خیر، به خدا سوگند، هرگز فقری ندیده‌ام، هرگز ناراحتی و سختی نکشیده‌ام.^۱

۲۸۹- وعن المُسْتَوْرِدِ بْنِ شَدَّادٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ أُصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ، فَلْيَنْظُرْ بِمَ يَرْجِعُ؟» رواه مسلم.

۲۸۹. و از مستورد بن شداد رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنیا در برابر آخرت، تنها مانند آن است که یکی از شما انگشتش را به دریا فرو برد، (و اینکه چنین کسی انگشتش را درآورد) و ببیند که انگشتش چه مقدار آب با خود آورده است؟!»^۲.

۲۹۰- وعن جابرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِالسُّوقِ وَالنَّاسُ كَنَفَتِيهِ، فَمَرَّ بِجَدِي أَسْكَ مَيِّتٍ، فَتَنَاوَلَهُ، فَأَخَذَ بِأُذُنِهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمٍ؟» فَقَالُوا: مَا نُحِبُّ أَنَّهُ لَنَا بِشَيْءٍ، وَمَا نَصْنَعُ بِهِ؟ ثُمَّ قَالَ: «أَتُحِبُّونَ أَنَّهُ لَكُمْ؟» قَالُوا: وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ عَيْبًا، إِنَّهُ أَسْكُ. فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ، فَقَالَ: «فَوَ اللَّهُ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا عَلَيْنَا» رواه مسلم.

۲۹۰. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که مردم در دو طرف او بودند، از بازار عبور کرد؛ ایشان از کنار بزغاله گوش کوتاه مرده‌ای گذشته گوش او را گرفت و سپس فرمودند: «کدام یک از شما دوست دارد که این را به یک درهم بگیرد؟» گفتند: دوست نداریم که در برابر او چیزی بدهیم، او را چه کنیم؟! پیامبر فرمودند: «دوست دارید که مال شما باشد؟» گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده هم می‌بود، باز معیوب بود (و ارزشی نداشت) چه رسد به این که مرده است! آن‌گاه پیامبر فرمودند: «پس به خدا سوگند، دنیا نزد خدا، از این مردار در نزد شما، بی‌ارزش‌تر و خوارتر است.»^۳

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۸۰۷].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۵۸].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۵۷].

۲۹۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ كَانَ لِي مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا، لَسَرَّني أَنْ لَا تَمُرَّ عَلَيَّ ثَلَاثُ لَيَالٍ وَعِنْدِي مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا شَيْءٌ أُرْصِدُهُ لِذَيْنٍ» متفقٌ عليه.

۲۹۱. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «اگر به اندازه‌ی کوه احد طلا داشته باشم، خوشحال می شدم که بعد از گذشت سه شب، چیزی از آن نزد من باقی نماند مگر آن مقدار که برای پرداخت قرض خویش نگه می دارم»^۱.

۲۹۲- وعنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «انظروا إلى من هو أسفل منكم ولا تنظروا إلى من فوقكم فهو أجدر أن لا تزدروا نعمة الله عليكم» متفقٌ عليه.

۲۹۲. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «(در ثروت، و مقام دنیوی)، پایین تر از خود را بنگرید، نه بالاتر را که این گونه سزاوارتر و بیشتر مانع آن است که نعمت خداوند بر خودتان را خوار بدانید و تحقیر کنید»^۲.

۲۹۳- وعنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَعَسَ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمُ وَالْقَطِيفَةُ وَالْحَمِيصَةُ، إِنَّ أُعْطِيَ رِضِي، وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ» رواه البخاري.

۲۹۳. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «نابود باد و به هلاکت افتد، اهل دینار و درهم و لباس زیبا و تجمل! که هر گاه اموال و دارایی دنیوی به او داده شود، خشنود است و هر گاه به او نرسد، ناراضی و ناسپاس»^۳.

۲۹۴- وعنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ» رواه مسلم.

۲۹۴. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است»^۴.

۲۹۵- وعن سهل بن سعد الساعدي، رضي الله عنه، قال: جاء رجل إلى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ذُنُوبِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمَلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ، وَأَحَبَّنِي النَّاسُ، فَقَالَ: «ارْهَدْ فِي

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۴۵)، م (۹۹۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۹۰)، م (۲۹۶۳)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۸۸۶)].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۵۶)].

الدُّنْيَا يُحِبُّكَ اللَّهُ، وَأَزْهَدُ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ» حديثٌ حسنٌ رواه ابن ماجه وغيره بأسانيد حسنة.

۲۹۵. و از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا به کاری راهنمایی کن که چون آن را انجام دهم، خداوند و مردم مرا دوست بدارند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از دنیا دوری کن، خداوند تو را دوست خواهد داشت و از آنچه نزد مردم است، دوری کن (و به مال آنها چشم طمع نداشته باش)، مردم تو را دوست خواهند داشت»^۱.

۲۹۶- وعن النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: ذَكَرَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، مَا أَصَابَ النَّاسَ مِنَ الدُّنْيَا، فَقَالَ: لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَظَلُّ الْيَوْمَ يَلْتَوِي مَا يَجِدُ مِنَ الدَّقْلِ مَا يَمْلَأُ بِهِ بَطْنَهُ. رواه مسلم.

۲۹۶. و از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: عمر بن خطاب رضی الله عنه آنچه را که از دنیا به مردم رسیده است، ذکر کرد و فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که تمام روز را در حالی می گذرانید که از گرسنگی به خود می پیچید، و به اندازه ای که شکمش را سیر کند، حتی خرما خشک و بد هم نداشت»^۲.

۲۹۷- وعن عمرو بن الحارث رضي الله عنه، قال: «مَا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عِنْدَ مَوْتِهِ دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، وَلَا عَبْدًا، وَلَا أَمَةً، وَلَا شَيْئًا إِلَّا بَعَلْتَهُ الْبَيْضَاءَ الَّتِي كَانَ يَرْكَبُهَا، وَسِلَاحَهُ، وَأَرْضًا جَعَلَهَا لِابْنِ السَّبِيلِ صَدَقَةً» رواه البخاري.

۲۹۷. و از عمرو بن حارث رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت وفات خود، دینار و درهم و بنده و کنیز و هیچ چیزی به جا نگذاشت، جز استر سفیدی که سوار آن می شد و اسلحه اش و زمینی که آن را صدقه ای رهگذران غریب کرده بود»^۳.

۲۹۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يقول: «أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا ذَكَرَ اللهُ تَعَالَى، وَمَا وَالَاهُ وَعَالَمًا وَمُتَعَلِّمًا». رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۱- حدیثی حسن است که ابن ماجه [(۴۱۰۲)] و غیر او با اسنادهایی حسن (نیکو) روایت کرده اند.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۷۸)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۷۳۹)].

۲۹۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «آگاه باشید! دنیا نفرین شده است و هر چه در آن است مورد نفرین خداست، جز ذکر و یاد خدای بلند مرتبه و هر چه که همانند و نزدیک به آن است و استاد و شاگرد (عالم و متعلم)»^۱.

۲۹۹- وعن كعب بن عياض، رضي الله عنه، قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يقول: «إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً، فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۲۹۹. و از کعب بن عیاض رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «برای هر امتی، وسیله‌ی امتحانی وجود دارد و وسیله‌ی امتحان امت من، ثروت و مال دنیاست»^۲.

۳۰۰- وعن عبد الله بن الشَّخِيرِ «بكسر الشين والحاء المشددة المعجمتين» رضي الله عنه، أَنَّهُ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقْرَأُ: «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ» قَالَ: «يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَالِي، مَالِي، وَهَلْ لَكَ يَا ابْنَ آدَمَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَقْنَيْتَ، أَوْ لَبِسْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ؟» رواه مسلم.

۳۰۰. و از عبدالله بن شخیر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و ایشان سوره‌ی «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ...» را می خواند، فرمودند: «انسان می گوید: مالم! مالم! ولی ای ابن آدم! مگر از ثروتت جز آنچه که خوردی و تمام کردی یا پوشیدی و کهنه ساختی، یا صدقه دادی و از دل بخشیدی و ذخیره‌ی خود ساختی، چیز دیگری متعلق به تو می باشد؟!»

۳۰۱- وعن كعب بن مالك، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا ذُنُوبَانِ جَاءَاَنِ أُرْسِلَا فِي غَمٍّ بِأَفْسَدَ لَهَا مِنْ حِرْصِ الْمَرْءِ عَلَى الْمَالِ وَالشَّرَفِ، لِدِينِهِ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۳۰۱. و از کعب بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو گرگ گرسنه، اگر در گله‌ای رها شوند، آن طور فساد و ویرانی به بار نمی آورند که حرص انسان بر مال اندوزی و طلب جاه و مقام، در دینش به بار می آورد»^۳.

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۲۳)] و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۳۷)] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۷۷)] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳۰۲- وعن أسامة بن زيد رضي الله عنهما، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قُمْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ، فَكَانَ عَامَّةٌ مَنْ دَخَلَهَا الْمَسَاكِينُ. وَأَصْحَابُ الْجَدِّ مُحْبُسُونَ، غَيْرَ أَنَّ أَصْحَابَ النَّارِ قَدْ أُمِرَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ» متفقٌ عليه.

۳۰۲. و از اسامه بن زید رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بر دروازه‌ی بهشت ایستادم، بیشتر کسانی که داخل آن می‌شدند، فقرا و مسکینان بودند و ثروتمندان و بهره‌مندان از دنیا (بخاطر حساب دادن)، متوقف شده بودند (و هنوز اجازه‌ی دخول به بهشت به آنها داده نشده بود) جز آن که به دوزخیان و اهل آتش، فرمان ورود به آتش داده شده بود»^۱.

۳۰۳- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَصْدَقُ كَلِمَةٍ قَالَهَا شَاعِرٌ، كَلِمَةٌ لَبِيدٍ: أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا اللهُ بَاطِلٌ» متفقٌ عليه.

۳۰۳. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «راست‌ترین سخنی که یک شاعر گفته است، سخن «لبید» (از شاعران جاهلی) است که: «هان! هر چیزی غیر از خدا باطل (و هلاک‌شدنی) است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۱۹۶)، م (۲۷۳۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۸۴۱)، م (۲۲۵۶)].

۵۶- باب فضل الجوع وحشونة العيش والإقتصار على القليل من المأكول

والمشروب والملبوس وغيرها من حظوظ النفس وترك الشهوات

باب فضیلت گرسنگی و زندگی سخت داشتن و به کم بسنده کردن در خوردن و آشامیدن و لباس و غیر آن از بهره‌های نفس و ترک نمودن شهوات و آرزوها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٦﴾ إِلَّا

مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٥٧﴾

«سپس بعد از آنان نسلی جایگزین [آنان] شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند پس به زودی [کیفر] گمراهی خود را [که عذابی دردناک است] خواهند دید * مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند، پس آنان به بهشت درآیند و ذره‌ای مورد ستم قرار نمی‌گیرند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا

أُوتِيَ قَارُونَ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ

لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ﴿٧٧﴾ (القصص / ۷۹-۸۰)

«(قارون) با تمام زینت خود در برابر قوم خویش نمایان گردید؛ آنان که طالب زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش! همان چیزهایی که به قارون داده شده است، ما هم داشتیم، واقعاً او دارای بهره‌ی بزرگ و شانس سترگ است. و کسانی که دانش و آگاهی داشتند، گفتند: وای بر شما! اجر و پاداش خداوند برای کسی که ایمان داشته باشد و کارهای شایسته انجام دهد، برتر و والاتر است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨٠﴾ (التكاثر / ۸)

«سپس در چنین روزی (قیامت) یقیناً در مورد نعمت‌ها و لذت‌های دنیا، مورد سؤال قرار می‌گیرید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلُّهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا﴾ (الاسراء / ۱۸)

«هر کس که دنیای زودگذر (این جهان) را بخواهد، آن اندازه که خود می‌خواهیم و به هر کس که صلاح می‌دانیم، هر چه زودتر در دنیا به او عطا خواهیم کرد. به دنبال آن، دوزخ را بهره‌ی او می‌کنیم که وارد آن می‌شود و به آتش آن می‌سوزد، در حالی که (به سبب کارهایی که در دنیا کرده است) مورد سرزنش است و (از رحمت خدا) رانده و مانده است».

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۳۰۴- وعن عائشة، رضي الله عنها، قالت: ما سَبَعَ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ خُبْرِ شَعِيرٍ يَوْمَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ حَتَّى قُبِضَ. متفقٌ عليه.

۳۰۴. و از حضرت عایشه رضی الله عنہا روایت شده است که فرمود: تا وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، اهل خانگی او (پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اشان) هرگز دو روز پشت سر هم از نان جو، سیر نشدند!

۳۰۵- وعن عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، أَنَّهَا كَانَتْ تَقُولُ: وَاللَّهِ يَا ابْنَ أَخْتِي إِنْ كُنَّا لَنَنْظُرُ إِلَى الْهَلَالِ ثُمَّ الْهَلَالِ ثُمَّ الْهَلَالِ، ثَلَاثَةَ أَهْلَةٍ فِي شَهْرَيْنِ، وَمَا أُوقِدَ فِي أَبْيَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَارٌ. قُلْتُ: يَا خَالَاهُ، فَمَا كَانَ يُعِيشُكُمْ؟ قَالَتْ: الْأَسْوَدَانِ: التَّمْرُ وَالْمَاءُ إِلَّا أَنَّهُ قَدْ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جِرَانٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، وَكَانَتْ لَهُمْ مَنَاحُ وَكَانُوا يُرْسَلُونَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَلْبَانِهَا فَيَسْقِينَا. متفقٌ عليه.

۳۰۵. از عروه (پسر اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنهما) از حضرت عایشه رضی الله عنہا روایت شده است که او (به عروه) می‌گفت: ای خواهر زاده‌ی من! سوگند به خدا ما سه هلال را می‌دیدیم و در ظرف دو ماه، در خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای پختن غذا آتشی افروخته نمی‌شد، گفتم: ای خاله! پس زندگی شما با چه چیزی سپری می‌شد (می‌خوردید)؟ فرمودند: دو سیاه (خرما و آب)، به علاوه‌ی آن که پیامبر صلی الله علیه و آله همسایه‌هایی از انصار داشت که حیواناتی شیردهی داشتند که از شیر آنها برای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرستادند و پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از آن می‌نوشاند^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۴۱۶)، م (۲۹۷۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۵۶۷)، م (۲۹۷۲)].

۳۰۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات يوم أو ليلة، فإذا هو بأبي بكر وعمر رضي الله عنهما، فقال: «ما أخرجكما من بيوتكما هذه الساعة؟» قالوا: الجوع يا رسول الله. قال: «وأنا، والذي نفسي بيده، لأخرجني الذي أخرجكما. فوما» فقاما معه، فأتى رجلاً من الأنصار، فإذا هو ليس في بيته، فلما رآته المرأة قالت: مرحباً وأهلاً. فقال لها رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أين فلان؟» قالت: ذهب يستعذب لنا الماء، إذ جاء الأنصاري، فنظر إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم وصاحبه، ثم قال: الحمد لله، ما أجد اليوم أكرم أضيافاً مني فأنطلق فجاءهم بعذق فيه بسر وتمر ورطب، فقال: كلوا، وأخذ المدينة، فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إياك والحلوب» فدبج لهم، فأكلوا من الشاة ومن ذلك العذق وشربوا. فلما أن شبعوا ورؤوا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لأبي بكر وعمر رضي الله عنهما: «والذي نفسي بيده، لتسألن عن هذا النعيم يوم القيامة، أخرجكم من بيوتكم الجوع، ثم لم ترجعوا حتى أصابكم هذا النعيم» رواه مسلم.

۳۰۶. از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم روزی یا شبی بیرون آمد، ناگهان با ابوبکر و عمر رضی اللہ عنہما برخورد کرد و به آنان فرمودند: «چه چیزی شما را در این موقع از خانه خارج کرده است؟» گفتند: گرسنگی ای رسول خدا. فرمودند: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، من را نیز همین علت که شما را از خانه‌ی تان خارج ساخته، از خانه خارج ساخته است؛ برخیزید» پس به همراه او برخاستند. پس به خانه‌ی مردی از انصار آمدند در حالی که او در خانه‌اش نبود، وقتی که زن انصاری پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را دید، گفت: خوش آمدید، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: شوهرت کجاست؟ زن گفت: رفته که برایمان آب آشامیدنی بیاورد؛ ناگهان مرد انصاری از راه رسید و پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم و دو یار او را دید، (از نهایت خوشحالی گفت): الحمد لله! (سپاس و ستایش سزاوار خداوند است)، امروز هیچ کس مهمان‌هایی همچون مهمانان بزرگوار من ندارد، سپس رفت و یک شاخه خرما آورد که بر آن خرمای نارس و رسیده و خرمای نیم رس موجود بود و گفت: بفرماید و (به قصد ذبح حیوانی) چاقو برگرفت، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «از کشتن گوسفند شیرده پرهیز»، سپس گوسفندی ذبح کرد و آنان از آن گوسفند و خرما تناول فرمودند و آب نوشیدند و وقتی از غذا و آب سیر شدند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به یارانش فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، در مورد این نعمت‌ها، از شما سؤال خواهد شد، گرسنگی شما را از خانه‌هایتان خارج کرد و برنگشتید تا که به این نعمت‌ها رسیدید!»^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۳۸].

[سؤال از این نعمت‌ها، سؤال از فراوانی و تعدد آنهاست، نه سؤال سرزنش و عذاب - و خداوند آگاه‌تر است. و آن صحابی انصاری که ایشان به خانه‌اش رفتند، «ابوالهیثم بن تیهان» بود، چنان که در روایت ترمذی و غیر او ذکر شده است.]

۳۰۷- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: أَخْرَجَتْ لَنَا عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا كِسَاءً وَإِزَارًا غَلِيظًا قَالَتْ: قَبِضْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي هَذَيْنِ. متفقٌ عليه.

۳۰۷. و از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: حضرت عایشه رضی الله عنها پیراهن و شلوار خشن و ستبری را برای ما آورد و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم در میان این دو تکه لباس رحلت کرد (در زمان رحلت، اینها را به تن داشت).^۱

۳۰۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوتًا» متفقٌ عليه.

۳۰۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خداوند! روزی آل محمد را تنها قوت گردان (فقط چیزی که مایه‌ی سد رمق شود، به ما عطا کن و نه بیشتر)».^۲

۳۰۹- وعن عائشة، رضي الله عنها، قالت: تُوفِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدِرْعُهُ مَرْهُونَةٌ عِنْدَ يَهُودِيٍّ فِي ثَلَاثِينَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ. متفقٌ عليه.

۳۰۹. و از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم در حالی رحلت فرمودند که زره جنگی او نزد مردی یهودی، در برابر سی صاع جو، در گرو بود.^۳

۳۱۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: لَقَدْ رَأَيْتُ سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ عَلَيْهِ رِدَاءٌ، إِذَا إِزَارٌ وَإِمَّا كِسَاءٌ، قَدْ رَبَطُوا فِي أَعْنَاقِهِمْ مِنْهَا مَا يَبْلُغُ نِصْفَ السَّاقَيْنِ، وَمِنْهَا مَا يَبْلُغُ الْكَعْبَيْنِ، فَيَجْمَعُهُ بِيَدِهِ كِرَاهِيَةً أَنْ تُرَى عَوْرَتُهُ. رواه البخاري.

۳۱۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هفتاد نفر از اهل صفه را دیدم که در میان آنها مردی نبود که ردایی (بالاپوشی) داشته باشد، یا شلواری بود یا پیراهنی که آن را بر گردن خود

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۱۰۸)، م (۲۰۸۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۶۰)، م (۱۰۵۵)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۱۹۱۶)، م (۱۶۰۳)].

می‌بستند و بعضی از آنها تا نصف ساق پا و بعضی تا دو قوزک می‌رسید و شخص آن را با دست خود جمع می‌کرد که مبادا عورتش آشکار گردد^۱.

۳۱۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان فراش رسول الله صلى الله عليه وسلم من آدم حشوه ليف. رواه البخاري.

۳۱۱. و از حضرت عایشه رضی الله عنہا روایت شده است که فرمود: بستر پیامبر صلی الله علیه و آله از پوستی دباغی شده بود که داخل آن از لیف خرما پر شده بود^۲.

۳۱۲- وعن أبي أمامة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا ابن آدم! إنك إن تبذل الفضل خير لك، وأن تمسكه شر لك، ولا تلام على كفاف، وأبدأ بمن تعول» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۳۱۲. و از ابوامامه رضی الله عنہ روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای فرزند آدم! همانا تو اگر بخشش کنی و مازاد مال خود را بذل نمایی، برای تو بهتر است و اگر زیادی مال خود را نگه داری و نبخشی، برای تو بد خواهد بود، اما به خاطر داشتن در حد کفاف و برای گذراندن زندگی، مورد ملامت و سرزنش واقع نمی‌شوی و در انفاق، از کسی شروع کن که مخارج او بر ذمه‌ی توست»^۳.

۳۱۳- وعن عمران بن الحصين رضي الله عنهما، عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «خيركم قرني، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم» قال عمران: فما أدري قال النبي صلى الله عليه وسلم مررتين أو ثلاثاً «ثم يكون بعدهم قوم يشهدون ولا يستشهدون، ويخونون ولا يؤتمنون، وينذرون ولا يوفون، ويظهرون فيهم السم» متفق عليه.

۳۱۳. و از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین شما کسانی هستند که در قرن من هستند، سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند، سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند». عمران می‌گوید: نمی‌دانم پیامبر صلی الله علیه و آله دو بار جمله‌ی «سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند» را تکرار فرمودند: یا سه بار؛ (بعد پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد که: «و بعد از آنها، عده‌ای می‌آیند که شهادت می‌دهند در حالیکه کسی از آنها شهادت نمی‌خواهد، خیانت می‌کنند و امانتدار و محل

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۴۴۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۴۵۶)].

۳- ترمذی روایت [(۲۳۴۴)] و گفته است: حدیث حسن صحیح است. [این حدیث در صحیح مسلم [(۱۰۳۶)] هم آمده است].

اعتبار برای امانت نیستند، نذر می‌کنند و به نذر خود وفا نمی‌کنند و چاقی در بین آنها ظاهر می‌شود.^۱

۳۱۴- وعن عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مِخْصَنٍ الْأَنْصَارِيِّ الْخَطْمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمِهِ، فَكَأَنَّمَا حَبِزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا». رواه الترمذی وقال: حديثٌ حسنٌ.

۳۱۴. و از عبدالله بن محصن انصاری خطمی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی از شما، شب را در حالی به صبح برساند که در میان قوم و نفس خود، امنیت و در بدنش، سلامت داشته و پیش او خوراک آن روز موجود باشد، مثل این است که دنیا به طور کلی و با همه ی جوانبش، برای او آماده و جمع (و او به همه ی آرزوهای خود نایل) شده باشد».^۲

۳۱۵- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «قد أفلح من أسلم، وكان رزقه كفافاً، وقَّعه الله بما آتاه» رواه مسلم.

۳۱۵. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به تحقیق، کسی که مسلمان و تسلیم امر خدا بوده و رزق کافی، برای اداره ی زندگیش، به او داده شده باشد و خداوند او را به آنچه که به وی داده است، قانع کرده باشد، رستگار است».^۳

۳۱۶- وعن أبي أُمَامَةَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ذَكَرَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا عِنْدَهُ الدُّنْيَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا تَسْمَعُونَ؟ أَلَا تَسْمَعُونَ؟ إِنَّ الْبَدَاذَةَ مِنَ الْإِيمَانِ، إِنَّ الْبَدَاذَةَ مِنَ الْإِيمَانِ» يَعْنِي: التَّقَحُّلُ. رواه أبو داود.

۳۱۶. و از ابوامامه انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: روزی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او از دنیا صحبت می‌کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا نمی شنوید؟ آیا نمی شنوید؟ کهنه پوشی (و ساده پوشی و دوری از خوشگذرانی)، از ایمان است، کهنه پوشی (و ساده پوشی و دوری از خوشگذرانی)، از ایمان است».^۴

(به حدیث شماره: ۲۹۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۵۱)، م (۲۵۳۵)].

۲- ترمذی [(۲۳۴۷)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۵۴)].

۴- ابوداود روایت کرده [(۴۱۶۱)].

۵۷- باب القناعة والعفاف والإقتصاد في المعيشة والإنفاق وذم السؤال من غير

ضرورة

باب قناعت و عزت نفس و میانه روی در زندگی و بخشش، و نکوهش

گدایی بدون ضرورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ (هود / ۶)

«هیچ جنبه‌ای بر روی زمین نیست، مگر این که روزی او برعهده‌ی خداست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ

يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا

﴾ (البقره / ۲۷۳)

«احسان و صدقه) برای فقرایی است که خود را در راه خدا و جهاد وقف کرده و به تنگنا افتاده‌اند و نمی‌توانند (برای تجارت)، در زمین به مسافرت پردازند و به خاطر خویشتنداری، شخص نادان می‌پندارد که اینان دارا و بی‌نیاز هستند و آنان را از روی سیمایشان می‌شناسی و با اصرار (چیزی) از مردم نمی‌خواهند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (الفرقان / ۶۷)

«کسانی که هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده و صدقه دادن) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری و بلکه در میان این دو (اسراف و بخل) میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ

﴾ (الذاریات / ۵۶-۵۷)

«من، جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام، من از آنان، نه درخواست رزق و روزی می‌کنم و نه می‌خواهم که مرا خوراک دهند.»

۳۱۷- عن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ» متفقٌ عليه.

۳۱۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ثروت و بی نیازی، از زیادی مال نیست، بلکه ثروت و بی نیازی، بی نیازی نفس (عزت نفس و غنای درونی) است»^۱.

۳۱۸- وعن حَكِيمِ بْنِ حَزَامٍ رضي الله عنه قال: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ قَالَ: «يَا حَكِيمُ، إِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرٌ حُلُوٌّ، فَمَنْ أَخَذَهُ بِسَخَاوَةِ نَفْسٍ بُورِكَ لَهُ فِيهِ، وَمَنْ أَخَذَهُ بِإِشْرَافِ نَفْسٍ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهِ، وَكَانَ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ، وَالْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى» قال حَكِيمٌ: فقلتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا أَرِزُّ أَحَدًا بَعْدَكَ شَيْئًا حَتَّى أَفَارِقَ الدُّنْيَا، فَكَانَ أَبُو بَكْرٍ رضي الله عنه يَدْعُو حَكِيمًا لِيُعْطِيَهُ الْعَطَاءَ، فَيَأْتِي أَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ شَيْئًا. ثُمَّ إِنَّ عُمَرَ رضي الله عنه دَعَاهُ لِيُعْطِيَهُ، فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهُ. فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ، أَشْهَدُكُمْ عَلَى حَكِيمٍ أَنِّي أَعْرَضُ عَلَيْهِ حَقَّهُ الَّذِي قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ فِي هَذَا الْفَيْءِ، فَيَأْتِي أَنْ يَأْخُذَهُ. فَلَمْ يَزِرْ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تُوفِّيَ. متفقٌ عليه.

۳۱۸. و از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواستم، عطا فرمودند: باز هم چیزی طلب کردم، باز عطا فرمودند: باز خواستم، دوباره عطا فرمودند: سپس فرمودند: «ای حکیم! این مال (دنیا) سبز و شیرین است، هر کس آن را با سخاوت نفس و بدون طمع و درخواست و بی مبالا به آن، تصاحب کند، برای او مبارک خواهد بود و هر کس با رغبت و حرص و طمع، آن را به دست آورد، برای او مبارک نمی شود و او همانند کسی است که می خورد و سیر نمی شود و دست بالا (بخشنده) از دست پایین (گیرنده) بهتر است». حکیم می گوید: گفتم ای رسول خدا! سوگند به کسی که تو را به حق فرستاده است، بعد از (این سخن تو یا بعد از وفات) تو از هیچ کس چیزی نمی گیرم تا وقتی که از دنیا می روم؛ (پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله) ابوبکر صدیق رضی الله عنه حکیم را فرا می خواند تا چیزی به او بدهد، اما حکیم از قبول آن ابا کرد و حضرت عمر رضی الله عنه او را دعوت کرد که چیزی به او بدهد، قبول نکرد، سپس حضرت عمر رضی الله عنه گفت: ای گروه مسلمانان! شما را شاهد می گیرم که من سهم حکیم را از این غنیمت که خدا به او داده است، بر او عرضه می کنم و او از قبولش امتناع می کند و حکیم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله تا وقتی که وفات کرد، از هیچ یک از مردم هرگز چیزی قبول نکرد^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۶)، م (۱۰۵۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۲)، م (۱۰۳۵)].

۳۱۹- وعن عمرو بن تغلب رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِمَالٍ أَوْ سَبِيٍّ فَقَسَّمَهُ، فَأَعْطَى رِجَالًا، وَتَرَكَ رِجَالًا، فَبَلَغَهُ أَنَّ الَّذِينَ تَرَكَ عَتَبُوا، فَحَمَدَ اللَّهُ، ثُمَّ أَتَنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَمَّا بَعْدُ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأُعْطِي الرَّجُلَ وَأَدْعُ الرَّجُلَ، وَالَّذِي أَدْعُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الَّذِي أُعْطِي، وَلَكِنِّي إِنَّمَا أُعْطِي أَقْوَامًا لِمَا أَرَى فِي قُلُوبِهِمْ مِنَ الْجَزَعِ وَالْهَلَعِ، وَأَكِلُ أَقْوَامًا إِلَى مَا جَعَلَ اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ مِنَ الْغِنَى وَالْخَيْرِ، مِنْهُمْ عَمْرُو بْنُ تَغْلِبَ» قَالَ عَمْرُو بْنُ تَغْلِبَ: فَوَاللَّهِ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِكَلِمَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حُمْرَ النَّعَمِ. رواه البخاري.

۳۱۹. و از عمرو بن تغلب رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: مالی یا برده‌هایی برای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آوردند، آن را تقسیم فرمود و به بعضی از مردان سهمی عطا کرد و به بعضی سهمی نداد، بعداً به او خبر رسید که محروم‌شدگان از سهم گله کرده‌اند؛ پس حمد خدای را به جای آورد و او را ثنا گفت و سپس فرمودند: «اما بعد، به خدا سوگند من به یک مرد می‌دهم و مرد دیگر را ترک می‌کنم، و آن شخص را که ترک می‌کنم محبوب‌تر است نزد من از آن شخصی که به او چیزی می‌دهم، ولیکن عطای من به عده‌ای، به واسطه‌ی ناشکیبایی و شدت بی‌صبری‌ای است که در دل آنها می‌بینم و عده‌ای را هم به آنچه که خداوند از بی‌نیازی و نیکی در قلب آنها انداخته است، حواله می‌کنم و از جمله‌ی آنها عمرو بن تغلب است؛ عمرو بن تغلب می‌گوید: به خدا سوگند، دوست ندارم که به جای فرمایش پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شتران سرخ‌موی داشته باشم!»

۳۲۰- وعن حكيم بن حزام رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْيَدُ الْغُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَإِنْدَاءُ بِمَنْ تَعُولُ، وَخَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى، وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعْفِقْهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَعْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ» متفقٌ عليه. وهذا لفظ البخاري، ولفظ مسلم أخصر.

۳۲۰. و از حکیم بن حزام رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «دست بالاتر (بخشنده) از دست پایین‌تر (طلب‌کننده و گیرنده‌ی بخشش) بهتر است و (انفاق را) از خانواده‌ات شروع کن و بهترین صدقه آن است که شخص بعد از برآوردن نیازهای خود و خانواده‌اش پرداخت کند و کسی که از گدایی و طلب کردن مال از مردم خودداری کند، خداوند او را عقیف و بی‌نیاز می‌سازد و هر کس استغنا بورزد و دارای عزت نفس باشد، خداوند او را بی‌نیاز می‌گرداند»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۲۳].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۲۶)، م (۱۰۳۴)]. آنچه در متن نامه آمده، لفظ روایت بخاری است و لفظ روایت مسلم، مختصرتر است.

۳۲۱- وعن عوف بن مالك الأشجعي رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تِسْعَةً أَوْ ثَمَانِيَةً أَوْ سَبْعَةً، فَقَالَ: «أَلَا تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» وَكُنَّا حَدِيثِي عَهْدٍ بَيْعَةٍ، فَقُلْنَا: قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَلَا تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ؟» فَبَسَطْنَا أَيْدِيَنَا وَقُلْنَا: قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَعَلَّامَ نَبَايَعُكَ؟ قَالَ: «عَلَى أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَالصَّلَاةَ الْخَمْسَ وَتُطِيعُوا» وَأَسْرَ كَلِمَةً خَفِيَّةً: «وَلَا تَسْأَلُوا النَّاسَ شَيْئًا» فَلَقَدْ رَأَيْتُ بَعْضَ أَوْلِيكَ النَّفَرِ يَسْقُطُ سُوطَ أَحَدِهِمْ فَمَا يَسْأَلُ أَحَدًا يُنَاوِلُهُ إِيَّاهُ. رواه مسلم.

۳۲۱. و از عوف بن مالک اشجعی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: ما، در خدمت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بودیم و نه یا هشت یا هفت نفر بودیم که فرمودند: «آیا با رسول خدا بیعت نمی کنید؟» در حالی که ما تازه بیعت کرده بودیم، به همین علت گفتیم: ما با شما بیعت کرده ایم ای رسول خدا! سپس فرمودند: «آیا با رسول خدا بیعت نمی کنید؟» و ما دست های خود را دراز کردیم و گفتیم: با شما بیعت کرده ایم، اکنون بر چه چیزی بیعت کنیم؟ فرمودند: «بر اینکه الله را عبادت کرده و با او شریک قرار ندهید و نمازهای پنج گانه را انجام دهید، و اطاعت کنید» و جمله ای را پنهانی گفت: «و این که از مردم چیزی نخواهید؛ عبدالرحمن می گوید: پس از آن، من چند نفر از آنان را دیدم که تازیانه ی یکی از آنها به زمین می افتاد و او از کسی نمی خواست که آن را بردارد و به او بدهد»^۱.

۳۲۲- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَزَالُ الْمَسْأَلَةُ بِأَحَدِكُمْ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَلَيْسَ فِي وَجْهِهِ مُرْعَةٌ لَحْمٍ» متفق عليه.

۳۲۲. و از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «شخص همواره با خواهش کردن از دیگران کارش را انجام می دهد تا وقتی که خداوند را ملاقات می کند، در حالی که در صورت او یک قطعه گوشت نیست»^۲.

۳۲۳- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تُسَدَّ فَاقَتُهُ، وَمَنْ أَنْزَلَهَا بِاللَّهِ، فَيُوشِكُ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقٍ عَاجِلٍ أَوْ آجِلٍ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۳۲۳. و از ابن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر کس در تنگدستی و فقری بیفتد و آن را پیش مردم ببرد و باز گوید (و حل آن را از ایشان بخواهد)، فقرش هرگز برطرف

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۴۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۴)، م (۱۰۴۰)].

نخواهد شد و (هر کس چنان شود) و آن را بر خدا عرضه کند (و رفعش را از او بجوید)، خداوند به سرعت روزی‌ای - دیر یا زود - به او می‌دهد»^۱.

۳۲۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ سَأَلَ النَّاسَ تَكْتُرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جَمْرًا، فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْثِرْ» رواه مسلم.

۳۲۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که برای زیاد شدن مال گدایی کند، در واقع اخگر آتش (جهنم) را گدایی کرده است (آن مال، اخگر آتش می‌شود)، (با این حال) پس اگر می‌خواهد کم گدایی کند، و اگر می‌خواهد زیاد»^۲.

۳۲۵- وَعَنْ ثُوبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَكْفَّلَ لِي أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا، وَأَتَكْفَّلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ؟» فَقُلْتُ: أَنَا، فَكَانَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا، رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۳۲۵. و از ثوبان رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چه کسی برای من تعهد می‌کند که از مردم چیزی و حاجتی نخواهد، و من در مقابل، بهشت را برای او ضمانت کنم؟» گفتم: من تعهد می‌کنم. پس از آن دیگر ثوبان رضی الله عنه از کسی چیزی نمی‌خواست»^۳.

۳۲۶- وعن قبيصة بن المخارق رضي الله عنه قال: تحملت حمالة فأتيت رسول الله صلى الله عليه وسلم أسأله فيها، فقال: «أقم حتى تأتينا الصدقة فنامر لك بها» ثم قال: «يا قبيصة! إن المسألة لا تحل إلا لأحد ثلاثة: رجل تحمّل حمالة، فحلت له المسألة حتى يصيبها، ثم يمسيك. ورجل أصابته جائحة اجتاحت ماله، فحلت له المسألة حتى يصيب قواماً من عيش، أو قال: سداداً من عيش، ورجل أصابته فاقة، حتى يقول ثلاثة من ذوي الحجي من قومه: لقد أصابت فلاناً فاقة، فحلت له المسألة حتى يصيب قواماً من عيش، أو قال: سداداً من عيش. فما سواهن من المسألة يا قبيصة سحت، يأكلها صاحبها سحتاً» رواه مسلم.

۳۲۶. و از قبیصه بن مخارق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مال‌الصلحی را تعهد کردم و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم تا از او در این مورد یاری بخواهم، فرمودند: «بمان تا صدقه‌ای به ما برسد و امر کنیم که از آن سهمی به تو داده شود، سپس فرمودند: «ای قبیصه! سؤال (گدایی) و از مردم طلب مال

۱- ابوداود [۱۶۴۵] و ترمذی [۲۳۲۷] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۰۴۱].

۳- ابوداود [۱۶۴۳] با اسناد صحیح روایت کرده است.

کردن) تنها برای سه نفر حلال است: (۱) مردی که مال الصلحی را برای سازش و آشتی بین دو گروه تعهد کند؛ سؤال برای او حلال است تا وقتی که به مقصود خود (پولی که تعهد کرده است) می‌رسد و سپس باید از آن خودداری کند و (۲) مردی که ضرری به مال او برسد و مال او را از بین ببرد، سؤال برای او نیز حلال است تا هنگامی که زندگی او به سر و سامانی برسد - یا فرمودند: در حد کفایت تأمین شود و (۳) مردی که فقر و تنگدستی ای بر او وارد آید تا اندازه‌ای که سه نفر از خردمندان طایفه‌اش بگویند که: او فقیر شده است، سؤال برای او حلال است تا زندگی او سر و سامانی بگیرد - یا فرمودند: در حد کفایت تأمین شود؛ ای قبیصه! در غیر این سه مورد، سؤال و گدایی، حرام است و صاحبش آن را به حرامی مصرف می‌کند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۴۴)].

۵۸- باب جواز الأخذ من غير مسألة ولا تطلع إليه

باب جواز قبول (چیزی از کسی) بدون خواستن و چشمداشت آن

۳۲۷- عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ، فَأَقُولُ: أَعْطِهِ مَنْ هُوَ أَفْقَرُ إِلَيْهِ مِنِّي، فَقَالَ: «خُذْهُ، إِذَا جَاءَكَ مِنْ هَذَا الْمَالِ شَيْءٌ، وَأَنْتَ عَيْرٌ مُشْرِفٍ وَلَا سَائِلٍ، فَخُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ فَإِنْ شِئْتَ كُلَّهُ، وَإِنْ شِئْتَ تَصَدَّقْ بِهِ، وَمَا لَا، فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ» قَالَ سَالِمٌ: فَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا، وَلَا يَرُدُّ شَيْئًا أُعْطِيَهِ. متفقٌ عليه.

۳۲۷. از سالم بن عبدالله بن عمر از پدرش عبدالله از جدش حضرت عمر رضی الله عنه روایت شده است که حضرت عمر رضی الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی چیزی به من عطا می فرمود و من می گفتم: به کسی که از من محتاج تر است مرحمت فرما، فرمودند: «آن را بگیر و هر گاه از این مال (مال حلال) چیزی به تو رسید در حالی که تو بر آن حرص و طمعی نداشته و آن را درخواست نکرده بودی، آن را بگیر و از آن استفاده کن، اگر خواستی، بخور و اگر خواستی، آن را صدقه بده و اگر بدین گونه نبود (بدون درخواست به تو داده نشد) دیگر آن را نخواه و دنبال آن نرو» سالم می گوید: به همین سبب، پدرم عبدالله هم از کسی چیزی نمی خواست و اگر چیزی به او عطا می شد، رد نمی کرد!.

۵۹- باب الحث علی الأكل من عمل يده والتعفف به من السؤال والتعرض للإعطاء

باب تشویق بر خوردن از دسترنج خود و خودداری از گدایی به وسیلهی آن و خود را در معرض بخشش قرار دادن

قال الله تعالى:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ﴾ (الجمعه / ۱۰)

«وقتی نماز (جمعه) انجام شد، در زمین پراکنده گردید و از بخشش خدا، رزق و روزی بجویید».

۳۲۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَأَنْ يَحْتَطِبَ أَحَدُكُمْ خُزْمَةً عَلَى ظَهْرِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ أَحَدًا، فَيُعْطِيَهُ أَوْ يَمْنَعَهُ» متفق عليه.

۳۲۸. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اگر یکی از شما یک پشته هیزم بر پشت بیاورد، برای او بهتر است از این که، از کسی چیزی بخواهد، چه به او بدهد یا ندهد»^۱.

۳۲۹- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَانَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَجَارًا» رواه مسلم.

۳۲۹. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «زکریا عليه السلام نجار بود»^۲.

۳۳۰- وعن المقداد بن معديكرب رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عليه السلام كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ» رواه البخاري.

۳۳۰. از مقداد بن معدیکرب رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرگز هیچ کس، غذایی (روزی‌ای) بهتر از این نخورده است که از دسترنج خود بخورد و پیامبر خدا داود عليه السلام از دسترنج خود می‌خورد»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۴۷۰)، م (۱۰۴۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۳۷۹)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۰۷۲)].

۶۰- باب الكرم والجود والإنفاق في وجوه الخير ثقة بالله تعالى

باب بخشش و سخاوت و خرج کردن در کارهای خیر به امید خدا و توکل بر او

قال الله تعالى:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (سبا / ۳۹)

«هر چه را (در راه خدا) ببخشید و صرف کنید، خداوند جای آن را پر می کند.»

وقال تعالى:

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (البقره / ۲۷۲)

«ای اهل ایمان! و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا. و آنچه از مال [بازرزش و بی عیب] انفاق کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.»

وقال تعالى:

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقره / ۲۷۳)

«هر چیز مال (خوب و نیکی) را که انفاق می نمایید، خداوند از آن آگاه است.»

۳۳۱- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَسَلَّطَهُ عَلَىٰ هَلَكْتِهِ فِي الْحَقِّ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ حِكْمَةً، فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا» متفقٌ عليه.

۳۳۱. و از ابن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «جز به دو چیز، حسد و رشک برده نمی شود: (۱) مردی که خدا مالی به او داده و او را به صرف کردن آن در راه حق و درست، نیرو داده و مسلط کرده است (۲) مردی که خداوند علم و حکمتی به او داده و او به آن عمل می کند و به مردم نیز می آموزد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۳)، م (۸۱۶)].

۳۳۲- وعنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّكُمْ مَالٌ وَارِثُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ؟» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا مَالُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ. قَالَ: «فَإِنَّ مَالَهُ مَا قَدَّمَ وَمَالٌ وَارِثُهُ مَا آخَرَ» رواه البخاري.

۳۳۲. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کدام یک از شما مال وارث خویش را از مال خود بیشتر دوست دارد؟ گفتند: ای رسول خدا! در میان ما کسی نیست که مال خود را از مال دیگران، بیشتر دوست نداشته باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پس مال هر شخص، همان است که آن را پیش اندازد (آن را در راه خدا بدهد یا برای زندگی خود خرج کند) و مال وارث او، آن است که آن را به بعد از خود اندازد (خود بخشش و یا خرج نکند).^۱»

۳۳۳- وعن جابر رضي الله عنه قال: ما سئل رسول الله صلى الله عليه وسلم شيئاً قط فقال: لا. متفق عليه.

۳۳۳. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هرگز از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواسته نشد که در جواب بفرماید: نه.^۲

۳۳۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما من يوم يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ، فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا، وَيَقُولُ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلْفًا» متفق عليه.

۳۳۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر روز که بندگان صبح می کنند، دو فرشته پایین می آیند؛ یکی از آنها می گوید: خداوند! به بخشنده و خرج کننده، عوض عطا کن و دیگری می گوید: خداوند! به بخیل و خودداری کننده از خرج، تلف و ضرری برسان»^۳.

۳۳۵- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنْفِقْ يَا ابْنَ آدَمَ يُنْفِقْ عَلَيْكَ» متفق عليه.

۳۳۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم! خرج کن و ببخش تا بر تو انفاق شود»^۴.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۴۲].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۲۴)، م (۲۳۱۱)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۴۲)، م (۱۰۱۰)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۵۲)، م (۳۹۳)].

۳۳۶- وعن جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَمَا هُوَ يَسِيرُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَقْفَلُهُ مِنْ حُنَيْنٍ، فَعَلِقَهُ الْأَعْرَابُ يَسْأَلُونَهُ، حَتَّى اضْطَرُّوهُ إِلَى سَمْرَةَ فَخَطِطَتْ رِدَاءَهُ، فَوَقَفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَعْطُونِي رِدَائِي، فَلَوْ كَانَ لِي عِدْدُ هَذِهِ الْعِصَاهِ نَعْمًا، لَقَسَمْتُهُ بَيْنَكُمْ، ثُمَّ لَا تَجِدُونِي بِخَيْلًا وَلَا كَذَابًا وَلَا جَبَانًا» رواه البخاري.

۳۳۶. و از جبیر بن مطعم رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: وقتی که موقع بازگشت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از «حنین»، با ایشان راه می‌رفتم، اعراب اطراف پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را گرفتند و با اصرار از او درخواست مال می‌کردند، چنان که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را ناچار کردند که از کنار درختی خاردار بگذرد، خار درخت، ردای او را کشید، پیامبر ایستادند و فرمودند: «ردایم را به من بدهید که اگر به تعداد این خارها، چهارپا و شتر می‌داشتم، آن را میان شما تقسیم می‌کردم و آن وقت، شما مرا بخیل و دروغگو و ترسو نمی‌یافتید»^۱.

۳۳۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا» رواه مسلم.

۳۳۷. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هرگز صدقه، از مال کم نمی‌کند، و یقیناً خداوند در برابر گذشت بنده‌اش، عزت او را زیاد می‌کند، و هر بنده‌ای برای خدا تواضع کند، خداوند عز و جل (مقام) او را بلند می‌گرداند»^۲.

۳۳۸- وعن أبي كَبِشَةَ الْأَنْمَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «ثَلَاثَةٌ أَفْسِمُ عَلَيْهِنَّ وَأُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا فَاحْفَظُوهُ: مَا نَقَصَ مَالُ عَبْدٍ مِنْ صَدَقَةٍ، وَلَا ظَلَمَ عَبْدٌ مَظْلَمَةً صَبَرَ عَلَيْهَا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا، وَلَا فَتَحَ عَبْدٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ، أَوْ كَلِمَةً نَحْوَهَا. وَأُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا فَاحْفَظُوهُ. قَالَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةِ نَفَرٍ:

عَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَعِلْمًا، فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَيَصِلُ فِيهِ رَحْمَهُ، وَيَعْلَمُ لِلَّهِ فِيهِ حَقًّا فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ.

وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا، وَلَمْ يَرْزُقْهُ مَالًا فَهُوَ صَادِقُ النِّيَّةِ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ نِيَّتُهُ، فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ.

وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا، وَلَمْ يَرْزُقْهُ عِلْمًا، فَهُوَ يَخْطِئُ فِي مَالِهِ بَعِيرِ عِلْمٍ، لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ وَلَا يَصِلُ رَحْمَهُ، وَلَا يَعْلَمُ لِلَّهِ فِيهِ حَقًّا، فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۱۴۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۸۸)].

وَعَبْدٌ لَمْ يَرْزُقْهُ اللَّهُ مَالاً وَلَا عِلْماً، فَهُوَ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالاً لَعَمِلْتُ فِيهِ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ نَيْتُهُ، فَوَزَّرُهُمَا سَوَاءً» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۳۳۸. و از ابو کبشه انماری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «سه چیز هست که من بر آنها سوگند می خورم و سخنی برای شما می گویم، آن را به یاد داشته باشید و فراگیرید: (۱) هرگز ثروت هیچ شخصی، با صدقه دادن کم نشده است؛ (۲) هر بنده ای که به او ظلمی بشود و او بر آن صبر کند، یقیناً خداوند عزت او را زیاده تر می کند؛ (۳) هر بنده ای دری برای گدایی باز کند، حتماً خداوند دری از تنگدستی و فقر (یا ناراحتی های دیگری) بر او می گشاید. و سخنی برای شما می گویم، آن را حفظ کنید و آن این که: دنیا برای چهار نفر است (انسان ها در دنیا به چهار دسته اند): (۱) بنده ای که خداوند ثروت و علمی به او عطا کرده و او در آنها از خدای خود می ترسد و صله ای رحم خود را انجام می دهد و حق خدا را در مال خود می داند و می شناسد، چنین شخصی در بالاترین درجات است؛ (۲) بنده ای که خداوند دانشی به او داده، ولی مالی به او نداده است و او دارای نیتی درست است و می گوید: اگر مالی داشتم، مانند فلان کس رفتار می کردم، چنین شخصی، با نیتش سنجیده می شود، پس با شخص مالدار و بخشنده، مساوی است و پاداش هر دو یکسان است؛ (۳) بنده ای که خداوند ثروت به او داده، ولی علم نداده است و او در مالش بدون علم و ناآگاهانه اقدام می کند و در آن از خدا نمی ترسد و صله ای رحم انجام نمی دهد و در مالش، حقی برای خدا قایل نیست، چنین کسی در پایین ترین درجات است؛ (۴) بنده ای که خداوند علم و مال به او نداده است و او می گوید: اگر مالی داشتم، مانند فلان کس رفتار (و اقدام به افسار گسیختگی) می کردم، چنین کسی با نیتش سنجیده می شود، پس گناهایشان (با نفر سوم) یکی است»^۱.

۳۳۹- وعن عائشة رضي الله عنها أَنَّهَا دَبِحُوا شَاةً، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا بَقِيَ مِنْهَا؟» قَالَتْ: مَا بَقِيَ مِنْهَا إِلَّا كَتِفُهَا، قَالَ: «بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا» رواه الترمذي وقال حديث صحيح.

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۳۲۶] و گفته است: حدیث صحیح است.

۳۳۹. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که ایشان گوسفندی سر بریدند، (و میان مردم تقسیم کردند) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چقدر از آن مانده است؟» حضرت عایشه رضی الله عنها گفت: جز شانه اش چیزی نمانده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همه‌ی آن باقی مانده است، جز شانه اش!»^۱.

۳۴۰- وعن أسماء بنت أبي بكر الصديق رضي الله عنهما قالت: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تُوكِي فَيُوكِي عَلَيْكَ».

وفي رواية: «أَنْفَقِي أَوْ أَنْفَجِي أَوْ أَنْضَجِي، وَلَا تُحْصِي فَيُحْصِي اللَّهُ عَلَيْكَ، وَلَا تُوعِي فَيُوعِي اللَّهُ عَلَيْكَ» متفقٌ عليه.

۳۴۰. و از اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «ذخیره نکن و سر ظرف را سخت مبنند (کنایه از عدم بخشش) که سخت گرفته می‌شود (خداوند برکت و نعمت خود را از تو باز می‌دارد)»^۲.

در روایتی دیگر آمده است که فرمودند: «خرج کن، یا ببخش، یا هدیه بده و (مالت را برای آن که اضافه شود و به کسی ندهی تا کم گردد) نشار که خداوند (آن را) به ضرر تو خواهد شمرد و فضلش را از تو منع خواهد کرد و جمع و نگهداری و ذخیره نکن (مال را از مستحق پنهان و منع نکن) که خداوند رحمت و نعمت خود را از تو پنهان می‌کند».

۳۴۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِقَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ، فَسَمِعَ صَوْتًا فِي سَحَابَةٍ: اسْقِ حَدِيقَةَ فَلَانٍ، فَتَنَحَّى ذَلِكَ السَّحَابَ فَأَفْرَغَ مَاءَهُ فِي حَرَّةٍ، فَإِذَا شَرْجَةٌ مِنْ تِلْكَ الشَّرَاحِ قَدْ اسْتَوْعَبَتْ ذَلِكَ الْمَاءَ كُلَّهُ فَتَبَعَ الْمَاءَ، فَإِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِي حَدِيقَتِهِ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، مَا اسْمُكَ؟ قَالَ: فَلَانٌ، لِلْاسْمِ الَّذِي سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، لِمَ تَسْأَلُنِي عَنِ اسْمِي؟ فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ صَوْتًا فِي السَّحَابِ الَّذِي هَذَا مَاءُهُ يَقُولُ: اسْقِ حَدِيقَةَ فَلَانٍ لِاسْمِكَ، فَمَا تَصْنَعُ فِيهَا؟ فَقَالَ: أَمَا إِذْ قُلْتَ هَذَا، فَإِنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، فَاتَّصَدَّقُ بِثُلُثِهِ، وَأَكُلُ أَنَا وَعِيَالِي ثُلُثًا، وَأَرُدُّ فِيهَا ثُلُثَهُ». رواه مسلم.

۳۴۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی در بیابانی بی آب راه می‌رفت که صدایی را در ابر شنید: باغ فلان را آبیاری کن! و آن ابر کنار رفت و آب خود را در سنگلاخی سیاه خالی کرد و همه‌ی آب را آبراهه‌ای در خود گرفت و سرازیر شد، مرد به دنبال آب

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۴۷۲)] و گفته است: حدیث صحیح است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۳۳)، م (۱۰۲۹)].

رفت، مردی را دید که در باغ خود ایستاده بود و با بیل آبیاری می نمود و به آن مرد گفت: ای بندهی خدا! اسمت چیست؟ مرد گفت: فلان، - همان اسمی که از داخل قطعهی ابر شنیده بود - و سپس گفت: ای بندهی خدا! چرا اسم مرا می پرسی؟ مرد گفت: من از ابری که این آب از آن فرو ریخت، صدایی شنیدم که می گفت: باغ فلان را آبیاری کن و اسم تو را برد، تو در باغ چه کار می کنی؟ صاحب باغ گفت: اکنون که تو این را گفتی، می گویم: من به نتیجهی حاصل از باغ نگاه می کنم و سپس یک سوم آن را صدقه می دهم و من و خانواده ام یک سوم می خوریم و یک سوم دیگر را به باغ (برای بذر و...) برمی گردانم^۱.

(به حدیث شماره: ۳۱۲، ۹۱ مراجعه فرمائید).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۸۴)].

۶۱- باب النهي عن البخل والشح

باب نهی از بخل و خست

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ

مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ﴾ (الليل / ۸-۱۱)

«و اما کسی که تنگ چشمی کند و خود را از خداوند بی نیاز بداند؛ و پاداش خوب و بهشت را تکذیب کند (و بدان ایمان و باور نداشته باشد)؛ ما نیز او را برای سختی و مشقت (و جهنم)، آماده می‌نماییم، در آن هنگام که (به گور و دوزخ) پرت می‌گردد، دارایی‌اش سودی به حال او نخواهد داشت.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الحشر / ۹، التغابن / ۱۶)

«و کسانی که از بخل و خست نفس خود محفوظ شوند، قطعاً رستگارند.»

و اما احادیث در این باب، تعدادی از آنها در باب قبلی بیان شد.

۳۴۲- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَىٰ أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ» رواه مسلم.

۳۴۲. و از جابر رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «از ظلم پرهیزید؛ زیرا که ظلم در روز قیامت، تاریکی است و از بخل و آز دوری کنید؛ زیرا بخل، امت‌های پیش از شما را هلاک کرد و آنها را واداشت که خون همدیگر را بریزند و حرام‌ها را حلال کنند!»^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۷۸].

۶۲- باب الإيثار والمواساة

باب ايثار و کمک به يکديگر

قال الله تعالى:

﴿ وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ﴾ (الحشر / ۹)

خداوند متعال در وصف انصار می فرماید: «و محتاجان و دیگران را بر خود ترجیح می دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند».

وقال تعالى:

﴿ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴾ (الإنسان / ۸)

«و طعام را با وجود علاقه و اشتیایی که خود به آن دارند، به مسکین و یتیم و اسیر، اطعام می کنند».

۳۴۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: جاء رجلٌ إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: إني مَجْهُودٌ، فأرسلني إلى بعض نساءه، فقالت: والذي بعثك بالحق ما عندي إلا ماء، ثم أرسلني إلى أخرى. فقالت مثل ذلك، حتى قلن كلهن مثل ذلك: لا والذي بعثك بالحق ما عندي إلا ماء. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «من يُضيفُ هذا، الليلة؟» فقال رجلٌ من الأنصار: أنا يا رسول الله، فأنطلق به إلى رحله، فقال لامرأته: أكرمي ضيف رسول الله صلى الله عليه وسلم.

وفي رواية قال لامرأته: هل عندك شيء؟ فقالت: لا، إلا قوت صبياني قال: علليهم بشيء وإذا أرادوا العشاء، فنومهم، وإذا دخل ضيفنا، فأطفي السراج، وأرنيه أنا نأكل، ففعدوا وأكل الضيف وباتا طاوئين، فلما أصبح، غدا على النبي صلى الله عليه وسلم: فقال: «لقد عجب الله من صنيعكما بضيفكما الليلة» متفق عليه.

۳۴۳. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم آمد و گفت: من در تنگنا و به شدت گرسنه‌ام، پیامبر صلى الله عليه وسلم پیش یکی از زنان خود فرستاد که اگر غذایی هست به او بدهند، گفت: سوگند به کسی که تو را به حق مبعوث کرده، جز آب چیزی ندارم، بعد نزد زن دیگرش فرستاد، همان جواب را شنید، تا همین جمله را از تمام زنانش شنید و سپس فرمودند: «چه کسی امشب این را مهمان می‌کند؟» یکی از انصار جواب داد: من، ای رسول خدا! او را به خانه برد و به زنش گفت: از مهمان پیامبر صلى الله عليه وسلم پذیرایی کن!

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۷۹۸)، م (۲۰۵۴)].

در روایتی دیگر آمده است: به زنش گفت: آیا نزد تو چیزی هست؟ گفت: جز غذای کودکانم چیزی ندارم، گفت: آنها را به چیزی مشغول کن و هر وقت غذا خواستند آنها را بخوابان و هر وقت مهمان وارد شد، چراغ را خاموش و به او چنان وانمود کن که ما هم غذا می‌خوریم، بعد نشستند و مهمان غذا را خورد و خود و زنش گرسنه و با شکم خالی شب را گذراندند و وقتی که صبح شد، به نزد پیامبر ﷺ رسید، پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند از رفتار شب گذشته‌ی شما با مهمانان تعجب کرد».

۳۴۴- وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «طَعَامُ الاثْنَيْنِ كَافِي الثَّلَاثَةِ وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ كَافِي الِارْبَعَةِ» متفق عليه.

۳۴۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خوراک دو نفر برای سه نفر و خوراک سه نفر برای چهار نفر، کافی است»^۱.

۳۴۵- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: بَيْنَمَا نَحْنُ فِي سَفَرٍ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ جَاءَ رَجُلٌ عَلَى رَاحِلَةٍ لَهُ، فَجَعَلَ يَصْرِفُ بَصْرَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كَانَ مَعَهُ فَضْلٌ ظَهَرَ فَلْيَعُدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا ظَهَرَ لَهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ مِنْ زَادٍ، فَلْيَعُدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا زَادَ لَهُ» فَذَكَرَ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ مَا ذَكَرَ حَتَّى رَأَيْنَا أَنَّهُ لَا حَقَّ لِأَحَدٍ مِنَّا فِي فَضْلٍ. رواه مسلم.

۳۴۵. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: وقتی که یک بار با پیامبر ﷺ در سفری بودیم، مردی که بر شترش سوار بود، آمد و (از نهایت گرسنگی و نیاز) شروع به نگاه کردن و توجه به چپ و راست خود نمود، پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که دارای حیوان سواری اضافی است، آن را برای کسی که ندارد، آماده کند و کسی که توشه‌ای اضافی دارد، آن را برای بی‌توشگان حاضر و احسان نماید»، سپس (صدقه دادن اضافه‌ها در) انواع مال را ذکر نمود تا این که فهمیدیم که هیچ کدام از ما، در اضافه‌ها (ی مالی) حقی ندارد (و باید آن را ببخشد)^۲.

۳۴۶- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه أَنَّ امْرَأَةً جَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبُرْدَةٍ مَنْسُوجَةٍ، فَقَالَتْ: نَسَجْتُهَا بِيَدَيَّ لِأَكْسُوْكَهَا، فَأَخَذَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحْتَاجًا إِلَيْهَا، فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَإِنَّهَا لِإِرْزَاؤُهُ، فَقَالَ فُلَانٌ: اكْسِنِيهَا مَا أَحْسَنَهَا، فَقَالَ: «نَعَمْ» فَجَلَسَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۳۹۲)، م (۲۰۵۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۷۲۸)].

وَسَلَّمَ فِي الْمَجْلِسِ، ثُمَّ رَجَعَ فَطَوَّأَهَا، ثُمَّ أَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ الْقَوْمُ: مَا أَحْسَنْتَ! لَبَسَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحْتَجِجًا إِلَيْهَا، ثُمَّ سَأَلْتَهُ، وَعَلِمْتَ أَنَّهُ لَا يَرُدُّ سَائِلًا، فَقَالَ: إِنِّي وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُهُ لِأَلْبَسَهَا، إِنَّمَا سَأَلْتُهُ لِتَكُونَ كَفَنِي. قَالَ سَهْلٌ: فَكَانَتْ كَفَنَهُ. رواه البخاري.

۳۴۶. از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: زنی، جامه‌ی پشمین بافته شده‌ای به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: آن را با دستان خود بافته‌ام که شما بپوشید، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از او قبول کرد و به آن نیاز هم داشت و پس (از مدتی بیرون رفت و) در حالی پیش ما برگشت که آن پارچه، ازار ایشان بود و فلان شخص، به ایشان گفت: چه قدر خوب و زیباست! آن را به من بدهید که بپوشم، پیامبر فرمودند: «بله»، و در مجلس نشست و سپس به خانه برگشت و آن را پیچید و بست و برای آن شخص فرستاد، جماعت به آن فرد گفتند: کار خوبی نکردی! پیامبر صلی الله علیه و آله آن را پوشیده بود و به آن نیاز داشت و تو در چنین **حالی** آن را از ایشان خواستی و می‌دانستی که او به کسی جواب رد نمی‌دهد، مرد گفت: والله من آن را از او نخواستم که بپوشم، بلکه برای آن خواستم که کفن من باشد؛ سهل می‌گوید: بعداً آن پارچه کفن او شد^۱.

۳۴۷- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْأَشْعَرِيَّينَ إِذَا أَرْمَلُوا فِي الْعَزْوِ، أَوْ قَلَّ طَعَامُ عِيَالِهِمْ بِالْمَدِينَةِ، جَمَعُوا مَا كَانَ عِنْدَهُمْ فِي تَوْبٍ وَاحِدٍ، ثُمَّ اقْتَسَمُوهُ بَيْنَهُمْ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ بِالسَّوِيَّةِ فَهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ» متفقٌ عليه.

۳۴۷. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اشعری‌ها (طایفه‌ی اشعری)، وقتی در جنگ توشه‌ای شان تمام یا در شهر، طعام زن و فرزندان شان کم شود، هر چه دارند، در یک جامه جمع و با پیمان‌های یکسان، بین خود تقسیم می‌کنند، پس آنان از من هستند و من از ایشانم»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۲۷۷)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۸۶)، م (۲۵۰۰)].

۶۳- باب التنافس في أمور الآخرة والاستكثار مما يُتبركُ به

باب رقابت در امور آخرت و زیاد بهره بردن از چیزهایی که به آنها تبرک جسته می شود

قال الله تعالى:

﴿وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ﴾ (المطففين / ۲۶)

«مسابقه دهندگان باید برای به دست آوردن این (نعمت‌های بهشت) با مبادرت به عبادت خداوند) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند».

۳۴۸- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى بشرابٍ، فشرب منه وعن يمينه غلامٌ، وعن يساره الأشياخُ، فقال للغلام: «أ تأذن لي أن أعطي هؤلاء؟» فقال الغلام: لا، والله يا رسول الله لا أؤثر بنصبي منك أحداً، فقتله رسول الله صلى الله عليه وسلم في يده. متفق عليه.

۳۴۸. از سهل بن سعد رضي الله عنه روایت شده است که گفت: نوشیدنی‌ای برای پیامبر صلى الله عليه وسلم آورده شد، از آن نوشید، در سمت راست پیامبر صلى الله عليه وسلم پسر بچه‌ای بود و در سمت چپ اشخاصی مسن بودند و ایشان به آن پسر بچه فرمودند: «اجازه می‌دهی که به اینان بدهم؟» پسر بچه گفت: خیر، به خدا سوگند، ای رسول خدا! هیچ کس را در سهم خودم که از طرف شما به من رسیده بر خود ترجیح نمی‌دهم و پیامبر صلى الله عليه وسلم ظرف را در دست او نهاد.^۱
[این پسر بچه، عبدالله بن عباس رضي الله عنه بوده است]

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۴۵۱)، م (۲۰۳۰)].

۶۴- باب فضل الغني الشاكر وهو من أخذ المال من وجهه و صرفه في وجوهه المأمور

بها

باب فضیلت ثروتمند شاكر و او کسی است که ثروت خود را از راه (صحیح) آن به دست آورد و در مصارف مشروع آن هزینه کند

قال الله تعالى:

﴿ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۖ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴾ (الليل / ۵-۷)

«کسی که (در راه خدا)، بخشش کند و پرهیزگاری پیشه سازد و پاداش خوب و بهشت را تصدیق کند (و بدان ایمان و باور داشته باشد)، ما نیز او را آماده‌ی رفاه و آسایش (و بهشت) می‌نماییم».

قال الله تعالى:

﴿ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ۖ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۖ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۖ ﴾

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۖ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۖ ﴾ (الليل / ۱۷-۲۱)

«و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود * همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود. * و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، * بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست * و بزودی راضی و خشنود می‌شود».

قال الله تعالى:

﴿ إِن تَبَدُّوا الْأَصْدَقَاتِ فَبِعِمَّا هِيَ ۗ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَيُكَفِّرُ

عَنكُمْ مِّن سَيِّئَاتِكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۗ ﴾ (البقره / ۲۷۱)

«اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می‌پوشاند (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد.) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است».

قال الله تعالى: ﴿ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّونَ ۖ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ

بِهِ عَلِيمٌ ﴾ (آل عمران / ۹۲)

«به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آن‌که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) ببخشید و هر چه را ببخشید، خدا بر آن آگاه است».

آیات در فضیلت انفاق در طاعات، فراوان و معلوم است.

۳۴۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدرجاتِ العُلى، والنَّعِيمِ الْمُقِيمِ. فَقَالَ: «وَمَا ذَاكَ؟» فَقَالُوا: يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيُصُومُونَ كَمَا نَصُومُ. وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ، وَيَعْتَقُونَ وَلَا نَعْتِقُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفَلَا أَعَلَّمْتُكُمْ شَيْئاً تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ، وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «تُسَبِّحُونَ، وَتَحْمَدُونَ وَتُكَبِّرُونَ، ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً» فَرَجَعَ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: سَمِعَ إِخْوَانُنَا أَهْلَ الْأَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا، فَفَعَلُوا مِثْلَهُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» متفقٌ عليه، وهذا لفظ رواية مسلم.

۳۴۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: فقرای مهاجرین به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ثروتمندان، درجات بالا و بزرگ و نعمت جاویدان را بردند، فرمودند: «چگونه؟» گفتند: ایشان نماز می‌خوانند، همچنان که ما می‌خوانیم و روزه می‌گیرند، چنان که ما روزه می‌گیریم و صدقه می‌دهند و ما نمی‌دهیم، (نداریم) و بنده آزاد می‌کنند و ما نمی‌کنیم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا چیزی به شما یاد بدهم که به وسیله‌ی آن به اشخاصی که از شما پیشی گرفته‌اند، برسید و برآیندگان بعد از خود سبقت یابید و کسی بالاتر از شما نباشد، جز کسی که مثل عمل شما رفتار می‌کند؟» گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «تسبیح و تحمید و تکبیر (سبحان الله، الحمد لله، الله اکبر) را بعد از هر نماز ۳۳ بار بگویند»، بعداً فقرای مهاجر، بار دیگر به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: برادران ثروتمند ما شنیده‌اند که ما چکار کرده‌ایم و آنان نیز مانند ما آن را انجام می‌دهند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن، از فضل خداست که به هر کس بخواهد عطا می‌فرماید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۴۳)، م (۵۹۵)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۶۵۰- باب ذکر الموت وقصر الأمل

باب یاد مرگ و کوتاه کردن آرزو

قال الله تعالى:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران / ۱۸۵)

«هر موجود زنده‌ای چشنده [طعم] مرگ است. و جز این نیست که پادشاهان را در روز قیامت، به تمام و کمال خواهید یافت. پس هر کس که از آتش [جهنم] دور داشته و به بهشت در آورده شود، بی شک رستگار شده است. و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.»

قال تعالى:

﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾ (لقمان / ۳۴)

«هیچ کس نمی‌داند که فردا چه کسب و عملی خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که در چه سرزمینی می‌میرد.»

قال تعالى:

﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَحْضِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ (النحل / ۶۱)

«پس هر گاه وعده‌ی مرگ آنان فرا رسد، یک لحظه از آن عقب نمی‌افتند و بر آن پیشی نمی‌گیرند.»

قال تعالى:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١﴾ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (المنافقون / ۹-۱۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان، شما را از یاد خدا غافل نکند و کسانی که چنین کنند، ایشان زیانکارند؛ و از چیزهایی که به شما داده‌ایم، بذل و بخشش و صدقه و احسان کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می‌شود اگر مدت کمی مرگ

مرا به تأخیر اندازی (و زنده‌ام بگذاری) تا (احسان و) صدقه بدهم و از زمره‌ی صالحان و خوبان شوم؟! (ولی) خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی‌اندازد هنگامی که اجل او فرا رسیده باشد و خداوند کاملاً آگاه از کارهایی است که انجام می‌دهید».

قَالَ تَعَالَى:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾ أَلَمْ تَكُنْ ءَأَيَّتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ أَحْسَسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامِنَا فَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوَكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾ قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾ قُلْ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنكُم كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ (المؤمنون / ۹۹-۱۱۵)

«زمانی که مرگ یکی از آنها (کافران و بدکاران) فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گردانید تا کارهای شایسته انجام بدهم در مقابل فرصت‌هایی که از دست داده‌ام و کار نیکی نکرده‌ام، خیر، هرگز! این سخنی است که او بر زبان می‌راند و بی‌فایده است (و اگر به فرض، به دنیا باز گردد، باز همان برنامه و روش قبلی خود را در پیش می‌گیرد) در پیش روی این جهانیان، برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. هنگامی که (برای بار دوم) در «صور» دمیده شد، هیچ‌گونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند؛ و کسانی که

سنجیده‌های (اعمال) آنها سنگین و ارزشمند شود، اینان رستگارانند و کسانی که سنجیده‌های (اعمال) آنها سبک و بی‌ارزش باشد، اینان آن کسانی هستند که خویشان را زیانمند نموده‌اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند؛ شعله‌های آتش دوزخ صورت‌های آنان را می‌سوزاند و آنان در میان آن، با چهره‌های عبوس و لب‌های برچیده (و پریشان و نالان) به سر می‌برند؛ (خداوند خطاب به آنان می‌فرماید): مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آنها را انکار و تکذیب کردید؟! تا آنجا که می‌فرماید: «خداوند به زبان فرشتگان به ایشان) می‌گوید: چه مدت در زمین زیسته و ماندگار بوده‌اید؟ می‌گویند: یک روز یا بخشی از یک روز! (ما سخت گرفتار عذاب بوده‌ایم) پس، از کسانی که قادر به شمارش اعمال آدمیان (ملایکه) هستند، پرس (خداوند به آنان) می‌گوید: جز مدت کمی (در زمین) ماندگار نبوده‌اید، اگر شما کمترین آگاهی و دانشی می‌داشتید. آیا گمان کرده‌اید ما شما را بیهوده آفریده‌ایم، و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!».

قَالَ تَعَالَى:

﴿ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۗ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴾
(الحديد/۱۶)

«آیا وقت آن برای مومنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است، بلرزد و خوار و رام شود؟ و همچون کسانی نشوند که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شد و سپس زمانی طولانی بر آنان سپری گشته و آن‌گاه، دل‌هایشان سخت شد و بیشترشان فاسق و خارج (از حدود دین خدا) هستند؟».

آیات در این مورد، فراوان و معلوم است.

۳۵۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ» وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رضي الله عنهما يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ، فَلَا تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ، فَلَا تَنْتَظِرِ الْمَسَاءَ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ»
رواه البخاري.

۳۵۰. و از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هر دو شانه‌ی مرا گرفتند و فرمودند: «در دنیا چنان باش که گویی غریب یا عابری در راه (رهگذر) هستی».

و ابن عمر رضی الله عنهما می فرمود: وقتی غروب کردی، در انتظار صبح نباش و وقتی صبح کردی، در انتظار غروب نباش. و در تندرستی، چیزی را برای ایام بیماری و در زندگی، چیزی را برای مرگ آماده کن!^۱

۳۵۱- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ» متفقٌ عليه. هذا لفظ البخاري.

وفي روايةٍ لمسلم: «بِيتُ ثَلَاثَ لَيَالٍ» قَالَ ابْنُ عُمَرَ: مَا مَرَّتْ عَلَيَّ لَيْلَةٌ مُنْذُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ذَلِكَ إِلَّا وَعِنْدِي وَصِيَّتِي.

۳۵۱. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای مرد مسلمانی که چیزی برای وصیت کردن دارد، حق و روا نیست که دو شب را بدون اینکه وصیت نامه اش نوشته شده و پیشش حاضر باشد، سپری کند»^۲.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «سه شب را بگذرانند». ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: «از وقتی که این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیده‌ام، یک شب بدون وصیتنامه، بر من نگذشته است».

۳۵۲- وعن ابن مسعودٍ رضي الله عنه قال: خَطَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطًّا مُرْبَعًا، وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسْطِ خَارِجًا مِنْهُ، وَخَطَّ خَطًّا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسْطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسْطِ، فَقَالَ: «هَذَا الْإِنْسَانُ، وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطًا بِهِ أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ أَمْلُهُ وَهَذِهِ الْخُطُّ الصِّغَارُ الْأَعْرَاضُ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا، وَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا نَهَشَهُ هَذَا».

۳۵۲. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله مربعی رسم فرمودند و یک خط، در وسط آن کشید که از مربع خارج شده بود و خط‌های کوچکی نیز از قسمت داخل به طرف آن خط وسطی رسم فرمودند و آن گاه فرمودند: «این، انسان است و این، اجل اوست که بر او احاطه دارد، و خطی که خارج از مربع است آرزوی اوست و این خطوط کوچک، عوارض و آفات می‌باشند که اگر از این آفت رهایی یابد، آن آفت دیگر او را می‌گزد و اگر از این یکی نیز رهایی یابد، دیگری وی را می‌گزد».

(به حدیث شماره: ۶۱ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۴۱۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۷۳۸)، م (۱۶۲۷)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۶۶- باب الورع وترك الشبهات

باب ورع و ترك شبهات

قال الله تعالى:

﴿ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴾ (النور / ۱۵)

«گناهی بزرگ انجام می‌دهید) و آن را سبک و آسان می‌شمارید، در صورتی که نزد خدا بسیار بزرگ است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ ﴾ (الفجر / ۱۴)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست».

۳۵۳- وعن الثَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ، وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ، اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ، وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ: أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» متفق عليه. ورواه من طُرُقٍ بِالْفَاظِ مُتَقَارِبَةٍ.

۳۵۳. و از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «همانا حلال روشن و آشکار و حرام روشن و آشکار است، و بین آن دو، کارها و چیزهایی مشتبهی قرار دارد که بسیاری از مردم آنها را نمی‌دانند، پس هر کس از این مشتبهات دوری کند، در دین و آبرویش به پاکی دست می‌یابد و کسی که در این مشتبهات بیفتد، در حرام نیز خواهد افتاد؛ مانند چوپان که گله را در اطراف فُرُق (علفزاری که چریدن ستوران در آن ممنوع شده باشد) می‌چراند و ممکن است گاهی در داخل آن نیز گله را بچراند، آگاه باش! که برای هر پادشاهی، حد و مرز و فُرُقی وجود دارد (که مردم را از آن منع می‌کند) و فُرُق خدا، محرمات اوست، آگاه باشید، همانا در بدن انسان پاره گوشتی وجود دارد که اگر سالم و صالح شود، تمام بدن سالم و اگر فاسد و تباه شود، تمام بدن فاسد می‌شود، بدان که آن پاره گوشت، قلب است»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۲)، م (۱۵۹۹)]. و بخاری و مسلم از راویان دیگر با لفظهایی نزدیک به هم روایت کرده‌اند.

۳۵۴- وعن النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ، وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ» رواه مسلم.

۳۵۴. و از نواس بن سمعان رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «نیکی عبارت از خوشرویی و خوش رفتاری است و گناه و بدی، آن است که در مورد آن متردد باشی (دلت بر درستی آن ثابت نباشد) و دوست نداشته باشی که مردم بر آن مطلع شوند»^۱.

۳۵۵- وعن عُقْبَةَ بْنِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ تَزَوَّجَ ابْنَةَ أَبِي إِيَّاهِبِ بْنِ عَزِيزٍ، فَأَتَتْهُ امْرَأَةً فَقَالَتْ: إِنِّي قَدْ أَرْضَعْتُ عُقْبَةَ وَالتِّي قَدْ تَزَوَّجَ بِهَا، فَقَالَ لَهَا عُقْبَةُ: مَا أَعْلَمُ أَنَّكَ أَرْضَعْتِي وَلَا أَخْبَرْتِي، فَرَكِبَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ، فَسَأَلَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَيْفَ، وَقَدْ قِيلَ!؟» فَفَارَقَهَا عُقْبَةُ وَنَكَحَتْ زَوْجًا غَيْرَهُ. رواه البخاري.

۳۵۵. و از «عقبه بن حارث» رضی اللہ عنہ روایت شده است که او با دختر «اهاب بن عزیز» ازدواج کرد و سپس زنی نزد او آمد و اظهار کرد که: من هم به عقبه و هم به دختری که با او ازدواج کرده است شیر داده‌ام، عقبه بدان زن گفت: گمان نمی‌کنم که تو به من شیر داده باشی، در حالی که تاکنون مرا با خبر نکرده‌ای؛ و بعد سوار شد و به نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در مدینه آمد و از او سؤال نمود، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «این ازدواج چگونه درست است، در حالی که چنین سخنی (همشیره بودن شما) گفته و مشهور شده است؟! بعد عقبه از او جدا شد و زن با مردی دیگر ازدواج کرد.
(به حدیث شماره: ۳۷ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده (۲۵۵۳).

۶۷- باب استحباب العزلة عند فساد الناس والزمان أو الخوف من فتنه في الدين أو وقوع في حرام وشبهات ونحوها

باب فضیلت کناره گیری در هنگام فساد مردم و زمانه و خوف از فتنه در دین یا وقوع در محرمات و شبهه‌ها و مانند آنها

قال الله تعالى:

﴿ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴾ (الذاريات / ۵۰)

«از همه چیز بگریزید و به سوی خدا بگریزید و رو نهید که (من پیامبر) از جانب او (خداوند) برای شما ترساننده‌ی آشکاری هستم.»

۳۵۶- وعن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْخَفِيَّ» رواه مسلم.

۳۵۶. و از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «خداوند بنده‌ی پرهیزگار و بی نیاز و عزلت گزیده را دوست دارد.»

۳۵۷- وعنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ خَيْرَ مَالِ الْمُسْلِمِ غَتَمٌ يَتَّبِعُ بِهَا شَعَفَ الْجِبَالِ وَمَوَاقِعَ الْقَطْرِ، يَفْرُ بِدِينِهِ مِنَ الْفِتَنِ» رواه البخاري.

۳۵۷. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نزدیک است زمانی (برسد) که بهترین ثروت شخص مسلمان، گوسفندی باشد که وی به دنبال آن به قله‌ی کوه‌ها و محل‌های بارش باران می رود و (به این وسیله)، دین خویش را از فتنه‌ها رها می سازد»^۱.

۱- بخاری روایت کرده [۱۹].

۶۸- باب فضل الإختلاط بالناس وحضور جمعهم وجماعاتهم ومشاهد الخیر ومجالس الذکر معهم وعیادة مريضهم وحضور جنازهم ومواساة محتاجهم وإرشاد جاهلهم وغير ذلك من مصالحهم لمن قدر علی الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر وقمع نفسه عن الإیذاء وصبر علی الأذى

باب فضیلت اختلاط با مردم و حضور یافتن در جمعه‌ها و جماعات و اجتماعات و جاهای خیر و مجلس ذکر با ایشان و عیادت بیمار و حاضر شدن در تشیع جنازه و دستگیری نیازمندان و ارشاد نادانان و غیر اینها از مصالح مردم برای کسانی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر و خودداری از آزار مردم و تحمل و صبر و بردباری بر آزار و اذیت‌ها هستند

اعلم أنَّ الاختلاطَ بالنَّاسِ عَلَى الْوَجْهِ الَّذِي ذَكَرْتُهُ هُوَ الْمُخْتَارُ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَسَائِرُ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، وَكَذَلِكَ الْخُلَفَاءُ الرَّاشِدُونَ، وَمَنْ بَعْدَهُمْ مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ، وَمَنْ بَعْدَهُمْ مِنْ عُلَمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَخْيَارِهِمْ، وَهُوَ مَذْهَبُ أَكْثَرِ التَّابِعِينَ وَمَنْ بَعْدَهُمْ، وَبِهِ قَالَ الشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَأَكْثَرُ الْفُقَهَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة ۲/)

والآيات في معنى ما ذكرته كثيرة معلومة.

بدان که اختلاط و آمیزش با مردم به طریقی که ذکر کردم، عمل مورد پسند و برگزیده‌ای است که پیامبر ﷺ و دیگر پیامبران - درود و سلام بر همه‌ی آنان باد - و همچنین «خلفای راشدین» و کسانی که بعد از ایشان بوده‌اند؛ از صحابه و تابعین و بعد از آنها از علمای مسلمین و نیکان ایشان، بر این روش بوده‌اند. و آن، روش مذهب اکثر تابعین و کسان بعد از ایشان است و «شافعی و احمد بن حنبل» و اکثر فقها - خداوند از همه‌ی ایشان خشنود باد - به این روش معتقد بوده‌اند. و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة ۲/)

«همدیگر را برای اعمال خیر و تقوا یاری کنید».

۶۹- باب التواضع وخفض الجناح للمؤمنين

باب تواضع و فروتنی در برابر مؤمنان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الشعراء/ ۲۱۵)

«ای پیامبرص، بال (تواضع و فروتنی) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (المائدة/ ۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آئین خود باز گردد (کوچک ترین زیانی به خداوند نمی رساند و) در آینده خداوند جمعیتی را (به جای آنان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند آنان را دوست دارد و آنها هم خداوند را دوست دارند و ایشان نسبت به مؤمنان نرمخو و فروتن بوده و در برابر کافران سرسخت و با عزت می باشند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَنُكُمْ﴾ (الحجرات/ ۱۳)

«ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید. بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند، متقی ترین شماست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ﴾ (النجم/ ۳۲)

«پس از پاک بودن خود سخن نگوئید و خود را ستایش نکنید، زیرا که او پرهیزگاران را بهتر می شناسد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَانِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۴۸﴾ أَهْتُولَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴾ (الأعراف / ۴۸-۴۹)

«و اهل اعراف مردانی را که از نشانه‌هایشان می‌شناسند، آواز می‌دهند [و به عنوان سرزنش] می‌گویند: [امکانات مادی و] جمعیت [انسانی] شما و تکبری که می‌ورزیدید، عذابی را از شما دفع نکرد * [سپس با توجه دادن دوزخیان به سوی اهل ایمان می‌گویند:] آیا اینان کسانی نبودند که در دنیا سوگند یاد می‌کردید که خدا آنان را به رحمتی نمی‌رساند؟ [پس به مؤمنان می‌گویند:] به بهشت در آید که نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید».

۳۵۸- وعن عِيَاضِ بْنِ حِمَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ، وَلَا يُبْغِيَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ» رواه مسلم.

۳۵۸. و از عیاض بن حمار رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند به من وحی فرمود که نسبت به همدیگر متواضع باشید، تا کسی بر دیگری تفاخر نکند و یکی بر دیگری ستم روا ندارد»^۱.

۳۵۹- وعن أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ مَرَّ عَلَى صَبِيَانٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَقَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُهُ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۳۵۹. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که او از کنار جمعی از کودکان گذشت و بر آنها سلام کرد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌کردند^۲.

۳۶۰- وعنه قال: إِنْ كَانَتْ الْأُمَّةُ مِنْ إِمَاءِ الْمَدِينَةِ لَتَأْخُذُ بِيَدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَنْطَلِقُ بِهِ حَيْثُ شَاءَتْ. رواه البخاري.

۳۶۰. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: اگر کنیزی از کنیزان مدینه، دست پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌گرفت، و او را به هر کجا که می‌خواست، می‌برد، می‌توانست. (یعنی: اگر برای پیامبر صلی الله علیه و آله چنین اتفاقی می‌افتاد، ایشان به قدری متواضع بودند که از انجام چنین کاری هیچ ابایی نداشتند)^۳.

۱- مسلم روایت کرده [۲۸۶۵].

۲- متفق علیه است؛ [خ] (۶۲۴۷)، م (۲۱۶۸).

۳- بخاری روایت کرده [۶۰۷۲].

۳۶۱- وعن الأسود بن يزيد قال: سئلت عائشة رضي الله عنها: ما كان النبي صلى الله عليه وسلم يصنع في بيته؟ قالت: كان يكون في مهنة أهله يعني: خدمة أهله فإذا حضرت الصلاة، خرج إلى الصلاة، رواه البخاري.

۳۶۱. و از اسود بن یزید روایت شده است که فرمود: از حضرت عایشه رضی الله عنها پرسیدم: پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل چکار می کرد؟ گفت: ایشان در خدمت اهل خانه مشغول بودند (یعنی کمک به آنها در انجام دادن کارهای خانه) و چون وقت نماز فرا می رسید، برای ادای آن از خانه خارج می شد.^۱

۳۶۲- وعن تميم بن أسيد رضي الله عنه قال: انتهيت إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يخطب، فقلت: يا رسول الله، رجلٌ غريبٌ جاء يسأل عن دينه لا يدري ما دينه؟ فأقبل عليّ رسول الله صلى الله عليه وسلم وترك خطبته حتى انتهى إليّ، فأني بكرسيّ، ففعدّ عليه، وجعل يعلمني ممّا علمه الله، ثم أتى خطبته، فأتمّ آخرها. رواه مسلم.

۳۶۲. و از تمیم بن اُسید رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله که خطبه می خواند، رفتم و گفتم: ای رسول خدا! مردی غریب است (هستم) و آمده است که از دینش سؤال می کند و نمی داند دین چگونه است! پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه را قطع کرد و به من روی کرد و نزد من تشریف آورد، یک صندلی آوردند، ایشان بر آن نشست و از چیزهایی که خداوند به او تعلیم داده بود، به من آموخت، سپس به خطبه اش پرداخت و ادامه ی خطبه را تا پایان ایراد فرمود.^۲

۳۶۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ما بعث الله نبياً إلا رعى الغنم» قال أصحابه: وأنت؟ فقال: «نعم كنت أُرعاها على قرايط لأهل مكة» رواه البخاري.

۳۶۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده مگر آن که پیامبر، گوسفند را شبانی کرده است»، اصحاب رضی الله عنهم گفتند: شما هم؟ فرمودند: «بله، من هم گوسفندان را برای اهل مکه در مقابل چند قیراط (یک دوازدهم درهم) مزد، شبانی می کردم».^۳

۳۶۴- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لو دُعيت إلى كراعٍ أو ذراعٍ لأجبت، ولو أُهدِي إليّ ذراعٌ أو كراعٌ لقبِلْتُ». رواه البخاري.

۱- بخاری روایت کرده [۶۷۶].

۲- مسلم روایت کرده [۸۷۶].

۳- بخاری روایت کرده [۲۲۶۲].

۳۶۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر مرا به پاچه یا ساق دست حیوانی دعوت کنند، قبول می‌کنم و اگر دست حیوان یا پاچه‌ای به من اهدا شود، می‌پذیرم»^۱.

۱- بخاری روایت کرده [۲۵۶۸].

۷۰- باب تحریم الکبر والإعجاب

باب تحریم تکبر و خودپسندی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ جَعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾

﴿ (القصص ۸۳) ﴾

«ما آن سرای آخرت را تنها نصیب کسانی می‌نماییم که در زمین خواهان تکبر و برتری و فساد و تباهی نیستند و عاقبت از آن پرهیزگاران است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ﴾ (الإسراء ۳۷)

«در زمین متکبرانه راه نرو.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴾

(لقمان ۱۸)

«با تکبر و بی‌اعتنایی از مردم روی نگردان و مغرورانه در زمین راه نرو، چرا که خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ قُرُونًا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَأَتَيْنَهُمْ مِنَ الْكُفْرِ مَا إِنَّ مَفَاحِيَهُ لَتَتَنَوَّأُ

بِالْعَصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴾ (القصص ۷۶-۸۱)

﴿ (القصص ۷۶-۸۱) ﴾

«قارون از قوم موسی بود و (بر اثر دارایی زیاد) بر آنان دراز دستی کرد و تکبر ورزید، ما آن اندازه گنج به او داده بودیم که تنها حمل کلیدهای خزاین آن بر گروه پر زور و با قدرت سنگینی می‌کرد. وقتی که قوم او، به او گفتند: (از روی ناسپاسی و گردنکشی) شادمانی نکن که خداوند شادمانان (سر مست از غرور) را دوست ندارد.»

تا آنجا که می‌فرماید: «ما او و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم.»

۳۶۵- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ» فَقَالَ رَجُلٌ: إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا، وَتَعْلُهُ حَسَنًا قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبَرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَغَمَطُ النَّاسِ» رواه مسلم.

بَطْرُ الْحَقِّ: دَفْعُهُ وَرُدُّهُ عَلَى قَائِلِهِ. وَغَمَطُ النَّاسِ: اخْتِقَارُهُمْ.

۳۶۵. و از عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «کسی که به اندازه‌ی یک ذره تکبر و خودخواهی در قلبش باشد، داخل بهشت نمی‌شود»؛ شخصی گفت: مرد دوست دارد لباس و کفشش خوب و زیبا باشد؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «کبر آن نیست، زیرا که خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ کبر، نپذیرفتن و گردنکشی و سرپیچی از حق و کوچک شمردن مردم است»^۱.

۳۶۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْعِزُّ إِزَارِي، وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي، فَمَنْ يُنَازِعْنِي فِي وَاحِدٍ مِنْهُمَا فَقَدْ عَدَّبْتُهُ» رواه مسلم.

۳۶۶. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خداوند - عز و جل - می‌فرماید: «عزت ازار من است و عظمت و بی‌نیازی، بالاپوش من و کسی که در یکی از این دو با من نزاع کند، او را عذاب می‌دهم»^۲.

۳۶۷- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي فِي حُلَّةٍ تُعْجِبُهُ نَفْسُهُ، مُرَجِّلٌ رَأْسَهُ، يَخْتَالُ فِي مِشْيَتِهِ، إِذْ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ، فَهُوَ يَتَجَلَّجَلُ فِي الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» متفقٌ عليه.

۳۶۷. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «در اثنای آن که مردی در پوششی فاخر، با تکبر و خودفریفتگی و موهایی شانه‌زده و مرتب، راه می‌رفت و در راه رفتنش کبر می‌نمود، ناگهان خداوند او را در زمین فرو برد و او تا روز قیامت (به همین خسف دچار است و) پایین می‌رود»^۳.

۱- مسلم روایت کرده [۹۱].

۲- مسلم روایت کرده [۲۶۲۰].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۹۰)، م (۲۰۸۸)].

۳۶۸- وعن سلمة بن الأكوع رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يزال الرجل يذهب بنفسه حتى يكتب في الجبارين، فيصيبه ما أصابهم» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۳۶۸. و از سلمه بن اکوع رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «مرد (متکبر)، همواره خود را بالا می‌کشد و تکبر و خودخواهی را ادامه می‌دهد، تا این که جزو ظالمان نوشته می‌شود و آن‌گاه آنچه که آنان بدان گرفتارند، او نیز بدان گرفتار می‌گردد»^۱.
(به حدیث شماره: ۱۷۰ مراجعه شود).

۱- ترمذی روایت کرده [۲۰۰۱] و گفته است: حدیثی حسن است.

۷۱- باب حسن الخلق باب حسن خلق (نیکو رفتاری)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ﴾ (قلم / ۴)

«ای پیامبرص) تو دارای خوبی سترگ (صفات پسندیده و نیک) هستی».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالْكَظِيمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ (آل عمران / ۱۳۴)

«کسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند...».

۳۶۹- وعن أنس رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم أحسن الناس خلقاً. متفق عليه.

۳۶۹. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم بهترین مردم از لحاظ اخلاق بود و زیباترین اخلاق را داشت.^۱

۳۷۰- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: لم يكن رسول الله صلى الله عليه وسلم فاحشاً ولا متفحشاً. وكان يقول: «إن من خياركم أحسنكم أخلاقاً» متفق عليه.

۳۷۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم بد اخلاق و دشنام دهنده و بددهن نبود و می‌فرمودند: «به یقین از بهترین شما، کسی است که اخلاقش نیکوتر باشد».^۲

۳۷۱- وعن عائشة رضي الله عنها، قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إن المؤمن ليُدرك بحسن خلقه درجة الصائم القائم» رواه أبو داود.

۳۷۱. از حضرت عایشه رضي الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «مؤمن، با خوشرفتاری و حسن خلق خود، به درجه‌ی روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد (کسی که روزه، روزه و شب، به عبادت خدا ایستاده است)».^۳

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۰۳)، م (۲۱۵۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۳۵۵۹)، م (۲۳۲۱)].

۳- ابوداود روایت کرده است [(۴۷۹۷)].

۳۷۲- وعن أبي أمامة الباهلي رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أنا زعيم ببيت في ربض الجنة لمن ترك المراء وإن كان محققاً، وبيت في وسط الجنة لمن ترك الكذب، وإن كان مازحاً، وبيت في أعلى الجنة لمن حسن خلقه» حديث صحيح، رواه أبو داود بإسناد صحيح. ۳۷۲. از ابوامامه‌ی باهلی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من، ضامن خانه‌ای در اطراف بهشت برای کسی هستم که ستیز و دشمنی و خصومت و ناسازگاری را ترک کند، اگرچه در اختلاف و ستیزه حق به جانب او باشد. و ضامن خانه‌ای در وسط بهشت برای کسی هستم که دروغ را ترک کند، هر چند که به عنوان شوخی باشد و ضامن خانه‌ای در بالای بهشت برای شخصی هستم که خوش اخلاق باشد»^۱.

۳۷۳- وعن جابر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إن من أحبكم إلي، وأقربكم مني مجلساً يوم القيامة، أحاسنكم أخلاقاً. وإن أبغضكم إلي وأبعدكم مني يوم القيامة، الثرثارون والمتشدقون والمتفهبون» قالوا: يا رسول الله! قد علمنا الثرثارون والمتشدقون، فما المتفهبون؟ قال: «المتكبرون» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۳۷۳. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «محبوب‌ترین کسان شما نزد من و نزدیک‌ترین شما به هم‌نشینی من در روز قیامت، خوش اخلاق‌ترین شماست؛ و مبغوض‌ترین شما نزد من و دورترین شما در روز قیامت از من ثرثاران و متشدقان و متفهبان (: پرگویان متکلف و لافزنان و متظاهران و خودنمایان به فصاحت در کلام و کسانی که غلیظ سخن می‌گویند) هستند»، صحابه گفتند: ای رسول خدا! ثرثار و مشدق را می‌دانیم، متفهبان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «متکبران»^۲.

(به احادیث شماره: ۱۸۵، ۳۵۴ مراجعه شود).

۱- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۴۸۰۰)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- ترمذی روایت کرده [(۲۰۱۹)] و گفته است: حدیثی حسن است.

باب بردباری و درنگ کردن و شکیبایی و سازگاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالْكَبِيمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ مُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران / ۱۳۴)

«کسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند (و بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند) و خداوند (هم) نیکوکاران را دوست دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (الأعراف / ۱۹۹)

«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم‌پوشی کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ

كَأَنَّهُ وِلِيُّ حَمِيمٍ ﴿۳۴﴾ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ﴾ (فصلت

۳۴-۳۵)

«نیکی و بدی یکسان نیست؛ (بدی را) با زیباترین شیوه پاسخ بده، نتیجه‌ی این کار آن خواهد شد که کسی که میان تو و او دشمنی است، به ناگاه همچون دوست مهربان صمیمی گردد. به این خوی نمی‌رسند و دارای آن نمی‌شوند، مگر کسانی که صبر و استقامت بورزند و به آن نمی‌رسند مگر کسانی که بهره‌ی بزرگی (از ایمان و ثواب و سعادت) داشته باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (الشوری / ۴۳)

«و کسی که [با قدرت داشتن بر انتقام به اختیار خود] شکیبایی ورزد و [از انتقام] گذشت کند، بی‌تردید این از اموری است که ملازمت بر آن از کارهای استوار و ستوده است».

۳۷۴- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لأشج عبد القيس: «إنَّ فَيْكَ حَصَلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ: الْحِلْمُ وَالْأَنَاةُ» رواه مسلم.

۳۷۴. و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به «اشج عبدالقیس» رضی الله عنه فرمودند: «در تو دو خصلت وجود دارد که خداوند آنها را دوست دارد: بردباری و درنگ و تأنی کردن»^۱.

۳۷۵- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ» متفق عليه.

۳۷۵. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند مهربان است و نرمخویی و مهربانی را در تمام کارها دوست دارد»^۲.

۳۷۶- وعن عائشة رضي الله عنها أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَلَا يُنَزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ» رواه مسلم.

۳۷۶. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نرمخویی و میانه‌روی و سازگاری در هر کاری عملی شود، آن کار را آراسته و بهتر می‌کند و از هر چیزی جدا شود، آن چیز را معیوب می‌نماید»^۳.

۳۷۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: بَالَ أَعْرَابِيٌّ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَامَ النَّاسُ إِلَيْهِ لِيَقْعُوا فِيهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دَعُوهُ وَأَرْبِقُوا عَلَى بَوْلِهِ سَجَلًا مِنْ مَاءٍ، أَوْ ذُنُوبًا مِنْ مَاءٍ، فَإِنَّمَا بُعِثْتُمْ مُسَرِّينَ وَلَمْ تُبْعَثُوا مُعَسِّرِينَ» رواه البخاري.

۳۷۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: اعرابی‌ای (بادیه‌نشین) در مسجد ادرار کرد، مردم برخاستند که او را بزنند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: او را بگذارید (تا ادرارش را تمام کند) و یک سطل یا چند سطل آب بر محل ادرار او بریزید زیرا شما برانگیخته شده‌اید که آسان‌گیر باشید نه سختگیر»^۴.

۳۷۸- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَبَشَرُوا وَلَا تُنْفَرُوا» متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۷)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۲۴)، م (۲۱۶۵)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۹۴)].

۴- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۲۰)].

۳۷۸. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در دعوت و تبلیغ و معاشرت با مردم) آسان بگیرید و سخت نگیرید و (مردم را) خوشحال کنید و مژده بدهید و با روی باز بپذیرید و (آنها را) از خود نرانید و متنفر نسازید»^۱.

۳۷۹- وعن جریر بن عبد الله رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ يُحْرِمِ الرَّفْقَ يُحْرِمِ الْخَيْرَ كُلَّهُ» رواه مسلم.

۳۷۹. و از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر کس از نرمخویی و مدارا محروم گردد، از تمام نیکی ها محروم می شود»^۲.

۳۸۰- وعن أبي يعلى شداد بن أوس رضي الله عنه، عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ وَلْيُحَدِّثْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلْيُرِخْ ذَبِيحَتَهُ» رواه مسلم.

۳۸۰. و از ابویعلی شداد بن اوس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا خداوند در همه چیز و هر کاری نیکوکاری و احسان را برای شما مقرر داشته و فرض کرده است، پس وقتی (کافری را در جنگ یا شخص مستحق قصاصی را) کشتید، نیکو بکشید (با زجر و بریدن اعضا و شکنجه توأم نباشد) و وقتی حیوانی را ذبح کردید، نیکو ذبح کنید و باید هر کدام از شما چاقویش را تیز کند و حیوانش را که می خواهد ذبح کند، (زود) راحت کند و او را نیازارد»^۳.

۳۸۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: ما خَيْرَ رَسُولٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَطُّ إِلَّا أَخَذَ أَيْسَرَهُمَا، مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ. وَمَا انْتَقَمَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِنَفْسِهِ فِي شَيْءٍ قَطُّ، إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللهِ، فَيَنْتَقِمُ لِلَّهِ تَعَالَى. متفقٌ عليه.

۳۸۱. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله در بین دو چیز (کار) مخیر می گردید، آسان ترین آنها را انتخاب می کرد، مادامی که گناه نبود و اگر گناه می بود، دورترین مردم از آن بود و نیز هیچ وقت در هیچ کاری برای خود انتقام نگرفت، مگر در کاری که حرمت حدود خدا شکسته می شد که در این صورت، به خاطر خدا انتقام می گرفت^۴.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۹)، م (۱۷۳۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۹۲)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۵۵)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۳۵۶۰)، م (۲۳۲۷)].

۳۸۲- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَى النَّارِ أَوْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ؟ تَحْرُمُ عَلَى كُلِّ قَرِيبٍ هَيِّنٍ لِيِّنٍ سَهْلٍ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۳۸۲. از ابن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «آیا به شما خبر ندهم از کسی که بدن او بر آتش حرام است؟ - یا: از کسی که آتش دوزخ بر او حرام است - آتش دوزخ، بر هر انسان مردمی، نرمخو، گشاده‌رو، آسانگیر و خوش‌برخوردی حرام است»^۱.

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۴۹۰] و گفته است: حدیثی حسن است.

۷۳- باب العفو والإعراض عن الجاهلین

باب عفو و گذشت و چشم‌پوشی از جاهلان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴾ (الأعراف / ۱۹۹)

«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم‌پوشی کن.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴾ (الحجر / ۸۵)

«عفو کن و درگذر، عفوی نیکو و پسندیده.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ﴾ (النور / ۲۲)

«باید عفو کنند و از دیگران درگذرند، مگر دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد؟!»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾ (آل عمران / ۱۳۴)

«کسانی که از مردم گذشت می‌کنند (و بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند) و خداوند (هم) نیکوکاران را دوست دارد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴾ (الشوری / ۴۳)

«کسی که شکیبایی کند و (از گناه دیگران) درگذرد، از زمره‌ی کارهای مطلوب است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ماندگار شد.»

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۳۸۳- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: ما ضرب رسول الله صلى الله عليه وسلم شيئاً قط بيده، ولا امرأة ولا خادماً، إلا أن يجاهد في سبيل الله، وما نيل منه شيء قط فبنتقم من صاحبه إلا أن ينتهك شيء من محارم الله تعالى: فبنتقم لله تعالى. رواه مسلم.

۳۸۳. و از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز با دست خود چیزی یا زنی یا خدمتکاری را نزد، مگر در زمانی که در راه خدا جهاد می کرد و هرگز به خاطر ضرری که به او وارد شد، از صاحبش انتقام نگرفت، مگر این که چیزی از محارم (و حدود) خدا شکسته می شد که در آن صورت برای خدا انتقام می گرفت.^۱

۳۸۴- وعن أنس رضي الله عنه قال: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ نَجْرَانِيٌّ غَلِيظُ الْحَاشِيَةِ، فَأَدْرَكُهُ أُعْرَابِيٌّ، فَجَبَذَهُ بِرِدَائِهِ جَبَذَةً شَدِيدَةً، فَتَنَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ أَثَرَتْ بِهَا حَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَبَذَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مُرْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ. فَالْتَمَعْتُ إِلَيْهِ، فَضَحِكُ، ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ. متفقٌ عليه.

۳۸۴. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: من با پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفتم، ایشان ردایی نجرانی بر تن داشت که دارای حاشیه ای ضخیم بود، شخص بادیه نشینی به ایشان رسید و ردای پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و سخت کشید. به دور گردن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کردم، از شدت کشیدن، حاشیه ی ردای دور گردن ایشان اثر گذاشته بود؛ سپس گفت: ای محمد! امر کن از مال خدا که نزد توست، به من داده شود! پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف او رو کرد و تبسم فرمود و دستور داد که چیزی به او ببخشند.^۲

(به حدیث شماره: ۳۱، ۳۳ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۳۲۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۸۰۹)، م (۱۰۵۷)].

۷۴- باب احتمال الأذى

باب تحمل کردن آزارها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ ظَمِرُوا الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران / ۱۳۴)

«وکسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند (و بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند) و خداوند (هم) نیکوکاران را دوست دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (الشوری / ۴۳)

«کسی که شکیبایی کند و از گناه دیگران درگذرد، این از زمره‌ی کارهای مطلوب است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ماندگار شد».

و از احادیث مربوط به موضوع این باب، احادیثی است که در باب قبل گذشت.

۳۸۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رجلاً قال: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ لِي قَرَابَةً أَصْلُهُمْ وَيَقْطَعُونِي، وَأُحْسِنُ إِلَيْهِمْ وَيُسَيِّئُونَ إِلَيَّ، وَأَحْلُمُ عَنْهُمْ وَيَجْهَلُونَ عَلَيَّ، فَقَالَ: «لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسَفِّهُمُ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ» رواه مسلم.

۳۸۵. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی (به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم) عرض کرد: ای رسول خدا! من خویشاوندانی دارم که نسبت به آنها صله‌ی رحم به جای می‌آورم، اما آنان نسبت به من قطع رحم می‌کنند؛ من با ایشان نیکی می‌کنم، اما آنها به من بدی می‌کنند؛ من در مقابل آنان بردباری و صبر می‌کنم، اما آنها نسبت به من ستم و بدخویی و بدگویی می‌کنند. پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «اگر تو چنین باشی که می‌گویی، مثل این است که (با این کارت) خاکستر داغ به آنان می‌خورانی و پیوسته تا هنگامی که بر این روش باشی، پشتیبانی از جانب خدا و علیه آنان همراه تو خواهد بود»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۱، ۳۳ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۵۸].

۷۵- باب الغضب إذا انتهكت حرمت الشرع

باب خشم و غضب هنگام هتك حرمت احكام شريعت و يارى كردن دين خدا

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَنْ يُعْظِمَ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ ﴾ (الحج / ۳۰)

«و هر کس اوامر و نواهی خداوند را (در مراسم و امور مربوط به حج و جاهای دیگر) بزرگ و محترم دارد، نزد خدا چنین کاری برای او بهتر است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾ (محمد / ۷)

«اگر خداوند را یاری کنید، او نیز شما را یاری می کند و قدم هایتان را ثابت و استوار می نماید.»

۳۸۶- وعن أبي مسعود البدری رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنِّي لِأَتَأَخَّرُ عَنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ مِنْ أَجْلِ فَلَانٍ مِمَّا يُطِيلُ بِنَا، فَمَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَضِبَ فِي مَوْعِظَةٍ قَطُّ أَشَدَّ مِمَّا غَضِبَ يَوْمَئِذٍ، فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ مِنْكُمْ مُنْفِرِينَ، فَأَيُّكُمْ أَمَّ النَّاسَ فَلْيُوجِزْ، فَإِنَّ مِنْ وِرَائِهِ الْكَبِيرَ وَالصَّغِيرَ وَذَا الْحَاجَةِ» متفق عليه.

۳۸۶. از ابومسعود بدری رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم آمد و گفت: من، به خاطر فلان شخص، نماز صبح را به تأخیر می اندازم، از بس که او در امامتش نماز را طول می دهد (و ما را نگاه می دارد!) (ابومسعود می گوید: پیامبر صلى الله عليه وسلم وقتی این سخن را شنید، چنان عصبانی شد که) من، هرگز ایشان را در هیچ موعظه ای به شدت عصبانیت آن روز ندیده بودم، و آن گاه فرمودند: «ای مردم! بعضی از شما گریزاننده (ی مردم) و ایجاد کننده ی نفرت (در آنها) هستید؛ از این پس، هر کدام از شما، برای مردم امامت کرد، نمازش را کوتاه کند (و تنها به اندازه ای بماند که واجبات نمازش ترک نشود)، زیرا در پشت سر او، سالخورده و بچه و کسی که کار دارد، هست!».

۳۸۷- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ سَفَرٍ، وَقَدْ سَتَرَتْ سَهْوَةً لِي بِقِرَامٍ فِيهِ تَمَائِيلٌ، فَلَمَّا رَأَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَتَكَهُ وَتَلَوْنَ وَجْهَهُ وَقَالَ: «يَا عَائِشَةُ! أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ» متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۰۲)، م (۴۶۶)].

۳۸۷. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از سفری برگشتند در حالی که من یک طاقچه‌ی منزلم را با پرده‌ای نازک که دارای صورت‌هایی بود، پوشانده بودم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که آن را دید، چهره‌ی مبارک‌شان دگرگون شد، شکل‌های آن را پاک کرده و فرمودند: «ای عایشه! شدیدترین عذاب را نزد خداوند در روز قیامت، کسانی دارند که به آفرینش خداوند تشبه می‌جویند (یعنی جانداران را ترسیم می‌کنند یا از روی آنها مجسمه می‌سازند)»^۱.
(به حدیث شماره: ۳۸۳ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۵۴)، م (۹۲)].

۷۶- باب امر ولاة الأمور بالرفق برعاياهم ونصيحتهم والشفقة عليهم والنهي عن
غشهم والتشديد عليهم وإهمال مصالحهم والغفلة عنهم وعن حوائجهم

**باب امر به واليان و كارفرمايان به مدارا با زيردستان و خيرخواهى
نسبت به آنها و مهربانى با ايشان و نهى از خيانت با ايشان و
سختگيرى بر آنان و سهل انگارى در مصالح آنها و غفلت از آنان و
احتياجات ايشان**

قال الله تعالى:

﴿ وَأَحْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ (الشعراء / ۲۱۵)

«ای پیامبرص) بال (تواضع و فروتنی) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، بگستران.»

وقال تعالى:

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴾ (النحل / ۹۰)

«خداوند به عدالت و نیکوکاری و نیز بخشش به نزدیکان دستور می دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ
و انجام کارهای ناشایست و دست درازی و ستمگری نهی می کند؛ خداوند شما را اندرز می دهد، تا
این که پند بگیرید.»

۳۸۸- وعن معقل بن يسار رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «ما
من عبد يسترعيه الله رعيته، يموت يوم يموت وهو غاش لرعيتيه، إلا حرم الله عليه الجنة» متفق
عليه.

وفي رواية لمسلم: «ما من أمير يلي أمور المسلمين، ثم لا يجهد لهم، وينصح لهم، إلا لم يدخل
معهم الجنة.»

۳۸۸. و از مَعْقِل بن یسار رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر بنده‌ای که خداوند رعیتی (گروهی) را به او سپرده باشد و او روزی که می میرد در حالی بمیرد که نسبت به زیردستانش خیانت کار بوده است، قطعاً خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند»^۱.
در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «هر امیری که امور مسلمانان را به دست بگیرد ولی برای (خیر و صلاح) ایشان نکوشد و نسبت به آنان دلسوزی و خیرخواهی نکند، با ایشان داخل بهشت نخواهد شد».

۳۸۹- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي بَيْتِي هَذَا: «اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْتُقْ عَلَيْهِ، وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ». رواه مسلم.

۳۸۹. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که در همین خانه‌ی محل سکونت من می فرمودند: «بار خدایا، هر کس قسمتی از کار امت مرا بر عهده گرفت و با آنها سخت گیری نمود، بر او سخت بگیر و هر کس قسمتی از کار امت مرا بر عهده گرفت و با آنان مدارا کرد و سهل گرفت، تو هم بر او آسان بگیر»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۵۰)، م (۱۴۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۲۸].

۷۷- باب الوالی العادل

باب فرمانروای عادل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل / ۹۰)

«همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ كُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ﴾ (الحجرات / ۹)

«به دادگری رفتار نمایند، که خداوند دادگران را دوست دارد».

۳۹۰- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْمُقْسَطِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وُلُّوا» رواه مسلم.

۳۹۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «همانا دادگران و اهل قسط، نزد خدا بر منابری از نور قرار دارند، آن کسانی که در حکمشان و در میان خانواده‌ی خود و در آنچه که در تحت سرپرستی دارند، عدالت می‌ورزند»^۱.

۳۹۱- وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «خِيَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ، وَتُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ، وَشِرَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُبْغِضُونَهُمْ وَيُبْغِضُونَكُمْ، وَتَلْعَنُونَهُمْ وَيَلْعَنُونَكُمْ» قَالَ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا تُنَابِذُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ، لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ» مسلم.

۳۹۱. از عوف بن مالک رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «بهترین پیشوایان و رهبران شما، کسانی هستند که شما ایشان را دوست دارید و ایشان نیز شما را دوست دارند و شما برای آنان دعای خیر می‌کنید و ایشان نیز برای شما دعای خیر می‌کنند و بدترین پیشوایان شما، آنانی هستند که شما از ایشان متنفرید و ایشان نیز از شما تنفر دارند و شما ایشان را نفرین می‌کنید و ایشان نیز شما را نفرین می‌کنند»، عوف می‌گوید: عرض کردیم: آیا با اینان

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۲۸].

(حاکمان بد)، مبارزه و جنگ نکنیم، پیامبر ﷺ فرمودند: «نه، تا آن زمان که در میان شما نماز اقامه می‌کنند، نه، تا آن زمان که در میان شما نماز اقامه می‌کنند»^۱.

۳۹۲- وَعَنْ عِيَاضِ بْنِ حِمَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَهْلُ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ: ذُو سُلْطَانٍ مُقْسِطٌ مُوَفَّقٌ، وَرَجُلٌ رَحِيمٌ رَقِيقُ الْقَلْبِ لِكُلِّ ذِي قُرْبَى وَمُسْلِمٍ، وَعَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِيَالٍ» رواه مسلم.

۳۹۲. و از عیاض بن حمار رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «اهل بهشت سه گروه هستند: (۱) حاکم و صاحب قدرت دادگری که در امتثال اوامر خداوند و اجتناب از نواهی او موفق باشد؛ (۲) مرد مهربان و دلسوز نسبت به هر خویشاوند نزدیک و هر مسلمان؛ (۳) مرد عیالدار پاکدامن و خویشتندار با عزت»^۲.
(به حدیث شماره: ۲۴۳ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۵۵].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۸۶۵].

۷۸- باب وجوب طاعة ولاة الأمور في غير معصية وتحريم طاعتهم في المعصية
باب وجوب اطاعت از والیان و فرمانروایان در امور شرع و تحريم
اطاعت آنان در غير مشروع

قال الله تعالى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (النساء / ۵۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و رسول (با تمسک به سنت او) و از فرمانروایان مسلمان خود (مادام که دادگر بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) فرمانبرداری نمایید.»

۳۹۳- وعن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «على المؤمن المسلم السَّمْعُ والطَّاعَةُ فيما أَحَبَّ وَكَرِهَ، إِلَّا أَنْ يُؤْمَرَ بِمَعْصِيَةٍ فَإِذَا أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ» متفقٌ عليه.

۳۹۳. و از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «بر مسلمان، گوش دادن به فرمان و اطاعت فرمانروایان، در هر چه دوست دارد یا ندارد (خواه آن فرمان‌ها را بپسندد، خواه نپسندد) واجب است، مگر این که به گناهی (خلاف شرعی) امر شود که هر گاه به معصیت و گناه امر شود، دیگر هیچ گوش دادن و اطاعتی در کار او واجب نیست»^۱.

۳۹۴- وَعَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَإِنْ اسْتَعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، كَانَ رَأْسَهُ زَبِيئَةً» رواه البخاري.

۳۹۴. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «گوش دهید و اطاعت کنید، هر چند بنده‌ای حبشی بر شما گماشته شده باشد که گویی سرش دانه کشمشی است (یعنی: هر چند کسی هم باشد که نسب یا قیافه‌اش، چنگی به دل نمی‌زند!)»^۲.

۳۹۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَلَيْكَ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ وَمَنْشَطِكَ وَمَكْرَهِكَ وَأَثَرَةٍ عَلَيْكَ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۱۴۴)، م (۱۸۳۹)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۹۳].

۳۹۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گوش دادن و فرمانبرداری (از فرمانروایان) در (هر کاری) بر تو سخت باشد یا آسان، دوست داشته باشی یا نداشته باشی و (حتی اگر) نسبت به تو تبعیض روا داشته شود و حقی که تو بر آنان داری، ادا نشود، واجب است»^۱.

۳۹۶- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من كره من أميره شيئاً فليصبر، فإنه من خرج من السلطان شيراً مات ميتة جاهلية» متفق عليه.

۳۹۶. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس کاری (از کارهای) امیر خود را ناپسند دانست و منکر یافت، باید صبر و تحمل کند؛ زیرا کسی که از فرمان سلطان حتی به اندازه‌ی یک وجب خارج شود، به مرگ جاهلیت (یعنی گمراهی) مرده است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۳۶].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۴۳)، م (۱۸۴۹)].

۷۹- باب النهی عن سؤال الإمارة واختیار ترک الولايات إذا لم يتعين عليه أو تدع

حاجة إليه

باب نهی از طلب مقام و حکم داری و بهتر بودن ترک مسؤولیتها (برای انسان) اگر او را انتخاب نکرده باشند، یا نیازی به او نباشد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ تِلْكَ أَلْدَارُ الْأَخْرَةِٰ مَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾
(القصص / ۸۳)

«ما آن سرای آخرت را تنها نصیب کسانی می‌نماییم که در زمین خواهان تکبر و برتری و فساد و تباهی نیستند و عاقبت از آن پرهیزگاران است.»

۳۹۷- وعن عبد الرحمن بن سمره رضي الله عنه، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ! لَا تَسْأَلِ الْإِمَارَةَ، فَإِنَّكَ إِنْ أُعْطِيتَهَا عَنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ أُعْنِتَ عَلَيْهَا، وَإِنْ أُعْطِيتَهَا عَنْ مَسْأَلَةٍ وَكَلْتِ إِلَيْهَا، وَإِذَا حَلَفْتَ عَلَى يَمِينٍ، فَرَأَيْتَ غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا، فَأَتِ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ، وَكَفِّرْ عَن يَمِينِكَ» متفقٌ عليه.

۳۹۷. از عبدالرحمن بن سمره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم به من فرمودند: «ای عبدالرحمن بن سمره! خواستار حکومت نشو، زیرا اگر بدون خواست خودت به تو داده شود، در آن از جانب خدا یاری می‌شوی و اگر به خواست و تقاضای خودت به تو داده شود، به تو واگذار می‌شود (بدون کمک و یاری خداوند و در آن رها و تنها خواهی شد) و اگر بر انجام دادن کاری سوگند خوردی و سپس کاری غیر از آن را، بهتر از آن دیدی، کار بهتر را انجام بده و برای سوگندت کفاره بپرداز»^۱.

۳۹۸- وعن أبي ذر رضي الله عنه قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَا ذَرٍّ! أَرَأَيْكَ ضَعِيفًا، وَإِنِّي أَحَبُّ لَكَ مَا أَحَبُّ لِنَفْسِي، لَا تَأْمُرَنَّ عَلَيَّ ائْتِنِينَ وَلَا تُؤَلِّقَنَّ مَالَ يَتِيمٍ» رواه مسلم.

۳۹۸. از ابوذر رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «ای اباذر! من ترا ناتوان می‌بینم، و من برایت دوست دارم آنچه را که برای خویش دوست می‌دارم، بر دو نفر امیر مشو، و سرپرستی مال یتیم را بر دوش مگیر».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۲۶)].

۳۹۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَحْرِصُونَ عَلَى الْإِمَارَةِ، وَسَتَكُونُ نَدَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه البخاري.

۳۹۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شما بر تصدی امر ولایت و حکومت حرص خواهید ورزید و همان (تصدی امر)، در روز قیامت، موجب پشیمانی (شما) می شود!».

۸۰- باب حث السلطان والقاضي وغيرهما من ولاية الأمور على اتخاذ وزير صالح
وتحذيرهم من قرناء السوء والقبول منهم

باب تشويق فرمانروایان و قاضی و غیر ایشان از والیان بر انتخاب وزیر صالح و تحذیر آنها از همنشینان بد و از قبول انتخاب آنان به همکاری

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ (الزخرف / ۶۷)

«دوستان، در آن روز، بعضی از ایشان، دشمن بعضی دیگرند، مگر پرهیزگاران».

۴۰۰- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِالْأَمِيرِ خَيْرًا، جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ صِدْقٍ، إِنْ نَسِيَ ذِكْرَهُ، وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ، وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ سُوءٍ، إِنْ نَسِيَ لَمْ يُدَكِّرْهُ، وَإِنْ ذَكَرَ لَمْ يُعْنَهُ». رواه أبو داود بإسناد جيد على شرط مسلم.

۴۰۰. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند هر گاه خیر و

خوشبختی حاکم را بخواهد، برای او وزیری درستکار و راست کردار قرار می دهد که اگر حاکم (حق را) فراموش کرد، به او یادآوری نماید و اگر خود حاکم (حق را) به یاد آورد، او را بر انجام دادن آن یاری دهد؛ و هر گاه غیر آن را برای او بخواهد، برای او وزیری ناباب قرار می دهد که اگر حاکم (حق را) فراموش کرد، به او تذکر ندهد و اگر خود حاکم (حق را) به یاد آورد، او را بر انجام دادن آن یاری نکند».

۸۱- باب النهي عن تولية الإمارة والقضاء وغيرهما من الولايات لمن سألها أو حرص

عليها فعرض بها

باب نهی از تحویل دادن امارت و قضاوت و غیر آن از ریاست‌ها به کسی که خود آن را خواستار شود یا بر آن حرص بورزد و به کنایه آن را بخواهد

۴۰۱- عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: دخلت على النبي صلى الله عليه وسلم أنا ورجلان من بني عمي، فقال أحدهما: يا رسول الله! أمرنا على بعض ما ولاك الله عز وجل، وقال الآخر مثل ذلك، فقال: «إنا والله لا نُؤلي هذا العمل أحداً سألته، أو أحداً حرص عليه».

۴۰۱. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: من و دو مرد از پسرعموهایم به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتیم، یکی از آنها گفت: ای رسول خدا! ما را بر بعضی از آنچه که خداوند مسئولیتش را به تو عطا کرده است، بر گمار و مشغول کن و دیگری نیز چنان گفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خدا سوگند، ما کسی را که خودش این عمل (امارت و حکمداری) را درخواست کند یا کسی را که بر (بدست آوردن) آن حرص بورزد، مسؤول و سرپرست آن نمی‌کنیم»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۴۹)، م (۱۷۳۳)].

بخش دوم:

کتاب ادب

۸۲- باب الحياء وفضله والحث على التخلق به

باب حیا و فضیلت آن و تشویق بر تخلق بدان

۴۰۲- وعن عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» متفق عليه.

۴۰۲. از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حیا جز خیر و سعادت، چیز دیگری به دنبال ندارد»^۱.

(به حدیث شماره: ۸۰ مراجعه شود)

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۱۷۷)، م (۳۷)].

۸۳- باب حفظ السر

باب حفظ سر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (الاسراء / ۳۴)

«به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که (روز قیامت)، عهد و پیمان مورد پرسش است.»

۴۰۳- وعن أبي سعيد الخُدري رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ أَشْرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلُ يُفْضِي إِلَى الْمَرْأَةِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا» رواه مسلم.

۴۰۳. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صاحب بدترین منزلت از مردم در نزد خدا در روز قیامت، مردی است که با زنش همبستر می‌شود و زنش با او همبستر می‌شود و آن‌گاه سر زن را فاش می‌کند!»

۴۰۴- وعن ثابت عن أنس، رضي الله عنه قال: أتى عليَّ رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وأنا أَلْعَبُ مَعَ الْعِلْمَانِ، فَسَلَّمَ عَلَيْنَا، فَبِعَثْنِي فِي حَاجَةٍ، فَأَبْطَأْتُ عَلَى أُمِّي، فَلَمَّا جِئْتُ قَالَتْ: مَا حَسَنَكَ؟ فَقُلْتُ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَاجَةٍ، قَالَتْ: مَا حَاجَتُهُ؟ قُلْتُ: إِنَّهَا سِرٌّ. قَالَتْ: لَا تُخْبِرَنَّ بِسِرِّ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدًا. قَالَ أَنَسٌ: وَاللَّهِ لَوْ حَدَّثْتُ بِهِ أَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ بِهِ يَا ثَابِتُ. رواه مسلم. وروى البخاري بَعْضَهُ مُخْتَصِرًا.

۴۰۴. و از ثابت از انس رضی الله عنه روایت شده است که انس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر من وارد شد در حالی که من با پسران (همسال) بازی می‌کردم، بر ما سلام کرد و مرا به دنبال کاری فرستاد و به همین علت تأخیر کردم و دیر به نزد مادرم برگشتم، وقتی برگشتم، مادرم گفت: چه چیز موجب تأخیر تو گردید؟ گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به دنبال کاری فرستاد، گفت: کارش چه بود، گفتم: آن سری است، مادرم گفت: سر پیامبر صلی الله علیه و آله را هرگز به هیچ کس نگو. (ثابت می‌گوید که) انس رضی الله عنه (به من) گفت: ای ثابت! به خدا سوگند، اگر برای کسی می‌گفتم، برای تو نیز گفته بودم.^۳

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۳۷)].

۲- انس بن مالک انصاری، صحابی و ده سال خادم پیامبر صلی الله علیه و آله بود، وی در زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حدود ۲۲ سال داشت - ویراستاران.

۳- مسلم [(۲۴۸۲)] روایت کرده و بخاری [(۶۲۸۹)] نیز بعضی از آن را روایت کرده است.

۸۴- باب الوفاء بالعهد وإنجاز الوعد

باب وفا به وعده و بر آوردن آن

قال الله تعالى:

﴿ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾ (الإسراء / ۳۴)

«به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که (روز قیامت)، عهد و پیمان مورد پرسش است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ ﴾ (النحل / ۹۱)

«به پیمان خدا (که با همدیگر می بندید) وفا کنید، هر گاه که بستید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ﴾ (المائدة / ۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۗ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ ﴾ (الصف / ۲-۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی را می‌گویید که خود به آن عمل نمی‌کنید؟ این که چیزی را بگویید که خود به آن عمل نمی‌کنید، گناهی بسیار بزرگ و موجب خشم عظیم خداوند است.»

۴۰۵- عن أبي هريرة رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» متفقٌ عليه.

زاد في رواية لمسلم: «وإن صام وصلى وزعم أنه مسلم.»

۴۰۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نشانه‌ی منافق (و نفاق) سه چیز است: ۱. هنگامی که صحبت کند، دروغ می‌گوید؛ ۲. هنگامی که وعده‌ای دهد، به آن وفا نمی‌کند؛ هنگامی که چیزی را به‌عنوان امانت به او بسپارند، در آن خیانت می‌کند»^۱.

در روایت مسلم این را اضافه دارد: (هر کس این سه صفت را داشته باشد، منافق است)، هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند یا گمان کند که مسلمان است».

۴۰۶- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أربع من كن في كذب خالصاً. ومن كانت فيه خصلة منهن كانت فيه خصلة من النفاق حتى يدعها: إذا أؤتمن خان، وإذا حدث كذب، وإذا عاهد غدر، وإذا خاصم فجر» متفق عليه.

۴۰۶. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهار خصلت هست که در هر کس وجود داشته باشند، او منافقی خالص است و هر کس یکی از خصایل در او باشد، خصلتی از نفاق را دارد تا وقتی که آن را ترک کند: (۱) وقتی که امانتی به او سپرده شود، در آن خیانت می‌کند؛ (۲) وقتی که حرف می‌زند، دروغ می‌گوید؛ (۳) هر گاه پیمانی ببندد، عهدشکنی می‌کند؛ (۴) هر گاه با کسی دشمنی و دعوا کند، از حق و حد می‌گذرد و حرف زشت می‌زند و دشنام می‌دهد»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۳)، م (۵۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۸۳)، م (۲۳۱۴)].

۸۵- باب المحافظة على ما اعتاده من الخير

باب امر به محافظت بر عادات و روش‌های نیکوی خود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (الرعد / ۱۱)

«خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَبَتْ﴾ (النحل / ۹۲)

«مانند آن زنی نباشید که (به سبب دیوانگی، پشم‌های) رشته‌ی خود را بعد از تاییدن از هم باز می‌کرد.».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ﴾

(الحديد / ۱۶)

«و همچون کسانی نشوید که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شد و سپس زمانی طولانی بر آنان سپری گشته و آن‌گاه، دل‌هایشان سخت شد.».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا﴾ (الحديد / ۲۷)

«اما (مسیحیان) آن (رهبانیتی که خود ابداع کرده بودند) را چنانکه باید، رعایت نکردند.».

(به حدیث شماره: ۱۰۳ مراجعه شود)

۸۶- باب استحباب طیب الکلام وطلاقة الوجه عند اللقاء

باب مستحب بودن خوشزبانی و خوشرویی در هنگام برخورد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَحْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الحجر / ۸۸)

«برای مؤمنان بال (تواضع و مهربانی) را بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«(ای پیامبرص!) اگر تو درشتخوی و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می شدند.»

۴۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «والكلمة الطيبة صدقة» متفق عليه.

۴۰۷- و از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«سخن نیکو گفتن صدقه است.»

(حدیث شماره: ۷۷، ۹۱ مراجعه شود).

۸۷- باب استحباب بیان الکلام وایضاحه للمخاطب وتکریره لیفهم إذا لم يفهم إلا

بذلك

باب استحباب روشنی کلام و واضح ساختن آن برای مخاطب و تکرار

آن تا او بفهمد، اگر جز به تکرار نفهمد

۴۰۸- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان كلام رسول الله صلى الله عليه وسلم كلاماً فصلاً يفهمه كل من يسمعه. رواه أبو داود.

۴۰۸. و از حضرت عایشه رضی اللہ عنہا روایت شده است که فرمود: سخن پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سخنی روشن و آشکار بود که هر کس آن را می شنید، می فهمید!

۴۰۹- عن أنس رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم كان إذا تكلم بكلمة أعادها ثلاثاً حتى تفهم عنه، وإذا أتى على قوم فسلم عليهم سلم عليهم ثلاثاً. رواه البخاري.

۴۰۹. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هر گاه سخنی می فرمود، (اگر مقام و حال ایجاب می کرد) سه بار آن را تکرار می فرمود تا از او فهمیده شود و هر گاه بر عده ای وارد می شد و بر آنان سلام می کرد، سه بار سلام می فرمود (به خاطر کثرت حضار یا احتمال غفلت و نشنیدن آنها)^۲.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۴۸۳۹)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۹۴)].

باب موعظه و میانه روی در آن

قال الله تعالى:

﴿ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ﴾ (النحل / ۱۲۵)

«ای پیامبرص! مردمان را) با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا، به راه پروردگارت فرا خوان.»

۴۱۰ - وعن شقيق بن سلمة قال: كان ابن مسعود رضي الله عنه يُدكّرنا في كلِّ خميسٍ مرّةً، فقال له رجلٌ: يا أبا عبد الرحمن! لوددتُ أنّك دكّرتنا كلَّ يومٍ، فقال: أما إنّه يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ أَنِّي أُكْرَهُ أَنْ أَمْلِكُمْ وَإِنِّي أَخْوَلُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ، كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَخَوَّلُنَا بِهَا مَخَافَةَ السَّامَةِ عَلَيْنَا. متفقٌ عليه.

۴۱۰. و از شقیق بن سلمه رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: ابن مسعود رضی اللہ عنہ هر پنجشنبه یک بار ما را موعظه می‌گفت و پند و اندرز می‌داد، مردی به او گفت: ای ابوعبدالرحمن! دوست دارم که هر روز ما را پند و اندرز دهی، گفت: چیزی که مرا از این کار منع می‌کند، این است که من دوست ندارم که شما را خسته و ملول کنم و حال شما را در هنگام موعظه در نظر دارم (طوری موعظه می‌کنم که بی‌حوصله و خسته نشوید)، چنان که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در موعظه، همیشه حال ما را رعایت می‌فرمود، مبادا که ما خسته و ملول شویم.^۱

۴۱۱ - وعن عمار بن ياسر رضي الله عنهما قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ طُولَ صَلَاةِ الرَّجُلِ، وَقِصَرَ خُطْبَتِهِ، مَنْنَةٌ مِنْ فَحْهِهِ، فَأَطِيلُوا الصَّلَاةَ، وَأَقْصِرُوا الْخُطْبَةَ» رواه مسلم.

۴۱۱. و از عمار بن یاسر رضی اللہ عنہما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «طول نماز شخص و کوتاهی خطبه‌ی او، علامت دانایی و اطلاع او در دین است، پس نماز را طول دهید و خطبه را کوتاه کنید».^۲

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۰)، م (۲۸۲۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۶۹)].

۴۱۲- وعن معاوية بن الحكم السلمي - رضي الله عنه -، قال: بَيْنَا أَنَا أُصَلِّي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِذْ غَطَسَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ، فَقُلْتُ: يَرْحُمُكَ اللَّهُ، فَرَمَانِي الْقَوْمُ بِأَبْصَارِهِمْ! فَقُلْتُ: وَائْتَكَلَ أُمِّيَاهُ، مَا شَأْنُكُمْ تَنْظُرُونَ إِلَيَّ؟! فَجَعَلُوا يَضْرِبُونَ بِأَيْدِيهِمْ عَلَيَّ أَفْحَاذِهِمْ! فَلَمَّا رَأَيْتُهُمْ يُصَمِّتُونَنِي لِكِنِّي سَكَتُ، فَلَمَّا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَأْبِي هُوَ وَأُمِّي، مَا رَأَيْتُ مُعَلِّمًا قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ أَحْسَنَ تَعْلِيمًا مِنْهُ، فَوَاللَّهِ مَا كَهَرَنِي، وَلَا ضَرَبَنِي، وَلَا شَتَمَنِي. قَالَ: «إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا يَصْلُحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ، إِنَّمَا هِيَ التَّسْبِيحُ وَالتَّكْبِيرُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»، أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي حَدِيثُ عَهْدٍ بِجَاهِلِيَّةٍ، وَقَدْ جَاءَ اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ، وَإِنَّ مِنَّا رَجَالًا يَأْتُونَ الْكُفَّانَ؟ قَالَ: «فَلَا تَأْتِيهِمْ» قُلْتُ: وَمِنَّا رَجَالٌ يَنْطَبِرُونَ؟ قَالَ: «ذَلِكَ شَيْءٌ يَجِدُونَهُ فِي صُدُورِهِمْ، فَلَا يَصُدُّنَّهُمْ». رواه مسلم.

۴۱۲. و از معاویه بن حکم سلمی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: یکبار وقتی که من با پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نماز می خواندم، ناگهان مردی از جماعت عطسه کرد، گفتم: یرحمک الله (خداوند بر تو رحمت کند)! و ناگاه همه ی جماعت، به من چشم دوختند، گفتم: مادرم به مصیبت من نشیند! به چه منظور به من نگاه می کنید؟ آنها دست های خود را بر روی زانوهای خود زدند، وقتی ایشان را دیدم که مرا به سکوت وامی دارند، (عصبانی شدم)، اما سکوت کردم؛ هنگامی که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نماز را تمام کرد - پدر و مادرم فدای او باد! - که هیچ معلمی را ندیدم نه پیش از او و نه بعد از او که از لحاظ آموزش و تعلیم، از او بهتر باشد، به خدا سوگند، نه به نظر خشم به من نگاه کرد و نه مرا زد و نه به من بد گفت؛ (بلکه) فرمودند: «در این نماز، گفتن چیزی از سخن (عادی) مردم درست نیست، زیرا که نماز، جز تسبیح و تکبیر و قرائت قرآن چیزی نیست»، یا چنان که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند. گفتم: ای رسول خدا! من، زمانم به جاهلیت نزدیک است و تازه مسلمان شده ام و اینک خداوند اسلام را نازل کرده است؛ در میان ما کسانی هستند که پیش کاهنان می روند (حکمشان چیست؟ پیش آنها بروم یا نه)، فرمودند: «تو نزد آنها نرو»، گفتم: و در میان ما اشخاصی هستند که فال می گیرند؟ فرمودند: «آن چیزی (وسوسه ای) است که در سینه های خویش می یابند و آنها را از هیچ شری منع نمی کند (فایده ای برایشان ندارد)»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۳۷)].

باب در فضیلت وقار و سکینه (متانت و آرامش)

قال الله تعالى:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا

سَلَامًا﴾ (الفرقان / ۶۳)

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)».

۴۱۳- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: ما رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم مُسْتَجْمِعاً قَطُّ صَاحِكاً حَتَّى تُرَى مِنْهُ لَهَوَاتُهُ، إِنَّمَا كَانَ يَتَبَسَّمُ. متفق عليه.

۴۱۳. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیدم که با تمام ظرفیت (و) آن چنان که زبان کوچک (داخل دهان) ایشان دیده شود، بخندد، (بلکه) ایشان (در موقع خنده)، فقط تبسم می‌فرمود^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۴۲۸)، م (۸۹۹)].

۹۰- باب الندب إلى إتيان الصلاة والعلم ونحوهما من العبادات بالسكينة والوقار

باب تشويق به آرامش و متانت در رفتن به نماز و آموختن و نیز

عبادت‌های مانند آنها

قال الله تعالى:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعِيرَةَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (الحج / ۳۲)

«هر کس شعائر و برنامه‌های الهی را بزرگ و محترم دارد، یقیناً (بزرگداشت) آنها از پرهیزگاری دل‌هاست».

۴۱۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَلَا تَأْتُوهَا وَأَنْتُمْ تَسْعُونَ، وَأَنْتُمْ تَمَشُونَ، وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأْتُوا» متفقٌ عليه.

۴۱۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر گاه نماز بر پا شد، با عجله و دویدن به سوی آن نروید، بلکه به شیوهی راه رفتن (و با وقار مؤدبانه) بروید و در آن شرکت کنید و متانت و آرامش را رعایت کنید؛ آن‌گاه به هر مقدار از جماعت که رسیدید، آن را بخوانید و هر مقدار از جماعت که بر شما فوت شد و نرسیدید، آن را تمام کنید»^۱.

۴۱۵- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أَنَّهُ دَفَعَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عَرَفَةَ فَسَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَاءَهُ زَجْرًا شَدِيدًا وَضَرْبًا وَصَوْتًا لِلإِبِلِ، فَأَشَارَ بِسَوْطِهِ إِلَيْهِمْ وَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ فَإِنَّ الْبِرَّ لَيْسَ بِالْإِبْصَاعِ» رواه البخاري.

۴۱۵. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: او «روز عرفه» با پیامبر صلی الله علیه و آله از «صحرای عرفات» خارج شد که پیامبر صلی الله علیه و آله صداهای بلند (مردم در) هی کردن و زدن شترها و ناله‌ی شترها را در پشت سرش شنید و با تازیانه‌اش به آنها اشاره کردند و فرمودند: «ای مردم! (در آمدن) متانت و وقار را پیشه و ملازمت کنید، زیرا طاعت و نیکی به تند رفتن و سرعت نیست»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۹۰۸)، م (۶۰۲)].

۲- بخاری [(۱۶۷۱)] روایت کرده و مسلم [(۱۲۸۲)] نیز بعضی از آن را روایت کرده است.

۹۱- باب إكرام الضيف

باب احترام مهمان

قال الله تعالى:

﴿ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۗ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۖ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴾ (الذاريات / ٢٤-٢٧)

«ای پیامبرص! آیا خبر مهمانان بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ وقتی که وارد شدند و گفتند: سلام! گفت: سلام بر شما! مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید و به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده‌ی خود رفت و گوساله‌ی (بریان) فربه‌ی را آورد و آن را به ایشان نزدیک کرد و گفت: آیا نمی‌خورید.»

وقال تعالى:

﴿ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ مُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۚ قَالَ يَنْقَوْمِ هَذَا بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۗ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴾ (هود / ٧٨)

«قوم لوط شتابان به سوی لوط آمدند و آنان، از پیش از آن، اعمال زشت و پلشتی انجام می‌دادند؛ (لوط) به آنها گفت: ای قوم من! این‌ها دختران من هستند و برای شما پاکیزه‌ترند، پس از خدا بترسید و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا نکنید؛ آیا در میان شما مرد رهیافته و صالح راهنمایی، یافته نمی‌شود؟!»

۴۱۶- وعن أبي شريح خويلد بن عمرو الخزاعي رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه جائزته» قالوا: وما جائزته يا رسول الله؟ قال: «يومه وليلته. والضيافة ثلاثة أيام، فما كان وراء ذلك فهو صدقة» متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: «لا يحل لمسلم أن يقيم عند أخيه حتى يؤثمه» قالوا: يا رسول الله. وكيف يؤثمه؟ قال: «يقيم عنده ولا شيء له يقربه به».

۴۱۶. از ابوشریح خویلد بن عمرو خزاعی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به مهمانش احترام بگذارد در مدت جایز

آن»، گفتند: ای رسول خدا! مدت جواز مهمان چیست؟ فرمودند: «یک روز و یک شب مانند اوست. و مهمانی، سه روز است و بالاتر یا بیشتر از آن، برای صاحب‌خانه، صدقه و احسان است»^۱.

و در روایتی از مسلم آمده که: «روا نیست برای هیچ مسلمانی که نزد برادرش اقامت کند، تا حدی که او را گنهکار سازد.» گفتند: یا رسول الله! چگونه برادرش را گنهکار می‌کند؟ فرمودند: «در نزدش می‌ماند در حالیکه نزد او چیزی وجود ندارد که بدان مهمانداری او را بجای آورد».

(به حدیث شماره: ۲۰۴ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۱۳۵)، م (۱۳۵۲/۳)].

باب استحباب مژده دادن و تبریک گفتن مسائل خیر و نیک

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (الزمر / ۱۷-۱۸)

«ای پیامبرص! مژده بده به بندگانم، آن کسانی که به (همه‌ی) سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و بهترین آنها پیروی می‌کنند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾ (التوبة / ۲۱)

«پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت / ۳۰)

«شما را بشارت باد به بهشتی که به شما وعده داده می‌شد!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾ (الصافات / ۱۰۱)

«ما او (ابراهیم) را به پسری بردبار و خردمند مژده دادیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى﴾ (هود / ۶۹)

«فرستادگان ما، همراه با مژدگانی، به پیش ابراهیم آمدند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ﴾ (هود / ۷۱)

«و همسر ابراهیم، ایستاده بود و خندید، ما به او مژده‌ی (تولد) اسحاق و به دنبال وی یعقوب را دادیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى﴾ (آل عمران / ۳۹)

«(زکریا) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود، فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می دهد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ﴾ (آل عمران / ۴۵)

«آن گاه فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای از خود که نامش (عیسی) مسیح است، مژده می دهد.»

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۴۱۷- وعن عبد الله بن أبي أوفى رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر خديجة، رضي الله عنها، ببيت في الجنة من قصب، لاصخب فيه ولا نصب. متفق عليه.

۴۱۷. و از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها را به خانه‌ای از مروارید مجوف در بهشت مژده داد که هیچ ناله و فریاد و خستگی و رنجی، در آن یافت نمی شود!

۴۱۸- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه، أنه تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ، ثُمَّ خَرَجَ فَقَالَ: لِأُزَمِّنَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا أَكُونَنَّ مَعَهُ يَوْمِي هَذَا، فَجَاءَ الْمَسْجِدَ، فَسَأَلَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا: وَجَّهَ هُنَا، قَالَ: فَخَرَجْتُ عَلَى أَثَرِهِ أَسْأَلُ عَنْهُ، حَتَّى دَخَلَ بَيْتَ أَرِيَسَ فَجَلَسْتُ عِنْدَ الْبَابِ حَتَّى قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَاجَتَهُ وَتَوَضَّأَ، فَعَمْتُ إِلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ قَدْ جَلَسَ عَلَى بَيْتِ أَرِيَسَ، وَتَوَسَّطَ فُقِّهًا، وَكَشَفَ عَنِ سَاقَيْهِ وَدَلَّاهُمَا فِي الْبَيْتِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ انْصَرَفْتُ. فَجَلَسْتُ عِنْدَ الْبَابِ فَقُلْتُ: لِأُكُونَنَّ بَوَّابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْيَوْمَ.

فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ رضي الله عنه فَدَفَعَ الْبَابَ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: أَبُو بَكْرٍ، فَقُلْتُ: عَلَى رَسَلِكَ، ثُمَّ ذَهَبْتُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا أَبُو بَكْرٍ يَسْتَأْذِنُ، فَقَالَ: «أَنْذَنُ لَهُ وَبَشِّرُهُ بِالْجَنَّةِ» فَأَقْبَلْتُ حَتَّى قُلْتُ لِأَبِي بَكْرٍ: ادْخُلْ وَرَسُولُ اللَّهِ يُبَشِّرُكَ بِالْجَنَّةِ، فَدَخَلَ أَبُو بَكْرٍ حَتَّى جَلَسَ عَنِ يَمِينِ النَّبِيِّ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَهُ فِي الْقَفِّ، وَذَلَّى رَجُلَيْهِ فِي الْبَيْرِ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَشَفَ عَنْ سَاقِيهِ، ثُمَّ رَجَعْتُ وَجَلَسْتُ، وَقَدْ تَرَكْتُ أُخِي يَتَوَضَّأُ وَيَلْحَقُنِي، فَقُلْتُ: إِنْ يُرِدِ اللَّهُ بِفُلَانٍ - يُرِيدُ أَخَاهُ - خَيْرًا يَأْتِ بِهِ.

فَإِذَا إِنْسَانٌ يُحَرِّكُ الْبَابَ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَقُلْتُ: عَلَيَّ رِسْلِكَ، ثُمَّ جِئْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ: هَذَا عُمَرُ يَسْتَأْذِنُ؟ فَقَالَ: «أَنْذَنُ لَهُ وَبِشْرُهُ بِالْجَنَّةِ» فَجِئْتُ عُمَرَ، فَقُلْتُ: أَذِنَ أُدْخِلُ وَيُشْرِكُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْجَنَّةِ، فَدَخَلَ فَجَلَسَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْقَفِّ عَنْ يَسَارِهِ وَذَلَّى رَجُلَيْهِ فِي الْبَيْرِ، ثُمَّ رَجَعْتُ فَجَلَسْتُ فَقُلْتُ: إِنْ يُرِدِ اللَّهُ بِفُلَانٍ خَيْرًا يَعْنِي أَخَاهُ يَأْتِ بِهِ.

فَجَاءَ إِنْسَانٌ فَحَرَكَ الْبَابَ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: عُثْمَانُ بْنُ عَفَانَ. فَقُلْتُ: عَلَيَّ رِسْلِكَ، وَجِئْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: «أَنْذَنُ لَهُ وَبِشْرُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ بَلْوَى تُصِيبُهُ» فَجِئْتُ فَقُلْتُ: ادْخُلْ وَيُشْرِكُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْجَنَّةِ مَعَ بَلْوَى تُصِيبُكَ، فَدَخَلَ فَوَجَدَ الْقَفَّ قَدْ مَلِئَ، فَجَلَسَ وَجَاهَهُمْ مِنَ الشَّقِّ الْآخِرِ. قَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ: فَأَوْلَتْهَا قُبُورَهُمْ. متفق عليه.

۷۰۹. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که او در منزل خود وضوء گرفت و سپس بیرون آمد و گفت: امروز حتماً ملازم پیامبر صلی الله علیه و آله و با او خواهم بود، بعد به مسجد آمد و جویای پیامبر صلی الله علیه و آله شد، گفتند: از این طرف رفت، ابوموسی رضی الله عنه می گوید: به دنبال ایشان (از مسجد) خارج شدم و سراغ ایشان را می گرفتم تا (دیدم که) داخل (باغی که) «چاه اریس» (در آن بود) شد آن گاه من کنار در نشستم تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله قضای حاجت نموده و وضوء گرفت، آن وقت، برخاستم و در خدمت او ایستادم و دیدم که ایشان بر لب چاه و در وسط سکوی کناره‌ی آن نشست و ساق پای مبارک خود را برهنه و در چاه آویزان کرد، (پیش رفتم) و به ایشان سلام کردم و برگشتم و کنار در نشستم و (با خود) گفتم: امروز دربان پیامبر صلی الله علیه و آله خواهم شد که حضرت ابوبکر رضی الله عنه آمد و در را فشار داد (که وارد شود)، گفتم: کیست؟ گفت: ابوبکر، گفتم: صبر کن! سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: ای رسول خدا! اینک حضرت ابوبکر رضی الله عنه اجازه‌ی ورود می‌خواهد، فرمودند: «به او اجازه بده و او را به بهشت، مژده بده»، به طرف حضرت ابوبکر رضی الله عنه روی آوردم و گفتم: داخل شو و پیامبر صلی الله علیه و آله به تو مژده‌ی بهشت می‌دهد؛ حضرت ابوبکر رضی الله عنه وارد شد و در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی سکو نشست و همانند پیامبر صلی الله علیه و آله دو پایش را داخل چاه آویزان و ساق‌هایش را برهنه کرد و سپس بازگشتم و نشستم؛ من هنگام خروج از خانه، برادرم را جا گذاشته بودم که وضوء بگیرد و به من ملحق شود؛ (با خود) گفتم: اگر خداوند، خیر و خوشبختی برادرم را بخواهد، او را به این جا

می آورد که ناگهان متوجه شدم که کسی در را حرکت می دهد، گفتم: کیست؟ گفت: عمر بن خطاب، گفتم: صبر کن! سپس نزد پیامبر ﷺ رفتم و سلام کردم و گفتم: اینک عمر آمده و اجازه می ورود می خواهد، فرمودند: «بگو وارد شو و به او مژده‌ی بهشت بده»، پس نزد حضرت عمر ﷺ برگشتم و گفتم: داخل شو و پیامبر ﷺ به تو مژده‌ی بهشت می دهد؛ حضرت عمر ﷺ وارد شد و در سمت چپ پیامبر ﷺ در سکوی کنار چاه نشست و دو پایش را در چاه آویزان نمود، سپس بازگشتم و نشستم و (با خود) گفتم: اگر خداوند نسبت به فلانی (برادر خودش) خیر بخواهد، او را به این جا می آورد که کسی آمد و در را حرکت داد، گفتم: کیست؟ گفت: عثمان بن عفان، گفتم: صبر کن! سپس نزد پیامبر ﷺ آمدم و به او خبر دادم، فرمودند: «به او اجازه بده و او را به بهشت و بلا و فتنه ای که دامنگیر او می شود، مژده و خبر ده»، آمدم و گفتم: داخل شو و پیامبر ﷺ تو را مژده‌ی بهشت می دهد، با فتنه‌ای که دامنگیر تو می شود. وی داخل شد و دید که سکوی اطراف چاه پر شده و جایی برای نشستن ندارد و بدان سبب در مقابل آنان در قسمت دیگر لب چاه نشست؛ «سعید بن مسیب» (که این حدیث را از ابوموسی ﷺ روایت می کند)، می گوید: «من این را به جای قبور آنان تأویل کردم که قبر پیامبر ﷺ و ابوبکر ﷺ و عمر ﷺ در یک جا و قبر عثمان ﷺ در برابر آنها در «بقیع» جای دارد!»

۹۳- باب وداع صاحب ووصیتته عند فراقه للسفر وغيره والدعاء له وطلب الدعاء

منه

باب خداحافظی با دوست و سفارش او هنگام رفتن به مسافرت و غیر آن و دعای خیر برای او و طلب دعای خیر از او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾ (۳۳) أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿البقره / ۱۳۲-۱۳۳﴾

«و ابراهیم پسران خود را به این آیین سفارش کرد و یعقوب (نیز به پسرانش سفارش کردند که): ای فرزندان من! خداوند آیین (توحیدی اسلام) را برای شما برگزیده است و نمیرید، جز این که مسلمان باشید. آیا (شما یهودیان و مسیحیان که محمد ص را تکذیب می‌نمایید و ادعا دارید که بر آیین یعقوب علیه السلام هستید) هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟ آن هنگام که به فرزندان خود گفت: پس از من چه چیزی را می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و خداوند یگانه را می‌پرستیم و ما تسلیم او هستیم.»

۴۱۹- وعن أبي سليمان مالك بن الحويرث رضي الله عنه قال: أتينا رسول الله صلى الله عليه وسلم ونحن شبيبة متقاربون، فأقمنا عنده عشرين ليلة، وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم رحيماً رقيقاً، فظننا أننا قد اشتقنا أهلنا. فسألنا عمّن تركنا من أهلنا، فأخبرنا، فقال: «ارجعوا إلى أهليكم فأقيموا فيهم، وعلّموهم ومروهم، وصلّوا صلاة كذا في حين كذا، وصلّوا كذا في حين كذا، فإذا حضرت الصلاة فليؤدّن لكم أصدركم، وليؤمكم أكبركم» متفق عليه.

زاد البخاري في رواية له: «وصلّوا كما رأيتموني أصلي».

۴۱۹. از ابوسلیمان مالک بن حویرث رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: ما جوانان هم‌سن و سالی بودیم که به نزد پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رفتیم و در خدمت ایشان، بیست شب ماندگار شدیم، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بسیار مهربان و مشفق بود، به همین سبب گمان برد (دانست) که ما مشتاق دیدار اهل و کسان خود شده‌ایم و از حال افراد خانواده‌ی ما که آنها را به‌جا گذاشته بودیم، جو یا شد و ما به ایشان خبر دادیم، سپس

فرمودند: «به‌سوی خانواده‌ی خود بازگردید و نزد آنها اقامت کنید و آنها را تعلیم دهید و به نماز امر کنید و فلان نماز را در فلان وقت انجام دهید و فلان نماز دیگر را در فلان وقت دیگر و هنگامی که وقت نماز فرا رسید، یکی از شما اذان بگویید، و بزرگ‌ترین شما برایتان امامت کند»^۱.
و بخاری در روایت خود اضافه کرده است: «نماز را آن‌چنان که می‌بینید من می‌خوانم، بخوانید».

۴۲۰- وعن سالم بن عبد الله بن عمر أن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما كان يقول للرجل إذا أراد سفراً: اذن مني حتى أودعك كما كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يودعنا فيقول: «أستودع الله دينك، وأمانتك، وخواتيم عملك». رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۲۰. از سالم بن عبدالله بن عمر روایت شده است که فرمود: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به هر مردی که قصد سفر داشت، می‌گفت: به من نزدیک شو تا چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله با ما وداع می‌فرمود، با تو وداع کنم، سپس می‌گفت: «دین و امانت و خاتمه‌ی کارهایت را به خدا می‌سپارم»^۲.

۴۲۱- وعن أنس رضي الله عنه قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله، إني أريد سفراً، فرؤدني، فقال: «زودك الله التقوى». قال: زدني، قال: «وعفر ذنبك» قال: زدني، قال: «ويسر لك الخير حيثما كنت» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۲۱. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! قصد سفری دارم، توشه‌ای به من مرحمت فرما! فرمودند: «خداوند تقوا را توشه‌ی تو گرداند!» گفت: بیشتر مرحمت فرما! فرمودند: «و (خداوند) گناهان تو را بیامرزد!» گفت: بیشتر لطف بفرما، فرمودند: «و (خداوند) هر جا که باشی، خیر و سعادت و منفعت را برای تو آسان و بسیار گرداند»^۳.
(به حدیث شماره: ۲۴۰ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است [خ (۶۲۸)، م (۶۷۴)].

۲- ترمذی [۳۴۳۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- ترمذی [۳۴۴۰] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

باب استخاره و مشورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«ای پیامبرص! در کارها با مسلمانان مشورت کن.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (الشورى / ۳۸)

«و کارشان (مؤمنان) بر پایه‌ی مشورت است (یعنی: در آن، بین خود مشورت می‌کنند).»

۴۲۲- عن جابر رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعلمنا الاستخارة في الأمور كلها كالسورة من القرآن، يقول إذا هم أحدكم بالأمر، فليركع ركعتين من غير الفريضة ثم ليقل: اللهم إني أستخيرك بعلمك، وأستفدرك بقدرتك، وأسألك من فضلك العظيم، فإنك تقدر ولا أقدر، وتعلم ولا أعلم، وأنت علام الغيوب. اللهم إن كنت تعلم أن هذا الأمر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة أمري، أو قال: «عاجل أمري وأجله، فأقدره لي ويسره لي، ثم بارك لي فيه، وإن كنت تعلم أن هذا الأمر شر لي في ديني ومعاشي وعاقبة أمري» أو قال: «عاجل أمري وأجله، فأصرفه عني، وأصرفني عنه، وأقدر لي الخير حيث كان، ثم رخصني به» قال: ويسمي حاجته. رواه البخاري.

۴۲۲. از جابر رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم استخاره در تمام کارها را مانند آموختن سوره‌ای از قرآن به ما می‌آموخت و می‌فرمودند: «هر گاه یکی از شما قصد کاری کرد، دو رکعت نماز سنت بخواند و سپس بگوید: خدایا! من به سبب علم تو، از تو طلب خیر را می‌نمایم و به سبب قدرت تو، از تو قدرت می‌خواهم و از تو جود و بخشش فراوانت را مسألت می‌کنم، زیرا که تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانا و آگاه به همه‌ی غیب‌ها و رازهای پنهانی، پروردگارا! اگر تو می‌دانی که این کار برای من در دین و زندگی و سرانجام کار - یا فرمودند: «حال و آینده‌ی کار - من خیر است، آن را برای من مقدر فرما و آسان گردان و در آن برکت انداز و اگر می‌دانی که این کار برای من در دین و زندگی و سرانجام کار - یا فرمودند: «حال و آینده‌ی کار - من بد است، آن را از من دور کن و مرا از آن پشیمان گردان و خیر را در هر جا

هست، برای من مقدر فرما و آن گاه مرا بدان خشنود کن»، و فرمودند: «در این هنگام) نیاز خود را بگوید و نام بگیرد»!

۹۵- باب استحباب الذهاب إلى العيد وعبادة المريض والحج والغزو والجنابة

ونحوها من طريق والرجوع من طريق آخر لتكثير مواضع العبادة

باب استحباب رفتن به جلسات عید و عیادت بیمار و حج و جهاد و تشیع جنازه و مانند آنها، از یک راه و برگشتن از راه دیگر برای زیادکردن جاهای عبادت

۴۲۳- عن جابر رضي الله عنه قال: كان النبي صلى الله عليه وسلم إذا كان يوم عيد خالف الطريق. رواه البخاري.

۴۲۳. از جابر رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: هر گاه روز عید می شد، پیامبر صلى الله عليه وسلم راه (رفتن به مصلی) را تغییر می داد؛ (یعنی از یک راه می رفتند و از راه دیگر بازمی گشتند)¹.

۴۲۴- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يخرج من طريق الشجرة ويدخل من طريق المعرس، وإذا دخل مكة دخل من الثنية العليا ويخرج من الثنية السفلى. متفق عليه.

۴۲۴. از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم (هنگام خروج از مدینه) از «راه شجره» بیرون می رفت و (هنگام ورود) از «راه معرس» داخل می شد و هنگامی که داخل مکه می شد، از تپه‌ی بالایی (شهر) داخل می شد و (هنگام خروج) از تپه‌ی پایینی (شهر) خارج می گردید»².

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۸۶].

۲- متفق علیه است [خ (۱۵۳۳)، م (۱۲۵۷)].

۹۶- باب استحباب تقدیم الیمین فی کل ما هو من باب التکریم

كَالْوُضوءِ وَالغُسْلِ وَالتَّيْمُمِ، وَتَبَسُّبِ الثَّوْبِ وَالتَّعْلِيقِ وَالتَّخْفِ وَالسَّرَاوِيلِ وَدُخُولِ الْمَسْجِدِ، وَالسَّوَاكِ، وَالْاِكْتِحَالِ، وَتَقْلِيمِ الْأَطْفَارِ، وَقَصِّ الشَّارِبِ، وَنَتْفِ الْإِبْطِ، وَحَلْقِ الرَّأْسِ، وَالسَّلَامِ مِنَ الصَّلَاةِ، وَالْأَكْلِ، وَالشُّرْبِ، وَالْمُصَافِحَةِ، وَاسْتِيلَامِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، وَالخُرُوجِ مِنَ الْخَلَاءِ، وَالْأَخْذِ وَالْعَطَاءِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا هُوَ فِي مَعْنَاهِ وَيُسْتَحَبُّ تَقْدِيمُ الْيَسَارِ فِي ضِدِّ ذَلِكَ،

كَالْمِتَخَاطِ وَالْبِصَاقِ عَنِ الْيَسَارِ، وَدُخُولِ الْخَلَاءِ، وَالخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَخَلْعِ الْخُفِّ وَالتَّعْلِيقِ وَالسَّرَاوِيلِ وَالثَّوْبِ، وَالاسْتِجَاءِ وَفِعْلِ الْمُسْتَقْدِرَاتِ وَأَشْبَاهِ ذَلِكَ.

باب استحباب جلو انداختن راست در تمام کارهای محترم

مانند وضو، غسل، تیمم، پوشیدن لباس و کفش و موزه و شلوار، دخول مسجد، مسواک زدن، چشم سرمه کشیدن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن سبیل، زدودن موی زیر بغل، تراشیدن سر، سلام دادن در نماز، خوردن و نوشیدن، مصافحه، بوسیدن و دست کشیدن بر حجرالاسود، خروج از توالت، چیزی از کسی گرفتن، چیزی به کسی دادن و غیر آنها در هر چه مانند آن است

و پیش انداختن چپ در ضد آن موارد، مستحب است

مانند آب بینی گرفتن، آب دهان انداختن، دخول به توالت، خروج از مسجد، در آوردن خف و کفش و شلوار و لباس، و استنجا و دفع و انجام کارهایی که آلوده به چرک یا کثافت هستند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أَرَى وَأَكْتَسِبُهُ ﴾ (الحاقه / ۱۹)

«اما آن کس که نامه‌ی اعمالش به دست راست او داده شود، می‌گوید: نامه‌ی اعمال مرا بگیری و بخوانی!».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾

(الواقعه / ۸-۹)

«گروه دست راست و چه (بزرگ و خوشبختند) گروه دست راست! و گروه دست چپ و چه (پست و بدبختند) گروه دست چپ!».

۴۲۵- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ: فِي طُهُورِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَتَنْعُلِهِ. متفقٌ عليه.

۴۲۵. از عایشه صدیقه رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شروع و انجام از راست و جلو انداختن آن را در تمام کارهایش در غسل و وضو و شانه کردن موی سر و پوشیدن کفش خویش، دوست می داشت.^۱

۴۲۶- وعن عائشة قالت: كانت يدُ رسول الله صلى الله عليه وسلم، اليمنى لطهوره وطعامه، وكانت اليسرى لخلائه وما كان من أذى. حديث صحيح، رواه أبو داود وغيره بإسناد صحيح.

۴۲۶. از عایشه صدیقه رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دست راستش را برای پاکی و خوردن خویش و دست چپش را برای دستشویی و دفع حاجت و هر آلودگی دیگری به کار می گرفت.^۲

۴۲۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إذا انتعل أحدكم فليبدأ باليمنى، وإذا نزع فليبدأ بالشمال. لتكن اليمنى أولهما تُنْعَلُ، وآخرهما تُنْزَعُ» متفقٌ عليه.

۴۲۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه یکی از شما کفش پوشید، از راست و وقتی آن را درآورد، از چپ شروع کند، تا پای راست، در پوشیدن اول باشد و در بیرون آوردن آخر».^۳

۴۲۸- وعنه رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إذا لبستهم، وإذا توضأتم، فأبدؤوا بأيمانكم» حديث صحيح. رواه أبو داود والترمذي بإسناد صحيح.

۴۲۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی لباس پوشیدید و وضو گرفتید، از اعضای راستان شروع کنید».^۴

۱- متفق عليه است [خ (۱۶۸)، م (۲۶۸)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۳۳)] و غیر او به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

۳- متفق عليه است [خ (۵۸۵۶)، م (۲۰۹۷)].

۴- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۴۱۴۱)] و ترمذی [(۱۷۶)] به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

بخش سوم:
کتاب آداب طعام

باب تسميه (بسم الله گفتن) در اول طعام و حمد گفتن در آخر آن

۴۲۹- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ». رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۲۹. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که یکی از شما غذا خورد، نام خدای تعالی را ببرد (بسم الله بگوید) و اگر فراموش کرد که در اول غذا بسم الله بگوید، باید بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ» (این غذا را با نام خدا شروع می‌کنم و با نام او به پایان می‌برم)»^۱.

۴۳۰- وعن جابر -رضي الله عنه- قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ لِأَصْحَابِهِ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عِشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَذْرَكْتُمُ الْعِشَاءَ». رواه مسلم.

۴۳۰. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «وقتی مرد (انسان) داخل خانه‌اش شود و در هنگام داخل شدن، نام خدا را ببرد و هنگام غذا خوردن نیز این کار را بکند، شیطان به یاران خود می‌گوید: نه جای خواب شب دارید و نه غذای شب؛ و وقتی کسی داخل خانه شود و هنگام دخول، نام خدا را نبرد، شیطان می‌گوید: جای خواب شب را دریافتید، و اگر هنگام غذا خوردن اسم خداوند را نیاورد، شیطان می‌گوید: هم استراحتگاه و هم غذای شب را دریافتید»^۲.

۴۳۱- وعن أبي أمامة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم كان إذا رفع مائدته قال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُودَعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ رَبُّنَا» رواه البخاري.

۴۳۱. و از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که سفره‌اش را برمی‌داشت، و از غذا فراغت می‌یافت، می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُودَعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ، رَبُّنَا»: سپاس و ستایش شایسته‌ی الله است، سپاس و ستایشی

۱- ابوداود [۳۷۶۷] و ترمذی [۱۸۵۹] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۱۸].

فراوان و پاک و برکت یافته، ای پروردگار ما! (حمد ما را سپاس قرار ده) که به آن کفایت نشود و ترک نگردد و بی‌نیازی از آن حاصل نیاید»^۱.
(به حدیث شماره: ۲۰۰ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۴۵۸)].

باب این که از غذا عیب جویی نکند و سنت بودن تعریف آن

۴۳۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: «ما عاب رسول الله صلى الله عليه وسلم طعاماً قط، إن اشتهاه أكله، وإن كرهه تركه» متفق عليه.

۴۳۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز از غذایی عیب جویی نکرد، اگر دوست می‌داشت، آن را می‌خورد و اگر از آن خوشش نمی‌آمد، آن را ترک می‌کرد و نمی‌خورد»^۱.

۴۳۳- وعن جابر رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم سأل أهله الأدم فقالوا: ما عندنا إلا خَلٌّ، فدعا به، فجعل يأكل ويقول: «نعم الأدم الخَلُّ، نعم الأدم الخَلُّ» رواه مسلم.

۴۳۳. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل خانه‌اش نانخورشی (آنچه همراه با نان خورده شود) خواست، عرض کردند: چیزی جز سرکه نداریم و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را طلبید و شروع به خوردن کرد، می‌فرمودند: «سرکه، نانخورش خوبی است! سرکه، نانخورش خوبی است!»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۴۰۹)، م (۲۰۶۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۵۲)].

۹۹- باب ما يقوله من حضر الطعام وهو صائم إذا لم يفطر

باب بیان آن که اگر کسی که بر سر غذا حاضر شده و روزه است، اگر افطار نکرد، چه باید بگوید

۴۳۴- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ، فَلْيُجِبْ، فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ، وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَطْعَمْ» رواه مسلم.

۴۳۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه یکی از شما (به مهمانی یا عروسی) دعوت شد، باید اجابت کند، اگر روزه‌دار بود (در حق دعوت کننده) دعای خیر کند و اگر روزه‌دار نیست، غذا بخورد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۳۱)].

۱۰۰- باب ما يقوله من دعي إلى طعام فتبعه غيره

باب آنچه که شخص دعوت شده به غذا، آنگاه که شخص دیگری

(بدون دعوت) همراه او رفته است، می گوید

۴۳۵- عن أبي مسعود البدری رضي الله عنه قال: دعا رجل النبي صلى الله عليه وسلم ليطعم صنعته له خمس خمسة، فتبعهم رجل، فلما بلغ الباب، قال النبي صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ هَذَا تَبِعَنَا، فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَأْذُنَ لَهُ، وَإِنْ شِئْتَ رَجِعْ» قَالَ: بَلْ آذُنُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. متفق عليه.

۴۳۵. از ابومسعود بدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی پیامبر صلی الله علیه و آله را به همراه چهار نفر دیگر به غذایی که برای او درست کرده بود، دعوت کرد و مردی (بدون دعوت) به دنبال ایشان ملحق شد و وقتی به جلو در رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به مرد میزبان فرمودند: «این مرد به دنبال ما آمده است، اگر بخواهی به او اجازه بدهی (اجازه می دهی) و اگر بگویی (که برگردد) باز می گردد»، صاحب خانه عرض کرد: خیر، به او اجازه می دهم ای رسول خدا!.

۱۰۱- باب الأكل مما يليه ووعظه وتأديبه من يُسيء أكله

**باب بیان خوردن غذا از جلو دست خود و وعظ و تأدیب به کسی که
بد غذا می خورد**

به احادیث شماره: ۱۰۷، ۲۰۰ مراجعه شود.

۱۰۲- باب النهي عن القرآن بين تمرتين ونحوهما إذا أكل جماعة إلا بإذن رفقته

باب نهی از خوردن دو خرما باهم و امثال آن هنگامی که جمعی باهم بخورند؛ مگر این که دوستانش به او اجازه دهند

۴۳۶- عن جبلة بن سحيم قال: أصابنا عام سنة مع ابن الزبير، فرزقنا تمرًا، وكان عبد الله بن عمر رضي الله عنهما يمرُّ بنا ونحن نأكل، فيقول: لا تُقَارِنُوا، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْإِقْرَانِ، ثُمَّ يَقُولُ: «إِلَّا أَنْ يَسْتَأْذِنَ الرَّجُلُ أَخَاهُ» متفقٌ عليه.

۴۳۶. از جبله بن سحيم روایت شده است که فرمود: سالی در زمان حکمرانی «ابن زبیر»، قحطی به ما رسید، مقداری خرما به ما دادند که روزی ما شد، در حالی که ما مشغول خوردن بودیم، عبدالله بن عمر از کنار ما می گذشت و می گفت: دو تا دو تا نخورید؛ زیرا پیامبر ﷺ از دو تا دو تا خوردن خرما منع فرموده اند، سپس (ابن عمر) گفت: مگر این که شخص خورنده از برادر (همراه)ش اجازه بگیرد!

۱۰۳ - باب ما یقولہ ویفعلہ من یأکل ولا یشبع

باب بیان آنچه که شخصی می خورد و سیر نمی شود، باید بگوید و انجام دهد

۴۳۷- عن وَحْشِيِّ بْنِ حَرْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ؟ قَالَ: «فَلَعَلَّكُمْ تَفْتَرُونَ» قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: فَاجْتَمِعُوا عَلَيَّ طَعَامِكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ» رواه أبو داود

۴۳۷- از وحشی بن حرب رضی اللہ عنہ روایت شده است که اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم (به ایشان) گفتند: ای رسول خدا! ما می خوریم ولی سیر نمی شویم، (چه دلیلی دارد یا راه علاج چیست؟) فرمودند: «شاید شما جدا از هم غذا می خورید؟!»، گفتند: بله، فرمودند: «پس بر غذایتان جمع شوید و نام خدا را ببرید، برایتان در غذا برکت انداخته می شود»^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۷۶۴)].

۱۰۴ - باب الأمر بالأكل من جانب القصة والنهي عن الأكل من وسطها

باب امر به خوردن از کنار ظرف غذا و نهی از خوردن از وسط آن

۴۳۸- عن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الْبِرْكَةُ تَنْزِلُ وَسَطَ الطَّعَامِ فَكُلُوا مِنْ حَافَتَيْهِ وَلَا تَأْكُلُوا مِنْ وَسَطِهِ» رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۳۸. از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «برکت در وسط غذا نازل می‌شود، پس از دو طرفش بخورید و از وسط آن نخورید!»^۱
(به حدیث شماره: ۲۰۰ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۳۷۷۲] و ترمذی [۰۱۸۰۶] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۰۵- باب کراهیه الأکل مُتَّكِنًا

باب کراهت خوردن در حال تکیه زدن بر چیزی

۴۳۹- عن أبي جُحَيْفَةَ وَهَبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا آكُلُ مُتَّكِنًا» رواه البخاري.

۴۳۹. از «ابوجحیفه وهب بن عبدالله رضی الله عنه» روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در حال تکیه زدن غذا نمی خورم»^۱.

۴۴۰- وعن أنسٍ رضي الله عنه قال: رأيتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسًا مُقْعِيًا يَأْكُلُ ثَمْرًا، رواه مسلم.

۴۴۰. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را در حالی دیدم که بر زمین نشسته و مقعی بود و خرما می خورد»^۲.

«مقعی»: کسی است که در حال نشستن، باسن هایش را بر زمین می گذارد و ساق پاهایش را خم و بلند و جمع می کند.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۳۹۸].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۴۴].

۱۰۶- باب استحباب الأكل بثلاث أصابع واستحباب لعق الأصابع وكراهة مسحها قبل لعقها واستحباب لعق القصعة أخذ اللقمة التي تسقط منه وأكلها وجواز مسحها بعد اللعق بالساعد والقدم وغيرها

باب استحباب خوردن با سه انگشت و استحباب لیسیدن انگشت‌ها و کاسه و کراهت داشتن پاک کردن انگشتان قبل از لیسیدن و استحباب برداشتن لقمه‌ای که از دست می‌افتد و خوردن آن و جواز پاک کردن انگشتان با ساعد و پا و غیر آن‌ها بعد از لیسیدن

۴۴۱- عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا، فَلَا يَمْسَحُ أَصَابِعَهُ حَتَّى يُلْعَقَهَا أَوْ يُلْعَقَهَا» متفقٌ عليه.

۴۴۱. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر گاه یکی از شما غذایی خورد، انگشتانش را با چیزی پاک نکند تا آنها را بلیسد یا برایش بلیسند»^۱.

۴۴۲- وعن كعب بن مالك رضي الله عنه قال: رأيت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ فَإِذَا فَرَغَ لَعَقَهَا. رواه مسلم.

۴۴۲. از کعب بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیدم که با سه انگشت غذا می‌خورد و وقتی از غذا خوردن فراغت می‌یافت، آنها را می‌لیسید^۲.
(به حدیث شماره: ۱۱۱ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۴۵۶)، م (۲۰۳۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۳۲)].

۱۰۷- باب تكثير الأيدي على الطعام

باب استحباب تكثير دستها بر طعام و خوردن دسته جمعی

۴۴۳- عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «طَعَامُ
الْاِثْنَيْنِ كَافِي الثَّلَاثَةِ، وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ كَافِي الْأَرْبَعَةِ» متفقٌ عليه.

۴۴۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوراک دو نفر برای سه نفر و
خوراک سه نفر برای چهار نفر، کافی است»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۴۴ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۹۲)، م (۲۰۵۸)].

۱۰۸- باب أدب الشراب واستحباب التنفس ثلاثاً خارج الإناء وكراهة التنفس في

الإناء واستحباب إدارة الإناء على الأيمن فالأيمن بعد المبتدئ

باب روش نوشیدن و استحباب سه بار تنفس در بیرون ظرف و کراهت

نفس کشیدن در ظروف و استحباب دور دادن کاسه‌ی آب از راست

(از نفر سمت راست شروع کردن)

۴۴۴- عن أنس رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يتنفس في الشراب ثلاثاً. متفق عليه. يعني: يتنفس خارج الإناء.

۴۴۴. از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم آب و نوشیدنی را با سه نفس می خورد (یعنی: سه بار بیرون از ظرف آب و در بین آب خوردن، نفس می کشید) ^۱.

۴۴۵- وعن أبي قتادة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى أن يتنفس في الإناء. متفق عليه.

یعنی: يتنفس في نفس الإناء.

۴۴۵. از ابوقتاده رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم از این که در ظرف تنفس شود (یعنی در خود ظرف تنفس و در آن دمیده شود) نهی فرموده اند ^۲.

۴۴۶- وعن أنس رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى بلين قد شيب بماء، وعن يمينه أعرابي، وعن يساره أبو بكر رضي الله عنه، فشرّب، ثم أعطى الأعرابي وقال: «الأيمن فالأيمن» متفق عليه.

۴۴۶. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مقداری شیر که با آب مخلوط شده بود، به نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم آورده شد و در طرف راست پیامبر صلى الله عليه وسلم یک اعرابی و در سمت چپ او ابوبکر صدیق رضي الله عنه نشسته بود، آن گاه پیامبر صلى الله عليه وسلم خود نوشید و سپس به اعرابی عطا فرمود و گفت: «راست، سپس راست!» (شخص طرف راست را جلو بینداز و پس از آن، نفر دست راست او را، و همین طور تا آخر) ^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۳۱)، م (۲۰۲۸)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۳۰)، م (۲۶۷)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۲۶۱۹)، م (۲۰۲۹)].

(به حدیث شماره: ۳۴۸ مراجعه شود).

۱۰۹- باب کراهة الشرب من فم القرية ونحوها وبيان أنه كراهة تنزيه لا تحريم

باب کراهت نوشیدن از دهانه‌ی مشک و مانند آن و بیان آن که این

عمل کراهت تنزیهی است نه تحریمی

۴۴۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يشرب من في السقاء أو القرية. متفق عليه.

۴۴۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که از دهانه‌ی مشک آب یا مشک شیر، نوشیده شود، نهی فرموده‌اند.^۱

۴۴۸- وعن كبشة بنت ثابت رضي الله عنها قالت: دخل علي رسول الله صلى الله عليه وسلم، فشرب من في قرية معلقة قائماً، فقامت إلى فيها ففقطعت. رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۴۸. و از كبشه دختر ثابت رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من آمد و ایستاده، از دهانه‌ی مشک آویزانی، آب نوشید و من برخاستم و دهانه‌ی مشک را بریدم (و نگه داشتم برای تبرک)^۲.

و این حدیث حمل بر جواز نوشیدن آب از دهان مشک می‌گردد.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۲۷)، م (۱۶۰۹) و در مسلم، به‌طور اختصار آمده است].

۲- ترمذی [(۱۸۹۳)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۱۰- باب کراهة النفخ في الشراب

باب کراهت دمیدن در نوشیدنی

۴۴۹- عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن النفخ في الشراب فقال رجل: القداة أراها في الإناء؟ فقال: «أهرفها» قال: فإني لا أروى من نفسٍ واحدٍ؟ قال: «فأبِنُ القَدَحِ إِذَا عَنُ فَيْكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۴۴۹. از ابوسعید خدری رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از دمیدن در نوشیدنی نهی فرمودند، مردی گفت: خاشاک را در ظرف می بینم (آیا در آن صورت هم در آن فوت نکنم)، فرمودند: «آن را بریز»، گفت: من به یک نفس سیراب نمی شوم، فرمودند: «در این صورت ظرف را از دهانت دور و جدا کن (و پس از نفس کشیدن، آن را بنوش)»^۱.

۴۵۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى أن يتنفس في الإناء، أو ينفخ فيه، رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۴۵۰. و از ابن عباس رضی اللہ عنہما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از این که در نوشیدنی، نفس کشیده یا دمیده شود، نهی فرموده اند.^۲

۱- ترمذی [۱۸۸۸] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ترمذی [۱۸۸۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۱۱- باب بیان جواز الشرب قائماً و بیان أن الأکمل والأفضل الشرب قاعداً
**باب بیان روا بودن نوشیدن در حال ایستادن و این که نوشیدن به
صورت نشسته بهتر است**

۴۵۱- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: سَقَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ زَمْزَمَ، فَشَرِبَ وَهُوَ قَائِمٌ. متفقٌ عليه.

۴۵۱. و از ابن عباس رضي الله عنهما روایت شده است که فرمود: از آب «زمزم» به پیامبر صلى الله عليه وآله دادم و ایشان در حال ایستاده، نوشید.^۱

۴۵۲. وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: كُنَّا نَأْكُلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ نَمْشِي، وَنَشْرَبُ وَنَحْنُ قِيَامٌ. رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۵۲. و از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده که فرمود: ما در زمان پیامبر صلى الله عليه وآله (و نزد ایشان) در حالی که راه می رفتیم، غذا می خوردیم و نیز در حالی که ایستاده بودیم، آب می نوشیدیم.^۲

۴۵۳- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَشْرَبَ الرَّجُلُ قَائِمًا. قال قتادة: فقلنا لأنس: فالأكل؟ قال: ذلك أشرُّ أو أخبث. رواه مسلم. وفي رواية له: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَجَرَ عَنِ الشُّرْبِ قَائِمًا.

۴۵۳. و از انس رضي الله عنه روایت شده است، پیامبر صلى الله عليه وآله از این که کسی در حالت ایستاده، بنوشد، نهی فرموده اند، قتاده می گوید: به انس گفتیم: خوردن چطور؟ گفت: آن بدتر - یا ناپاک تر - است.^۳
در روایتی دیگر از او آمده است: پیامبر صلى الله عليه وآله از نوشیدن در حالت ایستاده، منع فرموده اند.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۱۷)، م (۲۰۲۷)].

۲- ترمذی [(۱۸۸۱)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۲۴)].

۱۱۲- باب استحباب کون ساقی القوم آخرهم شرباً

باب استحباب نوشیدن ساقی گروه، در آخر

۴۵۴- عن أبي قتادة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَاقِي الْقَوْمِ آخِرُهُمْ»

یعنی: شُرباً. رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۵۴. از ابوقتاده رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آب‌دهنده‌ی جماعت، در نوشیدن،

نفر آخر آنهاست (باشد)»^۱.

۱- ترمذی [۱۸۹۵] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۱۳- باب جواز الشرب من جميع الأواني الطاهرة غير الذهب والفضة وجواز الكرع - وهو الشرب بالفهم من النهر وغيره - بغير إناء ولا يد وتحريم استعمال إناء الذهب والفضة في الشرب والأكل والطهارة وسائر وجوه الإستعمال

باب جواز نوشیدن از تمام ظروف پاک، غیر از طلا و نقره؛ و جواز خوردن با دهان از رود یا جوی بدون ظرف و بدون دست؛ و تحریم به کار بردن ظروف طلا و نقره در نوشیدن و خوردن و طهارت و سایر وجوه به کار بردن

۴۵۵- وعن عبد الله بن زيد رضي الله عنه قال: أتانا النبي صلى الله عليه وسلم، فأخرجنا له ماءً في ثورٍ من صُفْرٍ فتَوَضَّأ. رواه البخاري.

۴۵۵. از عبدالله بن زید رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به میان ما تشریف آورد، در کاسه‌ای مسین به حضور او آب بردیم و ایشان در آن وضو گرفت!

۴۵۶- وعن جابر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم دخل على رجلٍ من الأنصار، ومعه صاحبٌ له، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إن كان عندك ماءً بات هذه الليلة في شنةٍ وإلا كرعنا» رواه البخاري.

۴۵۶. و از جابر رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم همراه با یک صحابی خود، بر مردی انصاری وارد شد، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «اگر نزد تو، آبی هست که دیشب در داخل مشک مانده (وسرد) باشد، (با مشک) می نوشیم و گرنه با دهان (از آب جوی بوستانت) می نوشیم»^۲.

۴۵۷- وعن حذيفة رضي الله عنه قال: إن النبي صلى الله عليه وسلم نهانا عن الحرير والديباج والشرب في آنية الذهب والفضة، وقال: «هي لهم في الدنيا، وهي لكم في الآخرة» متفق عليه.

۴۵۷. و از حذیفه رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم ما را از پوشیدن حریر و پارچه‌های ابریشمی زینتی و نوشیدن در ظروف طلا و نقره، نهی کرده و فرمودند: «آنها در دنیا، برای ایشان (کافران) و در آخرت، برای شماست»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۹۷].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۵۱۶۳].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۳۳)، م (۲۰۶۷)].

۴۵۸- وعن أم سلمة رضي الله عنها أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «الذي يَشْرَبُ فِي آيَةِ الْفِصَّةِ إِنَّمَا يُجْرَجُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ» متفق عليه.

۴۵۸. و از ام‌المؤمنین ام‌سلمه رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در ظروف (طلا و) نقره بنوشد، آتش دوزخ را در شکم خود فرو می‌ریزد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۳۴)، م (۲۰۶۵)].

بخش چہارم:
کتاب لباس

۱۱۴- باب استحباب الثوب الأبيض وجواز الأحمر والأخضر والأصفر والأسود

وجوازه من قطن وكتان وشعر وصوف وغيرها إلا الحرير

باب استحباب (پوشیدن) لباس سفید و جواز پوشش لباس قرمز و سبز و زرد و سیاه و جواز بودن لباس از پنبه و کتان و موی بز و پشم و غیر آنها به جز ابریشم

قال الله تعالى:

﴿يَبْنِيْ اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِيْ سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذٰلِكَ خَيْرٌ﴾
(الأعراف / ۲۶)

«ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگاهتان را می‌پوشاند، و لباسی فاخر و گران که مایه زینت و جمال است، برای شما نازل کردیم و لباس تقوا [که انسان را از آلودگی‌های ظاهر و باطن بازمی‌دارد] بهتر است».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَجَعَلْ لَكُمْ سَرَابِیلَ تَقِیْكُمْ الْحَرَّ وَسَرَابِیلَ تَقِیْكُمْ بَأْسَكُمْ﴾ (النحل / ۸۱)
«و برای شما پیراهن‌هایی قرار داد که شما را از (سرما و) گرما و پیراهن‌های دیگری که شما را در جنگ، حفظ می‌کند».

۴۵۹- وعن سَمُرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْبُسُوَا الْبِيَاضَ، فَإِنَّهَا أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ، وَكُنْتُمْ فِيهَا مَوْتَاكُمْ» رواه النسائي، والحاكم وقال: حديث صحيح.
۴۵۹. و از سمره رضی الله عنہا روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «(لباس) سفید بپوشید که آن پاک‌تر و بهتر است و مرده‌های خود را در آن کفن کنید»^۱.

۴۶۰- وعن البراء رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرْبُوعًا وَلَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي حُلَّةٍ حَمْرَاءَ مَا رَأَيْتُ شَيْئًا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهُ. مَتَّفَقٌ عَلَيْهِ.
۴۶۰. و از براء بن عازب رضی الله عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم دارای قامت متوسط بود و من او را در پاپوش و بالاپوشی سرخ رنگ دیدم که هرگز از او زیباتر، چیزی ندیده‌ام^۲.

۱- نسائی [۲۰۵/۸] و حاکم [۱۸۵/۴] روایت کرده‌اند و حاکم گفته است: حدیثی صحیح است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۸۴۸)، م (۲۳۳۷)].

۴۶۱- وعن أبي رُمثة رفاعَةَ التَّمِيمِيّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَخْضَرَانِ. رواه أبو داود، والترمذي بإسنادٍ صحيح.

۴۶۱. و از ابی رُمثه رفاعه‌ی تیمی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم در حالی که دو لباس سبز پوشیده بود.^۱

۴۶۲- وعن جابر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ وَعَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءٌ. رواه مسلم.

۴۶۲. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله «روز فتح مکه» داخل مکه شد در حالی که عمامه‌ی سیاهی بر سر او بود.^۲

۴۶۳- وعن عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ بِيضٍ سَحُولِيَّةٍ مِنْ كُرْسُفٍ، لَيْسَ فِيهَا قَمِيصٌ وَلَا عِمَامَةٌ. متفقٌ عليه.

۴۶۳. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در سه تکه پارچه‌ی سفید سحولی (منسوب به سحول نام دهی در یمن) از جنس پنبه کفن گردید و پیراهن و عمامه، در میان آنها نبود.^۳

۴۶۴- وعن الْمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي مَسِيرٍ، فَقَالَ لِي: «أَمَعَكَ مَاءٌ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، فَتَنَزَلَ عَن رَاحِلَتِهِ فَمَشَى حَتَّى تَوَارَى فِي سَوَادِ اللَّيْلِ ثُمَّ جَاءَ فَأَفْرَعْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْإِدَاوَةِ، فَغَسَلَ وَجْهَهُ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ مِنْ صُوفٍ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُخْرِجَ ذِرَاعِيهِ مِنْهَا حَتَّى أَخْرَجَهُمَا مِنْ أَسْفَلِ الْجُبَّةِ، فَغَسَلَ ذِرَاعَيْهِ وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ ثُمَّ أَهْوَيْتُ لِأَنْزِعَ خُفَّيْهِ فَقَالَ: «دَعَهُمَا فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ» وَمَسَحَ عَلَيْهِمَا. متفقٌ عليه. وفي رواية: وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ شَامِيَّةٌ ضَيِّقَةٌ الْكُمَيْنِ.

۴۶۴. و از مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: شبی در راهی با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، به من فرمودند: «آیا همراه تو آب هست؟» گفتم: بله، و ایشان از شترش پایین آمد و پیاده رفت تا در

۱- ابوداود [۴۰۶۵] و ترمذی [۲۸۱۳] به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۳۵۸].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۶۴)، م (۹۴۱)].

سیاهی شب ناپدید شد، سپس بازگشت و من از مشکی چرمین بر دست او آب ریختم و ایشان صورتش را شست، جبه‌ای از پشم بر تن داشت و نتوانست دو ساعد خود را از آن خارج کند، تا این که از قسمت پایین جبه، آنها را بیرون آورد، بعد ساعدهای خود را شست و سر مبارکش را مسح کشید و خواستم که موزه اش را بیرون آورم، فرمودند: «آنها را بگذار! زیرا من آنها را در حال پاکی پوشیده‌ام» و روی آنها مسح کشید!

در روایتی دیگر آمده است: جبه‌ای شامی که دو آستین آن تنگ بود، بر تن داشت.

۱۱۵- باب صفة طول القمص والكم والإزار وطرف العمامة وتحريم إسبال شيء من ذلك على سبيل الخيلاء وكراهته من غير خيلاء

باب چگونگی طول پیراهن و آستین و شلوار و دنباله‌ی عمامه و تحریم دراز نمودن هریک از آنها به خاطر تکبر و کراهت آن در غیر قصد تکبر

۴۶۵- عن أسماء بنت يزيد الأنصارية رضي الله عنها قالت: كان كُمُ قَمِيصِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الرَّسْغِ. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن. ۴۶۵. از اسماء دختر یزید انصاری رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: آستین پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله تا مچ دست بود^۱.

۴۶۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلًا لَمْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ إِزَارِي يَسْتَرْخِي إِلَّا أَنْ أَتَعَاهَدَهُ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّكَ لَسْتَ مِمَّنْ يَفْعَلُهُ خِيَلًا». رواه البخاري.

۴۶۶. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس از روی تکبر، لباسش را بر زمین بکشاند، خداوند در روز قیامت به او (از روی رحمت) نگاه نمی‌کند»، حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! یا رسول الله! ازار من سست می‌شود (در نتیجه کشانده می‌شود) مگر آن که مواظب آن باشم، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «تو از آنها نیستی که از روی تکبر چنین عمل می‌کنند»^۲.

۴۶۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لا يَنْظُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى مَنْ جَرَّ إِزَارَهُ بَطْرًا» متفقٌ عليه.

۴۶۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند در روز قیامت به کسی که شلوارش را از روی تکبر بر روی زمین بکشاند، نظر (لطف) نمی‌اندازد»^۳.

۱- ابوداود [۴۰۲۷] و ترمذی [۱۷۶۵] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است. این حدیث قبلاً هم به شماره‌ی ۵۱۹، آمده است.

۲- بخاری [۳۶۶۵] روایت کرده و مسلم [۲۰۸۵] بعضی از آن را روایت کرده است.

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۸۸)، م (۲۰۸۷)].

۴۶۸- وعنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ مِنَ الْإِزَارِ فَفِي النَّارِ» رواه البخاري.

۴۶۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مقدار از شلوار که از دو قوزک پایین تر برود، در آتش (جهنم) است»^۱.

۴۶۹- وعن ابن عمر رضي الله عنهما، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الإِسْبَالُ فِي الْإِزَارِ، وَالْقَمِيصِ، وَالْعِمَامَةِ، مَنْ جَرَّ شَيْئًا خِيَلَاءَ لَمْ يَنْظُرِ اللهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه أبو داود، والنسائي بإسنادٍ صحيح.

۴۶۹. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دراز کردن و فرو گذاشتن، در شلوار و پیراهن و عمامه هست، کسی که چیزی (از لباسش) را از روی تکبر بر زمین بکشد، خداوند در روز قیامت (از روی رحمت) به او نگاه نمی کند»^۲.

۴۷۰- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِزْرَةُ الْمُسْلِمِ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ، وَلَا حَرَجَ . أَوْ لَا جُنَاحَ . فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَيْنِ، فَمَا كَانَ أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَمَنْ جَرَّ إِزَارَهُ بَطْرًا لَمْ يَنْظُرِ اللهُ إِلَيْهِ» . رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۴۷۰. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شلوار مسلمان، تا نصف ساق است و تا بین ساق و دو قوزک، مانعی - یا گناهی - ندارد و هر چه پایین تر از دو قوزک باشد، در آتش است و هر کسی از روی تکبر شلوارش را بر زمین بکشد، خداوند (از روی رحمت) به او نگاه نمی کند»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۷۸۷].

۲- ابوداود [۴۰۹۴] و نسائی [۲۰۸/۰۸] به اسناد صحیح روایت کرده اند.

۳- ابودرداء [۴۰۹۳] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۱۱۶- باب استحباب ترك الترفع في اللباس تواضعاً

باب استحباب ترك خوشپوشی، از روی تواضع

۴۷۲- وعن معاذ بن أنس رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ اللَّبَاسَ تَوَاضِعاً لِلَّهِ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، دَعَاَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيَّرَهُ مِنْ أَيِّ حُلَّةٍ الْإِيمَانِ شَاءَ يَلْبِسُهَا». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۷۲. و از معاذبن انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر کس از روی فروتنی برای خدا، لباس خوب و گرانبه را ترک کند و آن را نپوشد در حالی که بر پوشیدن آن قادر است، خداوند در روز قیامت در انظار مردم، او را می خواند تا او را مخیر می کند که از هر حله ی ایمان که می خواهد، انتخاب کند و بپوشد»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۰۷، ۳۱۶ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۲۴۸۳] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۱۱۷- باب استحباب التوسط في اللباس ولا يقتصر على ما يزري به لغير حاجة ولا

مقصود شرعي

باب استحباب میانه روی در لباس و عدم قناعت به لباسی که پوشیدن

آن در غیر نیاز و منظور شرعی، موجب عیبجویی می شود

۴۷۳- عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُرَى أَثَرُ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ».

رواهُ الترمذي وقال: حديثٌ حسن.

۴۷۳. از «عمرو بن شعيب» از پدرش از جدش رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «خداوند دوست دارد که اثر اکرام و نعمت خود بر بنده اش، دیده شود یا ظاهر گردد»!

۱۱۸- باب تحریم لباس الحریر علی الرجال و تحریم جلوسهم علیه و استنادهم إليه

و جواز لبسه للنساء

باب تحریم لباس حریر برای مردان و تحریم نشستن و تکیه زدن آنان

بر آنان و جواز پوشیدن آن برای زنان

۴۷۴- عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تلبسوا الحرير، فإن من لبسه في الدنيا لم يلبسه في الآخرة». متفق عليه.

۴۷۴. از عمر بن خطاب رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «(لباس) حریر نپوشید، زیرا کسی که در دنیا آن را بپوشد، در آخرت آن را به تن نمی کند»^۱.

۴۷۵- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من لبس الحرير في الدنيا لم يلبسه في الآخرة» متفق عليه.

۴۷۵. از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کس در دنیا (لباس) حریر بپوشد، در آخرت آن را به تن نمی کند»^۲.

۴۷۶- وعن علي رضي الله عنه قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم أخذ حريراً، فجعله في يمينه، وذهباً فجعله في شماله، ثم قال: «إن هذين حرام على ذكور أمتي». رواه أبو داود بإسناد حسن

۴۷۶. از علی رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم را دیدم که پارچه‌ای حریر را بر گرفت و در دست راست خود قرار داد و مقداری طلا را بر گرفت و در دست چپ خود نهاد و فرمودند: «این دو بر مردان امت من حرام است»^۳.
(به حدیث شماره: ۴۵۷ مراجعه شود).

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۳۰)، م (۲۰۶۹)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۳۲)، م (۲۰۷۳)].

۳- ابوداود [۴۰۵۷] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۱۹- باب جواز لبس الحرير لمن به حكمة

باب جواز پوشیدن حریر برای کسی که بدن او خارش دارد

۴۷۷- عن أنس رضي الله عنه قال: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلزَّبِيرِ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ رضي الله عنهما في لبس الحرير لحكمة بهما. متفق عليه.

۴۷۷. از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به «زبیر» و «عبدالرحمن بن عوف» رضي الله عنهما به سبب خارش که در بدن آنها بود، اجازه ی پوشیدن حریر دادند^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۳۹)، م (۲۰۷۶)].

۱۲۰- باب النهي عن افتراش جلود النمرور والركوب عليها

باب نهی از زیر انداختن پوست پلنگ (و درنده‌ها) و سوار شدن بر آنها

۴۷۸- عَنْ مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَرْكَبُوا الْخَزَّ وَلَا النَّمَارَ». حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَغَيْرُهُ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.

۴۷۸. از حضرت معاویه رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «سوار خز و پلنگ نشوید»^۱، ۲.

۴۷۹- وَعَنْ أَبِي الْمَلِيحِ عَنْ أَبِيهِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ جُلُودِ السَّبَاعِ أَنْ تُفْتَرَشَ. رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ.

۴۷۹. از ابوالملیح از پدرش رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از به کار گرفتن پوست درندگان نهی فرموده‌اند^۳.

۱- حدیثی حسن است که ابوداود [۴۱۲۹] و غیر او روایت کرده‌اند.

۲- یعنی از پوست پلنگ بر روی زین و پالان مرکبتان استفاده نکنید و سوار آن نشوید. نباید از نظر دور داشت که نهی از این عمل، حمل بر کراهت تنزیهی شده است - ویراستاران.

۳- ابوداود [۴۱۳۲] و ترمذی [۱۷۷۱] و نسائی [۱۷۶۷] به اسنادهایی صحیح روایت کرده‌اند.

۱۲۱- باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً

باب بیان آنچه که انسان هنگام پوشیدن لباس تازه می گوید

۴۸۰- عن أبي سعيد الخُدري رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اسْتَجَدَّ ثَوْبًا سَمَّاهُ بِاسْمِهِ عِمَامَةً، أَوْ قَمِيصًا، أَوْ رِدَاءً يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۴۸۰. از ابوسعید خدری رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم وقتی لباسی تازه می پوشید، آن را - عمامه بود یا پیراهن یا بالاپوش - نام می برد و می فرمودند: «بار خدایا! سپاس و ستایش سزاوار توست، تو این (عمامه یا پیراهن یا...) را به من پوشانده ای، از تو خیر آن را و خیر آن چیزی را که برای آن ساخته شده است، مسألت می کنم و از شر آن و از شر چیزی که برای آن ساخته شده است، به تو پناه می برم»^۱.

۱- ابوداود [۴۰۲۰] و ترمذی [۱۷۶۷] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

بخش پنجم:
کتاب آداب خواب

۱۲۲ - باب ما يقوله عند النوم

باب آنچه که هنگام خواب بگوید

۴۸۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان النبي صلى الله عليه وسلم يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ إِحْدَى عَشْرَةَ رُكْعَةً، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، ثُمَّ اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ حَتَّى يَجِيءَ الْمُؤَذِّنُ فَيُؤَذِّنُهُ. متفق عليه

۴۸۱. از عایشه رضی الله عنہا روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شبها یازده رکعت نماز می خواند و وقتی سپیده می دمید، دو رکعت کوتاه می خواند و سپس بر پهلو راستش دراز می کشید تا مؤذن می آمد و (اجتماع و آمادگی مردم برای جماعت را) به ایشان اعلام می کرد.^۱

۴۸۲- وعن خديجة رضي الله عنه قال: كان النبي صلى الله عليه وسلم إذا أخذ مضجعه من الليل وضع يده تحت خده، ثم يقول: «اللهم باسمك أموت وأحيا» وإذا استيقظ قال: «الحمد لله الذي أحيانا بعد ما أماتنا وإليه النشور». رواه البخاري.

۴۸۲. و از خدیجه رضی الله عنہا روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شبها وقتی می خواست بخوابد، دست (راست)ش را زیر (طرف راست) صورت خود می گذاشت و سپس می فرمودند: «خدایا! به نام تو می میرم و به نام تو زنده می شوم» و وقتی بیدار می شد، می فرمودند: «سپاس و ستایش برای خدایی است که ما را زنده کرد، بعد از این که میراند و بازگشت به سوی اوست».^۲

۴۸۳- وعن يعيش بن طخفة الغفاري رضي الله عنهما قال: قال أبي: «بينما أنا مضطجع في المسجد على بطني إذا رجلٌ يحركني برجله فقال: «إن هذه ضجعة يُعصها الله» قال: فنظرتُ، فإذا رسول الله صلى الله عليه وسلم. رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۴۸۳. و از یعیش بن طخفه غفاری رضی الله عنہما روایت شده است که فرمود: پدرم گفت: یک بار در اثنای آن که در مسجد بر روی شکم دراز کشیده بودم، ناگهان متوجه شدم که مردی با پای خودش مرا حرکت می دهد و سپس گفت: «این خوابدنی است که خداوند آن را مبعوض می دارد»، می گوید: نگاه کردم، دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۳

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۳۱۰)، م (۷۳۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۳۱۲)].

۳- ابوداود [(۵۰۴۰)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۴۸۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللهُ تَعَالَى فِيهِ، كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللهِ تَعَالَى تِرَةٌ، وَمَنْ اضْطَجَعَ مَضْطَجَعًا لَا يَذْكُرُ اللهُ تَعَالَى فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللهِ تِرَةٌ» رواه أبو داود بإسنادٍ حسن.

۴۸۴. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر کس در جایی بنشیند که در آن ذکر خدا را نکرده باشد و هر کس در خوابگاهی بخوابد که در آن ذکر خدا را نمی کند، آن نشستن و خوابیدن، ضرر و نقص و عاقبت بدی از سوی خدا برای اوست»^۱.
(به حدیث شماره: ۵۲ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۴۸۵۶] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۲۳- باب جواز الاستلقاء على القفا ووضع إحدى الرجلين على الأخرى إذا لم

يخف انكشاف العورة وجواز القعود متربعاً ومحتبياً

باب جواز خوابیدن بر پشت و نهادن یک پا روی پای دیگر اگر ترس

نمایان شدن عورت نداشته باشد و نیز جواز چهار زانو نشستن و

چمباتمه زدن

۴۸۵- عن عبد الله بن يزيد رضي الله عنه أنه رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم مُسْتَلْقِيًا فِي الْمَسْجِدِ وَاضِعًا إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى. متفق عليه.

۴۸۵. از عبدالله بن زید رضی الله عنه روایت شده است که او پیامبر صلی الله علیه و آله را در حالی که بر پشت خوابیده و یک پایش را روی پای دیگر نهاده بود، در مسجد دید.^۱

۴۸۶- وعن جابر بن سمرة رضي الله عنه قال: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ تَرَجَّعَ فِي مَجْلِسِهِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ حَسَنَاءَ» حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود وغيره بأسانيد صحيحة.

۴۸۶. و از جابر بن سمره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی نماز صبح را به جای می آورد، در محل خود تا خورشید به زیبایی طلوع می کرد، چهار زانو می نشست.^۲

۴۸۷- وعن فَيْلَةَ بِنْتِ مَخْرَمَةَ رضي الله عنها قالت: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ قَاعِدٌ الْقَرْفُصَاءَ، فَلَمَّا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُتَخَشَّعَ فِي الْجُلُوسَةِ أُرْعِدْتُ مِنَ الْفَرَقِ. رواه أبو داود، والترمذي.

۴۸۷. و از فیله دختر مخرمه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که به حالت قرفصا (پاهایش را جمع کرده و زانوانش را به شکمش چسبانده) بود و وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله را در حال نشستن چنان خاشع دیدم، از ترس بر خود لرزیدم.^۳

۴۸۸- وعن الشَّريِدِ بنِ سُوَيْدٍ رضي الله عنه قال: مَرَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا جَالِسٌ هَكَذَا، وَقَدْ وَضَعْتُ يَدَيَّ الْيُسْرَى خَلْفَ ظَهْرِي وَاتَّكَأْتُ عَلَى أَلْيَةِ يَدِي فَقَالَ: «أَتَقْعُدُ قِعْدَةَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۶۹)، م (۲۱۰۰)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۴۸۵۰)] و غیر او به اسنادهایی صحیح روایت کرده اند.

۳- ابوداود [(۴۸۴۷)] و ترمذی [(۲۸۱۵)] روایت کرده اند.

۴۸۸. و از شریذ بن سوید رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار من گذشت در حالی که چنین نشسته بودم: دست چپم را در پشتم نهاده و بر کف دستم تکیه زده بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا مثل نشستن کسانی که خداوند بر آنان غضب گرفته است، می‌نشینی؟!»^۱.

۱- ابوداود [(۴۸۴۷)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۱۲۴- باب في آداب المجلس والجلوس

باب آداب مجلس و همنشین

۴۸۹- عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «لَا يُقِيمَنَّ أَحَدُكُمْ رَجُلًا مِنْ مَجْلِسِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ، وَلَكِنْ تَوَسَّعُوا وَتَفَسَّحُوا» وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ إِذَا قَامَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ مَجْلِسِهِ لَمْ يَجْلِسْ فِيهِ. متفق عليه.

۴۸۹. از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هرگز هیچ کدام از شما کسی را از جایش بلند نکند و سپس خود به جای او بنشیند، اما (برای کسانی که می آیند) جا باز کنید و مجلس را وسعت دهید» و عادت ابن عمر رضی اللہ عنہ چنان بود که اگر مردی برای نشستن او، از جای خود برمی خاست، او در آنجا نمی نشست^۱.

۴۹۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَجْلِسٍ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ» رواه مسلم.

۴۹۰. از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «وقتی یکی از شما از جایی (-) که برای نماز در مسجد و غیره در نظر گرفته است (-) برخاست و سپس به آنجا بازگشت، او سزاوارتر به آنجاست»^۲.

۴۹۱- وعن جابر بن سمرة رضي الله عنهما قال: «كُنَّا إِذَا أَتَيْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَلَسْنَا أَحَدًا حَيْثُ يَنْتَهِي». رواه أبو داود والترمذي، وقال: حديث حسن.

۴۹۱. از جابر بن سمره رضی اللہ عنہما روایت شده است که فرمود: ما، هر گاه به نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم می رفتیم، هر کداممان در جایی که مجلس پایان یافته بود، می نشستیم^۳.

۴۹۲- وعن أبي عبد الله سلمان الفارسي رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طَهْرٍ، وَيَدَّهِنُ مِنْ دُهْنِهِ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ ثُمَّ يَخْرُجُ، فَلَا يُفْرَقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى». رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۶۹)، م (۲۱۷۷)].

۲- ابومسلم روایت کرده است؛ [(۲۱۷۹)].

۳- ابوداود [(۴۸۲۵)] و ترمذی [(۲۷۲۶)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۴۹۲. از ابو عبدالله سلمان فارسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مردی در روز جمعه غسل کند و تا آنجا که می‌تواند، خود را آراسته و پاکیزه کند و (مویش را) از روغن خود، روغن بزند و از عطری که در خانه دارد، خود را معطر سازد و سپس از خانه خارج شود و (به مسجد بیاید) و دو نفر را از هم جدا نکند و آن‌گاه آنچه را از نماز بر او فرض شده است، انجام دهد و سپس هنگامی که امام صحبت می‌کند، ساکت شود، تمام گناهان و اشتباهات او (در صورتی که کبیره یا حقوق مردم نباشد) تا جمعه‌ی دیگر آمرزیده می‌شود»^۱.

۴۹۳- وعن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «لا يحلُّ لرجلٍ أن يفرِّقَ بينَ اثنينِ إلاَّ بإذْنِهما» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن. ۴۹۳. از عمرو بن شعیب، از پدرش از جدش رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای هیچ مردی حلال و جایز نیست که بدون اجازه، بین دو نفر (برای آن‌که خود بنشیند)، جدایی اندازد»^۲.

۴۹۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثَرَ فِيهِ لَغَطُهُ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ: إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۴۹۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در مجلسی بنشیند و سخنش در آن بسیار شود - سخنی که از آن خیر آخرت متصور نیست - و قبل از آن که از آن مجلس برخیزد، بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» = «خدایا! پاک و منزّه تویی و به سپاس و ستایش تو می‌پردازم، شهادت می‌دهم که جز تو خدایی نیست، از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌نمایم» تمام اشتباهاتی که در آن مجلس از او صادر شده است، بخشیده می‌شود»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۸۸۳)].

۲- ابو داود [(۴۸۲۵)] و ترمذی [(۲۷۵۳)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳- ترمذی [(۳۴۲۹)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴۹۵- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ: «اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَنْصَارِنَا، وَفُؤَاتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَأَنْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۹۵. از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده است که فرمود: بسیار کم اتفاق می افتاد که پیامبر صلی الله علیه و آله از مجلسی برخیزد و به این دعاها، دعا نکند:

«اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا...» = «پروردگارا! خشیت و خوف خودت را به اندازه ای نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی تو حایل شود و از طاعت خودت آن اندازه را قسمت کن که ما را به بهشت تو برساند و از یقین، آن مقدار را نصیب ما کن که با آن مصایب دنیا را بر ما آسان گرداند؛ بارخدا یا! تا وقتی که ما را زنده می داری، از گوش ها و چشم ها و نیروی خودمان برخوردارمان ساز و آن را وارث ما قرار ده (چنان که بعد از مرگ ما از بین برود نه قبل از مرگمان) و چنان کن که انتقام و خونخواهی ما از کسی باشد که به ما ظلم کرده است و ما را بر کسی که با ما دشمنی کرده، پیروز گردان و مصیبتمان را در دینمان قرار نده و دنیا را بزرگ ترین هدف ما نگردان و آن را نهایت دانش و علم ما نساز و کسی را بر ما مسلط نکن که به ما رحم نمی کند»^۱.

۴۹۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ تَعَالَى فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ فِيهِ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ تَرَةٌ، فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ، وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُمْ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۹۶. از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گروهی در مجلسی بنشینند که در آن خدا را ذکر نکرده و بر پیامبرشان درود نفرستاده باشند، یقیناً آن مجلس، سوء عاقبت و نقص و ضرری (از سوی خدا) برای آنها خواهد بود، و خدا اگر خواست آنان را عذاب می دهد و اگر خواست آنان را می آمرزد»^۲.

۱- ترمذی [(۳۴۹۷)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ترمذی [(۳۳۷۷)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

(به حدیث شماره: ۴۸۴ مراجعه شود).

۱۲۵ - باب الرؤیا وما يتعلق بها

باب بیان رؤیا و آنچه به آن تعلق دارد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ﴾ (الروم / ۲۳)

«و از نشانه های (قدرت و عظمت) خدا، خواب شما در شب و روز است.»

۴۹۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَمْ يَنْقِ مِنَ النَّبُوءِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ» قَالُوا: وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ» رواه البخاري.

۴۹۷. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «از نبوت چیزی جز مبشرات (مژده دهنده ها) باقی نمانده است»، گفتند: مبشرات چیست؟ فرمودند: «رؤیای صالحه و درست»^۱.

۴۹۸- وعنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا اقْتَرَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكُذِبْ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَكْذِيبٌ، وَرُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءِ» متفق عليه. وفي رواية: «أَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا: أَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا».

۴۹۸. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «وقتی زمان قیامت نزدیک شود (و به قولی، وقتی شب و روز یکسان شود و به قولی، وقتی اجل انسان نزدیک شود)، رؤیای مؤمن هیچگاه دروغ نیست و رؤیای مؤمن جزئی از چهل و شش جزء نبوت است»^۲.
در روایتی دیگر آمده است: «صادق ترین و راستگوترین شما، صاحب راست و درست ترین رؤیاست».

۴۹۹- وعن أبي قتادة رضي الله عنه قال: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ - وَفِي رِوَايَةٍ: الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ - مِنَ اللَّهِ، وَالْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَمَنْ رَأَى شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَنْفُثْ عَنْ شِمَالِهِ ثَلَاثًا، وَلْيَتَعَوَّذْ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ» متفق عليه.

۴۹۹. و از ابوقتاده رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «رؤیای صالحه - و در روایتی دیگر: رؤیای حسنه - از طرف خداست و خواب پریشان از شیطان است، پس هر کس چیزی را در

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۹۹۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۰۱۷)، م (۲۶۶۳)].

خواب دید که ناخوشایند می‌دارد، از طرف چپ خود سه بار (بدون آب دهن)، تف و فوت کند و از شر شیطان به خدا پناه ببرد: (با زبان و قلب أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بگویند) که آن خواب به او ضرری نمی‌رساند.^۱

۵۰۰- وَعَنْ وَائِلَةَ بِنِ الْأَسْقَعِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَى أَنْ يَدَّعِيَ الرَّجُلُ إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، أَوْ يُرِي عَيْنَهُ مَا لَمْ تَرَ، أَوْ يَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لَمْ يَقُلْ» رواه البخاري.

۵۰۰. و از وائله بن الأسقع^{رضی اللہ عنہ} روایت شده است که پیامبر^{صلی اللہ علیہ وسلم} فرمودند: «از بزرگ‌ترین دروغ‌ها، آن است که مردی ادعا کند و خود را به غیر پدرش نسبت دهد یا چیزی را که چشمش ندیده است، چنان نشان دهد که دیده است (خواب دروغ باز گو کند) و یا چیزی از قول پیامبر^{صلی اللہ علیہ وسلم} نقل کند که ایشان نفرموده است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۹۸۴)، م (۲۲۶۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۵۰۹)].

بخش ششم:

کتاب سلام

۱۲۶- باب فضل السلام والأمر بإفشائه

باب فضیلت سلام و امر به اشاعه‌ی آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾
(نور / ۲۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وارد خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان نشوید تا زمانی که اجازه بگیرید و بر ساکنان آن سلام کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ نَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكََةً طَيِّبَةً﴾ (نور / ۶۱)
«هر وقت داخل خانه‌ای شدید، بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت و پاکی که از جانب خداست (و بدان پاداش داده می‌شود).»

و قال تعالى:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾ (النساء / ۸۶)

«هرگاه به شما درودی فرستادند، به گونه‌ای بهتر و زیباتر و بهتر از آن درود بفرستید یا به همانند آن، آن را پاسخ گوید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ

سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ﴾ (الذاریات / ۲۴-۲۷)

«(ای پیامبرص!) آیا خبر مهمانان بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ وقتی که وارد شدند و گفتند: سلام! گفت: سلام بر شما! مردمی ناشناسید.»

۵۰۱- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما أن رجلاً سأل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ «تُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». متفق عليه.

۵۰۱. و از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: کدام خصلت اسلام بهتر است؟ فرمودند: «خوراک به دیگران بدهی و بر هر کس که می شناسی و نمی شناسی سلام کنی»^۱.

۵۰۲- وعن البراء بن عازب رضي الله عنهما قال: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَبْعِ: «بِعِيَادَةِ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ، وَنَصْرِ الضَّعِيفِ، وَعَوْنِ الْمَظْلُومِ، وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ، وَإِبْرَارِ الْمُقْسِمِ» متفق عليه.

۵۰۲. و از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله ما را به انجام دادن هفت چیز امر فرمودند:

ما را امر کرد به: (۱) عیادت مریض؛ (۲) تشییع جنازه؛ (۳) دعای خیر کردن برای کسی که عطسه می کند؛ (۴) یاری دادن ناتوان؛ (۵) همکاری با مظلوم؛ (۶) انتشار سلام (با بلند و زیاد گفتن آن) (۷) به جای آوردن قسم کسی که قسم یاد می کند.^۲
(به حدیث شماره: ۲۴۵ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲)، م (۳۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۳۹)، م (۲۰۶۶)]. آن چه در متن آمده است، لفظ یکی از روایت های بخاری است.

۱۲۷- باب كيفية السلام

باب چگونگی سلام

يُسْتَحَبُّ أَنْ يَقُولَ الْمُبْتَدِئُ بِالسَّلَامِ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». فَيَأْتِ بِضَمِيرِ الْجَمْعِ، وَإِنْ كَانَ الْمُسَلَّمُ عَلَيْهِ وَاحِدًا، وَيَقُولُ الْمُجِيبُ: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، فَيَأْتِي بِوَاوِ الْعَطْفِ فِي قَوْلِهِ: وَعَلَيْكُمْ.

مستحب است که آغاز کننده‌ی سلام بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». (سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد)، و ضمیر جمع «کم» بیاورد هرچند طرفی که بر او سلام می‌شود یک نفر باشد؛ و جواب دهنده بگوید: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد) و در جوابش، واو عطف بیاورد: «وعلیکم».

۵۰۳- عن عمران بن حصين رضي الله عنهما قال: جاء رجلٌ إلى النبيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَرَدَّ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَشْرٌ» ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَجَلَسَ، فَقَالَ: «عِشْرُونَ»، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَجَلَسَ، فَقَالَ: «ثَلَاثُونَ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۰۳. از عمران بن حصین -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: السلام عليكم، پیامبر ﷺ جواب سلام او را داد و مرد نشست، پیامبر ﷺ فرمودند: «ده (ده حسنه پاداش برد)» سپس دیگری آمد و گفت: السلام عليكم ورحمة الله، پیامبر ﷺ جواب سلام او را نیز داد و مرد نشست، پیامبر ﷺ فرمودند: «بیست (بیست حسنه پاداش برد)» و سپس یکی دیگر آمد و گفت: السلام عليكم ورحمة الله و بركاته، ایشان، جواب سلام او را هم داد و سپس مرد نشست و پیامبر ﷺ فرمودند: «سی (سی حسنه پاداش برد)» (زیرا السلام عليكم، یک حسنه، رحمة الله یک حسنه، و بركاته، یک حسنه است و هر حسنه، ده برابر پاداش دارد).

۵۰۴- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «هَذَا جِبْرِيْلُ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ» قَالَتْ: قُلْتُ: وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. متفق عليه.

۱- ابوداود [(۵۱۵۹)] و ترمذی [(۲۶۹۰)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۵۰۴. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «این جبرئیل است و به تو سلام می‌کند»، گفتم: وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد)^۱.

۵۰۵ - وعن الْمُقَدَّادِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي حَدِيثِهِ الطَّوِيلِ قَالَ: كُنَّا نَرْفَعُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَصِيْبَهُ مِنَ اللَّبَنِ فَيَجِيئُ مِنَ اللَّيْلِ فَيُسَلِّمُ تَسْلِيمًا لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَيُسْمِعُ الْيَقْظَانَ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمَ كَمَا كَانَ يُسَلِّمُ... رواه مسلم.

۵۰۵. از مقداد - رضی الله عنه - در حدیث طولانی او روایت شده است که فرمود: ما سهم شیر پیامبر صلی الله علیه و آله را برایشان برمی‌داشتیم و ایشان در شب می‌آمد و سلامی می‌کرد که خوابیده را بیدار نمی‌کرد و به بیداران می‌شنوید، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و مانند سابق سلام کرد و...

۵۰۶ - عن أسماء بنت يزيد رضي الله عنها أن رسول الله صلى الله عليه وسلم مر في المسجد يوماً وعصبة من النساء فعود فألوى بيده بالتسليم. رواه الترمذي وقال: حديث حسن. وَهَذَا مَحْمُولٌ عَلَى أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَعَ بَيْنَ اللَّفْظِ وَالْإِشَارَةِ، وَيُؤَيِّدُهُ أَنَّ فِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: «فَسَلَّمَ عَلَيْنَا».

۵۰۶. از «اسماء دختر یزید» - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روزی از میان مسجد گذشت در حالی که عده‌ای از زنان نشسته بودند و ایشان با بلند کردن دست (به زنان) سلام کرد^۲. و این حمل بر آن شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله لفظ و اشاره را با هم جمع کرده است، و روایت ابوداود: «پس بر ما سلام کرد»، این امر را تأیید می‌کند^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۶۸)، م (۲۴۴۷)].

۲- ترمذی [(۲۶۹۸)] روایت کرده است و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- [(۵۲۰۴)].

۱۲۸- باب آداب السلام

باب آداب سلام

۵۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُسَلَّمُ الرَّكْبُ عَلَى الْمَاشِيِّ، وَالْمَاشِيُّ عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ» متفق عليه. وفي رواية البخاري: «وَالصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ».

۵۰۷. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «سوار بر پیاده و پیاده بر نشسته و گروه کم تر بر گروه بیشتر، سلام دهند»^۱.
در روایتی دیگر از بخاری آمده است: «و کوچک بر بزرگ».

۵۰۸- عن أبي أمامة رضي الله عنه قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلَانِ يَلْتَقِيَانِ أَيُّهُمَا يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ، قَالَ: «أَوْلَاهُمَا بِاللَّهِ تَعَالَى». قال الترمذي: حديث حسن.

۵۰۸. از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده است که گفته شد: ای رسول خدا! دو مرد همدیگر را ملاقات می کنند، کدام یک از آنان اول سلام کند؟ فرمودند: «سزاوارترین آن دو به (رحمت و قرب) خدا»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۳۱)، م (۲۱۶۰)].

۲- [(۲۶۹۵)؛ ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۲۹- باب استحباب إعادة السلام علی من تكرر لقاءه علی قرب بأن دخل ثم

خرج ثم دخل في الحال، أو حال بينهما شجرة ونحوها

باب استحباب اعادهی سلام بر کسی که دیدارش تکرار شود به این صورت که داخل و سپس خارج و آنگاه زود داخل گردد یا درختی و چیزی مانند آن، در میان آن دو حایل شود

۵۰۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ، فَإِنْ خَالَتَ بَيْنَهُمَا شَجَرَةٌ أَوْ جِدَارٌ أَوْ حَجَرٌ ثُمَّ لَقِيَهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ» رواه أبو داود.

۵۰۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر وقت یکی از شما با برادر (دینی یا نسبی) ش دیدار کرد، به او سلام کند و اگر بین ایشان درخت یا دیوار و یا سنگی حایل شد و سپس با او دیدار کرد، دوباره به او سلام کند»^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۵۲۰۰].

۱۳۰- باب استحباب السلام إذا دخل بيته

باب استحباب سلام در وقتی که انسان به خانه‌ی خوی داخل می‌شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً﴾ (نور/۶۱)

«هر وقت داخل خانه‌ای شدید، بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت و پاکی که از جانب خداست (و بدان پاداش داده می‌شود)».

۵۱۰- وعن أنس رضي الله عنه قال: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يَا بُنَيَّ، إِذَا دَخَلْتَ عَلَىٰ أَهْلِكَ فَسَلِّمْ يَكُنْ بَرَكََةً عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۵۱۰. و از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به من فرمودند: «ای فرزندم! هر وقت بر اهل خانه‌ی خود وارد شدی، سلام کن که آن برای تو و خانواده‌ات خیر و برکتی خواهد شد»^۱.

۱- ترمذی [۲۶۹۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۳۱- باب السلام علی الصبیان

باب سلام بر کودکان

(به حدیث شماره: ۳۵۹ مراجعه شود).

۱۳۲- باب سلام الرجل علی زوجته والمرأة من محارمه وعلی أجنبيّة وأجنبيات لا يخاف الفتنة بهن وسلامهن بهذا الشرط

باب سلام مرد بر زن خود و زنان محرم دیگرش و بر زن یا زنان بیگانه‌ی که از سلام بر آنان، خوف فتنه ندارد و سلام زنان به مردان بیگانه بر همین شرط

۵۱۱- عن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: كَانَتْ فِينَا امْرَأَةٌ فِي رِوَايَةٍ: - كَانَتْ لَنَا عَجُوزٌ تَأْخُذُ مِنْ أَصُولِ السَّلْقِ فَتَطْرُقُهُ فِي الْقَدْرِ وَتُكْرِكُ حَبَاتٍ مِنْ شَعِيرٍ، فَإِذَا صَلَّيْنَا الْجُمُعَةَ وَانْصَرَفْنَا نَسَلَّمُ عَلَيْهَا فَتَقَدِّمُهُ إِلَيْنَا. رواه البخاري.

۵۱۱. و از سهل بن سعد - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: در میان ما زنی بود - و در روایتی دیگر: پیرزنی داشتیم - که مقداری چغندر (لببو) را می‌آورد و آن را در دیگ می‌ریخت و دانه‌های جو را آرد می‌کرد (و بر آن می‌پاشید)، وقتی نماز جمعه را می‌خواندیم و برمی‌گشتیم، بر او سلام می‌کردیم و او، آن غذا را پیش ما می‌آورد.^۱

۵۱۲- وعن أم هانئ فاختة بنت أبي طالب رضي الله عنها قالت: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم يوم الفتح وهو يغتسل وفاطمة تسترهُ بثوبٍ، فسَلَّمْتُ. وذكَّرتُ الحديث. رواه مسلم.

۵۱۲. و از ام هانی فاخته دختر ابوطالب - رضي الله عنها - روایت شده است که فرمود: در «روز فتح مکه» نزد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم آمدم و ایشان شستشو و غسل می‌کرد و فاطمه - رضي الله عنها - او را با پارچه‌ای می‌پوشاند؛ سلام کردم... و بقیه‌ی حدیث را روایت می‌کند.^۲
(به حدیث شماره: ۵۰۶ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۲۴۸].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۰)، م (۳۳۶)].

۱۳۳- استحباب السلام إذا قام من المجلس وفارق جلساءه أو جلسه

باب استحباب سلام وقتی که شخص از مجلس بلنی شوی و همنشینان و همنشینش را ترک کند

۵۱۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا انْتَهَى أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَجْلِسِ فَلْيُسَلِّمْ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ فَلْيُسَلِّمْ، فَلَيْسَتْ الْأُولَى بِأَحَقَّ مِنَ الْآخِرَةِ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۱۳. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما به میان مجلس رفت، سلام کند و هنگامی که برخاست، باز سلام کند که سلام اول شایسته تر و بهتر از سلام آخری نیست (و هر دو در سنت بودن و ثواب، با هم برابرند)»^۱.

۱- ابوداود [۵۲۰۸] و ترمذی [۲۷۰۷] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

باب اجازه گرفتن و آداب آن

قال الله تعالى: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نور / ۲۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وارد خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان نشوید تا زمانی که اجازه بگیرید و بر ساکنان آن سلام کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور/۵۹)

«هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بوده‌اند، اجازه گرفته‌اند».

۵۱۴- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الاسْتِئْذَانُ ثَلَاثٌ، فَإِنْ أُذِنَ لَكَ وَإِلَّا فَارْجِعْ، متفق عليه».

۵۱۴. و از ابو موسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اجازه گرفتن سه مرتبه است، اگر به تو اجازه داده شد (داخل شو)، وگرنه بازگرد»^۱.

۵۱۵- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِنَّمَا جُعِلَ الاستِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ» متفق عليه.

۵۱۵. و از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اجازه گرفتن، تنها به خاطر چشم (و جلوگیری از دیدن چیزهایی که نهی شده) مقرر شده است»^۲.

۵۱۶- عن كِلْدَةَ بن الحنبل رضي الله عنه قال: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَلَمْ أُسَلِّمْ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ارْجِعْ فَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَدْخُلُ؟» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۵۴)، م (۲۱۵۳)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۴۱)، م (۲۱۵۶)].

۵۱۶. از کلدیه بن حنبل - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و وارد شدم و سلام نکردم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «باز گرد و بگو: السلام علیکم، آیا داخل شوم؟»^۱.

۱- ابوداود [۵۱۷۶] و ترمذی [۲۷۱۱] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۳۵- باب بیان آن السنة إذا قيل للمستأذن: من أنت؟ يقول: فلان فيمسي نفسه

بما يعرف به من اسم أو كنية وكراهة قوله «أنا» ونحوها

باب بیان آن که سنت، آن است که وقتی به اجازه گیرنده گفته شد: تو کیستی؟ بگوید: فلانم و خود را به چیزی که بدان شناخته می‌شود، از نام یا کنیه (شهرت) نام ببرد و کراهت آن که در جواب بگوید: «منم» و یا کلماتی از این قبیل

۵۱۷- وعن أم هانئ رضي الله عنها قالت: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم وهو يغتسل و فاطمة تسترهُ فقال: «من هذه»، فقلت: أنا أم هانئ. متفق عليه.

۵۱۷. از ام هانی - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و ایشان شستشو و غسل می‌کرد و فاطمه - رضی الله عنها - او را می‌پوشاند؛ فرمودند: «این زن کیست؟ گفتم: منم ام هانی»^۱.

۵۱۸- وعن جابر رضي الله عنه قال: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم فدققت الباب، فقال: «من هذا؟» فقلت: أنا، فقال: «أنا، أنا!» كأنه كرهها. متفق عليه.

۵۱۸. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و در را زدم، فرمودند: «(پشت در) کیست؟» گفتم: منم، فرمودند: «منم، منم!!» مثل این که از آن (طرز جواب من) خوش نیامد^۲ و^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۸۰)، م (۳۳۶)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۵۹)، م (۲۱۵۵)].

۳- علمای اسلامی، برای این که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جواب خوشش نیامد، دلایلی ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که کلمه‌ی «من» در این جا مفید فایده‌ای نیست و شخص را نمی‌شناساند و دیگر این که ممکن است نشانی از تکبر و خودخواهی با خود داشته باشد - ویراستاران.

۱۴۲ - باب استحباب تشمیت العاطس إذا حمد الله تعالى وكراهة تشميته إذا لم

يحمد الله تعالى وبيان آداب التشميت والعطاس والتشاؤب

باب استحباب دعا برای عطسه کننده، اگر الحمد لله بگوید و کراهت دعا برای او اگر حمد خدای را به جای نیاورد و بیان آداب دعا برای عطسه زننده و آداب عطسه و خمیازه

۵۱۹ - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلْيَقُلْ لَهُ أَخُوهُ أَوْ صَاحِبُهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ. فَإِذَا قَالَ لَهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ، فَلْيَقُلْ: يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصَلِّحُ بِأَلْسِنَتِكُمْ». رواه البخاري.

۵۱۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما عطسه کرد، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و برادر یا دوستش، به او بگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» (خداوند بر تو رحم کند) و چون (دوست) او به او «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» گفت، شخص عطسه کننده بگوید: «يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصَلِّحُ بِأَلْسِنَتِكُمْ» (خداوند شما را هدایت و احوالتان را اصلاح کند)»^۱.

۵۲۰ - وعن أبي موسى رضي الله عنه، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَحَمِدَ اللَّهُ فَشَمَّتُوهُ، فَإِنْ لَمْ يَحْمِدِ اللَّهُ فَلَا تُشَمَّتُوهُ» رواه مسلم.

۵۲۰. و از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هرگاه یکی از شما عطسه کرد و سپاس و ستایش خداوند را به جای آورد، (یعنی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفت) او را با دعای خیر خود جواب دهید (یعنی: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» بگویید) و اگر حمد خدای را به جای نیاورد، برایش دعای خیر نکنید»^۲.

۵۲۱ - وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا عَطَسَ وَضَعَ يَدَهُ أَوْ ثَوْبَهُ عَلَى فِيهِ، وَخَفَضَ - أَوْ غَضَّ - بِهَا صَوْتَهُ. شَكََّ الرَّاوي. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۲۲۴].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۹۲].

۵۲۱. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت عطسه می کرد، دست یا لباسش را بر دهانش می گذاشت، و بدین وسیله صدای عطسه‌ی خود را پنهان می کرد - پایین می آورد - راوی (در بین پایین آوردن یا پنهان کردن) شک کرده است^۱ و^۲.

۵۲۲- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: «كَانَ الْيَهُودُ يَتَعَاطَسُونَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرْجُونَ أَنْ يَقُولَ لَهُمْ: يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ، فَيَقُولُ: يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بِأَلْسِنَتِكُمْ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۵۲۲. و از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: یهودی‌ها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله عطسه می کردند، به امید این که به آنان بفرماید: «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ» (خداوند بر شما رحم کند)، اما پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: «يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بِأَلْسِنَتِكُمْ» (خداوند شما را هدایت و احوال شما را اصلاح کند)^۳.

۵۲۳- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُمْسِكْ بِيَدِهِ عَلَى فِئِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ» رواه مسلم.

۵۲۳. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که یکی از شما خمیازه کشید، دستش را بر دهان خود بگذارد، زیرا شیطان (از آن راه) داخل می شود»^۴.

۱- ابوداود [۵۰۲۹] و ترمذی [۲۷۴۶] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- این عمل یکی از توصیه‌های اکید بهداشت فردی در جهان جدید است - ویراستاران.

۳- ابوداود [۵۰۳۸] و ترمذی [۲۷۴۰] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۶۲۶۳].

۱۳۷- باب استحباب المصافحة عند اللقاء وبشاشة الوجه وتقبيلا يد الرجل الصالح

وتقبيل ولده شفقة ومعانقة القادم من سفر وكرامية الانحاء

باب بیان استحباب مصافحه و خوشرویی هنگام دیدار و بوسیدن دست

مرد صالح و بوسیدن فرزند از روی مهر و معانقه با کسی که از سفر

می آید و مکروه بودن خم شدن

۵۲۴- وعن البراء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَافِحَانِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَفْتَرِقَا» رواه أبو داود.

۵۲۵. از براء - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هیچ دو مسلمانی نیستند که به هم برسند و با هم مصافحه کنند، جز آن که پیش از جدا شدن از همدیگر، گناهانشان آمرزیده می شود!».

۵۲۵- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رجل: يا رسول الله، الرجل منا يلقى أخاه أو صديقَهُ أينحني له؟ قال: «لا» قال: أفيلترمه ويُقبله؟ قال: «لا» قال: فياخذ بيده ويُصافحه؟ قال: «نعم» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۵۲۵. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی گفت: ای رسول خدا! شخصی از ما با برادر یا دوستش ملاقات می کند، آیا در مقابل او خم شود؟ فرمودند: «نه»، گفت: آیا او را در آغوش بگیرد و ببوسد؟ فرمودند: «نه»، گفت: آیا دستش را بگیرد و با او مصافحه کند؟ فرمودند: «بله»^۲.

۵۲۶- وَعَنْ عَائِشَةَ رضي الله عنها قَالَتْ: قَدِمَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ الْمَدِينَةَ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِي، فَأَتَاهُ فَفَرَعَ الْبَابَ، فَقَامَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجُرُّ ثَوْبَهُ فَاعْتَنَقَهُ وَقَبَلَهُ. رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۵۲۶. از حضرت عایشه - رضي الله عنها - روایت شده است که فرمود: زید بن حارثه (از سفرش) به مدینه بازگشت و (آن روز) پیامبر صلى الله عليه وسلم در حجره‌ی من بود، زید نزد او آمد و در را کوبید و پیامبر صلى الله عليه وسلم

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۵۲۱۲].

۲- ترمذی [۲۷۲۹] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

برخاست و در حالی که لباسش را به دنبال خود می کشید به طرف او رفت، و با او معانقه کرد و او را بوسید!

۵۲۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قَبِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ: إِنَّ لِي عَشْرَةً مِّنَ الْوَلَدِ مَا قَبِلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ» متفق عليه.

۵۲۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن بن علی - رضی الله عنهما - را بوسید، «اقرع بن حابس» گفت: من ده فرزنددارم که هرگز هیچ کدام از آنها را نبوسیده‌ام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس رحم نکند، به او رحم نمی شود».^۲
(به حدیث شماره: ۷۷ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۲۷۳۳] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است، [خ (۵۹۹۷)، م (۲۳۱۹)].

بخش هفتم:
کتاب عیادت مریض

۱۳۸ - باب الأمر بالعبادة وتشجيع الميت

باب امر به عیادت مریض و تشیيع جنازه ميت

۵۲۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: يَا ابْنَ آدَمَ، مَرَضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي! قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ أَعُوذُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟! قَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي فُلَانًا مَرَضَ فَلَمْ تَعُدَّهُ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ! يَا ابْنَ آدَمَ، اسْتَطَعَمْتُكَ فَلَمْ تُطْعِمْنِي! قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ أَطْعِمُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟! قَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ اسْتَطَعَمَكَ عَبْدِي فُلَانٌ فَلَمْ تُطْعِمْهُ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي! يَا ابْنَ آدَمَ، اسْتَسْقَيْتَكَ فَلَمْ تَسْقِنِي! قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ أَسْقِيكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟! قَالَ: اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فُلَانٌ فَلَمْ تَسْقِهِ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ سَقَيْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي!» رواه مسلم.

۵۲۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند بزرگ و صاحب عظمت در روز قیامت (به بنده اش) می فرماید: ای فرزند آدم! بیمار شدم و مرا عیادت نکردی! جواب می دهد: پروردگارا! چگونه من از تو عیادت کنم در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟ می فرماید: مگر ندانستی که فلان بنده ای من مریض است و عیادتش نکردی؟ مگر نمی دانستی که اگر به عیادتش می رفتی، مرا نزد او می یافتی؟! ای فرزند آدم! از تو طعام خواستم، به من طعام ندادی! می گوید: ای پروردگارا! من چگونه به تو طعام دهم در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟! می فرماید: مگر نمی دانی که فلان بنده ای من از تو درخواست طعام کرد و به او ندادی و اگر او را طعام می دادی، پاداش آن را نزد من می یافتی؟ ای فرزند آدم! از تو طلب آب کردم و به من آب ندادی! می گوید: پروردگارا! چگونه من به تو آب دهم در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟ می فرماید: فلان بنده ای من از تو آب خواست و به او ندادی، مگر نمی دانی که اگر او را سیراب می نمودی، پاداش آن را نزد من می یافتی؟!»^۱.

۵۲۹- وعن ثوبان رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خُرْفَةُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: «جَنَاهَا» رواه مسلم.

۵۲۹. از ثوبان رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص مسلمان، هر وقت برادر مسلمان (بیمار) خود را عیادت کند، تا وقتی که (به خانه ای خود) برمی گردد، هم چنان در خرفه ای بهشت است». گفته شد: ای رسول خدا! خرفه ای بهشت چیست؟ فرمودند: «چیدن و استفاده از میوه ها

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶۹)].

و نعمت‌های بهشت است (یعنی ثواب این کار، چنان است که گویی عیادت‌کننده از هم اکنون به بهشت رفته است).^۱

۵۳۰- وعن أنس، رضي الله عنه، قال: كان غلامٌ يهوديٌّ يخدمُ النبيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَمَرَضَ فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعُودُهُ، فَقَعَدَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقَالَ لَهُ: «أَسْلِمَ» فَنظَرَ إِلَى أَبِيهِ وَهُوَ عِنْدَهُ؟ فَقَالَ: أَطْعَمَ أَبَا الْقَاسِمِ، فَأَسْلَمَ، فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُوَ يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْقَذَهُ مِنَ النَّارِ». رواه البخاري.

۵۳۰. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پسری یهودی بود که به پیامبر صلى الله عليه وسلم خدمت می‌کرد و مریض شد، پیامبر صلى الله عليه وسلم به عیادت او رفت و بر بالینش نشست و به او گفت: «مسلمان شو!» پسر به پدرش که پیش او بود نگاه کرد، پدر گفت: از ابوالقاسم (پیامبر صلى الله عليه وسلم) اطاعت کن! پسر اسلام آورد و پیامبر صلى الله عليه وسلم بیرون آمد در حالی که می‌فرمودند: «سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که او را از آتش (عذاب) نجات داد».^۲ (به حدیث شماره: ۱۵۹ و ۵۰۲ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۸].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۵۶].

باب آنچه که با آن برای مریض دعا می شود

۵۳۱- عن عائشة، رضي الله عنها، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانُ الشَّيْءَ مِنْهُ، أَوْ كَانَتْ بِهِ فَرْحَةٌ أَوْ جُرْحٌ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بِأَصْبَعِهِ هَكَذَا، وَوَضَعَ سُفْيَانُ بِنُ عَيْسَةَ الرَّأْوِي سَبَابَتَهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ رَفَعَهَا وَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، تُرْبَةُ أَرْضِنَا، بِرِيقَةِ بَعْضِنَا، يُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا، بِإِذْنِ رَبِّنَا» متفقٌ عليه.

۵۳۱. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: هرگاه کسی از درد جایی از بدنش می نالید یا زخمی چرکین یا بریدگی ای داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله با انگشت خود این کار را می کرد: «سفیان بن عیسه» راوی حدیث (برای نشان دادن کار پیامبر صلی الله علیه و آله) انگشت سبابه‌ی خود را (با آب دهان خیس می کرد) و بر زمین می مالید و بلند می کرد (آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله انگشتش را بر زخم یا بریدگی یا جای درد می مالید) و می فرمودند: «به نام خدا، (این) خاک سرزمین ما و مخلوط به آب دهان یکی از ما (است که) به اجازه‌ی پروردگاران، مریض ما، به وسیله‌ی آن شفا می یابد»^۱.

۵۳۲- وعن عائشة أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعُودُ بَعْضَ أَهْلِهِ يَمْسَحُ بِيَدِهِ الْيَمْنَى وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهَبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» متفقٌ عليه.

۵۳۲. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از یکی از همسران خود عیادت می فرمود (و جای درد) او را با دست راست خود مسح می نمود و می فرمودند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهَبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا. خدایا! ای پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا بده که تو شفا بخشی و هیچ شفایی جز شفا‌ی تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد»^۲.

۵۳۳- وعن أنس رضي الله عنه أَنَّهُ قَالَ لِغَابِتِ رَحِمَهُ اللَّهُ: أَلَا أَرَقِيكَ بِرُفْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، مُذْهِبِ الْبَأْسِ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا». رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۷۴۵)، م (۲۱۹۴)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۷۴۳)، م (۲۱۹۱)].

۵۳۳. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که او به ثابت رضی الله عنه گفت: آیا با رقیه و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای تو دعا نکنم؟ ثابت گفت: بله، انس گفت: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، مُذْهِبَ الْبَاسِ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا»: خداوندا! پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا بده که تو شفا بخشی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد»^۱.

۵۴۴ - وعن عثمان بن أبي العاص، رضي الله عنه أنه شكَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَعًا يَجِدُهُ فِي جَسَدِهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَغَ يَدُكَ عَلَى الَّذِي يَأْلَمُ مِنْ جَسَدِكَ وَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ - ثَلَاثًا - وَقَالَ سَبْعَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ» رواه مسلم.

۵۴۴. از عثمان بن ابوالعاص - رضی الله عنه - روایت شده است که او دردی را که در جسم خود داشت، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بیان (و از ایشان چاره‌جویی) کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «دستت را بر روی موضعی از بدنت که درد دارد، بگذار و سه مرتبه بگو: بِسْمِ اللَّهِ و هفت مرتبه بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ: از شر آن چه که حس می‌کنم و در خود می‌یابم و از شر چیزی که از آن می‌ترسم، به عظمت و قدرت خدا پناه می‌برم»^۲.

۵۵۵ - وعن ابن عباس رضي الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى أَعْرَابِيٍّ يَعُوذُهُ، وَكَانَ إِذَا دَخَلَ عَلَى مَنْ يَعُوذُهُ قَالَ: «لَا بَأْسَ، طَهَّرْتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» رواه البخاري.

۵۵۵. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد یک اعرابی رفت و از او عیادت فرمود و ایشان هر وقت نزد کسی می‌رفت که از او عیادت کند، می‌فرمودند: «هیچ سختی و مشکلی نیست، ان شاء الله پاک کننده (ی گناهان) خواهد بود»^۳.

۵۳۶ - وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أَنَّ جَبْرِيلَ أتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اشْتَكَيْتَ؟ قَالَ: «نَعَمْ» قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۷۴۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۰۲)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۶۵۶)].

۵۳۶. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله (که مریض بود) آمد و گفت: ای محمد! از درد رنج می‌بری؟ (بیمار هستی؟) فرمودند: «بله»، گفت: «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ»: به نام خدا تو را رقیه و دعا می‌کنم از هر چیز که تو را می‌آزارد و از شر هر کس یا چشم هر حسود، خداوند تو را شفا دهد! به نام خدا برای تو دعا می‌کنم!.

۱۴۰- باب استحباب سؤال أهل المريض عن حاله

باب استحباب سؤال از کسان مریض از حال او

۵۳۷- عن ابن عباس، رضي الله عنهما، أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، رضي الله عنه خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَجَعِهِ الَّذِي تُوفِّيَ فِيهِ، فَقَالَ النَّاسُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، كَيْفَ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: أَصْبَحَ بِحَمْدِ اللَّهِ بَارِتًا. رواه البخاري.

۵۳۷. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: حضرت علی ابن ابی طالب -رضی الله عنه- یک بار زمانی که پیامبر ﷺ در بیماری ای بودند که در آن رحلت فرمودند، از خدمت ایشان بیرون آمد، مردم گفتند: ای ابوالحسن! حال پیامبر ﷺ چگونه است؟ گفت: پیامبر ﷺ به حمد خدا، حالش بهتر است و شفا یافته است^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۲۶۶].

۱۴۱- باب ما يقوله من أيس من حياته

باب آنچه که شخص مایوس از جان خود می گوید

۵۳۸- عن عائشة رضي الله عنها قالت: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُسْتَبِدٌّ إِلَيَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى» متفق عليه.

۵۳۸. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که به من تکیه زده بود، شنیدم که می فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى»: خدایا! مرا بیامرز و بر من رحم بفرما و مرا به رفیق اعلی (حضور خداوند یا جایگاه فرشتگان و پیامبران) ببیوند.^۱

۵۳۹- وَعَنْهَا قَالَتْ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ بِالْمَوْتِ، عِنْدَهُ قَدْحٌ فِيهِ مَاءٌ، وَهُوَ يُدْخِلُ يَدَهُ فِي الْقَدْحِ، ثُمَّ يَمْسَحُ وَجْهَهُ بِالْمَاءِ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِ الْمَوْتِ» رواه الترمذي.

۵۳۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که در حالت بیرون رفتن روح بودند و نزد او کاسه‌ای پر از آب بود و وی دست خود را در آن کاسه فرو می برد و بر سر و روی خود آب می مالید و سپس می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِ الْمَوْتِ»: خدایا! مرا بر سختی‌ها و غصه‌ها و سكرات مرگ، کمک بفرما.^۲

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۷۴)، م (۲۴۴۴)].

۲- ترمذی روایت کرده است؛ [(۹۷۸)].

۱۴۲- باب استحباب وصیه أهل المریض ومن یخدمه بالإحسان إلیه واحتماله
والصبر علی ما یشق من أمره وكذا الوصیه بمن قرب سبب موته بحد أو قصاص
ونحوهما

باب استحباب وصیت خویشاوندان مریض و کسانی که او را خدمت می کنند به احسان و مهربانی نسبت به او و بردباری بر سختی های مربوط به او، و همچنین سفارش نسبت به کسی که مرگش به سبب حد شرعی یا قصاص یا ... نزدیک شده است

۵۴۰- عن عمران بن الحُصین رضي الله عنهما أنَّ امرأةً من جُهینة أتت النبیَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وهي حُبلى مِنَ الزَّنا، فَقَالَتْ: يا رسولَ اللهِ، أصبْتُ حدًّا فأَقِمهُ عَلَيَّ، فدعا رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وَلِيَّهَا، فَقَالَ: «أَحْسِنُ إِلَيْهَا، فَإِذَا وَضَعْتَ فَأَتِينِي بِهَا» ففعلَ فأَمَرَ بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ فَشَدَّتْ عَلَيْهَا ثِيَابَهَا، ثُمَّ أَمَرَ بِهَا فَرُجِمَتْ، ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهَا. رواه مسلم.

۵۴۰. از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: زنی از «قبیله ی جهینه» که از زنا
حامله بود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! حدی بر من است، آن را اجرا کن!
پیامبر صلی الله علیه و آله ولی او را فرا خواندند و فرمودند: «خوب از او پرستاری کن و چون وضع حمل کرد، او
را پیش من بیاور، ولی آن زن، بعد از وضع حمل، زن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و ایشان فرمان رجم او
را صادر فرمودند؛ سپس او را سخت در لباسش پیچیدند و رجم کردند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه ی او
نماز گزارد^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۶۹۶].

۱۴۳- باب جواز قول المريض: أنا وجع، أو شديد الوجع أو مؤعوك أو وأرأساه ونحو ذلك، وبيان أنه لا كراهة في ذلك إذا لم يكن على التسخط وإظهار الجزع

باب جایز بودن گفته بیمار که: من دردمندم، یا: درد سختی دارم، یا: بیمارم و تب دارم، یا: آه سرم درد می کند! و مانند آن؛ و بیان آن که کراهتی در اینها نیست، به شرطی که بر وجه خشم و بی قراری و اظهار شکایت نباشد

۵۴۱- وعن القاسم بن محمد قال: قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: وَأَرَأَسَاهُ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَلْ أَنَا وَأَرَأَسَاهُ». وذكر الحديث. رواه البخاري.

۵۴۱. از قاسم بن محمد روایت شده است که فرمود: عایشه رضی الله عنها گفت: آه، سرم درد می کند! و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(نه تنها تو) بلکه من هم آه، سرم درد دارم!» و بقیه ی حدیث را ذکر کرد^۱.

۵۴۲- عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُوعَكُ، فَمَسَسْتُهُ، فَقُلْتُ: إِنَّكَ لَتُوعَكُ وَعَكًا شَدِيدًا، فَقَالَ: «أَجَلْ، إِنِّي أُوَعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۵۴۲- از ابن مسعود رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالیکه ایشان تب داشتند، پس بر ایشان دست کشیده و گفتم: شما تب شدیدی دارید! فرمودند: «بلی، من به اندازه ی دو نفر شما تب می کنم»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۶۶۶].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۴۷)، م (۲۷۵۱)].

۱۴۴ - باب تلقین المحتضر: لا إله إلا الله

باب تلقین کردن: لا اله الا الله، به کسی که در حال مرگ است

۵۴۳ - عن معاذٍ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كَانَ آخِرَ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ» رواه أبو داود والحاكم وقال: صحيح الإسناد.

۵۴۳. از معاذ - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کس آخرین سخنش، کلمه‌ی لا اله الا الله باشد، داخل بهشت می‌گردد»^۱.

۵۴۴ - وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَقِّنُوا مَوْتَكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» رواه مسلم.

۵۴۴. از ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «به کسانی که در حال احتضارند، کلمه‌ی لا اله الا الله را تلقین کنید»^۲.

۱- ابوداود [۳۱۱۶] و حاکم [۳۵۱/۱] روایت کرده‌اند و حاکم گفته است: حدیثی صحیح الاسناد است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۹۱۶].

۱۴۵- باب ما یقوله بعد تغمیض المیت

باب آنچه بعد از برهم نهادن چشم مرده باید گفت

۵۴۵- عن أم سلمة رضي الله عنها قالت: دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم على أبي سلمة وقد شق بصره، فأغمضه، ثم قال: «إنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ، تَبِعَهُ الْبَصَرُ» فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ: «لَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَيَّ مَا تَقُولُونَ» ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ، وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي الْغَائِبِينَ، وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ، وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ» رواه مسلم.

۵۴۵. از ام سلمه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نزد ابوسلمه (شوهر ام سلمه) قبل از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رفت که مرده و چشمش باز مانده بود، رفت و چشم او را بر هم نهاد و سپس فرمودند: «وقتی روح قبض و از بدن خارج می‌شود، چشم، او را دنبال می‌کند»، عده‌ای از خویشاوندان ابوسلمه فریاد کشیدند، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: برای خود جز دعای خیر نکنید؛ زیرا ملائکه برای گفته‌ی شما آمین می‌گویند»، سپس فرمودند: «خدایا! ابوسلمه را بیامرزد، و درجه‌ی او را به درجه‌ی زمره‌ی هدایت‌شدگان بالا ببر و بعد از او، سرپرست بازماندگان‌ش باش و ما و او را بیامرزد! ای پروردگار جهانیان! و در قبر او گشایش قرار ده و آن را برای او نورانی گردان!».

۱۴۶- باب ما يقال عند الميت وما يقوله من مات له ميت

باب آنچه نزد میت گفته می‌شود و آنچه که صاحب مرده می‌گوید

۵۴۶- وعن أم سلمة رضي الله عنها قالت: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَجَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُصِيبَتِهِ وَأَخْلَفَ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا. قَالَتْ: فَلَمَّا تُؤْفِي أَبُو سَلَمَةَ، قُلْتُ كَمَا أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْلَفَ اللَّهُ لِي خَيْرًا مِنْهُ، رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه مسلم.

۵۴۶. از ام المؤمنین ام سلمه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر بنده‌ای که مصیبتی به او برسد و او بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا (ما از خدایم و به سوی او باز می‌گردیم، خدایا! مرا در مصیبتم مأجور بفرما و بهتر از او را برایم جانشین او کن!) خداوند متعال در مصیبتش به او اجر می‌دهد و بهتر از آنرا به او عطا می‌فرماید؛ ام سلمه می‌گوید: وقتی که ابوسلمه فوت کرد، دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را عملی کردم و چنان گفتم و خداوند متعال برای من بهتر از او یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله را عطا فرمود.^۱ (به حدیث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۸].

۱۵۳- باب جواز البكاء على الميت بغير ندب ولا نياحة

باب جایز بودن گریه بر میت بدون تعریف و یا نوحه بر او

أَمَّا النَّيَّاحَةُ، فَحَرَامٌ وَسَيَأْتِي فِيهَا بَابٌ فِي كِتَابِ النَّهْيِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَأَمَّا الْبُكَاءُ فَجَاءَتْ أَحَادِيثُ بِالنَّهْيِ عَنْهُ، وَأَنَّ الْمَيِّتَ يُعَذَّبُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ، وَهِيَ مُتَأَوَّلَةٌ وَمَحْمُولَةٌ عَلَى مَنْ أَوْصَى بِهِ، وَالنَّهْيُ إِنَّمَا هُوَ عَنِ الْبُكَاءِ الَّذِي فِيهِ نَدْبٌ، أَوْ نِيَّاحَةٌ، وَالذَّلِيلُ عَلَى جَوَازِ الْبُكَاءِ بِغَيْرِ نَدْبٍ وَلَا نِيَّاحَةٍ أَحَادِيثٌ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا:

نوحه گری برای مرده حرام است - و اگر خدا بخواهد - به زودی در کتاب نهی، در بحث از آن، بابی خواهد آمد؛ ولی گریه کردن بر مرده، احادیثی در نهی از آن و این که مرده به واسطه‌ی گریه‌ی بازماندگانش معذب می‌شود، آمده است، ولی این احادیث (درباره‌ی مرده‌ای که به سبب گریه‌ی کسانش عذاب می‌شود) تأویل و حمل شده است بر مرده‌ای که خود به گریه برای خودش وصیت کرده باشد و نهی فقط از گریه‌ای است که در مرثیه و ثناگویی و بر شمردن صفات مرده و ناله و نوحه‌خوانی باشد، و دلیل بر جواز گریه بدون تعریف و نوحه، احادیث زیادی است، از جمله‌ی آنها:

۵۴۷- عن ابنِ عُمَرَ رضي اللهُ عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَادَ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ، وَمَعَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ، وَسَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ رضي اللهُ عنهم، فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَوْمُ بُكَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَكَوْا، فَقَالَ: «أَلَا تَسْمَعُونَ؟ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذَّبُ بِدَمْعِ الْعَيْنِ، وَلَا بِحُزْنِ الْقَلْبِ، وَلَكِنْ يُعَذَّبُ بِهَذَا أَوْ يَرْحَمُ» وَأَشَارَ إِلَى لِسَانِهِ. متفقٌ عليه.

۵۴۷. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم از سعد بن عبادة عیادت کرد و عبدالرحمن بن عوف و سعد ابن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود رضي الله عنهم همراه او بودند، پیامبر صلى الله عليه وسلم گریه کرد و هنگامی که آن جماعت گریه‌ی او را دیدند، گریه کردند، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «آیا گوش نمی‌دهید؟! خداوند به سبب اشک چشم یا غم دل، عذاب نمی‌کند، بلکه با این و به سبب این، عذاب می‌کند یا رحم می‌فرماید» و به زبان خود اشاره فرمود^۱.

۵۴۸- وعن أسامة بن زيد رضي اللهُ عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَفَعَ إِلَيْهِ ابْنُ ابْتِنَةِ وَهُوَ فِي الْمَوْتِ، فَقَاضَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ: مَا هَذَا يَا رَسُولَ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۰۴)، م (۹۲۴)].

اللَّهِ؟، قَالَ: «هَذِهِ رَحْمَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ، وَإِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الرَّحْمَاءَ» متفقٌ عليه.

۵۴۸. از اسامه بن زید -رضی الله عنه- روایت شده است که گفت: پسر دختر پیامبر ﷺ را که در حال مرگ بود به نزد او آوردند و چشمان پیامبر ﷺ پر از اشک شد، سعد به او گفت: ای رسول خدا! گریه‌ی شما از چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «این به سبب رحم و شفقتی است که خداوند متعال در دل‌های بندگان خویش قرار داده است و خداوند فقط به بندگان با رحم و شفقت خود رحم و مهربانی می‌فرماید»^۱.

۵۴۹- وعن أنسٍ رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم دخل على ابنه إبراهيم رضي الله عنه وهو يجود بنفسه فجعلت عيننا رسول الله صلى الله عليه وسلم تدرفان. فقال له عبد الرحمن بن عوف: وأنت يا رسول الله؟! فقال: «يا ابن عوف، إنها رحمة» ثم أتبعها بأخرى، فقال: «إن العين تدمع والقلب يحزن، ولا نقول إلا ما يرضي ربنا، وإنا لفراقك يا إبراهيم لمحزونون». رواه البخاري، وروى مسلمٌ بعضه.

۵۴۹. از انس -رضی الله عنه- روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ نزد پسرش ابراهیم -رضی الله عنه- که داشت جان می‌داد، رفت، دو چشم مبارک پیامبر ﷺ پر از اشک شد، عبدالرحمن بن عوف -رضی الله عنه- به ایشان گفت: شما هم (گریه می‌کنید)؟! ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمودند: «ای ابن عوف! این (اشک) مهر و شفقت است». سپس اشکی دیگر ریخت و فرمودند: «چشم، اشک می‌ریزد و دل، غمناک می‌شود و ما جز کلمه‌ای که خدا به آن راضی باشد، نمی‌گوییم، ما همه در فراق تو غمگین هستیم، ای ابراهیم!»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۸۴)، م (۹۲۳)].

۲- بخاری [۱۳۰۳] روایت کرده و مسلم [۲۳۱۵] نیز بعضی از آن را روایت کرده است.

۱۴۸- باب الكف عما يرى في الميت من مكروه

باب خودداری از افشای عیب یا مکروهی که از مرده (در وقت غسل او) دیده می‌شود

۵۵۰- عن أبي رافع أسلم مؤلى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَكَتَمَ عَلَيْهِ، غَفَرَ اللهُ لَهُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً» رواه الحاكم وقال: صحيح على شرط مسلم.

۵۵۰. از ابورافع اسلم، غلام آزاد شده پیامبر ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس مرده‌ای را بشوید و اسرار او را بیوشاند، خداوند چهل بار (چهل گناه) او را می‌آمرزد!».

۱۴۹- باب الصلاة على الميت وتشيعه وحضور دفنه وكراهة اتباع النساء الجنائز

باب نماز بر مرده و تشييع جنازه‌ی او و حضور در دفن او و کراهت تشييع جنازه توسط زنان

۵۵۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ شَهِدَ الْجَنَازَةَ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيْهَا فَلَهُ قِيْرَاطٌ، وَمَنْ شَهِدَهَا حَتَّى تُدْفَنَ فَلَهُ قِيْرَاطَانِ» قِيلَ وَمَا الْقِيْرَاطَانِ؟ قَالَ: «مِثْلُ الْجَبَلَيْنِ الْعَظِيْمَيْنِ» متفق عليه.

۵۵۱. از ابوهريره - رضي الله عنه - روايت شده است كه پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «هر كس بر جنازه‌ای حاضر شود (و او را همراهی كند) تا بر او نماز گزارده می‌شود، قيراطی اجر دارد، و هر كس تا وقت دفن بر جنازه حاضر باشد، دو قيراط اجر دارد»، گفته شد: دو قيراط چیست؟ فرمودند: «مانند دو كوه بزرگ»!

۵۵۲- وعن أم عطية رضي الله عنها قالت: نُهِينَا عَنِ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَلَمْ يُعْزَمْ عَلَيْنَا «متفق عليه». ۵۵۲. از ام عطيه - رضي الله عنها - روايت شده است كه گفت: ما زنان از رفتن به دنبال جنازه نهی شدیم، اما در این مورد بر ما سخت نگرفته‌اند.^۱ (به حدیث ۲۶۹ مراجعه شود).

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۲۵)، م (۹۴۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۲۷۸)، م (۹۳۸)].

۱۵۰- باب استحباب تکثیر المصلین علی الجنّازة وجعل صفوفهم ثلاثة فأكثر

باب استحباب افزودن تعداد نمازگزاران بر جنازه و صف‌هایشان را

سه صف یا بیشتر کردن

۵۵۳- وعن مرثد بن عبد الله اليزني قال: كان مالك بن هبيرة رضي الله عنه إذا صَلَّى على الجنازة، فتقال للناس عليها، جزأهم عليها ثلاثة أجزاء ثم قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وسلم: «من صَلَّى عليه ثلاثة صفوفٍ، فقد أوجب». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۵۳. از مرثد بن عبدالله یزنی روایت شده است که گفت: مالک بن هبیره رضی الله عنه هرگاه بر جنازه‌ای نماز می‌خواند و مردم حاضر بر جنازه را کم تشخیص می‌داد، آنها را به سه دسته تقسیم می‌کرد و می‌گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «هرکس (مرده‌ای) که سه صف مردم بر او نماز بخوانند، قطعاً بخشش و بهشت، برای او واجب گردیده است»!

(به حدیث شماره: ۲۶۹ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۳۱۶۶] و ترمذی [۱۰۲۸] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۵۱- باب ما یقرأ فی صلاة الجنزة

باب آن چه در نماز جنازه خوانده می شود

يُكَبِّرُ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ، يَتَعَوَّذُ بَعْدَ الْأُولَى، ثُمَّ يَفْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ الثَّانِيَةَ، ثُمَّ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ. وَالْأَفْضَلُ أَنْ يُتِمَّمَهُ بِقَوْلِهِ: كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ - إِلَى قَوْلِهِ: - إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَلَا يَقُولُ مَا يَفْعَلُهُ كَثِيرٌ مِنَ الْعَوَامِّ مِنْ قِرَاءَتِهِمْ: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ [الأحزاب: ۵۶] الآية، فَإِنَّهُ لَا تَصِحُّ صَلَاتُهُ إِذَا اقْتَصَرَ عَلَيْهِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ الثَّالِثَةَ، وَيَدْعُو لِلْمَيِّتِ وَلِلْمُسْلِمِينَ بِمَا سَنَدُّكَ مِنْ الْأَحَادِيثِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، ثُمَّ يُكَبِّرُ الرَّابِعَةَ وَيَدْعُو. وَمِنْ أَحْسَنِهِ: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلَهُ». وَالْمُخْتَارُ أَنَّهُ يُطَوَّلُ الدُّعَاءُ فِي الرَّابِعَةِ خِلَافَ مَا يَعْتَادُهُ أَكْثَرُ النَّاسِ، لحديث ابن أبي أوفى الذي سَنَدُّكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَأَمَّا الْأَدْعِيَةُ الْمَأْثُورَةُ بَعْدَ التَّكْبِيرِ الثَّالِثَةِ، فَمَنْهَا:

(کسی که نماز جنازه را می خواند) چهار بار تکبیر می گوید؛ بعد از تکبیر اول، اعوذ بالله... و سپس سوره ی فاتحه را می خواند، سپس تکبیر دوم را می گوید و بعد از این تکبیر، بر پیامبر ﷺ صلوات می فرستد و می گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ: بار خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست) و بهتر آن است که آن را با «كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» تمام کند و کارهایی که بسیاری از عامیان انجام می دهند و در هنگام ادای نماز جنازه این آیه را می خوانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ (الأحزاب / ۵۶) نکند، زیرا اگر به آن اکتفا کند، نمازش درست نیست؛ سپس تکبیر سوم را می گوید و با (دعاهای وارد در) آن چه از احادیث - ان شاء الله - ذکر خواهیم کرد، برای میت و مسلمانان دیگر دعا می کند؛ سپس تکبیر چهارم را می گوید و دعا می کند و از بهترین دعاها در این جا این دعاست: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلَهُ»: بار خدایا! ما را از اجر او محروم نفرما و بعد از او ما را به فتنه مبتلا و گمراه نکن و ما و او را بیمارز» و پسندیده تر این است که در تکبیر چهارم دعا را طول دهد - برخلاف آن چه اغلب مردم بدان عادت دارند - به دلیل حدیث «ابن ابی اوفی» که ان شاء الله به زودی آن را ذکر می کنیم؛ و اما دعاهای مأثوره بعد از تکبیر سوم بسیار است از جمله:

۵۵۴- عن أبي عوف بن مالك رضي الله عنه قال: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَنَازَةٍ، فَحَفِظْتُ مِنْ دُعَائِهِ وَهُوَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا، كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ،

وَأَبْدَلُهُ دَاراً خَيْراً مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلاً خَيْراً مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجاً خَيْراً مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ، وَأَعَدَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ» حَتَّى تَمْنَيْتُ أَنْ أَكُونَ أَنَا ذَلِكَ الْمَيِّتَ. رواه مسلم.

۵۵۴. از عوف بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌ای نماز می‌خواند، بعضی از دعای او را حفظ کردم که می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ، وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا، كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدَلْهُ دَاراً خَيْراً مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلاً خَيْراً مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجاً خَيْراً مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخَلْهُ الْجَنَّةَ، وَأَعِدَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ»: خدایا! او را بیمارز، و به او رحم کن، و وی را خلاصی ده، و خطاهای او را عفو کن، و نصیب او را در بهشت نیکو قرار بده، و قبر و جای او را وسعت ده، و گناه او را با آب و برف و تگرگ بشوی، و او را از گناهان پاک کن، همان‌گونه که لباس سفید را از چرک و پلیدی پاک می‌کنی، و به او خانه‌ای بهتر از خانه‌ی دنیا و خانواده‌ای بهتر از خانواده‌ی خودش و همسری نیکوتر از همسر خودش عوض ده، و مرحمت کن و او را وارد بهشت کن و از عذاب قبر و دوزخ پناه ده»، (راوی می‌گوید: تا اندازه‌ای این دعاها عالی و پرمعنی بود) که تمنا کردم کاش آن مرده، من می‌بودم!

۵۵۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّتِنَا وَمَيِّتِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا. اللَّهُمَّ مِنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ، وَمَنْ تَوَقَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَقَّهُ عَلَيَّ الْإِيمَانَ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ» رواه الترمذي.

۵۵۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌ای نماز خواندند و فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّتِنَا وَمَيِّتِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا. اللَّهُمَّ مِنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ، وَمَنْ تَوَقَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَقَّهُ عَلَيَّ الْإِيمَانَ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ»: بار خدایا! زنده‌ی ما و مرده‌ی ما، کوچک ما و بزرگ ما، مرد ما و زن ما، و حاضر ما و غایب ما را ببخش و بیمارز؛ پروردگارا! هر کس از ما را زنده گردانیدی، او را بر دین اسلام زنده گردان و هر کدام از ما را میرانیدی، بر ایمان بمیران؛ خدایا! ما را از اجر او محروم نکن و بعد از او ما را (به

گناه و گمراهی) مبتلا نکن!»^۱.

۵۵۶- وعن أبي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ الْمَيِّتِ، فَأَخْلَصُوا لَهُ الدُّعَاءَ» رواه أبو داود.

۵۵۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر وقت بر مرده نماز خواندید، خالصانه برای او دعا کنید و او را مخصوص به دعا گردانید»^۲.

۵۵۷- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبُّهَا، وَأَنْتَ خَلَقْتَهَا، وَأَنْتَ هَدَيْتَهَا لِلْإِسْلَامِ، وَأَنْتَ قَبَضْتَ رُوحَهَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا، وَقَدْ جَنَّكَ شُفَعَاءَ لَهُ، فَأَعْفِرْ لَهُ». رواه أبو داود.

۵۵۷. از ابوهریره رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه ای نماز خواندند و فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبُّهَا، وَأَنْتَ خَلَقْتَهَا، وَأَنْتَ هَدَيْتَهَا لِلْإِسْلَامِ، وَأَنْتَ قَبَضْتَ رُوحَهَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا، وَقَدْ جَنَّكَ شُفَعَاءَ لَهُ، فَأَعْفِرْ لَهُ» بار خدایا! تو پروردگار ما هستی، و تو او را آفریدی، و تو او را به اسلام هدایت نمودی، و تو روح او را گرفتی، و تو به نهران و آشکار او داناتری، ما به عنوان شفیعان او به سوی تو آمده ایم، پس او را ببامرز»^۳.

۱- ترمذی [(۱۰۲۴)] از روایت ابوهریره و اشهلی، و ابوداود [(۳۲۰۱)] از روایت ابوهریره و ابوقتاده، روایت کرده اند، حاکم گفته است: حدیث ابوهریره بنا بر شرط بخاری و مسلم، صحیح است؛ ترمذی گفته است: بخاری می گوید: جامع ترین روایات این حدیث، روایت اشهلی است؛ بخاری گفته است: صحیح ترین حدیث در این باب، حدیث عوف بن مالک است.

۲- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۱۹۹)].

۳- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۲۰۰)].

۱۵۲- باب الإسراع بالجنائز

باب تسريع در تشييع و دفن جنازه

۵۵۸- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «أسرعوا بالجنائز، فإن تكت صالحاً، فخير تُقدمونها إليه، وإن تكت سؤياً ذلك، فشر تُضعونه عن رقابكم» متفق عليه.

۵۵۸. از ابوهريره - رضي الله عنه - روايت شده است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «جنازه را زود راه بيندازيد و دفن كنيد؛ زيرا اگر صالح باشد؛ خيري است كه شما او را به آن نزديك مي كنيد و اگر غير اين باشد، شري است كه او را از گردن خود برمي داريد و خود را از او رها مي سازيد»^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۱۵)، م (۹۴۴)].

۱۵۳- باب تعجيل قضاء الدين عن الميت والمبادرة إلى تجهيزه إلا أن يموت فجأة
فيترك حتى يتيقن موته

**باب تعجيل در پرداخت قرض مرده و اقدام به تجهيز او، جز کسی که
به مرگ ناگهانی بمیرد که همچنان گذاشته می شود تا از مرگش یقین
حاصل شود**

۵۵۹- عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ
بِدَيْنِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.
۵۵۹. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جان مؤمن به قرض او معلق
است، تا وقتی که بدهکاریش پرداخت شود»^۱.

۱- ترمذی [۱۰۷۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

باب موعظه در کنار قبر

۵۶۰- عن علي رضي الله عنه قال: كُنَّا فِي جَنَازَةٍ فِي بَقِيعِ الْعَرْفَدِ فَأَتَانَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَعَدَ، وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ فَنَكَسَ وَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ كُتِبَ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ وَمَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ» فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفَلَا نَتَكَلَّمُ عَلَى كِتَابِنَا؟ فَقَالَ: «اعْمَلُوا، فَكُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ» وَذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ، مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۵۶۰. از حضرت علی - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: ما برای انجام دادن کارهای جنازه‌ای در «بقیع عرفد» بودیم، پیامبر صلی الله علیه و آله به میان ما تشریف آورد و عصایی با خود داشت، سپس نشست و ما هم اطراف او نشستیم، پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را فرو انداخت و با نوک عصایش بر زمین می‌زدند و سپس فرمودند: «هر یک از شما محل و موقعیتش در آتش یا بهشت تعیین شده است»، گفتند: ای رسول خدا! پس (وقتی که چنین است) آیا بر نامه‌ی اعمال خود تکیه نکنیم؟ فرمودند: «(نه) عمل کنید زیرا هر کس برای چیزی آماده شده که به منظور آن خلق شده است». و بقیه‌ی حدیث را ذکر کرد!

۱۵۵- باب الدعاء للمیت بعد دفنه والعودة عند قبره ساعة للدعاء له والاستغفار

والقراءة

باب دعا برای مرده بعد از دفن و نشستن کنار قبرش جهت دعا برای

او و استغفار و قرائت

۵۶۱- عن أبي عمرو وقيل: أبو عبد الله، وقيل: أبو ليلى عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: كان النبي صلى الله عليه وسلم إذا فرغ من دفن الميت وقف عليه، وقال: «استغفروا لأخيكم وسلوا له التثبيت فإنه الآن يُسأل». رواه أبو داود.

۵۶۱. از ابو عمرو - و گفته اند: ابو عبدالله و گفته اند: ابولیلی - عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از تجهیز و تکفین مرده ای فارغ می شد، بر قبر او می ایستاد و می فرمودند: «برای برادران طلب آمرزش کنید و ثابت ماندن (بر ایمان و شهادت) را برای او (از خدا) بخواهید؛ زیرا اکنون از وی سؤال می شود»^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۳۲۲۱].

۱۵۶- باب الصدقة عن الميت والدعاء له

باب صدقه و دعا برای مرده

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

بِالْإِيمَانِ ﴾ (حشر / ۱۰)

«کسانی که بعد از مهاجرین و انصار (به دنیا) می آیند، می گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته اند، بیامرز.»

۵۶۲- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمَّي افْتَلَيْتُ نَفْسَهَا وَأَزَاهَا لَوْ تَكَلَّمْتُ، تَصَدَّقْتُ، فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إِنْ تَصَدَّقْتُ عَنْهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ». متفق عليه.

۵۶۲. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مادرم به مرگ ناگهانی درگذشت و من معتقدم که اگر می توانست صحبت کند صدقه می داد، آیا اگر برای او صدقه بدهم مأجور خواهد بود؟ فرمودند: «بله»^۱.

۵۶۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له» رواه مسلم.

۵۶۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی انسان بمیرد، ثواب عمل او (جز از سه مورد) قطع می شود: (۱) صدقه ای جاریه و همیشه گی؛ (۲) علمی که از آن بهره گرفته شود؛ (۳) فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۸۸)، م (۱۰۰۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۳۱)].

۱۵۷- باب ثناء الناس على الميت

باب ستایش مردم از مرده

۵۶۴- عن أنس رضي الله عنه قال: مرؤا بجنزة، فأتنوا عليها خيراً، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «وجبت»، ثم مرؤا بأخرى، فأتنوا عليها شراً، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «وجبت» فقال عمر ابن الخطاب رضي الله عنه: ما وجبت؟ قال: «هذا أتيتم عليه خيراً، فوجبت له الجنة، وهذا أتيتم عليه شراً، فوجبت له النار، أنتم شهداء الله في الأرض». متفق عليه.

۵۶۴. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: صحابه از کنار جنازه‌ای عبور کردند و بر او ثنا گفتند و به نیکی از او یاد کردند، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «واجب شد!» بعد از کنار جنازه‌ای دیگری گذشتند و از بدی او بحث نمودند، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «واجب شد!» حضرت عمر رضي الله عنه گفت: چه چیز واجب شد؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «این مرده، از او به نیکی یاد کردید، بهشت برای او واجب شد، و آن یکی، شما از بدی او گفتید، دوزخ برای او واجب شد، (زیرا که) شما شاهدان خداوند در زمین هستید»^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۶۷)، م (۹۴۹)].

باب فضیلت کسی که چند فرزند کوچکش مرده باشند

۵۶۵- عن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما من مسلم يموت له ثلاثة لم يبلغوا الحنث إلا أدخله الله الجنة بفضل رحمته إياهم». متفق عليه.

۵۶۵. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر مسلمانی که سه فرزند کوچک او که به حد بلوغ نرسیده باشند، بمیرند، خداوند به خاطر فضل رحمت خود نسبت به آن فرزندان، آن شخص را وارد بهشت می کند»^۱.

۵۶۶- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالت: يا رسول الله، ذهب الرجال بحديثك، فأجعل لنا من نفسك يوماً نأتيك فيه تعلمنا مما علمك الله، قال: «اجتمعن يوم كذا وكذا» فاجتمعن، فأتاهن النبي صلى الله عليه وسلم فعلمهن مما علمه الله، ثم قال: «ما منكن من امرأة تقدم ثلاثة من الولد إلا كانوا لها حجاباً من النار» فقالت امرأة: وأنتين؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «وأنتين» متفق عليه.

۵۶۶. از ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: زنی نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا! (تنها) مردان به بهره گیری از سخن تو توفیق یافته اند (و ما زنان بی نصیبیم)، پس برای ما هم روزی قرار ده که در آن روز نزد تو بیاییم تا از علمی که خداوند به تو آموخته است به ما یاد بدهی، فرمودند: «فلان روز جمع شوید»، زنان، (در آن روز) جمع شدند و پیامبر صلى الله عليه وسلم نزد آنها رفت و از آن چه خداوند به او آموخته بود، به آنها آموخت و سپس فرمودند: «هر زنی از شما سه فرزند خود را (برای دفن) پیش آورده باشد (هر زنی که سه فرزندش مرده باشند) آنها یقیناً برای مادر خود، مانعی از آتش (جهنم) خواهند بود»؛ زنی گفت: (آیا) دو فرزند هم (چنین است)؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «(بله)، دو فرزند هم»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۲۴۸)، م (۲۶۳۴)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۲۴۹)، م (۲۶۳۳)].

۱۵۹ - باب البكاء والخوف عند المرور بقبور الظالمين ومصارعهم وإظهار الافتقار

إلى الله تعالى والتحذير من الغفلة عن ذلك

باب گریه کردن و ترس در هنگام عبور از کنار قبر ظالمان و جایگاه هلاکت ایشان و اظهار عجز و نیاز به خدای بزرگ و پرهیز از غفلت از

آن (صفات)

۵۶۷- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ -يَعْنِي لَمَّا وَصَلُوا الْحِجْرَ: دِيَارَ ثَمُودَ- : «لَا تَدْخُلُوا عَلَى هَؤُلَاءِ الْمُعَذِّبِينَ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ، فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بَاكِينَ، فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ، لَا يُصِيبُكُمْ مَا أَصَابَهُمْ» متفقٌ عليه.

وفي رواية قال: لَمَّا مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحِجْرِ قَالَ: «لَا تَدْخُلُوا مَسَاكِينَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ مَا أَصَابَهُمْ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ» ثُمَّ قَنَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رَأْسَهُ وَأَسْرَعَ السَّيْرَ حَتَّى أَجَازَ الْوَادِي.

۵۶۷. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ - هنگام رسیدن به «حجر، دیار ثمود» به یارانش فرمودند: «از کنار این (مردگان) اهل عذاب، نگذرید، مگر آن که گریان باشید و اگر گریان نیستید، به آن جا وارد نشوید تا آن چه به آنها رسیده است، به شما نرسد»^۱.

در روایتی دیگر آمده است که عبدالله گفت: وقتی پیامبر ﷺ بر سر زمین حجر گذشت، فرمودند: «وارد خانه های آنان که بر خود ستم کرده اند، نشوید، مبادا آن چه که بر آنان گذشته است، به شما نیز برسد، مگر آن که در حال گریه باشید»، سپس پیامبر ﷺ سر خود را پوشانید و به حرکت خود سرعت داد، تا از وادی گذشت.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۳۳)، م (۲۹۸۰)].

بخش هشتم:
کتاب آداب سفر

۱۶۰ - باب استحباب الخروج يوم الخميس أول النهار

باب استحباب بیرون رفتن در پنج‌شنبه و استحباب خروج در اول روز

۵۶۸- عن كعب بن مالك، رضي الله عنه، أن النبي صلى الله عليه وسلم خرج في غزوة تبوك يوم الخميس، وكان يحب أن يخرج يوم الخميس. متفق عليه.

وفي رواية في الصحيحين: «لَقَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ».

۵۶۸. از کعب بن مالک - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای «غزوه ی تبوک» روز پنج‌شنبه حرکت فرمودند و ایشان دوست داشتند که روزهای پنج‌شنبه خارج شوند!^۱
در روایتی دیگر در صحیحین آمده است: خیلی کم اتفاق می‌افتاد که پیامبر صلی الله علیه و آله در غیر روزهای پنج‌شنبه از منزل خود خارج شود و به مسافرت برود.

۵۶۹- وعن صخر بن وداعة الغامدي الصحابي رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا» وَكَانَ إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً أَوْ جَيْشًا بَعَثَهُمْ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَكَانَ صَخْرٌ تَاجِرًا، وَكَانَ يَبْعَثُ تِجَارَتَهُ أَوَّلَ النَّهَارِ، فَأَثَرَى وَكَثُرَ مَالُهُ. رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۶۹. از «صخر بن وداعه‌ی غامدی صحابی» - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پروردگارا! صبح را برای امت من مبارک و پر خیر کن!» و ایشان هر وقت گروهی از لشکر یا لشکری را به مأموریتی جهادی می‌فرستاد، آنها را در ابتدای روز می‌فرستاد و صخر (راوی حدیث) تاجر بود و کاروان تجارت خود را اول روز می‌فرستاد، از اینرو ثروتمند شد و مالش زیاد گردید.^۲

۱- متفق علیه است؛ [(۲۹۴۹)]. [مسلم این حدیث را روایت نکرده است].

۲- ابوداود [(۲۶۰۶)] و ترمذی [(۱۲۱۲)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۶۱- باب استحباب طلب الرفقة وتأميرهم على أنفسهم واحداً يطيعونه

باب استحباب جستجوی رفقا و همراهان (در سفر) و امیر گردانیدن یکی از آنها بر خود که همه از او اطاعت کنند

۵۷۰- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ يَعْلَمُونَ مِنَ الْوَحْدَةِ مَا أَعْلَمَ مَا سَارَ رَاكِبٌ بِلَيْلٍ وَحْدَهُ» رواه البخاري.

۵۷۰. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر مردم آن طور که من می دانم، زیان تنهایی را می دانستند، هیچ سواری در شب به تنهایی به سفر نمی رفت»^۱.

۵۷۱- وعن أبي سعيدٍ وأبي هريرة رضي الله تعالى عنهما قالا: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا خَرَجَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ» حديث حسن، رواه أبو داود بإسنادٍ حسن.

۵۷۱. از ابوسعید و ابوهریره -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر وقت سه نفر برای سفری بیرون رفتند، یکی از خودشان را رئیس خود نمایند»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۹۹۸)].

۲- حدیثی حسن است که ابوداود [(۲۶۰۸)] به اسنادی حسن روایت کرده است.

۱۶۲- باب آداب السیر والنزول والمبيت في السفر والنوم في السفر واستحباب السُرى والرفق بالدواب ومراعاة مصلحتها وأمر من قصر في حقها بالقيام بحقها وجواز الإرداف على الدابة إذا كانت تطيق ذلك

باب آداب حرکت و توقف و شب ماندن و خوابیدن در سفر و استحباب رفتن در شب و ملایمت با چهارپایان و رعایت مصلحت آنها و جواز دو نفر دونفر سوار شدن بر حیوان اگر تحمل آن را داشته باشد و امر به رعایت حق حیوانات به کسی که کوتاهی کرده باشد

۵۷۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا سَافَرْتُمْ فِي الْخِصْبِ فَأَعْطُوا الْإِبِلَ حَظَّهَا مِنَ الْأَرْضِ، وَإِذَا سَافَرْتُمْ فِي الْجَدْبِ، فَاسْرِعُوا عَلَيْهَا السَّيْرَ وَبَادِرُوا بِهَا نَفْيَهَا، وَإِذَا عَرَسْتُمْ، فَاجْتَنِبُوا الطَّرِيقَ، فَإِنَّهَا طُرُقُ الدَّوَابِّ، وَمَأْوَى الْهُوَامِّ بِاللَّيْلِ» رواه مسلم.

۵۷۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اگر در سرزمین پرگیاه و سبزه‌زار مسافرت کردید، حق شتر را از زمین عطا کنید (یعنی: آرام سواری کنید و بگذارید تا حیوان در هنگام حرکت بچرد) و اگر در خشکی و ریگزار مسافرت کردید، زود آنها را حرکت دهید و مواظب مغز استخوان آنها باشید (یعنی در زمین گرم و خشک، تند برانید تا زود به مقصد برسید و حیوان از ماندن زیاد گرما بی‌تاب و ناتوان نشود) و اگر شب در جایی توقف کردید و ماندید، از ماندن و توقف در میان راه، دوری کنید؛ زیرا راه، گذرگاه حیوانات و در شب، جایگاه درندگان و حشرات است»^۱.

۵۷۳- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «عَلَيْكُمْ بِاللَّيْلِ، فَإِنَّ الْأَرْضَ تُطَوَّى بِاللَّيْلِ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

۵۷۳. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «رفتن در شب را به شما توصیه می‌کنم؛ زیرا زمین در شب، طی می‌گردد (یعنی، زود طی می‌شود)»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۲۶].

۲- ابوداود [۲۵۷۱] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۵۷۴- وَعَنْ سَهْلِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِبَعِيرٍ قَدْ لَحِقَ ظَهْرُهُ بِبَطْنِهِ فَقَالَ: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ الْمُعْجَمَةِ فَارْكَبُوهَا صَالِحَةً، وَكُلُّوهَا صَالِحَةً» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۵۷۴. از سهل بن عمرو روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ از کنار شتری گذشت که از غایت لاغری پشتش به شکمش چسبیده بود، فرمودند: «در حق این چهارپایان زبان بسته، از خدا بترسید و وقتی سوار آنها شوید و آنها را ذبح کنید و بخورید که (به حد کافی به آنها رسیده باشید) و شایسته‌ی آن کارها باشند!».

۵۷۵- وعن أنسٍ رضي الله عنه، قال: كُنَّا إِذَا نَزَلْنَا مَنْزِلًا، لَا نُسَبِّحُ حَتَّى نَحُلَّ الرَّحَالَ. رواه أبو داود بإسناد على شرط مسلم.

وقوله: «لَا نُسَبِّحُ» أَي لَا نُصَلِّي النَّافِلَةَ، ومعناه: أَنَّا مَعَ حِرْصِنَا عَلَى الصَّلَاةِ لَا نُقَدِّمُهَا عَلَى حَطِّ الرَّحَالِ وَإِرَاحَةِ الدَّوَابِّ.

۵۷۵. از انس - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که گفت: ما هر وقت وارد مکانی می شدیم و در آنجا نزول و توقف می کردیم، تا بار شترها را باز نمی کردیم و پایین نمی آوردیم، نماز نمی خواندیم^۱. منظور انس رضی اللہ عنہ نماز نفل است؛ یعنی با وجود حرصی که ما برای ادای نماز نفل داشتیم، آن را بر خدمت و تیمار و استراحت چهارپایان، مقدم نمی داشتیم.

۱- ابوداود [۲۵۴۸] به اسناد صحیح روایت کرده است..

۲- ابوداود [۲۵۵۱] به اسناد مطابق با شرط مسلم روایت کرده است.

۱۶۳ - باب إعانة الرفیق

باب کمک به همسفر

۵۷۶- وعن جابر رضي الله عنه، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه أراد أن يعزّو فقال: «يا معشر المهاجرين والأنصار، إن من إخوانكم قوماً، ليس لهم مال، ولا عشيرة، فليضم أحدكم إليه الرجلين أو الثلاثة، فما لأحدنا من ظهر يحملُهُ إلا عُقبَةٌ كعقبَةِ» يعني أحدهم، قال: فصممتُ إليّ اثنين أو ثلاثة ما لي إلا عُقبَةٌ كعقبَةِ أَحدهم من جملي. رواه أبو داود.

۵۷۶. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلى الله عليه وسلم تصمیم به جهاد گرفتند و سپس فرمودند: «ای جماعت مهاجر و انصار! از برادران شما طایفه‌ای هستند که ثروت و قوم و قبیله‌ای ندارند، پس باید هر یک از شما (که حیوان سواری و توشه‌ای دارد) دو مرد یا سه مرد را به خود ملحق و شریک خود نماید». لذا هر یک از ما که حیوان سواری داشت فقط یک نوبت سواری داشت. جابر رضي الله عنه می‌گوید: من دو یا سه نفر را با خود همراه کردم و جز مانند نوبت یکی از آنها، از شتر خود حقی نداشتم و تنها در نوبت خود سوار می‌شدم^۱.

۵۷۷- وعنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يتخلف في المسير فيزجي الضعيف ويؤدق ويدعو له. رواه أبو داود بإسناد حسن.

۵۷۷. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلى الله عليه وسلم (در سفر و جهاد) عمداً خود را عقب می‌انداخت و شتر فرد ضعیف را آرام سوق می‌داد و او را بر شتر خود در پشت سر، سوار می‌کرد و برای آنها دعای خیر می‌فرمود^۲.
(به حدیث شماره: ۱۶۳ مراجعه شود).

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۲۵۳۴].

۲- ابوداود [۲۶۳۹]. به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۶۴- باب ما یقوله إذا ركب الدابة للسفر

باب آنچه که شخص هنگام سوار شدن می گوید

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«..... وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾» (الزخرف/ ۱۲-۱۴)

«..... و برای شما از کشتی‌ها و چهارپایان، مرکب‌هایی قرار داده است که بر آنها سوار می‌گردید، (خدا این مرکب‌ها را آفریده است) تا بر پشت آنها قرار بگیرید و هنگامی که بر آنها سوار شدید، نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید: پاک و منزّه خدایی است که این‌ها را به زیر فرمان و تسخیر ما درآورد، و گرنه ما بر آن توانایی نداشتیم؛ و ما یقیناً به سوی پروردگاران باز می‌گردیم».

۵۷۸- وعن ابن عمر رضي الله عنهما، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان إذا استوى على بعيره خارجاً إلى سفر، كبر ثلاثاً، ثم قال: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ». وإذا رجع قَالَهُنَّ وَزَادَ فِيهِنَّ: «آيُونَ تَأْيُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ». رواه مسلم.

۵۷۸. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ وقتی برای خروج از شهر و رفتن به سفری بر شترش سوار می‌شد، سه مرتبه تکبیر (الله اکبر) می‌نمود و سپس می‌فرمودند:

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ».

«پاک و منزّه است خدایی که این وسیله را برای ما مسخر کرد، در حالی که ما توانایی مسخر کردن آن را نداشتیم و ما یقیناً به سوی پروردگار خود باز می‌گردیم. خدایا! از تو می‌خواهیم که در این سفر نیکی و تقوا و عملی را که بدان راضی می‌شوی، نصیب ما گردانی! خداوند! این سفر ما را

بر ما آسان گردان و دوری اش را بر ما کوتاه ساز. پروردگارا! تنها تو همراه و یاور ما، در سفر؛ و جانشین ما، در خانواده‌ی ما هستی. خدایا! من از سختی‌های سفر و از حالات غم و اندوه و تغییرات بد و ناخوشایند در مال و خانواده و فرزندانم به تو پناه می‌برم».

و وقتی برمی‌گشت، نیز همین دعا را می‌خواند و این جملات را به آن اضافه می‌نمود: «آیُّوْنَ تَأْتِیُوْنَ عَابِدُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ»: ما بازگشتگان و توبه‌کنندگان و عبادت‌کنندگانیم و سپاسگزاران و ستایش‌کنندگان خدای خود هستیم».

۱۶۵- باب تکبیر المسافر إذا صعد الثنایا وشبهها وتسیحه إذا هبط الأودية ونحوها

والنهي عن المبالغة برفع الصوت بالتكبير ونحوه

باب تکبیر مسافر در وقتی که از گردنه‌ی تند و مانند آن بالا می‌رود و

تسیح او در وقتی که به دره یا شبه دره‌ای پایین می‌آید و منع از

مبالغه در بلند نمودن صدای تکبیر و مانند آن

۵۷۹- عن جابر رضي الله عنه قال: كُنَّا إِذَا صَعَدْنَا كَبَّرْنَا، وَإِذَا نَزَلْنَا سَبَّحْنَا. رواه البخاري.

۵۷۹. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما (صحابه) وقتی بر بلندی صعود می‌کردیم،

تکبیر (الله اکبر) می‌گفتیم و وقتی از بلندی پایین می‌آمدیم، تسبیح (سبحان الله) می‌گفتیم^۱.

۵۸۰- وعنه قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَفَلَ مِنَ الْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ كُلَّمَا أَوْفَى عَلَى نَبِيَّةٍ أَوْ فَدَفِدٍ كَبَّرَ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. آيُونَ تَائِبُونَ غَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ. صَدَقَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» متفقٌ عليه.

۵۸۰. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم هرگاه از حج یا عمره

برمی‌گشت، هر بار از گردنه‌ای بالا می‌رفت یا بر زمین سنگلاخ و بلندی می‌گذشت، سه مرتبه تکبیر

(الله اکبر) می‌فرمود و سپس می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ،

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. آيُونَ تَائِبُونَ غَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ. صَدَقَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ

عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»: هیچ معبودی جز الله نیست و او، تنها و بی‌شریک است، پادشاهی و

سپاس و ستایش از آن او و سزاوار اوست و او بر هر چیزی تواناست؛ ما بازگشتگان و توبه‌کنندگان

و عبادت‌کنندگان و سجده‌کنندگان و سپاسگزاران و ستایش‌کنندگان خدای خود هستیم؛ خداوند

به وعده‌ی خود وفا کرد و در آن راست فرمود و بنده‌ی خود را نصرت داد و تمام لشکریان و

دسته‌های (کفر) را به تنهایی شکست داد^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۹۹۳].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۸۵)، م (۱۳۴۴)].

۵۸۱- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَكُنَّا إِذَا أَشْرَفْنَا عَلَى وَادٍ هَلَّلْنَا وَكَبَّرْنَا وَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُنَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ارْبِعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا. إِنَّهُ مَعَكُمْ، إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ» متفقٌ عليه.

۵۸۱. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سفری بودیم و هرگاه به بالای دره‌ای می‌رسیدیم، لا إله إلا الله والله أكبر می‌گفتم و صداهایمان بلند می‌شد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمودند: «ای مردم! بر خود رحم کنید (و صدایتان را پایین بیاورید)؛ زیرا شما ناشنوا یا غایبی را صدا نمی‌زنید، همانا او (خدا) با شما و شنوا و نزدیک است»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۸۴)، م (۲۷۰۴)].

۱۶۶- باب استحباب الدعاء في السفر

باب استحباب دعا در سفر

۵۸۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ» رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۸۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «سه دعا، بدون تردید، مستجاب است: (۱) دعای مظلوم؛ (۲) دعای مسافر؛ (۳) دعای پدر به ضرر فرزندش»^۱.

۱- ابوداود [(۱۵۳۶)] و ترمذی [(۳۴۴۲)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است؛ ولی در روایت ابوداود «علی ولده» نیست.

۱۶۷- باب ما يدعو به إذا خاف ناساً أو غيرهم

باب دعایی که انسان هنگام ترس از گروهی از مردم یا غیر آنان می خواند

۵۸۳- عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان إذا خاف قوماً قال: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ» رواه أبوداود، والنسائي بإسناد صحيح.

۵۸۳. از ابوموسی اشعری - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هرگاه از طایفه‌ای ترسی داشت، می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»: خداوندا! ما تو را در (برابر) سینه‌ی ایشان قرار می دهیم و از شر آنها به تو پناه می بریم^۱.

۱- ابوداود [(۱۵۳۷)] و نسائی [(۶۰۱)] به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

۱۶۸- باب ما يقول إذا نزل منزلاً

باب آنچه که انسان هنگام پیاده شدن یا توقف در مکانی می گوید

۵۸۴- عن خولة بنت حكيم رضي الله عنها قالت: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ نَزَلَ مِنْزِلًا ثُمَّ قَالَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْ مَنزِلِهِ ذَلِكَ» رواه مسلم.

۵۸۴. از خوله دختر حکیم - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هرکس در منزلی فرود آید و سپس بگوید: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»: پناه می برم به کلمات کامل خدا از شر آنچه آفریده است»، تا وقتی که از آنجا کوچ می کند، هیچ چیز به او ضرر نخواهد رساند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۸].

۱۶۹- باب استحباب تعجیل المسافر الرجوع إلى أهله إذا قضی حاجته

باب استحباب تعجیل مسافر در بازگشتن به سوی خانواده‌اش وقتی که کارش تمام شد

۵۸۵- عن أبي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ، يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ طَعَامَهُ، وَشَرَابَهُ وَنَوْمَهُ، فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ نَهْمَتَهُ مِنْ سَفَرِهِ، فَلْيُعَجِّلْ إِلَى أَهْلِهِ» متفقٌ عليه.

۵۸۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سفر قطعه‌ای از عذاب است که مانع خوراک و نوشیدن و خواب انسان (به طور کامل) می‌شود، سپس هر کدام از شما هر وقت هدفش از سفرش را برآورد و کارش تمام شد، با شتاب به سوی خانواده‌اش بازگردد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۸۰۴)، م (۱۹۲۷)].

۱۷۰- باب استحباب القدوم علی أهله نهاراً وکراهته فی اللیل لغير حاجة

باب استحباب رفتن به خانه و نزد خانواده در هنگام روز وقتی که از

سفر بازمی‌گردد و کراهت آن در شب بدون ضرورت

۵۸۶- عن جابر رضي الله عنه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «إذا أطلَّ أحدكم الغيبة فلا يطرقنَّ أهله ليلاً».

وفي رواية: أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهى أن يطرق الرجل أهله ليلاً. متفق عليه.

۵۸۶. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «هرگاه یکی از شما وقتی به سفری طولانی رفت و غیبتش طول کشید، هرگز در شب به خانه‌ی خود وارد نشود»^۱.
در روایتی دیگر آمده است: پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم از این که کسی (پس از بازگشت از سفرش) شب هنگام بر اهل خانه‌اش وارد شود، نهی فرموده‌اند.

۵۸۷- وعن أنس رضي الله عنه قال: كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لا يطرق أهله ليلاً، وكان يأتيهم غدوة أو عشية. متفق عليه.

۵۸۷. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم (وقتی در مسافرت می‌بود و برمی‌گشت)، هرگز در شب، به خانه و نزد خانواده‌اش باز نمی‌گشت، بلکه اول صبح یا سرِ شب، نزد ایشان می‌رفت^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۰۱)، م (۷۱۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۰۰)، م (۱۹۲۸)].

۱۷۱- باب ما یقوله إذا رجع وإذا رأى بلدته

باب آنچه که انسان در حین بازگشتن و وقتی که شهر خود را دید، آن را می گوید

۵۸۸- وعن أنس رضي الله عنه قال: أقبلنا مع النبي صلى الله عليه وسلم، حتى إذا كنا بظهر المدينة قال: «آيُون، تَائِيُون، عَابِدُون، لِرَبِّنَا حَامِدُون» فلم يزل يقول ذلك حتى قدمنا المدينة» رواه مسلم.

۵۸۸. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: همراه پیامبر صلى الله عليه وسلم برمی گشتیم، وقتی به پشت مدینه رسیدیم، فرمودند: «آيُون، تَائِيُون، عَابِدُون، لِرَبِّنَا حَامِدُون»: ما بازگشتگان و توبه کنندگان و عبادت کنندگانیم و سپاسگزاران و ستایش کنندگان خدای خود هستیم» و مرتب این جمله را (تکرار) می فرمود تا به مدینه رسیدیم! (به حدیث شماره: ۵۷۸ مراجعه شود).

۱۷۲- باب استحباب ابتداء القادم بالمسجد الذي في جواره وصلاته فيه ركعتين

**باب استحباب این که شخص در هنگام بازگشتن از سفر، ابتدا به مسجد
نزدیک منزل خود برود و در آن دو رکعت نماز بگذارد (و سپس به
خانه برود)**

۵۸۹- عن كعب بن مالك رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ
بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ فَرَكَعَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ. متفقٌ عليه.

۵۸۹. از کعب بن مالک - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از سفر برمی گشت،
ابتدا به مسجد می رفت و در آن جا دو رکعت نماز می خواند!

۱۷۳- باب تحریم سفر المرأة وحدها

باب تحریم مسافرت زن به تنهایی

۵۹۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أنه سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «لا يخلون رجلٌ بامرأةٍ إلاَّ ومعهما ذو محرمٍ، ولا تُسافرُ المرأةُ إلاَّ مع ذي محرمٍ» فقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ امْرَأَتِي خَرَجَتْ حَاجَةً، وَإِنِّي أَكْتُبُتُ فِي غَزْوَةٍ كَذَا وَكَذَا؟ قَالَ: «انْطَلِقِي فَحُجِّي مَعَ امْرَأَتِكَ» متفقٌ عليه.

۵۹۰. از ابن عباس رضي الله عنهما - روایت شده است که او از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنید که می فرمودند: «هیچ مردی با هیچ زنی خلوت ننماید (تنها نشوند)، مگر این که همراه او، یکی از محارم باشد و زن مسافرت نکند، مگر این که یک محرم همراه او باشد»، مردی گفت: ای رسول خدا! زن من برای انجام دادن حج از شهر بیرون رفته و نام من، در گروه شرکت کنندگان در فلان غزوه نوشته شده است، (چه کار کنم؟) پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «برو و همراه زنت حج را انجام بده»^۱.

۵۹۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يحلُّ لامرأةٍ تُؤمنُ باللهِ واليومِ الآخرِ تُسافرُ مسيرةَ يومٍ وليلةٍ إلاَّ مع ذي محرمٍ عليَّها» متفقٌ عليه.

۵۹۱. از ابوهریره رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «برای هر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، حلال نیست که بدون محرم، مسافت یک شبانه روز را مسافرت کند»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۶۲)، م (۱۳۴۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۰۸۸)، م (۱۳۳۹)].

بخش نهم:
کتاب فضایل

۱۷۴ - باب فضل قراءۃ القرآن

باب فضیلت قرائت قرآن

۵۹۲- عن أبي أمامة رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ» رواه مسلم.

۵۹۲. از ابوامامه - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «قرآن بخوانید؛ زیرا قرآن، در روز قیامت برای یاران خود شفاعت می کند»^۱.

۵۹۳- وَعَنْ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْقُرْآنِ وَأَهْلِيهِ الَّذِينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا تَفْدُمُهُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَآلُ عِمْرَانَ، تُحَاجَّانِ عَنْ صَاحِبَيْهِمَا» رواه مسلم.

۵۹۳. از نواس بن سمعان - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «روز قیامت، قرآن و اهلش، آنانی که در دنیا به قرآن عمل می کردند، آورده می شوند و سوره های بقره و آل عمران در پیشاپیش او (قرآن) هستند و از یاران شان، دفاع و حمایت می کنند»^۲.

۵۹۴- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» رواه البخاري.

۵۹۴. از حضرت عثمان بن عفان - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را به دیگران تعلیم دهد»^۳.

۵۹۵- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَسْتَعْتِعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ» متفقٌ عليه.

۵۹۵. از عایشه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «کسی که قرآن را ماهرانه (و بدون داشتن اشتباه و وقفه) بخواند، با فرشتگان بزرگووار و نیکوکار وحی است، و کسی که قرآن را به سختی و همراه وقفه بخواند و آن خواندن برای او سخت باشد، دو اجر دارد»^۴.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۰۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۰۵)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۰۲۷)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۴۹۳۷)، م (۷۹۸)].

۵۹۶- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الْأَثْرَجَةِ: رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الثَّمَرَةِ: لَا رِيحَ لَهَا وَطَعْمُهَا حُلْوٌ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الرِّيحَانَةِ: رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ: لَيْسَ لَهَا رِيحٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۵۹۶. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال مؤمنی که قرآن می‌خواند، مانند ترنج است که هم بو و هم مزه‌ی خوب دارد، و مثال مؤمنی که قرآن نمی‌خواند، مانند خرماست که بو ندارد ولی مزه‌اش شیرین است؛ و مثال منافقی که قرآن می‌خواند، مانند ریحان است که بوی آن خوش ولی مزه‌اش تلخ است، و مثال منافقی که قرآن نمی‌خواند، چون حنظل است که بو ندارد و مزه‌ی آن نیز تلخ است»^۱.

۵۹۷- وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ» رواه مسلم.

۵۹۷. از حضرت عمر بن خطاب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند با این قرآن، کسانی را بلند و کسانی دیگر را پست می‌کند»^۲.

۵۹۸- وعن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَهُوَ يَنْفِقُهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۵۹۸. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حسد وریزیدن جز در دو چیز جایز نیست: (۱) مردی که خداوند، قرآن را به او یاد داده است و او در ساعات شب و روز به آن قیام می‌کند (حقیقت را از قرائت و عمل و تعلیم، به جای می‌آورد)؛ (۲) مردی که خداوند مالی به او داده است و او در ساعات شب و روز، آن را می‌بخشد»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۵۹)، م (۷۹۷)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۱۷)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۷۳)، م (۸۱۵)].

۶۰۰- وعن عبدِ اللَّهِ بنِ عمرو بنِ العاصِ رضي اللهُ عنهما عنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: أَقْرَأُ وَارْتَقَى وَرَتَّلَ كَمَا كُنْتَ تُرْتَلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۶۰۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در هنگام ورود به بهشت) به قاری و ملازم قرآن (در علم و عمل) گفته می‌شود: قرآن بخوان و (از پله‌های بهشت) بالا برو و با تانی و تجوید بخوان، چنان‌که در دنیا با ترتیل می‌خواندی، زیرا منزلت تو در (حد) آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی.»

۱۷۵- باب الأمر بتعهد القرآن والتحذير من تعريضه للنسيان

باب امر به ملازمت و مداومت در (تلاوت) قرآن و پرهیز از در

معرض فراموشی قرار دادن آن

۶۰۱- عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقُلِهَا» متفق عليه.

۶۰۱. از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «(در خواندن و تذکر گرفتن) بر این قرآن، مداومت و ملازمت داشته باشید، زیرا سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، قرآن، از شتر پای بسته در طناب، گریزان تر و فرارتر است (قرآن از ذهن و حافظه‌ی انسان، از شتری که پایش از طناب باز می شود، زودتر می گریزد)»^۱.

۶۰۲- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ الْإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ، إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا، وَإِنْ أَطْلَقَهَا، ذَهَبَتْ» متفق عليه.

۶۰۲. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «قاری و ملازم قرآن، مانند کسی است که شترش را بسته است، که اگر از آن مواظبت کند، آن را خواهد گرفت و در دست خواهد داشت و اگر آن را رها کند، می رود»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۰۳۳)، م (۷۹۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۰۳۱)، م (۷۸۹)].

۱۷۴ - باب استحباب تحسین الصَّوْتِ بِالْقُرْآنِ وَطَلْبِ الْقِرَاءَةِ مِنْ حَسَنِ الصَّوْتِ

والاستماع لها

باب استحباب زیبا کردن صوت در حین قرائت قرآن و درخواست

قرائت از انسان خوش صدا و گوش دادن به آن

۶۰۳ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا أَدْنَى اللَّهُ لِشَيْءٍ مَا أَدْنَى لِنَبِيِّ حَسَنِ الصَّوْتِ يَتَعَنَّى بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ» متفقٌ عليه.

۶۰۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، هرگز چنان که به صدای خوش پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بلند و آهنگین قرآن را می‌خواند، گوش فرا داده (خشنود و پذیرا بوده) به چیز دیگری گوش فرامداده است (خشنود و پذیرا نبوده است).^۱»

۶۰۴ - وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي الْعِشَاءِ بِالْبَيِّنِ وَالزَّيْتُونِ، فَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ صَوْتًا مِنْهُ. متفقٌ عليه.

۶۰۴. از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که در نماز عشاء، سوره‌ی والتین و الزیتون را می‌خواند و کسی را که از او خوش صداتر باشد، (ندیده و) نشنیده‌ام.^۲

۶۰۵ - وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: «لَقَدْ أُوتِيتَ مِزْمَارًا مِنْ مِزَامِيرِ آلِ دَاوُدَ» متفقٌ عليه.

و فی روایة لمسلم: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: «لَوْ رَأَيْتَنِي وَأَنَا أَسْتَمِعُ لِقِرَاءَتِكَ الْبَارِحَةَ».

۶۰۵. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: «قطعه‌ای از صدای خوش و الحان «آل داود» به تو داده شده است!»^۳.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «اگر مرا می‌دیدى در حالی که به تلاوت دیشب تو گوش می‌دادم!».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۲۳)، م (۷۹۲)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۶۹)، م (۴۶۴)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۴۸)، م (۷۹۳)].

۱۷۷- باب الحثّ علی سور و آیات مخصوصه

باب تشویق به قرائت بعضی سوره‌ها و آیات مخصوص

۶۰۶- عن أبي سعيدٍ رافعِ بنِ المُعلّى رضيَ اللهُ عنه قال: قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عليه وسلَّمَ: «أَلَا أُعَلِّمُكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟ فَأَخَذَ بِيَدِي، فَلَمَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّكَ قُلْتَ لِأَعْلَمَتِكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي، وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ» رواه البخاري.

۶۰۶. از ابوسعید رافع بن معلی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «آیا قبل از آن که از مسجد خارج شوی، بزرگ‌ترین سوره‌ی قرآن را به تو نشان دهم!» و دستم را گرفت، وقتی که خواستیم از مسجد خارج شویم، گفتم: ای رسول خدا! شما فرمودید قبل از خروج از مسجد، بزرگ‌ترین سوره‌ی قرآن را به تو نشان می‌دهم! فرمودند: (الحمد لله رب العالمین...) آن سبع المثانی (هفت آیه‌ای که دو بار نازل شد) و قرآن با عظمتی است که به من داده شده است.^۱

۶۰۷- وعن أبي سعيدٍ الخُدريِّ رضيَ اللهُ عنه أنَّ رسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عليه وسلَّمَ قالَ في: قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّهَا لَتَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ».

وفي روايةٍ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ بِثُلُثِ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ» فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَيْنَا يُطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ: «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ: ثُلُثُ الْقُرْآنِ» رواه البخاري.

۶۰۷. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد (قل هو الله احد) فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، آن سوره معادل یک سوم قرآن است». در روایتی دیگر آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمودند: «آیا هر کدام از شما نمی‌تواند یک سوم قرآن را در یک شب تلاوت کند؟» و این موضوع بر همه گران آمد و گفتند: کدام یک از ما توانایی آن را دارد؟ ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (قل هو الله احد، الله الصمد...)، یک سوم قرآن است.^۲

۶۰۸- وعن عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضيَ اللهُ عنه أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَمْ تَرَ آيَاتٍ أَنْزَلْتُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ لَمْ يَرِ مِثْلُهُنَّ قَطُّ؟ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۰۰۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۰۱۳)، و (۵۰۱۵)].

۶۰۸. از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا آیاتی را که امشب نازل شده و هرگز مانند آن دیده نشده است، نمی‌دانی: (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)؟»^۱.

۶۰۹ - وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مِنَ الْقُرْآنِ سُورَةُ ثَلَاثُونَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ حَتَّى غُفِرَ لَهُ، وَهِيَ: تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۶۰۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از قرآن سوره‌ای هست که شامل سی آیه است، این سوره برای مرد (ی که قاری آن بود)، شفاعت کرد تا آمرزیده شد و آن سوره، سوره‌ی (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ) است»^۲.

۶۱۰ - وعن أبي مسعود البدری رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ قَرَأَ بِالْآيَاتِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةِ كَفْتَاهُ» متفق عليه.

۶۱۰. از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را در شب بخواند، همین دو آیه برای او کافی است»^۳.
و گفته شده است: (یعنی) او را از هر بدی در آن شب کفایت می‌کند و نیز گفته‌اند: او را از نماز شب، بی‌نیاز می‌کند.

۶۱۱ - وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا تجعلوا بيوتكم مقابر، إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة» رواه مسلم.

۶۱۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خانه‌های خود را (به سبب عدم قرائت قرآن و نماز و ذکر، مانند آنها) قبرستان نکنید؛ شیطان از خانه‌ای که در آن سوره‌ی بقره خوانده شود، می‌گریزد و بیزار است»^۴.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۱۴)].

۲- ابوداود [(۱۴۰۰)] و ترمذی [(۲۸۹۳)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۰۹)، م (۸۰۸)].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۸۰)].

۶۱۲- وعن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا أبا المنذر، أتدري أي آية من كتاب الله معك أعظم؟ قلت: الله لا إله إلا هو الحي القيوم، فضرب في صدري وقال: «ليهنك العلم أبا المنذر» رواه مسلم.

۶۱۲. از ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای ابومنذر! آیا می دانی کدام آیه در کتاب خدا که با توست (تو حافظ و حامل آن هستی)، بزرگ تر است؟» گفتیم: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ (بقره / ۲۵۵)

بر سینه‌ی من زد و فرمودند: «علم بر تو گوارا باد، ای ابومنذر!»^۱

۶۱۳- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من حفظ عشر آيات من أول سورة الكهف، عُصِمَ مِنَ الدَّجَالِ». وفي رواية: «من آخر سورة الكهف» رواه مسلم.

۶۱۳. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس ده آیه از اول سوره‌ی کهف را حفظ کند، از شر «دجال» محفوظ می شود. و در روایتی دیگر آمده است: «از آخر سوره‌ی کهف»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۱۰)].

۲- هر دو را مسلم روایت کرده است؛ [(۸۰۹)].

۱۷۸- باب استحباب الاجتماع على القراءة

باب استحباب جمع شدن برای تلاوت قرآن

۶۱۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ، وَيَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ» رواه مسلم.

۶۱۴. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرگاه عده‌ای در یکی از خانه‌های خدا (مساجد) جمع شدند که کتاب خدا را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد می‌شود و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و ملائکه آنان را احاطه می‌کنند و خداوند در زمره‌ی کسانی که همواره در حضور او هستند، از آنان یاد می‌کند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۹۹].

۱۷۹- باب فضل الوضوء

باب فضیلت وضو

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾ (المائدة / ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی برای (ادای) نماز به پا خاستید، صورت‌های خود را بشوید».

إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى:

﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (المائدة / ۶)

تا آن جا که می‌فرماید:

«خداوند نمی‌خواهد بر شما سخت بگیرد، بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه دارد و نعمت خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر او را به جای آورید».

۶۱۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «تَبْلُغُ الْحِلْيَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوءُ» رواه مسلم.

۶۱۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از دوست و محبوبم پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «زیور (بهشتی) مؤمن تا جایی است که آب وضو به آن می‌رسد»^۱.

۶۱۶- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ» رواه مسلم.

۶۱۶. از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر کس وضو گرفت و به نحو احسن آن را انجام داد، گناهانش می‌ریزد، تا اندازه‌ای که از زیر ناخن‌هایش خارج می‌شود»^۲.

۶۱۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكُمْ الرِّبَاطُ، فَذَلِكُمْ الرِّبَاطُ» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۰].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۴۵].

۶۱۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما را به چیزی که خداوند با آن گناهان را محو و درجات را نزد خود بالا می‌برد، راهنمایی کنم؟» گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «وضوی کامل و صحیح با تحمل سختی و زحمت (مثلاً سرما یا...) و زیاد قدم برداشتن به سوی مساجد و انتظار نمازی دیگر بعد از نماز؛ و رباط، این‌ها هستند»^۱.
(رباط: یعنی مداومت بر جنگ در راه خدا و حفظ حدود و مرزهای اسلامی؛ و این اعمال، روح رباط و ادامه‌ی مبارزه با نفس و آرزوهای آن است).

۶۱۸- وعن عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيَبْلُغُ أَوْ فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» رواه مسلم.
وزاد الترمذي: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

۶۱۸. از حضرت عمر بن خطاب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کدام از شما وضو بگیرد و آن را به صورت کامل (و شرعی) بگیرد و سپس بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: گواهی می‌دهم که جز الله معبودی به حق نیست و تنها و بی شریک است، و گواهی می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی خداست»، درهای هشت گانه‌ی بهشت برای او گشوده می‌شود که از هر دری که بخواهد، داخل آن گردد».

و ترمذی اضافه کرده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»: بار خدایا مرا در شمار توبه‌کنندگان و پاکیزگان قرار ده»^۲.
(به حدیث شماره: ۱۶ و ۸۴ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۱)].

۲- [(۵۵)].

۱۸۰- باب فضل الأذان

باب فضیلت اذان

۶۱۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوا عَلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهَجِيرِ لَاسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا». متفقٌ عَلَيْهِ .

۶۱۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر مردم ارزش (خیر و برکت و ثواب) اذان و ایستادن در صف اول نماز جماعت را می دانستند و (برای دستیابی به آن) راهی جز قرعه کشیدن نمی یافتند، قطعاً بر سر آن قرعه می کشیدند و اگر می دانستند که چه برکاتی در زود رفتن به نماز نهفته است، بر سر آن مسابقه می دادند و اگر می دانستند که در نماز عشا و صبح، چه فوایدی موجود است، به سوی آن دو عمل می شتافتند، اگرچه بر روی دست‌ها و زانوهایشان می بود!»^۱

۶۲۰- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي صَعْصَعَةَ أَنَّ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَهُ: «إِنِّي أَرَاكَ تُحِبُّ الْعَنَمَ وَالْبَادِيَةَ فَإِذَا كُنْتَ فِي عَنَمِكَ أَوْ بَادِيَتِكَ فَأَذَّنْتَ لِلصَّلَاةِ، فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالنِّدَاءِ، فَإِنَّهُ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جَنُّ، وَلَا إِنْسٌ، وَلَا شَيْءٌ، إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قَالَ أَبُو سَعِيدٍ: سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه البخاري.

۶۲۰. از عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی صعصعه روایت شده است که ابوسعید خدری - رضی الله عنه - به او گفت: من می بینم که تو گوسفند و بیابان را دوست داری، پس هر وقت میان گوسفندان و بادیات بودی و برای دعوت به نماز اذان گفتی، صدایت را بلندتر کن، زیرا هیچ جن و انس و چیز دیگری صوت مؤذن را نمی شنود مگر آن که در روز قیامت برای او شهادت می دهد؛ ابوسعید رضی الله عنه می گوید: این را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام.^۲

۶۲۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ، أَدْبَرَ الشَّيْطَانُ وَ لَهُ ضَرَاطٌ حَتَّى لَا يَسْمَعُ التَّأْدِينَ، فَإِذَا قُضِيَ النَّدَاءُ أَقْبَلَ، حَتَّى إِذَا نُتُوبَ لِلصَّلَاةِ أَدْبَرَ، حَتَّى إِذَا قُضِيَ التَّنْوِيبُ أَقْبَلَ، حَتَّى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ يَقُولُ: اذْكُرْ كَذَا، وَاذْكُرْ كَذَا لِمَا لَمْ يَذْكُرْ مِنْ قَبْلُ حَتَّى يَظُلَّ الرَّجُلُ مَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى» متفقٌ عَلَيْهِ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۵)، م (۴۳۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۰۹)].

۶۲۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی بانگ نماز برآورده می شود، شیطان پشت می گرداند، در حالیکه باد می افکند تا این که اذان را نشنود و وقتی اذان تمام شد، می آید، و وقتی که اقامه ی نماز گفته شود می رود، و هنگامی که اقامه تمام شد باز می آید و میان انسان و نفس او وسوسه ایجاد می کند و می گوید: فلان چیز و فلان مسأله را به یاد بیاور - از چیزهایی که قبلاً در یاد و فکر او نبوده است - تا آن که شخص طوری می شود که نمی داند چند رکعت نماز خوانده است»^۱.

۶۲۲- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا سَمِعْتُمُ النَّدَاءَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَأَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ» رواه مسلم.

۶۲۲. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که وی از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «وقتی اذان را از مؤذن شنیدید، هر چه می گوید، مثل آن را تکرار کنید و سپس بر من صلوات بفرستید؛ زیرا هر کس بر من درودی بفرستد، خداوند به سبب آن ده مرتبه بر او درود می فرستد، سپس از خدا برای من، «وسيله» را مسألت کنید که آن منزلتی بزرگ است در بهشت و تنها سزاوار یکی از بندگان خداست و من امیدوارم که آن بنده من باشم و هر کس از خدا برای من وسیله خواست، شفاعت من برای او واجب خواهد شد»^۲.

۶۲۳- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النَّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه البخاري.

۶۲۳. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ: خدایا! صاحب این دعوت کامل، و این نماز برپا و پایدار! مقام وسیله و

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۸)، م (۳۸۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸۴)].

فضیله را به حضرت محمد ﷺ عطا بفرما، و او را به مقام محمودی که به وی وعده داده‌ای، برانگیز؛ شفاعت من بر او سزاوار خواهد شد»^۱.

۶۲۴- وعن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «من قال حين يسمع المؤذن: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله، رضيته بالله رباً، وبمحمد رسولاً، وبالإسلام ديناً، غفر له ذنبه» رواه مسلم.

۶۲۴. از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس موقعی که صدای مؤذن را می‌شنود، بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمداً عبده ورسوله، رضيته بالله رباً، وبمحمد رسولاً، وبالإسلام ديناً: شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست، تنها و بی‌شریک است و شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده‌ی اوست، به پروردگاری الله و به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به دیانت اسلام راضی و خشنود هستم». گناه او آمرزیده می‌شود»^۲.

۶۲۵- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الدعاء لا يرد بين الأذان والإقامة» رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۶۲۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «دعا در بین اذان و اقامه رد نمی‌شود»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۱۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸۶)].

۳- ابوداود [(۵۲۱)] و ترمذی [(۲۱۲)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۸۱- باب فضل الصلوات

باب فضیلت نمازها

قال الله تعالى:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (العنكبوت / ۴۵)

«مسلمان نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند، باز می‌دارد.»

۶۲۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ ذَنْبِهِ شَيْءٌ؟» قَالُوا: لَا يَبْقَى مِنْ ذَنْبِهِ شَيْءٌ، قَالَ: «فَذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا» متفق عليه.

۶۲۶. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «اگر رودخانه‌ای جلو خانه‌ی یکی از شما باشد و او هر روز پنج بار در آن خود را بشوید، آیا چیزی از چرک بدنش باقی می‌ماند؟» گفتند: خیر، چیزی از چرکش باقی نمی‌ماند، فرمودند: «همین مثال نمازهای پنج گانه است که خداوند گناهان را به وسیله‌ی آنها محو می‌نماید»^۱.

۶۲۷- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «ما من امرئ مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها؛ وخشوعها؛ وزكوعها، إلا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب ما لم تؤت كبيرة، وذلك الدهر كله» رواه مسلم.

۶۲۷. از عثمان بن عفان - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر مسلمانی که وقت نماز فرض او فرا رسد و او، وضو و خشوع و رکوع آن را به نحو احسن به جا آورد، یقیناً آن نماز، کفاره‌ی گناهان پیش از آن می‌شود، مادامی که گناه کبیره‌ای انجام نشده و این (کفاره بودن نماز فرض برای گناهان قبل از خودش) در تمام عمر (ش)، چنین است»^۲.

(به احادیث شماره: ۸۵، ۲۶۸ و ۲۷۱ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۲۸)، م (۶۶۷)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۸)].

۱۸۲- باب فضل صلاة الصبح والعصر

باب فضیلت نماز صبح و عصر

۶۲۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يَتَعَاقِبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ، وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ، وَيَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ وَصَلَاةِ الْعَصْرِ، ثُمَّ يَعْرُجُ الَّذِينَ بَاتُوا فِيكُمْ، فَيَسْأَلُهُمُ اللَّهُ - وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ - كَيْفَ تَرَكْتُمْ عِبَادِي؟ فَيَقُولُونَ: تَرَكْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ، وَأَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۶۲۸. و از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «فرشتگانی در شب و فرشتگانی در روز متعاقب و پشت سر هم به میان شما می آیند و در نماز صبح و عصر با هم جمع می شوند، سپس فرشتگانی که شب با شما بوده اند، بالا می روند و خداوند از آنها سؤال می کند: بندگان مرا چگونه و در چه حالی به جا گذاشتید؟ (- در حالی که خود بدانها آگاه تر است -) و ملایکه جواب می دهند: ایشان را در حالی به جا گذاشتیم که نماز می خواندند و در حالی نزد ایشان رفتیم که نماز می خواندند!»^۱.

۶۲۹- وعن بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهُ» رواه البخاري.

۶۲۹. و از بریده - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کس نماز عصر را (به عمد) ترک کند، تمام اعمالش پایمال می شود»^۲.
(به حدیث شماره: ۸۶ و ۲۷۱ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۵۵)، م (۶۳۳)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۵۳)].

۱۸۳ - باب فضل المشي إلى المساجد

باب فضیلت رفتن به مساجد

۶۳۰ - وعنه أن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ، ثُمَّ مَضَى إِلَى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خُطْوَاتُهُ إِحْدَاهَا تَحُطُّ خَطِيئَةً، وَالْأُخْرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً» رواه مسلم.

۶۳۰. و از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در منزلش طهارت کند (وضو بگیرد) و سپس به خانه‌ای از خانه‌های خدا (مساجد) برود که فریضه‌ای از فرایض خدا را انجام دهد، قدم‌هایش، یکی گناهی را پاک می‌کند و دیگری یک درجه او را بالا می‌برد»^۱.

۶۳۱ - وعن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: كان رجلاً من الأنصار لا أعلم أحداً أبعد من المسجد منه، وكانت لا تُحطُّه صلاةٌ، فقيل له: لو اشتريت حماراً لتركبهُ في الظلِّمَاءِ وفي الرَّمْضَاءِ قال: ما يسُرُّني أنَّ منزلي إلى جنب المسجد، إنِّي أريد أن يُكتبَ لي ممشاي إلى المسجد، ورجوعي إذا رجعت إلى أهلي. فقال رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَدْ جَمَعَ اللهُ لَكَ ذَلِكَ كُلَّهُ» رواه مسلم.

۶۳۱. و از ابی بن کعب - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی از انصار بود که من کسی را دورتر از او به مسجد نمی‌شناختم (خانه ایشان فاصله بیشتری با مسجد داشت) و یک نمازش فوت نمی‌شد، به او گفته شد: کاش یک الاغ می‌خریدی که در تاریکی و گرما و پیمودن زمین داغ، بر آن سوار می‌شدی، (و به مسجد می‌آمدی) گفت: خوشحال نیستم که منزلم نزدیک مسجد باشد، می‌خواهم در رفتن به مسجد و برگشتن از آن به خانه و خانواده‌ام، قدم‌هایم برایم نوشته شود و محسوب گردد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمودند: «خداوند تمام آنها را برای تو جمع و ذخیره کرده است»^۲.

۶۳۲ - وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلَاةِ أَيْدُهُمْ إِلَيْهَا مَمْشَى، فَأَبْعَدُهُمْ. وَالَّذِي يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ حَتَّى يُصَلِّيَهَا مَعَ الْإِمَامِ أَعْظَمَ أَجْرًا مِنَ الَّذِي يُصَلِّيَهَا ثُمَّ يَنَامُ» متفقٌ عليه.

۶۳۲. و از ابو موسی - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «انسان دارای بزرگ‌ترین اجر نماز از بین مردم، کسی است که راه گذر او به مسجد، دورتر و سپس کسی است که راهش

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۶۶۶].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۶۶۳].

دورتر است. و کسی که منتظر نماز می ماند تا آن را با امام بخواند، اجرش بزرگتر از کسی است که (به تنهایی) آن را انجام می دهد و بعد می خوابد^۱.

۶۳۳- وعن بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَشِّرُوا الْمَشَائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه أبو داود والترمذي.

۶۳۳. و از بریده - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بسیار روندگان در تاریکی به مسجد را، به نوری کامل در روز قیامت، مژده دهید»^۲.

۶۳۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أَلَا أُدْلِكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «إِسْبَاغُ الوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكُمْ الرَّبَاطُ، فَذَلِكُمْ الرَّبَاطُ» رواه مسلم.

۶۳۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما را به چیزی که خداوند با آن گناهان را محو و درجات را نزد خود بالا می برد، راهنمایی کنم؟» گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «وضوی کامل و صحیح با تحمل سختی و زحمت (مثلاً سرما یا...) و زیاد قدم برداشتن به سوی مساجد و انتظار نمازی دیگر بعد از نماز؛ و رباط، اینها هستند».

(به حدیث شماره: ۷۸ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۱)، م (۶۶۲)].

۲- ابوداود [(۵۶۱)] و ترمذی [(۲۳۳)] روایت کرده اند.

۱۸۴ - باب فضل انتظار الصلاة

باب فضیلت انتظار نماز

۶۳۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا دَامَتِ الصَّلَاةُ تَحْسِبُهُ، لَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْقَلِبَ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ» متفقٌ عليه.

۶۳۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص نماز گزار از میان شما تا زمانی که نماز، او را (در مسجد) نگه می‌دارد و هیچ چیز جز نماز، مانع از بازگشتن او به سوی خانواده‌اش نباشد (و او فقط به خاطر خدا در مسجد منتظر بماند) هم‌چنان در حال نماز است (از جهت ثواب نماز نه حکم نماز؛ زیرا در حال انتظار، انسان می‌تواند حرکت یا صحبت کند)»^۱.

۶۳۶- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيَّ أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةٍ الَّذِي صَلَّى فِيهِ مَا لَمْ يُحَدِّثْ، تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ» رواه البخاري.

۶۳۶. و از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرشتگان برای هر یک از شما تا وقتی که در محل نماز خود - که در آن بوده است - باشد و وضوی او باطل نشده باشد، دعا و استغفار می‌کنند و می‌گویند: خدایا! او را بیامرزد، خدایا! بر او رحم کن»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۷)، م (۲۷۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۷)، م (۶۴۹)].

۱۸۵- باب فضل الصلاة الجماعة

باب فضیلت نماز جماعت

۶۳۷- عن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَدِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً» متفق عليه.

۶۳۷. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «نماز جماعت به مقدار بیست و هفت درجه از نماز انفرادی برتر است»^۱.

۶۳۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ، فَسَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ، فَرَخَّصَ لَهُ، فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «فَأَجِبْ» رواه مسلم.

۶۳۸. و از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: مردی کور به خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من عصا کشی ندارم که مرا به مسجد هدایت کند و از پیامبر ﷺ خواست که به وی اجازه دهد در منزل خود نماز بخواند، پیامبر ﷺ اجازه فرمود، وقتی نابینا بازگشت، پیامبر ﷺ او را فراخواند و به او گفت: «آیا اذان نماز را می شنوی؟» گفت: بله، فرمودند: «پس اجابت کن (یعنی به مسجد برو)»^۲.

۶۳۹- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى غَدًا مُسْلِمًا، فَلْيَحَافِظْ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ، فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُنَنَ الْهُدَى، وَإِنَّهُنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى، وَلَوْ أَنْكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ، وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ، وَلَقَدْ رَأَيْنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ التَّفَاقِ، وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ، يُهَادَى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يُقَامَ فِي الصَّفِّ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

وفي رواية له قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَنَ الْهُدَى؛ وَإِنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُؤَدَّنُ فِيهِ.

۶۳۹. از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: هر کس آرزو دارد و بدان خوشحال است که فردای قیامت در حال مسلمانی خداوند متعال را ملاقات کند، بر نمازهای پنج گانه مواظبت کند،

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۵)، م (۶۵۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۵۳)].

هرگاه که برای آنها اذان گفته شود؛ زیرا خداوند برای پیامبر شما، سنت‌ها و راه‌های هدایت را بنیان گذاشت و نمازها از سنت‌ها و راه‌های هدایت هستند و اگر شما در خانه‌های خود نماز خواندید، همان‌گونه که این تخلف‌کننده در خانه‌ی خود نماز می‌خواند، سنت پیامبر خود را ترک کرده‌اید و اگر سنت پیامبرتان را ترک کردید، گمراه شده‌اید و من خودمان (صحابه) را دیدم که در آن زمان، جز منافقی که نفاقش معلوم بود، کسی از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد، چنان که حتی مرد (بیمار یا ناتوان) آورده و زیر بازوی او گرفته می‌شد تا در صف نماز جماعت ایستاده شود (و او هم بتواند نماز را با جماعت ادا کند)»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است که عبدالله گفت: پیامبر ﷺ راه‌های هدایت را به ما تعلیم فرمود و از جمله راه‌های هدایت، نماز جماعت در مسجدی است که در آن اذان گفته شود.

۶۴۰- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ. فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ مِنَ الْغَنَمِ الْقَاصِيَةَ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

۶۴۰. از ابودرداء - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «هر سه نفری که در روستا یا بیابانی (بادیه) باشند و در میان آنان نماز جماعت اقامه نشود، حتماً شیطان بر آنها غلبه و قدرت پیدا خواهد کرد، پس بر شماست که جماعت را رعایت کنید! زیرا گرگ، تنها گوسفند دور از گله را می‌خورد»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶)].

۲- ابوداود [(۵۴۷)] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۸۶- باب الحثُّ على حضور الجماعة في الصبح والعشاء

باب تشويق بر حضور در جماعت صبح و عشا

۶۴۱- عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عَفَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ، فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ، فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ» رواه مسلم.

۶۴۱. از عثمان بن عفان - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر کس نماز عشا را با جماعت بخواند، مانند این است که نصفی از شب به عبادت پرداخته باشد و هر کس نماز صبح را با جماعت انجام دهد، مانند این است که تمام شب، عبادت کرده باشد»^۱.

۶۴۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ صَلَاةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُتَأَفِّقِينَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لِأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا» متفق عليه.

۶۴۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ نمازی بر منافقان سخت تر از نماز صبح و عشا نیست و اگر می دانستند که در این دو نماز چه اجر و برکت بزرگی نهفته است، به سوی آن می رفتند اگر چه بر چهار دست و پا می بود»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۵۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۷)؛ م (۶۵۱)].

۱۸۷- باب الأمر بالمحافظة على الصلوات المكتوبات والنهي الأكيد والوعيد

الشديد في تركهنَّ

باب امر به محافظت بر نمازهای فرض شده و نهی اکید و تهدید

سخت در ترک آنها

قال الله تعالى:

﴿ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴾ (البقره / ۲۳۸)

«در انجام نمازها (به ویژه) نماز میانه (عصر) محافظت ورزید.»

و قال تعالى:

﴿ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ﴾ (التوبه / ۵)

«اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، راه را بر آنان باز بگذارید.»

۶۴۳- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم: أي الأعمال أفضل؟ قال: «الصلاة على وقتها» قلت: ثم أي؟ قال: «بر الوالدين» قلت: ثم أي؟ قال: «الجهاد في سبيل الله» متفق عليه.

۶۴۳. از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم سؤال کردم: چه کاری (نزد خدا) بهتر است؟ فرمودند: «نمازی که در (آغاز) وقت خود انجام گیرد»، گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «نیکی با پدر و مادر»؛ گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا»^۱.

۶۴۴- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «بني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمداً رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصوم رمضان» متفق عليه.

۶۴۴. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اسلام بر روی پنج پایه بنیان گذاری شده است: (۱) شهادت بر این که جز الله خدایی نیست و محمد صلى الله عليه وسلم فرستاده‌ی اوست؛ (۲) ادای نماز؛ (۳) پرداخت زکات؛ (۴) حج بیت (الله)؛ (۵) روزه‌ی رمضان»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۲۷)؛ م (۸۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۸)؛ م (۱۶)].

۶۴۵- وعن جابر رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» رواه مسلم.

۶۴۵. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می فرمودند: «میانهای بین مرد و بین شرک و کفر، ترک نماز است (ترک نماز و سستی در انجام دادن آن، بالآخره انسان را به کفر و بی مبالاتی به دین می کشاند)»^۱.

۶۴۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ، فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ، فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْئًا، قَالَ الرَّبُّ، عَزَّوَجَلَّ: انظُرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ، فَيُكَمَّلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ؟ ثُمَّ تَكُونُ سَائِرُ أَعْمَالِهِ عَلَى هَذَا» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۶۴۶. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اولین چیزی از اعمال بنده که او در روز قیامت راجع به آن محاسبه و محاکمه می شود، نماز اوست که اگر درست باشد، رستگار و پیروز می شود و اگر باطل و ناقص باشد، ناکام و زیان کار می گردد، پس اگر انسان (در حیات خویش) از فریضه خود (نماز)، چیزی کم و آن را ناقص انجام داده باشد، خداوند عزوجل (به ملایکه) می فرماید: نگاه کنید که آیا بنده‌ی من از نمازهای نافله چیزی دارد تا آن چه از فریضه‌ی خود نقص کرده، به وسیله‌ی آن تکمیل گردد؟! و سایر اعمالش نیز به همین ترتیب خواهد بود (یعنی اگر اعمال واجب خود را ناقص انجام داده باشد، از اعمال خیر و سنت‌های او تکمیل می شود)»^۲.

(به حدیث شماره: ۱۴۱ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۲)].

۲- ترمذی [(۴۱۳)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۱۸۸- باب فضل الصفِّ الأوَّل والأمرِ بإتمام الصفوفِ الأوَّل، وتساويتها، والتراصِّ

فيها

باب فضيلت (حضور) در صف اول نماز و امر به تمام کردن صف‌های

مقدم و یکنواخت و راست کردن آنها و اتصال مأمومان به یکدیگر

در □ صف‌ها

۶۴۷- عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟» فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَكَيْفَ تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالَ: «يُتِمُّونَ الصُّفُوفَ الْأُولَى، وَيَتَرَاصُّونَ فِي الصَّفِّ» رواه مسلم.

۶۴۷. از جابر بن سمرة - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمودند: «چرا آن‌گونه که فرشتگان در حضور خداوند خودشان صف می‌بندند، صف نمی‌بندید؟» گفتیم: ای رسول خدا! ملائکه چگونه در حضور خدایشان صف می‌بندند؟ فرمودند: «صف‌های اول را (به ترتیب) تمام می‌کنند و در صف، راست و در کنار هم می‌ایستند و به هم می‌چسبند (یعنی: با نظم در صف می‌ایستند و جای خالی در میان شان باقی نمی‌ماند)»^۱.

۶۴۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أُولُهَا، وَشَرُّهَا آخِرُهَا وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا، وَشَرُّهَا أُولُهَا» رواه مسلم.

۶۴۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین صف‌های مردان، صف اول آنها و بدترین صف‌هایشان، صف آخر آنهاست و بهترین صفوف زنان، صف آخر آنان و بدترین صفوف‌شان، صف اول است (زیرا در مسجد و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله صف آخر مردان و صف اول زنان به همدیگر نزدیک بودند)»^۲.

۶۴۹- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَوُّوا صُفُوفَكُمْ، فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ» متفقٌ عليه.

وفي رواية البخاري: «فإنَّ تَسْوِيَةَ الصُّفُوفِ مِنْ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۳۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۴۰)].

۶۴۹. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صف‌های خود را یکنواخت و راست کنید؛ زیرا راست و مساوی بودن صف‌ها، جزو کامل کننده‌ی نماز است»^۱.
در روایتی دیگر از بخاری آمده است: «زیرا راست و مساوی کردن صف‌ها، جزوی از به پا داشتن نماز است».

۶۵۰- وَعَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُسَوِّي صُفُوفَنَا، حَتَّى كَأَنَّمَا يُسَوِّي بِهَا الْقِدَاحَ، حَتَّى رَأَى أَنَا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ. ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتَّى كَادَ يُكْبِرُ، فَرَأَى رَجُلًا بَادِيًا صَدْرُهُ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ: «عِبَادَ اللَّهِ، لَتَسُونَ صُفُوفَكُمْ، أَوْ لِيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ».

۶۵۰. از نعمان بن بشیر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز، صف‌های ما را مانند تیرها راست می‌کرد تا هنگامی که متوجه شد که ما آن را یاد گرفته‌ایم؛ سپس یک روز از خانه خارج شد و با ما نماز را اقامه کرد، در حین تکبیر الاحرام مردی را دید که سینه‌ی خود را از صف جلو زده است، فرمودند: «ای بندگان خدا! صف‌های خودتان را راست و مساوی نمایید، وگرنه خداوند حتماً در بین شما اختلاف خواهد انداخت».

۶۵۱- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَقِيمُوا الصُّفُوفَ وَحَادُوا بَيْنَ الْمَتَاكِبِ، وَسُدُّوا الْحَلَلَ، وَلْيُنُوا بِأَيْدِي إِخْوَانِكُمْ، وَلَا تَدْرُوا فُرُجَاتِ لِلشَّيْطَانِ، وَمَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللَّهُ» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۶۵۱. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صف‌ها را برابر و مستقیم کنید و شانها را محاذی و برابر هم قرار دهید و فاصله‌ها را پر کنید و آسان دست خود را به برادران خودتان بدهید (اگر خواستند صف را تنظیم کنند) و فاصله‌هایی برای شیطان نگذارید و هرکس به صف بیوندد و مراقب نظم صف نماز باشد، خداوند نیز (با رحمت خود) به او خواهد پیوست و هرکس از صف بریده و جدا شود، خداوند نیز از او بریده و جدا می‌گردد»^۲.

۶۵۲- وعن أنس أن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَتَمُّوا الصَّفَّ الْمُقَدَّمِ، ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ، فَمَا كَانَ مِنْ نَقْصٍ فَلْيُكُنْ فِي الصَّفِّ الْمُؤَخَّرِ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۲۳)، م (۴۳۳)].

۲- ابوداود [۶۶۶] به اسناد صحیح روایت کرده است..

۶۵۲. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صف جلوتر را تمام کنید، سپس صفی را که پس از آن می آید و (بگذارید) هر نقصی که هست، در صف آخر باشد»^۱.
(به حدیث شماره: ۶۱۹ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۶۷۱] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۸۹- بَابُ فَضْلِ السَّنَنِ الرَّاتِبَةِ مَعَ الْفَرَائِضِ وَبَيَانِ أَقْلَاهَا وَأَكْمَلِهَا وَمَا بَيْنَهُمَا

باب فضیلت سنت‌های راتبه همراه فرایض و بیان کمترین و بیشترین

آنها و مابین آنها

۶۵۳- عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُصَلِّيَ لِلَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً تَطَوُّعًا غَيْرَ الْفَرِيضَةِ، إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، أَوْ: إِلَّا بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ» رواه مسلم.

۶۵۳. از ام‌المؤمنین ام حبیبه - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر بنده‌ی مسلمانی که برای خدا هر روز، دوازده رکعت نماز به عنوان سنت و غیر از نمازهای واجب بگزارد، خداوند برای او خانه‌ای را در بهشت بنا می‌کند یا: خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌شود»^۱.

۶۵۴- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرُكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ، وَرُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ، وَرُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ. متفقٌ عليه.

۶۵۴. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت قبل از ظهر، دو رکعت بعد از ظهر، دو رکعت بعد از جمعه، دو رکعت بعد از مغرب و دو رکعت بعد از عشاء، نماز خواندم»^۲.

۶۵۵- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُغْفَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَيْنَ كُلِّ أَدَانَيْنِ صَلَاةٌ، بَيْنَ كُلِّ أَدَانَيْنِ صَلَاةٌ» وَقَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ» متفقٌ عليه.

۶۵۵. از عبدالله بن مغفل - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بین هر دو اذان یک نماز هست، بین هر دو اذان یک نماز هست، بین هر دو اذان یک نماز هست» و بار سوم فرمودند: «برای کسی که بخواهد»^۳.

مقصود از دو اذان، اذان و اقامه می‌باشد.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۲۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۶۵)، م (۷۲۹)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۷)، م (۷۲۹)].

۱۹۰- باب تأکید رکعتی سنّة الصبح

باب تأکید دو رکعت سنت صبح

۶۵۶. وعن عائشة رضی الله عنها، قالت: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ النَّوَافِلِ أَشَدَّ تَعَاهُداً مِنْهُ عَلَى رُكْعَتِي الْفَجْرِ. متفقٌ عَلَيْهِ.

۶۵۶. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: مواظبت پیامبر صلی الله علیه و آله بر هیچ سنت و نافله‌ای به شدت مواظبت ایشان بر دو رکعت نماز سنت قبل از صبح، نبود^۱.

۶۵۷- وَعَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رُكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» رواه مسلم.

وَفِي رِوَايَةٍ: «لَهُمَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا جَمِيعاً».

۶۵۷. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو رکعت نماز نافله‌ی صبح، از دنیا و هر چه در دنیاست، بهتر است»^۲.

در روایتی دیگر آمده است: «دو رکعت نماز نافله‌ی صبح، نزد من، از تمام دنیا محبوب‌تر است».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۲۵)].

۲- متفق علیه است؛ [بخ (۶۲۷)، م (۷۲۹)].

۱۹۱- باب تخفیف رکعتی الفجر و بیان ما یقرأ فیهما، و بیان وقتیها

باب کوتاه و سبک خواندن دو رکعت فجر و بیان آن چه که در این نماز خوانده می شود و بیان وقت آن

۶۵۸- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي رُكْعَتِي الْفَجْرِ، فَيُخَفِّفُهُمَا حَتَّى أَقُولَ: هَلْ قَرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ! متفق عليه

۶۵۸. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت فجر را می خواند و آنها را تا آن اندازه کوتاه و سبک می خواند که من می گفتم: آیا ام القرآن (فاتحة الكتاب) را در آن دو رکعت خواند؟!

۶۵۹- وَعَنْ حَفْصَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَدَّنَ الْمُؤَذِّنُ لِلصُّبْحِ، وَبَدَأَ الصُّبْحُ، صَلَّى رُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ. متفق عليه.

و فی روایتی لمسلم: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ لَا يُصَلِّي إِلَّا رُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ.

۶۵۹. از حفصه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که مؤذن برای نماز صبح اذان می گفت (و آن را تمام می کرد) و صبح ظاهر می شد، جز دو رکعت کوتاه، نمازی نمی خواند! در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از طلوع فجر، فقط دو رکعت کوتاه نماز می خواند.

۶۶۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي رُكْعَتِي الْفَجْرِ: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ رواه مسلم.

۶۶۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در دو رکعت فجر (سوره های) (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را تلاوت می فرمود.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۸)، م (۷۲۳)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۲۶)].

۱۹۲- باب استحباب الاضطجاع بعد رکعتی الفجر علی جنبه الأيمن والحث علیه

سواء كان تهجد بالليل أم لا

باب استحباب بر پهلو راست خوابیدن بعد از ۲ رکعت نماز صبح و تشویق بر آن چه برای نماز تهجد بیدار شده باشد و چه نشده باشد

۶۶۱- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِيمَا بَيْنَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى الْفَجْرِ إِحْدَى عَشْرَةَ رُكْعَةً، يُسَلِّمُ بَيْنَ كُلِّ رُكْعَتَيْنِ، وَيُوتِرُ بِوَاحِدَةٍ، فَإِذَا سَكَتَ الْمُؤَذِّنُ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ، وَتَبَيَّنَ لَهُ الْفَجْرُ، وَجَاءَهُ الْمُؤَذِّنُ، قَامَ فَرَكَعَ رُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، ثُمَّ اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ، هَكَذَا حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمُؤَذِّنُ لِلْإِقَامَةِ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ

۶۶۱. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در فاصله‌ی فراغت از نماز عشا تا هنگام فجر، یازده رکعت نماز می‌خواندند و در آنها، بعد از هر دو رکعت سلام می‌داد و رکعت آخر را به تنهایی می‌گزارد و هنگامی که مؤذن از اذان فجر ساکت و ظاهر شدن سپیده برای ایشان معلوم می‌شد و مؤذن (برای اعلام گفته شدن اذان) پیش او می‌آمد، بلند می‌شد و دو رکعت کوتاه نماز می‌خواند و سپس بر پهلو راستش دراز می‌کشید و هم‌چنان (در همان حال) بود تا وقتی که مؤذن برای گفتن اقامه، پیش ایشان حاضر می‌شد!

۱۹۳- باب سنة الظهر

باب سنت ظهر

۶۶۲- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِي بَيْتِي قَبْلَ الظُّهْرِ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَخْرُجُ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ، ثُمَّ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ الْمَغْرِبَ، ثُمَّ يَدْخُلُ بَيْتِي فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، وَيُصَلِّي بِالنَّاسِ الْعِشَاءَ، وَيَدْخُلُ بَيْتِي فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ. رواه مسلم.

۶۶۲. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حجره‌ی من چهار رکعت سنت قبل از ظهر می‌خواند، سپس بیرون (مسجد) تشریف می‌برد و برای مردم نماز می‌خواند و بعد از بازگشت دو رکعت دیگر نماز سنت می‌گزارد و برای مردم نماز مغرب می‌خواند، سپس به خانه می‌آمد و دو رکعت دیگر سنت می‌خواند و برای عشا بیرون می‌رفت و نماز جماعت را برای مردم می‌گزارد و بعد از آمدن به حجره‌ی من، دو رکعت دیگر می‌خواند.^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۳۰)].

۱۹۴ - باب سنة العصر

باب سنت عصر

۶۶۳- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۶۶۳. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند بر آن کس رحمت کند که پیش از عصر، چهار رکعت نماز (سنت) بگذارد!».

۱- ابوداود [۱۲۷۱] و ترمذی [۴۳۰] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۹۵ - باب سنة المغرب بعدها وقبلها

باب سنت قبل و بعد از مغرب

۶۶۴ - وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَفَّلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلُّوا قَبْلَ الْمَغْرِبِ» قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ» رواه البخاري.

۶۶۴. از عبدالله بن مغفل - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (سه بار) فرمودند: «قبل از مغرب نماز سنت بخوانید» و در سومین بار فرمودند: «برای هر کس که بخواهد»^۱.
(به حدیث شماره: ۶۵۴ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۱۸۳].

۱۹۶ - باب سُنَّة العشاء بَعْدَهَا وَقَبْلَهَا
باب سنت قبل و بعد از نماز عشا

(به حدیث شماره: ۶۵۴ و ۶۵۵ مراجعه شود).

۱۹۷ - باب سُنَّةِ الْجُمُعَةِ

باب سنت جمعه

۶۶۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ الْجُمُعَةَ، فَلْيُصَلِّ بَعْدَهَا أَرْبَعًا» رواه مسلم.

۶۶۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کدام از شما وقتی که نماز جمعه را به جای آورد، بعد از آن چهار رکعت نماز (سنت) بگزارد!»
(به حدیث شماره: ۶۵۴ مراجعه شود).

۱۹۸- باب استحباب جعل النوافل في البيت سواء الراتبة وغيرها والأمر بالتحول

للنافلة من موضع الفريضة أو الفصل بينهما بكلام

باب استحباب انجام دادن نماز سنت در منزل، چه راتبه باشد و چه

غير آن و امر به تغيير جا در نماز سنت از جای نماز فرض یا فاصله

انداختن بين آنها با سخن گفتن

۶۶۶- عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةَ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ» متفق عليه.

۶۶۶. از زید بن ثابت - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مردم! در منزل خود نماز بخوانید؛ زیرا بهترین و بالاترین نماز، نماز شخص در منزل خود اوست به جز نماز فريضة»^۱.

۶۶۷- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْعَلُوا مِنْ صَلَاتِكُمْ فِي بُيُوتِكُمْ، وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا» متفق عليه.

۶۶۷. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعضی از نمازهایتان را در منزل خودتان بخوانید و منزلتان را مانند قبرستان نگردانید»^۲.

۶۶۸- وَعَنْ عُمَرَ بْنِ عَطَاءٍ أَنَّ نَافِعَ بْنَ جُبَيْرٍ أَرْسَلَهُ إِلَى السَّائِبِ ابْنِ أُخْتِ نَمِرٍ يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ رَأَهُ مِنْهُ مُعَاوِيَةَ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: نَعَمْ صَلَّيْتُ مَعَهُ الْجُمُعَةَ فِي الْمَقْصُورَةِ، فَلَمَّا سَلَّمَ الْإِمَامُ، قُمْتُ فِي مَقَامِي، فَصَلَّيْتُ، فَلَمَّا دَخَلَ أَرْسَلَ إِلَيَّ فَقَالَ: لَا تَعُدْ لِمَا فَعَلْتَ: إِذَا صَلَّيْتَ الْجُمُعَةَ، فَلَا تَصِلْهَا بِصَّلَاةٍ حَتَّى تَتَكَلَّمَ أَوْ تَخْرُجَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَنَا بِذَلِكَ، أَنْ لَا نُوصِلَ صَلَاةَ بِصَّلَاةٍ حَتَّى نَتَكَلَّمَ أَوْ نَخْرُجَ. رواه مسلم.

۶۶۸. از «عمر بن عطاء» روایت شده است که «نافع بن جبیر» او را نزد «سائب خواهرزاده‌ی نمر» فرستاد که راجع به چیزی که حضرت معاویه رضی الله عنه در نماز (سنت)، از او دیده بود، پرسد، گفت: بله، در حجره‌ی (مسجد) با حضرت معاویه رضی الله عنه نماز جمعه خواندم، وقتی امام سلام داد، از جای خود برخاستم و نماز خواندم، وقتی حضرت معاویه رضی الله عنه وارد شد، دنبال من فرستاد و گفت: این کارت را تکرار نکن! وقتی نماز جمعه را انجام دادی، بعد از سخن گفتن یا خروج از مسجد، نماز دیگری

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۳۱)، م (۷۸۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۴۳۲)، م (۷۷۷)].

بخوان؛ زیرا پیامبر ﷺ به ما چنین دستور فرمود که نمازی را به نمازی دیگر پیوند ندهیم تا آن که حرفی بزنیم یا از (آن) محل خارج شویم^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۸۸۳].

۱۹۹- باب الحثّ على صلاة الوتر وبيان أنه سنة مؤكدة وبيان وقته

باب تشويق بر ادای نماز وتر و بیان آن که وتر، سنت مؤکد است و

بیان وقت آن

۶۶۹- عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: الْوُتْرُ لَيْسَ بِحَتْمٍ كَصَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، وَلَكِنْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَتَرُّ يُحِبُّ الْوُتْرَ، فَأُوْتِرُوا، يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ». رواه أبو داود والترمذي وَقَالَ: حديث حسن.

۶۶۹. از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وتر، مانند فریضه حتمی و قطعی نیست، اما پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سنت کرد و فرمودند: «همانا خداوند وتر (یکتا) است و وتر را دوست می دارد، پس ای اهل قرآن، وتر را بگزارید (نماز وتر را ادا کنید)»^۱.

۶۷۰- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرًا» متفق عليه

۶۷۰. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آخرین نماز خود را در شب، وتر قرار دهید»^۲.

۶۷۱- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أُوْتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا» رواه مسلم.

۶۷۱. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پیش از آن که صبح کنید، وتر بخوانید»^۳.

۶۷۲- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمَعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ، فَلْيُوتِرْ آخِرَ اللَّيْلِ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ، وَذَلِكَ أَفْضَلُ» رواه مسلم.

۶۷۲. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس بیم آن دارد که در آخر شب بیدار نشود، اول شب وتر را انجام دهد و کسی که امید دارد در آخر شب بیدار شود، وتر را

۱- ابوداود [۱۴۱۶] و ترمذی [۴۵۳] روایت کرده است و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۹۹۸)، م (۷۵۱)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۷۵۴].

آخر شب بخواند؛ زیرا نماز آخر شب مشهود (محل شهود و حضور ملائکه) است و آن بزرگ‌تر و دارای ثواب بیشتر است^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۷۵۵].

۲۰۰- باب فضل صلاة الضحی و بیان اقلها و اکثرها و اوسطها، والحث علی

المحافظة علیها

باب فضیلت نماز چاشت و حداقل و وسط و حداکثر آن و تشویق و

محافظة بر مداومت آن

۶۷۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِصِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَرَكَعَتِي الضُّحَى، وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَرْقُدَ» متفقاً عليه.

۶۷۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: دوست و محبوب من پیامبر صلی الله علیه و آله مرا توصیه فرمودند به: روزه‌ی سه روز از هر ماه و انجام دادن دو رکعت نماز ضحی (چاشت)، و این که قبل از آن که بخوابم، نماز وتر بخوانم.^۱

[باید گفت که] خواندن نماز وتر، پیش از خواب، فقط برای کسی مستحب است که اطمینان ندارد در آخر شب بیدار شود و اگر مطمئن به بیدار شدن باشد، (خواندن وتر در) آخر شب بهتر و دارای فضیلت بیشتری است.]

۶۷۴- وَعَنْ أُمِّ هَانِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: ذَهَبْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَ الْفَتْحِ فَوَجَدْتُهُ يَغْتَسِلُ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ غُسْلِهِ، صَلَّى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، وَذَلِكَ ضُحَى. متفقاً عليه.

۶۷۴. از «ام هانی» - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: در سال «فتح مکه» نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و ایشان شستشو و غسل می‌کرد و وقتی از غسل فارغ شد هشت رکعت نماز خواند و آن وقت، چاشت بود.^۲

(به حدیث شماره: ۷۴ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۷۸)، م (۷۲۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۷۶)، م (۴۹۷/۱)]. آنچه که در متن آمده، لفظ یکی از روایات مسلم است.

۲۰۱- باب تجویز صلاة الضحی من ارتفاع الشمس الی زوالها والأفضل أن تُصَلَّى

عند اشتداد الحرّ وارتفاع الضحی

باب جایز بودن نماز چاشت از هنگام بالا گرفتن خورشید تا موقع زوال آن و بهتر آن است که در وقت شدت یافتن گرما و ارتفاع روز، نماز ضحی خوانده شود

۶۷۵- عن زید بن أرقم رضي الله عنه، أَنَّهُ رَأَى قَوْمًا يُصَلُّونَ مِنَ الضُّحَى، فَقَالَ: أَمَا لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ الصَّلَاةَ فِي غَيْرِ هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ حِينَ تَرْمَضُ الْفِصَالُ» رواه مسلم.

۶۷۵. از زید بن ارقم - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که او گروهی را دید که در اول روز، نماز ضحی می خواندند، گفت: آیا ندانستند که نماز در غیر این ساعت برتر و ثوابش بیشتر است! زیرا پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «نماز بسیار توبه کنندگان و رجوع کنندگان به سوی خداوند، در موقعی است که بچه شترها (از شدت گرمای زمین و شن‌ها) زانو می‌زنند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۴۸)].

۲۰۲- باب الحثّ على صلاة تحية المسجد وكرهية الجلوس قبل أن يصلي ركعتين في أي وقت دخل وسواء صَلَّى ركعتين بنية التحية أو صلاة فريضة أو سنة راتبة أو غيرها

باب تأکید بر انجام دادن تحیت مسجد و کراهت نشستن قبل از خواندن دو رکعت، هر وقت که شخص به مسجد داخل شود، خواه آن دو رکعت به نیت تحیه المسجد باشد یا فرض یا سنت راتبه یا غیر آن

۶۷۶- عن أبي قتادة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ، فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رُكْعَتَيْنِ» متفق عليه.

۶۷۶. از ابوقتاده - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر وقت یکی از شما داخل مسجد شد، ننشیند مگر اینکه دو رکعت نماز بخواند»^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۴۴۴)، م (۷۱۴)].

۲۰۳ - باب استحباب رکعتین بعد الوضوء

باب استحباب دو رکعت بعد از وضو

۶۷۷- عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ليلاً: «يا بلال، حدّثني بأرجى عمل عملته في الإسلام، فأني سمعت دفّ نعليك بين يدي في الجنة» قال: ما عملت عملاً أرجى عندي من أني لم أتطهر طهوراً في ساعة من ليل أو نهار إلا صليت بذلك الطهور ما كتب لي أن أصلي. متفق عليه.

۶۷۷. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم به بلال فرمودند: «ای بلال! عملی از اعمال خودت را که بیشتر مورد امید و دلخوشی توست و در زمان مسلمانیت انجام داده‌ای، برای من بگو، زیرا که من در بهشت، صدای کفش‌های تو را در جلوی خودم شنیدم» بلال گفت: کاری نکرده‌ام که بدان امیدوارتر باشم از این که من هرگز در شب یا روز وضویی نگرفته‌ام جز آن که با آن وضو، چندان که قسمت من بوده است، نماز خوانده‌ام.^۱

۱- متفق علیه است؛ [بخ (۱۴۴۹)، م (۲۴۵۸)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲۰۴- باب فضل يوم الجمعة ووجوبها والاعتسال لها والتطيب والتبكير إليها والدعاء يوم الجمعة والصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم فيه وبيان ساعة الإجابة واستحباب إكثار ذكر الله بعد الجمعة

باب فضيلت روز جمعه و وجوب نماز آن و غسل و استعمال عطر و زود رفتن به (نماز) جمعه و دعا در جمعه و صلوات بر پیامبر ص در آن و بیان ساعت اجابت دعا و استحباب ذکر زیاد خدا بعد از جمعه

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ ﴾ (الجمعه / ۱۰)

«هنگامی که نماز (جمعه) گزارده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خداوند را بسیار یاد کنید، تا که رستگار شوید».

۶۷۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ، وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا» رواه مسلم.

۶۷۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «بهترین روزی که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است که در آن آدم خلق شد و در آن به بهشت داخل گردید و در آن از بهشت اخراج شد»^۱.

۶۷۹- وَعَنْهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، أَنَّهُمَا سَمِعَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ عَلَى أَعْوَادٍ مِنْبَرِهِ: «لَيْسَتْ هَيِّنَ أَقْوَامٌ عَنْ ودْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيْخَتِمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لِيَكُونَنَّ مِنَ الْعَافِلِينَ» رواه مسلم.

۶۷۹. از ابوهریره و ابن عمر - رضي الله عنه - روایت شده است که آن دو از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدند که بر پایه‌های منبر خود می‌فرمودند: «گروهی که نمازهای جمعه را ترک می‌کنند، یا از این عادت خود

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۸۵۴].

دست می‌کشند، یا این که یقیناً خداوند بر دل‌های آنها مهر می‌زند و آن‌گاه آنان، از جمله‌ی غافلان می‌شوند»^۱.

۶۸۰- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «غسل يوم الجمعة واجب على كل محتلم» متفق عليه.

۶۸۰. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «غسل روز جمعه، بر هر مسلمان بالغی واجب است»^۲.

۶۸۱- وَعَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طَهْرٍ، وَيَدْهِنُ مِنْ دُهْنِهِ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَلَا يُفْرَقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ، إِلَّا غَفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى» رواه البخاري.

۶۸۱. از سلمان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مردی در روز جمعه غسل کند و تا آن‌جا که می‌تواند، خود را آراسته و پاکیزه کند و مویش را از روغن خود، روغن بزند و از عطری که در خانه دارد، خود را معطر سازد و سپس از خانه خارج شود و (به مسجد بیاید) و بین دو نفر جدایی نیاندازد و آن‌گاه آن‌چه را از نماز بر او فرض شده است، انجام دهد و سپس هنگامی که امام صحبت می‌کند، ساکت شود، تمام گناهان و اشتباهات او (در صورتی که کبیره یا حقوق مردم نباشد) تا جمعه‌ی دیگر آمرزیده می‌شود»^۳.

۶۸۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ غَسَلَ الْجَنَابَةَ، ثُمَّ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْأُولَى، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَدَنَهُ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَقَرَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ كَبْشًا أَقْرَنَ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الرَّابِعَةِ، فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ دَجَاجَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَيْضَةً، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ، حَضَرَتِ الْمَلَائِكَةُ يَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ» متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۸۶۵].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۷۹)، م (۸۴۶)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۸۸۳].

۶۸۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس روز جمعه (مانند غسل جنابت)، غسل کند و در ساعت اول به جمعه برود، مثل این است که یک شتر قربانی کرده باشد و کسی که در ساعت دوم برود، مثل این است که ماده گاو قربانی کرده باشد و کسی که در ساعت سوم برود، مانند آن است که گوسفندی شاخدار (قوچ) قربانی کرده باشد و کسی که در ساعت چهارم برود، مانند این است که مرغی به عنوان صدقه داده باشد و کسی که در ساعت پنجم برود، مثل این است که تخم مرغی را صدقه داده باشد و وقتی که امام خارج شد (و برای ایراد خطبه بالای منبر رفت)، ملایکه حاضر می‌شوند و ذکر و نماز و خطبه را گوش می‌دهند (و رفتن به جمعه در آن ساعت، ثوابش کم‌تر است)»^۱.

۶۸۳ - وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: «فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ، وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا، إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ» وَأَشَارَ بِيَدِهِ يُقَلِّلُهَا، متفقٌ عليه.

۶۸۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از روز جمعه یاد کرد و فرمودند: «در روز جمعه ساعتی هست که اگر بنده‌ی مسلمان، به آن برخورد کند و در آن حال، از خداوند چیزی مسألت نماید، خداوند حتماً نیازش را برآورده می‌کند». (این را فرمودند) و سپس با دست خود اشاره به کوتاه نمودن آن وقت فرمودند.^۲

۶۸۴ - وَعَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۶۸۴. از اوس بن اوس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از بزرگ‌ترین و بزرگ‌ترین روزهای شما، روز جمعه است؛ پس در آن روز بر من زیاد درود بفرستید، زیرا صلوات و درودهای شما بر من عرضه می‌شود»^۳.

(به حدیث شماره: ۸۳ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۱)، م (۸۵۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۹۳۵)، م (۸۵۲)].

۳- ابوداود [(۱۰۴۷)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۰۵- باب فضل قیام اللیل

باب فضیلت قیام شب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ (الإسراء / ۷۹)
«در قسمتی از شب (از خواب برخیز) و در آن نماز تهجد بخوان، این یک فریضه‌ی اضافی و هدیه‌ای برای توست، باشد که خداوند تو را در مقام ستوده‌ای برانگیزد».
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾ (السجده / ۱۶)

«(یکی از صفات مؤمنان این است که شب) پهلوهایشان از بسترها (ی خواب) دور می‌شود (و به عبادت پروردگارشان می‌پردازند)».
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ (الذاریات / ۱۷)

«آنان اندکی از شب می‌خفتند».

۶۸۵- وَعَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «نِعْمَ الرَّجُلُ عَبْدُ اللَّهِ لَوْ كَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ» قَالَ سَالِمٌ: فَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ لَا يَنَامُ مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا. متفقٌ عليه.

۶۸۵. از سالم بن عبدالله بن عمر بن خطاب - رضی الله عنهما - از پدرش روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عبدالله مرد خوبی است! اگر نماز شب می‌خواند!» سالم می‌گوید: بعد از آن، عبدالله شبانه جز مقدار کمی نمی‌خوابید^۱.

۶۸۶- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يَعْقُدُ الشَّيْطَانُ عَلَىٰ قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ، إِذَا هُوَ نَامَ، ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ عَلَىٰ كُلِّ عُقْدَةٍ: عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنِ اسْتَيْقَظَ، فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَىٰ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ تَوَضَّأَ، انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ صَلَّى، انْحَلَّتْ عُقْدُهُ كُلُّهَا، فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ» متفقٌ عليه .

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۷۳۹)، م (۲۴۷۹)].

۶۸۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شیطان بر فرق سر هر کدام از شما - وقتی که می خوابد - سه گره می زند، و با بستن هر گره به گوش شخص فرو می خواند: شب درازی در پیش داری، (راحت) بخواب! سپس اگر شخص بیدار شد و ذکر خدا را گفت، یک گره باز می شود و چون وضو گرفت، گرهی دیگر باز می شود، و چون نماز خواند، گرهی آخر باز می شود و او با نشاط و آرامش درون و سر حال صبح می کند و اگر بیدار نشد و تا صبح خوابید، کسل و بدگمان و پراکنده خاطر، صبح می کند»^۱.

۶۸۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلَاةُ اللَّيْلِ» رواه مُسْلِمٌ.

۶۸۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برترین و پر اجرترین روزه بعد از روزهی رمضان، روزهی ماه محرم، و برترین و پر اجرترین نماز بعد از نماز فریضه، نماز شب است»^۲.

۶۸۸- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى، فَإِذَا خِفْتَ الصُّبْحَ فَأَوْتِرْ بِوَاحِدَةٍ» متفقٌ عليه.

۶۸۸. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز شب، دو رکعت دو رکعت است و اگر ترس آمدن وقت نماز صبح داشتید، یک رکعت وتر بخوانید (و نمازتان را پایان دهید یعنی: با نماز دو رکعتی ات یک رکعت دیگر بیفزایید و نمازتان را با افزودن رکعت سوم وتر گردان)»^۳.

۶۸۹- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي إِحْدَى عَشْرَةَ رُكْعَةً تَعْنِي فِي اللَّيْلِ يَسْجُدُ السَّجْدَةَ مِنْ ذَلِكَ قَدْرَ مَا يَقْرَأُ أَحَدُكُمْ خَمْسِينَ آيَةً قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ، وَيَرْكَعُ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، ثُمَّ يَضْطَجِعُ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمُنَادِي لِلصَّلَاةِ، رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۱۴۲)، م (۷۷۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۶۳)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۹۹۰)، م (۷۴۹)].

۶۸۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله یازده رکعت نماز می خواند - یعنی در شب - و در این نمازها، سجده را به اندازه‌ی مدت زمانی که یکی از شما پنجاه آیه را پیش از آن که سرش را بلند کند، تلاوت نماید طول می داد، و پیش از نماز فجر، دو رکعت می گزارد و سپس بر پهلوئی راست دراز می کشید تا وقتی که مؤذن برای نماز صبح، پیش ایشان می آمد!

۶۹۰ - وَعَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنَامُ أَوَّلَ اللَّيْلِ، وَيَقُومُ آخِرَهُ فَيُصَلِّي. متفق عليه.
۶۹۰. و از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله اول شب می خوابید و آخر شب برمی خاست و نماز می خواند.^۱

۶۹۱ - وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً، لَا يُؤَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ» رواه مسلم.

۶۹۱. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «در شب ساعتی هست که اگر شخص مؤمن با آن مواجه شود و در آن خیر و برکتی در دنیا و آخرت را از خدا بخواهد، یقیناً خداوند خواسته‌ی او را برآورده می کند و این ساعت در هر شبی موجود است»^۲.

۶۹۲ - وَعَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ افْتَتَحَ صَلَاتَهُ بِرُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، رواه مسلم.

۶۹۲. و از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه در شب (برای نماز) قیام می کرد، نمازش را با دو رکعت کوتاه آغاز می نمود.^۳

۶۹۳ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ، فَصَلَّى وَأَيَّقَطَ امْرَأَتَهُ، فَإِنْ أَبَتْ نَضَحَ فِي وَجْهِهَا الْمَاءَ، رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً قَامَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ، وَأَيَّقَطَتْ زَوْجَهَا فَإِنْ أَبِي نَضَحَتْ فِي وَجْهِهِ الْمَاءَ» رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۹۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۴۶)، م (۷۳۹)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۷۵۷].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۷۶۷].

۶۹۳. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند رحمت کند مردی را که پاسی از شب گذشته، برمی خیزد و نماز شب می خواند و زنش را بیدار می کند و اگر بیدار نشد، (به آرامی) به رویش آب می پاشد و خداوند رحمت کند زنی را که در شب برمی خیزد و نماز شب می خواند و شوهرش را بیدار می کند و اگر بیدار نشد، بر روی او آب می پاشد»^۱.

۶۹۴- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ، فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى وَهُوَ نَاعِسٌ، لَعَلَّهُ يَذْهَبُ يَسْتَعْفِرُ فَيَسُبُّ نَفْسَهُ» متفق عليه.

۶۹۴. و از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه در نماز، خواب بر یکی از شما غلبه کرد، باید بخوابد تا خواب از سر او برود، زیرا هر کس در حال خواب و چرت زدن نماز بخواند، نمی داند چه می گوید و شاید به جای استغفار، خود را دشنام دهد (و دعای بد) کند»^۲.

۶۹۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْتَعَجَمَ الْقُرْآنُ عَلَى لِسَانِهِ، فَلَمْ يَدْرِ مَا يَقُولُ، فَلْيَضْطَجِعْ» رواه مسلم.

۶۹۵. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما در شب (برای نماز تهجد) برخاست (و از شدت خواب) خواندن قرآن بر زبانش مشکل و مبهم شد و ندانست که چه می گوید، بخوابد»^۳.

(به احادیث شماره: ۶۵، ۱۰۳ و ۱۰۴ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۱۳۰۸] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۲)، م (۷۸۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۸۷)].

۲۰۶ - باب استحباب قیام رمضان وهو التراویح

باب استحباب قیام رمضان که تراویح است

۶۹۶ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» متفقٌ عليه.

۶۹۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس از روی ایمان و اخلاص و انتظار پاداش از خدا، در رمضان به عبادت بایستد، گناهان گذشته‌ی او برایش بخشیده می‌شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۰۸)، م (۷۵۹)].

۲۰۷- باب فضل قیام لیلۃ القدر و بیان أرجی لیالها

باب فضیلت قیام لیلۃ القدر و بیان امیدوار کننده‌ترین شب‌های آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (القدر / ۱)

«ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم...» تا آخر سوره

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾ (الدخان / ۳)

«همانا ما قرآن را در شبی پر برکت نازل کردیم...».

۶۹۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» متفق عليه.

۶۹۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شد است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس شب قدر را از روی ایمان و اخلاص و انتظار پاداش از خدا، به عبادت بایستد و نخوابد، گناهان گذشته‌ی او برایش آمرزیده می‌شود»^۱.

۶۹۸- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُجَاوِرُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ، وَيَقُولُ: «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ» متفق عليه.

۶۹۸. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در دهه‌ی آخر رمضان اعتکاف می‌نمود و می‌فرمودند: «لیلة القدر را در ده شب آخر رمضان جستجو کنید»^۲.

۶۹۹- وَعَنْهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ الْأَوَاخِرُ مِنْ رَمَضَانَ، أَحْيَا اللَّيْلَ، وَأَيْقَظَ أَهْلَهُ، وَجَدَّ وَشَدَّ الْمِئْزَرَ. متفق عليه.

۶۹۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که دهه‌ی آخر ماه رمضان می‌شد، شب نمی‌خوابید (به عبادت احیا می‌کرد) و اهل خانه را بیدار می‌فرمود و در عبادت سخت می‌کوشید و ازار خود را محکم می‌بست (از معاشرت زنان دوری می‌جست و برای عبادت بیشتر، آستین همت بالا می‌زد)^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۱۴)، م (۷۶۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۲۰)، م (۱۱۶۹)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۲۴)، م (۱۱۷۴)].

۷۰۰- وَعَنْهَا قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ إِنْ عَلِمْتُ أَيَّ لَيْلَةٍ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مَا أَقُولُ فِيهَا؟ قَالَ: «قُولِي: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي» رواه الترمذی وقال: حديث حسن صحيح.

۷۰۰. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: ای رسول خدا! اگر شب قدر برایم معلوم شد، بفرمایید در آن چه بگویم؟ فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي: بارخدا یا! تو بسیار عفو کننده‌ای و عفو و گذشت را دوست داری، پس مرا عفو کن و از من درگذر!»^۱.

۱- ترمذی [۳۵۰۸] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲۰۸- باب فضل السَّوَاكِ وخصال الفطرة

باب فضیلت سواک و انجام رفتارها و نظافت‌های طبیعی و فطری

۷۰۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ لَا أَنْ أُشَقُّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ» متفقٌ عليه.

۷۰۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر چنان نمی شد که بر امتم - یا بر مردم - کار را دشوار کنم و سخت بگیرم، به ایشان امر می کردم که در هر نماز، سواک بزنند»^۱.

۷۰۲- وَعَنْ شُرَيْحِ بْنِ هَانِيٍّ قَالَ: قُلْتُ لِعَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: بَأَيِّ شَيْءٍ كَانَ يَبْدَأُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ، قَالَتْ: بِالسَّوَاكِ، رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۷۰۲. از شریح بن هانی روایت شده است که فرمود: به حضرت عایشه - رضی الله عنها - گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی وارد منزل می شدند، ابتدا چه کاری انجام می دادند؟ جواب داد: مسواک می زد^۲.

۷۰۳- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «السَّوَاكُ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ» رَوَاهُ النَّسَائِيُّ، وَابْنُ خُزَيْمَةَ فِي صَحِيحِهِ بِأَسَانِيدٍ صَحِيحَةٍ.

۷۰۳. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سواک، وسیله‌ی پاکیزگی دهان و رضای خداوند است»^۳.

۷۰۴- وَعَنْ ابْنِ عَمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَأَعْفُوا اللَّحَى» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۰۴. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سیل را بزید و ریش‌ها را رها کنید» (از زدن ریش صرف نظر کنید)^۴.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۸۷۷)، م (۲۵۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۳)].

۳- نسائی [(۱۰/۱)]. روایت کرده و ابن خزیمه [(۱۳۵)] نیز در صحیح خود به اسناد صحیح روایت کرده است.

۴- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۹۳)، م (۲۵۹)].

۲۰۹- باب تأکید وجوب الزکاة و بیان فضلها وما يتعلق بها

باب بیان تأکید وجوب زکات و بیان فضیلت آن و آنچه به زکات تعلق

دارد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (البقره / ۴۳)

«نماز را به پای دارید و زکات را پردازید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ

دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ (البينه / ۵)

«به امت های پیشین امر نشد جز به آن که خدا را با اخلاص و در حالی که بر دین حنیف ابراهیمی استقامت دارند، پرستش کنند و نماز به پا دارند و زکات پردازند و این دین راست و استوار است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبه / ۱۰۳)

«ای پیامبرص) از اموال آنان (مسلمانان ثروتمند) زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را پاک داری».

۷۰۶- وعن ابن عباس رضي الله عنه، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَعَثَ مُعَاذًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ: «ادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ، فَأَعْلَمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلَمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ، وَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ» متفق عليه.

۷۰۶. از ابن عباس -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر ﷺ معاذ را به یمن فرستاد و فرمودند: «آنان

را دعوت کن به این که شهادت بدهند که خدایی جز الله نیست و من پیامبر او هستم؛ اگر این دعوت را اطاعت کردند، به آنان اعلام کن که خداوند در هر شبانه روز پنج بار نماز را بر آنان فرض کرده است؛ اگر اطاعت نمودند، آن گاه به آنها خبر بده که خداوند زکات را بر آنان واجب گردانیده است که از ثروتمندان شان گرفته و به فقراى آنان داده شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۹۵)، م (۱۹)].

۷۰۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: لَمَّا تُؤْفِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ، فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ» فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَاللَّهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ. وَاللَّهِ لَوْ مَنَعُونِي عِقَالًا كَانُوا يُؤَدُّونَهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنْعِهِ. قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ رَأَيْتُ اللَّهَ قَدْ شَرَحَ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ لِلْقِتَالِ، فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ. متفقٌ عَلَيْهِ.

۷۰۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمودند و حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - خلیفه بود و بعضی از مردم عرب کافر شدند، حضرت عمر - رضی الله عنه - به حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: چگونه با مردم جنگ می کنی در صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «من دستور دارم با مردم بجنگم تا (زمانی که) شهادت دهند که خدایی جز الله نیست و هرکس آن را گفت، مال و جانش را از من محفوظ داشته است مگر در مقابل حق اسلام و حساب او با خداست؟!» ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: به خدا سوگند، من به طور قطع با کسانی که بین نماز و زکات فرق می گذارند جنگ می کنم، زیرا زکات حق مال است، و به خدا سوگند، اگر پای بند شتری را که به پیامبر صلی الله علیه و آله می پرداختند هم از من دریغ دارند و نپردازند، به دلیل منع آن، با ایشان می جنگم، حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: به خدا سوگند، این چیزی نبود جز آن که دیدم خداوند سینه‌ی ابوبکر رضی الله عنه را گشاده کرد و فکر او را برای جنگ روشن نمود و دانستم که (حرف) او حق و درست است!

۷۰۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ صَاحِبٍ ذَهَبٍ، وَلَا فِضَّةٍ، لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ، فَأُخِمِي عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيُكْوَى بِهَا جَنْبُهُ، وَجَبِينُهُ، وَظَهْرُهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُفْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيْرَى سَبِيلَهُ، إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ». متفق عليه.

۷۰۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آن را نمی پردازد، یقیناً وقتی روز قیامت شده، برای او صفحاتی (تخته‌هایی) از آتش گشوده و بر روی آتش دوزخ داغ می شود و پس از آن، پهلو و پیشانی و پشت او با آن داغ و سوزانده می شود و هر بار که این قطعات سرد می شود، باز (برای عذاب مجدد) داغ می گردد؛ در مدت

روزی که طول آن پنجاه هزار سال است و این وضع تا زمانی که میان بندگان خدا حکم می‌شود، ادامه دارد، بعد راه او، خواه به سوی بهشت، خواه به سوی دوزخ معلوم و مشاهده می‌شود».

۷۰۹- وعن جریر بن عبد الله رضي الله عنه، قَالَ: بَايَعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيْتَاءِ الزُّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ. متفقٌ عَلَيْهِ.

۷۰۹- و از جریر بن عبد الله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه وسلم بر اقامه‌ی نماز، دادن زکات و نصیحت و خیراندیشی برای هر مسلمان بیعت نمودم.
(به حدیث شماره: ۶۴۴ مراجعه شود).

۲۱۰- باب وجوب صوم رمضان و بیان فضل الصیام وما يتعلق به

باب بیان وجوب روزهی رمضان و بیان فضیلت روزه‌داری و آنچه بدان مربوط است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ﴾

(البقره/۱۸۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه واجب شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند، واجب شد.»

إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن

شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾

(البقره / ۱۸۵)

تا آن جا که می‌فرماید:

«ماه رمضان است که در آن قرآن برای راهنمایی مردم و به عنوان نشانه‌ها و آیات روشنی از ارشاد و هدایت و فرق میان حق و باطل، نازل شده است، پس هر کس از شما، این ماه را دریافت، باید آن را روزه بگیرد و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد، (می‌تواند روزه نگیرد) و چندی از روزهای دیگر (به اندازهی آن روزها) را روزه بگیرد.»

۷۱۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ، فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ. وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٍ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثُ وَلَا يَصْحَبُ، فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ. وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ. لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا: إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ بِفِطْرِهِ، وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ» متفقٌ عليه.

۷۱۰. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «خداوند عزوجل می‌فرماید:

هر عملی از اعمال انسان برای خود اوست، جز روزه که آن برای من است و من پاداش آن را می‌دهم؛ و روزه سپر است (در مقابل دوزخ و گناهان)، پس وقتی یکی از شما روزه‌دار بود، دشنام و ناسزا نگوید و یا با صدای بلند بر دیگری داد نزند و اگر یکی به او بد گفت و یا با او جنگید، بگوید:

من روزه هستم؛ و سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، بوی دهن شخص روزه‌دار، نزد خدا از بوی مشک خوش‌تر و بارزش‌تر است؛ و شخص روزه‌دار دو خوشی دارد که به آن دو بسیار شادمانی می‌کند: یکی هنگامی که افطار می‌کند، به افطارش خوشحال می‌شود و دیگری، هنگامی است که با خدای خود ملاقات می‌کند که از روزه‌اش شادمان است»^۱.

۷۱۱- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَاباً يُقَالُ لَهُ: الرَّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ» متفق عليه.

۷۱۱. از سهل بن سعد - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «در بهشت دری هست که آن را ریان می‌گویند و در روز قیامت روزه‌داران از آن داخل (بهشت) می‌شوند و هیچ کسی جز آنها از آنجا داخل نخواهد شد؛ گفته می‌شود: روزه‌داران کجا هستند؟ و روزه‌داران برمی‌خیزند و کسی غیر از آنها از آن در وارد نمی‌شود و چون همه داخل شدند، در بسته می‌شود و دیگر کسی از آنجا وارد نمی‌گردد»^۲.

۷۱۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانَ، فَتُحْتَتِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتِ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ» متفق عليه.

۷۱۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «وقتی رمضان می‌آید، درهای بهشت باز و درهای دوزخ بسته و شیاطین زنجیر می‌شوند»^۳.

۷۱۳- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا بَاعَدَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا» متفق عليه.

۷۱۳. از ابوسعید خدری - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر بنده‌ای که روزی در راه خدا، روزه بگیرد، خداوند یقیناً صورت او را به خاطر آن روزه، به مدت هفتاد سال از آتش (دوزخ) دور می‌کند»^۴.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۹۴)، م (۱۱۵۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۹۶)، م (۱۱۵۲)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۹۸)، م (۱۰۷۹)].

۴- متفق عليه است؛ [خ (۲۸۴۰)، م (۱۱۵۳)].

۷۱۴- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صُومُوا لِرُؤُوسِهِ، وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوسِهِ، فَإِنْ غَيَّرَ عَلَيْكُمْ، فَأَكْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ» متفقٌ عليه. وهذا لفظ البخاري. وفي رواية مسلم: «فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَصُومُوا ثَلَاثِينَ يَوْمًا».

۷۱۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با دیدن آن (هلال ماه رمضان)، روزه بگیرید و با دیدن آن (هلال ماه شوال)، روزه بکشاید و اگر بر شما پوشیده شد و آن را ندیدید، سی روز شعبان را کامل کنید»^۱.
در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «اگر ابر، جلو ماه را از شما گرفت، سی روز، روزه بگیرید».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۰۰)، م (۱۰۸۱)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲۱۱- باب الجود وفعل المعروف والإكثار من الخير في شهر رمضان والزيادة من

ذلك في العشر الأواخر منه

باب بیان سخاوت‌مندی و بخشش و انجام کار نیک و افزودن بر حسنات

در ماه رمضان و زیاد کردن اعمال خیر در دهه‌ی آخر رمضان

۷۱۵- وعن ابن عباسٍ، رضي الله عنهما، قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَجْوَدَ النَّاسِ، وَكَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ، وَكَانَ جِبْرِيلُ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ، فَلَرَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ أَجْوَدَ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ» متفقٌ عليه.

۷۱۵. از ابن عباس رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم بخشنده‌ترین مردم بود و در ماه رمضان موقعی که جبرئیل او را ملاقات می‌کرد، از سایر اوقات بخشنده‌تر می‌شد و جبرئیل در هر شب از شب‌های رمضان، با او ملاقات می‌کرد و قرآن را با پیامبر صلی الله علیه و سلم مدارس می‌کرد (برای همدیگر می‌خواندند) و پیامبر صلی الله علیه و سلم موقعی که جبرئیل با ایشان ملاقات می‌نمود، در بخشش و خیر، از باد روان، بخشنده‌تر بود!

(به حدیث شماره: ۶۹۹ مراجعه شود)

۲۱۲- باب النَّهْيِ عَنْ تَقَدُّمِ رَمَضَانَ بِصَوْمِ بَعْدِ نِصْفِ شَعْبَانَ إِلَّا لِمَنْ وَصَلَهُ بِمَا قَبْلَهُ،
أَوْ وَافَقَ عَادَةً لَهُ بِأَنْ كَانَ عَادَتَهُ صَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَوَافَقَهُ

باب نهی از استقبال رمضان با روزه‌ای بعد از نیمه‌ی شعبان، جز برای کسی که روزه را به روزه‌ی پیش از نیمه‌ی دوم شعبان وصل کند یا نیمه‌ی دوم شعبان با عادت او به روزه‌ی روزه‌های دوشنبه و پنجشنبه همزمان شود

۷۱۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمْ رَمَضَانَ بِصَوْمِ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجُلٌ كَانَ يَصُومُ صَوْمَهُ، فَلْيَصُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ» متفقٌ عليه.
۷۱۶. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هیچ یک از شما هرگز یک روز یا دو روز بر رمضان تقدم نجوید (یعنی یک یا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرد) جز مردی که روزه‌ی عادت‌ی خود را می‌گرفته، آن روز (پیش از رمضان) هم روزه بگیرد»^۱.

۷۱۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا بَقِيَ نِصْفُ مِنْ شَعْبَانَ فَلَا تَصُومُوا» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.
۷۱۷. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «وقتی که (پانزده روز از شعبان گذشت و) نیمی از شعبان باقی ماند، روزه نگیرید»^۲.

۷۱۸- وَعَنْ عَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: مَنْ صَامَ الْيَوْمَ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.
۷۱۸. از «عمار بن یاسر» - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: هر کس در روزی که در آن شک و تردید وجود دارد، روزه بگیرد، از ابوالقاسم صلی الله علیه و سلم نافرمانی کرده است»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۱۴)، م (۱۰۸۲)].

۲- ترمذی [۷۳۸] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- ابوداود [۲۳۳۴] و ترمذی [۶۸۶] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲۱۳- باب ما يُقَالُ عِنْدَ رُؤْيَةِ الْهَلَالِ

باب بیان آن چه که هنگام رؤیت هلال گفته می شود

۷۱۹- عَنْ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، هَلَالٌ رُشْدٍ وَخَيْرٍ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۷۱۹. از طلحه بن عبیدالله - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت هلال ماه را مشاهده می کرد، می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، هَلَالٌ رُشْدٍ وَخَيْرٍ»: خدایا! این ماه را در حالی بر ما طالع فرما که ما در کمال امنیت و ایمان و سلامت و اسلام هستیم، ای ماه! خدای من و خدای تو الله است، این هلال، هلال رشد و نیکی باشد!'.^۱

۱- ترمذی [۳۴۴۷] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲۱۴- باب فَضْلِ السُّحُورِ وَتَأْخِيرِهِ مَا لَمْ يَخْشَ طُلُوعَ الْفَجْرِ
باب فضیلت سحری خوردن و تأخیر آن، مادامی که خوف طلوع
شفق نباشد

۷۲۰- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِي السُّحُورِ بَرَكَةً» متفقٌ عليه.

۷۲۰. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای سحر بیدار شوید و سحری بخورید؛ زیرا در سحری خوردن، برکت است»^۱.

۷۲۱- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُؤَدَّنَانِ: بِلَالٌ وَأَبْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بِلَالَ يُؤَدِّنُ بَلِيلًا، فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُؤَدِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ» قَالَ: وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا إِلَّا أَنْ يَنْزِلَ هَذَا وَيَرْقَى هَذَا، متفقٌ عليه.

۷۲۱. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دو مؤذن داشت: «بلال» و «ابن ام مکتوم». پیامبر صلی الله علیه و آله (یک بار در رمضان)، فرمودند: «بلال شب اذان می گوید، پس شما بخورید و بنوشید تا وقتی که ابن ام مکتوم اذان می گوید»، ابن عمر - رضی الله عنه - گفت: و در بین آنها تنها این مقدار فاصله بود که ابن (بلال) پایین می آمد و آن (ابن ام مکتوم) بالا می رفت^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۹۲۳)، م (۱۰۹۵)].

۲- متفق عليه است [خ (۲۶۱۷)، م (۱۰۹۲)].

۲۱۵- باب فَضْلُ تَعْجِيلِ الْفِطْرِ وَمَا يُفْطَرُ عَلَيْهِ وَمَا يَقُولُهُ بَعْدَ الْإِفْطَارِ

باب فضیلت تعجیل افطار و آن چه که بدان افطار می شود و آن چه که بعد از افطار می گوید

۷۲۲- عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ» متفقٌ عليه.

۷۲۲. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردم تا وقتی که در افطار عجله کنند (به محض رسیدن وقت، افطار کنند)، در خیر و برکت هستند و می مانند»^۱.

۷۲۳- وَعَنْ سَلْمَانَ بْنِ عَامِرِ الضَّبِّيِّ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ، فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ، فَلْيُفْطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۷۲۳. از سلمان بن عامر ضببی، صحابی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما افطار نمود، باید با خرما افطار نماید و اگر نیافت، با آب افطار کند؛ زیرا آب پاک کننده است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۵۷)، م (۱۰۹۸)].

۲- ابوداود [(۲۳۵۵)] و ترمذی [(۶۵۸)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲۱۶- بابُ أمرِ الصَّائمِ بحِفْظِ لِسَانِهِ وَجَوَارِحِهِ عَنِ الْمُخَالَفَاتِ وَالْمُشَاتِمَةِ وَنَحْوِهَا
باب امر به روزه‌دار به نگهداری زبان و سایر اعضایش از گناهان و
دشنام دادن به دیگران و ...

۷۲۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ، فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْحَبْ، فَإِنْ سَاءَ أَحَدٌ، أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيُقِلْ: إِنِّي صَائِمٌ» متفقٌ عليه.
۷۲۴. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی یکی از شما روزه‌دار بود، دشنام و ناسزا نگویید و یا با صدای بلند بر دیگری داد نزنند و اگر یکی به او بد گفت و یا با او جنگید، بگویند: من روزه هستم»^۱.

۷۲۵- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ» رواه البخاري.
۷۲۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که دروغ و ناحق و عمل به آن را ترک نکند، خداوند احتیاجی ندارد که او خوردن و نوشیدن خود را ترک نماید (منظور آنست که روزه فقط ترک خوراک و نوشیدن نیست)»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۰۴)، م (۱۱۵۱)].

۲- بخاری روایت کرده است، [(۱۹۰۳)].

۲۱۷- باب في مسائل من الصوم

باب مسایلی از روزه

۷۲۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا نَسِيَ أَحَدُكُمْ، فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ، فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ، فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ» متفق عليه.

۷۲۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر یکی از شما (در زمان روزه) از روی فراموشی چیزی خورد یا نوشید، روزه اش را تمام کند؛ زیرا (آن، روزه را باطل نمی کند و فقط طعام و نوشیدنی ای است که) خداوند به او طعام و نوشیدنی داده است»^۱.

۷۲۷- وعن لَقِيطِ بْنِ صَبْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْوُضُوءِ؟ قَالَ: «أَسْبِغِ الْوُضُوءَ، وَخَلَّلْ بَيْنَ الْأَصَابِعِ، وَبَالَغْ فِي الْأَسْتِنْشَاقِ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۷۲۷. از لقیط بن صبره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: ای رسول خدا! مرا از وضو آگاه کن، فرمودند: «وضو را کامل انجام بده و بین انگشتان را دست بکش (و بین آنها را بشوی) و در استنشاق (آب را در بینی گرداندن) مبالغه کن، مگر این که روزه باشی»^۲.

۷۲۸- وعن عائشة رضي الله عنها، قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يُدْرِكُهُ الْفَجْرُ وَهُوَ جُنُبٌ مِنْ أَهْلِهِ، ثُمَّ يَغْتَسِلُ وَيَصُومُ. متفق عليه.

۷۲۸. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله صبح می کرد در حالی که از (آمیزش با) همسرش جنب بود، بعد غسل می کرد و روزه می گرفت^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۳۳)، م (۱۱۵۵)].

۲- ابوداود [۲۳۶۶] و ترمذی [۷۸۸] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- از دو حدیث فوق این حکم شرعی برداشت می شود که جنابتی که در ماه رمضان از قبل از نماز صبح مانده است و پیش از گذشتن وقت نماز برای آن غسل انجام و برطرف می شود، روزه را باطل نمی کند.

۲۱۸- باب فضل صوم المُحَرَّم وشعبان والأشهر الحُرْم

باب بیان فضیلت روزهی محرم و شعبان و ماههای حرام

۷۲۹- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ مِنْ شَهْرٍ أَكْثَرَ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ كُلَّهُ.
وفي رواية: كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ إِلَّا قَلِيلًا. متفقٌ عليه.

۷۲۹. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ ماهی بیشتر از ماه شعبان روزه نبود؛ زیرا او تمام شعبان را روزه می گرفت. و در روایتی دیگر آمده است: ایشان شعبان را جز کمی از آن، روزه می گرفت!
(به حدیث شماره: ۶۸۷ مراجعه شود).

۲۱۹- باب فضل الصوم وغيره في العشر الأول من ذي الحجة

باب فضیلت روزه و غیر آن در دهه‌ی اول ذی‌الحجه

۷۳۰- عن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما من أيام العمل الصالح فيها أحب إلى الله من هذه الأيام» يعني: أيام العشر، قالوا: يا رسول الله، ولا الجهاد في سبيل الله؟ قال: «ولا الجهاد في سبيل الله، إلا رجل خرج بنفسه، وماله فلم يرجع من ذلك بشيء» رواه البخاري.

۷۳۰. از ابن عباس رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «روزهایی نیست که عبادت در آنها نزد خداوند محبوب‌تر و پسندیده‌تر از این ایام (یعنی دهه‌ی اول ذی‌الحجه) باشد»، گفتند: ای رسول خدا! حتی جهاد در راه خدا نیز از آن محبوب‌تر نیست؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا نیز از آن محبوب‌تر نیست، مگر (جهاد) مردی که با جان و مال خود، برای جهاد خارج شده و هیچ‌کدام را باز نیاورده (شهید شده) باشد»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۶۹].

۲۲۰- باب فضل صوم يوم عرفة وعاشوراء وتاسوعاء

باب فضیلت روزهی عرفه و عاشورا و تاسوعا

۷۳۱- عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ؟ قَالَ: «يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ» رواه مسلم.

۷۳۱. از ابوقتاده - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: درباره‌ی روزهی روز عرفه از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد، فرمودند: «کفاره‌ی گناهان سال گذشته و سال آینده می‌شود»^۱.

۷۳۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَامَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ. متفقٌ عليه.

۷۳۲. از ابن عباس - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روز عاشورا (دهم محرم) را روزه گرفت و به روزه گرفتن در آن امر فرمودند^۲.

۷۳۳- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ بِقِيَّتٍ إِلَى قَابِلٍ لِأَصُومَنَّ التَّاسِعَ» رواه مسلم.

۷۳۳. از ابن عباس - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (یک سال روز عاشورا را روزه گرفتند و) فرمودند: «اگر تا سال آینده زنده ماندم، حتماً تاسوعا (نهم محرم) را نیز روزه می‌گیرم»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۶۲)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۰۴)، م (۱۱۳۰)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۳۴)].

۲۲۱- باب استحباب صوم ستة أيام من شوال

باب استحباب روزهی شش روز از شوال

۷۳۴- عَنْ أَبِي أَيُّوبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ» رواه مُسْلِمٌ.

۷۳۴. از ابویوب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و سپس با شش روز از شوال آن را دنبال کند، مانند روزهی تمام سال است»^۱.

۱- برابر با تمام سال می شود، زیرا: ۳۰ روز رمضان + ۶ روز از شوال = ۳۶ روز است و چون پاداش هر حسنه ای ده برابر است، بنابراین ۳۶۰ = ۳۶ × ۱۰ که مجموع روزه های سال است. مترجم.

۲۲۲- باب استحباب صوم الاثین والخمیس

باب استحباب روزہی دوشنبہ و پنج‌شنبه

۷۳۵- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَحَرَّى صَوْمَ
الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ. رواه الترمذی وقال: حدیث حسن.

۷۳۵. از حضرت عایشه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر روزہی دوشنبہ و
پنج‌شنبه قصد و مواظبت می فرمود!

۲۲۳- باب استحباب صوم ثلاثة أيام من كل شهر

باب استحباب سه روز، روزه از هر ماه

والأفضل صومها في الأيام البيض، وهي: الثالث عشر، والرابع عشر، والخامس عشر، وقيل: الثاني عشر، والثالث عشر، والرابع عشر؛ والصحيح المشهور هو الأول.

و بهتر و دارای ثواب بیشتر، روزه در ایام بیض هر ماه است، و آن سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه است و گفته شده: دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم هر ماه؛ و صحیح مشهور، قول اول است.

۷۳۶- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهِ». متفقٌ عليه.

۷۳۶. از عبدالله بن عمرو بن عاص -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «روزه‌ی سه روز از هر ماه، همانند روزه‌ی تمام سال است»^۱.

۷۳۷- وَعَنْ أَبِي دَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلَاثًا، فَصُمْ ثَلَاثَ عَشْرَةَ، وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ، وَخَمْسَ عَشْرَةَ» رواه الترمذی وقال: حديثٌ حسنٌ.

۷۳۷. از ابوذر -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرگاه از هر ماه، سه روز، روزه گرفتی، روزهای سیزده، چهارده و پانزده را روزه بگیر»^۲.

۷۳۸- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُفْطِرُ أَيَّامَ الْبَيْضِ فِي حَضْرٍ وَلَا سَفْرٍ. رواه النسائي بإسنادٍ حسنٍ.

۷۳۸. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ چه در خانه و چه در مسافرت، ایام بیض (روزهای سفید) را نمی شکست و روزه بود^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۷۹)، م (۱۱۵۹)].

۲- ترمذی [(۷۶۱)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- نسائی [(۱۹۸-۱۹۹/۴)] به اسناد حسن روایت کرده است.

۲۲۴ - باب فضل مَنْ فَطَّرَ صَائِماً وَفَضَلَ الصَّائِمَ الَّذِي يُؤْكَلُ عَنْدَهُ، وَدَعَاءَ الْأَكْلِ

لِلْمَأْكُولِ عَنْدَهُ

باب فضیلت کسی که به روزه‌داری افطار دهد و فضل روزه‌داری که

پیش او غذا خورده شود و دعای غذا خورنده برای کسی که پیش او

طعام خورده می‌شود

۷۳۹- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ فَطَّرَ صَائِماً، كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْءٌ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۷۳۹. از زید بن خالد جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر کس که روزه‌داری را افطار دهد، به مقدار شخص روزه‌دار، دارای اجر می‌شود و با این حال، از اجر روزه‌دار هم چیزی کم نمی‌شود»^۱.

۷۴۰- وَعَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ إِلَى سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَجَاءَ بِخُبْزٍ وَزَيْتٍ، فَأَكَلَ، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْطَرُ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارُ وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۴۰. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم نزد سعد بن عباده - رضی الله عنه - آمد و سعد، نان و روغن (زیتونی) پیش ایشان آورد، پیامبر صلی الله علیه و سلم از آن تناول نمودند و سپس فرمودند: «روزه‌داران نزد شما افطار کردند و نیکان طعام شما را خوردند و فرشتگان بر شما دعا کردند و رحمت فرستادند».

۱- ترمذی [۸۰۷] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

بخش دهم:
کتاب اعتکاف

۲۳۲- باب الاعتكاف في رمضان

باب اعتكاف (ماه) رمضان

۷۴۱- عن ابنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخَرَ مِنْ رَمَضَانَ. متفقٌ عليه.

۷۴۱. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله ده روز آخر رمضان را اعتکاف می فرمود (در مسجد می نشست و بیرون نمی آمد).^۱

۷۴۲- وعن عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخَرَ مِنْ رَمَضَانَ، حَتَّى تَوَفَّاهُ اللهُ تَعَالَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ. متفقٌ عليه.

۷۴۲. از عایشه - رضي الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله تا پایان عمرش، دهه ی آخر رمضان را اعتکاف می نمود و بعد از او، همسرانش اعتکاف می کردند.^۲

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۲۵)، م (۱۱۷۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۲۶)، م (۱۱۷۲)].

بخش یازدهم:

کتاب حج

۲۲۶- باب وجوب الحج وفضله

باب وجوب حج و فضیلت آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

﴿(آل عمران / ۹۷)﴾

«و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند به خود زیان زده] زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است».

۷۴۳- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقال: «يا أيها الناس، إن الله قد فرض عليكم الحج فحجوا» فقال رجل: أكل عام يا رسول الله؟ فسكت، حتى قالها ثلاثاً. فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لو قلت نعم لوجبت ولما استطعتم» ثم قال: «ذرني ما تركتكم، فإنما هلك من كان قبلكم بكثرة سؤالهم، واختلافهم على أنبيائهم، فإذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم، وإذا نهيتكم عن شيء فدعوه». رواه مسلم.

۷۴۳. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم برای ما خطبه‌ای ایراد نمودند و در آن فرمودند: «ای مردم! خداوند حج را بر شما واجب کرده است، پس حج کنید»، مردی گفت: آیا هر سال حج انجام شود ای رسول خدا؟! پیامبر صلى الله عليه وسلم سکوت کرد تا شخص سه بار سؤالش را تکرار کرد، سپس پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اگر می‌گفتم: بله، واجب می‌شد و شما نمی‌توانستید»، سپس فرمودند: «تا وقتی که شما را ترک می‌کنم و بحثی برای شما ندارم، مرا به حال خود واگذارید (به تکلیفی که برای شما تعیین می‌کنم کفایت کنید) که همانا امت‌های قبل از شما به واسطه‌ی کثرت سؤالات و اختلاف و عدم موافقت با پیامبران خود از بین رفتند، پس هرگاه چیزی را به شما امر کردم، تا آنجا که می‌توانید، از آن انجام دهید و هرگاه شما را از چیزی نهی کردم، آن را ترک کنید!».

۷۴۴- وَعَنْهُ قَالَ: سَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «حَجٌّ مَبْرُورٌ». متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۳۳۷)].

۷۴۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: چه کاری بزرگ تر و ثوابش بیشتر است؟ فرمودند: «ایمان به خدا و رسولش»، سؤال شد: بعد از آن چه چیز؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا»، سپس گفته شد: بعد از آن چه چیز؟ فرمودند: «حجی مبرور»^۱.

۷۴۵- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». متفقٌ عليه.

۷۴۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر کس حج کند و در آن، بدگویی و دعوا و گناه نکند و فسق نرزد، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است، باز می گردد»^۲.

۷۴۶- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ». متفقٌ عليه.

۷۴۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یک عمره تا عمره ی بعد، کفاره ی گناهان بین آن دو است و حج مبرور، هیچ پاداشی جز بهشت ندارد»^۳.

۷۴۷- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يَعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ». رواه مسلم.

۷۴۷. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «روزی نیست که خداوند بندگانش را در آن روز بیشتر از روز عرفه از آتش دوزخ رهایی دهد. (یعنی خداوند بندگان خود را بیشتر در روز عرفه از جهنم رهایی می دهد)»^۴.

۷۴۸- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً أَوْ حَجَّةً مَعِي» متفقٌ عليه.

۷۴۸. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عمره ای در رمضان، برابر است با یک حج - یا با حجی همراه من»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۵۱۹)، م (۸۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۵۲۱)، م (۱۳۵۰)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۷۷۳)، م (۱۳۴۹)].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۳۴۸)].

۷۴۹- وَعَنْهُ أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ فَرِيضَةَ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ فِي الْحَجِّ، أَذْرَكَتُ أَبِي شَيْخًا كَبِيرًا، لَا يَثْبُتُ عَلَى الرَّاحِلَةِ، أَفَأَحُجُّ عَنْهُ؟ قَالَ: «نَعَمْ». متفقٌ عليه.

۷۴۹. از ابن عباس رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: زنی عرض کرد: ای رسول خدا! پدرم (در حالی مسلمان شده و) فریضه‌ی خدا بر بندگان - حج - را دریافته است که بسیار پیر است و نمی‌تواند خود را بر مرکب نگه دارد، آیا من از طرف او برایش حج انجام بدهم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بله»^۲.

(به حدیث شماره: ۶۴۴ و ۱۲۳ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۷۸۲)، م (۱۲۵۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۵۱۳)، م (۱۳۳۴)].

بخش دوازدهم:

کتاب جهاد

باب وجوب جهاد و فضیلت صبح کردن و شب کردن در حال جهاد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴾

(التوبة / ۳۶)

«ای مسلمانان! همه با مشرکان بجنگید، همان گونه که آنان جنگی با شما می‌جنگند، و بدانید که (لطف و یاری) خدا با پرهیزگاران است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ

أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ (البقرة / ۲۱۶)

«جنگ بر شما واجب گشته است و حال آن که از آن بیزارید، لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیزی برای شما نیک باشد و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، و آن چیز برای شما بد باشد و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ﴾ (التوبة / ۴۱)

«ای مسلمانان! به سوی جهاد حرکت کنید، سبک بار یا سنگین بار (جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، غنی یا فقیر، پیاده یا سواره،... در هر صورت و در هر حال) با مال و جان در راه خدا جهاد و پیکار کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ

أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِالَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿ (التوبة / ۱۱۱)

«بی‌گمان خداوند جان و مال مؤمنان را به (بهای) این که بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ (آنان) در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده‌ی راستی است که خداوند آن را در

تورات و انجیل و قرآن داده است، و چه کسی از خداوند به عهد خود وفاکننده تر است؟ پس به معامله‌ای که کرده‌اید، شاد باشید و این پیروزی و رستگاری بزرگی است».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً ۗ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ (النساء / ۹۵-۹۶)

«در خانه) نشستگان توانا و بدون عذر از مؤمنین، با مجاهدانی که با مال‌ها و جان‌های خود در راه خدا جهاد می‌کنند، برابر نیستند؛ خداوند، مجاهدان به مال‌ها و جان‌های خودشان را بر خانه‌نشینان (با عذر) یک درجه (در ثواب و مقام) برتری داده و به هر دو گروه، وعده‌ی خوبی (بهشت) فرموده است و مجاهدان را به خانه‌نشینان (بدون عذر) با اجری بزرگ و فراوان برتری بخشیده است؛ درجات بزرگی از ناحیه‌ی خدا (بدانان داده می‌شود) همراه با مغفرت و رحمت، و خداوند آمرزنده و مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَتَأْتِيَ الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجْرَةٍ تُنجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۗ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۗ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٣﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۗ وَبَشِيرٌ

الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الصف / ۱۰-۱۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد؟ (و آن این است که) به خدا و پیامبرش ایمان می‌آورید و در راه خدا با مال و جانتان تلاش و جهاد می‌کنید و اگر بدانید، این برای شما بهتر است. (اگر این تجارت را انجام دهید، خدا) گناهان شما را می‌بخشد و شما را به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر آن، جویبارها، روان است و شما را در منازل و خانه‌های خوب و خوشایندی جای می‌دهد که در باغ‌های بهشت جاویدان هستند و پیروزی و رستگاری بزرگ همین است و (گذشته از این نعمت‌ها)

نعمت دیگری خواهید داشت که آن را دوست دارید و آن، پیروزی خدادادی و فتحی نزدیک است، و به مؤمنان مژده بده.»

والآیات فی الباب کثیرة مشهورة.

وآیات در این مورد، فراوان و مشهور است.

۷۵۰- وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۰. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: گفتم: ای رسول خدا! چه عملی بهتر است؟ فرمودند: «ایمان به خدا و جهاد در راه او»^۱.

۷۵۱- وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَمَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَالرُّوحَةُ يَرْوَحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ الْعِدْوَةَ، خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۱. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یک روز پایداری و ایستادگی در راه خدا، از دنیا و هر چه بر روی آن است، بهتر است و جای تازیانهای یکی از شما در بهشت، از دنیا و هر آن چه بر روی آن است، بهتر می باشد و صبح تا ظهر یا ظهر تا غروب که بنده در آن به جهاد در راه خدا می رود، از دنیا و هر آن چه بر روی آن است، بهتر است»^۲.

۷۵۲- وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّ مَيِّتٍ يُحْتَمُ عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الْمُرَابِطَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يُنَمَّى لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَيُؤْمَنُ فِتْنَةَ الْقَبْرِ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۷۵۲. از «فضاله بن عبید» - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مرده ای بر اعمالش مهر زده و کارهایش با مرگ او تمام می شود، جز مرابط در راه خدا (کسی که در میدان جهاد از مسلمانان و جایگاهشان نگهبانی و مرزدار می کند) که عمل او تا قیامت برایش زیاد می شود و ادامه پیدا می کند و از فتنه ی قبر در امان نگه داشته می شود»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۱۸)، م (۸۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۹۲)، م (۱۸۸۱)].

۳- ابوداود [(۲۵۰۰)] و ترمذی [(۱۶۲۱)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۷۵۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مَكْلُومٍ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَكَلَّمَهُ يَدْمِي: اللَّوْنُ لَوْنُ دَمٍ، وَالرَّيْحُ رِيحُ مِسْكِ». متفقٌ عَلَيْهِ. ۷۵۳. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر مجروحی که در راه خدا زخمی گردد، یقیناً روز قیامت می‌آید، در حالی که از زخمش خون جاری می‌شود و رنگ، رنگ، رنگ خون و بو، بوی مشک است»^۱.

۷۵۴- وَعَنْهُ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَعْدِلُ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قَالَ: «لَا تَسْتَطِيعُونَهُ» فَأَعَادُوا عَلَيْهِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ: «لَا تَسْتَطِيعُونَهُ»! ثُمَّ قَالَ: «مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْقَانِتِ بَأَيَاتِ اللَّهِ لَا يَفْتُرُ مِنْ صَلَاةٍ وَلَا صِيَامٍ، حَتَّى يَرْجِعَ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۴. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: سؤال شد: ای رسول خدا! چه عملی با جهاد در راه خدا برابر است؟ فرمودند: «توانایی آن را ندارید!»، این سؤال برای دومین و سومین بار تکرار شد و هربار در جواب می‌فرمودند: «توانایی آن را ندارید» و در آخر فرمودند: «مثال مجاهد در راه خدا، مثال روزه‌دار ایستاده به عبادت و خاضع و خاشع در برابر آیات خداست که هیچ وقت نه از نماز و نه از روزه کوتاه نمی‌آید تا وقتی که مجاهد در راه خدا باز می‌گردد»^۲.

۷۵۵- وَعَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». رواه البخاري.

۷۵۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «در بهشت، صد مقام و درجه هست که خداوند آنها را برای مجاهدان در راه خدا آماده کرده است که فاصله‌ی بین دو درجه از آن درجات، به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین است»^۳.

۷۵۶- وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَهُوَ بِحَضْرَةِ الْعَدُوِّ، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ» فَقَامَ رَجُلٌ رَثٌّ الْهَيْئَةَ فَقَالَ: يَا أبا مُوسَى، أَأَنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ هَذَا؟ قَالَ:

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۵۳۳)، م (۱۸۷۶)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۷۸۵)، م (۱۸۷۸)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۷۹۰)].

نَعَمْ، فَرَجَعَ إِلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: «أَفْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ» ثُمَّ كَسَرَ جَنْفَ سَيْفِهِ فَأَلْفَاهُ، ثُمَّ مَشَى بِسَيْفِهِ إِلَى الْعَدُوِّ فَضْرَبَ بِهِ حَتَّى قُتِلَ». رواه مسلم.

۷۵۶. از ابوبکر بن ابوموسی اشعری روایت شده است که فرمود: از پدرم - رضی الله عنه - در حالیکه در برابر دشمن قرار داشت (یعنی در میدان جهاد بود) شنیدم که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دروازه‌های بهشت زیر سایه‌ی شمشیرها هستند»، مردی ژنده‌پوش بلند شد و گفت: ای ابوموسی! تو از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدی چنین بگویند؟ گفت: بله، سپس مرد به سوی یارانش برگشت و گفت: بر شما سلام گویم (خداحافظی کرد)! بعد غلاف شمشیرش را شکست و آن را به دور انداخت و با شمشیر کشیده به طرف دشمن حمله نمود و با آن جنگ کرد تا به شهادت رسید^۱.

۷۵۷- وعن أبي عبيد الرحمن بن جبر، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا اغْبَرَّتْ قَدَمًا عَبْدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَسَّهُ النَّارُ». رواه البخاري.

۷۵۷. از ابوعبید الرحمن بن جبر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پاهای هر بنده‌ای که در راه خدا غبار آلود شود، یقیناً آتش آن را لمس نمی کند».

۷۵۸- وعن أنس، رضي الله عنه، أن فتى من أسلم قال: يا رسول الله، إني أريد العزوة وليس معي ما أتجهز به، قال: «أنت فلاناً فإنه قد كان تجهز فمرض» فاتاه، فقال: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم يُقرئك السلام، ويقول: أعطني الذي تجهزت به. قال: يا فلان، أعطيه الذي كنت تجهزت به، ولا تحبسي عنه شيئاً، فوالله لا تحبسي منه شيئاً فيبارك لك فيه. رواه مسلم.

۷۵۸. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که جوانی از قبیله‌ی «اسلم» به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! من می خواهم جهاد کنم، ولی ساز و برگ جنگ ندارم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نزد فلان کس برو که او ساز و برگ جنگی را آماده کرد (و خواست به جهاد بیاید)، ولی بیمار شد». و جوان، نزد آن مرد رفت و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به تو سلام رساند و فرمودند: وسایلی که خود را با آن مسلح کرده بودی و آماده‌ی جهاد کرده بودی به من بده، آن مرد به زنش گفت: ساز و برگ مرا به او بده و چیزی از آن را پیش خودت باقی نگذار که به خدا سوگند، اگر چیزی از آن را (نزد خودت) نگه داری، آن چیز برایت برکتی نخواهد داشت^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۰۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۹۴)].

۷۵۹- وَعَنْ أَنَسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ، يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا، فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، لِمَا يَرَى مِنَ الْكِرَامَةِ».

وفي رواية: «لِمَا يَرَى مِنْ فَضْلِ الشَّهَادَةِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۹. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هیچ کس نیست که بعد از ورود به بهشت، دوست داشته باشد که به دنیا بازگردد، با وجود آن که هر چه در دنیاست، مال او باشد، جز شهید که آرزو می کند به دنیا بازگردد و ده مرتبه کشته شود، به سبب آن چه که از کرامت و بزرگی نعمت و پاداش می بیند».

در روایتی دیگر آمده است: «به واسطه‌ی آن چه از فضیلت شهادت می بیند»^۱.

۷۶۰- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَغْفِرُ اللَّهُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا الدِّينَ» رواه مسلم.

۷۶۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «تمام گناهان شهید، جز قرض (او)، بخشیده می شود»^۲.

۷۶۱- وَعَنْ سَمُرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أُتْيَانِي، فَصَعِدَا بِي الشَّجْرَةَ، فَأَدْخَلَانِي دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ، لَمْ أَرَ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهَا، قَالَا: أَمَا هَذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ». رواه البخاري.

۷۶۱. از سمره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «امشب در رؤیا دو مرد را دیدم که پیش من آمدند و مرا از درخت بالا بردند و پس از آن مرا به خانه‌ای داخل کردند که بسیار زیاد و بهتر (از هر جای دیگری) بود و هرگز از آن زیباتر ندیده‌ام، گفتند: این خانه، خانه‌ی شهیدان است»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۱۷)]، م (۱۸۷۷).

۲- مسلم روایت کرده است، [۱۸۸۶].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۸۶].

۷۶۲- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ثنتان لا تُردَّان، أو قلما تُردَّان: الدُّعاءُ عندَ التَّداءِ وعندَ البأسِ حينَ يُلحِمُ بَعْضُهُم بَعْضاً». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۶۲. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو دعا، رد نمی شود - یا: خیلی کم رد می شود: دعا در موقع اذان و دعا در وقت جنگ، هنگامی که لشکریان به هم می ریزند و جنگ در اوج خودش است!»^۱.

۷۶۳- وعن أنس رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا غزا قال: «اللَّهُمَّ أنتَ عَضُدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَجُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۷۶۳. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت جهاد می کرد، می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَجُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ»: خداوند! تو مددگار و یاری دهنده‌ی منی، به کمک تو حرکت نموده و به یاری تو بر دشمن حمله می کنم و به قدرت تو می جنگم»^۲.

۷۶۴- وعن ابن عمر، رضي الله عنهما، أنَّ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم قال: «الْخَيْلُ مَعْقُودَةٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» متفقٌ عليه.

۷۶۴. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خیر و برکت تا قیامت بر پیشانی اسبان بسته شده است»^۳.

۷۶۵- وعن عُقبَةَ بنِ عامِرِ الْجُهَنِيِّ، رضي الله عنه، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ، يَقُولُ: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمْيَ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمْيَ، رواه مسلم.

۷۶۵. از عقبه بن عامر جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله - در حالی که بالای منبر بود - شنیدم که می فرمودند: «(در آیه‌ی ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ هر

۱- ابوداود [۲۵۴۰] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- ابوداود [۲۶۳۲] و ترمذی [۳۵۷۸] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳- متفق علیه است؛ [خ] (۲۸۴۹)، م (۱۸۷۱).

نیروی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید!». بدانید که نیرو، تیراندازی است، نیرو، تیراندازی است، نیرو، تیراندازی است.^۱

۷۶۶- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «سَتُفْتَحُ عَلَيْكُمْ أَرْضُونَ، وَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ، فَلَا يَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُلْهَوْ بِأَسْهُمِهِ» رواه مسلم.

۷۶۶. از عقبه بن عامر جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «به زودی سرزمین هایی برای شما فتح می شود و خداوند شما را کفایت خواهد کرد و کافی است، پس هیچ کدام از شما هم نباید در تمرین کردن با تیرهای خود سستی کند و دست بردارد».^۲

۷۶۷- وَعَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ عَلَّمَ الرَّمِيَّ ثُمَّ تَرَكَهُ، فَلَيْسَ مِنَّا، أَوْ فَقَدْ عَصَى» رواه مسلم.

۷۶۷. از عقبه بن عامر جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که تیراندازی یاد بگیرد و بعد آن را ترک کند، از ما نیست - یا: گناه و نافرمانی کرده است».^۳

۷۶۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْزُ، وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِعَزْوٍ، مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النَّفَاقِ» رواه مسلم.

۷۶۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس بمیرد در حالی که جهاد نکرده و یا در دل قصد یا آرزوی جهاد نکرده است؛ بر خصلتی از خصلتهای نفاق مرده است».^۴

۷۶۹- وَعَنْ أَنَسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۶۹. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با مالها و جانها و زبانهای خود، با مشرکان جهاد کنید».^۵

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۷].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۸].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۹].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۰].

۵- ابوداود [۲۵۰۴] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۷۷۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ»
متفقٌ عليه.

۷۷۰. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جنگ، خدعه و نیرنگ است»^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۰۲۹)، م (۱۷۳۹)].

۲۲۸- باب بیان جماعه من الشهداء في ثواب الآخرة ويغسلون ويصلى عليهم

بخلاف القتل في حرب الكفار

باب بیان گروهی از مردگان و کشتگان که در آخرت، ثواب شهید را

دارند ولی باید شسته شوند و بر جنازه‌ی آنها نماز خوانده شود،

برخلاف شهید در جنگ با کفار

۷۷۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ: الْمَطْعُونُ، وَالْمَبْطُونُ، وَالغَرِيقُ، وَصَاحِبُ الْهَدْمِ، وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» متفق عليه.

۷۷۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شهیدان پنج نوع هستند: (۱) کسی که به طاعون و وبا فوت کرده است؛ (۲) کسی که به بیماری شکم فوت کند؛ (۳) کسی که در آب غرق شود؛ (۴) کسی که زیر آوار بماند؛ (۵) شهید در راه خدا.»

۷۷۲- وَعَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عمرو بن نَفِيلٍ، - أَحَدِ الْعَشْرَةِ الْمَشْهُودِ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، - قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۷۷۲. از سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، یکی از «عشره‌ی مبشره» - رضی الله عنهم - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «کسی که در راه دفاع از مالش کشته شود، شهید است و آن که در راه دفاع از جان و خونسش کشته شود، شهید است و آن که در راه دفاع از دینش کشته شود، شهید است و هر کس در راه دفاع از خانواده‌اش کشته شود، شهید است.»^۱

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۸۲۹)، م (۱۹۱۴)].

۲- ابوداود [(۴۷۷۲)] و ترمذی [(۱۴۲۱)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲۲۹- باب فضل العتق

باب فضیلت آزاد کردن برده

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَلَا أَفْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿۱۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿۱۲﴾ فَكُ رَقَبَةً ﴿۱۳﴾ ﴾ (البلد / ۱۱-۱۳)

«و او در آن گذرگاه سخت قدم نهاد. * و تو چه دانی که گذرگاه سخت چیست؟ * آزاد کردن بنده است.»

۷۷۳- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: قال لي رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ حَتَّى فَرَجَهُ بِفَرَجِهِ». متفقٌ عليه.

۷۷۳. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم به من فرمودند: «کسی که برده یا کنیز مسلمانی را از قید بردگی آزاد کند، خداوند در مقابل هر عضو از آن برده یا کنیز، عضوی از شخص آزادکننده را از آتش دوزخ آزاد می‌کند، حتی عضو تناسلی او را در مقابل عضو تناسلی برده و کنیز آزاد می‌نماید!»

۲۳۰- باب فضل الإحسان إلى المملوك

باب فضیلت احسان با بردگان و خادمان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ﴾ (النساء / ۳۶)

«(تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید».

۷۷۴- وعن المَعْرُورِ بْنِ سُؤَيْدٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَعَلَيْهِ حُلَّةٌ، وَعَلَى غُلَامِهِ مِثْلَهَا، فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَذَكَرَ أَنَّهُ سَابَّ رَجُلًا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَعَيَّرَهُ بِأُمَّهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّكَ أَمْرٌ فِينَا جَاهِلِيٌّ»: هُمْ إِخْوَانُكُمْ، وَخَوْلُكُمْ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ؛ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ، وَلْيَلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلَا تُكَلِّفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ، فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ فَأَعِينُوهُمْ»، متفق عليه.

۷۷۴. از معرور بن سوید روایت شده است که فرمود: ابوذر - رضی الله عنه - را دیدم که حله‌ای (جامه‌ای) پوشیده بود و غلامش نیز مثل آن را به تن داشت، علت آن را از او پرسیدم، در جواب گفت: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی دشنام دادم، در مورد مادرش او را نسبت عار دادم، (و گفتم: ای پسر زن سیاه!) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تو مردی هستی که جاهلیتی در تو هست، بردگان، برادران و خدمتکاران شما هستند که خداوند آنان را زیر دست شما قرار داده است، و هر کس برادرش زیر دست او باشد، باید از آن چه خود می‌خورد، به او بخوراند و از آن چه خود می‌پوشد به او بپوشاند و ایشان را به کاری که نتوانند انجام دهند مجبور نکنید، و اگر ایشان را مجبور کردید، خود در انجام دادن آن به آنان کمک کنید!».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۴۵)، م (۱۶۶۱)].

۲۳۱- باب فضل العبادۃ في الهرج وهو الاختلاط والفتن ونحوها

باب فضیلت عبادت در هنگام هرج و مرج و آن، آشتگی و ظهور فتنه‌ها و مانند آنهاست

۷۷۵- عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْعِبَادَةُ فِي الْهَرْجِ كَهَجْرَةِ إِلَيَّ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۷۷۵. از معقل به یسار - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عبادت در زمان هرج و مرج و آشتگی اوضاع، مانند هجرت به سوی من است»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۴۸].

۲۳۲- باب فضل السَّماحةِ في البيع والشراء والأخذ والعطاء، وحسن القضاء والتقاضي، وإرجاح المكيال والميزان، والنَّهي عن التطفيف، وفضل إنظار الموسر والمُعسر والوضع عنه

باب فضیلت بخشش و آسانگیری در معامله و داد و ستد و خوب ادا نمودن و خوب طلب مال کردن و سنگین وزن کردن و پیمانانه نمودن و نهی از کمفروشی و فضیلت مهلت دادن ثروتمند به تنگدست در پرداختن قرض و گذشت از قرض او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ حَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَليمٌ ﴾ (البقره / ۲۱۵)
«هر کار نیکی که انجام دهید، قطعاً خداوند بدان آگاه است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَيَنْقُومِ أَوْفُوا الْمَكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ﴾ (هود /

۸۵)

«شعیب علیه السلام به قومش گفت): ای قوم من! پیمانانه و ترازو را از روی عدل و داد، به تمام و کمال بسنجید و پیردازید و از چیزهای مردم نگاهید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ۝ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ

الْعَالَمِينَ ﴾ (المطففين / ۱-۶)

«وای به حال کاهندگان و کمفروشان! کسانی که وقتی برای خود پیمانانه می زنند، به تمام و کمال و افزون بر اندازه‌ی لازم دریافت می‌دارند و هنگامی که برای دیگران پیمانانه می زنند یا وزن می‌کنند، از اندازه‌ی لازم می‌کاهند. آیا اینان گمان نمی‌برند که دوباره زنده می‌گردند، در روزی بسیار بزرگ و هولناک، همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان برپا می‌ایستند.»

۷۷۶- وَعَنْ جَابِرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا اقْتَضَى». رواه البخاري.

۷۷۶. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند مردی را رحمت کند که هنگام خرید و فروش و پرداخت و دریافت، گشاده‌رو و دارای وسعت نظر است»^۱.

۷۷۷- وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنَجِّيَهُ اللَّهُ مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلْيُنْقِسْ عَن مُعْسِرٍ أَوْ يَضَعْ عَنْهُ» رواه مسلم.

۷۷۷. از ابوقتاده - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر کس دوست دارد خداوند او را از زحمت‌ها و اندوه‌های روز قیامت برهاند، در دریافت قرض، از بدهکار تنگدست، به او مهلت داده یا (از همه یا قسمتی) از آن صرف نظر کند»^۲.

۷۷۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَانَ رَجُلٌ يُدَايِنُ النَّاسَ، وَكَانَ يَقُولُ لِفَتَاهُ: إِذَا أَتَيْتَ مُعْسِرًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنَّا، فَلَقِيَ اللَّهَ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ» متفقٌ عليه.

۷۷۸. از ابوهریره رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی بود که به مردم قرض می‌داد و معمولاً به غلامش می‌گفت: وقتی برای مطالبه‌ی قرض نزد تنگدستی می‌روی، از او درگذر و صرف نظر کن، شاید خداوند (گناهان ما را ببخشد و) از ما درگذرد، سپس آن شخص فوت کرد و خداوند از تقصیر او گذشت»^۳.

۷۷۹- وَعَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خُوسِبَ رَجُلٌ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَلَمْ يُوْجَدْ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ شَيْءٌ، إِلَّا أَنَّهُ كَانَ يَخَالِطُ النَّاسَ، وَكَانَ مُوسِرًا، وَكَانَ يَأْمُرُ غُلَمَانَهُ أَنْ يَتَجَاوَزُوا عَنِ الْمُعْسِرِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «نَحْنُ أَحَقُّ بِذَلِكَ مِنْهُ، تَجَاوَزُوا عَنْهُ» رواه مسلم.

۷۷۹. از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یک نفر از کسانی که قبل از شما بودند پس از فوت، (اعمالش) مورد محاسبه قرار گرفت و هیچ کار خیری در اعمالش نبود، جز آن که او از راه تجارت و قرض دادن با مردم معاشرت داشت و او ثروتمند بود و معمولاً به

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۰۷۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۵۶۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۷۸)، م (۱۵۶۲)].

بردگانش امر می کرد که حال تنگدستان را رعایت و در مطالبه‌ی قرض از آنها صرف نظر کنند؛ خداوند (پس از فوت او) فرمودند: «ای فرشتگان! ما به این کار از او سزاوارتر هستیم، از او صرف نظر کنید»^۱.

۷۸۰- وَعَنْ جَابِرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اشْتَرَى مِنْهُ بَعِيرًا، فَوَزَنَ لَهُ، فَأَرْجَحَ. متفقٌ عليه.

۷۸۰. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از او شتری خرید و (پول) آن را برایش وزن کرد و بیشتر از قیمتش را به او پرداخت نمود^۲.

۷۸۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ وَضَعَ لَهُ، أَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ». رواه الترمذی وقال: حديثٌ حسنٌ صحيح.

۷۸۱- از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس که به بدهکار تنگدست مهلت دهد یا قرض خود را به او ببخشد، خداوند در آن روز که هیچ سایه و پناهی جز سایه‌ی عرش او نیست، او را در زیر سایه‌ی عرش خود قرار می دهد»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۵۶۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۹۷)، م (۷۱۵)].

۳- ترمذی [(۱۳۰۶)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

بخش سیزدهم:

کتاب علم

۲۳۳- بابُ فضل العلم تعلّمًا وتعلیمًا لله

باب فضیلت تعلیم و تعلّم برای خدا

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴾ (طه / ۱۱۴)

«ای پیامبر ﷺ! بگو: پروردگارا! بر دانشم بیفزای.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ (الزمر / ۹)

«ای پیامبر ﷺ! بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی

که بی بهره از معرفت و دانش اند، یکسانند؟».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَرْفَعُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ﴾ (المجادله / ۱۱)

«خداوند، کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که بهره ای از علم یافته اند، به درجات والایی رفعت می بخشد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا تَخَشَى اللهُ مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾ (فاطر / ۲۸)

«تنها بندگان دانا و عالم، از خدا ترس آمیخته با تعظیم و تقوا دارند.»

۷۸۲- وَعَنْ مُعَاوِيَةَ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ» متفقٌ عليه.

۷۸۲. از معاویه - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند نسبت به هر کس

اراده ای خیری داشته باشد، او را در دین عالم می گرداند!».

۷۸۳- وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً، وَحَدِّثُوا عَنِّي بِئِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ، وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۱)، م (۱۰۳۷)].

۷۸۳. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از من نقل و تبلیغ کنید و به مردم برسانید حتی اگر یک آیه هم باشد، و از بنی اسرائیل هم (آنچه را درست می‌دانید) نقل کنید و گناهی ندارد و هر کس عمداً دروغی بر من ببندد، باید جایگاهش را از دوزخ آماده کند»^۱.

۷۸۴ - وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، قال: «ومن سلك طريقاً يلتمس فيه علماً، سهل الله له به طريقاً إلى الجنة» رواه مسلم.

۷۸۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، خداوند با آن راهی به سوی بهشت، برای او هموار می‌نماید»^۲.

۷۸۵ - وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له» رواه مسلم.

۷۸۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی انسان بمیرد، ثواب عمل او (جز از سه مورد) قطع می‌شود: (۱) صدقه‌ای جاریه و همیشه‌گی؛ (۲) علمی که از آن بهره گرفته شود؛ (۳) فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند»^۳.

۷۸۶ - وعن أبي أمامة، رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «فضل العالم على العابد كفضلي على أدناكم» ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إن الله وملائكته وأهل السموات والأرض حتى النملة في جحرها وحتى الحوت ليصلون على معلمي الناس الخير» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۷۸۶. از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برتری عالم بر عابد، مانند برتری من بر پایین‌ترین و کم‌ترین شماس است» و سپس فرمودند: «خدا و فرشتگان او و ساکنان آسمان و زمین، حتی مورچه در سوراخ خود و حتی ماهی، بر آموزنده‌ی خیر و معلم نیکی به مردم، صلوات می‌فرستند و دعای خیر می‌کنند»^۴.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۴۶۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۹۹)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۳۱)].

۴- ترمذی [(۲۶۸۶)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۷۸۷- وعن ابن مسعود، رضي الله عنه، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «نَضَّرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا، فَبَلَغَهُ كَمَا سَمِعَهُ، فَرُبَّ مُبَلِّغٍ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ». رواه الترمذی وقال: حديث حسن صحيح.

۷۸۷. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «خداوند شاد کند کسی را که از ما چیزی شنید و هم چنان که شنیده، تبلیغ کرد و چه بسا کسی که به او تبلیغ می شود، از شنونده آگاه تر و نگهدارنده تر به مقاصد ارزشمند معانی باشد»^۱.

۷۸۸- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سِئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكْتَمَهُ، أُلْجِمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ». رواه أبو داود والترمذی، وقال: حديث حسن.

۷۸۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس از او سؤالی از علم (دین) بشود و او جواب آن را بپوشاند (و بداند و نگوید)، روز قیامت، به لگامی از آتش، لگام خواهد شد»^۲.

۷۸۹- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ وَجْهُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرَفَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» يعني: ربحها، رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۸۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که تنها برای آن که از مال دنیا بهره ای بیابد، علمی از علومی را که رضای خداوند عزوجل در آنها طلب می شود، بیاموزد، بوی بهشت را در روز قیامت نمی یابد»^۳.

۷۹۰- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ النَّاسِ، وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا، اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤُوسًا جُهَالًا فَسُئِلُوا، فَأُفْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» متفق عليه.

۷۹۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «خداوند علم را با برچیدن آن از میان مردم نمی گیرد، بلکه با گرفتن (و مرگ) علما،

۱- ترمذی [(۲۶۵۹)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ابوداود [(۳۶۵۸)] و ترمذی [(۲۶۵۱)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- ابوداود [(۳۶۶۴)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

علم را می‌گیرد و برمی‌چیند، تا آن‌گاه که عالمی را باقی نمی‌گذارد و مردم، رؤسای جاهلی برمی‌گیرند که از ایشان سؤال می‌شود و آنان بدون آگاهی فتوا می‌دهند، خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند^۱.

(به حدیث شماره: ۱۲۰ و ۳۳۱ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۰۰)، م (۲۶۷۳)].

بخش چهاردهم:
کتاب سپاس و ستایش
و شکر خداوند متعال

۲۴۲- باب وجوب الشکر

باب در لازم بودن شکر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَادْكُرُونِيْ أَدْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِيْ وَلَا تَكْفُرُونِ ﴾ (البقره / ۱۵۲)

«پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم، و از من سپاسگزاری کنید و مرا ناسپاسی نکنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ لِيْنِ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ﴾ (ابراهيم / ۷)

«اگر سپاسگزاری کنید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ﴾ (الإسراء / ۱۱۱)

«بگو: سپاس و ستایش، سزاوار خداوند یکتاست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَآخِرُ دَعْوَانَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾ (یونس / ۱۰)

«پایان بخش دعای ایشان (مؤمنان در بهشت این است که) شکر و سپاس و ستایش، پروردگار

جهانیان را سزاست.»

۷۹۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ» حديث حسن، رواه أبو داود وغيره.

۷۹۱. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هر کار مهمی که با الحمدالله

شروع نشود، آن کار بدون عاقبت و برکت است!»

۷۹۲- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا

مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمْرَةَ

فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: فَمَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَعَ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى:

ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَسَمُّهُ بَيْتُ الْحَمْدِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۱- حدیثی حسن است که ابو داود [(۴۸۴۰)] و غیر او روایت کرده‌اند.

۷۹۲. از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه فرزند بنده (ی مؤمن) می‌میرد، خداوند به فرشتگان خود می‌فرماید: جان فرزند بنده‌ی مرا گرفتید؟ می‌گویند: بله، می‌فرماید: ثمره‌ی دل او را گرفتید؟ عرض می‌کنند: بله، می‌فرماید: و بنده‌ی من چه گفت؟! عرض می‌کنند: سپاس و ستایش تو را به جای آورد و گفت: (إنا لله وإنا إليه راجعون) (ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم)، سپس خداوند متعال می‌فرماید: برای بنده‌ی من خانه‌ای در بهشت بنا کنید و نام آن را خانه‌ی سپاس و ستایش (بیت الحمد) بگذارید!»^۱

(به حدیث شماره: ۹۲ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۱۰۲۱] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

بخش پانزدهم:
کتاب صلوات بر پیامبر

خدا ^{صلی الله علیه}
وآلِهِ وَسَلَّمَ

۲۳۵- باب الأمر بالصلاة عليه وفضلها وبعض صيغها

باب امر به درود فرستادن بر رسول الله و فضیلت آن و بعضی از صیغه‌های آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب / ۵۶)

«خداوند و فرشتگان بر پیامبر صلوات و درود می‌فرستند، پس ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما نیز بر او صلوات و درود بفرستید».

۷۹۳- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص، رضي الله عنهما أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «من صلى عليَّ صلاةً، صلى الله عليه بها عشراً» رواه مسلم.

۷۹۳. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضي الله عنه - روایت شده است که وی از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم شنید که می‌فرمودند: «هرکس بر من درودی بفرستد، خداوند به سبب آن ده مرتبه بر او درود می‌فرستد»^۱.

۷۹۴- وعن أوس بن أوس، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ» فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرْمَتَ؟! قَالَ: - يَقُولُ: بَلَيْتَ، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيَّ الْأَرْضِ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ». رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۷۹۴. از اوس بن اوس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «از برترین و بزرگ‌ترین روزهای شما، روز جمعه است؛ پس در آن روز بر من زیاد درود بفرستید، زیرا صلوات و درودهای شما بر من عرضه می‌شود»، گفتند: ای رسول خدا! چگونه درود ما بر تو عرضه می‌شود در حالی که بدن تو فرسوده شده است؟! فرمودند: «خداوند عزوجل، اجساد پیامبران را بر زمین حرام کرده است، (اجساد پیامبران سالم می‌ماند)»^۲.

۷۹۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸۴)].

۲- ابوداود [(۱۰۴۷)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۷۹۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بینی آن کسی به خاک مالیده باد که نام مرا نزد او ببرند و بر من درود نفرستد!»^۱.

۷۹۶- وعنه رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۹۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قبر مرا محل عید و جای مراجعه و ازدحام قرار ندهید، بلکه بر من درود بفرستید که هر کجا باشید درودهای شما به من می‌رسد»^۲.

۷۹۷- وعن كعب بن عُجْرَةَ، رضي الله عنه، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ عَلِمْنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ، فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». متفقٌ عليه.

۷۹۷. از کعب بن عجره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما تشریف آورد، گفتیم: ای رسول خدا! می‌دانیم چگونه بر تو سلام بفرستیم، اما چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ فرمودند: «بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست، چنان که بر آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستایش شده و بزرگواری؛ خداوندا! به محمد و آل محمد برکت عطا کن هم‌چنان که به آل ابراهیم برکت عطا کردی که به راستی تو ستوده و بزرگوار هستی»^۳.

۷۹۸- وَعَنْ أَبِي حَمِيدٍ السَّاعِدِيِّ، رضي الله عنه، قَالَ: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» متفقٌ عليه.

۱- ترمذی [۳۵۳۹] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ابوداود [۲۰۴۲] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳- متفق علیه است؛ [خ (۴۷۹۷)، م (۴۰۶)].

۷۹۸. از ابوحمید ساعدی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: صحابه گفتند: ای رسول خدا! چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ فرمودند: «بگویند: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ: خدایا! بر محمد و همسران و نواده‌های او درود بفرست چنان که بر آل ابراهیم درود فرستادی، و به محمد و همسران و نواده‌های او برکت ده همان‌گونه که به آل ابراهیم برکت دادی که همانا تو ستوده و بزرگواری»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۳۶۹)، م (۴۰۷)].

بخش شانزدهم:

کتاب اذکار

۲۳۶- باب فضل الذکر والحثّ علیه
باب فضیلت ذکر و تشویق بر آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (العنكبوت / ۴۵)

«قطعاً ذکر و یاد خداوند (از هر چیز دیگری) والاتر و بزرگ‌تر است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَادْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ﴾ (البقره / ۱۵۲)

«مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّنَا فِي نَفْسِكَ تَضُرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا

تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ (الأعراف / ۲۰۵)

«پروردگارت را در دل خود، با فروتنی و هراس و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از زمره‌ی غافلان نباش.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الجمعه / ۱۰)

«خدا را بسیار یاد کنید، تا شاید رستگار شوید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ

مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (الأحزاب / ۳۵)

«مردان مسلمان و زنان مسلمان ... مردانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه‌ی آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤٢﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (الأحزاب / ۴۱-

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیار خدای را یاد کنید و بامدادان و شامگاهان به تسبیح و تقدیس او بپردازید».

آیات در این مورد فراوان و معلوم هستند.

۷۹۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». متفقٌ عليه.

۷۹۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو کلمه هستند که بر زبان سبک و در ترازوی اعمال سنگین و نزد خداوند محبوب می‌باشند: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ: سپاس و ستایش خداوند پاک و منزّه را به جای می‌آورم و خداوند با عظمت را به پاکی یاد می‌کنم!».

۸۰۰- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةٌ مَرَّةً كَانَتْ لَهُ عِدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةٌ حَسَنَةٍ، وَمُحِبَّتٌ عَنْهُ مِائَةٌ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِزْبًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُنْسِي، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلٍ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ. وَقَالَ: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، فِي يَوْمٍ مِائَةٌ مَرَّةً، حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». متفقٌ عليه.

۸۰۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در هر روز صدبار این دعا را بخواند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: هیچ معبودی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است، پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر چیزی و هر کاری تواناست»، ثوابش برای او معادل ثواب آزاد کردن ده برده است و برای او صد کار نیک نوشته و صد گناه از او پاک می‌گردد و آن روز تا غروب از شر شیطان محفوظ و در امان است، و هیچ کس کاری بهتر از آن نکرده، مگر آن کس که بیشتر از او عمل کرده باشد». و نیز فرمودند: «هر کس در روز، صد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ: پاک و

منزه از هر عیبی یکتاست و من او را سپاس و ستایش می‌کنم»، گناهان او پاک می‌شوند، اگرچه به اندازه‌ی کف دریاها (زیاد) باشد»^۱.

۸۰۱- وَعَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: عَلَّمَنِي كَلِمًا أَقُولُهُ. قَالَ: قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. قَالَ: فَهَؤُلَاءِ لِرَبِّي، فَمَا لِي؟ قَالَ: «قُلْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي». رواه مسلم.

۸۰۱ از سعد ابن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: شخص اعرابی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: سخنی به من یاد بده که آن را بگویم، فرمودند: «بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: هیچ خدایی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است، خداوندی که از هر بزرگی، بزرگ‌تر است، و سپاس و ستایش فراوان سزاوار او و از آن اوست، و پاک و منزه است پروردگار جهانیان، و هیچ کس را هیچ نیرویی برای انجام هیچ عملی نیست جز به اراده و امر خداوند بزرگ و حکیم»، آن مرد گفت: این‌ها برای خدای من است، برای خودم چه؟ فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي: بارخدایا! مرا بیمارز و بر من ببخشای و مرا هدایت نما و روزی عطا فرما»^۲.

۸۰۲- وَعَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا، وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» قِيلَ لِلأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رُوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الاسْتِغْفَارُ؟ قَالَ: تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. رواه مسلم.

۸۰۲ از «ثوبان» - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از نماز سلام می‌داد، سه مرتبه استغفار نموده، می‌فرمودند: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ! خداوندا! سلام (دهنده و گیرنده‌ی سلامت و آسایش) تو هستی و سلامت و آسایش از توست، تو با عظمتی و صفات جلال و جمالت بسیارند، ای دارای عظمت و بخشش! به «اوزاعی» -

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۰۳)، م (۲۶۹۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۹۶)].

که از روایان حدیث است - گفته شد: استغفار چگونه است؟ «جواب داد: می‌گویی: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ: از خداوند طلب بخشش می‌کنم»^۱.

۸۰۳- وَعَنْ الْمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» متفق عليه.

۸۰۳. از مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که از نماز فارغ می‌شد و سلام می‌داد، می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ: هیچ خدایی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر همه چیز تواناست؛ خدایا! آنچه را که عطا کنی هیچ کسی نمی‌تواند رد کند یا جلو آن را بگیرد و آنچه را که منع می‌کنی هیچ کسی نمی‌تواند عطا کند و ثروت ثروتمند، به او نفعی نمی‌رساند (اگر خدا نخواهد)»^۲.

۸۰۴- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ، حِينَ يُسَلِّمُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» قَالَ ابْنُ الزُّبَيْرِ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يُهَلِّلُ بِهِمْ ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ. رواه مسلم.

۸۰۴. از عبدالله بن زبیر - رضی الله عنه - روایت شده است که او در پایان هر نماز این دعا را می‌خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ: هیچ خدایی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و پادشاهی و سپاس و

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۹۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۴۴)، م (۵۹۳)].

ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر کاری تواناست و هیچ کس را هیچ نیرویی برای انجام هیچ عملی نیست جز به اراده و امر خدا؛ جز الله خدایی نیست و جز او را پرستش نمی کنیم، نعمت‌ها و بخشش‌ها و لطف‌ها از جانب او و سپاس و ستایش نیکو از آن اوست، هیچ معبودی جز الله نیست و خالصانه برای او عبادت و دینداری می کنیم، اگرچه کافران بدشان بیاید، ابن زبیر می گوید: پیامبر ﷺ بعد از هر نماز فرض، با این تسبیحات ذکر و تهلیل می فرمود^۱.

۸۰۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من سبح الله في دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». رواه مسلم.

۸۰۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس بعد از هر نماز، ۳۳ بار سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار الله اکبر بگوید و در آخر در سر عدد صد، بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: هیچ معبودی جز الله نیست که تنها و بی شریک است، پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر چیزی و هر کاری تواناست، تمام گناهان او بخشیده می شود، اگرچه مانند کف دریاها (زیاد) باشد»^۲.

۸۰۶- وعن سعد بن أبي وقاص رضي عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يتعوذُ دُبُرَ الصَّلَاةِ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَبَنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ» رواه البخاري.

۸۰۶. از سعد ابن ابی وقاص - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ در پایان نمازها با این کلمات به خدا پناه می برد و تعوذ می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَبَنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ: بار خدایا! من از ترس و حسد و

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۹۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۹۷)].

خست و از این که به پیری ناقص کننده‌ی عقل و نیرو برسم و از فتنه‌ی دنیا و فتنه‌ی قبر به تو پناه می‌برم!^۱.

۸۰۷- وعن معاذ رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أخذ بيده وقال: «يا معاذ، واللّه إنّي لأحِبُّكَ» فقال: «أوصيك يا معاذ لا تدعني في دُبرِ كلِّ صلاةٍ تقول: اللّهُمَّ أعني على ذكرك، وشكرك، وحسن عبادتك». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۸۰۷. از معاذ رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم دست او را گرفتند و فرمودند: «ای معاذ! به خدا سوگند، من تو را دوست دارم»، سپس فرمودند: «به تو وصیت می‌کنم ای معاذ که بعد از هر نماز، این دعا را بخوانی و آن را ترک نکنی: اللّهُمَّ أعني على ذكرك، وشكرك، وحسن عبادتك: بار خدایا! مرا بر ذکر و شکر و نیکی عبادتت یاری ده»^۲.

۸۰۸- عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إذا تشهّد أحدكم فليستعذ بالله من أربع، يقول: اللّهُمَّ إنّي أعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن شرّ فتنة المسيح الدجال». رواه مسلم.

۸۰۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرگاه یکی از شما تحیت و تشهد خواند، (در پایان آن) از چهار چیز به خدا پناه ببرد و بگوید: اللّهُمَّ إنّي أعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن شرّ فتنة المسيح الدجال: خداوند! من از عذاب دوزخ و عذاب قبر و از فتنه‌ی زندگی و مرگ و از شر فتنه‌ی مسیح دجال به تو پناه می‌برم»^۳.

۸۰۹- وعن علي رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا قام إلى الصلاة يكون من آخر ما يقول بين التشهد والتسليم: «اللّهُمَّ اغفر لي ما قدّمت وما أخرت، وما أسررت وما أعلنت، وما أسرفت، وما أنت أعلم به مني، أنت المقدم، وأنت المؤخر، لا إله إلا أنت» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۳۷۰)].

۲- ابوداود [(۱۵۲۲)] به اسناد صحیح روایت کرده است. [این حدیث قبلاً هم به شماره‌ی ۳۸۴، آمده است].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۸۸)].

۸۰۹. از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که به نماز برمی‌خواست، از آخرین دعاهایی که بین تحیت و سلام می‌خواند، این بود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: بار خدایا! گناهان گذشته و آینده من و گناهانی که پنهان و آشکارا انجام داده‌ام، و زیاده‌روی‌های من، و هر آن‌چه را که تو از من بهتر می‌دانی و از من سر زده است، بیامرز که پیش برنده و به عقب اندازنده تو هستی و خدایی جز تو نیست»^۱.

۸۱۰- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان النبي صلى الله عليه وسلم يُكثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» متفق عليه.

۸۱۰. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش زیاد می‌فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي: بار خدایا! تو پاک و منزه هستی، ای پروردگار ما! و به سپاس و ستایش تو مشغولم، پروردگارا! مرا بیامرزا!»^۲.

۸۱۱- وَعَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» رواه مسلم.

۸۱۱. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش می‌فرمودند: «سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ: (خداوند)، بسیار منزه و بی‌عیب و بسیار پاک، و پروردگار فرشتگان و جبرئیل است»^۳.

۸۱۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظَّمُوا فِيهِ الرَّبَّ، وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِينٌ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ» رواه مسلم.

۸۱۲. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در رکوع، خداوند عزوجل را به عظمت و بزرگی یاد کنید؛ و در سجده، در دعا کردن بکوشید که سزاوار و شایسته است که دعای شما (در آن) قبول شود»^۴.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۷۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۱۷)، م (۴۸۴)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۸۷)].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۷۹)].

۸۱۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أقرب ما يكون العبد من ربه وهو ساجد، فأكثروا الدعاء» رواه مسلم.

۸۱۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نزدیک ترین حالتی که بنده به خدایش نزدیک باشد، حالت سجده است، پس (در سجده) بسیار دعا بخوانید»^۱.

۸۱۴- وعن أم المؤمنين جويرية بنت الحارث رضي الله عنها أن النبي صلى الله عليه وسلم خرج من عندها بكرة حين صلى الصبح وهي في مسجدها، ثم رجع بعد أن أضحى وهي جالسة فقال: «ما زلت على الحال التي فارقتك عليها؟ قالت: نعم، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «لقد قلت بعدك أربع كلمات ثلاث مرات، لو وزنت بما قلت منذ اليوم لوزنتهن: سبحان الله وبحمده عدد خلقه، ورضا نفسه، وزنة عرشه، ومداد كلماته». رواه مسلم.

۸۱۴. از أم المؤمنین جویریة دختر حارث - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله یک روز صبح زود موقعی که نماز صبح را به جای آورد، از نزد او بیرون رفت و جویریة در جای نماز خود (به نماز و ذکر نشسته) بود و بعد از آن که چاشت شد، بازگشت در حالی که جویریة هم چنان نشسته بود، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمودند: «(من بازگشتم و) تو هم چنان بر حالت قبلی خودت هستی»، گفت: بله، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(من بعد از (رفتن از پیش) تو چهار کلمه را سه بار گفته ام که اگر با آن چه امروز از صبح گفته ای، وزن شود، سنگین تر خواهد بود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضًا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ: خدا را به تعداد مخلوقاتش، و به قدرت رضایت او و وزن عرش او و مرکب نوشتن کلمات او به پاکی و تنزیه یاد می کنم»^۲.

۸۱۵- وعن أبي موسى الأشعري، رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: «مثل الذي يذكر ربه والذي لا يذكره، مثل الحي والميت» رواه مسلم والبخاري.

۸۱۵. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال کسی که پروردگار خود را یاد می کند و کسی که او را یاد نمی کند، مثال زنده و مرده است»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۲)۴].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۶)۲].

۳- بخاری و مسلم روایت کرده اند؛ [خ(۶۴۰۷)۶].

۸۱۶- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ، ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ، ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ» متفق عليه.

۸۱۶. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: من با گمان بنده ام نسبت به من، همراهم (با او چنان رفتار می کنم که او گمان می برد) و در هر جا مرا یاد کند، (با توفیق و هدایت خود) با او خواهم بود؛ اگر او مرا در دل خود یاد کند، من نیز او را پیش خودم یاد می کنم و اگر در حضور جمعی مرا یاد کند، در جمعی بهتر از جمع ایشان، او را یاد خواهم کرد»^۱.

۸۱۷- وعنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ» قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: «الذَّاكِرُونَ اللهُ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتُ» رواه مسلم.

۸۱۷. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «مفردان سبقت گرفتند و برنده شدند»، گفتند: ای رسول خدا! مفردان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «مردان و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند»^۲.

۸۱۸- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال لي رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟» فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ، قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» متفق عليه.

۸۱۸. از ابوموسی اشعری - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به من فرمودند: «آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت راهنمایی کنم؟» گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۳.

(به احادیث شماره: ۷۴ و ۷۶ مراجعه شود).

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۴۰۵)، م (۲۶۷۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۷۶)].

۳- متفق عليه است؛ [(۶۴۰۹)، م (۲۷۰۴)].

۲۳۷- باب ذکر الله تعالی قائماً وقاعداً ومضطجعاً ومحدثاً وجنباً وحائضاً إلا القرآن

فلا يحل لجنب ولا حائض

باب ذکر خدا در حال ایستادن، نشستن، دراز کشیدن، بدون وضو و در حال جنابت و حیض جز تلاوت قرآن که برای جنب و حائض حلال نیست

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩١﴾﴾

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ ﴿١٩١﴾ (آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱)

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان است؛ کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و افتاده بر پهلوهایشان یاد می‌کنند.»

۸۱۹- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ. رواه مسلم.

۸۱۹. از عایشه - رضي الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وسلم در تمام حالاتش خدا را یاد می‌کرد.^۱

۸۲۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا، فَقَضَىٰ بَيْنَهُمَا وُلْدًا، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا». متفقٌ عليه.

۸۲۰. از ابن عباس - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرگاه یکی از شما خواست نزد همسرش برود و با او نزدیکی کند، اگر بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا، فَقَضَىٰ بَيْنَهُمَا وُلْدًا، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا! ما را از شر شیطان دور نگه دار و شیطان را از آنچه رزق ما کرده‌ای، دور کن. اگر فرزندی برای ایشان در آن عمل مقدر شد، هیچ شیطانی به او ضرری نمی‌رساند.»^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۷۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۷۱)، م (۱۴۳۴)].

۲۳۸- باب ما یقوله عند نومه واستيقاظه

باب دعاهایی که موقع خوابیدن و بیدار شدن خوانده می‌شود

۸۲۱- عن حُدَيْفَةَ، وَأَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «بِسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ» وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» رواه البخاري.

۸۲۱ از حدیفه و ابوذر رضی الله عنهما - روایت شده است که آن دو گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی (برای خواب) به بسترش تشریف می‌برد، می‌فرمودند: «بِسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ: پروردگارا! به نام تو می‌میرم و زنده می‌شوم» و هنگامی که بیدار می‌شد، می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ: سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که ما را بعد از میراندن زنده گردانید و بازگشت (همه) به سوی اوست»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۳۱۲].

۲۳۹- باب فضل حلقِ الذَّكْرِ والتَّدْبِ إلى ملازمتها والنَّهْيِ عن مفارقتها لغير عذر
باب بیان فضیلت حلقه‌های ذکر و استحباب ملازمت آنها و نهی از
دوری از آنها بدون عذر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ^ط وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ ﴾ (الكهف / ۲۸)

«ای پیامبرص! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای خود را می‌خوانند و عبادت می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند و چشمانت را از ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان متکبر، برای خواستن زینت زندگی دنیوی) برمگردان.»

۸۲۲- وعن أبي واقد الحارث بن عوف رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم بينما هو جالس في المسجد، والناس معه، إذ أقبل ثلاثة نفر، فأقبل اثنان إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، وذهب واحد؛ فوقفوا على رسول الله صلى الله عليه وسلم. فأما أحدهما فرأى فرجة في الحلقة فجلس فيها، وأما الآخر فجلس خلفهم، وأما الثالث فادبر ذاهباً. فلما فرغ رسول الله صلى الله عليه وسلم، قال: «ألا أخبركم عن النفر الثلاثة: أما أحدهم فأوى إلى الله فأواه الله. وأما الآخر فاستحى فاستحى الله منه، وأما الآخر، فأعرض، فأعرض الله عنه». متفق عليه.

۸۲۲. از ابو واقد حارث بن عوف - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: یک بار هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود و مردم در حضور او بودند، سه نفر پیش آمدند، دو نفر از آنان به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و سومی رفت، آن دو نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستادند، یکی از آنها فاصله‌ای در حلقه‌ی مردم دید و در آن جا نشست و دومی پشت حلقه نشست و سومی رو برگرداند و رفت؛ بعد پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن که فراغت یافتند، فرمودند: «آیا شما را از این سه نفر باخبر کنم؟ یکی از ایشان به سوی خدا پناه برد و خدا او را پناه داد و دیگری حیا کرد، خداوند نیز از او حیا کرد و نفر سوم از خدا اعراض کرد و خداوند نیز از او اعراض نمود!»

۸۲۳- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: خرج معاوية رضي الله عنه على حلقة في المسجد، فقال: ما أجلسكم؟ قالوا: جلسنا نذكر الله. قال: الله ما أجلسكم إلا ذاك؟ قالوا: ما

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۶)، م (۲۱۷۶)].

أَجَلَسْنَا إِلَّا ذَاكَ، قَالَ: أَمَا إِنِّي لَمْ أَسْتَحْلِفْكُمْ تَهْمَةً لَكُمْ، وَمَا كَانَ أَحَدٌ بِمَنْزِلَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَقَلَّ عَنْهُ حَدِيثًا مِنِّي: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ عَلَى حَلْقَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: «مَا أَجَلَسْتُكُمْ؟» قَالُوا: جَلَسْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ وَنَحْمَدُهُ عَلَى مَا هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ؛ وَمَنْ بِهِ عَلَيْنَا. قَالَ: «اللَّهُ مَا أَجَلَسْتُكُمْ إِلَّا ذَاكَ؟» قَالُوا: وَاللَّهِ مَا أَجَلَسْنَا إِلَّا ذَاكَ. قَالَ: «أَمَا إِنِّي لَمْ أَسْتَحْلِفْكُمْ تَهْمَةً لَكُمْ، وَلَكِنَّهُ أَتَانِي جِبْرِيْلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ». رواه مسلم.

۸۲۳ از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: حضرت معاویه - رضی الله عنه - بر حلقه‌ای در مسجد وارد شد و گفت: چه چیز شما را در این مجلس جمع کرده است؟ گفتند: نشستیم ذکر خدا را می‌کنیم، گفت: شما را به خدا، آیا فقط برای ذکر خدا در این جا نشسته‌اید؟ گفتند: بله، هیچ چیز جز آن، ما را این جا جمع نیاورده است، حضرت معاویه رضی الله عنه گفت: شما را به خدا سوگند ندادم برای این که بر شما تهمتی وارد کنم یا به شما بدبین باشم و من از همه‌ی هم‌مطرازان خود کم‌تر حدیث از پیامبر نقل می‌کنم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حلقه‌ی جمعی از اصحابش وارد شد و فرمودند: «چه چیز موجب شده که شما این جا جمع شوید؟» گفتند: نشستیم تا ذکر خدا را به جا بیاوریم و بر این نعمت بزرگ که ما را به اسلام هدایت فرموده و بدین وسیله بر ما منت نهاده است، او را سپاس و ستایش کنیم. فرمودند: «شما را به خدا، هیچ چیز جز این شما را این جا جمع نکرده است؟» عرض کردند: به خدا سوگند، چیزی جز آن ما را این جا جمع نیاورده است، فرمودند: من شما را از لحاظ بدبینی و بی‌باوری به شما سوگند ندادم ولی جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من گفت که: خداوند در نزد فرشتگان به شما مباحثات می‌کند.^۱

(به حدیث شماره: ۶۱۴ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۰۱)].

۲۴۰- باب الذکر عند الصباح والمساء

باب ذکر در هنگام صبح و غروب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ (الأعراف / ۲۰۵)

«پروردگارت را در دل خود، با فروتنی و هراس و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از زمره‌ی غافلان نباش.»

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ (طه / ۱۳۰)

«قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن به حمد خداوند، وی را تسبیح کن.»

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ (غافر / ۵۵)

«بامدادان و شامگاهان به سپاس و ستایش پروردگارت بپرداز.»

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (النور / ۳۶-۳۷)

«در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است، برافراشته شوند و در آنها نام خدا ذکر شود، در آنها بامدادان و شامگاهان به تسبیح و تقدیس خداوند متعال می‌پردازند، مردانی که بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا غافل نمی‌سازد.»

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ (ص / ۸)

«ما کوه‌ها را با او (داود) هم آوا کردیم که بامدادان و شامگاهان به تسبیح و تقدیس (خداوند متعال) می‌پرداختند.»

۸۲۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من قال حين يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مائة مرة لم يأت أحد يوم القيامة بأفضل مما جاء به، إلاَّ أحد قال مثل ما قال أو زاد» رواه مسلم.

۸۲۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس (همیشه) هنگام صبح و غروب صدبار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، هیچ کس در قیامت عملی بزرگ تر و باارزش تر از عمل او نمی آورد جز کسی که مثل او یا بیشتر از او گفته باشد»^۱.

۸۲۶- وعنه قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم، فقال: يا رسول الله، ما لقيت من عقراب لدغتي البارحة، قال: «أما لو قلت حين أمسيت: أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق، لم تضرك» رواه مسلم.

۸۲۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! دیشب از عقربی که مرا نیش زد سخت آزرده شدم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر هنگام غروب می گفتی: أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق؛ پناه می برم به کلمات تامه‌ی خداوند از آنچه آفریده است، به تو ضرری نمی رسانید»^۲.

۸۲۷- وعنه أن أبا بكر الصديق، رضي الله عنه، قال: يا رسول الله مُرِنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ، قَالَ: قُلْ: «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَ» قَالَ: «فُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ» رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۲۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - فرمودند: ای رسول خدا! کلماتی را به من یاد ده که هنگام صبح و غروب بگویم، فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَ؛ بارخدا یا! ای آفریننده و گسترنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای داننده‌ی پنهان و آشکار! ای پروردگار و مالک همه چیز! شهادت می دهم که جز تو خدایی نیست، پناه می جویم به تو از شر نفس خود و از شر ابلیس و شرک او»، سپس فرمودند: «این دعا را هنگام صبح و غروب و رفتن به رختخواب بخوان»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۹۲].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۹].

۳- ابوداود [۵۰۶۷] و ترمذی [۳۳۸۹] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۸۲۸- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَمْسَى قَالَ: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» قَالَ الرَّوَيْ: أَرَاهُ قَالَ فِيهِ: «لَهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَشَوْءِ الْكَبِيرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ، وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ». وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ». رواه مسلم.

۸۲۸. از ابن مسعود - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هنگام غروب می فرمودند: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: غروب کردیم و فرمانروایی و پادشاهی هم چنان از آن خداوند است، و سپاس و ستایش از آن اوست، و هیچ خدایی جز او نیست و تنها و بی شریک است»، راوی می گوید: به نظرم پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در آن ذکر می فرمودند: «لَهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَشَوْءِ الْكَبِيرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ، وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ: ملک و سپاس و ستایش سزاوار اوست و او بر هر کاری تواناست، خدا یا! منفعت و نیکی های این شب و اوقات بعد از آن را از تو می خواهم و پناه می برم به تو از شر آنچه در این شب است و شر اوقات بعد از آن، پروردگارا! پناه می برم به تو از سستی و کسالت و پیری بد، پناه می برم به تو از عذاب دوزخ و عذاب قبر»، چون صبح می شد نیز آنها را تماماً بیان و در اول آن می فرمودند: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ: صبح کردیم و فرمانروایی و پادشاهی هم چنان از آن خداوند است!».

۸۲۹- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُبَيْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اقْرَأْ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمَعُودَتَيْنِ حِينَ تُمَسِّي وَحِينَ تُصْبِحُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۲۹. از عبدالله بن حُییب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را موقع غروب و موقع صبح، سه بار بخوان، تو را از همه چیز کفایت می‌کند»^۱.

۸۳۰ - وعن عُثْمَانَ بْنِ عَفَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، إِلَّا لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۳۰. از حضرت عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر بنده‌ای که هر روز در صبح، و هر شب در غروب، سه بار بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» به نام خداوند یگانه‌ای که با اسم او و برکت نام او هیچ چیز نه در آسمان و نه در زمین خسارت نمی‌بیند و او شنوا و داناست»، به او ضرری نمی‌رسد و دچار زحمت و خسارت نخواهد شد»^۲.

۱- ابوداود [(۵۰۸۲)] و ترمذی [(۲۴۸۷)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ابوداود [(۵۰۸۸)] و ترمذی [(۳۳۸۵)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

باب آن چه که هنگام خواب گفته می شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنِّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴾
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
(آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱)

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان هست؛ کسانی که خدا را ایستاده و افتاده بر پهلوهایشان یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند».

۸۳۱- وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ وَلِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: «إِذَا أُوَيْتُمَا إِلَىٰ فِرَاشِكُمَا، أَوْ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا فَكَبِّرَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ» وَفِي رِوَايَةٍ: «التَّسْبِيحُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ» وَفِي رِوَايَةٍ: «التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۳۱ از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به او و حضرت فاطمه - رضی الله عنها - فرمودند: «وقتی به بستر خوابتان رفتید - یا وقتی رختخواب خوابتان را آماده کردید - سی و سه بار الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله بگویید». و در روایتی دیگر آمده است: «سبحان الله سی و چهار بار» و در روایتی دیگر آمده است: «الله اکبر سی و چهار بار»^۱.

۸۳۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أُوِيَ أَحَدُكُمْ إِلَىٰ فِرَاشِهِ، فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَقَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكَتْ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا، فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۳۲ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی یکی از شما به بستر خواب خود رفت، بسترش را بتکاند و با قسمت داخلی شلوار (لباس) خود، آن را پاک کند (چه امکان دارد گزنده و خزنده ای در بسترش قرار گرفته باشد)، زیرا او نمی‌داند پس از ترک بستر چه چیزی در جای او قرار گرفته است و سپس بگوید: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۳۶۱)، م (۲۷۲۷)].

أَمَسَكَتْ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا، فَأَخْفَظُهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ: به نام تو ای پروردگار من! پهلوی خود را بر زمین می‌گذارم و به اراده و قدرت تو آن را بلند می‌کنم، خداوند! اگر جان مرا نزد خود نگاه خواهی داشت، بر او رحم فرما و اگر آن را رها می‌کنی و زنده‌ام باقی می‌گذاری، با آن چه که بندگان صالح خود را به آن حفظ می‌کنی، او را حفظ کن!.

۸۳۳- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِي يَدَيْهِ، وَقَرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ وَمَسَحَ بِهِمَا جَسَدَهُ، مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

وفي رواية لهما: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، ثُمَّ مَسَحَ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۳۳ از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که در بسترش دراز می‌کشید، در دست خود می‌دمید و معوذتین (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را قرائت می‌فرمود و با دست‌های خود بدنش را مسح می‌کرد.

در روایتی دیگر از مسلم و بخاری آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه در شب به داخل رختخواب خود می‌رفت، دست‌هایش را نزدیک هم قرار می‌داد و در آنها می‌دمید و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را بر آنها قرائت می‌فرمود و با دست خود هرکجا از بدنش را که می‌توانست، مسح می‌نمود و ابتدا از سر و صورتش شروع می‌کرد، اینکار را سه بار انجام می‌داد.

۸۳۴- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ» رواه مسلم.

۸۳۴ از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به رختخواب تشریف می‌برد، می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ: سپاس

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۳۲۰)، م (۲۷۱۴)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۳۱۹)، م (۲۱۹۲)].

و ستایش سزاوار خدایی است که به ما طعام داد و نوشاند و ما را از هر جهت کفایت کرد و در جوار رحمت خود قرار داد که چه بسا کسانی که هیچ کفایت کننده و پناه دهنده‌ای ندارند^۱.

۸۳۵- وَعَنْ حُدَيْفَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ، وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ» رواه الترمذی وقال: حديثٌ حسنٌ.

وَرَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ مِنْ رِوَايَةِ حَفْصَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، وَفِيهِ: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۸۳۵. از حدیفه - رضی الله عنہا - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه که می‌خواست بخوابد، دست راست خود را زیر گونه‌اش می‌گذاشت و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ: خدایا! مرا از عذاب خود حفظ کن، در روزی که بندگان خودت را زنده می‌کنی»^۲.
(به حدیث شماره: ۵۲ و ۴۸۲ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۱۵)].

۲- ترمذی [(۳۳۹۵)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است و ابوداود [(۵۰۴۵)] از روایت «ام المؤمنین حضرت حفصه» - رضی الله عنہا - روایت کرده و در آن آمده است که ایشان این دعا را سه بار می‌فرمود.

بخش هفدهم:

کتاب دعاها

۲۴۲- باب الأمر بالدعاء وفضله

باب امر به دعا و فضیلت آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾ (غافر / ۶۰)

«پروردگار شما فرمود: مرا بخوانید؛ دعایتان را می‌پذیرم.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴾ (الأعراف / ۵۵)

«پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی بخوانید؛ او تجاوزکاران را دوست ندارد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ﴾ (البقره / ۱۸۶)

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره‌ی من پرسیدند، (بگو که) من نزدیکم و دعای دعاکننده را، هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ﴾ (النمل / ۶۲)

«(آیا معبودات باطله بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند، هر گاه که او را به کمک طلبد.»

۸۳۶- وَعَنْ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۳۶ از نعمان بن بشیر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «دعا همان عبادت

است.»^۱

۸۳۷- وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱- ابوداود [۱۴۷۹] و ترمذی [۲۹۷۳] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۸۳۷. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: غالب دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: خداوندا! در این دنیا و در آخرت به ما نیکویی و (ثواب) خیر عنایت فرما، و ما را از آتش دوزخ محفوظ بدار»^۱.

۸۳۸- وَعَنْ طَارِقِ بْنِ أَشِيمٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ الرَّجُلُ إِذَا أَسْلَمَ عَلَّمَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّلَاةَ، ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَدْعُوَ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي» رواه مسلم.

۸۳۸ از طارق بن اشیم - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی مردی مسلمان می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به او می‌آموخت و سپس به او امر می‌فرمود که با این کلمات دعا کند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي: خدایا! مرا بیامرز و به من رحم کن و هدایت فرما و سلامت بدار و روزیم بده»^۲.

۸۳۹- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ». رواه مسلم.

۸۳۹ از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ: بارخدایا! ای تغییر دهنده دل‌ها، دل ما را بر طاعت خود تغییر ده و به آن بازگردان»^۳.

۸۴۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ البَلَاءِ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشِمَاتَةِ الأَعْدَاءِ» متفق عليه.

۸۴۰ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از بلای سخت و افتادن در مهلکه و بدبختی (دنیا و آخرت) و مقدرات و عاقبت بد و شادکامی دشمنان، به خدا پناه ببرید»^۴.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۸۹)، م (۲۶۹۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۷۹)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۵۴)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۱۶)، م (۲۷۰۷)].

۸۴۱- وَعَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۸۴۱ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ: خداوندا! دینم را که نگهدارنده‌ی من از گناهان و مهالک است و دنیايم را که در آن زندگی من می گذرد و آخرتم را که بازگشت من به آن است، اصلاح کن و زندگی مرا موجب زیاد کردن کارهای نیک من گردان و مرگم را وسیله‌ی راحتی و نجات من از هر بدی قرار بده!»^۱.

۸۴۲- وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قُلْ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي، وَسَدِّدْنِي».

۸۴۲ از حضرت علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ اهْدِنِي، وَسَدِّدْنِي: خدایا! مرا هدایت فرما و محکم و ثابت قدم گردان»^۲.

۸۴۳- وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ: «قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ». مَتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۴۳ از ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - روایت شده است که او در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: دعایی به من یاد بده که در نمازم بخوانم، فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ: خدایا! من بر نفس خود ظلم کرده و ظلمی زیاد روا داشته‌ام و جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد، پس مرا با آمرزشی مخصوص از نزد خود بیامرز، و بر من رحم کن که تو بسیار آمرزنده و بسیار بخشنده‌ای»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۲۰].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۲۵].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۸۳۴)، م (۲۷۰۵)].

۸۴۴- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ».

۸۴۴ از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ: خدایا! از ناتوانی و تنبلی، ترس، پیری، خست و حسد، عذاب قبر و از فتنه مرگ و زندگی، به تو پناه می برم».

در روایتی دیگر آمده است: «وَضَلَعِ الدِّينِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ: از تنگنا و فشار و بسیاری قرض و غلبه‌ی مردان به تو پناه می برم»^۱.

۸۴۵- وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي، وَخَطِيئِي وَعَمْدِي؛ وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». متفق عليه.

۸۴۵ از ابوموسی - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله معمولاً این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي، وَخَطِيئِي وَعَمْدِي؛ وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: خدایا! گناهان مرا و نادانی و زیاده‌روی در کارها را و آنچه را که تو بهتر از من می‌دانی، ببخش، خدایا! کارهای جدی و شوخی و اشتباه و عمد مرا ببخش و تمام آنها در من موجود است و من از آنها بری نیستم، خدایا! گناهان گذشته و آینده‌ی من و گناهانی که پنهان و آشکار انجام داده‌ام و زیاده‌روی‌های من و هر آنچه را که تو از من بهتر می‌دانی و از من سرزده است، بیمارز که پیش برنده و عقب اندازنده تو هستی و تو بر هر کار و هر چیز توانایی»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۶].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۱۶].

۸۴۶- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۸۴۶- از عایشه رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در دعایش می فرمودند: «پروردگارا! از شر و زشتی آنچه که مرتکب شده ام و یا انجامش نداده ام به تو پناه می جویم».

۸۴۷- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ مِنْ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۸۴۷ از ابن عمر رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: از جمله ی دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ: خدایا! من از زوال نعمت تو (که به من داده ای) و تغییر سلامت عطا شده ی تو، و حمله ی ناگهانی خشم و عذاب تو، و از همه ی خشم و غضب تو، به تو پناه می برم»^۱.

۸۴۸- وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَرَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ رَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۸۴۸ از «زید بن ارقم» رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَرَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ رَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا: بارخدایا! من از ناتوانی و بیماری و خست و پیری و عذاب قبر به تو پناه می برم، خدایا! به نفس من تقوایش را عطا کن و آن را تزکیه و اصلاح فرما که تو بهترین کسی هستی که قادر به اصلاح و تزکیه ی آن می باشی، و تو سرپرست و مالک آن هستی، خداوند! من از علمی که سودی نمی بخشد، از دلی که خشوع نمی ورزد، از نفسی که حریص است و سیر نمی شود و از دعایی که قبول نمی گردد، به تو پناه می برم»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۳۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۲)].

۸۴۹- وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنْبَتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ. فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ، وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

زَادَ بَعْضُ الرُّوَاةِ: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» متفق عليه.

۸۴۹. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ (در دعا) می فرمودند: اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنْبَتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ. فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ، وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: خدایا! برای تو اسلام آوردم و تسلیم امر تو هستم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل و به درگاه تو توبه کردم، و به سوی تو برگشتم، و با نیرویی که تو داده‌ای، جنگ و دفاع کردم و دشمن را شکست دادم، به سوی تو شکایت آوردم، پس گناهان گذشته و آینده‌ی من و گناهانی که پنهان و آشکارا انجام داده‌ام، پیامز که پیش برنده و عقب اندازنده تو هستی و خدایی جز تو نیست.

بعضی از راویان اضافه کرده‌اند: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و هیچ کس را هیچ نیرویی برای انجام هیچ عملی نیست جز به اراده و امر خداوند^۱.

۸۵۰- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَدْعُو بِهِؤَلَاءِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ الْغِنَى وَالْفَقْرِ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، وَهَذَا لَفْظُ أَبِي دَاوُدَ.

۸۵۰. از عایشه -رضی الله عنها- روایت شده است که پیامبر ﷺ با این کلمات دعا می کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ الْغِنَى وَالْفَقْرِ»: بار خدایا! من از فتنه‌ی دوزخ و عذاب آتش و از شر ثروتمندی و بی‌نیازی و فقر و نیازمندی به تو پناه می‌برم^۲.

۸۵۱- وَعَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ عَمِّهِ، وَهُوَ قُطَيْبَةُ بْنُ مَالِكٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَنَكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ» رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۱۲۰)، م (۷۶۹)]. [روایتی دیگر از این حدیث به شماره‌ی ۷۵، گذشت].

۲- ابوداود [(۱۵۴۳)] و ترمذی [(۳۴۸۹)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است. آنچه در متن آمده، لفظ روایت ابوداود است.

۸۵۱ از «زیاد بن علاقه» از عمویش «قطبه بن مالک» - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَنكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ: بارخدایا! من از اخلاق و اعمال و آرزوهای زشت و پلید به تو پناه می برم»^۱.

۸۵۲- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَسَيِّئِ الْأَسْفَامِ» رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.
۸۵۲ از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَسَيِّئِ الْأَسْفَامِ: بارخدایا! من از برص و دیوانگی و جدام و بیماری های بد، به تو پناه می برم»^۲.

۸۵۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ بِنَسِ الضَّجِيعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بِنَسِ الْبِطَانَةِ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

۸۵۳ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ بِنَسِ الضَّجِيعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بِنَسِ الْبِطَانَةِ: بارخدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم؛ زیرا که همخواب بدی است و از خیانت به تو پناه می برم؛ زیرا که از بدترین خصلت های باطنی است»^۳.

۸۵۴- وَعَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ مُكَاتِبًا جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي عَجِزْتُ عَنْ كِتَابَتِي فَأَعْنِي، قَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِيهِنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ جَبَلٍ دَيْنًا آدَاهُ اللَّهُ عَنْكَ؟ قُلْ: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ، وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۸۵۴ از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که برده ای مکاتب^۴ پیش او آمد و گفت: من از کار کردن و اجرای قرارداد و آزاد کردن خود ناتوانم، به من کمک کن! فرمودند: آیا کلماتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱- ترمذی [۳۵۸۵] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ابوداود [۱۵۵۴] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳- ابوداود [۱۵۴۷] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۴- [برده ای که اربابش موافقت کند که او کار کند و پول آزادی خود را درآورد - ویراستاران].

به من یاد داده است، به تو یاد ندهم که اگر به اندازه‌ی کوهی قرض بر ذمه‌ی تو باشد، خداوند آن را از جانب تو ادا می‌کند؟ بگو: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ: خداوندا! مرا به حلالیت از حرامت کفایت فرما، و به فضل و رحمتت از غیر خودت بی‌نیاز کن»^۱.

۸۵۵- وعن أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلِطُوا بِيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». رواه الترمذی.

۸۵۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در گفتن: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: ای صاحب جلال و عظمت و اکرام»، اصرار کنید و آن را زیاد بگویید»^۲.
(به حدیث شماره: ۴۶ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۳۵۵۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ترمذی [۳۵۲۳] روایت کرده و نسائی هم از روایت «ربیعہ بن عامر صحابی» روایت کرده است؛ حاکم [در المستدرک:

(۴۹۸/۱-۴۹۹)] گفته است: حدیثی صحیح الاسناد است.

۲۴۳- باب فضل الدعاء بظهر الغیب باب فضیلت دعا در غیاب انسان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

بِالْإِيمَانِ ﴾ (الحشر / ۱۰)

«و کسانی که بعد از مهاجرین و انصار (به دنیا) می آیند، می گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته اند، بیامرز.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَأَسْتَغْفِرُ لَذُنُوبِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ﴾ (محمد / ۱۹)

«ای پیامبرص! برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه.»
وَقَالَ تَعَالَى إِخْبَارًا عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴾ (ابراهیم / ۴۱)

از زبان ابراهیم عليه السلام فرمودند: «پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنان را بیامرز و ببخشای، در آن روزی که حساب برپا می شود.»

۸۵۶- وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ إِلَّا قَالَ الْمَلَكُ وَلَكَ بِمِثْلِ» رواه مسلم.

۸۵۶ از ابودرداء - رضي الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «هر بنده‌ی مسلمانی که در غیاب برادرش برای او دعای خیر کند، فرشته‌ی (موکل دعا) می گوید: برای تو هم مثل آن باشد!»^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۳۲].

۲۴۴- باب في مسائل من الدعاء

باب در بیان مسایلی از دعا

۸۵۷- عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ، فَقَالَ لِفَاعِلِهِ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا، فَقَدْ أَبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۵۷ از اسامه بن زید - رضی الله عنه - روایت شده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که از جانب کسی دیگر کار نیکی برایش انجام شود و او به انجام دهنده‌ی آن بگوید: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا: خداوند جزای خیرت عطا کند، سپاس و تشکر خود را به بهترین وجهی ادا کرده است»^۱.

۸۵۸- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَوْلَادِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَيَّ أَمْوَالِكُمْ، لَا تُؤَافِقُوا مِنَ اللَّهِ سَاعَةً يُسْأَلُ فِيهَا عَطَاءٌ، فَيَسْتَجِيبَ لَكُمْ». رواه مسلم.

۸۵۸ از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به ضرر خود و اولاد و اموالتان دعا نکنید، مبادا آن دعا با ساعتی همراه شود که ساعت اجابت دعا از طرف خداست و دعای بد شما هم در آن ساعت قبول شود»^۲.

۸۵۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ: يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ رَبِّي، فَلَمْ يَسْتَجِبْ لِي». متفق عليه.

وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: «لَا يَزَالُ يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ يَأْتِمُّ، أَوْ قَطِيعَةَ رَحِمٍ، مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الِاسْتِعْجَالُ؟ قَالَ: «يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ، وَقَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ أَرِ يَسْتَجِبْ لِي، فَيَسْتَحْسِرُ عِنْدَ ذَلِكَ، وَيَدْعُ الدُّعَاءَ».

۸۵۹ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دعای هر کدام از شما قبول می‌شود، مادامی که عجله نکند؛ بگوید: به درگاه خدا دعا کردم و از من قبول نشد»^۳.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «همیشه از بنده دعا قبول می‌شود مادامی که مضمون دعای او گناه یا قطع رحم نباشد و عجله نکند»، گفته شد: ای رسول خدا! عجله چیست؟ فرمودند: «عجله

۱- ترمذی [(۲۰۳۶)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۲۰)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۴۰)، م (۲۷۳۵)].

آن است که بگوید: دعا کردم و دعا کردم و ندیدم که خداوند دعای من را قبول کند، بعد می‌برد و ناامید می‌شود و دعا کردن را ترک می‌کند».

۸۶۰- وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: «جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ، وَدُبْرَ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوباتِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۶۰. از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفته شد: (ای رسول خدا!) چه دعایی بهتر مورد قبول واقع می‌شود؟ فرمودند: «(دعای) نیمه‌ی آخر شب و (دعای) پس از نمازهای فرض»^۱.

۸۶۱- وَعَنْ عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا عَلَى الْأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى بِدَعْوَةٍ إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا، أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا. مَا لَمْ يَدْعُ بِأَتَمِّ، أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ» فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: إِذَا نَكُثُ. قَالَ: «اللَّهُ أَكْثَرُ». رواه الترمذي وقال حديث حسن صحيح. وَرَوَاهُ الْحَاكِمُ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي سَعِيدٍ وَزَادَ فِيهِ: «أَوْ يَدَّخِرَ لَهُ مِنَ الْآخِرِ مِثْلَهَا».

۸۶۱. از عباده بن صامت - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر مسلمانی در زمین به درگاه خدا دعایی بکند، قطعاً خداوند خواسته‌ی او را عطا یا به اندازه‌ی آن، بدی را از او دور می‌کند، به شرطی که در دعا، گناه یا قطع رحمی نباشد»، مردی از آن گروه گفت: بنابراین، ما از این پس بیشتر دعا خواهیم کرد، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «(قبول و رحم) خداوند بیشتر است»؛ حاکم نیز آن را از ابوسعید رضی الله عنه روایت کرده و اضافه کرده است: «یا خداوند پاداشی مانند آن را برای او ذخیره می‌کند»^۲.

۸۶۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» متفقاً عليه.

۸۶۲. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم موقع مشکلات، می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»: هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست که بسیار با عظمت و صاحب حلم است، هیچ

۱- ترمذی [۳۴۹۴] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ترمذی [۳۶۰۲] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

خدایی جز خدای یکتا نیست که پروردگار عرش عظیم است، هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست و پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش کریم است^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۴۵)، م (۲۷۳۰)].

۲۴۵ - باب کرامات الأولیاء وفضلهم باب کرامات اولیا و فضیلت آنها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾ (يونس / ۶۲-۶۴)

«هان! بی گمان دوستان خداوند، ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی گردند؛ آن کسانی که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند؛ برای آنان در دنیا و در آخرت بشارت است، سخنان خدا تخلف ناپذیر است، این همان کامیابی و رستگاری بزرگ است.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَهَزَيْتَنِي إِلَيْكَ بِجُدْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي ﴾ (مریم / ۲۵-۲۶)
و خطاب به مریم علیها السلام هنگام وضع حمل می فرماید: «تنه‌ی خرما را به طرف خود بجنبان، تا خرمای نارس دستچینی بر تو فرو بارد؛ پس بخور و بیاشام.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرُؤُا أَنَّى لَكَ هَٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴾ (آل عمران / ۳۷)

«هرگاه که زکریا داخل عبادتگاه او (مریم) می شد، غذایی را در پیش او می یافت؛ به او گفت: ای مریم! این از کجا برای تو می آید؟! گفت: این از سوی خدا می آید، خداوند به هر کس که بخواهد، بی حساب و شمار روزی می دهد.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَإِذِ اعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْدَأُ إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَّرْفَقًا ﴿١٦﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوُّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتَ الشِّمَالِ ﴾ (کهف / ۱۶-۱۷)

«و چون از این قوم و از چیزهایی که به جز خدا می‌پرستند، کناره‌گیری کردید پس به غار پناهنده شوید تا پروردگارتان رحمتش را بر شما بگستراند و وسایل رفاه و رهایی شما را از این کار که در پیش دارید، مهیا و آسان سازد. خورشید را می‌دیدید که به هنگام طلوع، به طرف راست غارشان می‌گرایید و به هنگام غروب، آنان را به سوی طرف چپشان ترک می‌کرد.»

۸۶۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَقَدْ كَانَ فِيمَا قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ نَاسٌ مُّحَدِّثُونَ، فَإِنْ يَكُ فِي أُمَّتِي أَحَدٌ، فَإِنَّهُ عُمَرُ» رواه البخاري، ورواه مسلم من رواية عائشة، وفي روايتهما قال ابن وهب: «مُحَدِّثُونَ» أي: مُلْهُمُونَ.

۸۶۳ از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «در بین مردمان پیش از شما، مردانی وجود داشتند که (از عالم غیب) به آنها الهام و سخن گفته می‌شد، و اگر یک نفر از این قبیل در امت من باشد، آن یک نفر عمر رضي الله عنه است»^۱.

۸۶۴- وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ أُحُدٌ دَعَانِي أَبِي مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ: مَا أَرَانِي إِلَّا مَقْتُولًا فِي أَوَّلِ مَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنِّي لَا أَتْرُكُ بَعْدِي أَعَزَّ عَلَيَّ مِنْكَ غَيْرَ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ عَلَيَّ دَيْنًا فَاقْضِ، وَاسْتَوْصِ بِأَخْوَاتِكَ خَيْرًا: فَأَصْبَحْنَا، فَكَانَ أَوَّلَ قَتِيلٍ، وَدَفِنْتُ مَعَهُ آخَرَ فِي قَبْرِهِ، ثُمَّ لَمْ تَطْبُ نَفْسِي أَنْ أَتْرُكَهُ مَعَ آخَرَ، فَاسْتَحْرَجْتُهُ بَعْدَ سِتَّةِ أَشْهُرٍ، فَإِذَا هُوَ كَيَوْمِ وَضَعْتُهُ غَيْرَ أُذُنِهِ، فَجَعَلْتُهُ فِي قَبْرِ عَلِيٍّ حِدَّةٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۸۶۴ از جابر بن عبدالله - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی جنگ احد شد، پدرم شب مرا خواست و گفت: خود را در میان نخستین مردانی از اصحاب پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم که کشته می‌شوند، می‌بینم و من جز شخص پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم عزیزتر از تو را ندارم و کسی را بعد از خود به جا نمی‌گذارم، قرضی بر گردن من است، آن را ادا کن و سفارش خیر مرا نسبت به خواهرانت پذیرا باش. چون صبح کردیم، او اولین شهید بود و یکی دیگر را با او در قبرش دفن کردم، سپس دلم راضی نشد که او را با دیگری بگذارم و بعد از گذشت شش ماه او را بیرون آوردم و او را همانند همان روز که به خاکش سپرده بودم، یافتیم، جز گوشش، بعد او را در قبر جداگانه‌ای دفن کردم^۲.

۱- بخاری [۳۶۹۸] روایت کرده و مسلم [۲۳۹۸] از روایت حضرت عایشه - رضي الله عنها - روایت کرده و در روایت هر دو آمده است که «ابن وهب» گفت: «مُحَدِّثُونَ» یعنی کسانی که به آنها الهام می‌شود.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۵۱].

۸۶۵- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَا مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ وَمَعَهُمَا مِثْلُ الْمِصْبَاحِينَ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا، فَلَمَّا افْتَرَقَا، صَارَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَاحِدٌ حَتَّى آتَى أَهْلَهُ.

رواه البخاري من طريق، وفي بعضها أن الرجلين أسيد بن حضير، وعباد بن بشر رضي الله عنهما.

۸۶۵. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: دو مرد از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله شبی تاریک از حضورش بیرون آمدند و همراه و پیشاپیش آنها، دو نور مانند دو چراغ موجود بود؛ وقتی از هم جدا شدند، با هر کدام، یکی از آن دو نور باقی ماند تا به میان خانواده‌اش رسید!

۸۶۶- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: مَا سَمِعْتُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ لِشَيْءٍ قَطُّ: إِنِّي لِأَطْنُهُ كَذَا إِلَّا كَانَ كَمَا يَطْنُ، رواه البخاري.

۸۶۶. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که فرمود: هرگز از حضرت عمر رضي الله عنه نشنیدم که در مورد چیزی بگوید: گمان من در این مورد چنین است، جز این که آن چیز موافق گمان او می‌بود!

۱- بخاری [۴۶۵]] از چند طریق روایت کرده است و در بعضی از روایات آمده است که آن دو نفر اسید بن حضیر و عباد بن بشر - رضي الله عنهما - بوده‌اند.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۳۸۶۶].

بخش هجدهم:

کتاب کارهای نهی شده

۲۴۶- باب تحریم الغیبة والأمر بحفظ اللسان

باب تحریم غیبت و امر به حفظ زبان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَنْ تُحِبُّوا أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴾ (الحجرات / ۱۲)

«یکی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد؟ یقیناً همه‌ی شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید؛ از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا
(الإسراء / ۳۶)

«از چیزی دنباله‌روی نکن که از آن آگاهی نداری که بی‌گمان چشم و گوش و دل، همه مورد بازخواست و پرس‌وجو قرار می‌گیرد.»

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾ (ق / ۱۸)

«انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند، مگر این که فرشته‌ای مراقب و آماده‌ی دریافت و نوشتن آن سخن است.»

اعْلَمْ أَنَّهُ يَنْبَغِي لِكُلِّ مُكَلَّفٍ أَنْ يَحْفَظَ لِسَانَهُ عَنِ جَمِيعِ الْكَلَامِ إِلَّا كَلَامًا ظَهَرَ فِيهِ الْمَصْلَحَةُ،
وَمَتَى اسْتَوَى الْكَلَامُ وَتَزَكَّاهُ فِي الْمَصْلَحَةِ، فَالِسُنَّةُ الْإِمْسَاكُ عَنْهُ، لِأَنَّهُ قَدْ يَنْجُرُ الْكَلَامُ الْمُبَاحُ إِلَى
حَرَامٍ أَوْ مُكْرَاهٍ، وَذَلِكَ كَثِيرٌ فِي الْعَادَةِ، وَالسَّلَامَةُ لَا يَعْدِلُهَا شَيْءٌ.

بدان که برای هر شخص مکلف لازم است که زبانش را از تمام سخن‌ها نگاه دارد، جز کلامی که مصلحتش آشکار باشد و هرگاه صحبت کردن و سکوت کردن مساوی بود، سنت است سکوت کند، زیرا گاهی کلام مباح به حرام یا مکروه منجر می‌شود و این در عرف و عادت زیاد است، اما هیچ چیز با سالم ماندن از گناه (به سبب سکوت) برابری نمی‌کند.

۸۶۷- وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ». متفق عليه.

۸۶۷. از سهل به سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که برای من، مابین دو گونه و دو پایش (زبان و عورت) را ضمانت کند، (غیبت و افترا و زنا و عمل خلاف نکند)، من برای او بهشت را ضمانت می‌کنم»^۱.

۸۶۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مَا يَتَّبِعُن فِيهَا يَزُلُّ بِهَا إِلَى النَّارِ أَوْ يُعَدُّ مِمَّا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ». متفقٌ عليه.

۸۶۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمودند: «بنده، سخنی بر زبان می‌آورد و در آن تفکر نمی‌کند، به وسیله‌ی آن به دوزخ می‌لغزد (و به قدری در آتش فرو می‌رود) که از فاصله‌ی مشرق و مغرب بیشتر است»^۲.

۸۶۹- وَعَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ الْمُزَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ تَعَالَى مَا كَانَ يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ يَكْتُوبُ اللَّهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَاهُ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا كَانَ يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ يَكْتُوبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَاهُ». رواه مالك في «الموطأ» والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۸۶۹. از ابوعبدالرحمن بلال بن حارث مزنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گاهی مرد، سخنی از سخنان مورد رضای خداوند می‌گوید و گمان نمی‌کند که ارزش و ثواب آن سخن به آن درجه برسد که رسیده است و دارد و به خاطر آن، خداوند بهشت و خشنودی خود را برای وی می‌نویسد تا روزی که به لقاء الله برسد؛ و مردی، از سخنان مورد غضب خداوند سخنی می‌گوید و گمان نمی‌کند که بدی و عذاب آن سخن، به آن درجه برسد که رسیده است و دارد و به علت آن، خداوند غضبش را تا روز لقاء الله برای او می‌نویسد»^۳.

۸۷۰- وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا النَّجَاةُ؟ قَالَ: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ، وَلا تَسْعَكَ بَيْتُكَ، وَابْنِكَ عَلَى خَطِيئَتِكَ». رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۷۴)]. [مسلم آن را روایت نکرده است].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۷۷)، م (۲۹۸۸)].

۳- امام مالک در الموطأ [۹۸۵/۲] و ترمذی [(۲۳۲۰)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۸۷۰ از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: ای رسول خدا! نجات در چیست؟ فرمودند: «زبان خود را از (گفتار بیهوده) حفظ کن و خانهات گنجایش تو را داشته باشد (در خانه‌ی خود به عبادت پرداز و از مردم بدکار کناره گیر) و بر گناهان خود گریه کن!»^۱.

۸۷۱- عن مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ. قَالَ: «لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيْسَ يَرَى عَلَيَّ مَنْ يَسْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ؛ تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ». ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ». ثُمَّ تَلَا: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ...﴾ حَتَّى بَلَغَ: ﴿يَعْمَلُونَ﴾. [السجدة: ۱۶-۱۷] ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَذُرْوَةِ سَنَامِهِ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ». ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَائِكَةِ ذَلِكَ كُلِّهِ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا». قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخِدُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: «تَكَلَّمْتُكَ أُمَّكَ، وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسُ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ». رواه الترمذی، وقال: حديث حسن صحيح.

۸۷۱ از معاذ - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: گفتم: ای رسول خدا! مرا از عملی آگاه کن که مرا داخل بهشت کند و از آتش دور سازد، فرمودند: «به حقیقت از چیز بزرگی سؤال کردی و البته بر کسی که خدا آن را بر او سهل گرداند، آسان است؛ خدا را می‌پرستی و کسی یا چیزی را شریک او قرار نمی‌دهی، و نماز به پای می‌داری، و زکات می‌پردازی، و روزه‌ی رمضان را می‌گیری، و حج بیت (الله) را به جای می‌آوری»، سپس گفت: آیا تو را به دروازه‌های نیکی، راهنمایی کنم؟ روزه، سیر است و صدقه و احسان، خطاها را خاموش می‌کند هم‌چنان که آب آتش را خاموش می‌نماید و نیز نماز نیمه‌شب» و سپس این دو آیه را تلاوت کرد:

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۱۶﴾﴾
فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۷﴾ (السجدة / ۱۶-۱۷)

۱- ترمذی [۲۴۰۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

«یکی از صفات مؤمنان این است که شب) پهلوهایشان از بسترها دور می‌شود (و به عبادت پروردگار می‌پردازند) و پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می‌خوانند و از چیزهایی که به ایشان داده‌ایم، می‌بخشند. هیچ کس نمی‌داند در برابر کارهایی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت‌بخشی برای ایشان پنهان و آماده شده است.»

سپس فرمودند: «آیا تو را از اساس کار و پایه و ستون و قسمت‌اعلائی آن باخبر کنم؟ گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «قسمت اعظم و رأس کار، اسلام و ستون آن، نماز و قسمت‌اعلائی آن، جهاد است»، سپس فرمودند: «آیا تو را از اساس تمام این‌ها آگاه کنم؟» گفتم: بله، ای رسول خدا! زبانش را گرفت و فرمودند: «خود را از این حفظ کن»، گفتم: ای رسول خدا! آیا مگر ما در برابر آن چه تکلم می‌کنیم، بازخواست می‌شویم؟ فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند! مگر جز محصولات زبان، چیزی دیگر مردم را بر صورت‌هایشان به داخل آتش می‌اندازد؟!»

۸۷۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أتدرون ما الغيبة؟» قالوا: الله ورسوله أعلم. قال: «ذكرك أخاك بما يكره» قيل: أفرأيت إن كان في أخي ما أقول؟ قال: «إن كان فيه ما تقول فقد اغتبتته، وإن لم يكن فيه ما تقول فقد بهتته» رواه مسلم.

۸۷۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا می‌دانید غیبت چیست؟» گفتند: خدا و رسول او داناترند، فرمودند: «نام بردن از دوست به چیزی که او آن را ناخوش می‌دارد»، گفته شد: اگر صفتی را که می‌گویم در برادرم وجود داشت چه؟ فرمودند: «اگر آن صفت که می‌گویی در او وجود داشته باشد، او را غیبت کرده‌ای و اگر آن صفت در او نباشد، بر او افترا بسته‌ای»^۱.

۸۷۳- وعن أبي بكر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في خطبته يوم النحر بمنى في حجة الوداع: «إن دماءكم، وأموالكم وأعراضكم حرام عليكم كحرمة يومكم هذا، في شهركم هذا، في بلدكم هذا، ألا هل بلغت» متفق عليه.

۸۷۳ و از ابو بکره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه‌ی روز قربان در منی و حجه‌الوداع فرمودند: «خون‌ها و مال‌ها و آبرو و ناموس‌های شما (مسلمانان) بر شما (سایر

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۸۹].

مسلمانان) حرام است، مانند حرمت امروز و این شهر و این ماه تان، آیا (رسالت خود) را ابلاغ کردم؟!^۱

۸۷۴- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قلت للنبي صلى الله عليه وسلم: حسبتك من صفة كذا وكذا. قال بعض الرواة: تعني قصيرة، فقال: «لقد قلت كلمة لو مزجت بماء البحر لمزجتها!» قالت: وحكيت له إنساناً فقال: «ما أحب أني حكيت إنساناً، وإن لي كذا وكذا». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۷۴. از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه به صفتی که گفتم: همین برایت کافی است که صفتی چنین و چنان است (چنین عیبی دارد) - بعضی از راویان گفته اند: منظورش کوتاهی قد صفتی بوده است - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به حقیقت سخنی را بر زبان آوردی که اگر با آب دریا مخلوط شود، آن را تلخ و بدبو می نماید»، حضرت عایشه - رضی الله عنها - گفت: حرکت انسانی را برای ایشان تقلید کردم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دوست ندارم تقلید انسانی را در آورم و از او به حقارت یاد کنم، اگر چه مال بسیاری به من بدهند»^۲.

۸۷۵- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لما عرج بي مررت بقرية لهم أطفاؤ من نحاس يخمشون بها وجوههم وصدورهم، فقلت: من هؤلاء يا جبريل؟ قال: هؤلاء الذين يأكلون لحوم الناس، ويقعون في أعراضهم» رواه أبو داود.

۸۷۵ از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی مرا به معراج بردند، از کنار طایفه ای گذشتم که ناخن هایی از مس داشتند و با آن صورت و سینه ی خود را می خراشیدند، از جبرئیل علیه السلام پرسیدم: این ها کیستند؟ جواب داد: این ها کسانی هستند که گوشت مردم را می خورند (غیبت می کنند) و به دنبال عیوب مردم و بی آبرو کردن آنها می افتند»^۳.

۸۷۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كل المسلم على المسلم حرام: دمه وعرضه وماله» رواه مسلم.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۰۵)، م (۱۶۷۹)].

۲- ابوداود [(۴۸۷۵)] و ترمذی [(۲۵۰۴)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- ابوداود روایت کرده است؛ [(۴۸۷۸)].

۸۷۶ از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همه چیز یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونش، مالش و ناموسش»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶۴)].

۲۴۷- باب تحریم سماع الغيبة وأمر من سمع غيبة محرمة بردّها، والإنكار علی

قائلها فإن عجز أو لم يقبل منه فارق ذلك المجلس إن أمكنه

باب تحریم گوش دادن به غیبت و امر به رد کردن غیبت حرام از

طرف شنونده و انکار او بر گویندهی غیبت و اینکه اگر نتوانست یا

سخن او را قبول نکردند، اگر ممکن بود، از آن مجلس برخیزد و جدا

شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ (القصص / ۵۵)

«و هنگامی که (سخنان) یاوه بشنوند، از آن روی می گردانند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (المؤمنون / ۳)

«و کسانی هستند که از (کار) بیهوده و (سخن) یاوه، روی می گردانند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء / ۳۶)

«بی گمان چشم و گوش و دل، همه مورد بازخواست و پرس و جو قرار می گیرد.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ تَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى تَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا

يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (الأنعام / ۶۸)

«وهرگاه دیدی کسانی به تمسخر و طعن در آیات (قرآنی) ما می پردازند، از آنان روی بگردان تا

آن گاه که به سخن دیگری می پردازند و اگر شیطان از یاد تو برد، پس از به خاطر آوردن، با قوم

ستمکار منشین.»

۸۷۷- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ

أَخِيهِ، رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۷۷. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس برای دفاع از آبروی دوستش، عیب‌جویی و غیبت از او را رد و منع کند، روز قیامت خداوند آتش را از روی او دور می‌کند»^۱.

۸۷۸- وعن عتبَانَ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي حَدِيثِهِ الطَّوِيلِ الْمَشْهُورِ الَّذِي تَقَدَّمَ فِي بَابِ الرَّجَاءِ قَالَ: قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فَقَالَ: «أَيْنَ مَالِكُ بْنُ الدُّخَشِمِ؟» فَقَالَ رَجُلٌ: ذَلِكَ مُنَافِقٌ لَا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُلْ ذَلِكَ، أَلَا تَرَاهُ قَدْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ يُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» متفق عليه.

۸۷۸. از عتبان بن مالک - رضی الله عنه - در حدیث طولانی و مشهور او که در باب رجاء^۲ گذشت، روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز برخاست و فرمودند: «مالک بن دخشم کجاست؟» مردی گفت: او منافق است و خدا و رسول او را دوست ندارد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چنین مگو! مگر نمی‌دانی که او لا اله الا الله گفته، و از گفتن آن کلمه تنها رضای خدا را خواسته است؟»^۳.

۱- ترمذی [۱۹۳۲] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- [حدیث شماره‌ی: ۴۱۷].

۳- متفق علیه است، [خ (۴۲۵)، م (۳۲)].

۲۴۸- باب بیان ما یباح من الغيبة

باب بیان غیبتی که مباح است

۸۷۹- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَجُلًا اسْتَأْذَنَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «انْدَثُوا لَهُ، يَنْسُ أَخُو الْعَشِيرَةِ؟» متفقٌ عليه.

اِحْتَجَّ بِهِ الْبُخَارِيُّ فِي جَوَازِ غَيْبَةِ أَهْلِ الْفَسَادِ وَأَهْلِ الرَّيْبِ.

۸۷۹ از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله طلب اجازه (برای ورود) کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند «به او اجازه دهید، بد برادری برای عشیره اش است!»^۱. بخاری در جایز بودن غیبت اشخاص فاسد و محل تردید، به این حدیث استدلال کرده است.

۸۸۰- وَعَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا أَظُنُّ فُلَانًا وَفُلَانًا يَعْرِفَانِ مِنْ دِينِنَا شَيْئًا» رواه البخاري.

قال الليث بن سعدٍ، أحدُ رُوَاةِ هَذَا الْحَدِيثِ: هَذَانِ الرَّجُلَانِ كَانَا مِنَ الْمُنَافِقِينَ.

۸۸۰ از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گمان نمی کنم فلانی و فلانی، چیزی از دین ما بدانند»^۲.

لیث بن سعد یکی از راویان این حدیث گفته است: این دو نفر، از منافقان بودند.

۸۸۱- وَعَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ قَيْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: إِنَّ أَبَا الْجَهْمِ وَمُعَاوِيَةَ خَطْبَانِي؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَّا مُعَاوِيَةُ، فَصُعْلُوكٌ لَا مَالَ لَهُ، وَأَمَّا أَبُو الْجَهْمِ فَلَا يَضَعُ الْعَصَا عَنْ عَاتِقِهِ». متفقٌ عليه.

وفي روايةٍ لِمُسْلِمٍ: «وَأَمَّا أَبُو الْجَهْمِ فَضَرَابٌ لِلنِّسَاءِ» وهو تفسير لرواية: «لَا يَضَعُ الْعَصَا عَنْ عَاتِقِهِ» وقيل: مَعْنَاهُ: كَثِيرُ الْأَسْفَارِ.

۸۸۱ از فاطمه بنت قیس - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: اباجهم و معاویه از من خواستگاری کرده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «معاویه فقیر است و مالی ندارد و اباجهم عصا را از شانهای خود پایین نمی گذارد»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۵۴)، م (۲۵۹۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۰۶۷)].

۳- متفق علیه است؛ [م (۱۴۸۰)]. [بخاری آن را روایت نکرده است].

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «اباجهم زیاد زنان را کتک می‌زند» و آن، تفسیر روایت «عصا را از شانه‌اش پایین نمی‌گذارد» می‌باشد. و نیز گفته شده است که: معنی‌اش آن است که او زیاد مسافرت می‌کند.

۸۸۲- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قالت هندُ امرأةُ أبي سُفيانَ للنبيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أَبَا سُفْيَانَ رَجُلٌ شَحِيحٌ وَلَيْسَ يُعْطِينِي مَا يَكْفِينِي وَوَلَدِي إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْهُ، وَهُوَ لَا يَعْلَمُ؟ قَالَ: «خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدِكَ بِالْمَعْرُوفِ» متفقٌ عليه.

۸۸۲ از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: هند زن ابوسفیان در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ابوسفیان مردی بخیل است و به اندازه‌ی کفایت من و پسرانم مخارج زندگی به من نمی‌دهد، جز آن مقدار که خودم از مال او برمی‌دارم و او نمی‌داند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مقداری را که برای تو و فرزندان‌ت کفایت می‌کند، با شیوه‌ی پسندیده بردار!»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۵۹)، م (۱۷۱۴)].

۲۴۹- باب تحریم النمیمه وهي نقل الكلام بين الناس على جهة الإفساد
باب تحریم سخن چینی و آن نقل سخن بین مردم به قصد برهم زدن
آنان است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ هَمَّازٌ مَّشَاءٌ بِنَمِيمٍ ﴾ (قلم / ۱۱)

«(از) بسیار عیب جویی که دائماً سخن چینی می کند (پیروی نکن).»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است.»

۸۸۳- وَعَنْ حَدِيثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» متفقٌ عليه.

۸۸۳ از حدیفه - ﷺ - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «سخن چین داخل بهشت نمی شود»^۱.

۸۸۴- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ: «إِنَّهُمَا يُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، بَلَى إِنَّهُ كَبِيرٌ: أَمَّا أَحَدُهُمَا، فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ». متفقٌ عليه.

۸۸۴ از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ از کنار دو قبر گذشت و فرمودند: «این دو عذاب می شوند و به علت گناهی بزرگ هم عذاب داده نمی شوند، آری، بزرگ است؛ یکی از آنها سخن چینی می کرد و دیگری از ادرار استبرا نمی نمود (و در آن حجاب و نظافت را رعایت نمی کرد)»^۲.

۸۸۵- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَا أُنبئكم ما العضة؟ هي النَّمِيمَةُ، القَالَةُ بَيْنَ النَّاسِ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۵)، م (۱۰۵)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۱۶)، م (۲۹۲)]. آنچه در متن آمده، لفظ یکی از روایت های بخاری است.

۸۸۵ از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما را از عضه (بهتان و دروغ) خبر دهم؟ آن انداختن کینه و کثرت سخن چینی در بین مردم است»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۰۶)].

۲۵۰- باب ذم ذي الوجهين

باب مذمت دورو

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾ (النساء / ۱۰۸)

«خیانت پیشگان خیانت خود را [از مردم پنهان می‌دارند، و [نمی‌توانند] از خدا پنهان نمایند، و خدا با آنان بود آن گاه که در جلسه مخفی شبانه، درباره طرح و نقشه و سخنی که خدا به آن رضایت نداشت، چاره‌اندیشی می‌کردند و خدا همواره به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد».

۸۸۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «تجدون الناس معادين: خيارهم في الجاهلية خيارهم في الإسلام إذا فقهوا، وتجدون خيار الناس في هذا الشأن أشدهم له كراهية، وتجدون شر الناس ذا الوجهين، الذي يأتي هؤلاء و هؤلاء بوجه» متفق عليه. ۸۸۶ از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «مردم را هم چون معادن می‌یابید: بهترین آنها در جاهلیت، بهترین آنها در اسلام (هم) هست، وقتی که در دین آگاه می‌شوند و بهترین مردم را در این امر (خلافت و امارت) کسانی می‌یابید که برای قبول آن سخت کراهت دارند و بدترین مردم را شخص دورویی می‌یابید که در نزد اینان به وجهی برخورد می‌کنند و در نزد آنان به وجهی دیگر»^۱.

۸۸۷- وعن محمد بن زيد أن ناساً قالوا لجدّه عبد الله بن عمر رضي الله عنهما: إننا ندخل على سلاطيننا فنقول لهم بخلاف ما نتكلم إذا خرجنا من عندهم قال: كُنَّا نَعُدُّ هَذَا نِفَاقًا عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه البخاري.

۸۸۷ از محمد بن زید روایت شده است که فرمود: عده‌ای به جدش عبدالله بن عمر رضي الله عنهما - گفتند: ما نزد پادشاهان خود می‌رویم و برخلاف آنچه که در غیابشان می‌گوییم، در حضورشان سخن می‌رانیم (این چگونه است؟) گفت: ما در عهد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم این را نفاق به شمار می‌آوردیم^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۴۳۹)، م (۲۵۲۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۱۷۸)].

۲۵۱- باب تحریم الکذب

باب تحریم دروغگویی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء / ۳۶)

از چیزی دنباله‌روی نکن که از آن آگاهی نداری.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی‌گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است».

۸۸۸- وعن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ، كُلَّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَلَنْ يَفْعَلَ، وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، صُبَّ فِي أُذُنَيْهِ الْآنُكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَوَّرَ صُورَةً عُذِّبَ وَكُلَّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ وَلَيْسَ بِنَافِخٍ» رواه البخاري.

۸۸۸ از ابن عباس رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرکس از روی دروغ ادعا کند که خوابی دیده در حالی که ندیده است، مکلف می‌شود که دو جو را با هم گره بزند و هرگز نمی‌تواند و کسی که به سخن دیگران گوش دهد، در حالی که آنان راضی نیستند، روز قیامت در دو گوش او سرب گذاخته شده ریخته می‌شود و هرکس صورتی (انسان یا حیوان) را نقاشی کند، عذاب داده و مکلف می‌شود که روح در آن بدمد و هرگز نمی‌تواند در آن بدمد»^۱.

۸۸۹- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْرَى الْفَرَى أَنْ يُرَى الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ مَا لَمْ تَرَيَا». رواه البخاري.

۸۸۹ از ابن عمر رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «بدترین و بزرگ‌ترین افترا و دروغ آن است که مرد بگوید: چیزی را دیده‌ام، در حالی که هنوز دو چشم او آن را ندیده است»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۷۰۴۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۷۰۴۳)].

۸۹۰- وعن سَمْرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّا يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ لِأَصْحَابِهِ: «هَلْ رَأَى أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنْ رُؤْيَا؟» فَيَقْصُّ عَلَيْهِ مَنْ شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقْصُ، وَإِنَّهُ قَالَ لَنَا ذَاتَ غَدَاةٍ: «إِنَّهُ أَتَانِي اللَّيْلَةَ آتِيَانِ، وَإِنَّهُمَا قَالَا لِي: انْطَلِقْ، وَإِنِّي انْطَلَقْتُ مَعَهُمَا، وَإِنَّا أَتَيْنَا عَلَى رَجُلٍ مُضْطَجِعٍ، وَإِذَا آخِرُ قَائِمٍ عَلَيْهِ بِصَخْرَةٍ، وَإِذَا هُوَ يَهْوِي بِالصَّخْرَةِ لِرَأْسِهِ، فَيَثْلَعُ رَأْسَهُ، فَيَتَدَهَّدُهُ الْحَجَرُ هَا هُنَا، فَيَتْبَعُ الْحَجَرَ فَيَأْخُذُهُ فَلَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ حَتَّى يَصِحَّ رَأْسُهُ كَمَا كَانَ، ثُمَّ يَعُودُ عَلَيْهِ، فَيَفْعَلُ بِهِ مِثْلَ مَا فَعَلَ الْمَرَّةَ الْأُولَى!». قَالَ: «قُلْتُ لَهُمَا: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا هَذَا؟ قَالَا لِي: انْطَلِقْ انْطَلِقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَاتَيْنَا عَلَى رَجُلٍ مُسْتَلْقٍ لِقَفَاهُ، وَإِذَا آخِرُ قَائِمٍ عَلَيْهِ بِكَلُوبٍ مِنْ حَدِيدٍ، وَإِذَا هُوَ يَأْتِي أَحَدَ شَقِيٍّ وَجْهَهُ فَيُشْرِشِرُ شِدْقَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَمِنْخَرَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَعَيْنُهُ إِلَى قَفَاهُ، ثُمَّ يَتَحَوَّلُ إِلَى الْجَانِبِ الْآخِرِ، فَيَفْعَلُ بِهِ مِثْلَ مَا فَعَلَ بِالْجَانِبِ الْأَوَّلِ، فَمَا يَفْرَعُ مِنْ ذَلِكَ الْجَانِبِ حَتَّى يَصِحَّ ذَلِكَ الْجَانِبُ كَمَا كَانَ، ثُمَّ يَعُودُ عَلَيْهِ فَيَفْعَلُ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى». قَالَ: «قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا هَذَا؟ قَالَا لِي: انْطَلِقْ انْطَلِقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَاتَيْنَا عَلَى مِثْلِ التَّنُورِ» فَأَحْسَبُ أَنَّهُ قَالَ: «فَإِذَا فِيهِ لَعَطٌ، وَأَصْوَاتٌ، فَاطْلَعْنَا فِيهِ فَإِذَا فِيهِ رِجَالٌ وَنِسَاءٌ عُرَاءٌ، وَإِذَا هُمْ يَأْتِيهِمْ لَهَبٌ مِنْ أَسْفَلٍ مِنْهُمْ، فَإِذَا أَنَاهُمْ ذَلِكَ اللَّهَبُ ضَوْضُوا. قُلْتُ: مَا هَؤُلَاءِ؟ قَالَا لِي: انْطَلِقْ انْطَلِقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَاتَيْنَا عَلَى نَهْرٍ» حَسِبْتُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: «أَحْمَرُ مِثْلَ الدَّمِ، وَإِذَا فِي النَّهْرِ رَجُلٌ سَابِحٌ يَسْبَحُ، وَإِذَا عَلَى شَطِّ النَّهْرِ رَجُلٌ قَدْ جَمَعَ عِنْدَهُ حِجَارَةً كَثِيرَةً، وَإِذَا ذَلِكَ السَّابِحُ يَسْبَحُ، مَا يَسْبَحُ، ثُمَّ يَأْتِي ذَلِكَ الَّذِي قَدْ جَمَعَ عِنْدَهُ الْحِجَارَةَ، فَيَفْعَرُّ لَهُ فَاهُ، فَيَلْقِمُهُ حَجْرًا، فَيَنْطَلِقُ فَيَسْبَحُ، ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَيْهِ، كُلَّمَا رَجَعَ إِلَيْهِ، فَعَرَّ لَهُ فَاهُ، فَأَلْقَمَهُ حَجْرًا، قُلْتُ لَهُمَا: مَا هَذَا؟ قَالَا لِي: انْطَلِقْ انْطَلِقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَاتَيْنَا عَلَى رَجُلٍ كَرِيهِ الْمَرَاةِ، أَوْ كَأَكْرَهٍ مَا أَنْتَ رَاءٍ رَجُلًا مَرَأَى، فَإِذَا هُوَ عِنْدَهُ نَارٌ يَحْشُشُهَا وَيَسْعَى حَوْلَهَا. قُلْتُ لَهُمَا: مَا هَذَا؟ قَالَا لِي: انْطَلِقْ انْطَلِقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَاتَيْنَا عَلَى رَوْضَةٍ مُعْتَمَةٍ فِيهَا مِنْ كُلِّ نَوْرِ الرَّبِيعِ، وَإِذَا بَيْنَ ظَهْرِي الرَّوْضَةِ رَجُلٌ طَوِيلٌ لَا أَكَادُ أَرَى رَأْسَهُ طَوِيلًا فِي السَّمَاءِ، وَإِذَا حَوْلَ الرَّجُلِ مِنْ أَكْثَرِ وَلَدَانٍ رَأَيْتُهُمْ قَطُّ، قُلْتُ: مَا هَذَا؟ وَمَا هَؤُلَاءِ؟ قَالَا لِي: انْطَلِقْ انْطَلِقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَاتَيْنَا إِلَى دُوْحَةٍ عَظِيمَةٍ لَمْ أَرِ دُوْحَةً قَطُّ أَعْظَمَ مِنْهَا، وَلَا أَحْسَنَ! قَالَا لِي: ارْزُقْ فِيهَا، فَارْتَقَيْنَا فِيهَا إِلَى مَدِينَةٍ مَبْنِيَّةٍ بِلَبْنٍ ذَهَبٍ وَلَبْنِ فِضَّةٍ، فَاتَيْنَا بَابَ الْمَدِينَةِ فَاسْتَفْتَحْنَا، فَفُتِحَ لَنَا فَدَخَلْنَاهَا، فَتَلَقْنَا رِجَالًا شَطْرًا مِنْ خَلْقِهِمْ كَأَحْسَنِ مَا أَنْتَ رَاءٍ! وَشَطْرًا مِنْهُمْ كَأَفْبَحِ مَا أَنْتَ رَاءٍ! قَالَا لَهُمْ: اذْهَبُوا فَفَعَعُوا فِي ذَلِكَ النَّهْرِ، وَإِذَا هُوَ نَهْرٌ مُعْتَرِضٌ يَجْرِي كَأَنَّ مَاءَهُ الْمَحْضُ فِي الْبَيَاضِ، فَذَهَبُوا فَوَقَعُوا فِيهِ. ثُمَّ رَجَعُوا إِلَيْنَا قَدْ ذَهَبَ ذَلِكَ السُّوءُ عَنْهُمْ، فَصَارُوا فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ». قَالَ: «قَالَا لِي: هَذِهِ جَنَّةُ عَدْنٍ، وَهَذَاكَ مَنْرَلِكُ، فَسَمَا بَصْرِي صُغْدًا، فَإِذَا قَصَّرَ مِثْلَ الرِّبَابَةِ الْبَيْضَاءِ، قَالَا لِي: هَذَاكَ مَنْرَلِكُ؟ قُلْتُ لَهُمَا: بَارَكَ اللَّهُ فِيكُمَا، فَذَرَانِي فَأَدْخِلْهُ. قَالَا لِي: أَمَّا الْآنَ فَلَا، وَأَنْتَ دَاخِلُهُ، قُلْتُ لَهُمَا: فَإِنِّي رَأَيْتُ مِنْذُ اللَّيْلَةِ عَجَبًا؟ فَمَا هَذَا الَّذِي رَأَيْتُ؟ قَالَا لِي: أَمَّا إِنَّا سَنُحْبِرُكَ: أَمَّا الرَّجُلُ الْأَوَّلُ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِ يَثْلَعُ رَأْسَهُ بِالْحَجَرِ، فَإِنَّهُ الرَّجُلُ يَأْخُذُ الْقِرَانَ

فَيْرْفُضُّهُ، وَيَنَامُ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ. وَأَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِ يُشْرَسِرُ شِدْقَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَمَنْخَرُهُ إِلَى قَفَاهُ، وَعَيْنُهُ إِلَى قَفَاهُ، فَإِنَّهُ الرَّجُلُ يَغْدُو مِنْ بَيْتِهِ فَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ تَبْلُغُ الْآفَاقَ. وَأَمَّا الرَّجُلُ وَالنِّسَاءُ الْعُرَاءُ الَّذِينَ هُمْ فِي مِثْلِ بِنَاءِ التَّنُورِ، فَإِنَّهُمْ الرِّئَاءُ وَالزَّوَانِي، وَأَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِ يَسْبُحُ فِي النَّهْرِ، وَيَلْقَمُ الْحِجَارَةَ، فَإِنَّهُ أَكَلُ الرِّبَا، وَأَمَّا الرَّجُلُ الْكَرِيهُ الْمَرْأَةَ الَّذِي عِنْدَ النَّارِ يَحْشُهَا وَيَسْعَى حَوْلَهَا، فَإِنَّهُ مَالِكٌ خَازِنٌ جَهَنَّمَ، وَأَمَّا الرَّجُلُ الطَّوِيلُ الَّذِي فِي الرُّوضَةِ، فَإِنَّهُ إِبْرَاهِيمَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، وَأَمَّا الْوَلِدَانُ الَّذِينَ حَوْلَهُ، فَكُلُّ مَوْلُودٍ مَاتَ عَلَى الْفِطْرَةِ».

وفي رواية البرقاني: «وُلِدَ عَلَى الْفِطْرَةِ» فَقَالَ بَعْضُ الْمُسْلِمِينَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَأَوْلَادُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَأَوْلَادُ الْمُشْرِكِينَ، وَأَمَّا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَانُوا شَطْرَ مِنْهُمْ حَسَنًا، وَشَطْرَ مِنْهُمْ قَبِيحًا، فَإِنَّهُمْ قَوْمٌ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا، تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْهُمْ». رواه البخاري.

۸۹۰. از سمره بن جندب - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزهایی که زیاد تکرار می فرمود، این بود که از اصحاب رضي الله عنهم سؤال می کرد: «آیا یکی از شما خوابی دیده است؟» و هر کسی که خدا اراده می کرد، خوابش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله تعریف می کرد و یک صبح برای ما فرمودند: «امشب در خواب دو نفر پیش من آمدند و مرا بیدار کردند و به من گفتند: برو، من با آنان رفتم و رفتیم تا به مردی خوابیده رسیدیم که مرد دیگری با سنگی بر سر او ایستاده بود و سنگ را به سوی سرش پرتاب می کرد و سرش را می شکست و می ترکاند و سنگ به پایین سرش فرو می غلتید و آن شخص به دنبال سنگ می رفت و آن را برمی داشت ولی هنوز پیش مرد خوابیده بازنگشته بود که سر او خوب می شد و وی دوباره پیشش می رفت و همان کاری را که بار اول کرده بود، بر سرش تکرار می کرد» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به آن دو نفر که مرا با خود بردند، گفتم: سبحان الله! این دو چیستند؟ به من گفتند: برو، برو! رفتیم و از کنار مرد دیگری عبور کردیم که بر پشت و گردن افتاده و مردی دیگر با گیره و قلابی آهنی بر بالای سر او ایستاده بود و آن را در یک طرف صورتش فرو می برد و کنج دهان و بینی و چشم او را می کند و می برید و به طرف دیگر صورتش می آمد و مثل طرف اول با آن رفتار می کرد و هنوز از این طرف فارغ نشده بود که طرف اول به حالت قبل برمی گشت و سالم می شد، سپس دوباره به سر او برمی گشت و کار او مثل بار اول تکرار می نمود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گفتم: سبحان الله! این دو چیستند؟ آن دو نفر به من گفتند: برو، برو! رفتیم و به چیز تنورمانندی رسیدیم» راوی می گوید: چنان به نظرم می رسد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «که در آن سر و صدا و داد و فریادی بود، ما بر سر آن رفتیم و دیدیم که در آن، مردان و زنانی لخت بودند و شراره‌ی فروزان آتش از پایین آنها به طرفشان شعله می کشید و وقتی که آن شراره شعله می کشید و

به آنها می‌رسید، فریاد می‌کشیدند؛ گفتم: اینان کیستند؟ آن دو نفر گفتند: برو! برو! رفتیم تا به رودی رسیدیم» گمان می‌کنم که پیامبر ﷺ فرمودند: «که (آب آن) مانند خون، قرمز بود، دیدم که در آن مردی شناگر شنا می‌کرد و بر ساحلش مردی بود که سنگ زیادی را نزد خود جمع کرده بود و دیدم که آن شناگر مقداری شنا می‌کرد و سپس پیش آن مرد که سنگ جلو دستش جمع کرده بود، می‌آمد و (شناگر) دهان خود را برای او می‌گشود و آن مرد سنگی به دهان او می‌انداخت و می‌رفت و دوباره به شنا می‌پرداخت و سپس به طرف مرد بازمی‌گشت و هر بار که به طرف او بازمی‌گشت، دهانش را برای او باز می‌نمود و این یک سنگ در دهانش می‌گذاشت؛ به آنها گفتم: این دو نفر کیستند و چه کار می‌کنند؟ در جواب گفتند: برو، برو! رفتیم و به مردی زشت چهره که چهره‌اش در زشتی، مانند زشت‌ترین منظر یک مرد بود که تو مشاهده می‌کنی و دیدم که پیش او آتشی بود که خود آن را برمی‌افروخت و به دورش می‌چرخید؛ به آن دو گفتم: این چیست؟ به من گفتند: برو، برو!

رفتیم تا به بوستانی پوشیده از سبزه و گیاه پرپشت رسیدیم که در آن از هر نوع گل و غنچه‌ی بهاری وجود داشت و در وسط باغ، مردی بلندقد بود که از بلندی قدش نزدیک بود نتوانم سر او را در کمان ببینم و در اطراف او پسران بسیار زیادی بودند که پسرانی به بسیاری آنها هرگز ندیده‌ام، پرسیدم: این مرد کیست و این پسران کیستند؟ به من گفتند: برو، برو! و رفتیم تا به درختی بسیار بزرگ رسیدیم که بزرگتر و زیباتر از آن درخت ندیده بودم. بمن گفتند: از این درخت بالا برو و از آن به طرف شهری بنا شده از خشتی طلا و خشتی نقره بالا رفته، به سوی دروازه‌ی آن شهر رفتیم و درخواست باز کردن در را نمودیم، در به رویمان باز شد و به آن وارد شدیم، مردانی با ما برخورد کردند که قسمتی از آفرینش آنان در بهترین صورت و قسمتی از آن در بدترین صورتی که دیده‌اید، بود، آن دو نفر به ایشان گفتند: بروید و به آن رود داخل شوید و دیدم که رودی پهن در آن‌جا جریان دارد و آبش در سفیدی، مانند شیر بود، آنها رفتند و در آن رود داخل شدند و سپس نزد ما برگشتند و آن زشتی چهره‌ی ایشان برطرف شده بود و در بهترین صورت و زیبایی قرار گرفته بودند؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «آن دو نفر به من گفتند: این شهر، بهشت ابدی و آن، منزل توست؛ چشم من به طرف بالا رفت و نگاه کردم، قصری دیدم مثل ابر سفید؛ آن دو به من گفتند: این منزل توست! به ایشان گفتم: خداوند شما را برکت دهد! بگذارید در آن داخل شوم، گفتند: حالا نه، و تو در آینده داخل آن می‌شوی.

به ایشان گفتم: من از اول شب تا به حال چیزهای عجیب دیدم، این‌ها چه بودند که دیدم؟ گفتند: ما حالا تو را آگاه می‌کنیم:

مرد اولی که از کنار او گذشتی و سرش را با سنگ می‌شکستند، مردی است که قرآن را فرا می‌گیرد و حفظ می‌کند و سپس ترکش می‌کند و از یاد می‌برد و به جای انجام دادن نماز واجب، در زمان آن می‌خوابد و اما آن مرد که با گیره و قلابی آهنی، گونه و بینی و چشمش را می‌کنند و می‌بریدند، مردی است که صبح از منزلش خارج می‌شود و دروغ می‌گوید و آن دروغ به اطراف پراکنده می‌شود؛ و اما مردان و زنان لختی که در جایی مثل تنور بودند، مردان و زنان زناکار بودند؛ و مردی که او را دیدی در رود شنا می‌کرد و سنگ به او می‌خوراندند، رباخوار بود؛ و مرد بدشکل و کریه المنظری که نزد آتش بود و آن را می‌افروخت و دور آن می‌گشت، او مالک، خازن دوزخ بود و مرد بلند قدی که در باغ بود، ابراهیم علیه السلام بود و پسرانی که اطراف او بودند نوزادان و خردسالانی هستند که هنگام کودکی، بر فطرت مرده‌اند.

و در روایت برقانی آمده است: «آن پسران، بچه‌هایی بودند که بر فطرت پاک متولد شده‌اند». بعضی از اصحاب رضی الله عنهم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: ای رسول خدا! اولاد مشرکین نیز چنین‌اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «بله، اولاد مشرکین نیز همان‌گونه می‌باشند؛ و جماعتی که قسمتی از بدن آنها زیبا و قسمتی زشت بود، کسانی هستند که عمل صالح و نیکو را با عمل بد مخلوط می‌نمایند که خداوند از گناه آنان گذشت و صرف نظر فرمود»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۶ و ۴۰۶ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۰۷۴)].

۲۵۲- باب الحث علی التثبت فیما یقولہ ویحکیه

باب تشویق به باور داشتن و اطمینان شخص در آنچه می گوید یا از دیگران بازگو می کند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء / ۳۶)

«از چیزی دنباله روی نکن که از آن آگاهی نداری».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است».

۸۹۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ» رواه مسلم.

۸۹۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای دروغگویی انسان همین کافی است که هرچه را که شنیده است، (برای مردم) بازگو کند»^۱.

۸۹۲- وَعَنْ سَمُرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حَدَّثَ عَنِّي بِحَدِيثٍ يَرَى أَنَّهُ كَذِبٌ، فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبِينَ» رواه مسلم.

۸۹۲. از سمره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکسی حدیثی را از من بازگو نماید که گمان می برد دروغ است، او خود یکی از دروغگویان محسوب میشود»^۲.

۸۹۳- وَعَنْ أَسْمَاءَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ لِي صَرَّةً فَهَلْ عَلَيَّ جُنَاحٌ إِنْ تَشَبَعْتُ مِنْ زَوْجِي غَيْرَ الَّذِي يُعْطِينِي؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُتَشَبِعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَّاسٍ ثَوْبِي زُورٍ» متفقٌ عليه.

۸۹۳. از اسماء - رضی الله عنها - روایت شده است که زنی گفت: ای رسول خدا! من هوویی دارم، آیا بر من گناهی است که (پیش او) خود را از آنچه که شوهرم به من عطا می کند، سیرتر نشان دهم؟

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۵].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۹/۱].

پیامبر ﷺ فرمودند: «انسان خودنما به چیزی که به او داده نشده و ندارد، مانند پوشنده‌ی دو لباس ناحق (ریا و دروغ) است»^۱.

۱- متفق علیه. [خ (۵۲۱۹)، م (۲۱۳۰)].

۲۵۳- باب بیان غلط تحریم شهاده الزور

باب بیان شدت تحریم شهادت دروغ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ (حج / ۳۰)

«از گفتن دروغ و افترا پرهیزید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء / ۳۶)

«از چیزی دنباله روی نکن که از آن آگاهی نداری.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده

است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (الفجر / ۱۴)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾ (الفرقان / ۷۲)

«آنان (مؤمنان) کسانی هستند که شهادت دروغ نمی دهند.»

(به حدیث شماره: ۲۱۸ مراجعه شود).

۲۵۴ - باب تحریم لعن انسان بعینه أو دابة

باب تحریم لعن انسان مشخص یا حیوان

۸۹۴ - عن أبي زيد ثابت بن الضحاک الأنصاري رضي الله عنه، وهو من أهل بيعة الرضوان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من حلف على يمين بملّة غير الإسلام كاذباً متعمداً، فهو كما قال، ومن قتل نفسه بشيء، عذب به يوم القيامة، وليس على رجل نذر فيما لا يملكه، ولعن المؤمن كقتله». متفق عليه.

۸۹۴. از ابوزید ثابت بن ضحاک انصاری - رضی اللہ عنہ - که از اهل بیعت الرضوان است، روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر کس به دروغ و بدون اعتقاد و از روی عمد، بر دینی غیر از اسلام سوگند بخورد، (مانند این که بگوید: اگر فلان کار را کردم، به خدا یهودی هستم یا...)، او همان طور که گفته، است. و هر کس با چیزی خود را بگشدد، در روز قیامت با همان چیز عذاب داده می شود؛ و ادای نذر شخص در چیزی که ملک او نیست، واجب نیست؛ و لعن شخص مؤمن، مانند قتل اوست»^۱.

۸۹۵ - وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا ينبغي لصديق أن يكون لعاناً» رواه مسلم.

۸۹۵. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «شایسته نیست که مسلمان صادق، لعنت کننده باشد»^۲.

۸۹۶ - وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يكون للعائون شفعاء، ولا شهداء يوم القيامة». رواه مسلم.

۸۹۶. از ابودرداء - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «لعن و نفرین کنندگان در قیامت نه شفیع خواهند بود و نه شاهد»^۳.

۸۹۷ - وعن سمرة بن جندب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تلعنوا بلعنة الله، ولا بعضيه، ولا بالنار» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱ - متفق عليه. [خ (۶۰۴۴)، م (۱۱۰)].

۲ - مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۹۷)].

۳ - مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۹۸)].

۸۹۷. از سمره بن جندب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همدیگر را به لعنت خدا و غضب او و آتش دوزخ، نفرین نکنید»^۱.

۸۹۸- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ليس المؤمن بالطعان، ولا اللعان ولا الفاحش، ولا البذي». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۹۸. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن طعنه‌زن نفرین کننده، دشنام‌دهنده و ناسزاگو و بی‌حیا نیست»^۲.

۸۹۹- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن العبد إذا لعن شيئاً، صعدت اللعنة إلى السماء، فتغلق أبواب السماء دونها، ثم تهبط إلى الأرض، فتغلق أبوابها دونها، ثم تأخذ يميناً وشمالاً، فإذا لم تجد مساعاً رجعت إلى الذي لعن، فإن كان أهلاً لذلك، وإلا رجعت إلى قائلها» رواه أبو داود.

۸۹۹. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که شخص چیزی را لعنت کرد، آن لعنت به آسمان می‌رود و درهای آسمان بر او بسته می‌گردد و دوباره به زمین می‌آید، درهای زمین نیز بر او مسدود می‌شود، بعد به سمت چپ و راست می‌رود تا راهی بیابد و وقتی راه خروج نیافت، به کسی که لعنت شده است، باز می‌گردد، اگر سزاوار آن باشد (شامل وی می‌شود) و اگر سزاوار نباشد، به شخص لعنت کننده باز می‌گردد»^۳.

۹۰۰- وعن أبي برزة نضلة بن غبيد الأسلمي رضي الله عنه قال: بينما جارية على ناقهٍ عليها بعض متاع القوم. إذ بصرت بالنبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وتضايق بهم الجبل فقالت: حل، اللهم العنّها. فقال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لا تُصاحبنا ناقهٌ عليها لعنة». رواه مسلم.

وَأَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ قَدْ يُسْتَشْكَلُ مَعْنَاهُ، وَلَا إِشْكَالَ فِيهِ، بَلِ الْمُرَادُ النَّهْيُ أَنْ تُصَاحِبَهُمْ تِلْكَ النَّاقَةُ، وَلَيْسَ فِيهِ نَهْيٌ عَنِ بَيْعِهَا وَذُبْحِهَا وَرُكُوبِهَا فِي غَيْرِ صُحْبَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَلْ كُلُّ ذَلِكَ وَمَا سِوَاهُ مِنَ التَّصَرُّفَاتِ جَائِزٌ لَا مَنَعَ مِنْهُ، إِلَّا مِنْ مُصَاحَبَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهَا؛ لِأَنَّ هَذِهِ التَّصَرُّفَاتِ كُلَّهَا كَانَتْ جَائِزَةً فَمِنَعُ بَعْضُ مِنْهَا، فَبَقِيَ الْبَاقِي عَلَى مَا كَانَ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

۱- ابوداود [۴۹۰۶] و ترمذی [۱۹۷۷] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ترمذی [۱۹۷۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- ابوداود روایت کرده است؛ [۴۹۰۵].

۹۰۰. از ابو برزه نضله بن عبید اسلمی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: (در یک سفر) دختر جوانی سوار بر شتر بود - که بعضی از وسایل قوم نیز بر پشت آن بود - ناگاه چشمش به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم افتاد (و از شرم حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست و پای خود را گم کرد و از هدایت شتر باز ماند و شترش ایستاد و سستی کرد و راه) کوه بر آنها تنگ شد، دختر شتر را نهیب زد و گفت: حل! خدایا لعنتش کن! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «شتری که بر او لعنت هست، با ما همراهی نکند»!

بدان که این حدیث معنیش مشکل می‌نماید در صورتی که اشکالی در آن نیست؛ زیرا مقصود از نهی از مصاحبت با آن شتر، برای آن جماعت است و در خرید و فروش و ذبح آن و نیز سوار شدن بر آن در غیر همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی نشده است، بلکه تمام آنها و غیر آنها از دخالت‌ها و تصرفات، جایز است و مانعی نیست مگر از همراه کردن آن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ زیرا این تصرفات به طور کلی جایز است و بعضی از آنها منع شده و بقیه‌ی تصرفات به حال خود باقی است - و خداوند آگاه‌تر است.

۲۵۵- باب جواز لعن بعض أصحاب المعاصی غیر المعینین

باب جواز لعن گناهکاران بدون تعیین اشخاص

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود / ۱۸)

«هان! لعنت خدا بر ستمگران باد!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف / ۴۴)

«ندا دهنده‌ای در میان‌شان ندا در می‌دهد که: لعنت خدا بر ستمگران باد!».

وَتَبَّتْ فِي الصَّحِيحِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاصِلَةَ وَالْمُسْتَوْصِلَةَ». وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ آكِلَ الرِّبَا». وَأَنَّهُ لَعَنَ الْمُصَوِّرِينَ، وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ مَنَارَ الْأَرْضِ» أَي حُدُودَهَا، وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ السَّارِقَ يَسْرِقُ الْبَيْضَةَ»، وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَيْهِ»، وَ «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ»، وَأَنَّهُ قَالَ: «مَنْ أَخَذَتْ فِيهَا حَدَثًا أَوْ آوَى مُخَدِّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»، وَأَنَّهُ قَالَ: «اللَّهُمَّ الْعَن رِعْلًا، وَذُكْوَانَ، وَعُصَيَّةَ: عَصُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ». وَهَذِهِ ثَلَاثُ قَبَائِلَ مِنَ الْعَرَبِ. وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»، وَأَنَّهُ «لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ». وَجَمِيعُ هَذِهِ الْأَلْفَاظِ فِي الصَّحِيحِ؛ بَعْضُهَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ، وَبَعْضُهَا فِي أَحَدِهِمَا.

در حدیث صحیح ثابت شده و آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند زنی را که موی سر دیگری را به موی خود پیوند می‌دهد و زنی که از دیگری تقاضای پیوند نمودن موی می‌کند، لعنت کند». و نیز فرمودند: «خداوند رباخوار را لعنت کند» و نیز پیامبر ﷺ تصویرگران (نقاشانی که صورت انسان یا حیوان را نقش کنند و یا مجسمه می‌سازند) را لعنت نمود؛ و هم‌چنین فرمودند: «لعنت خدا بر کسی باد که حدود زمین را تغییر می‌دهد». و باز فرمودند: «خداوند دزد را لعنت کند در حالی که تخم مرغ را می‌دزدد...». و باز فرمودند: «لعنت خدا بر کسی که پدر و مادرش را لعنت و نفرین می‌کند». و هم‌چنین فرمودند: «لعنت خدا بر کسی باد که برای غیر خدا ذبح می‌کند». و هم‌چنین فرمودند: «هرکس در مدینه، بدعتی تازه را بنا نهد یا بدعت‌کننده‌ای را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر او باد». و باز فرمودند: «خداوند سه طایفه‌ی «رعِل، ذکوان و عصیه» را لعنت کند که از خدا و رسولش نافرمانی کردند»؛ و نیز فرمودند: «خداوند یهود را لعنت کند که

قبور پیامبران خودشان را پرستشگاه و مسجد قرار دادند». پیامبر ﷺ بر مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند، لعنت فرستادند.

تمامی این الفاظ در احادیث صحیح است؛ بعضی از آنها در بخاری و مسلم و بعضی دیگر در یکی از آن دو آمده است.

۲۶۶- باب تحریم سب المسلم بغير حق

باب تحریم ناسزاگویی به مسلمان به ناحق

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا

وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند.»

۹۰۱- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «سباب المسلم فسوق، وقتاله كفر». متفق عليه.

۹۰۱. از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنید که می فرمودند: «ناسزاگویی و دشنام دادن به مسلمان، فسق، و کشتن او کفر است»^۱.

۹۰۲- وعن أبي ذر رضي الله عنه أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لا يرمي رجل رجلاً رجلاً بالفسق أو الكفر، إلا ارتدت عليه، إن لم يكن صاحبه كذلك» رواه البخاري.

۹۰۲. از ابوذر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیدم که می فرمودند: «هیچ مردی، مرد دیگر را به گناه یا کفر نسبت نمی دهد، جز این که آن نسبت ها به خود او برمی گردند، اگر آن مرد چنان نباشد»^۲.

۹۰۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أتى النبي صلى الله عليه وسلم، برجل قد شرب قال: «أضربوه». قال أبو هريرة: فمنا الصارب بيده، والصارب بِنَعْلِهِ، والصارب بِثَوْبِهِ. فلما انصرف، قال بعض القوم: أخزأك الله! قال: «لا تقولوا هذا، لا تُعِينُوا عَلَيْهِ الشَّيْطَانَ». رواه البخاري.

۹۰۳. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: شخصی را نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم آوردند که شراب خورده بود، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «او را بزنی!» ابوهریره رضي الله عنه می گوید: بعضی از ما، با دست خود او را می زد، و بعضی با کفش خود و برخی با لباسش؛ وقتی رفت، یکی از حاضران گفت: خدا تو را خوار و رسوا کند! پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «چنین نگوئید و شیطان را به ضرر او کمک نکنید»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۴۴)، م (۶۴)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۰۴۵)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۷۸۱)].

۲۵۷- باب تحریم سب الأموات بغير حق ومصلحة شرعية

باب تحریم بدگویی به مردگان به ناحق و بدون مصلحت شرعی

وَهِيَ التَّحْذِيرُ مِنَ الْاِقْتِدَاءِ بِهِ فِي بَدْعَتِهِ، وَفَسْقِهِ، وَنَحْوِ ذَلِكَ، وَفِيهِ الْآيَةُ وَالْأَحَادِيثُ السَّابِقَةُ فِي الْبَابِ قَبْلَهُ..

و آن (جواز شرعی برای بدگویی از مرده) برحذر کردن مردم از اقتدا به او در بدعت و فسق او ... است، و در این مورد است آیه و احادیث سابق که در باب قبل ذکر شد.

۹۰۴- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَىٰ مَا قَدَّمُوا» رواه البخاري.

۹۰۴. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به اموات بد نگویید، زیرا ایشان اینک به اعمال پیشین خود رسیده‌اند (و عاقبت کار خود را - نیک یا بد - دیده‌اند)»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۹۳].

۲۵۸- باب النهي عن الإيذاء

باب نهی از اذیت دیگران

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا

وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند.»

۹۰۵- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُرْحَاحَ عَنِ النَّارِ، وَيُدْخَلَ الْجَنَّةَ، فَلَتَاتِهِ مَنِيَّتُهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَلِيَّاتٍ إِلَى النَّاسِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ» رواه مسلم.

۹۰۵- از عبدالله بن عمرو بن عاص -رضي الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: هر کس که دوست دارد از دوزخ دور گردانده و داخل بهشت برده شود، باید در حالی بمیرد و مرگش فرا رسد که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و باید به گونه‌ای که دوست دارد، با خودش رفتار شود، با مردم رفتار کند!.

(به حدیث شماره: ۱۴۴ مراجعه شود).

۲۵۹- باب النهي عن التباغض والتقاطع والتدابير

باب نهی از کینه‌توزی و از هم بریدن و پشت کردن به مردم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران یکدیگرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَدَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴾ (المائدة / ۵۴)

«نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت‌گیر و نیرومند می‌باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ﴾ (الفتح / ۲۹)

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند».

۹۰۶- وعن أنس رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لا تباغضوا، ولا تحاسدوا، ولا تدابروا، ولا تقاطعوا، وكونوا عباد الله إخواناً، ولا يحل لمسلم أن يهجر أخاه فوق ثلاث». متفق عليه.

۹۰۶. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «نسبت به همدیگر کینه نوزید و حسود نباشید و به هم پشت نکنید و از هم جدا نشوید، و ای بندگان خدا! برادر هم باشید؛ برای شخص مسلمان حلال نیست که بیش از سه روز صحبت با برادرش را قطع کند»^۱.

۹۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً، إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءٌ فَيَقَالُ: أَنْظِرُوا هَذِينَ حَتَّى يَصْطَلِحَا! أَنْظِرُوا هَذِينَ حَتَّى يَصْطَلِحَا!» رواه مسلم.

۹۰۷. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «روزهای دوشنبه و پنجشنبه درهای بهشت باز می‌شوند و هر بنده‌ای که برای خداوند شریک قایل نشود، آمرزیده می‌شود، مگر مردی که بین او و برادرش دشمنی باشد و گفته می‌شود: این دو را به آخر اندازید، (فعالاً گناهانشان

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۶۵)، م (۲۵۵۹)].

را نبخشید) تا وقتی که صلح کنند، این دو را به آخر اندازید (فعلاً گناهانشان را نبخشید) تا وقتی که آشتی کنند»^۱.

(به حدیث شماره: ۱۵۷ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۵].

۲۶۰- باب تحریم الحسد

باب تحریم حسد

وَهُوَ تَمَنِّي زَوَالِ النِّعْمَةِ عَنْ صَاحِبِهَا، سَوَاءً كَانَتْ نِعْمَةً دِينٍ أَوْ دُنْيَا. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَمَرَ

تَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النساء: ۵۴].

حسد، آرزوی زایل شدن نعمت از صاحب آن است، فرقی نمی‌کند نعمت دین باشد یا نعمت دنیا؛ خدای متعال می‌فرماید:

﴿أَمَرَ تَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (النساء / ۵۴)

«آیا با مردم بر آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌ورزند؟».

۹۰۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ؛ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبُ أَوْ قَالَ: الْعُشْبُ» رواه أبو داود.

۹۰۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «از حسد پرهیزید! زیرا که

حسد نیکی‌ها را می‌خورد هم‌چنان که آتش هیزم را می‌خورد» یا به جای هیزم فرمودند: «خاشاک»^۱.
(به حدیث شماره ۹۰۶ مراجعه شود)

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۴۹۰۳)].

۲۶۱- باب النهي عن التجسس والتسمع لكلام من يكره استماعه

باب نهی از تجسس و گوش دادن به سخن کسی که دوست ندارد به سخنش گوش داده شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ (الحجرات / ۱۲)

«جاسوسی نکنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا

وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند».

۹۰۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْكُذْبِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَافَسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا كَمَا أَمَرَكُمْ. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هُنَا، التَّقْوَى هُنَا» وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ «بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَعَرَضُهُ، وَمَالُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ».

وفي رواية: «لَا تَهَاجَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ». رواه مسلم.

۹۰۹. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «از گمان (بد) بپرهیزید! زیرا گمان، دروغ‌ترین سخن است، و عیوب و مسایل پوشیده‌ی دیگران را دنبال نکنید و جاسوسی و تجسس ننمایید و با دیگران رقابت نکنید و نسبت به همدیگر حسد نورزید و کینه نداشته باشید، و از همدیگر بترسید و به هم پشت ننمایید، و ای بندگان خدا! برادران هم باشید چنان که خدا به شما فرمان داده است. مسلمان برادر مسلمان است، و بر او ظلم نمی‌کند و (در هنگام مقابله با دشمن) ترک یاری اش نکرده و توهینش نمی‌نماید؛ تقوا این جاست! تقوا این جاست!» و به سینه‌ی خود اشاره نمود؛ «برای شخص مسلمان همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر

کند؛ تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونس، آبرویش و مالش؛ خداوند به بدن‌ها و صورت‌های شما نگاه نمی‌کند بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد».

در روایتی دیگر آمده است: «سخن گفتن با یکدیگر را قطع نکنید و بعضی از شما بر معامله‌ی بعضی دیگر معامله نکند (با پرداخت مبلغی بیشتر یا قول فروش ارزان‌تر، مانع معامله‌ی دیگری شود و خود، معامله را انجام دهد)»^۱.

۹۱۰- وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّكَ إِنْ اتَّبَعْتَ عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ أَفْسَدْتَهُمْ، أَوْ كِدْتَ أَنْ تُفْسِدَهُمْ». حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۹۱۰. از معاویه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «همانا تو اگر دنبال عیوب و مسایل پوشیده‌ی مسلمانان باشی، ایشان را به فساد متهم کرده‌ای، یا نزدیک است که ایشان را به فساد متهم کنی»^۲.

۹۱۱- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أنه أتني برجل فقيل له: هذا فلان تَقَطَّرَ لِحْيَتُهُ خَمْرًا، فَقَالَ: إِنَّا قَدْ نَهَيْنا عَنِ التَّجَسُّسِ، وَلَكِنْ إِنْ يَظْهَرُ لَنَا شَيْءٌ، نَأْخُذُ بِهِ. حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود.

۹۱۱. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که مردی را نزد او آوردند و در موردش به او گفتند: این فلانی است که از ریشش قطرات شراب می‌چکد، (شرابخوار است) ابن مسعود رضی الله عنه گفت: همانا ما از تجسس نهی شده‌ایم و لیکن اگر چیزی بر ما ظاهر شود (بدون تجسس به آن برخورد کنیم) آن را می‌گیریم و به موجب آن عمل می‌کنیم^۳.

(به حدیث شماره ۱۵۷ مراجعه شود)

۱- مسلم [(۲۵۶۳) و (۲۵۶۴)] با همی این روایات، روایت کرده است و بخاری هم [(۶۰۶۴) و (۶۰۶۵)] بیشتر آنها را روایت کرده است.

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۴۸۸۸)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۴۸۹۰)] به اسنادی بنا بر شرط بخاری و مسلم روایت کرده است.

۲۶۲- باب النهي عن سوء الظن بالمسلمين من غير ضرورة

باب نهی از گمان بردن بد به مسلمانان بدون ضرورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ (الحجرات / ۱۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی از گمان‌ها، گناه است.»

۹۱۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ» متفقٌ عليه.

۹۱۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «از گمان (بد بپرهیزید! زیرا

گمان، دروغ‌ترین سخن است.»

۲۶۳- باب تحریم احتقار المسلمین

باب تحریم کوچک شمردن و تحقیر مسلمانان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهِمُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُونَ قَوْمًا مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (الحجرات / ۱۱)

«ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید، بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت‌گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَيْلٌ لَّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ (الهمزة / ۱)

«وای به حال هر عیبجو و طعنه‌زننده‌ای!».

۹۱۳- وعن جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ رَجُلٌ: وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَعْفِرَ لِفُلَانٍ إِنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُ، وَأَحْبَبْتُ عَمَلَكَ». رواه مسلم.

۹۱۳. از جندب بن عبدالله - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «مردی گفت: به خدا سوگند، فلانی را خدا نمی‌بخشد! و خداوند عزوجل فرمود: کیست آن که بر من سوگند می‌خورد که من فلانی را نمی‌بخشم؟! (بدان که) من او را بخشیدم و اعمال نیک تو را محو کردم!». (به حدیث شماره: ۳۶۵ و ۹۰۹ مراجعه شود).

۲۶۴- باب النهی عن إظهار الشماتة بالمسلم

باب نهی از اظهار خوشحالی در بلاها و مشکلات برادر مسلمان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران یکدیگرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ ﴾ (النور / ۱۹)

«بی‌گمان کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مؤمنان پخش گردد، اینان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند».

۹۱۴- وَعَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيَبْتَلِيكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۹۱۴. از وائله بن اسقع روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «به برادر (دینی یا نسبی) خود (در بلایا و مشکلاتی که برایش پیش آمده است) اظهار خوشحالی نکن (و بدان شادی مکن) که خداوند، به او رحم می‌کند و تو را به بلایی دچار می‌سازد»^۱.

(به حدیث شماره: ۹۰۱ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۲۵۰۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲۶۵- باب تحريم الطعن في الأنساب الثابتة في ظاهر الشرع

باب تحريم طعنه در انساب ثابت شده به ظاهر شرع

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند.»

۹۱۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اِئْتَنَانِ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرٌ: الطَّعْنُ فِي النَّسَبِ، وَالتَّيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ» رواه مسلم.

۹۱۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «دو رفتار در میان مردم موجود است که هر دو (از اعمال) کفر (و اخلاق جاهلیت) می‌باشند؛ تهمت در نسب و نوحه‌گری بر مرده»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۷)].

۲۶۶- باب النهی عن الغش و الخداع

باب نهی از فریب و نیرنگ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند.»

۹۱۶- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ النَّجْشِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۹۱۶. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از نجش نهی فرمودند: (نجش، یعنی اظهار خرید یک جنس به قیمت بالاتر بدون آنکه قصد خریدن آنرا داشته باشد، بلکه قصدش فریب دادن مشتری و تحریک او به خرید آن جنس) ^۱.

۹۱۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَبَبَ زَوْجَةَ امْرِيٍّ، أَوْ مَمْلُوكَهُ، فَلَيْسَ مِنَّا». رواه أبو داود.

۹۱۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس همسر یک مرد یا برده‌ی او را فریب دهد (و او را به نافرمانی یا مانند آن تحریک کند)، از ما نیست» ^۲.

۹۱۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى صُبْرَةَ طَعَامٍ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهَا، فَنَالَتْ أَصَابِعُهُ بِلَالًا، فَقَالَ: «مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟» قَالَ: «أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ حَتَّى يَرَاهُ النَّاسُ، مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا». رواه مسلم.

۱۵۷۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار توده‌ای طعامی گذشت و دستش را در آن فرو برد و انگشتانش کمی خیس شد، فرمودند: «ای صاحب طعام! این چیست؟» گفت: ای

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۴۲)، م (۱۵۱۶)].

۲- ابوداود روایت کرده است؛ [(۵۱۷۰)].

رسول خدا! باران بر آن باریده، فرمودند: «چرا آن قسمت خیس را بالای طعام قرار نداده‌ای تا مردم بینند؟ کسی که نسبت به ما حيله و فریب کند، از ما نیست!»^۱.

۲۶۷- باب تحریم الغدر

باب تحریم بی‌وفایی و عهدشکنی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (المائدة / ۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادها وفا کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء / ۳۴)

«به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که (روز قیامت) عهد و پیمان مورد پرسش است».

۹۱۹- وعن ابن مسعود، وابن عمر، وأنس رضي الله عنهم قالوا: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُقَالُ: هَذِهِ غَدْرَةُ فُلَانٍ» متفق عليه.

۹۱۹. از ابن مسعود و ابن عمر و انس - رضي الله عنهم - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «در روز قیامت هر غدر کننده و عهدشکنی، پرچمی دارد و گفته می‌شود: این (نتیجه‌ی) غدر و عهدشکنی فلان شخص است»^۱.

۹۲۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: قال الله تعالى: ثلاثة أنا خصمهم يوم القيامة: رجل أعطى بي ثم غدر، ورجل باع حراً فأكل ثمنه، ورجل استأجر أجيراً، فاستوفى منه، ولم يعطه أجره». رواه البخاري.

۹۲۰. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: سه نفر هستند که در روز قیامت من دشمن ایشانم: (۱) مردی که با سوگند به من، وعده‌ای بدهد و بعد خلاف وعده کند؛ (۲) مردی که شخص آزادی را بفروشد و پول فروش او را بخورد (۳) مردی که کارگری بگیرد و به خوبی از او کار بکشد و سپس اجرت او را نپردازد»^۲.
(به حدیث شماره: ۴۰۶ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۱۸۸)، م (۱۷۳۵) و (۱۷۳۶) و (۱۷۳۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۲۲۷)].

۲۶۸- باب النهي عن المنّ بالعطية ونحوها

باب نهی از منت گذاشتن برای بخشش و مانند آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (البقره / ۲۶۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات و بخشش‌های خود را با منت و آزار، تباه و بی‌پاداش نسازید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مِمَّا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى﴾ (البقره / ۲۶۲)

«کسانی که دارایی خود را در راه خدا صرف می‌کنند و به دنبال آن به خاطرش منتی نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند.»

۹۲۱- وعن أبي ذر رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». قَالَ: فَقَرَأَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَ مَرَارٍ. قَالَ أَبُو ذَرٍّ: خَابُوا وَخَسِرُوا، مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْمُسِيلُ، وَالْمَنَّانُ، وَالْمُنْفِقُ سَلْعَتَهُ بِالْحَلْفِ الْكَاذِبِ». رواه مسلم.

۹۲۱. از ابوذر - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «سه نفر هستند که در روز قیامت خداوند با آنان صحبت نمی‌کند و به آنها نگاه (رحمت) نمی‌کند و آنان را پاکیزه و رستگار نمی‌نماید و عذاب دردناکی برای آنها فراهم می‌باشد»؛ ابوذر رضي الله عنه می‌گوید: پیامبر صلى الله عليه وسلم سه مرتبه این جمله را تکرار فرمودند، ابوذر رضي الله عنه گفت: بدبخت و زیانکار شدند. ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «(۱) کسی که (شلوارش) را دراز کند و فرو گذارد؛ (۲) کسی که بر آن شخص که به او احسان کرده است، منت بگذارد؛ (۳) کسی که جنس خود را با سوگند دروغ بفروشد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۶)].

۲۶۹- باب النهي عن الإفتخار والبعي

باب نهی از فخر فروشی و ظلم و سرکشی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَلَا تُرْكُوا أَنفُسَكُمْ ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ﴾ (النجم / ۳۲)

«پس از پاک بودن خود سخن نگویند؛ زیرا که او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ (الشورى / ۴۲)

«عتاب و عذاب تنها متوجه کسانی است که به مردم ستم و در زمین به ناحق سرکشی می‌کنند؛ چنین کسانی دارای عذاب دردآور و دردناکی هستند».

۹۲۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا قَالَ الرَّجُلُ: هَلَكَ النَّاسُ، فَهُوَ أَهْلَكُهُمْ». رواه مسلم.

وَذَلِكَ النَّهْيُ لِمَنْ قَالَ ذَلِكَ عَجْباً بِنَفْسِهِ، وَتَصَاغِراً لِلنَّاسِ، وَارْتِفَاعاً عَلَيْهِمْ، فَهَذَا هُوَ الْحَرَامُ، وَأَمَّا مَنْ قَالَهُ لِمَا يَرَى فِي النَّاسِ مِنْ نَقْصٍ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ، وَقَالَهُ تَحَزُّناً عَلَيْهِمْ، وَعَلَى الدِّينِ، فَلَا بَأْسَ بِهِ. هَكَذَا فَسَّرَهُ الْغُلَمَاءُ وَفَصَّلُوهُ، وَمِمَّنْ قَالَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْأَعْلَامِ: مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ، وَالْخَطَّابِيُّ، وَالْحَمِيدِيُّ وَآخَرُونَ، وَقَدْ أَوْضَحْتُهُ فِي كِتَابِ: «الْأَذْكَارِ».

۹۲۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی بگوید: مردم هلاک و نابود شدند، خود او از همه‌ی مردم نابودتر و به هلاکت افتاده‌تر است»^۱.

این نهی برای کسی است که از روی تکبر و رضایت نفس و کوچک شمردن مردم و فخر بر آنان بگوید و این حرام است، ولی اگر کسی آن را به این علت بگوید که نقصانی دینی را در میان مردم مشاهده می‌کند و این را به عنوان غمخواری ایشان می‌گوید، مشکلی ندارد؛ و علما این حدیث را این‌گونه توضیح داده (و در معنای آن تقسیم قایل شده‌اند) و در میان امامان بزرگوار، مالک بن

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۲۳].

انس، خطابی، حمیدی و جمعی دیگر، همین طور شرح داده‌اند و من آن را در کتاب «الاذکار» توضیح داده‌ام.

(به حدیث شماره: ۳۵۸ مراجعه شود)

۲۷۰- باب تحریم الهجران بین المسلمین فوق ثلاثة أيام إلا لبدعة في المهجور أو

تظاهر بفسقٍ أو نحو ذلك

باب تحریم حرف نزدن مسلمانان با همدیگر بیشتر از سه روز، مگر به

علت مشاهدهی بدعت از شخصی که با او قطع صحبت شده یا تظاهر

به فسق و مانند آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة / ۲)

«همدیگر را در راه گناه و تجاوز و ستمکاری، یاری و پشتیبانی نکنید.»

۹۲۳- وعن أبي أيوب رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا يحلُّ لمُسلمٍ أن يهجر أخاه فوق ثلاث ليلٍ: يلتقيان، فيعرض هذا، ويُعرضُ هذا، وخيرُهُما الَّذي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ». متفقٌ عليه.

۹۲۳. از ابویوب انصاری - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «برای شخص مسلمان حلال نیست که بیشتر از سه شب با برادر (دینی یا نسبی) خود قطع صحبت کند که چون به همدیگر می‌رسند، هر یک از ایشان از دیگری اعراض می‌کند و بهترین ایشان کسی است که اول سلام (و صحبت را دوباره شروع) می‌کند»^۱.

۹۲۴- وعن جابر رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ يَسَّ أَنْ يَعْبُدَهُ الْمُصَلُّونَ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَلَكِنْ فِي التَّحْرِيشِ بَيْنَهُمْ». رواه مسلم.

۹۲۴. از جابر - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «شیطان مأیوس شده است از این که نمازگزاران جزیره‌العرب او را عبادت و اطاعت کنند و لیکن از افساد میان آنها و تغییر دل‌های ایشان و دور نمودن آنها از یکدیگر مأیوس نیست (و مشغول بدان است)»^۲.

۹۲۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا يحلُّ لمُؤمنٍ أن يهجر مؤمناً فوق ثلاثٍ، فإن مرَّت به ثلاثٌ، فليلقه فليسلم عليه، فإن ردَّ عليه السلام فقد اشتركا

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۷۷)، م (۲۵۶۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۱۲)].

فِي الْأَجْرِ، وَإِنْ لَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِالْإِثْمِ، وَخَرَجَ الْمُسْلِمُ مِنَ الْهَجْرَةِ». رواه أبو داود بإسنادٍ حسن. قَالَ أَبُو دَاوُدَ: إِذَا كَانَتْ الْهَجْرَةُ لِلَّهِ تَعَالَى فَلَيْسَ مِنْ هَذَا فِي شَيْءٍ.

۹۲۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حلال نیست برای شخص مؤمن که بیش از سه روز با دوست مؤمنش قهر کند، و اگر سه روز گذشت، باید او را ملاقات و به او سلام کند؛ اگر وی جواب سلام او را داد، هر دو در اجر شریک هستند و اگر جواب نداد، دچار گناه شده است و سلام دهنده از (گناه) قهر کردن خارج شده است»^۱.

ابوداود گفته است: اگر قهر کردن و حرف نزدن، به خاطر رضای خدا باشد، دیگر احکام فوق در آن جاری نیست.

(به حدیث شماره: ۹۰۷ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۴۹۱۲] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲۷۱- باب النهي عن تناجي اثنين دون الثالث بغير إذنه إلا لحاجة وهو أن يتحدثا

بلسان لا يفهمه

باب نهی از نجوای دو نفر در حضور سومی بدون اجازه‌ی او جز برای ضرورت؛ و نجوا چنین است که دو نفر پنهانی حرفی بزنند که سومی نشنود و یا با زبانی صحبت کنند که سومی آن را نفهمد-

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ ﴾ (المجادله / ۱۰)

«نجوا (سخن گفتن مخفیانه)، از جانب شیطان است.»

۹۲۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً، فَلَا يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الثَّلَاثِ». متفق عليه.

ورواه أبو داود وزاد: قَالَ أَبُو صَالِحٍ: قُلْتُ لَابْنِ عُمَرَ: فَأَرَبَعَةً؟ قَالَ: لَا يَضُرُّكَ.

۹۲۶. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرگاه سه نفر با هم بودند، نباید دو نفر از آنها بدون (حضور و اجازه‌ی) سومی با همدیگر نجوا کنند»^۱.

ابوداود نیز آن را روایت کرده و اضافه نموده است که: ابوصالح گفت: به ابن عمر -رضی الله عنهما- گفتم: چهار نفر چگونه؟ گفت: ضرری ندارد^۲.

۹۲۷- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً، فَلَا يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الْآخَرِ حَتَّى تَخْتَلِطُوا بِالنَّاسِ، مِنْ أَجْلِ أَنْ ذَلِكَ يُحْزِنُهُ» متفق عليه.

۹۲۷. از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «وقتی شما سه نفر بودید، دو نفرتان بدون سومی نجوا نکنند تا این که با مردم آمیخته شوید؛ زیرا این کار، او را غمگین می‌کند»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۸۸)، م (۲۱۸۳)].

۲- [(۴۸۵۲)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۹۰)، م (۲۱۸۴)].

۲۷۲- باب النهي عن تعذيب العبد والدابة والمرأة والولد بغير سبب شرعي أو زائد

على قدر الأدب

باب نهی از شکنجه‌ی برده و حیوان و زن و فرزند بدون جهت شرعی یا زدن خارج از حد تأدیب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ
الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ
كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ۗ ﴾ (النساء / ۳۶)

«و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و غیر
خویشاوند، دوست نزدیک، در راه ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید، بی گمان خداوند کسی
را که خودخواه و خودپسند باشد، دوست ندارد.»

۹۲۸- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عُدْبَتِ امْرَأَةٍ فِي
هَرَّةٍ سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ، فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارَ، لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا، إِذْ حَبَسَتْهَا، وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا
تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ» متفق عليه.

۹۲۸. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «زنی (پس از مردن) عذاب
داده شد، زیرا گربه‌ای را زندانی کرد و نه خود به او غذا و آب داد و نه گذاشت که خود گربه
بیرون بیاید و از جانداران و حشرات زمین شکار و تغذیه کند و به همین علت مرد و خداوند، آن زن
را به خاطر این عملش تعذیب و وارد آتش کرد!»

۹۲۹- وَعَنْهُ أَنَّهُ مَرَّ بِفَتْيَانٍ مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ نَصَبُوا طَيْرًا وَهُمْ يَرْمُونَهُ وَقَدْ جَعَلُوا لِصَاحِبِ الطَّيْرِ كُلِّ
خَاطِئَةٍ مِنْ نَبْلِهِمْ، فَلَمَّا رَأَوْا ابْنَ عُمَرَ تَفَرَّقُوا فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: مَنْ فَعَلَ هَذَا؟ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ فَعَلَ هَذَا، إِنَّ
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ مَنْ اتَّخَذَ شَيْئًا فِيهِ الرُّوحُ غَرَضًا. متفق عليه.

۹۲۹. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که او از کنار جماعتی از جوانان قریش گذشت که
پرنده‌ای را در جایی آویزان کرده بودند و به سوی او تیر می‌انداختند و هر تیری را که به خطا

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۴۸۲)، م (۲۲۴۲)].

می رفت، برای صاحب پرنده قرار داده بودند و همین که ابن عمر رضی الله عنهما را دیدند، پراکنده شدند، ابن عمر رضی الله عنهما - گفت: چه کسی چنین کرده است؟ لعنت خدا بر کسی باد که این عمل را انجام داده است! پیامبر صلی الله علیه و آله بر کسی که جانداری را هدف قرار دهد و بر آن تیر یا سنگ زند، لعنت فرستاده است.^۱

۹۳۰- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ تُصَبَّرَ الْبَهَائِمُ. متفقٌ عليه.

۹۳۰. از انس رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از حبس و زندانی کردن چهارپایان برای کشتن نهی فرمودند. (یعنی آن را در جایی ببندند و آن قدر به سویس تیر پرتاب کنند که بمیرد).^۲

۹۳۱- وَعَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ أَضْرِبُ غُلَامًا لِي بِالسَّوْطِ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنْ خَلْفِي: «اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ» فَلَمْ أَفْهَمْ الصَّوْتَ مِنَ الْعَضْبِ، فَلَمَّا دَنَا مِنِّي إِذَا هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا هُوَ يَقُولُ: «اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ أَنَّ اللَّهَ أَقْدَرُ عَلَيْكَ مِنْكَ عَلَى هَذَا الْغُلَامِ» فَقُلْتُ: لَا أَضْرِبُ مَمْلُوكًا بَعْدَهُ أَبَدًا.

وفي رواية: فَسَقَطَ السَّوْطُ مِنْ يَدِي مِنْ هَيْبَتِهِ.

وفي رواية: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هُوَ خُرٌّ لَوْجِهِ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ: «أَمَا لَوْ لَمْ تَفْعَلْ، لَلْفَحْتِكَ النَّارُ، أَوْ لَمَسْتِكَ النَّارُ» رواه مسلم بهذه الروايات.

۹۳۱. از ابومسعود بدری رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: من غلامم را با تازیانه می زدم که صدایی از پشت سر شنیدم که: «ای ابومسعود! آگاه باش» و از شدت غضب صدا را نشناختم، وقتی به من نزدیک شد، دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله است و می فرماید: «ای ابومسعود! بدان که خداوند بر تو قادرتر است از تو به این غلام» و گفتم که: دیگر هرگز خادمی یا برده ای را نمی زنم.

در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «از هیبت پیامبر صلی الله علیه و آله تازیانه از دستم افتاد».

در روایتی دیگر آمده است که فرمود: گفتم: «ای رسول خدا! او، برای رضای خدا آزاد باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بدان که اگر چنان نمی کردی، آتش تو را می سوزاند - یا آتش تو را لمس می کرد».^۳

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۵۱۵)، م (۱۹۵۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۵۱۳)، م (۱۹۵۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۵۹)] با همه ی این روایات، روایت کرده است.

۹۳۲- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ، أَوْ لَطَمَهُ، فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ يُعْتِقَهُ» رواه مسلم.

۹۳۲. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس غلام خود را به خاطر کاری که نکرده است، حد بزند یا سیلی بزند، کفاره اش این است که او را آزاد کند»^۱.

۹۳۳- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الضَّرْبِ فِي الْوَجْهِ، وَعَنِ الْوَسْمِ فِي الْوَجْهِ.

۹۳۳. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که: پیامبر ﷺ از زدن به صورت و از داغ کردن صورت، نهی فرمودند.^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۵۷)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۱۱۷)].

۲۷۳- باب تحريم التعذيب بالنار في كل حيوان حتى النملة ونحوها

باب تحريم شکنجهی حیوان با آتش و حتی مورچه و مانند آن

۹۳۴- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر، فانطلق لحاجته، فرأينا حُمرةً معها فرخان، فأخذنا فرخيهما، فجاءت الحُمرة فجعلت تعرش فجاء النبي صلى الله عليه وسلم فقال: «من فجع هذه بولدها؟، زدوا ولدها إليها». ورأى قرية نمل قد حرقناها، فقال: «من حرق هذه؟» قلنا: نحن. قال: «إنه لا ينبغي أن يعذب بالنار إلا رب النار». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۹۳۴. از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلى الله عليه وسلم در سفری بودیم، پیامبر صلى الله عليه وسلم برای قضای حاجت رفت و ما حمزه‌ای (مرغی است سرخ رنگ، مانند گنجشک) را دیدیم که دو جوجه به همراه داشت و جوجه‌های او را گرفتیم، مرغ آمد و شروع به تعریش کرد (بلند می‌شد و بال‌های خود را می‌گسترده که شاید بچه‌ها را زیر سایه‌ی بالش قرار دهد) پیامبر صلى الله عليه وسلم تشریف آوردند و فرمودند: «چه کسی این مرغ را با ربودن بچه‌هایش آزرده و به درد آورده است؟ بچه‌هایش را به او بازپس دهید». و لانه‌ی موری را دید که آن را سوزانده بودیم، فرمودند: «چه کسی این را سوزانده است؟» گفتیم: ما، فرمودند: «جز خدای آتش، کسی نباید با آتش عذاب دهد»^۱.

۱- ابوداود [۲۶۷۵] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۷۴- باب تحریم مطل الغنی بحق طلبه صاحبه

باب تحریم تأخیر ثروتمند در بازپرداخت حقی که (وقت ادای آن رسیده است و) صاحبش آن را طلب می کند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (النساء / ۵۸)

«خداوند امر می کند که امانت‌ها را به صاحبان آنها برگردانید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فليؤدِّ الَّذِي أَوْتُمِنَ أَمَنَتَهُ﴾ (البقره / ۲۸۳)

«اگر بعضی از شما به بعضی دیگر اطمینان کردند (و امانتی پیش وی گذاشتند)، باید کسی که امین شمرده شده است، امانت او را بازپس دهد.»

۹۳۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ، وَإِذَا أُتْبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَىٰ مَلِيٍّ فَلْيَتَّبِعْ». متفقٌ عَلَيْهِ.

۹۳۵. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «تأخیر نمودن ثروتمند از ادای قرض، ظلم است. و هرگاه یکی از شما برای دریافت طلبش به شخص ثروتمندی حواله گردید، آن را قبول کند (یعنی: اگر یکی از شما از شخصی طلبکار بود و آن شخص او را برای دریافت طلبش، به نزد شخص ثروتمندی فرستاد، آن را قبول کند و برای دریافت طلبش به نزد آن شخص برود)»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۲۸۷)، م (۱۵۶۴)].

۲۷۵- باب کراهة عود الإنسان في هبة لم يسلمها إلى الموهوب له وفي هبة وهبها لولده وسلمها أو يسلمها وكراهية شرائه شيئاً تصدق به من الذي تصدق عليه أو أخرجه عن زكاة أو كفارة ونحوها ولا بأس بشرائه من شخص آخر قد انتقل إليه

باب کراهت پشیمان شدن انسان از بخششی که هنوز تسلیم طرف نکرده و از بخششی که به فرزندش بخشیده و آن را تسلیم کرده یا نکرده باشد و کراهت خریدن چیزی که به احسان به کسی داده است از آن شخص و کراهت خریدن چیزی که به عنوان زکات یا کفاره یا مانند آن پرداخت کرده است (از شخص فقیری که به وی پرداخته است)، ولی اگر آن را از شخص دیگری که به او انتقال یافته، بخرد، مانعی ندارد

۹۳۶- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الَّذِي يَعُودُ فِي هَبْتِهِ كَالْكَلْبِ يَرْجِعُ فِي قَيْتِهِ» متفق عليه.

۹۳۶. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که از بخشش خودش پشیمان می شود و به تصاحب دوباره ی آن برمی گردد، مانند سگ است که به قی و استفراغ خود برمی گردد!».

۹۳۷- وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَمَلْتُ عَلَى فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَضَاعَهُ الَّذِي كَانَ عِنْدَهُ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَشْتَرِيَهُ، وَظَنَنْتُ أَنَّهُ يَبِيعُهُ بِرُخْصٍ، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «لَا تَشْتَرِهِ وَلَا تَعُدْ فِي صَدَقَتِكَ وَإِنْ أَعْطَاكَ بِدَرَاهِمٍ؛ فَإِنَّ الْعَائِدَ فِي صَدَقَتِهِ كَالْعَائِدِ فِي قَيْتِهِ». متفق عليه.

۹۳۷. از عمر بن خطاب -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: اسبی را در راه خدا به یکی از مجاهدان اسلام بخشیدم و او در خدمت به آن کوتاهی کرد (و بدون این که قیمت آن را بداند، می خواست بفروشد)، خواستم آن را از او بخرم و گمان کردم که آن را ارزان می فروشد، از

پیامبر ﷺ پرسیدم، فرمودند: «آن را نخر و به صدقه‌ی خود باز نگرد اگرچه آن را به یک درهم به تو بدهد، زیرا بازگشت کننده به صدقه، مانند بازگشت کننده به قی و استفراغ خود می‌باشد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۸۹)، م (۱۶۲۰)].

۲۷۶- باب تأکید تحریم مال یتیم

باب تأکید بر حرام بودن مال یتیم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ

سَعِيرًا ۗ ﴾ (النساء / ۱۰)

«بی‌گمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستمگرانه می‌خورند، انگار آتش در شکم‌های خود (می‌ریزند و) می‌خورند و (در روز قیامت) با آتش سوزانی خواهند سوخت».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۗ ﴾ (الأنعام / ۱۵۲)

«به مال یتیم نزدیک نشوید (و دست نزنید)، جز به نحو احسن (که به مصلحت او باشد)».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ۖ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَاحْوَٰنُكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

الْمُفْسِدَ مِنَ الْمَصْلِحِ ۗ ﴾ (البقره / ۲۲۰)

«از تو درباره‌ی یتیمان می‌پرسند، بگو: هرچیز که صلاح ایشان در آن باشد، نیک و پسندیده است، و اگر با آنان بیامیزید، ایشان برادران دینی شما هستند و خداوند مفسد را از مصلح باز می‌شناسد».

۹۳۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤْبَقَاتِ!» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشَّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسَّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ، وَقَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَافِلَاتِ». متفقٌ عَلَيْهِ.

۹۳۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «از هفت گناه مهلک پرهیز کنید»، گفتند: ای رسول خدا! آنها چه گناهی هستند؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «شُرک به خدا، سحر، قتل نفسی که خداوند کشتن آن را حرام گردانیده است جز به حق، رباخواری، خوردن مال یتیم، رویگردانی از میدان جنگ، و نسبت دادن تهمت زنا به زنان پاکدامن مؤمن که از گناه بی‌خبرند!».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۷۶۶)، م (۸۹)].

۲۷۷- باب تغلیظ تحریم الربا

باب شدید بودن تحریم ربا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷۵﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۸﴾ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا ﴾ (البقره/۲۷۵-۲۷۸)

«کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر هم‌چون کسی که شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد؛ این از آن روست که آنان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند رباست و حال آن‌که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است؛ پس هر کس پند و اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیش‌تر بوده از آن اوست و سروکارش با خداست؛ اما کسی که برگردد، این‌گونه کسانی اهل آتش هستند و جاودانه در آن می‌مانند. خداوند (برکت) ربا را (و اموالی را که ربا با آن بیامیزد) نابود می‌کند و (ثواب) صدقات را (و اموالی که از آن بذل و بخشش می‌شود) فزونی می‌بخشد». تا آن‌جا که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (عذاب و عقاب) خدا بپرهیزید و از آن‌چه از ربا باقی مانده است، صرف‌نظر کنید».

۹۳۹- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكِلَ الرِّبَا وَمُوكَلَّهُ» رواه مسلم. زاد الترمذي وغيره: «وَشَاهِدِيهِ، وَكَاتِبُهُ».

۹۳۹. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر رباخوار و ربا دهنده لعنت فرستاد!

ترمذی و دیگران اضافه کرده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله بر شاهد و نویسنده‌ی ربا نیز لعنت فرستاد!

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۵۹۷)].

۲- [(۱۲۰۶)].

(به حدیث شماره ۹۳۸ مراجعه شود).

۲۷۸- باب تحریم الرباء

باب تحریم ربا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ ﴾ (البينه / ۵)

«به امت‌های پیشین امر نشد جز به آن که خدا را با اخلاص و در حالی که بر دین حنیف ابراهیمی استقامت دارند، پرستش کنند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ ﴾ (البقره / ۲۶۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات و بخشش‌های خود را با منت و آزار، تباه و بی‌پاداش نسازید، همانند کسی که دارایی خود را برای نشان دادن به مردم، ریاکارانه صرف می‌کند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يِرْأُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴾ (النساء / ۱۴۲)

«جلو چشمان مردم خودنمایی و تظاهر می‌کنند در صورتی که جز به مقدار بسیار کم خداوند را یاد نمی‌کنند (نماز نمی‌خوانند)».

۹۴۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشَّرِكِ، مَنْ عَمَلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي، تَرَكْتُهُ وَشِرْكُهُ» رواه مسلم.

۹۴۰. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند می‌فرماید: من بی‌نیازترین شریکان از شرک (و شراکت) هستم و هر کس عملی انجام دهد و غیر من را در آن شریک نماید، او را با شرکش ترک می‌کنم و فرو می‌گذارم و به او توجه نمی‌کنم!».

۹۴۱- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ، رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ، فَأْتِيَ بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعْمَتَهُ، فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتُشْهِدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ: جَرِيءٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۸۵].

حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ. وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ الْقُرْآنَ، فَأَتَى بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعَمَهُ، فَعَرَفَهَا. قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ، وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ، وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ: هُوَ قَارِيءٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ، فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ، وَرَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ، فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعَمَهُ، فَعَرَفَهَا. قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ. قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ: هُوَ جَوَادٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ» رواه مسلم.

۹۴۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «نخستین فردی که در روز قیامت علیه او حکم می شود، مردی است که شهید شده است؛ (به دیوان حشر آورده می شود و) خداوند نعمتش را به او نشان می دهد، آنها را می شناسد؛ خداوند به او می گوید: با این نعمت ها چه عملی انجام داده ای؟ جواب می دهد: در راه تو جنگ کردم تا شهید شدم، می گوید: دروغ گفתי، برای آن جنگ کردی که گفته شود: شجاع است! و (در دنیا درباره ی تو این) گفته شده است؛ بعد در مورد او فرمان صادر می گردد و بر روی صورتش کشانده می شود تا در دوزخ انداخته می شود؛ و نیز مردی است که علم آموخته و آن را تعلیم داده و قرآن را تلاوت کرده است، آورده می شود و خداوند نعمت هایش را به او نشان می دهد، آن را می شناسد؛ خداوند به او می گوید: با این نعمت ها چه عملی انجام داده ای؟ می گوید: علم آموختم و آن را یاد دادم و برای رضای تو قرآن خواندم، می گوید: دروغ گفתי، علم آموختی تا گفته شود: عالم است! و قرآن خواندی تا بگویند: قاری است و گفته شده است؛ سپس در مورد او فرمان صادر می گردد و بر روی صورتش کشانده می شود و تا در دوزخ انداخته می شود؛ و مردی است که خداوند در ثروت و رزق او را وسعت داده است و به او انواع ثروت عطا کرده است؛ آورده می شود و خداوند نعمت هایش را به او نشان می دهد، آن را می شناسد؛ خداوند به او می گوید: با این نعمت ها چه عملی انجام داده ای؟ جواب می دهد: آن را در هر راهی که تو دوست داشتی در آن خرج شود، خرج کردم؛ می گوید: دروغ گفתי، چنان کردی که مردم بگویند: او بخشنده است! و گفته شده است؛ سپس درباره ی او فرمان صادر می گردد و بر روی صورتش کشانده می شود تا در دوزخ انداخته می شود»^۱.

۹۴۲- وَعَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُفْيَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَمِعَ، سَمِعَ اللَّهُ بِهِ؛ وَمَنْ يُرَائِي، يُرَائِي اللَّهُ بِهِ» متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۰۵].

۹۴۲. و از جندب بن عبدالله بن سفیان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که در انظار مردم برای شهرت، عملی را انجام دهد، خداوند در روز قیامت او را در انظار مردم رسوا می‌کند و کسی که عملی را برای آن انجام دهد که مردم او را بزرگ بشمارند، خداوند ماهیت او را در انظار عموم آشکار می‌نماید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۹۹)، م (۲۹۸۷)]. و مسلم [۲۹۸۶] نیز از روایت ابن عباس - رضی الله عنه - روایت کرده است.

۲۷۹- باب تحریم النظر إلى المرأة الأجنبية والأمرد الحسن لغير حاجة شرعية

باب تحریم نگاه کردن به زن بیگانه و پسر بی موی زیبا بدون ضرورت

شرعی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ﴾ (نور / ۳۰)

«ای پیامبرص) به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را فرو گیرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴾ (الإسراء / ۳۶)

«بی گمان چشم و گوش و دل، همه مورد بازخواست و پرس وجو قرار می گیرد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴾ (غافر / ۱۹)

«خداوند از دزدانه نگاه کردن چشم‌ها و از رازی که سینه‌ها در خود پنهان می کنند، آگاه است».

و قال تعالى: ﴿ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴾ (الفجر / ۱۴)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست».

۹۴۳- وَعَنْ جَرِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ الْمَرْءِ إِلَى الْمَرْءِ فَقَالَ: «اصْرِفْ بَصْرَكَ». رواه مسلم.

۹۴۳. و از جریر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: درباره‌ی نظر ناگهانی و ناخواسته از

پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم، فرمودند: «چشم خود را برگردان»^۱.

۹۴۴- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ، وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، وَلَا تُفْضِي الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۱۵۹].

۹۴۴. و از ابوسعید - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر فرمودند: «مرد به عورت مردی دیگر و زن به عورت زنی دیگر ننگرد، و مردی در یک بستر با مرد دیگر و زنی با زن دیگر در یک بستر نخوابند»^۱.

(به حدیث شماره: ۱۳۲ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۳۸)].

۲۸۰ - باب تحریم الخلوۃ بالأجنبية

باب تحریم خلوت با زن بیگانه

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتْنَعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ (الأحزاب / ۵۳)

«هنگامی که از زنان پیامبرص چیزی از وسایل منزل را به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید».

۹۴۵- وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالذُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ»، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: أَفَرَأَيْتَ الْحَمْمُ؟ قَالَ: «الْحَمْمُ الْمَوْتُ». متفقٌ عليه.

۹۴۵. و از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «از وارد شدن به (منازل) زنان (بیگانه) خودداری کنید»، مردی از انصار گفت: اگر آن مرد برادر یا از خویشاوندان شوهرش باشد چطور؟ فرمودند: «آن (فتنه‌اش بیشتر و مانند) مرگ است»^۱.
(به حدیث شماره: ۵۹۰ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۲۳۳)، م (۲۱۷۲)].

۲۸۱- باب تحریم تشبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال في لباس وحركة وغير ذلك

باب تحریم خود را شبیه ساختن مردان به زنان و زنان به مردان در لباس، حرکت و غیر آن

۹۴۶- عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَالْمُتَرَجَّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ. وفي رواية: لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ. رواه البخاري.

۹۴۶. و از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ مردانی که خود را به زن و زنانی که خود را به مرد، همانند کنند، لعنت نمودند.

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر ﷺ بر مردانی که خود را به زنان شبیه کنند و زنانی که خود را به مردان شبیه می نمایند، لعنت فرستاد.^۱

۹۴۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا: قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ، وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيَلَاتٌ مَائِلَاتٌ، رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ، وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا، وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا» رواه مسلم.

۹۴۷. و از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «دو گروه اهل دوزخ می باشند که من آنها را (در این زمان) ندیده‌ام، طایفه‌ای که شلاق‌هایی مانند دم گاو به همراه دارند و مردم را با آن می‌زنند و زنانی که ظاهراً پوشیده و در حقیقت لخت هستند که خود را به هر طرف متمایل می‌کنند (یعنی با ناز و کرشمه راه می‌روند و از طاعت خدا دور هستند) و (موهای) سرشان را مانند کوهان شتران بلند می‌کنند؛ چنین کسانی داخل بهشت نمی‌شوند و بوی آن را هم نمی‌یابند در حالی که بوی آن از فاصله‌های دور نیز استشمام می‌شود».^۲

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۸۸۶].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۱۲۸].

۲۸۲- باب النهي عن التشبه بالشیطان والكفار

باب نهی از شبیه کردن خود به شیطان و کافران

۹۴۸- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ» رواه مسلم.

۹۴۸. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با دست چپ غذا نخورید، زیرا شیطان با دست چپش می خورد و می نوشد»^۱.

۹۴۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى لَا يَصْبِغُونَ، فَخَالَفُوهُمْ» متفقٌ عليه.

۹۴۹. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یهود و نصاری، (موی سر و ریش خود را) رنگ نمی کنند، شما مخالف آنها باشید»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۱۹].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۸۹۹)، م (۲۱۰۳)].

۲۸۳- باب نهی الرجل والمرأة عن خضاب شعرهما بسواد

باب نهی مرد و زن از رنگ کردن مو با رنگ سیاه

۹۵۰- عن جابر رضي الله عنه قال: أتيت بآبي فحافه وإلي أبي بكر الصديق رضي الله عنهما يوم فتح مكة ورأسه ولحيته كالشعامة بيضاء، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «غيروا هذا واجتنبوا السواد» رواه مسلم.

۹۵۰. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: روز فتح مکه، ابوقحافه پدر ابوبکر صدیق رضي الله عنه آورده شد در حالیکه سر و ریشش از سفیدی مثل ثغامه بود (ثغامه نباتی است که گل و میوه اش هر دو سفید است)، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «این را تغییر دهید و از رنگ سیاه پرهیزید»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۱۰۲].

۲۸۴- باب النهي عن القزع وهو حلق بعض الرأس دون بعض، وإباحة حلقه كله
للرجل دون المرأة

**باب نهی از قزع که عبارت از تراشیدن قسمتی از سر و گذاشتن
بعضی از آن است، و مباح بودن تراشیدن تمام سر برای مرد نه زن**

۹۵۱- عن ابن عمر رضي الله عنهما قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْقَزَعِ. متفق عليه.

۹۵۱. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از قزع (تراشیدن قسمتی از سر و گذاشتن بعضی از آن) نهی فرمودند!

۲۸۵- باب تحریم وصل الشعر والوشم

باب تحریم وصل مو و خالکوبی

۹۵۲- وَعَنْ حَمِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَمِعَ مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَامَ حَجِّ عَلِيِّ الْمُنْبَرِ وَتَنَاوَلَ قُصَّةً مِنْ شَعْرٍ كَانَتْ فِي يَدِ حَرَسِيِّ فَقَالَ: يَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ، أَيُّنَ عُلَمَاؤُكُمْ؟! سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَى عَنْ مِثْلِ هَذِهِ وَيَقُولُ: «إِنَّمَا هَلَكْتُ بَنُو إِسْرَائِيلَ حِينَ اتَّخَذَهَا نِسَاؤُهُمْ». متفقٌ عليه.

۹۵۲. از حمید بن عبدالرحمن روایت شده است که وی از معاویه - رضی الله عنه - در سالی که (برای آخرین بار در مدت خلافتش) حج کرد و در حالی که روی منبر بود و یک دسته موی چیده را که در دست یک نگهبان بود، از او گرفت - شنید که فرمود: ای اهل مدینه! علمای شما کجا هستند؟! من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که از این عمل (بریدن موی زن و پیوند آن به دیگری) نهی می کردند و می فرمودند: «بنی اسرائیل هنگامی هلاک شدند که زن هایشان بریدن مو (و پیوند آن با دیگری) را شروع کردند»^۱.

۹۵۳- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ الْوَأَصِلَةَ وَالْمُسْتَوْصِلَةَ، وَالْوَأَشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ. متفقٌ عليه.

۹۵۳. و از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله مو گذارنده و کسی که برای وی مو گذاشته می شود و خالکوب و کسی را که بر روی او خال می کوبند، لعنت کرده است^۲.

۹۵۴- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ الْوَأَشِمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ وَالْمُسْتَمَصَّاتِ، وَالْمُسْتَفْلَجَاتِ لِلْحُسْنِ، الْمُعْيِرَاتِ خَلْقِ اللَّهِ، فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَةٌ فِي ذَلِكَ. فَقَالَ: وَمَا لِي لَا أَلْعَنُ مَنْ لَعَنَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟! قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷]. متفقٌ عليه.

۹۵۴. و از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: خداوند، زنان خالکوب و خالزده و خواستاران آن، و گیرنده‌ی موی ابرو، و فاصله اندازنده میان دندان‌ها برای زیبایی - که تغییردهندگان خلقت خداوندی هستند - را لعنت کند! زنی در این مورد بر او اعتراض کرد، ابن مسعود رضی الله عنه گفت: من چرا بر کسی لعنت نکنم که پیامبر صلی الله علیه و آله او را لعنت کرده است؟ پیامبری که خداوند درباره‌ی او فرموده است:

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۳۲)، م (۲۱۲۷)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۳۷)، م (۲۱۲۴)].

﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾ (الحشر / ۷)

«و هرچه را که پیامبرص برای شما آورده است، بگیرید (و عمل کنید) و از هرچه شما را منع کرد، اجتناب کنید!».

۲۸۶- باب کراهية الاستنجاء باليمين ومس الفرج باليمين من غير عذر

باب کراهت استنجا و لمس آلت تناسلی با دست راست بدون عذر

۹۵۵- عن أبي قتادة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ، فَلَا يَأْخُذَنَّ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَسْتَنْجِ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ». متفق عليه.

۹۵۵. از ابوقتاده - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هنگامی که یکی از شما ادرار کرد، هرگز آلت تناسلی اش را با دست راست نگیرد و نیز با دست راست استنجا نکند و (هنگام آب خوردن) در ظرف آب ندمد!».

۲۸۷- باب کراهة المشي في نعلٍ واحدةٍ ، أو خفٍّ واحدٍ لغير عذرٍ وكراهة لبس

النعل والخف قائماً لغير عذر

باب کراهت راه رفتن در یک کفش یا یک خف (موزه) بدون عذر و

کراهت پوشیدن کفش و موزه در حال ایستادن بدون عذر

۹۵۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَمْشِ أَحَدُكُمْ فِي نَعْلٍ وَاحِدَةٍ، لِيَنْعَلَهُمَا جَمِيعاً، أَوْ لِيَخْلَعَهُمَا جَمِيعاً». متفقٌ عَلَيْهِ.

۹۵۶. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «یکی از شما، با یک لنگه کفش راه نرود، یا هر دو را بپوشد یا هر دو را بکشد و ترک کند»^۱.

۹۵۷- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يَنْتَعِلَ الرَّجُلُ قَائِماً. رواه أَبُو دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ حَسَنِ.

۹۵۷. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم از این که انسان در حال ایستاده کفش بپوشد، نهی فرمودند^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۵۵)، م (۲۰۹۷)].

۲- ابوداود [۴۱۳۵] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲۸۸- باب النهي عن ترك النار في البيت عند النوم ونحوه سواء كانت في سراج أو

غيره

باب نهی از گذشتن آتش در خانه هنگام خواب و مانند آن، خواه

چراغ باشد یا غیر آن

۹۵۸- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: اخْتَرَقَ بَيْتٌ بِالْمَدِينَةِ عَلَى أَهْلِهِ مِنَ اللَّيْلِ. فَلَمَّا حُدَّتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَأْنِهِمْ قَالَ: «إِنَّ هَذِهِ النَّارَ عَدُوٌّ لَكُمْ، فَإِذَا نِمْتُمْ فَأَطْفِئُوهَا» متفق عليه.

۹۵۸. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: شبی خانه‌ای در مدینه در حالی که اهالی آن در خانه بودند، آتش گرفت و سوخت، وقتی این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، فرمودند: «آتش دشمن شماست، پس وقتی خوابیدید، آن را خاموش کنید»^۱.

۹۵۹- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عَطُوا الْإِنَاءَ، وَأَوْكُوا السَّقَاءَ، وَأَغْلِقُوا الْبَابَ، وَأَطْفِئُوا السَّرَاحَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَحِلُّ سِقَاءً، وَلَا يَفْتَحُ بَابًا، وَلَا يَكْشِفُ إِنَاءً، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدَكُمْ إِلَّا أَنْ يَعْزُضَ عَلَى إِيْنَاهِ غُودًا، وَيَذْكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلْيَفْعَلْ، فَإِنَّ الْفَوْسِقَةَ تُضْرِمُ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ بَيْتَهُمْ». رواه مسلم.

۹۵۹. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در شب و هنگام خوابیدن) ظرف‌ها را بپوشید و دهانه‌ی مشک آب و درها را محکم ببندید و چراغ‌ها را خاموش نمایید که شیطان گره مشک را باز نمی‌کند و در بسته را نمی‌گشاید و پوشش ظرف را بر نمی‌دارد، پس اگر یکی از شما راهی نیافت جز این که چوبی را روی ظرف بگذارد و بسم الله بگوید، این کار را انجام دهد؛ زیرا فاسق کوچک (موش) خانه را بر صاحب خانه و اهل آن می‌سوزاند»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۹۴)، م (۲۰۱۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۱۲)].

۲۸۹- باب النهي عن التكلف وهو فعلٌ وقول ما لا مصلحة فيه بمشقة

باب نهی از تکلف، و آن، کار و سخنی است که در آن مصلحتی نیست و با دشواری انجام داده می‌شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴾ (ص / ۸۶)

«ای پیامبرص! بگو: من از شما (در مقابل تبلیغ قرآن و رساندن دین خدا)، هیچ پاداشی نمی‌خواهم و من از زمره‌ی متکلفان (کسانی که دروغ بر می‌بندند و کار بی‌فایده می‌کنند) نیستم».

۹۶۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما، قَالَ: نُهِينَا عَنِ التَّكْلِيفِ. رواه البخاري.

۹۶۰. و از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: ما از تکلف (کار بی‌معنی و گفتن

چیزی که دانسته نیست) منع شده‌ایم^۱.

۹۶۱- وعن مسروق قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ عِلْمٍ شَيْئًا فَلْيُثْقِلْ بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ، فَلْيُثْقِلْ: اللَّهُ أَعْلَمُ، فَإِنَّ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَقُولَ لِمَا لَا تَعْلَمُ: اللَّهُ أَعْلَمُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴾ رواه البخاري.

۹۶۱. و از مسروق روایت شده است که فرمود: نزد عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- رفتم، گفت: ای مردم! هر کس چیزی را دانست، آن را بگوید و هر کس چیزی را ندانست، بگوید: خدا داناتر است؛ زیرا یک بخش از علم، این است که برای چیزی که نمی‌دانی، بگویی: خدا داناتر است، (چرا که) خدای متعال به پیامبرش فرمود:

﴿ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴾ (ص / ۸۶)

«ای پیامبرص! بگو: من از شما (در مقابل تبلیغ قرآن و رساندن دین خدا)، هیچ پاداشی نمی‌خواهم و من از زمره‌ی متکلفان (کسانی که دروغ بر می‌بندند و کار بی‌فایده می‌کنند) نیستم»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۲۹۳)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۰۰۷)].

۲۹۰- باب تحریم النباحة على الميت، ولطم الخدّ وشقّ الجیب وترف الشعر

وحلقه، والدعاء بالویل والشبور

باب تحریم نوحه خوانی بر مرده و زدن و خراشیدن صورت و پاره

کردن گریبان و کندن و تراشیدن مو و دعا کردن به ویل و هلاک

شدن

۹۶۲- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ليس منّا من ضرب الخدود، وشقّ الجيوب، ودعا بدعوى الجاهلية» متفق عليه.

۹۶۲. از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «کسی که (پس از مردن کس دیگر و در فراق او) بر گونه‌هایش بزند و گریبان پاره نماید و مانند زمان جاهلیت، آه و فریاد و ناله کند، از ما نیست!»^۱.

۹۶۳- وعن أم عطية نسيبة رضي الله عنها قالت: أخذ علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم عند البيعة أن لا ننوح. متفق عليه.

۹۶۳. و از ام عطیه نسیبه - رضي الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم هنگام بیعت از ما (زنان) قول گرفت که نوحه گری نکنیم.^۲

۹۶۴- وعن أبي مالك الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «النائحة إذا لم تشب قبل موتها تقام يوم القيامة وعليها سربال من قطران، ودرع من جرب» رواه مسلم.

۹۶۴. از ابومالک اشعری - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «زن نوحه گر اگر قبل از مرگش توبه نکند، روز قیامت زنده می‌گردد در حالی که بر تن او، شلواری از قطران (ماده‌ی قیر مانند و مرکب از چوب و زغال و... و خیلی قابل اشتعال) و پیراهنی از مرض گری (پوشانیده شده) است»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۲۹۴)، م (۱۰۳)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۰۶)، م (۹۳۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۳۴)].

۹۶۵- وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ: وَجَعَ أَبُو مُوسَى، فَعُشِيَ عَلَيْهِ، وَرَأَسُهُ فِي حِجْرِ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ، فَأَقْبَلَتْ تَصِيحُ بَرْنَةٍ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا؛ فَلَمَّا أَفَاقَ، قَالَ: أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ، وَالْحَالِقَةِ، وَالشَّاقَّةِ! متفقٌ عليه.

۹۶۵. و از ابوبرده - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ابوموسی (اشعری) رضی الله عنه بیمار شد و بیهوش گردید و سرش روی ران زنی از افراد خانواده‌اش بود و زن (پس از بیهوش شدن ابوموسی) با صدای غم‌آلود، شروع به نوحه و فریاد و ناله کرد و ابوموسی رضی الله عنه در آن هنگام قادر نبود چیزی به آن زن بگوید، وقتی حالش خوب شد، گفت: من از کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او بیزار است، بیزارم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زنی که صدایش را به نوحه‌خوانی بلند کند و از زنی که هنگام مصیبت موی سرش را می‌کند یا می‌برد و از زنی که گریبان خود را پاره می‌کند، بیزار است^۱.

(به حدیث شماره: ۹۱۵ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۹۶)، م (۱۰۴)].

۲۹۱- باب النهي عن إتيان الكهّان والمنجمين والعُراف وأصحاب الرمل، والطوارق

بالحصى والشعير ونحو ذلك

باب نهی از مراجعه به پیشگویان و ستاره‌شناسان و فالگیران و رمالان

با ریگ و جو و مانند آنها

۹۶۶- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَسٌ عَنِ الْكُهَّانِ، فَقَالَ: «لَيْسُوا بِشَيْءٍ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ يُحَدِّثُونَنا أَحْيَاناً بِشَيْءٍ فَيَكُونُ حَقًّا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تِلْكَ الْكَلِمَةُ مِنَ الْحَقِّ يَخْطُفُهَا الْجَنِّيُّ. فَيَقْرُأُ فِي أُذُنِ وَلِيِّهِ، فَيَخْلَطُونَ مَعَهَا مِائَةَ كَذْبَةٍ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۹۶۶. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: اشخاصی درباره‌ی کاهنان از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(گفته‌هایشان) چیزی نیست (حقیقت ندارد)»، گفتند: ای رسول خدا! آنها گاهی به ما حرف‌هایی می‌زنند و خبرهایی می‌دهند که درست در می‌آید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن گفته‌های حق و درست را شیاطین (از عالم غیب) می‌دزدند و در گوش دوست خود (که همان کاهن است)، فرو می‌خوانند و کاهنان صد دروغ با آن همراه می‌کنند (و به مردم می‌گویند)»^۱.

۹۶۷- وَعَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ أَبِي عُبَيْدٍ، عَنْ بَعْضِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ أَتَى عَرَّافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ، فَصَدَّقَهُ، لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» رواه مسلم.

۹۶۷. و از صفیه دختر ابو عبید از بعضی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس نزد پیشگویی برود و چیزی را از او سؤال کند و جواب او را تصدیق نماید، نماز چهل روز او پذیرفته نمی‌شود»^۲.

۹۶۸- وَعَنْ قَبِيصَةَ بْنِ الْمُخَارِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْعِيَاْفَةُ، وَالطَّيْرَةُ، وَالطَّرْقُ، مِنَ الْجَبْتِ». رواه أبو داود بإسناد حسن.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۲۱۰)، (۲۲۲۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۳۰)].

۹۶۸. و از قیصه بن مخارق - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «فالگیری با خط و فال بد گرفتن با چیزی که شوم دانسته می شود و فالگیری با پرنده (و غیر آن) از مقوله‌ی جبت (جادوگری و کهنانت و بت پرستی) است»^۱.

۹۶۹- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من اقتبس علماً من النجوم، اقتبس شعبةً من السحر زاد ما زاد». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۹۶۹. و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که چیزی از علم نجوم را فرا بگیرد، شعبه‌ای از سحر را فرا گرفته است و هر چه بیشتر یاد بگیرد، بیشتر سحر را انجام داده است»^۲.

۱- ابوداود [۳۹۰۷] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲- ابوداود [۳۹۰۵] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۹۲- باب النهي عن التطير

باب نهی از شوم دانستن چیزی

۹۷۰- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا عَدْوَى وَلَا طَيْرَةَ وَيُعْجِبُنِي الْفَأَلُ» قَالُوا: وَمَا الْفَأَلُ؟ قَالَ: «كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ» متفق عليه.

۹۷۰. و از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ گونه سرایت بیماری وجود ندارد و هیچ فال بد گرفتنی (دارای حقیقت) نیست، اما من فال نیک را دوست دارم، گفتند: فال نیک چیست و چگونه است؟ فرمودند: «سخنی نیکوست»^۱.

۹۷۱- وَعَنْ عُرْوَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ذُكِرَتِ الطَّيْرَةُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَحْسَنُهَا الْفَأَلُ، وَلَا تُرَدُّ مُسْلِمًا، فَإِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ مَا يَكْرَهُ، فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَدْفَعُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ». حَدِيثٌ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

۹۷۱. و از عروه بن عامر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از شوم دانستن اشیا و فال گرفتن، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بحث شد، فرمودند: «بهترین آن، تفأل به خیر است، و البته تفأل مسلمان را از تصمیمش باز نمی‌دارد و هرگاه یکی از شما چیزی دید که نمی‌پسندید، بگوید: اللَّهُمَّ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَدْفَعُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ: خداوند! نیکی‌ها را تنها تو می‌آوری و بدی‌ها را تنها تو دفع می‌کنی و هیچ نیرو و تسلطی بر هیچ کاری جز به قدرت و اراده‌ی تو (برای کسی) میسر نیست»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۵۶)، م (۲۲۲۴)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۳۹۱۹)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۹۳- باب تحریم تصویر حیوان فی بساط أوحجر أو ثوب أو درهم أو مخدّة أو دینار أو وسادة وغير ذلك وتحریم اتخاذ الصورة فی حائط وستر وعمامة وثوب ونحوها والأمر بإتلاف الصور

باب تحریم تصویر حیوان در فرش، سنگ، لباس، سکه، پول، بالش و یا غیر آنها و تحریم به کار بردن تصویر بر دیوار، پرده، دستار، لباس و مانند آنها و امر به از بین بردن چنین تصویرهایی

۹۷۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسٌ فَيُعَذَّبُ فِي جَهَنَّمَ» قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَأَعْلًا، فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لَا رُوحَ فِيهِ. متفقٌ عليه.

۹۷۲. و از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «هر نقاشی در آتش است و در برابر هر جانوری که صورت آن را کشیده است، نفسی قرار داده می شود و او را در جهنم تعذیب می کنند؛ ابن عباس می گوید: اگر ناگزیر هستی که این کار را انجام دهی، پس تصویر درخت و یا هر موجود بی جانی را رسم کن!.

۹۷۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ كَخَلْقِي، فَلِيَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً، أَوْ لِيَخْلُقُوا شَعِيرَةً» متفقٌ عليه.

۹۷۳. و از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: چه کسی ستمکارتر و (تاریک روان تر) است از آن که می رود و مانند مخلوق من را می آفریند؟ چنین کسانی (اگر راست می گویند که می توانند چیزی بیافرینند، پس بیایند) یک ذره خلق کنند، یک دانه بیافرینند یا یک دانه جو به وجود بیاورند!.

۹۷۴- وَعَنْ أَبِي طَلْحَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ» متفقٌ عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۲۲۵)، م (۲۱۱۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۵۳)، م (۲۱۱۱)].

۹۷۴. و از ابوطلحه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرشتگان داخل خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا تصویری باشد»^۱.

۹۷۵- وَعَنْ أَبِي الْهَيَّاجِ حَيَّانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَلَا أُبَعِّثُكَ عَلَى مَا بَعَّثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنْ لَا تَدَعَ صُورَةَ إِلَّا طَمَسْتَهَا، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ. رواه مسلم.

۹۷۵. و از ابی الهیاج حیان بن حصین - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: حضرت علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - به من گفت: تو را می‌فرستم برای (انجام دادن) آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله مرا برای انجام آن فرستاد و بدان امر کرد (و فرمود): هر تصویر (و مجسمه‌ای) را نابود کن و هر قبری را که مرتفع و بلند ساخته شده است، با زمین صاف و یکسان کن.^۲

(به حدیث شماره: ۳۸۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۵۸)، م (۲۱۰۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۶۹)].

۲۹۴- باب تحریم اتخاذ الکلب إلا لصید أو ماشیة أو زرع

باب تحریم نگهداری سگ جز برای شکار یا نگهبانی گله و یا زراعت

۹۷۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَمْسَكَ كَلْبًا، فَإِنَّهُ يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِهِ قِيرَاطًا إِلَّا كَلْبَ حَرْثٍ أَوْ مَاشِيَةٍ» متفقٌ عليه.
وفي روايةٍ لِمُسْلِمٍ: «مَنْ أَقْتَنَى كَلْبًا لَيْسَ بِكَلْبِ صَيْدٍ، وَلَا مَاشِيَةٍ وَلَا أَرْضٍ فَإِنَّهُ يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِهِ قِيرَاطَانِ كُلَّ يَوْمٍ».

۹۷۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سگی را نگه دارد، هر روز از اعمال خیرش یک قیراط کم می‌شود؛ مگر سگی که برای نگهبانی گله یا زراعت باشد»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «کسی که سگی را ببندد و نگه دارد که سگ شکار یا نگهبان گله یا زمین زراعت نباشد، هر روز دو قیراط از اجرش کم می‌شود».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۳۲۲)، م (۱۵۷۵)].

۲۹۵- باب کراهية تعليق الجرس في البعير وغيره من الدواب وكراهية استصحاب

الكلب والجرس في السفر

باب کراهت آویزان کردن زنگ در گردن شتر و غیر آن از چهارپایان، و کراهت همراه داشتن سگ و زنگ در مسافرت

۹۷۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةَ رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ أَوْ جَرَسٌ» رواه مسلم.

۹۷۷. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «ملائیکه، کاروانی را که در آن سگ یا زنگ باشد، همراهی نمی کنند!».

۲۹۶- باب النهي عن البصاق في المسجد والأمر بإزالته منه إذا وجد فيه والأمر

بتنزيه المسجد عن الأقدار

باب نهی از انداختن آب دهن در مسجد و امر به بر داشتن آن از

مسجد اگر باشد و پاک کردن مسجد از پلیدیها

۹۷۸- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى فِي جِدَارِ الْقِبْلَةِ مُخَاطًا، أَوْ بُزَاقًا، أَوْ نُخَامَةً، فَحَكَّهُ. متفقٌ عليه.

۹۷۸. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در دیوار قبله‌ی مسجد، مقداری اخلاط بینی یا آب دهان یا اخلاط سینه را مشاهده فرمود و آن را زدود و پاک کرد.^۱

۹۷۹- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ هَذِهِ الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ مِنْ هَذَا الْبَوْلِ وَلَا الْقَدْرِ، إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ» أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه مسلم.

۹۷۹. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «این مسجدها، شایسته‌ی چیزهایی (کثیف) مانند ادرار و نجاسات نیست، بلکه تنها برای ذکر خداوند متعال و تلاوت قرآن هستند»، یا چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند.^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۸۵].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۱۵)، م (۵۵۲)].

۲۹۷- باب کراهة الخصومة في المسجد ورفع الصوت فيه، ونشد الضالة والبيع

والشراء والإجارة ونحوها من المعاملات

باب کراهت دعوا در مسجد و بلند کردن صدا در آن و نشانی دادن

گمشده و خرید و فروش و اجاره و سایر معاملات

۹۸۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا: لَا أَرْبِحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ، وَإِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يُنْشُدُ ضَالَّةً فَقُولُوا: لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۹۸۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی کسی را دیدید که در مسجد خرید و فروش می کند، به او بگویید: خداوند تجارتت را سود ندهد! و اگر دیدید کسی گمشده اش را نشانی داد، به او بگویید: خداوند آن را به تو بازنگرداند!».

۹۸۱- وَعَنْ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ فَحَصَبَنِي رَجُلٌ، فَتَنَظَرْتُ فَإِذَا عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: اذْهَبْ فَأَتِينِي بِهِدَيْنٍ فَجِئْتُهُ بِهِمَا، فَقَالَ: مِنْ أَيْنَ أَنْتُمَا؟ فَقَالَا: مِنْ أَهْلِ الطَّائِفِ، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُمَا مِنْ أَهْلِ الْبَلَدِ، لَأَوْجَعْتُكُمَا، تَرْفَعَانِ أَصْوَاتَكُمَا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۹۸۱. و از سائب بن یزید صحابی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: من در مسجد بودم، مردی با ریگ مرا زد، نگاه کردم، ناگاه متوجه شدم که عمر بن خطاب - رضی الله عنه - است و گفت: برو و این دو نفر را پیش من بیاور، آنها را آوردم، فرمودند: شما اهل کجا هستید؟ گفتند: از اهالی طائفیم، فرمودند: اگر شما اهل این شهر (مدینه) می بودید، تنبیهتان می کردم؛ در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله صدایتان را بلند می کنید؟!^۲

۱- ترمذی [۱۳۲۱] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۴۷۰].

۲۹۸- باب نهی من أكل ثوماً أو بصلاً أو كُرّاً أو غيره مما له رائحة كريهة عن

دخول المسجد قبل زوال رائحته إلا لضرورة

باب نهی از دخول به مسجد بعد از خوردن سیر، پیاز، تره و چیزهای

بدبو و قبل از اتمام بوی آنها مگر به خاطر ضرورت

۹۸۲- وَعَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا، فَلْيَعْتَزِلْنَا، أَوْ فَلْيَعْتَزِلْ مَسْجِدَنَا» متفقٌ عليه.

۹۸۲. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سیر یا پیاز خورده

است، از ما - یا از مسجد ما - دور شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۵۴)، م (۵۴۶)].

۲۹۹- باب كراهية الاحتباء يوم الجمعة والإمام يخطب لأنه يجلب النوم فيفوت

استماع الخطبة ويخاف انتقاض الوضوء

باب كراهت نشستن به حال چمباتمه نشستن (به طوری که زانوها به سینه بچسبد) در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند؛ زیرا چنین حالتی خواب آور است و گوش دادن خطبه فوت می شود و خوف باطل شدن و نقض وضو نیز هست

۹۸۳- عَنْ مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ الْجُهَنِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْحَبْوَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۱۷۰۵. از معاذ بن انس جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از نشستن به حالت احتبا

(چمباتمه) در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند، نهی فرمودند!

۳۰۰- باب نهی مَن دخل علیه عشر ذی الحجة وأراد أن یضحی، عن أخذ شيء من

شعره أو أظفاره حتى یضحی

باب نهی کسی که وارد دهی ذی الحجه شده و می خواهد قربانی

کند از آرایش مو یا گرفتن ناخن هایش تا وقتی که قربانی را انجام

می دهد

۹۸۴- عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كَانَ لَهُ ذَبْحٌ يَذْبَحُهُ، فَإِذَا أَهْلَ هِلَالِ ذِي الْحِجَّةِ، فَلَا يَأْخُذَنَّ مِنْ شَعْرِهِ وَلَا مِنْ أَظْفَارِهِ شَيْئًا حَتَّى يُضْحِيَ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۹۸۴. از ام المؤمنین ام سلمه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که حیوان قربانی دارد و می خواهد آن را قربانی کند، با آغاز شدن ماه ذی الحجه، دیگر قطعاً چیزی از مو یا ناخن هایش را نگیرد تا وقتی که قربانی را انجام می دهد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۷۷].

۳۰۱- باب النهي عن الحلف بمخلوق كالنبي والكعبة والملائكة والسماء والآباء
والحياة والروح والرأس ونعمة السلطان وتربة فلان والأمانة، وهي من أشدها نهياً

**باب نهی از سوگند خوردن به مخلوق مانند پیامبر، کعبه، ملائکه،
آسمان، پدران، زندگی، روح، سر، نعمت سلطان و قبر فلان و امانت،
و نهی از سوگند به امانت از همه‌ی آنها بیشتر است**

۹۸۵- عَنِ ابْنِ عُمَرَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْهَاكُمْ أَنْ تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، فَمَنْ كَانَ حَالِفاً، فَلْيَحْلِفْ بِاللَّهِ، أَوْ لِيَصُمْتُ» متفقٌ عليه.

۹۸۵. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «خداوند متعال شما را از سوگند خوردن به پدرانتان نهی می‌کند، پس کسی که سوگند می‌خورد، باید به خدا سوگند بخورد یا ساکت شود»^۱.

۹۸۶- وَعَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَلَفَ بِالْأَمَانَةِ فَلَيْسَ مِنَّا». حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رواه أَبُو دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

۹۸۶. و از بُرَيْدَةَ - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «هرکس به امانت (یا شرف یا صداقت) سوگند بخورد، از ما نیست»^۲.

۹۸۷- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حَلَفَ فَقَالَ: إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْإِسْلَامِ، فَإِنْ كَانَ كَاذِباً، فَهُوَ كَمَا قَالَ، وَإِنْ كَانَ صَادِقاً، فَلَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْإِسْلَامِ سَالِماً». رواه أَبُو دَاوُدَ.

۹۸۷. و از بُرَيْدَةَ - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «کسی که سوگند بخورد و در سوگندش بگوید: من از اسلام بیزارم. اگر دروغ گفته باشد، همان‌طور که گفته از اسلام خارج شده است، و اگر راست بگوید، هرگز سالم به اسلام باز نمی‌گردد»^۳.

۹۸۸- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: لَا وَالْكَعْبَةِ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: لَا تَحْلِفْ بِغَيْرِ اللَّهِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ، فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ» رواه الترمذي وقال: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۶۶)، م (۱۶۴۶)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [۳۲۵۳] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۲۵۸)].

وَفَسَّرَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ قَوْلَهُ: «كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ» عَلَى التَّغْلِيظِ، كَمَا زُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الرِّيَاءُ شِرْكٌ».

۹۸۸. و از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که او از مردی شنید که می گفت: به کعبه سوگند چنین نیست؛ ابن عمر -رضی الله عنهما- گفت: به غیر از خدا سوگند نخور که من از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «هر کس به غیر خدا سوگند بخورد، همانا کفر یا شرک ورزیده است»^۱.
 بعضی از علما فرموده‌ی پیامبر ﷺ که: «کفر یا شرک ورزیده است» را حمل بر تغلیظ کرده‌اند، همان‌طور که روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «ریا شرک است» که این نیز برای تغلیظ است (: غلیظ و بزرگ نشان دادن گناه آن عمل برای دوری گرفتن حتمی از آن و یا این که چنین شخصی، عملی از اعمال اهل شرک را انجام داده و البته، باعث کافر شدن و خروج او از دین نمی شود).

۱- ترمذی [(۱۵۳۵)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

باب تغلیظ در تحریم سوگند دروغ به صورت عمد

۹۸۹- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَلَفَ عَلَى مَالٍ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقِّهِ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ» قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِصْدَاقَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ [آل عمران: ۷۷] إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۹۸۹. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که بر مال انسان مسلمانی سوگند ناحق بخورد (تا آن را به دروغ برای خود ثابت کند)، خداوند را در حالی ملاقات می کند که از او خشمگین است». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله مصداق فرموده اش را از کتاب خداوند عزوجل بر ما تلاوت فرمودند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران/۷۷)

«در حقیقت، آنان که عهد خداوند (دین) و سوگندهای خود را در مقابل کالای کم و بی ارزشی عوض می کنند، در آخرت، برای آنها هیچ بهره و ثوابی نیست و خداوند با آنان صحبت نمی کند و در روز قیامت به آنان نگاه نمی کند و آنان را (از گناه) پاک نمی کند و عذابی بس دردناک در انتظار آنان می باشد».

۹۹۰- وَعَنْ أَبِي أَمَامَةَ إِيَاسِ بْنِ ثَعْلَبَةَ الْحَارِثِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ افْتَطَعَ حَقَّ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ بِيَمِينِهِ، فَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ النَّارَ، وَحَرَّمَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَإِنْ كَانَ شَيْئًا يَسِيرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَإِنْ كَانَ قِضِيًّا مِنْ أَرَاكٍ» رواه مُسْلِمٌ.

۹۹۰. و از ابوامامه ایاس بن ثعلبه حارثی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس حق فرد مسلمانی را به سوگند (یا زور) خود قطع و سلب کند، خداوند، دوزخ را برای او

واجب و بهشت را بر او حرام می‌کند»، مردی گفت: اگر چیز کمی هم باشد، ای رسول خدا؟! فرمودند: «بله، هر چند که چوب سواکی هم باشد»^۱.

۹۹۱- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عمرو بْنِ العاصِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ أَعْرَابِيًّا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، مَا الْكِبَائِرُ؟ قَالَ: «الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ» قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «الْيَمِينُ الْعُمُوسُ» قُلْتُ: وَمَا الْيَمِينُ الْعُمُوسُ؟ قَالَ: «الَّذِي يَقْتَطِعُ مَالَ أَمْرِيءٍ مُسْلِمٍ». يَعْنِي بِيَمِينٍ هُوَ فِيهَا كَاذِبٌ. رواه البخاري.

۹۹۱. و از عبدالله بن عمرو بن عاص -رضی الله عنهما- روایت شده است: «یک اعرابی به خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! گناهان کبیره کدامند؟ فرمودند: «شریک قایل شدن برای خدا»، عرض کرد: بعد از آن چه چیز، فرمودند: «سوگند غموس» گفت: سوگند غموس چیست؟ فرمودند: «شخصی که (با سوگند دروغ خود) مال انسان مسلمانی را تصاحب و تصرف می‌کند».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۳۷)].

۳۰۳- باب ندب من حلف على يمين ، فرأى غيرها خيراً منها أن يفعل ذلك
المحلوف عليه، ثم يكفر عن يمينه

باب مندوب بودن عمل کسی که به چیزی سوگند خورده و بعد می‌بیند که کار دیگر بهتر است، در این که آن کار دیگر را انجام دهد و بعد کفاره‌ی سوگندش را بپردازد

۹۹۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَأَنْ يَلْجَأَ أَحَدُكُمْ فِي يَمِينِهِ فِي أَهْلِهِ آثَمُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يُعْطِيَ كَفَّارَتَهُ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ» متفق عليه.
۹۹۲. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اگر یکی از شما در میان خانواده‌ش بر سوگندش لج و اصرار کند، گناهِش نزد خداوند، بیشتر از آن است که کفاره‌ای را که خدا بر او فرض کرده است، بپردازد (و آن کار را انجام دهد)».
(به حدیث شماره: ۳۹۷ مراجعه شود).

۳۰۴- باب العفو عن لغو اليمين وأنه لا كفارة فيه، وهو ما يجري على اللسان بغير قصد اليمين كقوله على العادة: لا والله، وبلى والله، ونحو ذلك

باب عفو از سوگند لغو و این که کفارهای ندارد و آن سوگندی است که بدون قصد سوگند بر زبان جاری می شود مانند آن که عادتاً می گوید: نه والله، آری والله و ...

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْ بِهِ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِّنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَّمْ تَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفْرَةٌ أَيْمَانِكُمْ﴾ (المائدة / ۸۹)

«خداوند شما را درباره سوگندهای لغو [و بیهوده] تان باز خواست نمی کند، ولی شما را به [سزای] سوگندهایی که از روی قصد [و اراده] خورده اید، باز خواست می کند. پس کفارهاش غذا دادن ده بینوا از متوسطی آنچه به خانواده خود می خورانید یا لباس دادن آنان یا آزاد کردن یک برده است. پس اگر کسی [هیچ یک از اینها] را نیابد [کفارهاش] سه روز روزه داشتن است. کفارها سوگندهایتان چون سوگند خورید [و بشکنید] این است».

۹۹۳- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ فِي قَوْلِ الرَّجُلِ: لَا وَاللَّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۹۹۳. و از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: این آیه: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ

بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ (المائدة / ۸۹) در مورد گفته های شخص: «لا والله»، «بلی والله» نازل شده است.^۱

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۶۶۳].

۳۰۵- باب کراهة الحلف في البيع وإن كان صادقاً

باب کراهت سوگند خوردن در معاملات هر چند که راست باشد

۹۹۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْحَلْفُ مَنْفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلْكَسْبِ» متفقٌ عليه.

۹۹۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمودند: «سوگند، موجب رواج جنس و از بین بردن (برکت) کسب است»^۱.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۸۷)، م (۱۶۰۶)].

۳۰۶ - باب تحریم قوله شاهنشاه للسلطان وغيره لأن معناه ملك الملوك، ولا يوصف

بذلك غير الله سبحانه وتعالى

باب تحریم گفتن: شاهنشاه به سلطان یا شخصی دیگر، زیرا معنایش

ملك الملوك است و غیر از الله سبحانه و تعالی هیچ کس با آن

وصف نمی شود

۹۹۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَخْنَعَ اسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ

عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ تَسْمَى مَلِكُ الْأَمْلاَكِ» متفق عليه.

قَالَ سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ: «مَلِكُ الْأَمْلاَكِ» مِثْلُ شَاهِنْشَاهٍ.

۹۹۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خوارترین و بی ارزش ترین

اسم نزد خدای عزوجل، اسم مردی است که ملک الاملاک (پادشاه پادشاهان) خوانده می شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۰۶)، م (۲۱۴۳)].

۳۰۷- باب النهي عن مخاطبة الفاسق و المبتدع و نحوهما بسيد و نحوه

باب نهی از خطاب افراد فاسق و بدعتگزار و امثال آن دو به سید

(آقا) و امثال آن

۹۹۶- عن بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُولُوا لِلْمُنَافِقِ سَيِّدًا، فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ سَيِّدًا، فَقَدْ أَسْحَطْتُمْ رَبَّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ» رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۹۹۶. از بریده - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «به منافق، سید (آقا) نگویند؛ زیرا اگر او را سید شمارید، پروردگارتان را (که صاحب عزت و جلال است)، خشمگین کرده‌اید»^۱.

۱- ابوداود [۴۹۷۷] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳۰۸- باب کراهة سبِّ الحمى

باب کراهت دشنام دادن به تب

۹۹۷- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ، أَوْ أُمَّ الْمُسَيَّبِ فَقَالَ: «مَالِكِ يَا أُمَّ السَّائِبِ أَوْ يَا أُمَّ الْمُسَيَّبِ، تُزْفِرِينَ؟» قَالَتْ: الْحُمَّى لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا، فَقَالَ: «لَا تَسْبِي الْحُمَّى، فَإِنَّهَا تُدْهَبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ، كَمَا يُدْهَبُ الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ» رواه مسلم.

۹۹۷. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ام سائب یا ام مسیب رفتند و فرمودند: «ای ام سائب - یا ام مسیب - چه شده است، چرا می لرزی؟» گفت: تب دارم که خدا به آن برکت ندهد! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به تب بد نکو؛ زیرا آن گناهان را از بین می برد هم چنان که دمه‌ی آهنگری زنگ آهن را می زداید!».

۳۰۹- باب النهي عن سبِّ الريح ، وبيان ما يقال عند هبوبها

باب نهی از بدگویی به باد و بیان آن چه که موقع وزش باد گفته

می شود

۹۹۸- عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ مَا تَكْرَهُونَ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أَمَرْتُ بِهِ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أَمَرْتُ بِهِ» رواه الترمذي وقال: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۹۹۸. از ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به باد بد نگویید، و وقتی بادی را دیدید که نمی پسندید، بگویید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أَمَرْتُ بِهِ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أَمَرْتُ بِهِ: خدایا! منفعت این باد و نفع جریانش و خیر آن چه که به آن مأمور شده است را از تو می خواهیم، و پناه می بریم به تو از شر آن و شر جریانش و شر آن چه که بدان مأمور شده است»^۱.

۱- ترمذی [۲۲۵۳] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳۱۰- باب کراهة سبّ الدّیک

باب کراهت بد گفتن به خروس

۹۹۹- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا الدِّيكَ، فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلَاةِ» رواه أبوداود بإسنادٍ صحيح.

۹۹۹. از زید بن خالد جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خروس بد نگویید، زیرا (مسلمانان را) برای نماز بیدار می کند»^۱.

۱- ابوداود [۵۱۰۱] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳۱۱- باب النهي عن قول الإنسان: مُطْرِنَا بِنَوْءِ كَذَا

باب نهی از گفتن: به سبب فلان تقابل ستارگان بر ما باران بارید

۱۰۰۰- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الصُّبْحِ بِالْحَدِيثِيَّةِ فِي إِثْرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: «هَلْ تَدْرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «قَالَ: أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي، وَكَافِرٌ، فَأَمَّا مَنْ قَالَ: مُطْرِنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ بِي كَافِرٌ بِالْكَوْكَبِ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ مُطْرِنَا بِنَوْءِ كَذَا وَكَذَا، فَذَلِكَ كَافِرٌ بِي مُؤْمِنٌ بِالْكَوْكَبِ». متفقٌ عليه.

۱۰۰۰. از زید بن خالد - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیبیه برای ما نماز صبح را خواند، بعد از بارانی که شب باریده بود، وقتی نماز را تمام کرد، رو به مردم کرد و فرمودند: «آیا می دانید که خدای شما چه گفت؟» گفتند: خدا و رسولش آگاه ترند، فرمودند: «خداوند می فرماید: کسانی مؤمن به من و کسانی کافر به من، از بندگان من شب را به روز می آورند، هر کس که بگوید: به فضل و بخشایش خدا، بر ما باران بارید، به من مؤمن و به ستاره کافر است و هر کس که بگوید: به سبب تقابل فلان ستاره، بر ما باران بارید، به من کافر و به ستاره مؤمن است»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۴۶)، م (۷۱)].

۳۱۲- باب تحریم قوله لمسلم: یا کافر

باب تحریم گفتن به مسلمان: ای کافر

۱۰۰۱- وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ دَعَا رَجُلًا بِالْكَفْرِ، أَوْ قَالَ: عَدُوَّ اللَّهِ، وَلَيْسَ كَذَلِكَ إِلَّا حَارَ عَلَيْهِ» متفقٌ عليه.

۱۰۰۱. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «هر کس مردی را کافر بخواند، یا بگوید: ای دشمن خدا! در حالی که او چنان نباشد، آن نسبت‌ها به خود او برمی گردند!».

۳۱۳- باب النهي عن الفحش وبذاء اللسان

باب نهی از بد زبانی و بدگویی و دشنام

۱۰۰۲- وَعِنَ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ، وَمَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ». رواه الترمذي، وقال: حديث حسن.

۱۰۰۲. و از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بدگویی و بی ادبی در هر چیزی باشد، آن را معیوب می کند و حیا و ادب در هر چیزی باشد، آن را زینت می دهد»!

(به حدیث شماره: ۸۹۸ مراجعه شود).

۳۱۴- باب كراهة التّعیر فی الكلام بالتشّدق وتكلف الفصاحة واستعمال وحشيّ

اللغة ودقائق الإعراب فی مخاطبة العوام ونحوهم

باب كراهة زیاد فرو رفتن در نحوه‌ی سخن، پيچاندن سخن در

دهان، تكلف به فصاحت، به كار بردن لغات غير مأنوس و

ريزه‌كاری‌های دستوری در سخن گفتن با عوام و مانند آنها

(به احاديث شماره: ۹۵ و ۳۷۳ مراجعه شود).

۳۱۵- باب النهي عن وصف محاسن المرأة لرجل إلا أن يحتاج إلى ذلك لغرض

شرعي ككباحها ونحوه

باب نهی از وصف زیبایی‌های زن برای یک مرد، مگر آن که برای

هدفی شرعی مانند ازدواج و ... نیاز باشد

۱۰۰۳- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُبَاشِرِ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ، فَتَصِفَهَا لِرَوْجِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا» متفقٌ عليه.

۱۰۰۳. از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «مبادا زنی بسوی زن

دیگری با دقت بنگرد یا اینکه جسم او را لمس کند و بعد او را برای شوهرش چنان توصیف کند که گویی شوهرش به آن زن می‌نگرد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۲۴۰)]. [مسلم آن را روایت نکرده است].

۳۱۶- باب کراهة قول الإنسان في الدعاء : اللَّهُمَّ اغفر لي إن شئت بل يجزم

بالطلب

باب کراهت این که انسان (در دعا) بگوید : خدایا! اگر خواستی مرا

بیمارز، بلکه باید قطعی و جدی آمرزش بطلبد

۱۰۰۴- عن أبي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِنْ شِئْتَ، لِيَعْزِمَ الْمَسْأَلَةَ، فَإِنَّهُ لَا مُكْرَهَ لَهُ» متفقٌ عليه. وفي روايةٍ لِمُسْلِمٍ: «وَلَكِنْ، لِيَعْزِمَ، وَلِيُعْظِمَ الرَّغْبَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ أَعْطَاهُ».

۱۰۰۴. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ یک از شما نگویید: خداوندا! اگر می خواهی مرا بیمارز؛ خدایا! اگر خواستی مرا ببخشی، بلکه در تقاضای آمرزش، پایداری و سرسختی کند؛ زیرا خداوند هیچ مجبورکننده ای ندارد»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «بلکه عزم جزم کند و رغبت خود را به رحمت خدا، بسیار بزرگ کند، زیرا خداوند متعال، چیزی را که بخشیده است، در نظرش بزرگ نیست و بخشش برای او سخت نیست».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۳۹)، م (۲۶۷۹)].

۳۳۳- باب کراهة قول: ما شاء الله و شاء فلان

باب کراهت گفتن آن چه خدا بخواهد و فلانی بخواهد

۱۰۰۵- عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ» رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۱۰۰۵. از حدیفه بن یمان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نگویید: آن چه خدا بخواهد و فلانی بخواهد، بلکه بگویید: آن چه خدا بخواهد و اراده کند و سپس فلانی بخواهد و اراده کند»^۱.

۱- ابوداود [۴۹۸۰] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳۱۸- باب کراهة الحديث بعد العشاء الآخرة

باب کراهت سخن گفتن بعد از نماز عشا (آخرین نماز)

۱۰۰۶- عَنْ أَبِي بَرزَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَكْرَهُ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ وَالْحَدِيثَ بَعْدَهَا. متفقٌ عليه.

۱۰۰۶. از ابو برزه - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله خواب قبل از نماز عشا و سخن گفتن بعد از آن را ناپسند می‌داشت.^۱

۱۰۰۷- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُمْ انْتَبَهَوْا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَهُمْ قَرِيبًا مِنْ شَطْرِ اللَّيْلِ فَصَلَّى بِهِمْ، يَعْنِي الْعِشَاءَ قَالَ: ثُمَّ خَطَبْنَا فَقَالَ: «أَلَا إِنَّ النَّاسَ قَدْ صَلُّوا، ثُمَّ رَقَدُوا» وَإِنَّكُمْ لَنْ تَزَالُوا فِي صَلَاةٍ مَا انْتَبَهْتُمْ الصَّلَاةَ» رواه البخاري.

۱۰۰۷. و از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: صحابه رضي الله عنهم (برای نماز عشا) منتظر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و ایشان نزدیک نیمه شب تشریف آورد و برای آنان نماز - یعنی: عشا - را خواند، انس می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله سپس برای ما خطبه خواندند و فرمودند: «آگاه باشید! مردم نماز خواندند و خوابیدند، و تا زمانی که در انتظار نماز نشستند، گویا در حال نماز هستید»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [(۵۶۸)، م (۶۴۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۷۲)، مسلم (۶۴۰) نیز آن را روایت کرده است].

۳۱۹- باب تحریم امتناع المرأة من فراش زوجها إذا دعاها ولم يكن لها عذر شرعي

باب تحریم خودداری کردن زن از خوابیدن با شوهرش هرگاه مرد او را صدا کند و وی عذر شرعی نداشته باشد

۱۰۰۸- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ، فَبَاتَ غَضَبَانَ عَلَيْهِمَا، لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ» متفقٌ عليه. وفي رواية: «حَتَّى تَرْجِعَ».

۱۰۰۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه مرد، زنش را به بسترش فرا خواند و زن امتناع کند و مرد، شب را در حال خشم و نارضایتی از او سپری کند، فرشتگان تا هنگام صبح، او را لعنت می کنند»^۱.
در روایتی آمده است: «تا وقتی که (به بستر شوهرش) برمی گردد».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۳۷)، م (۱۴۳۶)].

۳۲۰- باب تحریم صوم المرأة تطوعاً وزوجها حاضر إلا بإذنه

باب تحریم روزہی (مستحب) زن با حضور شوهر مگر به اجازہی او

(به حدیث شماره: ۱۸۹ مراجعه شود).

۳۲۱- باب تحریم رفع المأموم رأسه من الركوع أو السجود قبل الإمام

باب تحریم این که مأموم قبل از امام سرش را از رکوع یا سجود بلند کند

۱۰۰۹- عن أبي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَمَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ» متفقٌ عليه.

۱۰۰۹. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «آیا یکی از شما از این نمی ترسد که وقتی پیش از امام سرش را بلند کند، خداوند متعال سر او را سر الاغ گرداند - یا: صورتش را به صورت خر درآورد!».

۳۲۲- باب کراهة وضع اليد على الخاصرة في الصلاة

باب کراهت گذاشتن دست بر کمر در نماز

۱۰۱۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْخَصْرِ فِي الصَّلَاةِ. متفقٌ عليه.

۱۰۱۰. از ابوهريره - رضي الله عنه - روايت شده است كه فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از گذاشتن دست بر کمر در نماز نهی فرموده‌اند.^۱

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۲۱۹)، م (۵۴۵)].

۳۲۳- باب کراهة الصلاة بحضرة الطعام ونفسه تتوق إليه أو مع مدافعة الأخبثين:

وهما البول والغائط

باب کراهت نماز در حالی که غذا حاضر باشد و نفس آرزوی آن را بکند یا هنگام احساس نیاز به دفع پلیدی‌ها، یعنی ادرار و مدفوع

۱۰۱۱- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ طَعَامٍ، وَلَا وَهُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ» رواه مسلم.

۱۰۱۱. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که

می فرمودند: «هیچ نمازی در زمان حاضر بودن غذا و سفره و در وقتی که پلیدی‌ها (ادرار و مدفوع) به انسان فشار آورده باشند، کامل نیست»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۶۰)].

۳۲۴- باب النهي عن رفع البصر إلى السماء في الصلاة

باب نهی از بلند نمودن چشم به سوی آسمان، در نماز

۱۰۱۲- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَرْفَعُونَ أَبْصَارَهُمْ إِلَى السَّمَاءِ فِي صَلَاتِهِمْ» فَاشْتَدَّ قَوْلُهُ فِي ذَلِكَ حَتَّى قَالَ: «لَيْتَهُنَّ عَنْ ذَلِكَ، أَوْ لَتُحَطَّفَنَّ أَبْصَارُهُمْ». رواه البخاري.

۱۰۱۲. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعضی ها را چه شده که در نماز، چشم های خود را به طرف آسمان بلند می کنند؟ (چرا این کار را می کنند؟)» و این مسأله را سخت گرفت و در مورد آن تأکید کرد، تا آن جا که فرمودند: «یا به این کار خاتمه می دهند یا این که بینایی آنان زایل می شود»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۷۵۰].

۳۲۵- باب کراهة الالتفات في الصلاة لغير عذر

باب کراهت رو برگرداندن در نماز بدون عذر

۱۰۱۳- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْإِلْتِفَاتِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: «هُوَ اخْتِلَاسٌ يَخْتَلِسُهُ الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ» رواه البخاري.

۱۰۱۳. از حضرت عایشه - رضي الله عنها - روایت شده است که فرمود: درباره‌ی رو برگرداندن در نماز از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم سؤال کردم، فرمودند: «آن سرقت و سوء استفاده‌ای است که شیطان از نماز بنده می‌کند»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۷۵۱].

۳۲۶ - باب النهي عن الصلاة إلى القبور

باب نهی از رو کردن به قبرها در نماز

۱۰۱۴ - عَنْ أَبِي مَرْثَدٍ كَنَازِ بْنِ الْحُصَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ، وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا» رواه مُسْلِمٌ.

۱۰۱۴. از ابو مرثد کناز بن حصین - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «رو به قبرها نماز نگذارید و بر روی آنها ننشینید»!

۳۲۷- باب تحریم المرور بین یدي المصلی

باب تحریم عبور از جلو نماز گزار

۱۰۱۵- عَنْ أَبِي الْجُهَيْمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ الصَّمَّةِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيِّ مَاذَا عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ» قَالَ الرَّائِي: لَا أَدْرِي قَالَ: أَرْبَعِينَ يَوْمًا، أَوْ أَرْبَعِينَ شَهْرًا، أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً. متفقٌ عليه.

۱۰۱۵. از ابوجهیم عبدالله بن حارث بن صمه‌ی انصاری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر عابری که از جلو نماز گزار عبور می‌کند، می‌دانست که چه گناه و مسؤولیتی بر عهده‌ی اوست، اگر به مدت چهل می‌ایستاد، بهتر از آن بود که از جلوی نماز گزار عبور نماید»، راوی می‌گوید: نمی‌دانم که پیامبر صلی الله علیه و آله چهل روز فرمود یا چهل ماه و یا چهل سال!

۳۲۸- باب کراهة شروع المأموم في نافلة بعد شروع المؤذن في إقامة الصلاة سواء كانت النافلة سنة تلك الصلاة أو غيرها

باب کراهت شروع مأموم به نماز سنت بعد از شروع مؤذن به اقامه نماز چه سنت (راتبه‌ی) آن نماز باشد؛ چه غیر آن

۱۰۱۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةُ» رواه مسلم.

۱۰۱۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه نماز اقامه شد، هیچ نمازی جز نماز فریضه نیست»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۷۱۰].

۳۲۹- باب کراهة تخصيص يوم الجمعة بصيام أو ليلته بصلاة

باب کراهت اختصاص روز جمعه به روزه یا شب جمعه به نماز

۱۰۱۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَخْصُوا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِقِيَامٍ مِنْ بَيْنِ اللَّيَالِي، وَلَا تَخْصُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِصِيَامٍ مِنْ بَيْنِ الْأَيَّامِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي صَوْمٍ يَصُومُهُ أَحَدُكُمْ» رواه مسلم.

۱۰۱۷. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «شب جمعه را در بین شبها (ی هفته) مخصوص قیام و عبادت نکنید و روز جمعه را در میان روزهای هفته مخصوص روزه ننمایید، مگر این که جمعه، در روزی واقع شود که یکی از شما عادتاً آن را روزه می گیرد»^۱.

۱۰۱۸- وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ جُوَيْرِيَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَيْهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَهِيَ صَائِمَةٌ، فَقَالَ: «أَصُمْتِ أَمْسِ؟» قَالَتْ: لَا، قَالَ: «تُرِيدِينَ أَنْ تَصُومِي غَدًا؟» قَالَتْ: لَا، قَالَ: «فَأَفْطِرِي» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۱۰۱۸. و از ام المؤمنین جویریة دختر حارث - رضي الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم روز جمعه نزد او رفت و او روزه بود، فرمودند: «آیا دیروز روزه بوده‌ای؟» گفت: خیر، فرمودند: «می‌خواهی فردا روزه بگیری؟» گفت: خیر، فرمودند: «پس افطار کن»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۴۴)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۹۸۶)].

۳۳۰- باب تحریم الوصال فی الصوم هو أن یصوم یومین أو أكثر، ولا یأکل ولا

یشرب بینهما

باب تحریم وصال در روزه و آن عبارت است از این که دو روز یا بیشتر روزه باشد و در میان آنها اصلاً افطار نکند (شب را نیز بدون خوردن و آشامیدن به روز آورد)

۱۰۱۹- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْوَصَالِ.
قَالُوا: إِنَّكَ تُوَصِّلُ؟ قَالَ: «إِنِّي لَسْتُ مِثْلَكُمْ، إِنِّي أُطْعَمُ وَأُسْقَى» متفقٌ عليه.

۱۰۱۹. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از وصال منع فرمودند، صحابه گفتند: ای رسول خدا! تو وصال انجام می دهی! (پس چرا ما هم انجام ندهیم) فرمودند: «من مثل شما نیستم، به من آب و غذا داده می شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۲۲)، م (۱۱۰۲)]. آنچه در متن آمده لفظ روایت بخاری است.

۳۳۱- باب تحریم الجلوس علی قبر

باب تحریم نشستن بر قبر

۱۰۲۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَأَنْ يَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى جَمْرَةٍ، فَتُحْرَقَ ثِيَابُهُ، فَتَخْلُصَ إِلَى جِلْدِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى قَبْرِ «رواه مسلم»
۱۰۲۰. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر یکی از شما روی اخگر بنشیند و لباسش را بسوزاند و از آن جا به پوستش برسد، بهتر از آن است که بر روی قبری بنشیند!»^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۷۱)].

۳۳۲- باب النهي عن تجصيص القبر والبناء عليها

باب نهی از محکم کردن قبر و ساختن بنا بر روی آن (با گچ و سیمان و ...)

۱۰۲۱- عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُجَصَّصَ الْقَبْرُ، وَأَنْ يُقْعَدَ عَلَيْهِ، وَأَنْ يُبْنَى عَلَيْهِ. رواه مسلم.

۱۰۲۱. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از گچ کاری (و محکم) کردن قبر و نشستن و ساختن بنا بر روی آن، نهی فرمودند.^۱
(به حدیث شماره: ۹۷۵ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۷۰)].

۳۳۳- باب التغلیظ فی النهی عن اتخاذ المساجد علی قبور الصالحین واتخاذها

أعیاداً

باب نهی بسیار شدید در ساختن مساجد بر قبرهای صالحین و اینکه

مانند عید همیشه تجلیل شوند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ۖ ﴾

(الکھف/۲۱)

«کسانی که بر کار [و بار] شان دست یافتند، گفتند: بر [غار] شان سجده گاهی می‌سازیم».

۱۰۲۲- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ ذَكَرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْسَةً رَأَتْهَا بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ وَمَا فِيهَا مِنَ الصُّورِ، فَقَالَتْ: «أَوْلَيْكَ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ أَوْ الْعَبْدُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَىٰ قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، أَوْلَيْكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ» متفق عليه.

۱۰۲۲- از عائشه -رضی اللہ عنہا- روایت شده است که ام سلمه -رضی اللہ عنہا- در نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم از

کلیسایی یاد نمود که در سرزمین حبشه دیده بود و از عکس‌هایی که در آن بود یاد کرد، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمودند: «آنها کسانی اند که هرگاه شخص صالحی در بین آنها وفات می‌کرد بر قبر او مسجد می‌ساختند و آن عکس‌ها را بر آن نصب می‌کردند، آنها بدترین مردم در نزد خداوند هستند».

۱۰۲۳- عَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ بِخَمْسٍ وَهُوَ يَقُولُ «أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ، إِنِّي أَنهَاكُمْ عَنْ ذَلِكَ». رواه مسلم

۱۰۲۳- از جندب بن عبد الله -رضی اللہ عنہ- روایت شده است که فرمود: پنج روز قبل از وفات رسول الله

صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم از ایشان شنیدم که فرمودند: «آگاه باشید کسانی که پیش از شما بودند قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار می‌دادند، آگاه باشید قبرها را مسجد نگیرید؛ من شما را از این کار منع می‌کنم».

۱۰۲۴- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: لَمَّا نَزَلَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَفِقَ يَطْرُحُ حَمِيصَةً لَهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ، فَإِذَا اغْتَمَّ بِهَا كَشَفَهَا، فَقَالَ وَهُوَ كَذَلِكَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». يُحَدِّثُ مَا صَنَعُوا. قَالَتْ عَائِشَةُ: وَلَوْلَا ذَلِكَ أُبْرِزَ قَبْرُهُ، غَيْرَ أَنَّهُ حَشِيٌّ أَنْ يَتَّخِذَ مَسْجِدًا. متفق عليه

۱۰۲۴- از عائشه رضی الله عنها روایت شده است: آنگاه که وفات پیامبر خدا ﷺ نزدیک شد پارچه‌ی را که بر صورت مبارک ایشان بود به یک طرف کرده و در آن حال فرمودند: خدا لعنت کند یهود و نصاری را که قبرهای پیامبران خود را مسجد (عبادتگاه) گرفتند. پیامبر اسلام ﷺ مردم را از کار آنها بر حذر می‌داشتند. عائشه رضی الله عنها فرمود: و اگر این فرموده‌ی ایشان نمی‌بود قبر ایشان آشکار می‌شد مگر این ترس وجود داشت که مسجد قرار گیرد.

۱۰۲۵- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَائِرَاتِ الْقُبُورِ وَالْمَتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ. رواه الترمذی، وقال: حديث حسن.

۱۰۲۵- از ابن عباس رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: رسول گرامی اسلام ﷺ زنهايي را که به زیارت قبرها می‌روند و کسانی که قبرها را مسجد قرار می‌دهند و بر آن چراغ روشن می‌کنند لعنت نموده‌اند.

۱۰۲۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عَيْدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». رواه أبو داود.

۱۰۲۶- از ابو هريره رضی الله عنه - روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «خانه‌های خود را قبر نگردانید، و قبر مرا عید قرار ندهید و بر من درود بفرستید، چرا که هر جا باشید درود شما برای من می‌رسد».

۳۳۴- باب تحریم الشفاعة في الحدود

باب تحریم میانجیگری در حدود شرعی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (النور / ۲)

«هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و در دین خدا رأفت نسبت به آنان نداشته باشید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید.»

۱۰۲۷- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ فُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَرْأَةِ الْمَخْزُومِيَّةِ الَّتِي سَرَقَتْ، فَقَالُوا: مَنْ يُكَلِّمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالُوا: وَمَنْ يَجْتَرِي عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى؟!» ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ، أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَإِنَّمَا اللَّهُ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا». متفق عليه.

۱۰۲۷. و از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: مسأله‌ی زنی از بنی مخزوم که مرتکب سرقت شده بود، قریش را نگران ساخت و در میان خود گفتند: چه کسی درباره‌ی (صرف نظر کردن از اجرای حد) او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صحبت کند و گفتند: چه کسی جرأت دارد جز اسامه بن زید که محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و اسامه (در این مورد که دست آن زن قطع نشود) با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صحبت کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آیا برای جلوگیری از اجرای حدی از حدود خداوند میانجیگری می‌کنی؟» سپس برخاستند و خطبه‌ای ایراد کردند و فرمودند: «ای مردم! اقوامی که قبل از شما بودند، فقط به این دلیل هلاک شدند که آنان در میان خودشان هرگاه کسی بزرگ و صاحب منزلت مرتکب دزدی می‌شد، او را رها می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد، بر او حد جاری می‌ساختند؛ به خدا سوگند، اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد!»

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۷۸۸)، م (۱۶۸۸)].

۳۳۵- باب النهي عن التغوط في طريق النَّاسِ وظلِّهم وموارد الماء ونحوها

باب نهی از دفع نجاست در راه مردم یا در سایه‌ای که مردم در آن می‌نشینند و یا در مجرای آب و مانند این‌ها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می‌آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند.»

۱۰۲۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا اللَّاعِنِينَ» قَالُوا: وَمَا اللَّاعِنَانِ؟ قَالَ: «الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ» رواه مسلم.

۱۰۲۸. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از دو کار نفرین آور پرهیزید!»، صحابه گفتند: آن دو کار نفرین آور چیستند؟ فرمودند: «آن که در سر راه مردم یا در سایه‌ای که مردم از آن استفاده می‌کنند، قضای حاجت می‌کند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۹)].

۳۳۶- باب النهي عن البول ونحوه في الماء الراكد

باب نهی از دفع ادرار و مانند آن در آب راكد

۱۰۲۹- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُبَالَ فِي الْمَاءِ الرَّاْكَدِ. رواه مسلم.

۱۰۲۹. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از ادرار کردن در آب راكد نهی فرمودند.^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۱)].

۳۳۷- باب کراهة تفضيل الوالد بعض اولاده على بعض في الهبة

باب کراهت این که پدر، بعضی از فرزندان را در بخشش بر بعضی

دیگر برتری دهد

۱۰۳۰- عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ أَبَاهُ أَتَى بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي نَحَلْتُ ابْنِي هَذَا غُلَامًا كَانَ لِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَكُلْ وَلَدِكَ نَحَلْتَهُ مِثْلَ هَذَا؟» فَقَالَ: لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَارْجِعْهُ».

وفي روايةٍ قَالَ: «اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ».

وفي روايةٍ: «لا تُشْهَدْنِي عَلَى جَوْرِ».

وفي روايةٍ قَالَ: «أَيَسْرُكَ أَنْ يَكُونُوا إِلَيْكَ فِي الْبِرِّ سَوَاءً؟» قَالَ: بَلَى، قَالَ: «فَلَا إِذَا». متفقٌ عليه.

۱۰۳۰. از نعمان بن بشیر -رضی الله عنه- روایت شده است که پدرش او را به حضور پیامبر ﷺ آورد و گفت: من غلامی را که مال خودم بود، به این پسر بخشیدم، پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا به تمام فرزندان مانند آن را بخشیده‌ای؟» گفت: خیر، پیامبر ﷺ فرمودند: «پس از این بخشش رجوع کن (و غلام را به ملکیت خودت برگردان)».

در روایتی دیگر آمده است که فرمودند: «از خدا بترسید و عدالت را در بین فرزندان خود رعایت کنید».

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر ﷺ فرمودند: «مرا شاهد ظلم نگردان».

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا دوست داری که فرزندان در خوبی نسبت به تو، مثل هم باشند؟» گفت: بله، پیامبر ﷺ فرمودند: «پس در این صورت چنین کاری نکن!».

۳۳۸- باب تحریم إحداد المرأة علی میت فوق ثلاثة أيام إلا علی زوجها أربعة أشهر

و عشرة أيام

باب تحریم عزاداری (ترک نمودن زینت) زن بر مرده بیشتر از سه

روز جز برای شوهرش که چهارماه و ده روز است

۱۰۳۱- عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ أَبِي سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ تُؤَفِّي أَبُوهَا أَبُو سُفْيَانَ بِنَ حَرْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَدَعَتْ بِطِيبٍ فِيهِ صُفْرَةٌ خَلُوقٍ أَوْ غَيْرِهِ، فَدَهَنْتُ مِنْهُ جَارِيَةً، ثُمَّ مَسَّتْ بِعَارِضِيهَا. ثُمَّ قَالَتْ: وَاللَّهِ مَا لِي بِالطِّيبِ مِنْ حَاجَةٍ، غَيْرَ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ عَلَى الْمَنْبَرِ: «لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُحَدَّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ، إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» قَالَتْ زَيْنَبُ: ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَى زَيْنَبِ بِنْتِ جَحْشٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا حِينَ تُؤَفِّي أَخُوَهَا، فَدَعَتْ بِطِيبٍ فَمَسَّتْ مِنْهُ، ثُمَّ قَالَتْ: أَمَا وَاللَّهِ مَا لِي بِالطِّيبِ مِنْ حَاجَةٍ، غَيْرَ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ عَلَى الْمَنْبَرِ: «لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُحَدَّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». متفقٌ عليه.

۱۰۳۱. از زینب دختر ابی سلمه رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: هنگام فوت ابوسفیان بن حرب رضی الله عنهما پدر ام حبیبه رضی الله عنهما همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نزد ام حبیبه رضی الله عنهما رفتم؛ عطری خواست که زردی یا عطر زعفران یا چیزی دیگر داشت، سپس از آن عطر به دختری عطر زد و بعد به صورت و گونه‌های خود زد و گفت: به خدا سوگند، من احتیاجی به عطر ندارم؛ اما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که بر منبر فرمودند: «برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که بیشتر از سه شب سوگواری کند، مگر برای شوهر، که چهارماه و ده روز برایش در عزا و سوگواری می‌ماند». زینب می‌گوید: و نزد زینب دختر جحش رضی الله عنهما - رفتم وقتی که برادرش مرده بود، او نیز عطر خواست و به سر و صورت خود زد و سپس گفت: به خدا سوگند، من به عطر احتیاجی ندارم؛ اما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که بر منبر می‌فرمودند: «برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که بیشتر از سه شب سوگواری کند، مگر برای شوهر، که چهار ماه و ده روز برایش در عزا و سوگواری می‌ماند»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۸۰)، م (۱۴۸۶)].

۳۳۹- باب تحریم بیع الحاضر للبادی وتلقي الركبان والبيع على بيع أخيه والخطبة على خطبته إلا أن يأذن أو يردَّ

باب تحریم فروختن یک شهر نشین چیزی را برای بیابان (ده) نشین (قبل از آن که آنان قیمت جنسشان را در بازار بدانند) و ملاقات با کاروانیان و بیع بر بیع برادر و خواستگاری بر خواستگاری او مگر با اجازه وی یا بعد از رد او

۱۰۳۲- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَبِيعَ حَاضِرٌ لِبَادٍ وَإِنْ كَانَ أَخَاهُ لِأَيِّهِ وَأُمَّهُ. متفق عليه.

۱۰۳۲. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم نهی فرمودند از این که شهر نشین برای بادیه نشین (روستایی) چیزی بفروشد، اگرچه بادیه نشین برادر تنی او باشد^۱.

۱۰۳۳- وَعَنْ ابْنِ عَمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَتَلَقُوا السَّلْعَ حَتَّى يُهْبَطَ بِهَا إِلَى الْأَسْوَاقِ». متفق عليه.

۱۰۳۳. و از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «به استقبال (کاروان فروشندگان) کالاها نروید (و جنسشان را خریداری نکنید) تا وقتی که به بازار آورده می شود (جنسی را که متعلق به شخص روستایی یا شهر دیگری است، تا قبل از رسیدن به بازار و اطلاع صاحبش از قیمت آن، خریداری نکنید)»^۲.

۱۰۳۴- وَعَنْ عُثْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، فَلَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَبْتَاعَ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ وَلَا يَخْطُبَ عَلَى خِطْبَةِ أَخِيهِ حَتَّى يَدْرَ» رواه مسلم.

۱۰۳۴. و از عقبه بن عامر - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مؤمن برادر مؤمن است، پس برای مؤمن حلال نیست که بر بیع برادر (دینی یا نسبی) خود بیع کند و از زنی که برادرش خواستگار اوست، خواستگاری نماید، تا وقتی که او خواستگاری را ترک کند»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۱۶۱)، م (۱۵۲۳)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۱۶۵)، م (۱۵۱۸)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۱۴)].

۳۴۰- باب النهي عن إضاعة المال في غير وجوهه التي أذن الشرع فيها

باب نهی از اضعای مال در غیر راهایی که شرع به آن اجازه داده است

۱۰۳۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا: فَيَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ، وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ: قَيْلٌ وَقَالَ، وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةُ الْمَالِ». رواه مسلم.

۱۰۳۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، سه کار شما را دوست دارد (و بدان امر می کند) و سه کار شما را ناپسند و ناخوش می دارد (و از آن نهی می کند)؛ این که او را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید، و نیز این که همه‌ی شما به ریمان خدا چنگ زبید و متفرق نشوید را دوست دارد؛ و گفتگوی بسیار، و زیاد سؤال کردن (در چیزی که فایده‌ای ندارد)، و ضایع کردن مال و صرف آن در مصارف غیر مشروع را از شما ناپسند و ناخوش می دارد»^۱.

۱۰۳۶- وَعَنْ وَرَادٍ كَاتِبِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ: أَمَلِي عَلَيَّ الْمُغِيرَةُ بِنُ شُعْبَةَ فِي كِتَابٍ إِلَى مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» وَكَتَبَ إِلَيْهِ أَنَّهُ «كَانَ يَنْهَى عَنِ قَيْلٍ وَقَالَ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَكَانَ يَنْهَى عَنِ عُفُوقِ الْأُمَّهَاتِ، وَوَادِ الْبَنَاتِ، وَمَنْعِ وَهَاتٍ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۳۶. و از وراد کاتب مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مغیره در نامه‌ای برای حضرت معاویه - رضی الله عنه - بر من املا نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز فریضه‌ای می فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست که یگانه و بی شریک است، سلطنت و ملک و سپاس و ستایش، از آن او و سزاوار اوست و او بر هر چیز تواناست؛ خداوند! هیچ مانعی در برابر آنچه عطا کردی، نیست و هیچ عطا کننده‌ای برای آنچه مانع شدی، نیست؛ و ثروت هیچ صاحب ثروتی در مقابل تو بهره‌ای به او نمی‌رساند. و به او نوشت که پیامبر صلی الله علیه و آله از بازگفتن هر سخنی که شنیده شده، ضایع کردن مال و صرف آن در مصارف غیر

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۷۱۵)]. [روایتی دیگر از این حدیث به شماره‌ی ۳۴۰، گذشت.]

مشروع، زیاد سؤال کردن (در چیزی که فایده‌ای ندارد)، رنجانیدن مادر، دفن دختران زنده، منع واجبات و طلب مال دیگران، نهی فرمودند^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۷۳)، م (۱۳۴۱-۳)].

۳۴۱- باب النهي عن الإشارة إلى مسلم بسلاح سواء كان جاداً أو مازحاً، والنهي عن تعاطي السيف مسلولاً

باب نهی از اشاره به مسلمان با اسلحه و مانند آن، چه جدی باشد و

چه شوخی، و نهی کردن از دست به دست کردن شمشیر برهنه

۱۰۳۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُشْرُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ بِالسَّلَاحِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ فِي يَدِهِ، فَيَقَعُ فِي حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» متفقٌ عليه.

۱۰۳۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ یک از شما با سلاح به برادرش اشاره نکند و به طرف او نگیرد، زیرا او نمی‌داند، شاید شیطان آن را از دستان او خارج کند (و وی را به زدن ضربه و سوسه کند و طرف کشته شود و آن گاه) او در حفره‌ای از آتش بیفتد»^۱.

۱۰۳۸- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُتَعَاطَى السَّيْفُ مَسْلُولاً». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۱۰۳۸. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که شمشیر، برهنه دست به دست شود، نهی فرمودند^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۰۷۲)، م (۲۶۱۷)].

۲- ابوداود (۲۵۸۸) و ترمذی [۲۱۶۴] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳۴۲- باب کراهة الخروج من المسجد بعد الأذان إلا لعذر حتى يصلي المكتوبة

باب کراهیت بیرون آمدن از مسجد بعد از اذان تا نماز فریضه را ادا

نماید مگر آنکه عذری داشته باشد

۱۰۳۹- عَنْ أَبِي الشَّعَثَاءِ قَالَ: كُنَّا فُجُودًا مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ، فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يَمْشِي، فَاتَّبَعَهُ أَبُو هُرَيْرَةَ بَصْرَهُ حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَمَا هَذَا فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه مسلم.

۱۰۳۹. از ابوشعثاء روایت شده است که فرمود: ما با ابوهریره - رضی الله عنه - در مسجد نشستیم بودیم و مؤذن اذان گفت، مردی از مسجد برخاست و رفت؛ ابوهریره رضی الله عنه با چشم او را دنبال کرد تا از مسجد خارج شد، و آن گاه گفت: این مرد، ابوالقاسم رضی الله عنه را نافرمانی کرد^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۶۵۵].

۳۴۳- باب کراهة ردّ الريحان لغير عذر

باب کراهت رد کردن ريحان بدون عذر

۱۰۴۰- وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَرُدُّ الطَّيِّبَ. رواه البخاري.

۱۰۴۰. از انس بن مالک - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز چیز خوشبو را رد نمی کرد!

۳۴۴ - باب کراهة المدح في الوجه لمن خيف عليه مفسدة من إعجاب ونحوه،

وجوازه لمن أمن ذلك في حقه

باب کراهت مدح روبه روی کسی که خوف فتنه‌ای بر او مانند غرور به

نفس و ... هست، و جایز بودن آن برای کسی که از چنان فتنه‌ای در

امان است

۱۰۴۱ - عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يُثْنِي عَلَى رَجُلٍ وَيُطْرِبُهُ فِي الْمَدْحَةِ، فَقَالَ: «أَهْلَكْتُمْ، أَوْ قَطَعْتُمْ ظَهْرَ الرَّجُلِ» متفق عليه.

۱۰۴۱. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که مردی، مردی دیگر را ستایش می کند و در مدح او مبالغه می نماید، فرمودند: «او را نابود ساختید، یا فرمودند: کمر مرد را شکستید»^۱.

۱۰۴۲ - وَعَنْ هَمَّامِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنِ الْمِقْدَادِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا جَعَلَ يَمْدَحُ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَعَمِدَ الْمِقْدَادُ، فَجَنَّا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، فَجَعَلَ يَخْتُو فِي وَجْهِهِ الْحَصْبَاءَ، فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ: مَا شَأْنُكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَدَّاحِينَ، فَاحْشُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱۰۴۲. و از همام بن حارث از مقداد - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی، شروع به مدح حضرت عثمان - رضی الله عنه - کرد، مقداد برخاست و بر روی زانو نشست و شروع به انداختن ریگ های ریز به صورت آن مرد کرد، حضرت عثمان - رضی الله عنه - به او گفت: چه کار می کنی؟ مقداد گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی ثناگویان و مداحان را دیدید، بر صورت آنان خاک بپاشید»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۶۶۳)، م (۳۰۰۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۰۰۲)].

۳۴۵- باب کراهة الخروج من بلد وقع فيها الوباء فراراً منه وكراهة القدوم عليه

باب کراهت خارج شدن از شهری که وبا در آن شیوع پیدا کرده است

به قصد فرار از آن و نیز کراهت وارد شدن (افراد بیرون از آن جا)

به آن جا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ (النساء / ۷۸)

«هر کجا که باشید، مرگ شما را در می یابد، اگرچه در برج های محکم و استوار ساکن باشید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (البقره / ۱۹۵)

«با دست های خود، خویشان را به هلاکت نیفکنید.»

۱۰۴۳- وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا سَمِعْتُمُ الطَّاعُونَ بِأَرْضٍ، فَلَا تَدْخُلُوهَا، وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ، وَأَنْتُمْ فِيهَا، فَلَا تَخْرُجُوا مِنْهَا». متفقٌ عليه.

۱۰۴۳. و از اسامه بن زید - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه به شما خبر رسید که در یک سرزمین وبا شیوع پیدا کرده است، داخل آن نشوید و هر گاه وبا در سرزمینی شیوع یافت که شما در آن سرزمین ساکن هستید، از آن خارج نگردید!».

(به حدیث شماره: ۲۲ مراجعه شود).

۳۴۶- باب التغلیظ فی تحریم السحر

باب شدت تحریم سحر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ ﴾ (البقره / ۱۰۲)

«سليمان هرگز كفر نورزید، بلکه شیاطین كفر ورزیدند که به مردم سحر می آموختند».

(به حدیث شماره: ۹۳۸ مراجعه شود).

۳۴۷- باب النهي عن المسافرة بالمصحف إلى بلاد الكفار إذا خيف وقوعه بأيدي

العدو

باب نهی از مسافرت با قرآن به شهر کافران هرگاه خوف افتادنش به

دست دشمن باشد

۱۰۴۴- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُسَافَرَ بِالْقُرْآنِ إِلَى أَرْضِ الْعَدُوِّ» متفقٌ عليه.

۱۰۴۴- از ابن عمر رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از اینکه با قرآن به شهر کافران مسافرت شود نهی فرمودند.

۳۴۸- باب تحريم استعمال إناء الذهب وإناء الفضة في الأكل والشرب والطهارة

وسائر وجوه الاستعمال

باب تحريم به كار بردن ظروف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن و

وضو گرفتن و ساير موارد استعمال

(به حدیث شماره: ۴۵۸ مراجعه شود).

۳۴۹- باب النهي عن صمت يوم إلى الليل

باب نهی از سکوت روز تا شب

۱۰۴۵- عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَفِظْتُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يُتَمَّ بَعْدَ احْتِلَامٍ، وَلَا صُمَاتَ يَوْمٍ إِلَى اللَّيْلِ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

قال الخطابي في تفسير هذا الحديث: كان من نُسك الجاهلية الصمات، فنهوا في الإسلام عن ذلك، وأمروا بالذكر والحديث بالخير.

۱۰۴۵. از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله به یاد دارم که فرمودند: «بعد از بلوغ، یتیمی نمی ماند و سکوت کردن روز تا شب، درست نیست»^۱.

خطابی در تفسیر این حدیث گفته است: سکوت، از عبادات دوره‌ی جاهلیت بود، و در اسلام از آن نهی شده است و مردم به ذکر خدا و سخن گفتن نیکو امر شده‌اند.

۱۰۴۶- وَعَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ قَالَ: دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ الصَّدِيقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى امْرَأَةٍ مِنْ أَحْمَسَ يُقَالُ لَهَا: زَيْنَبُ، فَرَأَاهَا لَا تَتَكَلَّمُ. فَقَالَ: «مَا لَهَا لَا تَتَكَلَّمُ؟» فَقَالُوا: حَجَّتْ مُصِمَّةً، فَقَالَ لَهَا: «تَكَلَّمِي فَإِنَّ هَذَا لَا يَحِلُّ، هَذَا مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ»، فَتَكَلَّمَتْ. رواه البخاري.

۱۰۴۶. و از قیس بن ابی حازم روایت شده است که فرمود: حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - نزد زنی از قبیله‌ی احمس رفت که او را زینب می‌گفتند و دید که او صحبت نمی‌کند، فرمود: چرا چیزی نمی‌گویدی؟ گفتند: در (همین) حال سکوت حج کرده است؛ به او فرمود: صحبت کن، زیرا این حلال نیست و از رفتار دوره‌ی جاهلیت است، و زن صحبت کرد^۲.

۱- ابوداود [(۲۸۷۳)] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۸۳۴)].

۳۵۰- باب تحریم انتساب الإنسان إلى غير أبيه وتوليّه إلى غير موالیه

باب تحریم نسبت دادن انسان به غیر پدرش و سر سپردگیش به غیر

سرپرستان

۱۰۴۷- عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ أَبِيهِ، فَالْحَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ. متفقٌ عليه.

۱۰۴۷. از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «کسی که خود را به شخصی غیر پدرش نسبت دهد در حالی که می داند که آن شخص پدرش نیست، بهشت بر او حرام می شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [بخ (۶۷۶)، م (۶۳)].

بخش نوزدهم:
کتاب احادیث متفرقه و
لطایف

۳۵۱- باب احادیث الدجال وأشراط الساعة وغيرها

باب احادیث در باره دجال و نشانه‌های قیامت و غیره

۱۰۴۸- وَعَنْ رَبِيعِ بْنِ حِرَاشٍ قَالَ: انْطَلَقْتُ مَعَ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ إِلَى حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَقَالَ لَهُ أَبُو مَسْعُودٍ: حَدِّثْنِي مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي الدَّجَالِ قَالَ: «إِنَّ الدَّجَالَ يَخْرُجُ وَإِنَّ مَعَهُ مَاءٌ وَنَارًا، فَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ مَاءً فَنَارٌ تُحْرِقُ، وَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ نَارًا، فَمَاءٌ بَارِدٌ عَذْبٌ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ، فَلْيَقْعْ فِي الَّذِي يَرَاهُ نَارًا، فَإِنَّهُ مَاءٌ عَذْبٌ طَيِّبٌ» فَقَالَ أَبُو مَسْعُودٍ: وَأَنَا قَدْ سَمِعْتُهُ. مَتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۴۸. و از ربیع بن حراش روایت شده است که فرمود: با ابومسعود انصاری پیش حذیفه بن یمان - رضی الله عنهما - رفتم، ابومسعود رضی الله عنه به او گفت: آن چه از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد دجال شنیده‌ای، برایم بگو، گفت: «دجال خروج می کند در حالی که آبی و آتشی به همراه دارد، آن چه که مردم به صورت آب می بینند، آتشی است که می سوزاند و آن چه که مردم به شکل آتش مشاهده می کنند، آبی سرد و شیرین است، پس اگر کسی از شما او را درک کرد، خود را در آن چه که به صورت آتش می بیند، بیندازد، زیرا آن آتش در واقع آبی شیرین و پاک است»، ابومسعود رضی الله عنه گفت: من نیز مانند این را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام^۱.

۱۰۴۹- وَعَنْ أَنَسِ بْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَبَطُوهُ الدَّجَالُ إِلَّا مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ، وَلَيْسَ نَقَبٌ مِنْ أَنْقَابِهِمَا إِلَّا عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ صَافِينَ تَحْرُسُهُمَا، فَيَنْزِلُ بِالسَّبْحَةِ، فَتَرْجُفُ الْمَدِينَةُ ثَلَاثَ رَجَفَاتٍ، يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْهَا كُلَّ كَافِرٍ وَمُنَافِقٍ» رواه مسلم.

۱۰۴۹. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دجال به تمام شهرها می رود و آنها را می پیماید (و افساد می کند)، جز شهرهای مکه و مدینه که هیچ سوراخ و نقطه‌ای از آن دو شهر نیست مگر آن که ملایکه در آن صف کشیده و از آن حراست می کنند، بعد دجال بر زمین شنزار سبخه (در مدینه) فرود می آید، و مدینه سه بار می لرزد و خداوند، هر کافر و منافقی را از آن خارج می کند»^۲.

۱۰۵۰- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَتَّبِعُ الدَّجَالُ مِنَ يَهُودِ أَصْبَهَانَ سَبْعُونَ أَلْفًا عَلَيْهِمُ الطَّيَالِسَةُ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۴۵۰)، م (۲۹۳۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۴۳)]. [بخاری (۱۸۸۱)] نیز آن را روایت کرده است.

۱۰۵۰. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از یهودیان اصفهان، هفتاد هزار نفر پیرو دجال می‌شوند که همه طیلسان (نوعی ردای سبز رنگ است که احبار و علمای یهودی آن را می‌پوشند) بر تن دارند»^۱.

۱۰۵۱- وَعَنْ أَمِّ شَرِيكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سَمِعَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَيَنْفِرَنَّ النَّاسُ مِنَ الدَّجَالِ فِي الْجِبَالِ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱۰۵۱. و از ام شریک - رضی الله عنها - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمودند: «به طور حتم، مردم از خوف دجال به کوه‌ها می‌گریزند»^۲.

۱۰۵۲- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَيَتَوَجَّهُ قِبَلَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَيَتَلَقَاهُ الْمَسَالِحُ: مَسَالِحُ الدَّجَالِ، فَيَقُولُونَ لَهُ: إِلَى أَيْنَ تَعْمِدُ؟ فَيَقُولُ: أَعْمِدُ إِلَى هَذَا الَّذِي خَرَجَ، فَيَقُولُونَ لَهُ: أَوْ مَا تُؤْمِنُ بِرَبِّنَا؟ فَيَقُولُ: مَا بِرَبِّنَا خَفَاءُ! فَيَقُولُونَ: اقْتُلُوهُ. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: أَلَيْسَ قَدْ نَهَاكُم رَبُّكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا أَحَدًا دُونَهُ، فَيَنْطَلِقُونَ بِهِ إِلَى الدَّجَالِ، فَإِذَا رَأَهُ الْمُؤْمِنُ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذَا الدَّجَالُ الَّذِي ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَأْتُرُ الدَّجَالُ بِهِ فَيُشَبِّحُ؛ فَيَقُولُ: خُذُوهُ وَشُجُّوهُ. فَيُوسِعُ ظَهْرَهُ وَبَطْنَهُ ضَرْبًا، فَيَقُولُ: أَوْ مَا تُؤْمِنُ بِي؟ فَيَقُولُ: أَنْتَ الْمَسِيحُ الْكَذَّابُ! فَيُؤْمَرُ بِهِ، فَيُؤَسَّرُ بِالْمَنْشَارِ مِنْ مَفْرَقِهِ حَتَّى يُفَرِّقَ بَيْنَ رِجْلَيْهِ. ثُمَّ يَمْسِي الدَّجَالُ بَيْنَ الْقِطْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: قُمْ، فَيَسْتَوِي قَائِمًا. ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: أَتُؤْمِنُ بِي؟ فَيَقُولُ: مَا أزدَدْتُ فِيكَ إِلَّا بَصِيرَةً. ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَا يَفْعَلُ بَعْدِي بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ؛ فَيَأْخُذُهُ الدَّجَالُ لِيَذْبَحَهُ، فَيَجْعَلُ اللَّهُ مَا بَيْنَ رَقَبَتِهِ إِلَى تَرَفُوتِهِ نُحَاسًا، فَلَا يَسْتَطِيعُ إِلَيْهِ سَبِيلًا، فَيَأْخُذُهُ بِيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ فَيَقْدِفُ بِهِ، فَيَحْسَبُ النَّاسُ أَنَّهُ قَدَفَهُ إِلَى النَّارِ، وَإِنَّمَا أُلْقِيَ فِي الْجَنَّةِ». فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هَذَا أَكْبَرُ النَّاسِ شَهَادَةً عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ». رواه مسلم.

۱۰۵۲. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دجال خروج می‌کند و مردی از مؤمنان به طرف او می‌رود و با مأموران مسلح دجال، برخورد می‌کند و به او می‌گویند: به کجا می‌روی؟ می‌گویی: نزد این که خروج کرده است، به او می‌گویند: آیا به خدای ما (دجال) ایمان نداری؟ می‌گویی: در مورد پروردگار ما خفایی نیست (یعنی موجودیت خدای ما - الله جل جلاله - ثابت است و هیچگونه خفایی در مورد او وجود ندارد)، می‌گویند: او را بکشید، یکی از

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۴۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۴۶)].

آنها به دیگری می گوید: آیا مگر خدای شما (دجال)، شما را از این که بدون اجازه و خبر او، کسی را نکشید، نهی نکرد؟ و او را به سوی دجال می برند، وقتی مؤمن او را می بیند، می گوید: ای مردم! این همان دجالی است که پیامبر ﷺ آن را نام برده است، دجال دستور می دهد که او را به پشت بخوابانید و سر و روی او را بزنی و زخمی کنید و ضربه های سخت بر پشت و شکم او زده می شود و می گوید: آیا به من ایمان نداری؟ مؤمن جواب می دهد: تو مسیح دروغگو هستی، بعد فرمان قتل او داده شده، او از فرق سرش اره می شود تا این که از وسط پاهایش جدا و دونیم می گردد، سپس دجال بین دو نیمه ی بدن او راه می رود، بعد به او می گوید: برخیز! برمی خیزد و راست می ایستد، سپس به او می گوید: آیا به من ایمان نداری؟ می گوید: درباره ی تو چیزی جز بصیرت و آگاهی بیشتر (به خباثت تو) به من افزوده نشده است، مؤمن سپس می گوید: ای مردم! او بعد از من با کس دیگری چنین کاری کرده نمی تواند، بعد دجال او را می گیرد که سرش را از تن جدا کند و خداوند، فاصله ی بین گردن و شانه ی او را مسین خواهد کرد و دجال توانایی دستیابی به بریدن سرش را ندارد، سپس دست و پایش را می گیرد و او را پرتاب می کند، مردم تصور می کنند که او را به آتش انداخته در صورتی که او به بهشت انداخته شده است. پیامبر ﷺ سپس فرمودند: «این بزرگ ترین درجه ی شهید و شهادت نزد خداوند جهانیان است»^۱.

۱۰۵۳- عن النّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدَّجَالَ ذَاتَ غَدَاةٍ فَقَالَ: «إِنَّهُ شَابٌّ قَطَطٌ عَيْنُهُ طَافِيَةٌ، كَأَنِّي أَشَبَّهُهُ بِعَبْدِ الْعَزْزِيِّ بْنِ قَطَنِ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ، فَلْيَقْرَأْ عَلَيْهِ فَوَاتِحَ سُورَةِ الْكَهْفِ؛ إِنَّهُ خَارِجٌ خَلَّةً بَيْنَ الشَّامِ وَالْعِرَاقِ، فَعَاثَ يَمِينًا وَعَاثَ شِمَالًا، يَا عِبَادَ اللَّهِ فَاتَّبِعُوا». قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا إِسْرَاعُهُ فِي الْأَرْضِ؟ قَالَ: «كَالْعَيْثِ اسْتَدْبَرْتَهُ الرَّيْحُ، فَيَأْتِي عَلَى الْقَوْمِ، فَيَدْعُوهُمْ، فَيُؤْمِنُونَ بِهِ، وَيَسْتَجِيبُونَ لَهُ فَيَأْمُرُ السَّمَاءَ فَتُمْطِرُ، وَالْأَرْضَ فَتُنْبِتُ، فَتَرُوحُ عَلَيْهِمْ سَارِحَتُهُمْ أَطْوَلَ مَا كَانَتْ دُرَى، وَأَسْبَغَهُ ضُرُوعًا، وَأَمَدَهُ خَوَاصِرَ، ثُمَّ يَأْتِي الْقَوْمَ فَيَدْعُوهُمْ، فَيَرُدُّونَ عَلَيْهِ قَوْلَهُ، فَيَنْصَرِفُ عَنْهُمْ، فَيُضَبِّحُونَ مُمَجَلِينَ لَيْسَ بِأَيْدِيهِمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَيَمُرُّ بِالْخَرِيبَةِ فَيَقُولُ لَهَا: أَخْرِجِي كُنُوزَكَ، فَتَسْبَعُهُ، كُنُوزُهَا كَيْعَاسِيبِ النَّحْلِ، ثُمَّ يَدْعُو رَجُلًا مُمْتَلِنًا شَبَابًا فَيَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ، فَيَقْطَعُهُ، جَزَلَتَيْنِ رَمِيَّةِ الْعَرَضِ، ثُمَّ يَدْعُوهُ، فَيُقْبِلُ، وَيَتَهَلَّلُ وَجْهَهُ يَضْحَكُ. فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَنْزِلُ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقِيَّ دِمَشْقَ بَيْنَ مَهْرُودَتَيْنِ، وَاضِعًا كَفَّيْهِ عَلَى أَجْحِحَةٍ مَلَكَيْنِ، إِذَا طَاطَأَ رَأْسَهُ، فَطَرَ وَإِذَا رَفَعَهُ تَحَدَّرَ

۱- مسلم [۲۹۳۸] روایت کرده و بخاری [۷۱۳۲] هم بعضی از آن را روایت کرده است.

مِنْهُ جُمَانٌ كَاللُّؤْلُؤِ، فَلَا يَحِلُّ لِكَافِرٍ يَجِدُ رِيحَ نَفْسِهِ إِلَّا مَاتَ، وَنَفْسُهُ يَنْتَهِي إِلَى حَيْثُ يَنْتَهِي طَرْفُهُ، فَيَطْلُبُهُ حَتَّى يُدْرِكَهُ بِبَابِ لُدٍّ، فَيَقْتُلُهُ». رواه مسلم.

۱۰۵۳. از نواس بن سمعان - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در یک صبح از دجال نام برد و فرمودند: «او (دجال) جوانی است که مویش بسیار مجعد (موی پیچان) است، و یک چشمش کور و برآمده است، من او را به عبدالعزی بن قطن تشبیه می‌کنم؛ هرکس از شما او را درک کرد، بر او اوایل سوره‌ی کهف را بخواند، او از راهی بین عراق و سوریه خروج خواهد کرد، و راست و چپ را از فساد پر می‌کند، ای بندگان خدا! محکم و ثابت قدم باشید»، گفتیم: ای رسول خدا! سرعتش در زمین چه قدر است؟ فرمودند: «مانند باران است که باد آن را دنبال کند؛ نزد طایفه‌ای می‌رود و ایشان را به خود می‌خواند، به او ایمان می‌آورند و دعوتش را اجابت می‌کنند و به آسمان امر می‌کنند، باران می‌بارد و به زمین فرمان می‌دهد، زمین می‌رویانند و حیوان‌های آن قوم که می‌چرند، در حالی پیش آنها برمی‌گردند که پشت‌ها و لگن‌هایشان از پیش بزرگ‌تر و قوی‌تر (گوشت بیشتری دارند) و پستان‌هایشان از شیر پرتر است. بعد نزد قوم دیگری می‌آید و ایشان را به خود دعوت می‌کند، آن جماعت دعوت او را رد می‌کنند و او از ایشان منصرف شده، برمی‌گردد و آن طایفه دچار خشکسالی می‌شوند و تمام دارایی آنها از دستشان می‌رود؛ و دجال بر ویرانه‌ای می‌گذرد، به آن خطاب می‌کند: گنجینه‌هایت را بیرون بده! و گنجینه‌های مدفون در آن زمین، مانند زنبورهای (نر که ملکه را دنبال می‌کنند)، به دنبال او می‌روند؛ سپس مرد جوان تنومندی را دعوت می‌کند و او را با شمشیر می‌زند و به سرعت پرتاب کردن تیر به هدف، او را دو نیم می‌کند و سپس او را می‌خواند و او در حالی که صورتش درخشان است و می‌خندد (زنده می‌شود و) می‌آید؛ در اثنای آن که او چنین رفتاری دارد، خداوند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام را می‌فرستد و او بر روی مناره‌ی بیضا در شرق دمشق در میان دو لباس رنگ شده و در حالی که دست‌های او روی بال‌های دو فرشته است، فرود می‌آید؛ موقعی که سرش را فرود می‌آورد، از آن آب می‌چکد و وقتی سربلند می‌کند، قطرات نقره‌ای مرواریدگون آب از سرش فرو می‌غلند، بوی نفس او به شامه‌ی هیچ کافری نمی‌رسد و اگر برسد، آن کافر می‌میرد و بُرد نفس او به اندازه‌ی دید او می‌رود، و حضرت

عیسی علیه السلام دجال را جستجو می کند تا در دروازه‌ی لد (جایی است در فلسطین) او را می یابد و می کشد!¹.

۱۰۵۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا عَنِ الدَّجَالِ مَا حَدَّثَ بِهِ نَبِيٌّ قَوْمَهُ، إِنَّهُ أَعْوَرٌ وَإِنَّهُ يَجِيءُ مَعَهُ بِمِثَالِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، فَالْتَبِي يَقُولُ إِنَّهَا الْجَنَّةُ هِيَ النَّارُ. متفقٌ عليه.

۱۰۵۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آگاه باشید! که سخنی درباره‌ی دجال به شما می گویم که هیچ پیغمبری در گذشته برای امت خود نگفته است: او یک چشم است، و چیزهایی مانند بهشت و دوزخ می آورد و آن چه را که می گوید بهشت است، آن دوزخ است»².

۱۰۵۵- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ الدَّجَالَ بَيْنَ ظَهْرَانِي النَّاسِ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، أَلَا إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرُ الْعَيْنِ الْيُمْنَى، كَانَ عَيْنَهُ عِبَّةً طَافِيَةً» متفقٌ عليه.

۱۰۵۵. و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور مردم، دجال را نام برد و فرمودند: «خداوند یک چشم نیست، آگاه باشید که مسیح دجال یک چشم است! و چشم راستش کور و مانند یک دانه، انگور برآمده است»³.

۱۰۵۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتَلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ حَتَّى يَخْتَبِيَهُ الْيَهُودِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَرِ وَالشَّجَرِ، فَيَقُولُ الْحَجَرُ وَالشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ، هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي تَعَالَ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْعَرَقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ» متفقٌ عليه.

۱۰۵۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قیامت برپا نمی شود تا آن که مسلمین با یهودیان بجنگند تا حدی که یک یهودی در پشت سنگ و درخت خود را پنهان می کند و سنگ و درخت به سخن آمده و می گوید: ای مسلمان! این یک نفر یهودی در پشت من است، بیا و او را بکش! جز درخت (گیاه) غرقد (دیوخار) که آن از درخت یهود است»⁴.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۲۵۰/۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۳۸)، م (۲۹۳۶)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۲۷)، م (۲۲۴۷/۴)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۲۹۲۶)، م (۲۹۲۲)].

۱۰۵۷- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمُرَّ الرَّجُلُ بِالْقَبْرِ، فَيَتَمَرَّعَ عَلَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَ صَاحِبِ هَذَا الْقَبْرِ، وَلَيْسَ بِهِ الدِّينُ وَمَا بِهِ إِلَّا الْبَلَاءُ». متفقٌ عليه.

۱۰۵۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، دنیا تمام نمی شود تا این که مرد از کنار قبر می گذرد و روی قبر دراز می کشد و می گوید: کاش من به جای صاحب این قبر بودم! در حالی که سبب این کاش، دینداری (و نگرانی برای دین) نیست، بلکه به خاطر رنج و بلایی (دنیوی) است که به آن دچار است!»^۱

۱۰۵۸- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَحْسِرَ الْفَرَاتُ عَنْ جَبَلٍ مِنْ ذَهَبٍ يُفْتَتَلُ عَلَيْهِ، فَيُقْتَلُ مِنْ كُلِّ مِائَةِ تِسْعَةً وَتِسْعُونَ، فَيَقُولُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ: لَعَلِّي أَنْ أَكُونَ أَنَا أَنْجُو».

و فی روایة «يُوشِكُ أَنْ يَحْسِرَ الْفَرَاتُ عَنْ كَنْزٍ مِنْ ذَهَبٍ، فَمَنْ حَضَرَهُ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهُ شَيْئًا» متفقٌ عليه. ۱۰۵۸. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قیامت برپا نمی شود تا این که فرات کوهی از طلا را نمایان می کند که بر سر آن جنگی رخ می دهد و از هر صد نفر، نود و نه نفر کشته می شوند، و هر یک از آنها می گوید: امیدوارم آن کس که نجات پیدا می کند، من باشم!»^۲

و در روایتی دیگر آمده است: «فرات کوهی از طلا نمایان می کند؛ هر کس بر آن حاضر شد، از آن چیزی برنگیرد و بدان توجهی نکند»^۲.

۱۰۵۹- وَعَنْ مُرْدَاسِ الْأَسْلَمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ الْأَوَّلُ فَلِأَوَّلٍ، وَتَبَقِيَ حُتَالَةٌ كَحُتَالَةِ الشَّعْبِيرِ أَوْ التَّمْرِ، لَا يُبَالِيهِمُ اللَّهُ بِاللَّهِ»، رواه البخاري.

۱۰۵۹. و از مرداس اسلمی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در نزدیکی قیامت) صالحان یک به یک هم چنان به ترتیب می روند و نخاله هایی مانند نخاله ی پوست جو یا خرما می مانند که خداوند به آنها هیچ مبالغت و توجهی نمی کند»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۱۱۵)، م (۲۲۳۱/۴)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۷۱۱۹)، م (۲۸۹۴)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۴۳۴)].

۱۰۶۰- وعن ابن عمّار رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى بِقَوْمٍ عَذَابًا أَصَابَ الْعَذَابُ مَنْ كَانَ فِيهِمْ، ثُمَّ بُعِثُوا عَلَىٰ أَعْمَالِهِمْ» متفق عليه.

۱۰۶۰. و از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است، پیامبر ﷺ فرمودند: «هرگاه خدای تعالی عذابی را بر طایفه‌ای نازل کند، آن عذاب به همه‌ی کسانی که در میان طایفه هستند، اصابت می‌کند و بعد (در قیامت) هر یک مطابق اعمال خود زنده و حشر می‌شوند»^۱.

۱۰۶۱- وعن جابر رضي الله عنه قال: كان جذع يقوم إليه النبي صلى الله عليه وسلم، يعني في الخطبة، فلما وضع المنبر، سمعنا للجذع مثل صوت العشار حتى نزل النبي صلى الله عليه وسلم فوضع يده عليه فسكن. وفي رواية قال: بكت على ما كانت تسمع من الذكر. رواه البخاري.

۱۰۶۱. و از جابر -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: یک تنه‌ی درخت خرما بود که پیامبر ﷺ هنگام ایراد خطبه به آن تکیه می‌زد، وقتی که منبر گذاشته شد (و پیامبر ﷺ دیگر بر ستون تکیه نمی‌زد و روی منبر خطبه می‌خواند) از آن تنه‌ی درخت، صدایی مثل صدای شتران آبدستن شنیدیم، تا این که پیامبر ﷺ از منبر پایین آمد و دستش را روی آن گذاشت و درخت آرام شد. در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «بر پایان یافتن ذکری که در کنار خود می‌شنید، گریست»^۲.

۱۰۶۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لا يلدغ المؤمن من جحر مرتين» متفق عليه.

۱۰۶۲- از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر بزرگوار ﷺ فرمودند: «مسلمان از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود»^۳.

۱۰۶۳- وعن أبي ثعلبة الخشني رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: إن الله تعالى فرض فرائض فلا تضيعوها، وحد حدوداً فلا تعتدوها، وحرم أشياء فلا تنتهكوها، وسكت عن أشياء رحمة لكم غير نسيان فلا تبحثوا عنها» حديث حسن، رواه الدارقطني وغيره.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۱۰۸)، م (۲۸۷۸)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۵۸۴)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۳۳)، م (۲۹۹۸)].

۱۰۶۳. و از ابو ثعلبه‌ی خشنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، فریضه‌هایی را بر شما واجب گردانیده است، آنها را ضایع نکنید و به جا آورید و حدودی را تعیین نموده است، از آنها تجاوز ننمائید و چیزهایی را حرام کرده است، آنها را مرتکب نشوید و حرمتشان را نشکنید و به واسطه‌ی رحم و دلسوزی بر شما نه از روی فراموشی، از چیزهایی سکوت کرده است، بنابراین از آنها بحث و سؤال نکنید»^۱.

۱۰۶۴ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَجْلِسٍ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ، جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: مَتَى السَّاعَةُ؟ فَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحَدِّثُ، فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: سَمِعَ مَا قَالَ، فَكِرَهُ مَا قَالَ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: بَلْ لَمْ يَسْمَعْ، حَتَّى إِذَا قَضَى حَدِيثَهُ قَالَ: «إِنَّ السَّائِلَ عَنِ السَّاعَةِ؟» قَالَ: هَا أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «إِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ» قَالَ: كَيْفَ إِضَاعَتُهَا؟ قَالَ: «إِذَا وُضِدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ». رواه البخاري.

۱۰۶۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مجلسی بود و برای مردم سخنرانی می‌فرمود، اعرابی ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: قیامت کی خواهد بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به سخنش ادامه داد، یکی از جماعت گفت: حرف او را شنید ولی از گفته‌اش خوشش نیامد؛ دیگری گفت: ممکن است نشنیده باشد، تا این که سخن پیامبر صلی الله علیه و آله تمام شد و فرمودند: «سؤال کننده از روز قیامت کجاست؟» گفت: من هستم، ای رسول خدا! فرمودند: «هرگاه امانت تضحیح شد و از بین رفت، منتظر قیامت باش»، گفت: از بین رفتن و ضایع شدن امانت چگونه خواهد بود؟ فرمودند: «هر وقت کار به غیر اهل آن سپرده شد، منتظر قیامت باش»^۲.

۱۰۶۵ - وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُصَلُّونَ لَكُمْ، فَإِنْ أَصَابُوا فَلَكُمْ، وَإِنْ أَخْطَأُوا فَلَكُمْ وَعَلَيْهِمْ» رواه البخاري.

۱۰۶۵. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «امامان جماعت برای شما نماز می‌خوانند، اگر درست انجام دادند، به نفع شماست و اگر اشتباه کردند، به نفع شما و به ضرر آنهاست»^۳.

۱- حدیثی حسن است که دارقطنی [(۱۸۳/۳-۱۸۴)] و غیر او روایت کرده‌اند.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۹)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۹۴)].

۱۰۶۶- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا، وَأَبْغَضُ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ أَسْوَاقُهَا» رواه مسلم.

۱۰۶۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین قسمت سرزمین‌ها نزد خداوند، مساجد آنها و بدترین و منفورترین سرزمین‌ها نزد خداوند، بازارهای آنهاست»^۱.

۱۰۶۷- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: رَجُلٌ عَلَى فَضْلِ مَاءٍ بِالْفَلَاقَةِ يَمْنَعُهُ مِنَ ابْنِ السَّبِيلِ، وَرَجُلٌ بَايَعَ رَجُلًا سَلْعَةً بَعْدَ الْعَصْرِ، فَحَلَفَ بِاللَّهِ لِأَخَذِهَا بِكَذَا وَكَذَا، فَصَدَّقَهُ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ، وَرَجُلٌ بَايَعَ إِمَامًا لَا يَبَايِعُهُ إِلَّا لِدُنْيَا، فَإِنْ أَعْطَاهُ مِنْهَا وَفَى، وَإِنْ لَمْ يُعْطِهِ مِنْهَا لَمْ يَفِ» متفقٌ عليه.

۱۰۶۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت با آنها صحبت نمی‌کند و به آنها نمی‌نگرد و آنها را پاک نمی‌کند و عذاب دردناکی در انتظار آنان است: مردی که آبی زیاد بر نیاز خود در بیابان دارد و آن را از رهگذر منع می‌کند؛ مردی که بعد از عصر کالایی را در مقابل قیمتی به مرد دیگری بفروشد و به خدا سوگند یاد کند که آن را به چنین و چنان قیمتی خریده است و طرف تصدیق و قبول کند در صورتی که چنان نیست، و مردی که محض بخاطر دنیا با امامی بیعت کرد، اگر چیزی از مال دنیا را به او داد بر بیعتش وفا می‌کند و اگر نداد، وفا نخواهد کرد»^۲.

۱۰۶۸- وَعَنْ أَبِي مسعودٍ الأنصاري رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «إن مما أدرك الناس من كلام النبوة الأولى: إذا لم تستح فاصنع ما شئت» رواه البخاري.

۱۰۶۸. و از ابومسعود انصاری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به حقیقت از آنچه که از کلام نبوت اولین به مردم رسیده است، این است: اگر حیا نکردی و نداشتی، هر چه می‌خواهی بکن»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۷۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۳۶۹)، م (۱۰۸)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۷۶۹)].

۱۰۶۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اشْتَرَى رَجُلٌ مِنْ رَجُلٍ عَقَارًا، فَوَجَدَ الَّذِي اشْتَرَى الْعَقَارَ فِي عَقَارِهِ جِرَّةً فِيهَا ذَهَبٌ، فَقَالَ لَهُ الَّذِي اشْتَرَى الْعَقَارَ: خُذْ ذَهَبَكَ، إِنَّمَا اشْتَرَيْتُ مِنْكَ الْأَرْضَ وَلَمْ أَشْتَرِ الذَّهَبَ، وَقَالَ الَّذِي لَهُ الْأَرْضُ: إِنَّمَا بَعْتُكَ الْأَرْضَ وَمَا فِيهَا، فَتَحَاكَمَا إِلَى رَجُلٍ، فَقَالَ الَّذِي تَحَاكَمَا إِلَيْهِ: أَلَكُمَا وَلَدٌ؟ قَالَ أَحَدُهُمَا: لِي غُلَامٌ، وَقَالَ الْآخَرُ: لِي جَارِيَةٌ، قَالَ: أَنْكِحَا الْغُلَامَ الْجَارِيَةَ، وَأَنْفِقَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا مِنْهُ وَتَصَدَّقَا». متفق عليه.

۱۰۶۹. و از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «مردی از مردی دیگر زمینی خرید، خریدار در زمین تازه‌ی خود کوزه‌ای یافت که در آن سکه‌های طلا بود، خریدار به فروشنده گفت: طلایت را بگیرد که من فقط از تو زمین خریده‌ام نه طلا، فروشنده گفت: من زمین را با هرچه در آن بود به تو فروخته‌ام، (نتوانستند یکدیگر را قانع کنند و) قضاوت را نزد مردی بردند، آن مرد گفت: آیا شما دو نفر فرزند دارید؟ یکی از آنها گفت: من پسری دارم و دیگری گفت: من دختری دارم، مرد گفت: دختر را به نکاح پسر درآورید و آن سکه‌های طلا را خرج (ازدواج و زندگی) آن دو کنید و صدقه دهید!».

۱۰۷۰- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدَّمَاءِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۷۰. و از ابن مسعود - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «نخستین داوری و حکمی که در روز قیامت میان مردم انجام می‌شود، مسأله‌ی خون است»^۱.

۱۰۷۱- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «كَانَ خُلُقُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقُرْآنَ» رواه مُسْلِمٌ فِي جُمْلَةِ حَدِيثِ طَوِيلٍ.

۱۰۷۱. از حضرت عایشه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که فرمود: اخلاق و آداب پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم قرآن

بود.^۲

۱۰۷۲- وَعَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ، وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ كَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ». فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكْرَاهِيَهُ الْمَوْتَ، فَكُلُّنَا نَكْرَهُ الْمَوْتَ! قَالَ:

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۴۳۷)، م (۱۷۲۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۸۸۴)، م (۱۶۷۸)].

۳- مسلم [۷۴۶] آن را در طی یک حدیث طولانی روایت کرده است.

«لَيْسَ كَذَلِكَ، وَلَكِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا بُشِّرَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ وَجَنَّتِهِ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ، وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا بُشِّرَ بِعَذَابِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ، كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ، وَكَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ». رواه مسلم.

۱۰۷۲. و از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که دیدار خدا را دوست بدارد، خداوند نیز دیدار او را دوست می‌دارد و کسی که دیدار خدا را دوست نداشته باشد، خداوند نیز دیدار او را دوست نخواهد داشت». حضرت عایشه - رضی الله عنها - می‌گوید: گفتم: ناخوشایندی و زشت شمردن مرگ را می‌فرمایید؟ همه‌ی ما مرگ را ناخوش می‌داریم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چنین نیست، ولی وقتی مؤمن به رحمت خدا و رضایت و بهشت او مژده داده شود، دیدار خدا را دوست می‌دارد، پس خداوند نیز دیدار او را دوست خواهد داشت و کافر وقتی از عذاب و خشم خدا ترسانده و مژده‌ی آن را به وی بدهند، دیدار خدا را ناخوش می‌دارد و خداوند نیز دیدار او را ناخوش می‌دارد»^۱.

۱۰۷۳ - وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ صَفِيَّةَ بِنْتِ حُيَيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعْتَكِفًا، فَأَتَيْتُهُ أُزُورُهُ لَيْلًا. فَحَدَّثْتُهُ ثُمَّ قُمْتُ لِأَنْقَلِبَ، فَقَامَ مَعِيَ لَيْقَلِينِي، فَمَرَّ رَجُلَانِ مِنَ الْأَنْصَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَلَمَّا رَأَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْرَعَا. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَلَى رَسُولِكُمَا، إِنَّهَا صَفِيَّةُ بِنْتِ حُيَيٍّ» فَقَالَا: سُبْحَانَ اللَّهِ! يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِّ، وَإِنَّ يَ حَشِيئَتُ أَنْ يَقْدِفَ فِي قُلُوبِكُمَا شَرًّا أَوْ قَالَ: شَيْئًا». متفق عليه.

۱۰۷۳. و از ام المؤمنین صفیه دختر حی - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد اعتکاف کرده بود، شبی به خدمت او آمدم تا زیارتش کنم، با او صحبت کردم، سپس خواستم برگردم، با من برخاست تا مرا بدرقه کند که دو مرد انصاری - رضی الله عنهما - عبور کردند، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند، هر دو به سرعت خود افزودند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آرام و متین راه بروید؛ او صفیه دختر حی است». گفتند: سبحان الله، ای رسول خدا! فرمودند: «شیطان در بدن انسان مانند خون جاری است، و من ترسیدم که در دل‌های شما خیال بدی را بیندازد» یا فرمودند: «چیزی القا کرده باشد»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۸۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۳۵)، م (۲۱۷۵)].

۱۰۷۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَتَأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغَدْيُهُ بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابَ لِدَلِكِ؟» رواه مسلم.

۱۰۷۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مردم! خداوند پاک است و جز پاک را قبول ندارد و خداوند مؤمنان را به همان امری که به پیامبران مرسل فرموده، امر کرده است، آن جا که خداوند متعال می فرماید:

﴿يَتَأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ (المؤمنون / ۵۱)

«ای پیامبران مرسل! از روزی های پاکیزه بخورید و رفتار شایسته انجام دهید.»

و در آیهی دیگری می فرماید:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (البقره / ۱۷۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه های آن چه که روزی شما کرده ایم، بخورید.»

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی نام برد که: «در حالی که ژولیده و خاک آلود است، به سفری طولانی می رود (سفر حج یا...) و در طول سفر دست هایش را مرتب به سوی آسمان بلند می کند و می گوید: خدایا! خدایا! و تضرع و زاری می کند، و حال آن که خوراک و آشامیدنی و پوشاک وی، از مال حرام می باشد و با حرام تغذیه شده است، چنین عبادتی و دعایی چگونه قبول خواهد شد؟!»^۱

۱۰۷۵- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يُرَكَّبُهُمْ، وَلَا يَنْظَرُ إِلَيْهِمْ، وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: شَيْخٌ زَانٍ، وَمَلِكٌ كَذَّابٌ، وَعَائِلٌ مُسْتَكْبِرٌ» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است: [(۱۰۱۵)].

۱۰۷۵. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت با آنان صحبت نمی کند و آنها را از گناه پاک نمی سازد، و به آنها نظر (مرحمت) نمی اندازد و برای ایشان عذابی دردناک آماده است: (۱) پیرمرد زناکار، (۲) پادشاه بسیار دروغگو (۳) فقیر متکبر»^۱.

۱۰۷۶ - وَعَنْ عُمَرُو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ، فَاجْتَهَدَ، ثُمَّ أَصَابَ، فَلَهُ أَجْرَانِ، وَإِنْ حَكَمَ وَاجْتَهَدَ، فَأَخْطَأَ، فَلَهُ أَجْرٌ» متفق عليه.

۱۰۷۶. و از عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «هرگاه حاکم (شرع)، حکمی صادر و اجتهاد کرد و اجتهادش به حق اصابت نمود دو پاداش دارد و اگر حکمی صادر و اجتهاد کرد و اجتهادش خطا و اشتباه بود، یک اجر دارد»^۲.

۱۰۷۷ - وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَذَرَ أَنْ يُطِيعَ اللَّهَ فَلْيُطِعْهُ، وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعُصِيَ اللَّهَ، فَلَا يَعُصِهِ» رواه البخاري.

۱۰۷۷. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس نذر کرد که خدا را اطاعت کند، او را اطاعت کند و هرکس نذر کرد که از فرمان خدا سرپیچی کند، از فرمان او سرپیچی نکند»^۳.

۱۰۷۸ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قَالَ رَجُلٌ: لَأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِ سَارِقٍ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصَدِّقَ عَلَيَّ سَارِقٍ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِ زَانِيَةٍ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصَدِّقَ اللَّيْلَةَ عَلَيَّ زَانِيَةٍ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ زَانِيَةٍ؟! لَأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِ غَنِيِّ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصَدِّقَ عَلَيَّ غَنِيٍّ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ سَارِقٍ، وَعَلَيَّ زَانِيَةٍ، وَعَلَيَّ غَنِيٍّ، فَأَتَنِي فَقِيلَ لَهُ: أَمَا صَدَقْتُكَ عَلَيَّ سَارِقٍ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَسْتَعْفَ عَنْ سَرَفَتِهِ، وَأَمَّا الرَّزَانِيَةُ فَلَعَلَّهَا تَسْتَعْفَ عَنْ زَنَاهَا، وَأَمَّا الْغَنِيُّ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَعْتَبِرَ، فَيُنْفِقَ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» رواه البخاري بلفظه، ومُسلِّمٌ بمعناه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۰۷].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۳۵۲)، م (۱۷۱۶)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۶۶۹۶].

بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَإِنِّي كُنْتُ كَذَبْتُ ثَلَاثَ كَذَبَاتٍ؛ نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَىٰ غَيْرِي، اذْهَبُوا إِلَىٰ مُوسَىٰ، فَيَأْتُونَ مُوسَىٰ فَيَقُولُونَ: يَا مُوسَىٰ، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ، فَضَلَّكَ اللَّهُ بِرِسَالَتِهِ وَبِكَلَامِهِ عَلَى النَّاسِ، اشْفَعْ لَنَا إِلَىٰ رَبِّكَ، أَلَا تَرَىٰ إِلَىٰ مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَيَقُولُ: إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضِبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَإِنِّي قَدْ قَتَلْتُ نَفْسًا لَمْ أُؤْمَرْ بِقَتْلِهَا، نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَىٰ غَيْرِي؛ اذْهَبُوا إِلَىٰ عِيسَىٰ. فَيَأْتُونَ عِيسَىٰ فَيَقُولُونَ: يَا عِيسَىٰ، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ، وَكَلِمَتُ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ، اشْفَعْ لَنَا إِلَىٰ رَبِّكَ، أَلَا تَرَىٰ إِلَىٰ مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَيَقُولُ عِيسَى: إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضِبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَلَمْ يَذْكَرْ ذَنْبًا، نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَىٰ غَيْرِي، اذْهَبُوا إِلَىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وفي رواية: «فَيَأْتُونِي فَيَقُولُونَ: يَا مُحَمَّدُ، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ، وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ، اشْفَعْ لَنَا إِلَىٰ رَبِّكَ، أَلَا تَرَىٰ إِلَىٰ مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَأَنْطَلِقُ فَآتِي تَحْتَ الْعَرْشِ فَأَقْعُ سَاجِدًا لِرَبِّي، ثُمَّ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ مَحَامِدِهِ، وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يَفْتَحْهُ عَلَىٰ أَحَدٍ قَبْلِي، ثُمَّ يُقَالُ: يَا مُحَمَّدُ، ارْفَعْ رَأْسَكَ، سَلْ تُعْطَهُ، وَاشْفَعْ تُشْفَعُ، فَارْفَعْ رَأْسِي، فَأَقُولُ: أُمَّتِي يَا رَبِّ، أُمَّتِي يَا رَبِّ، أُمَّتِي يَا رَبِّ، فَيُقَالُ: يَا مُحَمَّدُ، أَدْخِلْ مِنْ أُمَّتِكَ مَنْ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَابِ الْأَيْمَنِ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، وَهُمْ شُرَكَاءُ النَّاسِ فِي مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْأَبْوَابِ». ثُمَّ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ مَا بَيْنَ الْمِصْرَاعَيْنِ مِنَ الْمِصْرَاعِ الْجَنَّةِ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَهَجَرَ، أَوْ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَبُصْرَى». متفقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۷۹. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما با پیامبر صلی الله علیه و آله در دعوتی بودیم، دست

گوسفندی را به خدمت او آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله از آن خوشش می آمد، قسمتی از آن را با دندانهای پیشین کند و تناول نمود، آن گاه فرمودند: «من سید و سرور مردمان در روز قیامت هستم، آیا می دانید علت آن چیست؟ خداوند، تمام گذشتگان و آیندگان را در یک مکان جمع می کند، چنان که نگاه کننده به آنها نگاه می کند و دعوت کننده به ایشان می شنواید و آفتاب به آنها نزدیک می شود و مردم از شدت اندوه و دلتنگی به درجه ای می رسند که طاقت تحمل آنرا ندارند و می گویند: آیا نمی بینید وضعی که شما درگیر آن هستید، شما را در چه وضعیتی انداخته است؟ آیا انتظار و امید کسی را دارید که نزد خدا برای شما شفاعت کند؟ و بعضی از مردم به بعضی دیگر می گویند: پدر شما آدم، و نزد او می آیند و می گویند: ای آدم! تو پدر بشری، خداوند تو را با دست خود آفرید و از روحش در وجودت دمید و به ملایکه امر کرد که برایت سجده برند و تو را در بهشت جای داد؛ نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! آدم می گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً

نیز چنین نمی‌شود و او مرا از خوردن ثمر آن درخت نهی فرمود و من نافرمانی کردم و من اکنون در فکر خودم هستم، خودم! نزد کسی دیگری غیر از من بروید، بروید پیش نوح. مردم نزد نوح می‌آیند و می‌گویند: ای نوح! تو اولین پیامبر مرسل برای اهل زمین هستی و خداوند تو را عبد شکور خوانده است؛ نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! او نیز می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود، من بر طایفه‌ی خود بد دعایی کردم و اکنون در فکر خودم هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش ابراهیم. مردم نزد ابراهیم می‌آیند و می‌گویند: تو پیامبر خدا و دوست مخلص و برگزیده‌ی او از میان مردم هستی؛ نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! ابراهیم می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود، من سه دروغ گفته‌ام و من اکنون در فکر خود هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش موسی. نزد موسی می‌آیند و می‌گویند: ای موسی! تو پیامبر خدایی و خداوند تو را با رسالت و همصحبتی خود بر مردمان برتری داد، نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! موسی می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود، من قبلاً یک نفر را کشته‌ام که به کشتن او امر نشده بودم و من اکنون در فکر خود هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش عیسی. نزد عیسی می‌آیند و می‌گویند: ای عیسی! تو رسول خدا و کلمه‌ی او هستی که آن را به مریم القا کرد و روح خدایی و در گهواره با مردم سخن گفتی، نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! عیسی می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود - اما گناهی را از خود ذکر نکرد - من اکنون در فکر خود هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش محمد ﷺ.

و در روایت دیگری آمده است: «مردم نزد من می‌آیند و می‌گویند: ای محمد! تو فرستاده‌ی خدا و خاتم پیامبران هستی، و خداوند همه‌ی گناهان تو را آمرزیده است، برای ما نزد پروردگار خویش شفاعت کن، آیا حال ما را نمی‌بینی؟ من برخاسته و زیر عرش می‌آیم، برای پروردگار خویش سجده می‌نمایم، بعد از آن خداوند برای ستایش خویش، بهترین ثنا بر ذات خود را به من می‌آموزاند که قبل از من به هیچ کس یاد نداده بود، بعد گفته میشود: ای محمد! سر خود را بلند کن، بخواه برای تو داده میشود، شفاعت کن شفاعت تو پذیرفته میشود، من سر خود را بلند میکنم و

می گویم: ای پروردگار من! امت من. (سه بار تکرار می کنم)، پس از این گفته می شود: ای محمد! کسانی از امت تو که بر آنها حساب نیست را از درِ راست درهای جنت وارد آن کن، و امت تو با بقیه‌ی مردم در دروازه‌های دیگر نیز شریک هستند، بعد از آن فرمودند: قسم به ذاتی که جان من در دست او است بین دو مصراع جنت مسافتی مانند مسافت مکه و هَجْر (شهریست در بحرین) است، و یا مسافتی مانند مسافت مکه و بُصری (شهریست در حوران در جنوب دمشق)». بخاری و مسلم.

بخش بیستم:
کتاب استغفار

۳۵۲- باب الأمر بالاستغفار وفضله

باب امر به استغفار و فضیلت آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَسْتَغْفِرُ لَذُنُوبِكَ وَاللَّمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ (محمد / ۱۹)

«برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن، آمرزش بخواه.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنْ كَانَ اللَّهُ كَانَ غُفُورًا رَحِيمًا﴾ (النساء / ۱۰۶)

«و از خدا، آمرزش بخواه، بی گمان خداوند بس آمرزنده و مهربان است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (النصر / ۳)

«پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آمرزش بخواه که خدا بسیار توبه پذیر است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾

«برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند، در نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که نه‌های آب در زیر

آنها جاری است.»

تا آن جا که می فرماید:

﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾ (آل عمران / ۱۵-۱۷)

«و آنان که صبحگاهان طلب مغفرت می کنند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهُ يَجِدِ اللَّهُ غُفُورًا رَحِيمًا﴾ (النساء / ۱۱۰)

«هرکس که کار بدی بکند، یا (با انجام گناه) بر خود ستم کند، سپس از خدا آمرزش بطلبد، خدا را

آمرزنده‌ی مهربان خواهد یافت.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴾
(الأنفال/۳۳)

«چنان نیست که خداوند، در حالی که تو در میان آنان هستی، ایشان را عذاب کند و هم‌چنین خداوند ایشان را عذاب نمی‌دهد، در حالی که آنان طلب بخشش و آمرزش می‌نمایند».
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴾ (آل عمران / ۱۳۵)

«و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشان ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند و آمرزش گناهان خود را خواستار می‌شوند - و به جز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ - و با علم و آگاهی بر چیزی که انجام داده‌اند، پافشاری نمی‌کنند».

وَالآيَاتُ فِي الْبَابِ كَثِيرَةٌ مَعْلُومَةٌ.

آیات در این مورد، فراوان و معلوم است.

۱۰۸۰- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كُنَّا نَعُدُّ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَجْلِسِ الْوَاحِدِ مِائَةَ مَرَّةٍ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديث صحيح.

۱۰۸۰. و از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و سلم بودیم و از او می‌شنیدیم و می‌شمردیم که در یک مجلس، صد مرتبه می‌فرمودند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ خدایا! مرا بیامرز و توبه‌ی مرا قبول فرما که به حقیقت تو توبه‌پذیر و مهربانی»^۱.

۱۰۸۱- وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَإِنْ كَانَ قَدْ فَرَّ مِنَ الرَّحْفِ» رواه أبو داود والترمذي والحاكم، وقال: حديث صحيح على شرط البخاري ومسلم.

۱- ابوداود [(۱۵۱۶)] و ترمذی [(۳۴۳۰)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی صحیح است.

۱۰۸۱. و از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**: طلب آمرزش می‌کنم از خدایی که هیچ خدایی جز او نیست، و زنده و پایدار است، و به درگاه او توبه می‌کنم، گناهانش آمرزیده می‌شود اگرچه از جنگ هم فرار کرده باشد»^۱.

۱۰۸۲ - وعن شَدَادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. مَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا، فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» رواه البخاري.

۱۰۸۲. و از شداد بن اوس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سید استغفار آن است که انسان بگوید: **اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ**: بارخدایا! تو پروردگار منی، جز تو خدایی نیست، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و تا حدی که بتوانم بر پیمان و وعده‌ی تو وفادارم، از شر اعمال خودم به تو پناه می‌برم، به همه‌ی رحمت و نعمت که بر من ارزانی داشتی، اقرار می‌کنم و به گناهم، اعتراف می‌نمایم پس مرا بیامرز که همانا جز تو کسی نیست که گناهان را بیامرزد. هر کس در روز این دعا را بخواند و به آن اعتقاد داشته باشد و آن روز پیش از غروب بمیرد از اهل بهشت می‌باشد و نیز و هر کس در شب آن را بخواند و به آن اعتقاد داشته باشد و همان شب پیش از صبح بمیرد، از اهل بهشت است»^۲.

(به احادیث شماره: ۱۰ و ۲۶۷ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۱۵۱۷] و ترمذی [۳۵۷۲] و حاکم [۵۱۱/۱] روایت کرده‌اند و حاکم گفته است: حدیثی حسن بنا بر شرط بخاری و مسلم است.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۳۰۶].

۳۵۳- باب بیان ما أعدّ الله تعالی للمؤمنین فی الجنة

باب بیان آنچه خداوند برای مؤمنان در بهشت آماده کرده است

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ أَدْخُلُوها بِسَلْمٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾﴾ (الحجر / ۴۵-۴۸)

«بی گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران به سر می برند؛ با اطمینان خاطر و بدون هیچ گونه خوف و هراسی به این باغها و چشمه سارها درآیند؛ و کینه توزی و دشمنانگی را از سینه هایشان بیرون می کشیم و برادرانه بر تختها رویاروی هم می نشینند. در آنجا خستگی و رنجی بدیشان نمی رسد و از آنجا بیرون نمی شوند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَعْبَادِ لَا حَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِكَايِتَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ﴿٧١﴾ وَفِيهَا مَا نَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ﴿٧٢﴾ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧٣﴾﴾ (الزخرف / ۶۸-۷۳)

«ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه غم و اندوهی دارید. آن بندگان که به آیات ما ایمان آوردند و مسلمان (و مطیع فرمان آفریدگار) بوده اند. شما و همسرانتان به بهشت درآیند، در آنجا شادمان و محترم خواهید بود. برایشان کاسه ها و جامه های زرین به گردش درانداخته می شود و هرچه دل بخواهد و هرچه چشم از آن لذت ببرد، در بهشت وجود دارد و شما در آنجا جاودانه خواهید بود. این بهشتی است که به سبب کارهایی که می کرده اید، بدان دست یافته اید. در آنجا برایتان میوه های فراوان (و گوناگونی) است که از آنها می خورید و استفاده می کنید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥٧﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٨﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٩﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٦٠﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿٦١﴾ لَا يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ﴿٦٢﴾ وَوَقَّعْنَا لَهُمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٦٣﴾ فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾ (الدخان / ۵۱-۵۷)

«بی گمان پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند. در میان باغها و چشمه سارها. آنان لباس هایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند. بهشتیان این چنین هستند و زنان بهشتی سیاه چشم، چشم درشت را نیز به همسری آنان در می آوریم، آنان در آن جا هر میوه ای را که بخواهند، می طلبند و (از هر نظر) در امان هستند. آنان هرگز در آن جا مرگی جز همان مرگ نخستین نخواهند چشید و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته است. همه ی این ها فضل و بخششی از سوی پروردگار توست. این رستگاری و خوشبختی بزرگی است.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٦٤﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٦٥﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٦٦﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُومٍ ﴿٦٧﴾ خَتَمُهُ مِسْكٌ ﴿٦٨﴾ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٦٩﴾ وَمَرَاجُهُمْ مِّن تَسْنِيمٍ ﴿٧٠﴾ عَيْنًا يُشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴾ (المطففين / ۲۲-۲۸)

«بی گمان نیکان در میان انواع نعمت های فراوان بهشت به سر خواهند برد. بر تخت های مجلل تکیه می زنند و می نگرند. خوشی و خرمی و نشاط حاصل از نعمت را در چهره هایشان خواهی دید. به آنان از شراب زلال و خالصی داده می شود که دست نخورده و سر بسته و مهر و در بند آن از مشک است؛ مسابقه دهندگان باید برای به دست آوردن این با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند. آمیزه ی آن تسنیم است. تسنیم چشمه ای است که مقربان از آن می نوشند.»

والآيات في الباب كثيرة معلومة.

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۱۰۸۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ،

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷]. متفق علیه.

۱۰۸۳. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال فرموده است: برای بندگان صالح خودم چیزی را آماده کرده‌ام که چشم ندیده و گوش نشنیده و بر قلب بشری خیال آن خطور نکرده است و اگر خواستید این آیه را بخوانید!»

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (السجده / ۱۷)

«و هیچ کس نمی‌داند که برای آنان (مؤمنان) از آن چه مایه‌ی نور چشم است - به پاداش کارهای نیکی که می‌کردند - چه چیزهایی آماده است.»

۱۰۸۴ - وَعَنْ الْمُعْبِرَةِ بِنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَأَلَ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَبَّهُ: مَا أَذْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ؟ قَالَ: هُوَ رَجُلٌ يَجِيءُ بَعْدَ مَا أُدْخِلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، فَيُقَالُ لَهُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ. فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، كَيْفَ وَقَدْ نَزَلَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ، وَأَخَذُوا أَخْدَاتِهِمْ؟ فَيُقَالُ لَهُ: أَتَرْضَى أَنْ يَكُونَ لَكَ مِثْلُ مُلْكِ مَلِكٍ مِّنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا؟ فَيَقُولُ: رَضِيْتُ رَبِّ، فَيَقُولُ: لَكَ ذَلِكَ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ، فَيَقُولُ فِي الْخَامِسَةِ: رَضِيْتُ رَبِّ، فَيَقُولُ: هَذَا لَكَ وَعَشْرَةُ أَمْثَالِهِ، وَلَكَ مَا اشْتَهَتْ نَفْسُكَ، وَلَدَّتْ عَيْنُكَ. فَيَقُولُ: رَضِيْتُ رَبِّ. قَالَ: رَبِّ فَأَعْلَاهُمْ مَنْزِلَةٌ؟ قَالَ: أُولَئِكَ الَّذِينَ أَرَدْتُ؛ غَرَسْتُ كَرَامَتَهُمْ بِيَدِي، وَخَتَمْتُ عَلَيْهَا، فَلَمْ تَرَ عَيْنٌ، وَلَمْ تَسْمَعْ أُذُنٌ، وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٌ». رواه مسلم.

۱۰۸۴. و از مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «موسی صلی الله علیه و آله از خداوند سؤال کرد: پایین‌ترین اهل بهشت از لحاظ مرتبه کیست؟ فرمودند: مردی است که بعد از آن که اهل بهشت داخل آن شدند، می‌آید و به او گفته می‌شود: داخل بهشت شو، می‌گوید: ای خدای من! چگونه داخل شوم در حالی که مردم به منازل خود فرود آمده و عطاها و نعمت‌های خود را از تو گرفته‌اند؟ به او خطاب می‌شود: آیا راضی می‌شوی که برای تو ملکی به اندازه‌ی ملک یکی از پادشاهان دنیا باشد؟ می‌گوید: راضی شدم، ای خدای من! بعد خداوند می‌فرماید: آن و مثل آن و مثل آن و مثل آن برای تو باشد، و در بار پنجم، او می‌گوید: خدای من! راضی شدم و خداوند می‌فرماید: آن و ده برابر آن برای تو باشد و هرچه نفس تو آرزو کند و چشم تو از آن لذت

ببرد، از آن تو باشد، می‌گوید: ای پروردگارم! راضی شدم؛ بعد موسی پرسید: خدای من! بزرگ‌ترین آنها در مقام و مرتبه کیست؟ در جواب می‌فرماید: آنان کسانی هستند که آنان را می‌خواهم و برگزیده‌ام، درخت کرامت و بزرگواری آنان را با دست خود کاشته و بر آن مهر زده‌ام (دیگر تغییر و فنا نخواهد داشت) و هیچ چشمی چنین کرامتی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل هیچ بشری خطور نکرده است.^۱

۱۰۸۵- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يَسِيرُ الرَّكَّابُ الْجَوَادُ الْمُضْمَرَّ السَّرِيعَ مِائَةَ سَنَةٍ مَا يَقْطَعُهَا». متفقٌ عليه.

۱۰۸۵. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بهشت درختی وجود دارد که سوارکار بر اسب تیز روی تربیت شده، صد سال می‌دود؛ و مسافت آن را نمی‌پیماید»^۲.

۱۰۸۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَقَابُ قَوْسٍ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا تَطْلُعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ تَغْرُبُ». متفقٌ عليه.

۱۰۸۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جای یک کمان از بهشت، از تمام آن چه که خورشید بر آن طلوع یا غروب می‌کند (همه‌ی دنیا) بهتر است»^۳.

۱۰۸۷- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ مِنْ فَوْقِهِمْ كَمَا تَتَرَاءَوْنَ الْكُوكَبَ الدُّرِّيَّ الْعَابِرَ فِي الْأَفْقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوْ الْمَغْرِبِ لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تِلْكَ مَنَازِلُ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ؟ قَالَ: «بَلَى، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ رَجُلٌ آمَنُوا بِاللَّهِ وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ». متفقٌ عليه.

۱۸۸۷. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اهل بهشت، ساکنان غرفه‌های بالای سر خود را نگاه می‌کنند، همان‌گونه که شما ستاره‌ی درخشان سیار را از مشرق و مغرب در افق می‌بینید و این به واسطه‌ی فرق بین درجات ایشان است»، گفتند: ای رسول خدا! آنها

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۳)، م (۲۸۲۸)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۳۳)].

منازل پیامبران خداست که کسی بدانها نمی‌رسد، فرمودند: «بله، سوگند به کسی که جان من در دست اوست، آنها مردانی هستند که به خدا ایمان آورده و پیامبران مرسل را تصدیق کرده‌اند»^۱.

۱۰۸۸- وعن أبي سعيدٍ وأبي هريرة رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يُنَادِي مُنَادٍ: إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيَوْا، فَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا، فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشَبَّهُوا فَلَا تَهْرَمُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنَعَمُوا، فَلَا تَبْأَسُوا أَبَدًا» رواه مسلم.

۱۰۸۸. و از ابوسعید و ابوهریره - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «وقتی که اهل بهشت داخل آن می‌شوند، منادی ندا می‌دهد که: شما حق دارید (و به شما وعده داده شده است) که همیشه زنده باشید و هرگز نمیرید و همیشه سالم و تندرست باشید و هرگز بیمار نشوید و همیشه جوان باشید و هرگز پیر نگردید، و حق و وعده‌ی شماست که همیشه از نعمت‌های بهشتی متنعم شوید و هیچ‌گاه غمگین نگردید»^۲.

۱۰۸۹- وعن أبي سعيدٍ الخُدري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُونَ: لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، فَيَقُولُ: هَلْ رَضِيتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: وَمَا لَنَا لَا نَرْضَى يَا رَبَّنَا وَقَدْ أَعْطَيْتَنَا مَا لَمْ تُعْطِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، فَيَقُولُ: أَلَا أُعْطِيكُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُونَ: وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُ: أُحِلُّ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي، فَلَا أَسْخَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا» متفق عليه.

۱۰۸۹. و از ابوسعید خدری - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خدای عزوجل به اهل بهشت خطاب می‌کند که: ای بهشتیان! می‌گویند: بله، مطیع و گوش به فرمانیم ای پروردگار ما و خوشی و سعادت ما از توست و منفعت و مصلحت به دست توست! می‌فرماید: آیا راضی شدید؟ جواب می‌دهند: چرا راضی نشویم، ای پروردگار ما! در حالی که چیزی به ما عطا فرموده‌ای که به کسی دیگر از آفریدگانت نداده‌ای. سپس خداوند می‌فرماید: آیا بهتر از آن را به شما عطا کنم؟ می‌گویند: مگر چه چیز از این الطاف و عطایا بالاتر است؟ می‌فرماید: رضایت و خشنودی خود را به شما عطا می‌کنم و بر شما فرو می‌ریزم و بعد از آن هرگز بر شما خشمگین نمی‌شوم»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۵۶)، م (۲۸۳۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۳۷)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۴۹)، م (۲۸۲۹)].

۱۰۹۰- وعن جرير بن عبد الله رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنَظَرَ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَقَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبِّكُمْ عَيْنًا كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۹۰. و از جریر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، به ماه شب چهارده نگاه کردند و فرمودند: «شما قطعاً پروردگار خود را خواهید دید، هم چنان که این قرص ماه را مشاهده می کنید و در رؤیت آن زحمتی ندارید»^۱.

۱۰۹۱- وعن ضهيب رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: تُرِيدُونَ شَيْئًا أَزِيدُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: أَلَمْ تَبَيِّضْ وُجُوهَنَا؟ أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ؟ فَيُكْشَفُ الْحِجَابَ، فَمَا أُعْطُوا شَيْئًا أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَى رَبِّهِمْ» رواه مُسْلِمٌ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٢١﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّاتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۖ وَءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (يونس: ٩).

۱۰۹۱. و از صهیب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگامی که بهشتیان داخل بهشت می شوند، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: چیزی می خواهید که برای شما زیاد کنم؟ جواب می دهند: آیا روی ما را سفید و نورانی نکردی؟ آیا ما را داخل بهشت نکردی و از آتش دوزخ نجات ندادی؟ آن گاه پرده از جلو چشم آنان برمی دارد، (آن گاه بهشتیان درمی یابند که) چیزی بهتر و محبوب تر از تماشای جمال پروردگارشان، به ایشان عطا نشده است»^۲.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٢١﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّاتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۖ وَءَاخِرُ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۵۴)، م (۶۳۳)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۱)].

دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿يونس / ۹-۱۰﴾

خداوند متعال می‌فرماید: «بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمان هدایت می‌نماید و جویبارها در زیر (کاخ‌های) ایشان در بهشت خوش و پر نعمت روان است؛ در بهشت دعای مؤمنان: پروردگارا! تو منزهی، و درود آنان در آن که سلام بر شما باد، و ختم دعا و گفتارشان این است که: شکر و سپاس و ستایش، پروردگار جهانیان را سزااست.»